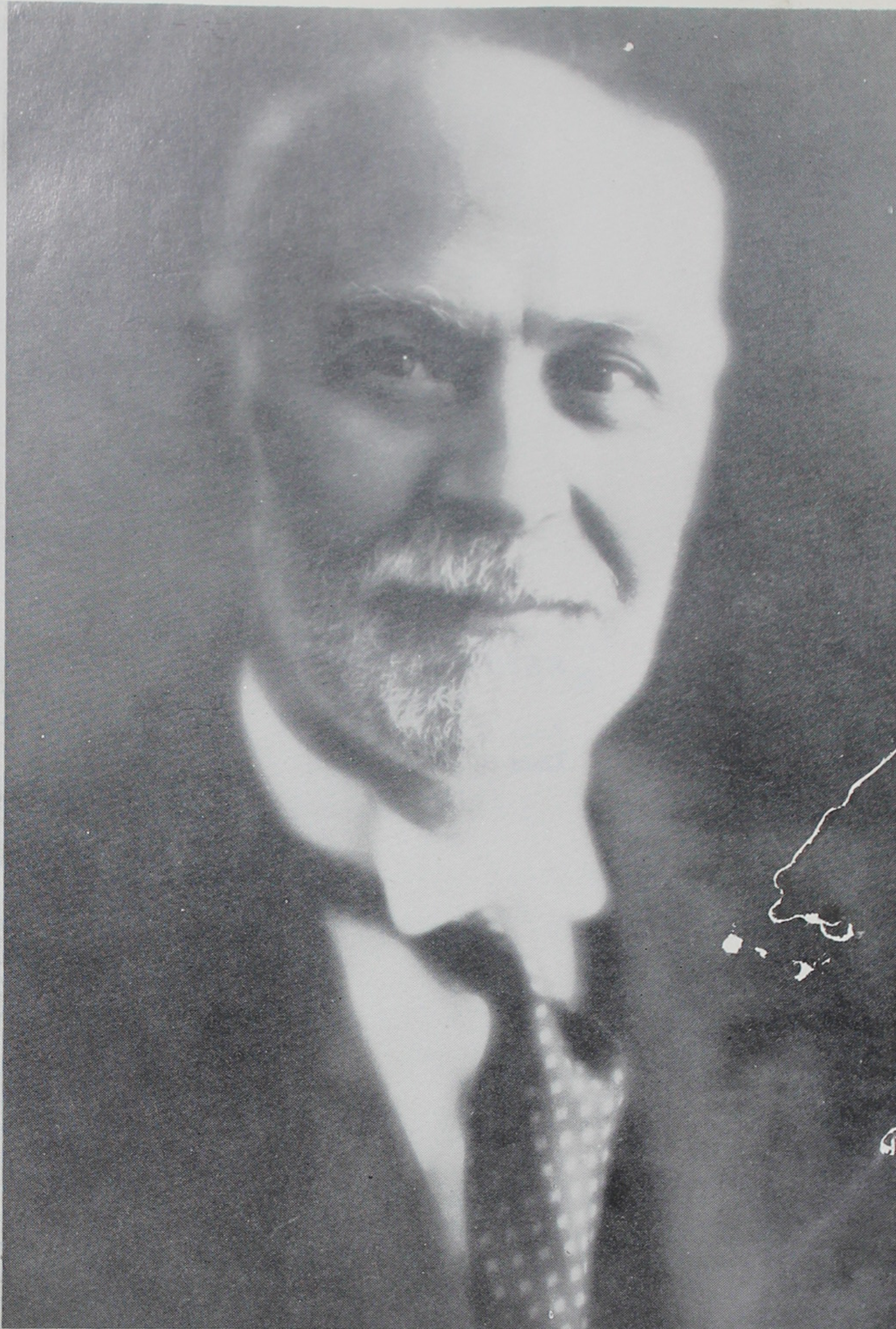

بجناب آقای دکتر رضازاده شفق

مازلت تكتب فی التاریخ مجتهداً
حتی رأیتك فی التاریخ مكتوباً

محیط سیاسی و زندگانی

مُشیرالدّوله

(حسن پیرنیا)

نگارش :

باستانی پاریزی

فارغ‌التحصیل دورهٔ دکتری تاریخ
دبیر دانشکدهٔ ادبیات تهران

مهرماه ۱۳۴۱
از انتشارات
کتابخانهٔ ابن‌سینا
میدان مُخبرالدوله - تهران

چاپ مسطح شرکت سهامی افست

فهرست منابع

در تنظیم این شرح حال از منابعی که ذیلا نام‌برده میشود استفاده شده است .

الف : کتابها

انقلاب‌ایران ، ادوارد برون ، ترجمهٔ محمد عباسی

ایران‌باستان ، حسن‌پیر نیا، ۳جلد

ایران در جنگ بزرگ ، مورخ‌الدوله سپهر (احمدعلی‌خان)

بازیگران‌عصرطلائی ، ابراهیم‌خواجه‌نوری، زندگی مدرس،

بستان‌السیاحه ، زین‌العابدین شیروانی

پیغمبردزدان ، باستانی پاریزی

تاریخ‌انقلاب مشروطیت ایران ،مهدی ملک‌زاده ،چ۲

تاریخ ایران ، میجر سایکس ، ترجمهٔ فخرداعی ،

تاریخ‌بیداری‌ایران ، حبیب‌الله مختاری

تاریخ بیداری ایرانیان ، ناظم‌الاسلام کرمانی ،چاپ دوم

تاریخ پیدایش مشروطیت ایران ، محمدحسن ادیب هروی خراسانی

تاریخ‌روابط سیاسی ایران وانگلیس محمود محمود ،

تاریخ‌کرمان ، احمد علیخان وزیری ، تصحیح‌باستانی پاریزی

تاریخ‌مختصر احزاب سیاسی ، ملک‌الشعراء بهار (محمدتقی) ،

تاریخ‌مختصر بیست‌سالهٔ ایران.(ر.ك. کودتای۱۲۹۹)

تاریخ مردوخ ، مردوخ‌کردستانی،چ۲

تاریخ مشروطهٔ ایران وجنبش وطن پرستان اصفهان وبختیاری ،

تاریخ مشروطیت‌ایران ،احمدکسروی چاپ‌دوم

تاریخ‌مغول ، عباس‌اقبال

تاریخ‌نایین ، عبدالحجةصدر بلاغی

حیات‌یحیی ، یحیی‌دولت‌آبادی جلد ۲ و۳ و۴

خاطرات و خطرات ، مخبرالسلطنه هدایت،مهدیقلی‌خان

خطابهٔ آقای تقی زاده ، در باشگاه مهرگان ،

دیوان‌عارف،بکوشش‌دکتررضازادهٔشفق چاپ ۱۳۰۲

رستاخیزایران ، نوری‌اسفندیاری

روضة‌الصفا ،هدایت ،جلدقاجاریه

زندگانی سیاسی احمد شاه قاجار ، حسین‌مکی ،

زندگانی من ، عبدالله‌مستوفی۳جلد،

طرائق‌الحقایق،حاج‌نایب‌الصدرشیرازی

کتاب‌آبی ، مجموعهٔ اسناد مربوط به سالهای ۱۹۰۷ و۱۹۰۸، (ترجمه)

کتاب‌آرزو ، عباس‌اسکندری

کودتای۱۲۹۹(تاریخ مختصربیست‌سالهٔ ایران) حسین‌مکی ، ۳جلد

گزارش ایران ، مهدیقلی هدایت (مخبر - السلطنه)، جلد آخر

یکصد و پنجاه سال سلطنت ، امیر گیلانشاه

ب : مجلات و جرائد

مجلهٔ اطلاعات ماهانه ، سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷

مجلهٔ باستانشناسی ، سال ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ نشریهٔ ادارهٔ کل باستانشناسی

مجلهٔ جهان نو ، سال دوم

روزنامه حبل المتین ، سال سی و سوم

مجله خوشه ، سال ۱۳۴۰

سالنامهٔ دنیا ، سال هیجدهم ،

مجلهٔ نو بهار ،

مجلهٔ یادگار ، سال ۵

مجله یغما ، سال ۵ و ۷

ترجمهٔ احوال
حسن پیرنیا

بقلم آقای باستانی پاریزی
دبیر دانشکدهٔ ادبیات

شانزده سال پیش در یکی از روز های اواخر تابستان ۱۳۲۵ برای ادامهٔ تحصیلات عازم تهران بودم. قسمت عمدهٔ کویر لوت را از کرمان و رفسنجان تا اردکان وعقدا پشت سر نهاده به‌آبادیی‌رسیدم که نایین خوانندش، این آبادی شهری است ولی کوچك ودهی‌است امابزرگ. با این نام ناآشنا نبودم، حداقل شهرت عبای معروف آنرا در کتابها خوانده‌بودم، وبعض رجالش‌را بنام شناخته بودم، مسافرت ما با اتومبیل باری بود ومن ورفیق همکلاسم برفراز اتومبیل جای داشتیم وحرارت جوانی وتحصیل بهرحال گرممان داشت. ازدور گنبدی کبود دراین‌شهر بنظر آمد وهمسفران گفتند، مقبرهٔ پیری است درنایین، و دیگری گفت مقبره جدّ خانوادهٔ مشیرالدوله وپیرنیاهاست. ومراد میدهد!

من که سه جلد کتاب ایران باستان و ایران قدیم پیرنیا رادیده واجمالا خوانده بودم و مراد دل از تاریخ ایران قدیم یافته بودم سخنش را تصدیق کردم.

سالها ازین سفر گذشت، در دورهٔ دانشکده بارها کتاب ایران باستان را زیر ورو کردم، اما اطلاع مفصلی‌ازاحوال مؤلفش بدست نیاوردم. گاه گاه در بعض کتب تاریخ معاصر یا جراید بنام های مشیرالدوله یا مؤتمن‌الملك که کلمهٔ پیرنیا بدنبالش می آید برمیخوردم ولی هیچیك متضمن شرح حالی‌ازاین‌دونبود.

امسال که ایران باستان تجدید چاپ میشد، قرعهٔ فال بنام من آمد که سطوری چند درباب مردی، که بعقیده شخصی خود اورا بزرگترین رجل سیاسی و اخلاقی‌وفرهنگی معاصر می‌شناسم، بقلم آرم. این کار البته از حدّ چون منی خارج بود، چه بسیار کسان بودند که شایستگی بیشتر واطلاعات مفصلتر ازمن داشتند، ولی شیفتگی وعلاقهٔ من به سر گذشت این‌داهیهٔ قرن بیستم ایران، پای گستاخی راپیش آورد:

ایران باستان

همه در خورد وصال تو ومن از همه کم
همه حیران جمال تو و من از همه بیش

نگارش ترجمهٔ بزرگان‌عصر، خصوصاً کسی که چند دوره نمایندگی مجلس داشته وچهاربار بمقام صدارت مملکت رسیده وبیست بار درکابینه های مختلف وزیر بوده وهم‌اکنون بیش از ربع قرن ازوفات اونگذشته‌است، کاری دشوار است . چه اصولا تاریخ این‌ایام هنوز در عین بیطرفی وبی‌غرضی به رشتهٔ تحریر درنیامده، بسا ازبازیگران صحنه‌های آن، هنوز حیات دارند وطبعاً خاکسترشبهات ازچهرهٔ عقاید وآراء بر کنار نرفته وغرضها و کینه‌ها واوهام و تصورات از آئینهٔ دلها زدوده نشده است ، پس‌چگونه توان براحوال کسی بی‌غرضانه آگاه شد که حدود بیست و پنج سال عمرخودرا درکشاکش بزرگترین‌حوادث عصر گذرانده و در تحولات بزرگ کشور بحق عنصری مؤثر بوده‌است.

باهمهٔ این احوال به مصداق مالایدرك کلّه لایترك جله ، بقدر قدرت خـود دست بدین‌مهم یازیدم ، وشرح حالی تاحدی مختصر از مرحوم حسن‌خـان پیرنیا مشیرالدوله وپدرش میرزا نصرالله‌خان تهیه کردم که هرچند ناقص است ولی بهر-حال گوشه‌ای ازیك دوران کوتاه از تاریخ ایران را ــ که اتـفاقاً پر از حـوادث و پیش‌آمدهای مهم وسهمگین‌است‌ـ دربردارد .

مرحوم مشیرالدوله درپیدایش مشروطیت ، در ماجراهای محمدعلی‌شاه و مشروطه‌خواهان،دراعتراض‌به قرارداد ۱۹۰۷،درلغوقرارداد ۱۹۱۹، درختم قضایای خیابانی‌وجنگل واعادهٔ آذربایجان، دروقایع کوتای ۱۲۹۹، ودرقضایای جمهوریت، همه‌جا دخیل ووارد وعضومؤثر بوده وهمه جاجانب مردم وعامه ودرعین‌حال رعایت حق وحقیقت وانصاف‌وحفظ آرامش را میگـرفته است . شخصیت مـافوق عادی و قابل قبول اودربین اشراف وهم‌طبقات متوسط، باعث میشد که دربیشترمسایل‌عنوان حکم وواسطه داشته باشد. درپیدایش فرهنگ جدید وایجاد مدرسهٔ علوم سیاسی و حقوق وهمچنین ایجاد دادگستری جدید ایران سهم اکبرازآن اوست وباهمهٔ‌اینها نگارش‌سه جلد ایران باستان مقام وحق او را تابدان پایه بالامیبرد که حق‌فردوسی

وشاهنامه برملت ایران، باکمی تسامح، باآن تفاوت زیادی ندارد.

اینک باتوجه باین‌مراتب، به‌ترجمهٔ حال‌او وخاندانش می‌پردازیم:

پیر نائین درشهر نایین - بیست فرسنگی اصفهان و سی وپنج فرسنگی یزد — زیارتگاهی‌است بنام مصلی، که‌امروز مراد و مرجع اهالی نایین‌است و مردم را بدان اعتقادی است.

درین بارگاه عارفی‌روی درنقاب خاك کشیده که «**میرعبدالوهاب**» نام‌داشت و«درویشی بی خویش وعارفی‌حقیقت‌اندیش‌بود»[1]. حاجی‌عبدالوهاب ازعرفای سلسلهٔ نوربخشیه بود که خلافت را ازمیرمحمدتقی‌شاهی‌یافته بود.[2]

محمدحسن کوزه کنانی (آذربایجانی)، با پدرش رجبعلی از اوایل عهد قاجاریه از تبریز به یزد وسپس به نایین آمدند. محمدحسن‌خدمت پیررا دریافت و مرید او شد، و مقاماتی دریافت.

آقا محمد پسرحاج عبدالوهاب که‌در حیات پدر در گذشته بود سه‌دختر داشت که‌یکی‌را پیر[3] به‌مریدخود حاج‌محمدحسن کوزه کنانی‌داد. پیر بسال۱۲۱۲ه درگذشت و در نایین مدفون شدو خلافت ولقب او به حاجی‌محمد حسن رسید و این همان حاجی محمد حسن است که زمان عبور عباس میرزا نایب السلطنه و پسرش‌محمد میرزا ازنایین برای‌فرونشاندن انقلابات کرمان (۱۲۴۵)[4]،هنگامی که محمدمیرزا قلیانی چاق کرد و در خانقاه بدست حاجی داد، پیر دعایش کرد و

۱ـ زین‌العابدین شیروانی، بستان‌السیاحه، ذیل‌لغت نایین

۲ - حاجی نایب‌الصدر شیرازی، طرایق‌الحقایق ص۹۶

۳ـ کلمهٔ پیر که دراول بسیاری ازامکنه‌مقدس ایران آمده است (مثل پیرجاسوس وپیر حمزه وپیر بکران وپیر تاکستان وپیر داود وپیرجمال وپیرعلمدار وپیربنه و...) به معنای مقدس وپاك است وحتی کلمهٔ کتل پیرزن نیز که درفارس است، به معنای کتل زن مقدس باید باشد نه زن پیر ومقصود از آن فرشتهٔ ناهید بوده است.

درین باب رجوع کنید به مقالهٔ نگارنده تحت عنوان «ابنیهٔ دختر درایران، مجلهٔ باستانشناسی شماره ۱و۲، ص۱۳۳

٤ـ تاریخ کرمان مصحح نگارنده ص ۳۸۲

اورا پادشاه آینده خواند ، «ودرحضور والاکنایةً ودر غیاب صراحةً به پادشاهی محمدشاه اشارت کرد.»[1]

حاج محمد حسن نود و چهار سال مرحلهٔ زندگی طی کرده در سنهٔ ۱۲۵۰ مرحوم شده ...[2] واین عمارت مصلّی که امروز مزار اوست بدستور محمد شاه پس از یافتن مقام سلطنت ، ساخته شده است.[3]

آقامحمد پسر پیر عبدالوهاب، دو پسر نیز داشته که یکی را نام **ابوطالب** بود وازین پسر، پسری **محمد** نام پدید آمد واین محمد پدر میرزا **نصرالله خان** نائینی معروف است که مشیرالدوله لقب داشت وپدر حسن پیرنیا بود .

باید گفته شود که اولاد دختری پیر ، به پیرزاده شهرت دارند.[4] واولاد پسری او به پیرنیا ، واصلا این خانواده را در نایین خانوادهٔ مصلائی ها گویند.

اگر خاك هم بسرمیکنید ، پای تل بلندی بکنید.

مشیرالدولهٔ بزرگ

نصرالله خان در اوایل عمر از نایین جلای وطن کرده وبا سه سرمایهٔ بزرگ بتهران آمد، سرمایه او ازپشتکار وهمت مردم یزد ،زرنگی وهوش اهل اصفهان وقناعت وبردباری وحوصلهٔ مردم‌خور وبیابانک مایه میگرفت، نایین درمیان این سه ناحیهٔ معروف ایران واقع است.

میگویند مدتی به کتابت تحصیل معاش میکرده، بعد دراداره میرزاعبدالوهاب خان نصیرالدوله (آصف‌الدوله) نوکری پیدا کرد که تقریباً ماهی به دوسه تومان مواجب خدمت میکرد تا زمانیکه میرزاسعیدخان مؤتمن‌الملك وزیر امور خارجه میشود میرزا نصرالله‌خان هم آن اوقات داخل وزارت امور خارجه شده وپس‌ازمدتی

---

۱ ــ روضة‌الصفا، جلدقاجاریه ذیل وقایع ۱۲۴۶ ،

۲ ــ صدر بلاغی حاشیهٔ تاریخ نایین، ض۱۲۴

۳ ــ هدایت ، خاطرات وخطرات ، ص ۲۰۴

۴ ــ معروف‌ترین آنان حاجی پیرزادهٔ نایینی است، رك: ایرج افشار، ادوارد برون وحاجی پیرزاده، یغما، ۷: ۴۲۰

که در آن اداره خدمت میکند، مرحوم ابراهیم‌خان نایب‌الوزاره به‌کارگذاری‌مهام خارجهٔ آذربایجان مأمور ومیرزا نصرالله هم بسمت منشی گری او به تبریز میرود و در آنجا متأهل میشود ودختر حاجی **میرزا تقی** آجودان کارگذاری‌را [که مادر حسن پیرنیا باشد] اختیار میکند. و بعد از فوت نایب‌الوزاره بـه تهران مراجعت میکند».[1]

اودرا بتدا دروزارت لشکرسمت محاسب وسررشته‌داری داشت ، رفته‌رفته پیش میرفت تامورد توجه اتابك قرار گـرفت ، میرزا **علی‌اصغرخان** سر انجام وزارت لشکررا باو ارزانی داشت، در زمانیکه وزارت مخازن عسکری بامعیرالممالك بود او وزارت لشکرراداشت وبودجهٔ مخازن توسط وی‌تصویب وامضاء میشد.[2] در۱۳۱٤ فرمانفرما وزارت جنگ را بشرط قبول وزارت لشکرمشیرالدوله، پذیرفت .[3]

در ابتدای‌کار وزارتخارجه (۱۲۹۹) لقب مصباح‌الملکی داشت ودر ۱۳۰۸ به مشیرالملك ملقب‌شد. بعدازقتل ناصرالدین‌شاه محسن خان مشیرالدوله که وزارت خـارجه را داشت و برای استعلاج به فرنگ رفته بود درپاریس در گـذشت . درین وقت اتابك، میرزا نصرالله خان را از وزارت لشکر به وزارت خارجـه آورده ودرماه ربیع‌الثانی سال۱۳۱۷ وزارت خارجه ولقب مشیرالدوله را باو سپردند.[4]

۱ـ ناظم‌الاسلام ، تاریخ بیداری ایرانیان ص٤٤٤

۲ـ درباب‌روابط اتابك ومشیرالدوله گویند: مشیرالدوله تاآنجا مورد اطمینان‌بود که مهر اتابك دردست او بود ونامه های اورا به مهر میرساند وسپس مهررا در کـیسه گذارده به اتابك میداد. روزی پس‌ازرفتن مشیرالدوله ازمنزل‌اتابك، تلگرافی آوردند که قرار بود اتابك مهر کند، صدراعظم کیسه را به دکتراحیاءالملك شیخ داد که باز کند و تلگراف رامهر نماید، اوبادم خویش مهررا مرطوب ساخت وبر کاغذ چسباند، ولی پس‌از مهر کردن بخنده افتاد ، اتابك گفت حکیم چرا بیخودی میخندی؟ دکترجواب داد، برای اینکه مهر آقا را چسباندم ولی‌اثرمهر مشیرالدوله رامیخوانم ! معلوم شد مشیرالدوله‌پس ازمهر کردن نامه‌ها، مهرخود را در کیسه نهاده و مهراتابك راهمراه برده بود.
(دوستعلی‌معیرالممالك، یغما : ۹ :۲۷٥) .

۳ـ ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان ص٤٤٤

٤ ـمستوفی ، زندگـانی من ، ص۹۸، تاریخ بیداری ص٤٤٥، تاریخ نایین ص١٥٤

رسم بخشیدن القاب در آن دوران چنین بود که دیواری فرومیریخت و گودالی پر میشد!

مشیرالدوله بزرگ و آزادیخواهی دراین ایام بود که انقلاب مشروطیت ایران بمرحلهٔ نهایی رسیده صورت ظهور وبروزمی‌یافت وآزادیخواهان واحراراز گوشه و کنارسر بلند کرده آزادی وعدالت میخواستند، البته درباروا طرافیان مستبد مظفرالدین‌شاه که عین‌الدوله رأس آنان بودچون دیواری قطور ولی از خشت وخاك دربرابر امواج پرصدا وپرجوش‌وخروش‌مشروطیت‌ایستاد والبته‌بی‌نتیجه ماند. پس از عزل اتابك وعزیمتش به صوب حجاز عین‌الدوله صدر اعظم شد ، درهمانروزهایی که عین‌الدوله دربرابرعلماء ومشروطه خواهان ایستاده وکوس لمن الملکی میکوفت وتجار وعلماء به قم مهاجرت کرده بودند ، نصرالله خان مشیرالدوله رل میانجی‌را داشت، وحتی«مقررشد که مشیرالدوله باجمعی ازرؤسای تجار روانهٔ قم شده‌علماء را بر گردانند و به مشیرالدوله وکالت تام میدهند که از طرف دولت هرقراری که صلاح بدانند با علماء بدهد وهر گونه اقدامی‌لازم باشد بنماید ، و او آمادهٔ رفتن میشود که درهمین‌حال (بقول معروف گاه باشد که کودکی‌هم‌به غلط تیری‌به هدف بزند) تلگراف ازتبریز ازطرف ولیعهد به توسط مشیرالدوله به شاه میشودحاصلش آنکه بخاطر یکنفر [عین‌الدوله] نمیشود چشم ازسلطنت پوشید، بالنتیجه‌شاه برای عزل‌اتابك‌حاضر میشود واودر۷ جمادی‌الاول ۱۳۲٤ استعفانمود[۱].» البته‌استعفای‌اوعادی نبود،عین‌الدوله دربرابر حریفها پایداری میکرد و استعفا نمیکرد وسرانجام بعنوان اعتراض‌به مبارك‌آباد رفت. روزی ناصرالملك ومشیرالدوله که ازطرف شاه حامل پیامهای سخت بودند به قهر به‌خانهٔ او رفته مجبوربه استعفایش کردند، مشیرالدوله بجای‌او وزیراعظم وسپس صدراعظم شد.[۲]

روزچهارشنبه دهم جمادی‌الآخر ۱۳۲٤ هجری بود که بازارها بسته شد و

---

۱ ـ حیات یحیی، ج۲ ص۷٦و۷۸

۲ـ رجال عصر ناصری، یغما، ۹: ۲۸۵

محصلین مدارس درسفارت انگلیس چادر زدند ودرهمین حال مردی که سواز قاطر بود وارد سفارتخانه شد و گفت «مردم مژده دهید که عین‌الدوله معزول گردید.» باری منصب صدارت رادادند به‌مشیرالدوله که سی‌سال قبل منشی نظام‌السلطنه بود ومواجب اودر ماه سه تومان بود[1].

مشیرالدوله اول کاری که کرد، دست به آزادی محبوسین سیاسی زد. توضیح آنکه میرزا آقای اصفهانی از محبس کلات تلگرافی بدین مضمون به مشیرالدوله مخابره کرد:

دیدی که خون ناحق پروانه شمع را
چندان امان نداد که شب را سحر کند

مشیرالدوله گفت ازاعلیحضرت‌شاه استدعا میکنم که محبوسین‌را مرخص نمایند. با روحیهٔ حریت‌دوستی که‌مشیرالدوله‌داشت وباروابط صمیمانه و کریمانه‌ای که‌میان او وشاه‌بود. چند روزبعد فرمان‌مشروطیت را ازمظفرالدین‌شاه گرفت[2] وازعلما که از تهران‌خارج شده بودند درخواست‌مراجعت کرد وسپس طی اعلامیه‌ها ولوایحی‌مردم را به تشکیل مجلس وانجام انتخابات ورعایت اصول دموکراسی امیدوار ومطمئن ساخت![3] وهمهٔ اینها بکمك فرزندانش خصوصاً **حسن‌خان** صورت گرفت که مفصلا دربن‌باره سخن خواهیم گفت.

روزیکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۴، بواسطهٔ نزاعی که بین مجدالدوله و امیربهادر شده بود در مجلس صدراعظم، وبه شرف صدارت برخورده بودلذا صدراعظم درمقام

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص۴۵۸

۲ـ روابط مظفرالدین‌شاه با مشیرالدوله بسیارحسنه بود وبسا اوقات شوخیهایی مناسب نیز فیمابین میآمد، معیرالممالك مینویسد:

روزی مظفرالدین‌شاه وضومیساخت ودرین هنگام مشیرالدوله در کنارش ایستاده بود، شاه انگشتری زمردی درشت وعالی که در دست داشت از انگشت درآورده به مشیرالدوله داد و او هم بلافاصله تعظیم عظیمی بعمل آورد وانگشتری را بوسیده و در انگشت کرد و گفت: خداوند سایهٔ مبارك قبلهٔ عالم را از سرخانه زاد خدمتگزار کوتاه نفرماید!!

۳ـ برون، انقلاب ایران ص۱۲۱

استعفا برآمد ومراتب راحضورشاه عرض کرد، اعلیحضرت متغیرشد، وفرمودآنچه صلاح دانید معمول واجرا دارید، وزیردربارا چه باین‌مذاکرات!

روزشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲٤ تهیه مجلس را می‌بینند که فردا در عمارت باغ گلستان درحضوراعلیحضرت منعقد گردد[1]. اولین دولت قانونی مشیرالدوله در۱۸ شعبان ۱۳۲٤ تشکیل شد.

مشیرالدوله بزرگ ومحمد علیشاه مظفرالدینشاه درخزان سال ۱۳۲٤ه در گذشت. مشیرالدوله مثل بسیاری از وزرای پیر، دل‌نابخواه تاج بر سر محمد-علیشاه مغرور جوان گذاشت وحال آنکه قلبش بدین سلطنت گواهی نمیداد[2]. شواهد و امارتی هست که مشیرالدوله بگفتار و عمل در لق کردن اساس سلطنت او بی‌تاثیر نبوده است:

دختر میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله (مادر آقای **جمشید مفخم**) درچند ماه قبل ازصدارت پدرش، خواب دیده‌بود که پدرش از در وارد شده تاجی دردست دارد و میگوید: «تاج محمد علی‌میرزا است بایدالساعه بروم برسراوبگذارم» دخترمتوجه میشود که تاج را از برف ساخته‌اند و بپدر میگوید. نگاهی کرده جواب میدهد: «برای مدتی که او برسرتخت میماند کافی است» این‌خواب را من [مستوفی] از پیرنیا شنیده‌ام[3].

و باز گویند روز تاجگذاری (٥ ذیحجهٔ ۱۳۲٤) مشیرالدوله تاج را پیش و پس برسرشاه گذارد وتوجه نکرد، ولی شاه خود متوجه شده تاج را بر گرداند و عده‌ای این راخوش‌یمن ندانستند، وهم گویند که محمد علیشاه به مشیرالدوله گفت تاج کیانی چرا اینقدرسنگین است؟ (محمد علیشاه بعلت سنگینی تاج مجبورشد که آنرا بهر دو دست نگاه بدارد وپس‌ازچند دقیقه تاج را برداشت و بجای آن کلاه

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان، ص ٥۱۳ و ص ٥٥۰

۲ ـ جملهٔ «ای شه بدبخت» تاریخ جلوس اوست.

۳ـ عبدالله مستوفی، زندگانی من. ج۲ ص ۲٤۲

رسمی را بر سر گذاشت).[1] مشیرالدوله جواب داد: «قربان، برای سر شما سنگین است»!

باری مشیرالدوله همچنان بصدارت برقراربود تاآنکه محمد علیشاه اتابك را از اروپا احضار کرد، میرزا نصرالله خان تمارض کرد واز کارخارج شد.[2] احتمال میرود که سبب کناره گیری او ناتوانی او درجلوگیری ازخودسری شاه وسیاست منافی وطنخواهانهٔ او دربرانداختن مجلس که بهرقیمت، ولو با مداخلهٔ اجنبی، درپیش گرفته بوده باشد[3] (محرم ۱۳۲۵ = ۱۷مارس ۱۹۰۷). کابینهٔ بی رئیس الوزراء تشکیل شد. (اتابك هنوز درفرنگ بود)

سراسپرینگ رایس به سر ادوارد گری در گزارشی (۲۸ مارس ۱۹۰۷) مینویسد:

درهفدهم همین ماه مشیرالدوله صدراعظم معزول گردید، کاشیها درحق وی بی‌اندازه سعایت می نمودند وبشاه همچوفهمانیده‌اند که تمام اشکالات و زحماتیکه آن اعلیحضرت دچار شده است همانا نتیجهٔ ضعف صدر اعظم و طرفداری اوست از ملت. فردای آنروز مشیرالدوله ازطهران به عمارت ییلاقی خود حرکت کرده و خیال دارد پس ازچندی عازم اروپا شود.

پسر ارشدش ملقب به **مشیرالملك** (حسن پیرنیا) ازین ببعد سفیر پطرز بورغ نخواهد بود وهمراه پدر خویش که محترماً نفی بلد میشود خواهد رفت و دومین پسرش مؤتمن‌الملك درطهران توقف خواهد نمود.

روز ۲۱ وزرای جدید معرفی شدند، مجدداً شاه به امین‌السلطان که هنوز درسویس بود تلگراف کرد که عازم تهران شود.[4] واو در۲۷ ربیع‌الاول پس ازملاقات باسران روسیه، ازاروپا وارد ایران شد.

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص۴۸۸، کتاب آبی گزارش ۱۳ژانویه ۱۹۰۷

۲ـ خاطرات وخطرات ص ۲۰۳

۳ـ براون، انقلاب ایران ص۱۴۵

۴ـ کتاب آبی ص۵۹

مرحوم مخبرالسلطنه هدایت می نویسد : «اتابك برای تشکیل کابینه مرا نزد نصرالله‌خان مشیرالسلطنه فرستاد که وزارت خارجه قبول کند، رفتم ، درویشی نکرد » .

روز امضای قرارداد ۱۹۰۷ (= ۲۱ رجب ۱۳۲۵)[۱] اتابك بقتل رسید .

مرحوم هدایت گوید : من واتابك باتقی‌زاده و امین‌الضرب وسید عبدالله و صنیع‌الدوله نشسته دراصلاحات مذاکره می کردیم اتابك برخاست و باتفاق سید عبدالله رفتند، چنددقیقه فاصله‌شد. خواستیم حرکت کنیم، امین‌الضرب‌جلو گرفت و گفت : اتابك را زدند. اندکی تأمل کرده از در دیگر رفتیم .[۲]

مرگ مشیرالدوله بزرگ قتل امین‌السلطان به گلولهٔ عباس آقای تبریزی ، استعفای سعدالدوله را از ریاست مجلس پیش آورد ، مجلس‌در ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۷ احتشام‌السلطنه را بریاست خود بر گزید. سه روزبعد (جمعه ٤شعبان ۱۳۲۵ ، ۱٤سپتامبر ۱۹۰۷) نصرالله خان مشیرالدوله که به‌ریاست وزراء نامزدشده وازهمکاری با سعدالدوله سر باز زده بود، ناگهان‌در محیط پرازسوء ظنی‌فوت کرد[۳] ودرهمان روز سعدالدوله بوزارت خارجه منصوب شد.

میگویند محمدعلیشاه درمقام انتقام بر آمده ازجهت‌اینکه وی روی خوشی به سلطنت محمد علیشاه نشان نمی‌داد اورا مسموم نمود[٤] وعجبا که سرنوشت‌امیر کبیر

---

۱ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ، محمود محمود ص ۲۰٦٥ ، فکر آزادی ، ص ۲٦۸

۲ ـ گزارش ایران، ج٤ ص۳۹

۳ـ معیرالممالك فوت مشیرالدوله را دریغما (۹: ۲۹٦) بسال ۱۳۲۸ ضبط کرده است که مسلماً اشتباه است .

٤ـ برون، انقلاب ایران ص ۱۲۲ و۱۵۸ ، تاریخ بیداری ایرانیان ص ٤٤۸

وقائم مقام و اعتمادالدوله (ابراهیم‌خان) هم قبل از او بهمین نحو بود و گویی این سنتی بود در خاندان حکومتی قجر.

«درچهارم‌شعبان ۱۳۲۵ مشیرالدوله بدون سابقهٔ کسالت دررستم‌آباد شمیران فوت میکند، تصورمیشود که اورامسموم کرده باشند، چه در روز مزبور علاءالدوله رستم‌آباد مهمان بوده باهم ناهار می‌خورند، بعداً صدراعظم به اندرون رفته بفاصلهٔ کمی حالش بهم خورده یکساعت ازشب رفته وفات میکند.»[1]

وزیرمختار انگلیس در ایران، اوضاع را طی گزارشی چنین مینویسد:

از قلهك، ۱۳سپتامبر ۱۹۰۷

«اوضاع بدتر گردیده وبی‌نظمی مملکت بواسطهٔ مردن اتابك افزایش یافته است... درین تازگی هیئتی مشیرالدوله را ملاقات و بوی تکلیف پذیرفتن شغل نموده، مشارالیه ازقبول آن امتناع می‌داشت، مگر اینکه پول باو برسانند ومیگفت هرگزمسؤولیت خطرناك استقراض ازخارجه را به عهده نخواهد گرفت».[2]

جریان مرگ ناگهانی مشیرالدوله درمجلس نیز منعکس‌شد و گفتگوهایی پیش آمد. بدنیست عیناً از گزارشهای مجلس نقل شود.

درجلسه پارلمانی شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۵ میرزا ابوالحسن‌خان از رئیس مجلس پرسید:

ـ جناب مشیرالدوله مرحوم شده‌اند؟

احتشام‌السلطنه رئیس- بلی

ابوالحسن‌خان ـ این مرد یکی ازرجال بزرك خیرخواه ملت بود. ممکن است تحقیق شود که باحال خود مرده است؟ امروز برمجلس لازم است که هرکس‌از رجال بزرگ وغیره که وجود آن برای ملت فایده داشته باشد و فوت شود تحقیق شود که بحال طبیعی فوت شده یاخیر.

رئیس ساکت ماند.

رئیس‌التجار ـ جناب رئیس درباب فوت مشیرالدوله چه فرمودید؟

رئیس ـ ممکن‌است الآن با تلفن تحقیق شود.

۱ـ از تاریخ خطی‌شریف. بنقل‌از تاریخ مشروطیت ایران محمدحسن ادیب هروی، ص۹۷

۲ـ کتاب آبی‌ص۱٦۱، ازمکتوب سراسپرینگ‌رایس به‌سرادواردگری

چند نفر از طرف مجلس برای تحقیق معین شود.
حاج امین‌الضرب - اینطور خوب است که بوسیلهٔ تلفن اسامی اطبایی که در آنجا بودند معلوم شود تا درصدد تحقیق بر آیند.
درجلسه بعدازظهر محقق‌الدوله گفت: درجواب تلفون مجلس، جناب مؤتمن‌الملك خیلی اظهار تشکر و امتنان نموده گفتند دیروز مبتلا به مرض قولنج شده بعدازآن سکته رو داد، دکترانگلیسی آوردیم که تشخیص‌دهد چه بوده، فعلا درامامزاده صالح بطور امانت گذاشته شده‌است.
(از مذاکرات مجلس)

چنین بود سر گذشت مردی، که در جوانی به‌پسران خود گفته بود: «یکشب مرحوم حاج محمد حسن‌جدّ خودرا درخواب دیدم که یك کیسه بمن‌داد و گفت نصرالله، دزین کیسه هرچه هست متعلق بتو مـی‌باشد، کیسه را باز کردم، دیدم سه عدد مهردرآن کیسه است، که یکی‌مهر وزارت لشکر می‌باشد ودیگری مهر وزارت خارجه ودیگری مهرصدارت....

«ناظم الاسلام گوید: مشیرالدوله درزمان‌صدارتش بخوبی سلوك نمود، ظلمی نکرد، کسی را معدوم نکرد وخانه‌ای راآتش‌نزد، وطن فروشی ننمود، با خارجه نساخت، وآثار بدی درعالم نگذارد. مشیرالدوله از اولین اشخاص مؤسسه است که سراپردهٔ مشروطیت‌رابلند نمودند[1].

او را در امامزاده صالح تجریش شمیران بخاك سپردند.

باری چو فسانه میشوی ای بخرد — افسانهٔ نیك شو، نه افسانهٔ بد

---

۱ - تاریخ بیداری ایرانیان ص۴۴۳ و۴۴۷

علمو هم و کفی

حسن پیرنیا

تحصیلات

دراوائل سال ۱۲۹۱ه ق (۱۲۵۲ شمسی)[1] درخاندان نصرالله‌خان مشیرالدوله، پسری پا بدنیا نهاد که حسن نام گرفت. و دو سال بعداز او پسری دیگر آمد که حسین نامیده شد. میرزا نصرالله‌خان به تربیت این دوفرزند علاقهٔ بسیارداشت وچون خودمردی آزاده ومترقی وفضیلت دوست بود، از ابتدا بفکرتحصیل فرزندان افتاد و بهمین سبب در اوان خردی وسایل تحصیل آنان را فراهم کرد. تحصیلات مقدماتی فارسی وعربی‌را حسن‌خان از معلمین سر خانه فراگرفت که ازآن میان شیخ لطفعلی نامی که در مدرسهٔ مروی طلبه بود، بخواهش آقا ادبیت وعربیت به حسن می آموخت.

حسن وحسین وبرادر خردسال دیگرشان **علی** پس‌از آنکه بمقدمات زبان و ادب آشنایی‌یافتند، ازطرف پدرعازم تحصیل اروپا شدند. حسن به روسیه وحسین و علی بپاریس رفتند وهنوزسن زیادی نداشتند، بقراراظهار آقای داود پیرنیا پسرحسن خان مشیرالدوله،درین‌وقت حسن۱۴سال داشت. مستوفی گوید نصرالله خان وقتیکه مصباح‌الملك ورئیس‌ادارهٔ روس بود سه پسرخود حسن‌وحسین‌وعلی‌را برای‌تحصیل باروپا فرستاده بود[2]، وچون‌بسال ۱۳۰۸ ازمصباح‌الملکی به مشیرالملکی‌تغییرلقب یافته بنابراین حد اکثر تا این‌سال(که ۱۷ سالگی حسن‌خان) میشود بایستی او را به‌خارج فرستاده باشند.

موقعیکه حسن‌عازم مسکوبود، بدستور ناصرالدین‌شاه، که حسودان‌تحریك کرده بودند، درانزلی‌متوقف گردید. پدرش که آن زمان عضو وزارت خارجه بود

۱ـ شش‌مشیرالدوله، ایرج‌افشار، جهان‌نو؛ اشعار جاویدان پارسی‌امیرمسعودسپهرم، رجال مشهورصدرمشروطیت، یغما: ۵۱۶، درین رساله‌که ظاهراً در ۱۳۳۶ تألیف شده گوید سن‌او (حسن‌خان) بیش‌ازچهل‌سال است وبنابراین تولد اودرهمین حوالی بایداتفاق افتاده باشد.

۲ـ زندگانی من، ج۲، ص۹۹

بتوسط امین‌السلطان مجدداً وسایل حرکت آنهارا فراهم کرد.[۱]

حسن در مسکو به مدرسهٔ «کاد کسی کرپوس» که مدرسه‌ای نظامی بود وارد شد. حسین درپاریس در پلی‌تکنیك بکار پرداخت.

علی پسرزیبا وبرازندهٔ او دراروپا مسلول شد وبدرود زندگی گفت.[۲]

دوستعلی‌خان معیرالممالك گوید:

میرزا علی‌خان، درسال هزار ونهصد مسیحی (=۱۳۱۹ه.) که نگارنده [معیرالممالك] درپاریس بود دوبار به ناهارمنزلم آمد، جوانی بود براستی خوش‌قامت، خوش‌صورت وخوش‌صحبت وبانهایت جدیت سر گرم تحصیل، در سن بیست وچهار سالگی به‌بیماری سل درپاریس در گذشت.[۳]

حسن‌خان تحصیلات نظامی و سپس تحصیلات حقوقی خود را در دانشکدهٔ حقوق مسکو تمام کرد وپس‌از اتمام تحصیلات بسمت وابستهٔ سفارت ایران درپطرز-بورغ تعیین شد.

در۱۳۱۷ که پدرش به مقام وزارت خارجه رسید، پسرخود حسن خان را از پطرزبورغ احضار کرد واورامنشی‌خود کرد، سپس بامقام ریاست کابینهٔ وزارت‌خارجه وهم‌چنین منشی‌مخصوص صدراعظم، لقب مشیرالملکی نیزباو داده شد.[٤]

تأسیس کابینه وهم‌چنین آرشیووزارت خارجه از اقدامات اوست.

مدرسهٔ علوم سیاسی

کاراکترو شخصیت بارز میرزا حسن‌خان مشیرالدوله را باید در قانون دانی وقانون شناسی وقانون پرستی اودانست. این مرد بزرگ درهرحال ودرهمهٔ مراتب، حداکثر کوشش خود را بکار می‌برد که رعایت اصول وقوانین بشود، وبسا که این‌حدت وشدت اودرمراعات اصول، موجبات انتحارسیاسی‌اورا فراهم میکرد.

۱ـ شش‌مشیرالدوله، جهان‌نو، ۲: ۱۱
۲ـ زندگانی من ج ۲، ص۹۹
۳ـ رجال عصر ناصری، معیرالممالك، یغما، ۹: ۲۸٦
٤ـ زندگانی‌من ج۲ ص۹۹، تاریخ بیداری ایرانیان ص٤٤٦

او با تحصیلات عالی که درحقوق کرده بود بخوبی متوجه اهمیت قانـون و اثراصول وپرنسیپ در اجتماعات وترقی ملل شده بود، بهمین علت، روزیکه پا با یران گذاشت، متوجه شد که باید مرکز وکانونی برای تعلیم اصول ومبانی حقوق بشری فراهم آید ومکتبی باز شود که مردم ایران را به قانون دانی و حق و حدگـذاری وادار کند.

برای انجام اینکار متوسل به مقام وشخصیت پدر خود ـ نصرالله خان ـ که او هم بنوبهٔ خود مردی اصولی وقاعده دان بود، شد. مرحوم مستوفی گوید:

تأسیس مدرسهٔ سیاسی اثرفکر میرزاحسن خان مشیرالملك پسرمیرزا نصرالله خان مشیرالدوله است.

پسروپدر درنزد صدراعظم وشاه محسنات این اقدام راجلوه گرساخته فرمانی صادر کردند وچهارهزارتومان سالیانه برای مخارج این مدرسه ازتفاوت عمل معدن فیروزهٔ خراسان برقرار نمودند. مشیرالملك برنامهٔ این مدرسه را تنظیـم کرده گرماگرم مشغول تعیین معلم ومکان مدرسه شده واعلان پذیرفتن داوطلب را منتشر کـرد.

افتتاح رسمی مـدرسهٔ سیاسی در نیمهٔ شعبان ۱۳۱۷ مطابق ۲۸ آذر ماه مقرر گشت. عـده‌ای از طـرف نصرالله خان مشیرالدوله برای عصر این روز دعـوت شده بودند.[۱]

ریاست مدرسه ابتدا بامشیرالملك بود وبعداز سفراو به پطرزبورغ (۱۳۲۰)، بابرادرش میرزا حسین خان پیرنیا که از پطرزبورغ بتهران آمده بود.

مدرسهٔ سیاسی درحقیقت پایه ومرکزاساسی مدرسهٔ حقوق وبالاخره دانشکدهٔ حقوق امروزی است که کسی نمی تواند منکراثرآن درتحول فکری وقضائی اجتماع امروزی ایران باشد.

اثرمعجزآسای این مدرسه درهمان ایام، یعنی پس ازشش هفت سال درایـران

۱ـ زندگانی من، ج۲ ص۹۹

برای تنظیم وجهت یابی انقلاب مشروطیت واداره وبهره برداری از آن بزودی نمودار شد. مرحوم ناظم‌الاسلام می نویسد :

« علت همراهی مشیرالدوله به مشروطه ، بر حسب عقیدهٔ نگارنده ، تأسیس مدرسهٔ مبارکهٔ سیاسی بود، پس از افتتاح مدرسهٔ سیاسی واقدام مشیرالدوله [نصرالله‌خان] به‌ترقی آن مدرسه ، امورمدرسه با میرزا حسن‌خان مشیرالملک ومیرزاحسین خان مؤتمن‌الملک بود واین دوشخص عالم متمدن علاوه بر معلومات وتحصیلات ایشان، فضلاء ودانشمندان مملکت اطراف آن را گرفته ازخارج هم ممد و اعانت‌از آنها شد تاکار بجایی‌رسید که هوی‌خواهان حریت ازاطراف عالم چشم باین دونفر عالم انداخته ونجات اهل ایران را منحصر باقدام این‌دونفر دانسته واین دونفر هم الحق کوتاهی نکردند ... جمع شدن فضلاء وعلماء در مدرسهٔ سیاسی باعث شد که مشیرالدوله متنفر شد از استبداد وهمراه شد باملت تا بمقصود خود رسید .»[1]

حسن‌خان مشیرالدوله خود درین مدرسه حقوق بین‌الملل درس می‌داد .

دورهٔ مدرسهٔ سیاسی ابتدا چهار سال بود و بعداً اضافه شد . مرحوم محمد-حسین فروغی **ذکاء الملک** نیز جزء مدرسین بود و بعدها ریاست مدرسه نیز باو سپرده شد.

سفارت مشیرالدوله

مشیرالدوله درسفردوم مظفرالدین‌شاه باروپا(۱۳۲۰ه) بعنوان مترجم باشاه به فرنگ رفت.[2] وپس از مراجعت شاه بسمت سفیرایران درپطرزبورغ تعیین شد.

اوبا وجود حداثت سن ، سفارت پطرز بورغ را در کمال موفقیت بپایان رساند، «منزل او در سفارت بود. از وقتیکه به سفارت پطرزبورغ مأمور شده قدغن کرده بود که مطلقاً القاب را درکارت های خود بکار نبرند ، چنانکه خودش هم در کارت خود، خود را میرزاحسن خان وزیر مختار ایران معرفی میکرد ... اودرکار

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان ، ص۴۴٦

۲ـ زندگانی من ، ص۱۰۹

سفارت خود را خیلی خونسرد نشان میداد ، او برای سفارت پطرز بورغ خیلی جوان و حتی از نایب سفارت **مشاورالممالك** علیقلی خان انصاری پنج شش سال جوانتر بود . . . روسی را خوب میدانست و با امپراطور بزبان مادری او (روسی) حرف میزد وامپراطور هم به‌روسی جواب میگفت و حال آنکه با دیگران بزبان فرانسه حرف میزند. »[1]

درهمین ایام سفارت او بود که مظفرالدین شاه بخیال سفرسوم بفرنگ افتادو طبعاً طبق معمول راه او ازروی روسیه‌بود .

« عید و بهار ۱۳۲۳ رسید ، شاه بخیال‌فرنگ افتاد، مشیرالملك (حسن‌خان پیرنیا) تلگراف دریافت نموده تا بادکوبه به استقبال‌رفت. دراوایل‌ژوئیه‌تلگراف شد که شاه به‌پطرزبورغ میآید ، درژوئن وارد شد .

شاه سفر خود را در اروپا بپایان رسانید و در بازگشت او از طریق روسیه ، مشیرالدوله باز تا سرحد شاه را بدرقه نمود ، او درین سفر سخت مورد توجه شاه قرارداشت : « هدیه‌ای نیز به‌شاه داد که یك آلبوم جلد نقرهٔ مینا کاری بود، وقتی که شاه خواست آلبوم را بگشاید، یکی‌از فضولهای درباری گفت : «قربان ، آلبوم عکس ندارد ! » شاه هم متوجه بی‌ادبی او شده گفت : « تو میدانی من برای چه آلبوم را میخواهم‌باز کنم ؟ ، برای اینست که‌میخواهم شرح پذیرائی مشیرالملك‌را در حاشیهٔ آن بنویسم ، قلم و دوات بمن بدهید » .

درباری بی‌ادب به خبط خود متوجه شده عقب رفت ، شاه شرحی در حاشیهٔ یکی ازصفحات آلبوم‌را نوشت‌و آنرا بست.»[2]

یك هفته بعداز بازگشت مظفرالدین شاه ، مشیرالملك بموجب‌اجازه‌نامه‌ای که درهنگام التزام رکاب(تا سرحد ایران) تحصیل کرده بود ، پس از بازگشت به

۱ـ زندگانی من ص ۱۲۵ و۱٤٦ و و۱۷۷

۲ـ زندگانی من ص ۱۸۸

پطرزبورغ ، بعدازده بیست‌روزمرخصی بایران رفت.[1]

مشروطیت و مشیرالدوله

ورود حسن‌خان مشیرالملك مصادف بود با سال‌های پر تشنج انقلاب مشروطیت ایران که نسیم تجدد و حریت ، امواج آزادی طلبی و مساوات‌جویی را به سواحل رژیم حکومتی ایران رسانده و خفتگان ۲۵۰۰ سالهٔ این دیار را که دربامدادمشروطیت چشم مالیده ومنتظرتابش اشعهٔ خورشیدآزادی بودند، امیدواری تازه‌می‌بخشید .

مشیرالملك با تحصیلات‌عالی درحقوق و افکاربلندآزادی طلبی، درکار پدر- که صدراعظم بود وخود نیز باآزادی طلبان مماشاة وحتی‌همراهی‌داشت-دخالت و کمك کرد . ناظم‌الاسلام مینویسد :

ازمشیرالدوله دوپسر که میرزا حسن خان مشیرالملك و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملك باشند بایك دختراز او باقی مانده است که درواقع این دوپسردرحسن تربیت و تمدن ممتاز و مشار بالبنان و محسود امثال و اقران هستند ، در واقع از مشیرالدوله دوچیزبزرگ‌وسترگ باقی مانده؛ یکی‌تمول فوق‌العاده‌است که بیشتر بواسطهٔ همراهیهای‌امین‌السلطان وددرزمان ریاست‌او تحصیل کرد[2] ودیگر این‌دونفر اولاداست که‌الحق والانصاف اسباب‌نیکنامی پدرشان‌هستند ودانشمندانی که زحمت برای تحصیل مشروطیت وسلطنت ملی میکشیدند هرگز منتظر ومتوقع نبودند که باین زودی باین نتیجه و این ثمر برسند بلکه مقدمات را برای ده سال بعد ترتیب میدادند ، مردم هم که در سفارتخانه بودند در آخر امر دولت قانونی را تقاضا

۱- زندگانی من ۲۲۲و۲۲٤

۲- نصرالله‌خان مشیرالدوله مردی آرام و بی‌آزار بود ، از پیرزاده شنیدم‌که وقتی او از میدان نائین میگذشته است ، یکی از اخلاف حاجی عبدالوهاب در بالاخانه مشرف به‌میدان‌نشسته بوده‌اند، میفرماید این‌جوان نزد خدا یك کرور نصیب دارد . درموقع وفات شاید بیش از اینها مکنت داشت . (خاطرات وخطرات ص ۲۰٤)

مینمودند ، درین اثنا برحسب علم و اطلاعی که پسرهای مشیرالدوله داشتند لفظ کنستی‌توسیون[1] را در فرمان و دستخط مظفرالدین شاه مندرج ساختند و پس از رسمیت‌واطلاع به‌سفراء، کارازدست در باریها خارج‌شد.[2]

نخستین کسیکه واژه کنستی توسیون را بزبان آورد مرحوم میرزاحسن‌خان پیرنیا مشیرالدوله بود[3].

در ۱۴ جمادی‌الثانیهٔ ۱۳۲۴ بود که فرمان مشروطیت صادر و در ۱۸ شعبان مجلس شوری تشکیل شدوبقول مرحوم کسروی:

«درمجلس اول ، نمایندگان گردآمده‌وصنیع‌الدوله را رئیس، وثوق‌الدوله‌را نایب‌رئیس یکم و امین‌الضرب را نایب رئیس دوم بر گزیدند . چون میبایست نظامنامهٔ داخلی نوشته شود ، کسانی از نمایندگان را بـرای نوشتن آن نامزد گردانیدند . درین‌میان قانون اساسی نیزنوشته میشد ، گویا مشیرالملک ومؤتمن‌ـ الملک پسران صدراعظم (مشیرالدوله نصرالله‌خان) آنرا می‌نوشتند ، یا بهتربگوئیم ترجمه میکردند[4] . »

دربارهٔ کلمهٔ «گویا» ی مرحوم کسروی بایداضافه کنیم که این امرمسلّم بوده است ومرحوم پیرنیا درتدوین‌قانون‌اساسی نه‌تنهادست‌داشته بلکه‌رکن اعظم شمرده میشده‌است.مرحوم‌ملک‌زاده مینویسد:[5]

« ازآزادیخواهان جمعی‌ازاشخاص مطلع مانند صنیع‌الدوله، مخبرالسلطنه ، **مشیرالملک**، محتشم‌السلطنه، بعضی‌نظامنامه‌های‌انتخابات‌ملل‌دیگررا ترجمه‌وتعدیل کرده نظامنامهٔ انتخاباتی ترتیب میدهندولی بدو اشکال برمیخورد : یکی ازطرف رؤسای روحانی و دیگر از جانب رجال مستبد درباری کـه ولیعهد باطناً در رأس

۱ـ Constitution

۲ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۶

۳ـ برون،انقلاب ایران ص ۴۹۹

۴ـ کسروی ، تاریخ مشروطیت ایران ، ص ۱۷۰

۵ـ تاریخ انقلاب‌مشروطیت، ج۲ ص۱۸۷

آنها است. نقطهٔ‌نظر روحانیون این است که از بابیهای ناصرالدین شاهی یعنی منورالفکران و بی‌اعتقادان به‌روحانی نمایان کسی داخل مجلس نشود، نقطه نظر رجال مستبد اینست که قوای مملکت فقط در تحت ارادهٔ شاه باشد و تجزیه نگردد.»

ناظم‌الاسلام مینویسد:

«درقضایای‌مشروطیت‌باتوجه به‌موقعیت‌سلطنت وقدرت درباریان،مشیرالدوله بزرگ و پسرانش (حسن‌وحسین) رل عاقلانه و بسیار زیرکانه‌ای را اجرا میکردند و کوشش داشتند که ازطرفین (دربارومردم) اقدامی شدید وغیرعادی‌نشود. روزشنبه ۱۳ جمادی‌الاخری ۱۳۲٤، هنگامیکه مردم درسفارت انگلیس متحصن بودند، دو ساعت از شب گذشته میرزا حسین خان پسر کهتر مشیرالدوله دستخطی آورد در سفارتخانه که مجلس را افتتاح میکنیم، اما درطهران فقط نه در سایر بلدان،.. تجاروکسبه گفتند ما چنین مجلسی‌لازم نداریم، مجلس باید حاکم مطلق باشد و وشعوبات آن درتمام بلدان و دهات دایر باشد.. روز بعد دستخط را عوض کردند، دستخط صادرشد که مجلس به‌تصویب ومیل‌علماءاعلام تشکیل‌شود.

و بازگوید: متحصنین در ۱۷ جمادی الاخری رفتند به نیاوران تا در رستم‌آباد که مزرعهٔ مشیرالدوله صدراعظم است با خود صدراعظم مذاکره نمایند، مشیرالدوله و پسرش مشیرالملك ومحتشم‌السلطنه آنجا بودند،درباب مجلس‌شوری مذاکره‌بود، صدراعظم میگفت که شوری‌بایداسلامی‌باشدو آقاسید حسین‌بروجردی گفت‌شورای‌ملی بایدباشد ،صدراعظم گفت من شورای ملی‌نمیدهم ، آقای‌سیدحسین گفت ، به‌قوهٔ ملت شورای ملی را می گیریم ، پس از مذاکرات بناشد آقایان با مشیرالملك ومحتشم‌السلطنه‌درمجلسی دیگرنشسته گفتگوکنند، پس ازمذاکرات نتیجه این شد که مجلس‌شورای ملی‌باشد.

عصرروز پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الاخری ۱۳۲٤ ، مشیرالملك پسر بزرگتر

صدراعظم با جناب آقا میرزا محمد صادق و جمعی دیگر از صاحبقرانیه آمدند بشهر ووارد به‌سفارتخانه شدند ورفتند درچادربزرگ تجار. مشیرالملك در مجلس جلوس نمود، جناب آقا سید عبدالحسین واعظ رفت بالای منبر و اظهار مراحم والطاف اعلیحضرت را به مردم نمود ... بعد مشیرالملك رفت روی صندلی فرمان اعلیحضرت شاهنشاه را قرائت نمود. ودستخطی را که کاشف ازعفو واغماض متحصنین بود بعد قرائت کرد.

تاریخ دستخط مشروطیت درهجدهم بود ولی محض اینکه مطابق باشد باروز تولد شاهنشاه، تاریخ آنرا درچهاردهم نوشتند.[۱]

مرحوم مستوفی آرد:

«مشیرالملك وبرادرش مؤتمن الملك از راه تدارك لوایح قانون اساسی و متمم آن خیلی به‌پیشرفت مشروطه کمك کردند، شایداگراین دوپسر نبودند همان آزادی طلب‌های دوآتشه‌هم نمیدانستندچه‌باید کرد[۲].»

ومرحوم هدایت گوید:

«صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، میرزا حسنخان و میرزا حسین‌خان پسران میرزانصرالله خان مشیرالدوله و من بنده در ۲۱ ج۲ ۱۳۲۴ از طرف مشیرالدوله دعوت شده برای‌تنظیم نظامنامه دررستم آباد نشستیم، نظر بمقتضیات‌وقت صلاح رادر انتخابات طبقاتی‌دیدیم ومدلول دستخط هم همین بود.[۳]»

وهم او آرد:

درجمادی‌الاخره ۱۳۲۴قمری صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مشیرالملك، (مشیرالدوله) مؤتمن‌الملك و نگارنده [مخبرالسلطنه هدایت] معین شدیم نظامنامهٔ انتخابات را بنویسم، .. در نظامنامه قرار شد شصت نفر از تهران انتخاب شوند و

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ٤٦٦ و ٤٧٩ و ٤٨٠ و ٤٨٢

۲- زندگانی من ج۲، ص ۳۲۸

۳- گزارش ایران، بخش٤، ص ۱۰

شصت‌نفر ازولایات ... نظامنامه به‌دستخط رسید و به نیرالدوله حاکم طهران داده شد اجرا کند ، هی‌هفته گذشت اقدامی نشد . . مشیرالملک را ملاقات کردم گفتم چه شد ؟ گفت حاکم نظامنامه را نمی‌فهمد ، گفتم چه‌خواهید کرد ؟ گفت حاشیه خواهم نوشت . گفتم اگر نظامنامه را نمی‌فهمد حاشیه‌را نخواهدفهمید.»[1]

و بازگوید من گفتم ، من در حاشیه‌خواهم نشست وهرجا توضیح خواست باو خواهم داد!

درهمین ایام محمد علی‌شاه نیز به تهران آمده بود و مشیرالدوله و پسران درملاقاتهای باولیعهد واعضاء مجلسین قانون اساسی را که «مرحوم‌میرزانصرالله‌خان درمرض‌موت بامضای شاهانه رسانیده بود»[2] به امضای محمد علیشاه مغرور و جوان نیزرسانیدند .

مرحوم کسروی گوید :

دراول ذیقعده ولیعهد بتهران رسید و ازسوی آزادیخواهان ودیگران‌پیشواز باشکوهی بجاآمد ، وازسوی مجلس نمایندگانی برای گفتن «خوش‌آمد» به پیش او رفتند ، و چون ازهمان روزهای نخست شاه او را جانشین گردانیده‌خود را کنار کشید ، ازینسوی محمد میرزا هنوز خود را نیازمند پشتیبانی بهبهانی و طباطبایی میدید، گفتگو دربارهٔ قانون اساسی همچنان پیش میرفت ، محمد علی میرزا ، حاجی محتشم‌السلطنه و مشیرالملک پسر مشیرالدوله صدراعظم را ازسوی خودبه مجلس فرستاد که بیایند و دربارهٔ برخی ازبندها گفتگو کنند و اینان نیز بیشتر در زمینهٔ مجلس‌سنا گفتگو کردندوهرچه بود آنرا بپایان رساندند . در ۱۴ ذی قعده قانون‌به صحهٔ شاه وسپس‌ولیعهد رسید .[3]

مرحوم‌بهاردرباب تنظیم نظامنامهٔ انتخابات گوید:

۱ـ خاطرات وخطرات ص ۱۸۹ .

۲ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۰۲

۳ـ تاریخ مشروطیت کسروی ص ۱۸۷

نظامنامهٔ انتخابات بار اول در ۳۰ رجب ۱۳۲۴ توسط انجمنی مرکب از تربیت شدگان مانند میرزا حسن خان مشیرالملك و مرتضی قلیخان و صنیع‌الدوله و مخبرالسلطنه و مخبرالملك وعدهٔ دیگر مبنی بر انتخابات طبقاتی تهیه شد.[1]

مشیرالدوله و قرارداد ۱۹۰۷

با فوت مظفرالدین‌شاه، تاجگذاری محمدعلیشاه بدست نصرالله خان مشیرالدوله آنطور که گفتیم صورت گرفت و: بتوقیع برزد به‌عون الهی محمدعلی خاتم پادشاهی حسن‌خان‌مشیرالملك، برای اعلام مراسم تاجگذاری پادشاه جدید به کشورهای اروپائی سفر کرد، او درماه رجب ۱۳۲۵ درکابینهٔ مشیرالسلطنه بوزارت عدلیه‌منصوب شده بود. بقول مستوفی:

«ماه دوم بهار [۱۳۲۵] رسید، رفتن مشیرالملك به سفارتهای فوق العاده [برای اعلام تاجگذاری] سر گرفت»[2]. مرحوم مستوفی نیز درین سفر بهمراه مشیرالدوله بود، ابتدا به روسیه رفتند وسپس به‌برلن و ازآنجا به‌لندن.

درانگلستان مشیرالملك با سرادوارد گری وزیر خارجهٔ انگلیس ملاقات کرد. در همین ایام بود که قرارداد ۱۹۰۷ معروف بین روسیه‌وانگلستان درباب تقسیم ایران به‌دومنطقهٔ نفوذ درشرف تکوین بود.

توضیح آنکه براثر بهم خوردن موازنهٔ سیاسی بین کشورهای اروپائی و قوی شدن اتحاد دولتهای آلمان و اطریش و ایتالیا، فرانسه بفکر افتاد که بین روسیه و انگلستان قرارداد مودتی پیش‌آورد که خود نیز ازآن طرفی بربندد، بدینجهت در سال ۱۹۰۶ موقعیکه در الجزایر یك کنفرانس بین‌المللی منعقد بود، در اوقات غیر رسمی فاصلهٔ بین جلسات، میان نمایندگان روس وانگلیس

۱ـ تاریخ احزاب سیاسی ص ٦

۲ـ زندگانی من ج۲ ص۲۷۷.

واسطه شده و برای عقد قرارداد معروف ۱۹۰۷ دلالی کردند .

مشیرالملك ازطرف امپراطور انگلستان ادواراد هفتم نشان سن ژرژ دریافت داشت و بحضور امپراطور باریافت و ناهاری نیز با امپراطور انگلستان صرف کرد . درین ناهـار سمت راست شاه سرادوارد گری و سمت چپ او مشیرالملك نشست . مشیرالملك ده روز درلندن بود و درباب قرارداد هم گفتگو هایی کرد ولی موضوع قرارداد ۱۹۰۷ چیزی نبود که مشیرالملك قدرت جلوگیری از وقوع آنرا داشته باشد ،درحکم قضای آسمانی و حادثهٔ انجام‌شدنی بود و میبایست موازنهٔ سیاسی اروپا فراهم‌شود. العبدیدبر والحق یقدر، وحق‌دراین ایام‌ظاهراً باتوپ کروپ بود .[۱]

۱ـ این قرارداد سخت مورداعتراض ملیون ایران قرارگرفت وهمانست که مرحوم بهاردرباب آن قصیدهٔ معروف خود راگفت واینك چند بیت از آن:

سوی لندن گذر ای پاك نسیم سحری
سخنی از من بر گو سر ادوارد گری
کای خردمند وزیری که نپرورده جهان
چون تو دستور خردمند و وزیر هنری
. . . .
تو بدین دانش، افسوس که‌چون بی‌خردان
کردی آن‌کار که افسوس جزازوی نبری
برگشودی در صد ساله فرو بستهٔ هند
بر رخ روس و نترسیدی از در بدری
اندرآن عهد که با روس ببستی‌زین پیش
غبن‌ها بود و ندیدی تو ز کوته نظری
انگلیس آن ضرری راکه‌ازین پیمان برد
تو ندانستی و داند بدوی و حضری
سدبس معتبری ایران بد در ره هند
وه که برداشته شد سد بدین معتبری
باد نفرین به لجاجت که لجاجت برداشت
پرده از کار و فرو بست رخ پرهنری

مشیرالملك ازلندن به کاله رفت و سه روز آنجا ماند و سپس بپاریس آمد و بحضور آرماند فالییر رئیس جمهور فرانسه باریافت و نشان لژیون دونور درجهٔ اول با حمایل دریافت کرد . پس از هشت روز توقف در پاریس برای استفاده از مرخصی وآبهای معدنی به اسپانیا رفت و آنگاه به‌پطرزبورغ باز گشت.[۱]

درهمین ایام (حوالی رمضان ۱۳۲۵) درپطرزبورغ خبرمرگ میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله پدرش باورسید وبتهران احضارشد.

کابینهٔ مشیرالسلطنه نیز در همین وقت سقوط کرد و میرزا ابوالقاسم خان **ناصرالملك** در۱۸ رمضان۱۳۲۵(۲۶ اکتبر۱۹۰۷ ، آبان ۱۲۸۶) رئیس‌الوزراء شد وهیئت دولت خود را معرفی کرد . درین کابینه میرزا حسن خان بوزارت خارجه رسید ولقب پدرش یعنی مشیرالدوله باو داده شد.مؤتمن‌الملك وزیر تجارت بود ، تمام اعضای کابینه باستثنای وزیر داخله (آصف‌الدوله) از ایرانیان تجدد پروری بودند که تحصیلات عالیه نموده وهر کدام یك‌یادوزبان اروپائی میدانستند[۲].درهمان روز های اول وزارت بود که اعلان قرارداد ۱۹۰۷روس وانگلیس در تعیین دومنطقهٔ نفوذ در ایران از طرف سفارتین روس و انگلستان به وزارت خارجه ایران رسید .[۳]

مشیرالدوله جوابی منطقی به‌مراسلهٔ سفارتین داد که موجب رضایت عمومی آزادیخواهان شد . مفاد این جواب در کتاب آبی درج شده است و چنین‌است.[٤]

ترجمه مراسلهٔ مشیرالدوله

به مستر **مارلینگ** وزیرمختار انگلیس‌درایران:

(۲۵ رمضان ۱۳۲۵ = ۲ نوامبر۱۹۰۷)

۱- زندگانی من ج۲ص ۲۷۷ و ۳۱۸

۲ - کتاب آبی ص ۲۲٤

۳ - زندگانی‌من ، ص ۳٤۹

٤- کناب آبی‌ص۲۳۲، اطلاعات‌ماهانه فروردین ۱۳۳۲

مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ حاوی ومتضمن سواد قسمتی ازقرارداد منعقد بین دولتین انگلیس و روس راجع بایران ومشتمل بریك مقدمه وپنج ماده بود عزوصول بخشید.

در جواب با کمال توقیر اظهار میدارم و خاطر نصفت مظاهر آن جلالتمآب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرارداد فوق‌الذکر چون مابین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرار داد فقط تعلق به خود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده‌اند خواهد داشت و دولت ایران نظر به‌استقلال تامه‌ای که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود راکه بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجهٔ هر قسم قرارداد منعقده فیمابین دو یا چند دولت دیگر راجع بایران بوده باشد کاملا و مطلقاً مصون و آزاد میداند و در خصوص مناسبات و روابط دوستانهٔ خود با دول متحابه برای تشیید و استحکام مبانی و داد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود. اما راجع به‌قروض‌نیز واضح است که دولت ایران بدون‌هیچ منقصتی تعهدات مربوط به‌قرارداد آن قرضه را مرعی خواهدداشت.

مشیرالدوله

با جواب وزیرخارجه و اعتراض بسیاری که ازطرف جراید و ملیون ایران نسبت بآن بعمل‌آمد ، این قرارداد سوء اثری در اذهان عمومی بجای گذاشت که اولیای دولت انگلستان ناچار درمقام رفع ورجوع آن برآمدند.

این مراسله (مراسلهٔ مشیرالدوله به مسترمارلینگ، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵) از بزرگترین آثار مشیرالدوله است ومخصوصاً برای آنکه وزیرخارجه را مجبوربه پس گرفتن این سندسیاسی مهم ننمایند ، مشیرالدوله متن مراسلهٔ جوابیه را به‌تمام سفارتخانه‌های مقیم‌تهران قبلا فرستاده بوده‌است.[۱]

وزیر مختار انگلستان در ایران ضمن نامه‌ای کوشش داشت که سوءِ تفاهم در باب قرارداد ۱۹۰۷ را رد کند، او درجواب مشیرالدوله نوشت:

۱ـ عباس اسکندری، کتاب آرزو، ص ۱۹۸

۲۶ رجب ۱۳۲۵ = ۵ سپتامبر ۱۹۰۷

بدوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قراردادی فیمابین انگلیس وروس منعقد شده که نتیجهٔ آن مداخلهٔ دولتین در ایران و تقسیم این مملکت فیما بین آنها خواهد بود، خاطر جناب اشرف ارفع مسبوق است که مذاکرات فیمابین روس و انگلیس بکلی طور دیگراست، چرا که جناب **مشیرالملك** درین اواخر پطرزبورغ و لندن رفته ومذاکراتی که با وزیرامور خارجهٔ انگلیس نموده باید راپورت داده باشند، جناب سرادواردگری مفاد مذاکراتیکه با جناب مشیرالملك داشته‌اند.. بدوستدار اطلاع داده‌اند، جناب سرادواردگری اطلاع میدهد که بجناب مشیرالملك اظهار داشته‌اند که ایشان وموسیو ایزولسکی (نخست‌وزیر روسیه تزاری و امضاء کننده پیمان ۱۹۰۷) دردو نکتهٔ اصلیه باهم کاملا متفقند، یکی اینکه: هیچیك از دولتین در امور ایران مداخله نخواهند کرد مگرصدمه بمال و جان رعایای آنها وارد آید، و دیگر اینکه مذاکرات در باب قرار داد فیمابین روس و انگیس نباید برخلاف تمامیت و استقلال ایران بوده باشد.. درحقیقت چنانکه موسیوایزولسکی برای مشیرالملك توضیح کرده‌اندهردو وزیر کاملا در خصوص مداخله نکردن موافق بوده‌و جای شبهه باقی نگذارده‌اند.»[1]

اما همانطور که اشاره کردیم این قرارداد بین دودولت قوی بسته شده ونقض آن از طرف ایران ممکن نبود. چنانکه چندی بعد قشون روس باستناد آن نواحی شمالی ایران را اشغال کرد و بهرحال بحث در باب آن مطلبی است که از موضوع ما خارج است.

نماز واستخاره در خدمت سیاست

ناصرالملك نتوانست انتظارات محمدعلی شاه را برآورد، چه اعضاء این کابینه اغلب از آزادیخواهان بودند و طبعاً مخالف نظریات شاه. شاه بفکر اسقاط کابینه افتاد، جالبترین نکته‌ای که درین‌مورد میتوان درتاریخ مشروطیت‌یافت، استخاره‌ای‌است که محمد علی‌شاه دراین‌باب نمود والبته استخاره راه نداد وموجب ابقای‌کابینه‌شد، گرچه بعداً دولت‌خود کنار رفت.

۱ـ انقلاب ایران، برون، ص ۱۹۰

محمدعلیشاه درکارها اعتقاد باستخاره داشت وحتی درباب توپ بستن مجلس هم بعدها استخاره کرد ، بهرحال درمورد اسقاط ناصرالملك ، محمدعلیشاه نظرخودرا نوشته درپاکتی گذاشت و آنرا نزد مرحوم آقاسید ابوطالب مجتهد زنجانی فرستاد و جواب گرفت . باید گفته شود که استخاره‌های محمد علی‌شاه در کتابچه‌ای ضبط شده ودرآن کتابچه تصریح شده‌است که «این استخاره‌ها که درین کتابچه جمع شده تمام خط محمدعلی‌شاه وجوابها خط مرحوم آقا سیدابوطالب مجتهد زنجانی‌است»[1].

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، پروردگارا ، اگرمن این چهار نفر وزیر را ازشغل‌های ذیل : ابوالقاسم‌خان ناصرالملك را از وزارت مالیه معزول کنم ، غلامرضاخان را[2] از شغل‌وزارت داخله معزول کنم ، حسن‌خان[3] را از شغل وزارت خارجه معزول کنم ، خان‌باباخان [4] را ازوزارت عدلیه معزول کنم ، صلاح من‌است استخاره خوب بیاید والافلا، یادلیل‌المتحیرین، یاالله

محمد علی

جواب درروی پاکت چنین‌مرقوم‌است: «ثم‌ننجی‌الذین‌اتقوا ونذرالظالمین فیها جثیا[5] ، برای‌کارهای عادی هیچ‌حسنی‌ندارد، اقسام گرفتاری ووحشت را فعلا دارد ، لکن برای اظهار قدرت و گرفت وگیرو تمیز نیکوکار و بدکار ومجازات هریك‌گویا بد نباشد با زحمت فوق‌العاده ، والعلم عندالله ، مقدم و مؤخر آیه حشرونشرمجازات است ، قلب مبارك همایونی مرآت است ، بهتر درین‌نیت اقدام نفرمودن است .»

اما روابط شاه و ناصرالملك با این استخاره هم ترمیم نیافت ، همکلاس لرد کرزن که بهرحال خود را از همهٔ رجال دستگاه محمدعلی بالاتر میدانست وبالاتر از آن اینکه پشتیبانی قوی چون انگلستان داشت ، تن به رضای شاه در نمیداد و پافشاری داشت که عده‌ای از اطرافیان عامی ومستبد شاه بر کنارشوند .

درهمین ایام بود که زنان ناصرالدین‌شاه هم بعنوان اعتراض قطع‌مستمریهای خود درمجلس تحن اختیار کردند . ناصرالملك در۱۸ ذیقعده استعفا داد.

۱ـ مقالهٔ آقای احمد توکلی ، مجلهٔ یادگار سال ۵، شمارهٔ ۸ و ۹

۲ـ آصف‌الدوله ، ۳ـ مشیرالدوله پیرنیا ۴ـ مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه

۵ـ قرآن مجید ، سورهٔ مریم آیهٔ ۷۲

محمدعلیشاه دوروزبعد او را احضار کرد و بباد دشنام گرفت و دستور داد او ووزرایش‌را دراطاق حاجب‌الدوله زندانی نمایند، آنگاه دستور داد باو قهوهٔقجری بدهند، ناصرالملک بنماز پرداخت و نمازش چندان طول کشید که سفیر انگلیس شخصاً بدربار آمد و بعنوان اینکه ناصرالملك از دربار امپراطور نشان دارد اورااز کشتن نجات داد.[1]

این‌دستگیری‌در۱۵دسامبر۱۹۰۷(دی‌ماه۱۲۸۶)صورت گرفت،شاه،ناصرالملك رابه‌زنجیرانداخت وحتی‌دستورقتل اوو بعضی وزرایش را دادولی با وساطت سفارت انگلستان ازخونش در گذشت و در ۱۶دسامبر او را به رشت تبعید کرد و بالاخره هم در ۱۹ دسامبر او را عفو نمود.[2] ناصرالملك میخواست مستمری و حقوق‌های گزافی که به‌اعضای خانوادهٔ سلطنتی و درباریان داده‌میشد قطع‌شود.[3]

چنین بود صلح وآشتی پادشاهی که حکومتش بیش از دو سال آنهم آشفته نپائید، به تفی روشن از پفی خاموش! شب عاشق بود وصبح فارغ!!

این اولین‌خطری بود که ازمشیرالدوله در گذشت.

من قانون اساسی را برای مملکت میخواهم
نه مملکت را برای‌قانون اساسی. مشیرالدوله

مشیرالدوله و قانون

شخصیت مشیرالدوله را در قانون‌دانی او باید جست، او سرّپیشرفت ایران را در اصلاح دادگستری میدانست. تحصیلاتش درحقوق بود، روزیکه بایران آمد مدرسه علوم سیاسی را بهمین جهت پی افکند[4]. او شیفتهٔ عدالت بود. روزیکه برای اعلام تاجگذاری محمد علیشاه به لندن رفت، پس ازدریافت نشان‌ها و ملاقات با وزیر خارجه و سایر تشریفات، وقتی از او سؤال کردند که از نقاط دیدنی لندن و مجامع مهم آن کجا را جزء برنامهٔ کوتاه مدت او بگذارند، او بلافاصله گفت میل دارد در یکی از جلسات

---

۱ ــ اطلاعات ماهانه، خرداد ۱۳۲۷

۲ــ کتاب آبی ص ۲۳۳و۲۶۲ــ۳ تاریخ ایران سایکس ج ۲ ص ۵۷۹، ٤ــاطلاعات ماهانه، آذرماه ۱۳۳۰ مقاله آقای افشار تحت‌عنوان‌تاریخچه مدرسهٔسیاسی

محاکمات شرکت کند. مرحوم مستوفی مینویسد:

«یک‌روز به‌اصرار مشیرالملك به محاکم جنایی رفتیم، او میخواست محاکم جزائی‌راتماشا کند.. قاضی با کلاه گیسی وجبه ابریشمی مشکی زیرنیم‌طاقی جلوس کرده‌بود، دونفرمعاون قاضی طرفین‌او، ... جناب سفیر کبیر (مشیرالملك) قدری انگلیسی میدانست وازمذاکرات چیزی دستگیرش میشد .. مشیرالملك سه‌ساعت بعداز ظهر بازآمد، معلوم شد دارلینگ قاضی اول شهر لندن بعد از ختم محاکمه ومعرفی شدنش به‌سفیر کبیر ازایشان دعوت کرده است وباهم ناهار خورده‌اند. . مشیرالملك میگفت سر ناهار از دارلینگ پرسیدم درقانون انگلیسی‌مجازات اعدام هم‌هست؟ جواب گفت: خوشبختانه بلی!»[1]

مشیرالدوله ازاوان کارخود متوجه نقص‌دستگاه قضایی‌ایران شده‌بود وهمه‌جا مطالعات خود را برای بهبود این اوضاع ادامه میداد.

مشیرالدوله روزی بوزارت‌دادگستری ایران رسید که تازه حدود بیست‌سال‌از پیدایش نام عدلیه دردستگاه دولتی‌میگذشت، آنهم عدلیه‌ای که خودمیبایست بحضور شاهزادگان برود، نه آنکه آنان به‌پیشگاهش روی نهند! توضیح آن اینست:

درماه صفر ۱۲۹۹ قمری ازدیوانخانه‌عدلیه احضاریه‌ای برای‌یکی‌ازشاهزادگان درجهٔ اول صادرشد که فوری به‌عدلیه بیاید و جواب شاکیان را بدهد، او زیر احضاریه نوشت «من به عدلیه نمی‌آیم، عدلیه اگر کاری دارد پیش من بیاید»! ناصرالدین شاه بعداز این جریان در تاریخ ۱۲ صفر دستخطی به مستوفی‌الممالك صدرالعظم نوشت که حاکی ازمطلبی تاریخی‌است:

«جناب آقا، نظم دیوانخانهٔ عدلیه و گذشتن عرض عارضین این است که دیوانخانهٔ اعظم اقتدارداشته باشد و ازجمله تسلط دیوانخانهٔ‌آن است که هر کس را احضار بدیوانخانه میکنند بلا استثناء باید فوری بدون هیچ عذری حاضر بشود. حتی اگر خود شما را هم احضار کند باید حاضر شوید، تا چه رسد بدیگران،

۱ــ زندگانی‌من، ج۲، ص ۲۹۸

نمی‌آیم یعنی چه ؟ بسیار غلط است . حکم سختی الآن به معزالدوله بدهید و در روزنامه اعلان و نشر نمائید که هر کس احضار شود و نیاید سیاست خواهد شد[1].

تشکیلات عدلیه درزمان ناصرالدین شاه بنام دیوانخانهٔ اعظم بود و قوانینی داشت که موسوم به «کتابچهٔ دستورالعمل دیوانخانهٔ اعظم» بود و در ۱۲۷۹ صادرشده بود . در اواخر ۱۳۲۴ ق ، (پیش ازمشروطیت) محاکمی بطور ناقص تشکیل میشد، که بنام محکمهٔ ملی ، محکمه نقدی و محکمهٔ جزاء خوانده میشد ، در غوغای انقلاب نارضایی مردم از عدلیه موجب شد که تشکیلات عدلیه را بهم زنند و پیرم ارمنی رئیس شهربانی با قوهٔ نظمیه درعدلیه را بست وعده‌ای از اعضای عدلیه را از محاکم به زندان منتقل ساخت و عدلیه همچنان تعطیل بود تا در نوبت اول وزارت مشیرالدوله مجدداً به تصدی مرحوم مشارالسلطنه دایرشد و محاکم عدلیه باتغییر اعضاء تشکیل گردید .

« درسال ۱۳۲۷ پس ازفتح تهران وتشکیل کابینهٔ ولی خان سپهدار اعظم ، مشیرالدوله وزیر عدلیه گردید و درین موقع برای اصلاح عدلیه (بخیال خود) یك عده از قضاة را بدون محاکمه برخلاف قانون اساسی ازعدلیه خارج کرد و این عمل مخالف‌توقع مردم‌ازمشیرالدوله بود[2]». این‌یکی ازمواردی بود که مشیرالدوله اصول‌را برای بهبودوضع‌دادگستری زیرپا گذاشت.

آقای‌صدرالاشراف‌دربارهٔ تجدید حیات‌عدلیه‌و رفرم‌مشیرالدوله‌درداد گستری ایران مینویسد :

« درسال ۱۳۲۸ ، در کابینه سپهسالار (مقصود همان سپهدار است) مرحوم مشیرالدوله وزیرعدلیه شدوازمجلس و رئیس دولت اجازه‌خواست که تا ششماه در منزل بنشیند و قوانین وتشکیلات و اصول محاکمات را تدوین نماید . مجلس و دولت با این‌تقاضا موافقت کردند،مشیرالدوله بخانه‌رفت و ادارهٔ امور عدلیه را به

---

۱ - مجلهٔ‌اطلاعات ماهانه : ۱۰۳ ، مهر ۱۳۳۵ ص ۶

۲ - مجلهٔ‌یغما ، رجال صدرمشروطیت ، سال ۵ : ۵۱۶

مجدالسلطان محمد صدر معاون وزارت عدلیه سپرد.

سپس آقای صدرالاشراف گوید : مشیرالدوله بعد از چندماه قانون تشکیلات و قانون اصول محاکمات را نوشت و تقدیم مجلس کرد ، قانون تشکیلات از تصویب گذشت ولی قانون اصول محاکمات با مخالفت شدید علمای طراز اول مواجه شد . ناچار اینجانب (حسن صدر ، صدرالاشراف) که با مرحوم مشیرالدوله دوستی داشتم و هنگام تنظیم قانون اصول محاکمات اغلب طرف شور او واقع میشدم به ملاقات مرحوم سید حسن مدرس رفتم که فعال و شاخص هیئت علماء بود و موفق شدیم نظر او را جلب کنیم ، بدین ترتیب که مشیرالدوله موافقت کرد هشت مادهٔ پیشنهادی علماء طراز اول در ابتدای قانون نوشته شود و پس از آن قانون در کمیسیون عدلیه تصویب و سپس بطور چهاردیواری از مجلس گذشت ، این قانون در سال ۱۳۲۹ بتصویب رسید.

مرحوم مشیرالدوله متوجه شد که برای تغییر اصول محاکم ایرانی احتیاج به مشاوری خارجی دارد. این بود که بدستور او مسیو «آدلف پرنی» مستشار فرانسوی باستخدام ایران در آمد ، او تا سال ۱۳۰۵ در دادگستری ایران بود و سالیانه ده هزار تومان حقوق و مبالغی فوق العاده داشت[1] تا کارها را سروصورت دهد . قانون جزا بوسیلهٔ پرنی نوشته شد.

باری درهمان سال ۱۳۲۸ بود که مشیرالدوله درمجلس برای عدلیه تقاضای بودجهٔ مستقل و مخصوص نمود و این خود از تحولهای شگرف دادگستری ایران است ، زیرا تا آن ساعت قضات مسلماً برای اعاشهٔ خود ناچار بودند از طرفین دعوی مبالغی وصول کنند و این گونه دادگستری و قضاوت البته بی شباهت به دادگستری دیوان بلخ نبود ومعمولا کارها را ازته خراب میکرد!

درمورد ایستادگی مرحوم مدرس باید اضافه کنیم که این مخالفت موجب قهر مشیرالدوله و نرفتن او به مجلس و وزارت دادگستری گردید ولی صدرالاشراف و

۱ـ ازسخنرانی آقای گلشائیان دررادیو ایران. تابستان ۱۳۴۰

و میرزا مرتضی قلیخان نائینی نایب رئیس مجلس وساطت کردند و بالاخره آئین دادرسی مدنی تصویب‌شد. البته حمایت مرحوم امام جمعه ازین اقدام مشیرالدوله خودعامل دیگری‌بود برای تصویب آن.

صدرالاشراف کیفیت این کشاکش روحانیت و قضاوت را، که درحقیقت مشیرالدوله میخواست دادگستری را از چنگ آنان رهایی دهد، چنین‌مینویسد:

مرحوم مدرس ازطرف هیئت طرازاول مشروطیت، هشت ماده که در اول کتاب محاکمات حقوقی ابتدائی نوشته شده پیشنهاد کرد که اگراین هشت ماده‌را مشیرالدوله قبول و ضمیمهٔ قانون بکند بآن قانون رأی خواهند داد. مفادمذکور بطور اجمال عبارت از این است کـه موضوعات مورد اختلاف را سه قسم کرده: موضوعات شرعیه، ازقبیل اختلافات راجع به‌نکاح وطلاق ونسبت ووقفیت‌وملکیت ونصب‌قیّم وحکم به‌افلاس و اختلافات حقوقی که فتاوی علماء دراصل حکم‌مختلف باشد که منحصراً باید محاکم شرعی رسیدگی نمایند؛ موضوعات عرفیه از قبیل اختلافات راجع به‌مالیات و امتیازات دولتی وامثال‌آنها که محکمهٔ عدلیه رسیدگی میکند؛ موضوعات مشترکه یعنی غیر از موضوعات شرعیه و عرفیه بشرطی که شرعی وعرفی بودن آن مشتبه نباشد که اگرمشتبه باشد باید بمحاضر شرع رجوع شود، و درین قسم هم اگر متداعیین ابتداءً تراضی برسیدگی محکمهٔ عدلیه بکنند‌محکمه‌رسیدگی‌میکند والّا باید بمحاضرشرع رجوع شود.

مشیرالدوله نسبت به بعضی از مواد هشت‌گانه بخصوص مادهٔ ۱۴۸ که مفاد آن‌اینست: «درغیر موضوعات شرعیه تراضی متحاکمین نسبت به‌رسیدگی محکمهٔ عدلیه شرط است و بدون تراضی متحاکمین محکمهٔ عدلیه حق رسیدگی ندارد و باید ارجاع بمحضر شرع بکند» جداً ایستادگی و مخالفت کرد ولی بالاخره چون چاره وپیشرفت قانون را منحصردرقبول کلیهٔ مواد دید ناچارتسلیم شدوباین ترتیب قانون دادرسی مدنی بتصویب مجلس‌رسید.

مشیرالدوله در خلوت میگفت که با وجود مواد پیشنهادی علماء مخصوصاً ماده ۱۴۸، قانون اصول محاکمات که تراضی متداعیین برای رسیدگی محکمهٔ

عدلیه شرط شده، محاکم عدلیه موقعیت شایسته‌ای نخواهند داشت و دول خارجه نسبت باتباع خودشان درایران تمکین ازین محاکم نخواهند کرد و بالاخره بفکر اورسید که علماء را وادار به تعیین علماء لایق قضاوت یعنی مجتهدین جامع‌الشرایط بکند واز من [صدرالاشراف] خواست که با علماء طراز اول مذاکره شود که علماء درجهٔ اول اشخاصی‌را که لایق قضاوت شرعی هستند بمحاکم عدلیه معرفی کنند. من این مطلب را اظهار کردم ولی اختلاف نظر علماء بقدری زیادبود که درمدت شش ماه حتی یکنفرراهم بوزارت عدلیه معرفی نکردند!

مشیرالدوله درآن موقع ابلاغی برای محاکم صادر کرد که چون مراجع شرعی برای محاکمه معین نشده ، محاکم عدلیه نباید محاکمات را معوّق بدارند و تا مراجع شرعی معین نشده خود محاکم رسیدگی کنند وحکم بدهند،.. بالاخره پس ازمدتی مرحوم آقا سید محمد یزدی با تصویب آقایان علما ریاست محکمه شرعی را قبول کرد.[1]

مشیرالدوله بعد از کودتای محمد علیشاه چون مغضوب بود از دستگاه‌وزارت دادگستری محترمانه استعفا کرد ، ولی پس از فتح آزادیخواهان و بعد از عود مشروطیت مجدداً وزیر عدلیه شد و چون تا آن تاریخ نه قانونی برای تشکیلات عدلیه ونه‌آئین دادرسی موجود بود ونه اعضاء عدلیه حقوق مرتبی داشتند وزارت عدلیه مانند زمان استبدادی صدی ده از قیمت محکوم به‌از محکوم و صدی پنج از محکوم علیه میگرفت و ازین درآمد هر چندماه یك دفعه مبلغی ناقابل به اعضای محاکم میدادند. مشیرالدوله درسال ۱۳۲۸ قمری درمجلس شورای ملی عنوان کرد که مجلس باید بودجه‌ای برای حقوق اعضای محاکم و ادارات عدلیه‌تصویب کند و باو مهلت بدهند تا قانون تشکیلات عدلیه را تهیه کند.

باید دانست که مشیرالدوله در کابینهٔ ناصرالملك (اردیبهشت ۱۲۸۸) و در

۱ـ صدرالاشراف : خاطراتی ازدادگستری، سالنامهٔ‌دنیا، ۱۸: ۲۷۸و۲۸۳

کابینهٔ دوم و سوم سپهدار (آذر ۱۲۸۸ تا اردیبهشت ۱۲۸۹) و کابینهٔ چهارم سپهدار (اسفند ۱۲۸۹) و کابینهٔ اول و دوم صمصام‌السلطنهٔ بختیاری (مرداد ۱۲۹۰) سمت وزارت عدلیه را داشت و درهمین مدت نسبةً طولانی وزارت خود بود که توانست شالودهٔ عدلیهٔ جدید را که تا زمان مرحوم داور با قدرت بکار می‌پرداخت بریزد.

مشیرالدوله درزمان داور که به فکر اصلاح عدلیه پرداخت از داور حمایت بی‌دریغ می کرد و نیّات اورا در تحول دادگستری مورد تأیید قرارمیداد. اغلب داوردر اموردادگستری بامرحوم مشیرالدوله مشورت داشت واین مشورت چه با ملاقات شخصی وچه بوسیلهٔ آقای داودپیرنیافرزند مشیرالدوله که آنروزدرخدمت دادگستری بود صورت میگرفت.

در موقع انحلال عدلیه [بهمن ۱۳۰۵] داور کمیسیونی برای اصلاح قوانین عدلیه ترتیب داد. اعضای کمیسیون عبارت بودند ازمرحوم مشیرالدوله، مرحوم منصورالسلطنهٔ عدل، میرزا احمد خان شریعت زاده، آقای دکترمحمد مصدق و آقای صدرالاشراف. در جلسهٔ اولی که برای رسمیت کمیسیون در اطاق وزیر تشکیل شد، مشیرالدوله بریاست کمیسیون و صدرالاشراف به نیابت ریاست و منصورالسلطنه و شریعت‌زاده بعنوان منشی انتخاب شدند و قرارشد جلسات بعد در منزل مشیرالدوله تشکیل‌شود.[۱]

اقدام داور البته تند بود ولی بکمك صدرالاشراف و مشیرالدوله بالاخره توانست محاکمی نسبةً آبرومند ترتیب دهد، درانتخاب قضات مشیرالدوله همیشه سفارش میکرد که قضات باید از زمرهٔ اهل علم انتخاب شوند تا آنکه علماء متنفذ نتوانند برآنها ایراد بگیرند و احکام محاکم را موهون بشمارند.

آقای مختاری درباب اصلاحات قضائی مشیرالدوله گوید[۲]:

«حسن پیرنیا از دانشمندان درجه اول‌ودکتردرحقوق واستاد درعمل‌وتجربه

۱ـ سالنامهٔ دنیا۲۸ ۸٤

۲ـ تاریخ بیداری‌ایران، حبیب‌الله مختاری، ص۴۱۹

بود ، نامبرده با سیاست آرام و متین ، کاملا با اوضاع و اخلاق و روحیات ایرانیها
آشنا و ازنفوذ طبقات روحانی با اطلاع بود . بتدریج با ملایمت اوراق و قوانینی‌را
تنظیم نمود وپس ازملاقاتهای دوستانه با مجتهدین با نفوذ روحانی ومذاکرات‌لازمه
و حك و اصلاح هریك از مواد و تطبیق آنها با قوانین شرع و ضمناً با مذاکرات با
وکلای مجلس وجلب نظر آنها و با دخالت دادن جمعی ازاشخاص طبقات روحانی
دررأس محاکم ومراحل قضایی بطریقی که انقلابی رخ ندهد ، مراحل قانونی
قضایی را ازابتدائی واستیناف و دیوان کشور و دادستانی تشکیل داد و امورات را
بجریان انداخت . مشارالیه با وجود تمام این تدابیر وبکاربردن سیاستهای عاقلانه
بازگاهگاه بمشکلات برخورده مدتی از کارکناره گرفته و پس از چندی مجدداً
منصوب ودنبالهٔ عملیات خودرا میگرفت .

ضمناً جمعی ازاشخاص عالم بحقوق را جمع و در مراحل قضائی جا داد و
باینطریق پس از سالها سازمانی در وزارت دادگستری پیدا شد ، مراحل سه گانهٔ
قضائی صورت اداری گرفت وپارکهٔ بدایت مدعی‌العمومی (دادستانی) را تشکیل و
دارالوکاله‌های حقوقی را رسمیت داد و ادارهٔ اجرا را تأسیس نمود . »

مرحوم‌مشیرالدوله برای اولین‌بار در ایران قضاوت دودرجه‌ای را باب کرد
وموجب شد که دادگاههای بدوی و استیناف بوجودآید . اوهمیشه مراقب اوضاع
عدلیه بود ، وقتی خبر محکومیت نصرةالدوله فرمانفرما را به‌شش‌ماه زندانی شدن
شنید ودادنامهٔ دادستان‌را خواند ، به‌رئیس عدلیه پیغام‌داده بود که البته نصرةالدوله
شاید گناهان زیادی‌داشت ، ولی بااین‌دادنامه و این محکومیت ، شمانصرةالدوله‌را
محکوم نکردید ، بل دادگستری ایران را درانظار خارجیان محکوم نمودید ، او
بارها میگفت که‌چراغ عدلیه در اوایل عمرمشروطه خوش درخشید ولی دولت
مستعجل بود .

وقتی که مشیرالدوله سکته کرد ، مرحوم رضاشاه روزی به عیادت او رفت
و از ترقیات ایـران گفتگو بمیان آمد ، مشیرالدوله در عین بیماری وضعف

و عجز از صحبت ، باز رو به رضاشاه کرد و گفت ، مهمتر از همهٔ این ترقیات تأمین قضایی است و اگر این امر صورت پذیرد، بقا و دوام این ترقیات تضمین‌شده است .

او روزی درمجلس شوری ، نظر خود را در باب قانون درین جملهٔ معروف خلاصه کرده :

« قانون را نباید عصبانی کرد ، تأمین قضایی بسته به حتمی الاجراء بودن‌قانون است ، نـه شدت آن . »

نکتهٔ شایان تذکر اینست که مشیرالدوله بهر حال قانون را برای مملکت میخواست و این بود که همیشه نحوهٔ اجرای قانون‌را بیش ازماهیت آن مورد دقت قرارمیداد ، مرحوم بهار گوید :

«این حقیقت را بنام تاریخ باید گفت کـه مرحوم مشیرالدوله ، بر خلاف برادرش مؤتمن‌الملك ، در کیفیت اجرای قوانین هر چند با مدلول ظاهری آن مخالفت داشته باشد گاهی جرئت غریبی از خود بخرج میداد ، در اوایل مجلس چهارم ، روزی مرحوم حاج آقای شیرازی قبل از دستور بر ضدّ کارهای خلاف قانون صدور دورهٔ فترت با نهایت حرارت نطقی ایراد کرد ، این نطق مبتنی‌براین بود که باید رئیس‌الوزراءهای ایام فترت که بخلاف قانون اساسی کارهایی کرده‌اند محاکمه شوند .

مشیرالدوله آنروز درردیف وکلاء بود و درآخرین صف پشت بدیوارجای داشت و طوری ازنطق حاج آقا عصبانی شد که بی‌اختیار سیگاری ازقوطی بیرون آورد و آتش زد و بفورآ آنرا خاموش نمود و بعد از ختم نطق که طولانی بودرئیس مجلس تنفس داد . مشیرالدوله در اطاق متصل باطاق جلسه فریادش بلند شد و در ضمن انتقاداتی که از ناطق میکرد گفت :

«من‌قانون اساسی را برای‌مملکت میخواهم نه‌مملکت‌را برای قانون‌اساسی؛ و هر گاه پای صلاح‌مملکت‌درمیان باشد، من قانون اساسی را زیر پالگد میکنم » .[1]

۱- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص۳۰۶

عمت فواضله البریة فالتقی   شکر الغنی و دعوة المسکین
ساس الامور فلیس تخلی رغبة   من رهبة و بسالة من لین

بزن‌گاه دوم
توبهٔ گرگ

باری ، روابط محمد علی‌شاه و مردم و مجلس روز بروز تیره ترمیشد، درین بزنگاه[1] تاریخ مشروطیت نیز شخصیت مشیرالدوله ، بچشم میخورد ، این شخصیت همه جا صورت میانجی درمیان قوهٔ قاهره وهیجان عامه داشته است ، زیرا روحیه و مقام‌او واعتمادی که هم مردم و هم دستگاه دولت به‌صلاح‌اندیشی و کفایت و بی‌غرضی او او داشته‌اند ، موجب میشد که طرفین او را به‌حکمیت و میانجیگری قبول کنند .

نمایندگان‌مجلس که متوجه وخامت‌اوضاع‌شده بودند وبهرحال غضب شاه‌را خطری برای مشروطیت میدیدند ، درذیقعدهٔ ۱۳۲۵ بکمك مشیرالدوله نامه‌ای در باب رفتارمحمد علیشاه به رئیس مجلس فرستادند ، و درحقیقت بدست اوزنگوله‌را به‌گردن گربه بستند ، یعنی اقدامات مشیرالدوله موجب آن شد که در ۱۷ ذیقعده محمد علی‌شاه سوگند نامه‌ای امضاء کرد و به‌مجلس فرستاد . واقعاً این کار

۱ـ اصطلاح بزن‌گاه را در تاریخ مشروطیت تعمداً بکار برده‌ایم : در جاده‌های کوهستانی که سابقاً کاروانیان همیشه در معرض هجوم دزدان بودند ، معمولا نقاط خاصه‌ای هست ـ مثل بریدگی رودخانه در سرپیچ راه و جاده یادر انتها « پوزهٔ کوه» و پناه سنگهای ضخیم یا درختان بزرگ ـ که دزدان درپشت این مکامن پناه میگرفتند و کاروان بی‌خبر از هر جا بمحض آنکه درین دره یا پیچ و خم قرار میگرفت از چهار طرف صدای «کورشو» دزدان بلندمیشد . جائیکه نه‌پای رفتن بود و نه‌قدرت بازگشتن . کاوانیان هم دستها بالا کرده و بروی خاك میافتادند و دزد مال و کالا راآنچه میخواست می‌بردو بکوه میزد . این محل های اختصاصی را در جاده‌ها «بزن‌گاه» یعنی جایی که دزد کاروان را می‌زند،می نامیدند. مثل اینکه درطی مسیر تاریخ مشروطهٔ ایران نیزچنین بزنگاههایی بوده است و تشبیه بلا مشبه نباشد . پیغمبر دزدان ، این جای را همه جا «لورگاه»(به‌ضم لام و فتح واو) آورده است : « به نانت‌نه ، بجانت قسم که در هیچ لورگاهی نشده که از ذکرت خاموش شوم وهیچ بزنگاهی نرفتم که فراموشت کنم . » (آثار پیغمبردزدان ، مصحح نگارنده ، چاپ‌دوم‌ص۲۹)

مشیرالدوله بس ارزنده بود ، که در حکم پنجه گرگ را در پوست گردو گذاشتن است ، هر چند هم صورت توبهٔ گرگ را داشت.

محمد علی شاه چنین قسم خورد :

«باین کلام‌الله مجید قسم یاد می کنیم که اساس مشروطه و قوانین اساسی را کلیةً درکمال مواظبت حمایت و رعایت کنیم . لیلهٔ ۱۷ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵».

مشیرالدوله بلافاصله برای اینکه دنیا را از نتیجهٔ کار مشروطیت ایران ــ که آنروزها تبلیغاتی درخارج علیه آن شده بوده ــ آگاه کند، این تلگراف را به‌دنیا مخابره کرد :

«اختلافیکه بین ملت ودولت پیدا شده بود بحمدالله بخوبی رفع شده، اعلیحضرت همایونی درمجلس شورای ملی با امضای قرآن مجید حفظ مشروطیت را مطابق قانون اساسی متعهد شدند ، اطمینان بعمل آمد ، کابینهٔ جدید مسؤل رفع اختلافات شد . »

مشیرالدوله

محمد علی‌شاه قرآن را مُهر کرده و بعنوان وثیقه به‌مجلس‌فرستاده بود . درچهارم‌ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ کابینهٔ نظام‌السلطنه تشکیل شد و مشیرالدوله وزیرخارجهٔ آن بود ، این کابینه چندی نپائید و در ۸ جمادی الاول ۱۳۲۶ کابینهٔ احمدخان مشیرالسلطنه روی کارآمد ومشیرالدوله وزیرعلوم آن بود ، مرحوم دولت آبادی درباب مشکلات وزارت علوم مشیرالدوله مینویسد:

« روز شنبه دوازدهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ میرزا حسنخان مشیرالدوله وزیر علوم شده میخواهد بیاید اعضاء و اجزای دارالفنون و کارکنان‌معارف باو معرفی معرفی‌شوند، اگرچه میدانم‌بااوضاع حاضر ازمشیرالدوله برای‌معارف‌کاری ساخته نیست‌و او درین تنگنا قدمی برای معارف نمیتواند بردارد ، با وجود این میروم . مشیرالدوله میآید، معرفی اجزای دارالفنون و مدرسهٔ نظام و رؤسای معارف‌صورت میگیرد. معلمین ازنرسیدن حقوق خود شکایت میکنند ، شاگردان دارالفنون و

مدرسهٔ نظام جمع‌شده از بی‌درسی شکوه مینمایند ، بالاخره معلوم میشود معلمین دارالفنون و اجزاء نه‌هزار تومان طلب دارند ، نگارنده [یحیی دولت آبادی] آهسته به مشیرالدوله میگوید اگر بخواهید وزیرعلوم باشید این مبلغ را اگرچه بقرض باشد بپردازید . . قول میدهد که اینکار را بکند ، منهم اجزای معارف را ازمساعدت مشیرالدوله امیدوارمیکنم.»[1]

این آخرین هیئت دولت اول مشروطیت بود که به‌مجلس معرفی‌شد ، زیرا بحران و اختلاف میان‌شاه ومجلس کم کم به‌حد اعلای خود رسید. مرحوم کسروی مینویسد: «از ۲۱ ج ۱۳۲۶/۱ مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك به‌میانجی گری‌میپرداختند ولی هردوسوی را ازخودخشنودمیخواستند. مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك ونیرالدوله به مجلس می آمدند و ازینسوی مستشارالدوله و ممتازالدوله و دیگران با آنان می‌نشستندو گفتگوها میکردند ولی نتیجه‌ای نمی‌بیوسید!»[2]

باید بگوئیم برخلاف نظرمرحوم کسروی ، مشیرالدوله رل میانجی داشت و طبعاً نمیخواست که ازیکطرف کاربه‌بریدن رشتهٔ مذاکرات بکشد چنانچه موردمهر کردن قرآن ازطرف محمد علی‌شاه واقعاً کاربزرگی بود. ولی چنانکه خواهیم‌دید، درینجا نیز بالاخره وساطت‌مشیرالدوله بجایی نرسید ، مشیرالدوله حق داشت که طرفین را رعایت کند ، زیرا خوب میدانست که اگر ازطرف شاه رشتهٔ مذاکرات گسیخته شود حکومت لیاخوف‌ها و امیربهادرها زمام‌را بدست خواهد گرفت واگر ازطرف مردم انقلابی پدید آید ، پایان کار عوام معلوم نیست، یا بالعکس معلوم است کز آن چه زاید ! زیرا همیشه در حاشیهٔ مرده بادها و زنده بادها ، شمشیر دیکتاتور ها می درخشد و در پایان کار بالا میرود و همه را درو میکند .

دولت آبادی مینویسد:

روزی یکی دومرتبه وزراء یعنی صنیع الدوله و مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك

۱ـ حیات یحیی ، ج۲ ، ص ۲۹۳

۲ـ کسروی ، تاریخ مشروطیت، ص ٦٠٤

(وزیر تجارت) به‌مجلس آمده‌در کمیسیون‌صلح صحبتی میدارندومیروند وعمده‌نظر کمیسیون اصلاح اینست که سه نفر تبعید شده یعنی علاءالدوله وسردار منصور و جلال‌الدوله را بر گردانند.[1]

درین بازی ، سفارت روس بیش از هرجا تکاپو میکرد خصوصاً با سفارت انگلیس در مذاکره بود که آن سفارت را بهمراهی خود و یاری با محمدعلیشاه همراز کند. وکار دخالتش تا بدانجا رسید که سفیرروس با وزیر خارجهٔ ایران مشیرالدوله چنین گفتگو کرد: «موسیو دهارت‌ویك M Hartwig سفیرروس به‌خانهٔ وزیرخارجه وارد گردید ، سفیر روس گفت : جان شاه درخطراست ، این ملیون چکار بکار نوکران شخص اعلیحضرت بویژه امیربهادر جنگ دارند ، کارانجمن‌ها وملتّون بدینجا کشیده که همه آرزوشان بر کناری شاه است ، اگرچنین واقعه‌ای رخ نماید روسیه نا گزیر به پای درمیانی‌بوده وانگلستان نیزپشتیبانی خواهد نمود. مارلینگ وابستهٔسفارت انگلیس نیزاین معنی‌را تصدیق نمود .

حسنخان مشیرالدوله پنج روزقبل ازین‌وقایع ازکار کناره گیری کرده‌بود . ولی‌تاتعیین‌تکلیف‌بکارهارسید گی میکرد، باری مشیرالدوله بسوی مجلس شتافت و گزارش امررا برئیس مجلس داد . روز بعد (چهاردهم خرداد ۱۲۸۷ = ٤ ج۱ ۱۳۲٦)شاه بباغشاه رفت[2].

آقای تقی‌زاده گوید : دردوم جمادی‌الاولی سفیر روس وانگلیس ازشمیران بوزیر امورخارجه‌مشیرالدوله تلگرافی بزبان فرانسه فرستادند که بایداورابببینند و درآنجا گفتند برای مذاکرهٔ اوضاع فعلی است که بنظرما وحشت‌انگیز می‌آید و وقتیکه آمدندبالحن بسیار تهدیدآمیزاخطار کردند که اگرملیون برخلاف شاه اقدامی کرده و موقع او را بخطر بیندازند روسیه مداخله میکند . مشیرالدوله بلافاصله قبل ازپذیرایی آن‌دوتا مأمور سیاسی خارجی همان‌روز به مجلس آمده و

۱- حیات یحیی، ج۲ ص۲۷۹

۲- برون ، انقلاب ایران ، ص۲۰۲ ، ۲۰۳

تقاضای فوری مذاکره با رئیس مجلس و کمیسیون خارجه که مستشارالدوله و من[تقی‌زاده]هم عضو آن بودیم نمود و ما را بجمله دعوت به‌مجلس کردند وحکایت او را شنیدیم و بسیار نگران و متوحش شدیم ، آن بود که شاه از شهر بیرون رفت و مشغول جمع آوری اردو شد و انجمن ها قصد مقابله نمودند ، ما بآنها نصیحت دادیم که اقدام تجاوزی نکنند والبته درین‌نصیحت همهٔ عقلا و البته رئیس مجلس ممتازالدوله ومشیرالدوله موافق بودند .[1]

پرونده سازی امیر بهادر واستعفای مشیرالدوله

در گزارش‌مرحوم ادوارد برون خواندیم که‌پنج‌روز قبل از گفتگوهای سفارت روس و انگلستان درباب طرفداری از محمد علیشاه ، مشیرالدوله استعفا کرده بود ، بدنیست علت این استعفا را بدانیم ، وچه بهتر که عین نوشته‌های یکی ازرجال بزرگ آن‌عهد را که‌هنوزهم‌ازشیوخ قوم‌است، یعنی‌جناب‌صدرالاشراف، درین‌باب نقل کنیم . آقای حسن صدر مینویسد:

در ۱۳۲۶ قمری اوضاع مملکت بحال‌استبداد درآمد، در آن وقت‌مشیرالدوله وزیرعدلیه وبرادرش مؤتمن‌الملك وزیرفرهنگ(؟)بود، چون این دوبرادر ازعناصر مشروطه‌خواه بودند ، اطرافیان محمد علیشاه زمینهٔ محاکمه‌ای برای توهین این دوبرادر فراهم کردند . چون‌آن محاکمه موجب‌استعفای ایشان شد اختصاراً آنرا نقل میکنیم :

موضوع محاکمه عبارت بود از ادعاء یکنفر سرهنگ به مبلغ هشت هزار تومان علیه آنها ، باستناد نوشته‌ای ازمیرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله پدر آنها ، و حاکی ازطلب سرهنگ ازپدرایشان.

محکمه در باغشاه به ریاست مشیرالسلطنه صدراعظم و عضویت امیر بهادر جنگ وسپهسالارو وزیر افخم وزیردربارومن(صدرالاشراف) وشاهزاده مؤیدالسلطنه تشکیل‌شد ومشیرالدوله ومؤتمن‌الملك درمقابل هیئت محکمه نشستند.

۱ـ خطابهٔ آقای‌تقی‌زاده درباشگاه مهرگان، ص ۶۰

مدعی سند خود را بدست امیر بهادر جنگ داد و او بدست مشیرالسلطنه صدراعظم واو بدست دیگران داد تا بدست من رسید. سند به مهرمیرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله بود، ولی بدقت که ملاحظه کردم استنباط شد که دردوجای سندعلامت دست خوردگی است، یکی دراسم داین، و یکی درمبلغ. ولی چیزی نگفتم و سند را رد کردم تا سند را دادند بدست مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك. آن دو نفر یا ساختگی سند را ملتفت نشده یا شده چیزی نگفتند. مشیرالسلطنه که رئیس محکمه‌بود ازآن‌ها جواب خواست. آنها گفتند: ما ازین سند اطلاع نداریم ولی هرچه محکمه حکم کند اطاعت داریم.

مشیرالسلطنه بعد از چند دقیقه سکوت مجلس، ازاعضاء رأی‌خواست. هیچ کدام از اعضاء به‌ملاحظات سیاسی اظهاری نکردند. امیر بهادر جنگ با بیانی ملامت‌آمیز به‌مدعی علیهما گفت: بگوئید این‌نوشته ازپدرشما هست‌یانه؟

آنهاهمان‌جواب اول‌را دادند.

مشیرالسلطنه بمن گفت شما از احکام شرع بهتر مطلع هستید، تکلیف چیست؟ من گفتم عقیدهٔ من اینست که باید دست این سرهنگ را برید! برای آنکه با یك نوشتهٔ تقلبی بدو وزیر مملکت ادعای واهی در چنین مجلسی اقامه کرده است.

امیربهادر جنگ که شالودهٔ این محکمه را اوریخته بود بشدت بر آشفت و گفت شما باید تقلب نوشته را اثبات کنید. من نوشته راجلو آفتاب گرفته به‌یك‌یك اعضاء نشان دادم وهمه فهمیدند، حتی‌خود امیربهادرهم فهمید ونوشته را گرفته‌پاره پاره کرد ومجلس برهم خورد. مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك درهمان مجلس‌استعفای خودرا نوشته به‌مشیرالسلطنه‌دادند.[1]

بدینطریق کار مشیرالدوله بادربار محمد علیشاه یك رویه شد ومعلوم‌شد که:

۱ـ خاطراتی ازداد گستری، سالنامهٔ دنیا، ۱۸: ۲۷۷

دیگر بـه پیام و نـامه بر ناید کار

شمشیر دو رویه کار یکرویـه کند

و همانطور که میـدانیم این خشم و کیـنهٔ امیر بهادر و محمد علیشاه یك بار مشیر الدوله را تا مرحلهٔ توقیف بـرد و بار دیگر تـا مرحلهٔ طناب انداختن در باغشاه آورد .

تیرها بسنگ میخورد

مذاکرات بنتیجه نمیرسید ، شاه از مجلسیان آزرده شده وحرارت سیاست بالا میرفت، ناگهانی دستخطی بدینشرح بهمشیر السلطنه رئیس الوزراء فرستاد :

«جناب اشرف مشیر السلطنه ، چون هوای تهران گرم بود و تحملش بر ما سخت بود ، ازین رو به باغشاه حرکت فرمودیم ، پنجشنبه چهارم جمادی‌الاولی ، عمارت باغشاه».

معلوم شد که گرمای هوا بهانه برای کوفتن مجلس است . ملیون نیز در مجلس متحصن شدند و آنجا را سنگر خود ساختند ، باز ارتباط و میانجی گری مشیر الدوله قطع نمیشد ، چه از دیکتاتوری عوام و خواص هر دو پرهیز داشت ، اما کار ازدوطرف بشدت‌وحدّت کشید. مرحوم کسروی گوید :

روزهای ۲۱ و ۲۲ جمادی‌الاولی ، مجلس بنام میانجی گری نهائی برپاشد و گفتگوهایی میانهٔ آن بادربار بنمایندگی مشیر الدوله و مؤتمن الملك میرفت . اما نتیجه‌بخش نمی‌بود ، روز ۲۲ جمادی‌الاولی ، محمد علیشاه این تلگراف را به شهرستانها فرستاد :

« این مجلس برخلاف مشروطیت است ، هرکس من بعد از فرمایشات ما تجاوزکند ، مورد تنبیه‌وسیاست سخت خواهد بود . محمدعلی‌شاه .»

شب آن روزمشیر الدوله ومؤتمن الملك بمجلس آمده آگاهی دادند که شاه در برانداختن مجلس پافشاری‌میکند»[1]

۱ــ تاریخ مشروطیت کسروی ص ۶۲۳

در همین ایام عده‌ای ازروحانیون نیز به‌باغشاه رفته ، محمد علیشاه را در مخالفت با مشروطه تأیید کردند و او را چنان مغرور ساختند که چنین اعلامیه‌ای صادر کرد :

«بسمه تعالی، آقایان علماء اعلام، حال که بعقیدهٔ شمامجلس باقواعد اسلامی‌منافی است وحکم‌بحرمت‌مشروطه داده‌اید ، ماهم بالمره‌و بطور‌قطع منصرف‌شدیم ومطمئن باشید که دیگر مجلس عنوان نخواهدشد! »

مشهور است که حاج‌شیخ فضل‌الله نوری چون ازباغشاه بخانه بر گشت‌بمردم گفت «الساعه ازباغ‌شاه میآمدیم وفاتحهٔ مشروطه را بر چیدیم! »

مجلس دربرابر دربار ایستادگی میکرد ، شاه مصمم به امحاء مشروطیت‌شد، مرحوم دولت‌آبادی واپسین‌روزمجلس را چنین باز گومی کند :

«قدری ازشب میگذرد ، صنیع‌الدوله ومشیرالدوله با حالت پریشان وارد شده میروند آخر باغ بهارستان با هیئت رئیسهٔ مجلس خلوت میکنند ، یکی از وکلاء دست صنیع‌الدوله را گرفته ومیگوید چه‌شد؟ صنیع‌الدوله دست‌خودرابسختی رها کرده میگوید چگونه میتوانم نتیجه را اینجا بشما بگویم.

یکی از مجاهدین بمشیرالدوله میگوید شما بیائید ، نه آن وزیر که حالش معلوم‌است (مرادش صنیع‌الدوله‌است‌زیرا مردم‌نوعاً ازصنیع‌الدوله بواسطه‌خصوصیتی که با امیربهادرجنگ نموده است‌خوب نمیگویند).

قدری فاصله مؤتمن‌الملك هم آمده به‌حوزهٔ آنها وارد میشود، خلاصه‌آمدن این سه‌نفر معلوم میدارد که دستشان بشاه نرسیده خبر خوش نیاورده اند . . . من [یحیی] مینویسم بمشیرالدوله که اگرخبری دارید بمن بدهید، برندهٔ کاغذجواب زبانی‌آورد که فردا صبح‌معلوم میشود ... آنشب‌را بسربرده صبح زود مصمم رفتن ببهارستان میشوم که صدای توپ بلند میشود.[1]

۱ـ حیات یحیی ، ج۲ ، ص ۳۱۲ و ۳۱۴

روزشنبه ۲۳ جمادی‌الثانی مجلس بتوپ بسته‌شد.

غوغای توپ‌بستن مجلس وحبس و زجر آزادیخواهان و قتل آنان درباغشاه ومظالم قزاقان روسی ، چیزی نیست که بتوان درین مختصر از آن بحث کرد ، فقط باید گفت آنچه را مشیرالدوله ازآن میترسید وبارها برای عدم وقوع آن رل میانجی‌را بازی میکرد، پیش آمده بود.

بعد از کودتای محمد علیشاه همهٔ احرار و آزادگان و اشخاص منورالفکر بباغشاه کشانده شدند و بسیاری بقتل آمدند که‌جریان آنرا باید در تواریخ خواند. بطوریکه آقای داود پیرنیا فرزند مشیرالدوله اظهار میدارد : درین قضایا ، سربازان امیربهادر، مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك رانیز بباغشاه کشانده بودندوحتی دستورطناب انداختن آنان نیز داده شده بود ، ولی عضدالملك شیخ قاجار خود را بباغشاه رسانده بمحمد علیشاه گفت‌مشیرالدوله دامادمن است[1]، چطوردستورمیدهی اوراطناب بیندازند ؛ وسپس خود یك‌شب درباغ‌شاه برابر چادر توقیفگاه مشیرالدوله‌خوابید تا موفق به‌نجات دادن او ازباغشاه شد . این جریان خود دلیل براین است که مرحوم مشیرالدوله درمذاکرات خود با محمدعلیشاه همه جا جانب مردم را داشته است و همین عوامل موجب بغض محمد علیشاه شده بود که کار را تا بدینجا کشاند .

سروصدای مردم ایران از اکناف و اطراف بلند شد ، قشون آزادیخواهان از تبریز و بختیاریها از اصفهان متوجه پایتخت گشتند و تخمی را که احرار کاشته بودند بثمر رساندند. ظهیرالدوله«صفا»بعدازبه‌توپ بسته‌شدن‌خانه‌اش چه‌خوب گفته بود :

بعرض شاه‌رسان ای صبا زقول صفا	که‌ای‌شهنشه دوران وجانشین کیان
مگر بعرض حضورتو نارسانده کسی	که گندمی که نمایند زیرخاك‌نهان
نخست‌چونکه‌شود،سبزلاغراست‌وتنك	چنانکه می‌نپسندند زارع ودهقان

۱ـ درباب این بستگی خانوادگی بعداً سخن‌خواهیم گفت.

برای مصلحت دهقنت ، یله سازد گله به مزرعهٔ که خدای ده ، چوپان
لگد کنندو چرند آنچه گندم وسبزه است چنانکه بائر و دائرشود همه یکسان
چو بگذرد دوسه‌روزی‌از آن،همان گندم بروید از نووسرسبز زان شود بستان
ستبر پنجه زند ، هفت سنبل آرد بار چنانکه وعده نموده خدان در قرآن

....

بکاشت ملت بیچاره تخم آزادی ز بعد بندگی قرنهای بی پایان
چو سرزخاك بر آورد ، امر فرمودی به مردمی همه اهریمنان بدایمان
که خاك مجلس و مسجد همه‌دهندبباد کشند مردم مظلوم را زپیر و جوان
به‌یك‌اشاره که‌ازروی‌خواهش‌نفس‌است خراب گشت بسی خانه‌های بی گنهان

....

شها ، چراندی اگر سبز حاصل ملت بهوش‌باش که رویاندش خدای جهان
یکی لطیفهٔ نغز این بود که خانهٔ ما هزارذرع بود فی‌المثل به حیث مکان
ولی به مملکت ماتو چون شهنشاهی ترا بود به مثل خانه کشور ایران
خراب گرددوویران، تومرده یا زنده بقول عام: کشیدم برات خط و نشان
زبان درازی‌شد خسروا ببخش مرا بکن هر آنچه‌دولت‌خواست،خانه آبادان

ستارخان وباقرخان ازتبریز وقشون بختیاری از اصفهان و سپهدار از گیلان متوجه تهران شدند.

پس از آنکه محمدعلیشاه‌ازحرکت مجاهدین‌رشت‌بسمت کرج اطلاع‌حاصل کرد تلگرافی بشرح زیر بمحمدولی‌میرزاسپهدار مخابره نمود:

«محمد ولی ، محض فوق نمك بحرامی تو بدولت ، ترا از شؤونات دولتی خارج، واملاك‌ترا خالصه‌نمودیم . ازباغشاه ، محمدعلیشاه».

محمدولی‌خان‌تنکابنی‌هم‌درجواب چنین تلگراف کرد:

«باغشاه ، الحمدلله که ازین ننگ‌خارج‌شدم، ودراملاك من‌هم هیچکس‌قدرت دخالت نخواهد داشت.»[1]

قشون تهران را محاصره کرد ، روز ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ یعنی درست یکسال پس از رها شدن گلوله‌های توپ لیاخوف ، قشون آزادیخواهان از

۱- تاریخ مشروطهٔ ایران‌وجنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری ، ص ٥٤

دروازهای شمالی تهران وارد پایتخت شده یکسر بمجلس شورای ملی رفته ودر آنجا مستقر شدند .

شاه به‌زرگنده بسفارت روس رفت و بالاخره بروسیه فرار کرد .

فاتحان ، سلطان احمد میرزا پسر محمد علی‌شاه را بسلطنت برداشتند و چون صغیر بود عضدالملك را که‌شیخ قاجار محسوب میشد بنیابت او بر گزیدند . چندی بعد شاه‌مخلوع ازروسیه متوجه ایران شد و باسترآباد وارد گشت ولی این بارنیز از قشون‌دولتی شکست خورده بروسیه باز گشت .[1]

در همین سال‌ها بود که دوحزب انقلابی و اعتدالی درایران پیدا شد و بعد از افتتاح مجلس بنام دموکرات عامیون واجتماعیون اعتدالیون خود را معرفی نمود.

مقامات مشیرالدوله درین‌سالها چنین‌بوده است:

در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ که سپهدار نخست‌وزیر شد ، مشیرالدوله وزارت عدلیه داشت . درکابینهٔ مجدد او کـه در ۲۰ اسفند ۱۲۸۹ (۲۲ رجب ۱۳۲۹) تشکیل شد مشیرالدوله وزیر عدلیه بود ، سپس در کابینه صمصام‌السلطنه که در مرداد ۱۲۹۰ (۲۹ رجب ۱۳۲۹) تشکیل شد باز مشیرالدوله سمت وزارت عدلیه و سپس وزارت علوم و اوقاف ، همچنین درکابینهٔ علاءالسلطنه ، (۱۲۹۱) سمت وزیرعلوم و اوقاف را داشت .

مشیرالدوله و بیطرفی ایران

مجلس دوم در اواخر ۱۳۲۹ بسر آمد و ناصرالملك کـه درین وقت نایب‌السلطنهٔ مقتدر ایران بود دیگر انتخابات را تجدید نکرد و سه‌سال و کسری ناصرالملك زمامدار مطلق

۱ـ محمدعلی‌شاه در ۹رمضان ۱۳۴۳ درسان‌ریمو (ایطالیا) بمرض‌قلب در گذشت. احمد شاه ازپاریس خود را برجنازهٔ پدر رسانید و بطریق مسلمانی تغسیل وتکفین‌شد . در وقت حمل جنازه کوچه‌های جلو راه مملو از تماشاچی بود ، اعلیحضرت سلطان مخلوع عثمانی هم برای تسلیت به خانهٔ شاه رفت . (حبل‌المتین ، سال ۳۳ : ش۱۰)

بود[۱]، تااینکه براثر وخامت اوضاع جنگ وقدرت بختیاری‌ها، ناصرالملك بفرنگستان رفت. درهمین وقت انتخابات نیز انجام گرفت. حدس قریب بیقین اینست که **ناصرالملك** دراین مسافرت متوجه وضع وخیم تهران شده و خصوصاً از طرف بختیاریها که قدرت تام یافته بودند مقام سلطنت را درخطر میدید و بهمین دلیل باروپا مسافرت کرد بدون آنکه از نیابت سلطنت استعفا داده باشد و باین حساب چند سالی کودتای حتمی‌الوقوع آتیه‌را بتأخیر انداخت، چه قدرت بختیاری درشؤون ایران کار رابجاهای باریك کشانده بود. مرحوم دولت آبادی دربارهٔ سفر او مینویسد :

«ناصرالملك بپاریس رفته درآنجا اقامت کرد بی آنکه ازنیابت‌سلطنت استعفا داده باشد. کابینهٔ تهران بتصویب سردار اسعد براو سخت گرفت که یا استعفا بدهد و یا مراجعت نماید، دو وزیر مختار خود را هم در پاریس و لندن مأمور کردند جواب جدّی از او بگیرند، اما او نه‌قبول رفتن کرد و نه استعفا داد و تا اینوقت که من [یحیی دولت آبادی] این شرح حال را مینویسم (غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، مارس ۱۹۱۳) درپاریس متوقف است و کار نیابت سلطنت را با مکتوب و تلگراف میکند. مجلسی هم درتهران بریاست سردار اسعدتشکیل شده بعنوان نظر نمودن در نظامنامهٔ انتخابات که هیچ رنگ‌ملیت در آن دیده نمیشود و معین است برای پیشرفت اغراض اشخاص است.

سردار اسعد پس از یأس از ناصرالملك اسباب فراهم آورد که سعدالدوله میرزا جوادخان را از ژنو بایران آورده او را نایب‌السلطنه نماید، این بود که تلگرافاً او را بتهران خواست، اوازروسیه بتهران وارد شد. ولی بختیاریهامتوجه شدند که اگر سعدالدوله مسلط شود دست آنها را بکلی کوتاه خواهد کرد، صمصام‌السلطنه تمکین نکرد و مسأله نیابت سلطنت اوسرنگرفت»[۲].

---

۱ - مؤدبانه‌ترین دیکتاتوری‌ها را در ایران ناصرالملك‌کرده است! او تحصیل کردهٔ انگلستان بود، گویند در حکومت کردستان وقتی مقصری را پیش او میاوردند میگفت «این آقا را ببرید باکمال احترام چوب ببندید!» (تاریخ مردوخ ج۲ص ۲۳۱)

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص۲۲۱

احمد شاه در ۲۷شعبان ۱۳۳۲ رسماً تاجگذاری کرد .

درهمین ایام جنگ بزرگ بزرگ اول جهانی در گرفت . مستوفی‌الممالک ۱۸ روز بعد ازشروع جنگ اول کابینهٔ خود را تشکیل داد وددبدوکار چون مجلس تعطیل بودبرای اتخاذ رویهٔ دولت با برخی ازرجال مجرّب و بصیرمشورت نمود ، مخصوصاًساعت‌ها با مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک درخلوت نشسته و با تصویب‌ایشان باصدارفرمان ذیل ازطرف شاه مبادرت ورزید[1] :

« نظربا‌ینکه‌دریناوقات متأسفانه بین دول اروپ نایرهٔ جنگ مشتعل است... درین موقع دولت ما مسلک بی‌طرفی را اتخاذ و روابط دوستانهٔ خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید ... ۱۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۳۲ = اول‌نوامبر ۱۹۱٤» . اما این بیطرفی مثل بسیاری ازبی‌طرفی‌ها دیری نپائید .

بهرحال کابینه مستوفی‌الممالک نتوانست ادامه پیدا کند .

اولین کابینه مشیرالدوله

روزپنجشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ (۱۱مارس ۱۹۱۵) بنابه دستورشاه، مؤتمن‌الملک ازفراکسیون‌ها رای تمایلشان را را پرسید، عموماً یعنی‌از۷۵ نفرعدهٔحاضر، ۷۵ رأی‌بمشیرالدوله دادند. ساعت ۸ شب شاه مشیرالدوله را خواسته مأمورتشکیل‌کابینه کرد . مشیرالدوله مستقیماً از دربار بدیدن مستوفی‌الممالک رفت. سپس یکشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ساعت٤ بعدازظهر وزراء خود را معرفی کرد:

مشیرالدوله نخست وزیر و وزیرجنگ

معاون‌الدوله وزیر امورخارجه .

مستشارالدوله وزیر امور داخله .

حکیم‌الملک وزیر معارف .

ذکاءالملک وزیرعدلیه .

۱ـ مورخ‌الدولهٔ سپهر، مردان‌بزرگ، سالنامهٔ دنیا، ۱۸: ۸۶

مشارالسلطنه وزیر مالیه.

نصرالملك وزیرپست تلگراف و تجارت

اولین مشکل دولت مسألهٔ دخالت روس و انگلستان از طرفی و توقعات آلمانها بود و درین میان‌میبایستی تکلیف اختیارات مستشاران بلژیکی که گمرك را دراختیار داشتند نیزتعیین‌شود.

مورخ‌الدولهٔ سپهر گوید:

«دوشنبه ۱۵ مارس ۱۹۱۵ (۲۸ ربیع‌الثانـی ۱۳۳۳)، ساعت ٤ بعد از ظهر فن کاردرف شارژه دافر آلمان باتفاق نگارنده در قصر ابیض بملاقات مشیرالدوله رفتیم، فن‌کاردرف اظهار داشت باید بایران تبریك بگویم که شخص دانشمند وطنخواهی مثل‌شما مقام ریاست وزراء را قبول‌نموده‌اید. مشیرالدوله صمیمانه تشکر کرد و اصلاحاتی که درنظر گرفته شرح داد: درمالیه میبایستی اول تنسیقاتی داد و دیوان محاسبات را منعقد ساخت، پس از آن قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ (قانون اختیارات مستشاران بلژیکی) را لغو نمود، اما چون دوام این قانون و اختیارات بلژیکی‌ها بحال مملکت مضر است صبر را جائز ندانسته مصمم شده‌ام در جلسهٔ فردا لایحهٔ موقتی به مجلس پیشنهاد کنم مبنی بر اینکه قانون ۲۳ جوزا فوراً لغو شودوبجای آن کمیسیونی مرکب از ۳ الی ۵ نفرازطرف مجلس منتخب گردد که حق تفتیش‌درعایدات و مخارج راداشته باشند.

درباب مرکزیت قوای دولت درولایات مشیرالدوله گفت باید ابتدا نیروی ژاندارمری ونظمیه‌را توسعه داد و استعداد نظامی درهریك ازشهرها داشت تا دولت بتواند بیطرفی خود را محفوظ دارد.

فن‌کاردرف اشاره بقضیهٔ توقیف لیستمان و واسموس نمود.

مشیرالدوله اظهار تأسف بی‌نهایت کرده وعدهٔ جبران آن را داد و ضمناً گفت دیروز تلگرافی داشتم که اهالی شیراز ورودمسیو و اسموس‌را باشعف‌ومسرت استقبال کرده‌اند.

درجلسهٔ ٤شنبه ۱۷ مارس بالاخره مجلس‌شورای تانصف‌شب‌جلسه‌را ادامه داد قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ را نقض کرد»[۱] .

این کابینه تا دهم اردیبهشت ۱۲۹٤ ادامه‌پیدا کرد ولی قوامی نیافت و کار به عین‌الدوله سپرده شد ، مرحوم دولت آبادی گوید :

میرزاحسن‌خان مشیرالدوله کابینه را مرکب ازاشخاص‌مناسبی تشکیل داد. مشیرالدوله از اشخاص تحصیل کرده وتربیت شدهٔ این عصراست ، مرد کارآگاه و اداره کننده است ولکن جرئت و جسارتش بقدر کافی نیست، یا آنکه احتیاط و محافظه کاریش زیاد است . اما این‌کابینهٔ جوان در ابتدای تشکیل تصادف کرد با فشارتازه‌ای از طرف روسها که قشون جدیدی بسرحد انزلی وارد کردند ، و به تجاوزی که ازطرف مغرب از عثمانیان شد و عده‌ای قشون بقصرشیرین فرستادند . کابینهٔ مشیرالدوله سعی کرد که عثمانیان را بر گرداند ، اما آنها قصدشان این بود که مددی بقوهٔ آلمانی ــ عثمانی که در ایران تشکیل میشود بدهند و بدینجهت باز گشت خود را موکول به‌تخلیهٔ قشون روس و انگلیس ازایران نمودند .

مردم طرفدار آلمان بودند ، مشیرالدوله میخواست از این احساسات استفاده کرده وسیله‌ای فراهم آورد که اقساط قروض دولت را بدو همسایهٔ شمالی وجنوبی درمدت جنگ نپردازد و ازین راه تدارك قشونی بگیرد ، ولی روس و انگلیس که قشون ایران را منحل شده میدانستند ، همراهی نکردند ، مجلس هم آنطور که باید همراهی نکرد (بملاحظهٔ دموکراتها)، کم جرئتی خودش هم دخالت کرد و مشیرالدوله بعد از دوماه استعفا داد و بکناررفت و جوادخان سعدالدوله کاندیدشد ولی مخالفت مردم موجب شد که عین‌الدوله‌را بدین‌سمت بر گزیدند.[۲]

مورخ‌الدولهٔ سپهر درین باب مینویسد[۳]:

۱ــ سالنامهٔ دنیا ، ۱۸ : ۸۲

۲ــ حیات یحیی ص ۲۸٦ــ۲۸۷

۳ــ ایران در جنگ بزرگ ص ۱٦۳

دزدی که نسیم را بدزدد، دزداست

عصر شنبه ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ یکی ازدرباریان مقرب سلطان احمدشاه که درجمعیت مخفی آلمانی عضویت دارد دوان دوان خود را از قصر فرح آباد بتهران رسانیده بنگارنده [مورخ‌الدوله سپهر] چنین گفت که ساعت سه‌ونیم بعد ازظهر مارلینگ وزیر مختار انگلیس و باخ شارژدافر روسیه، بدون اجازهٔ قبلی متفقاً حضورشاه شرفیاب‌شدند و درتحت جبروفشاروتهدید، شاه‌رامصمم داشتند که‌بعزل مشیرالدوله‌ونصب‌سعدالدوله و بستن مجلس و توقیف جراید واخراج صاحب‌منصبان‌سوئدی و طرد دیپلوماتهای آلمانی وعثمانی ازایران مبادرت کند، ضمناً علاوه کرد که درین‌ساعت مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك درفرح آباد حضورشاه هستند.

نگارنده پس ازشنیدن این‌خبر بمنزل رئیس ژاندارمری درخیابان‌اسلامبول رفتم و در آنجا اکثر افسران سوئدی را گرد آورده مشورت کردیم، بعضی از افسران سوئدی میگفتند با قوهٔ قهریه همین امشب شاه را دزدیده بخارج خواهیم برد... بالاخره پس ازمشاوره، کاردرف شارژه‌دافر آلمان و عاصم‌بیك سفیرعثمانی با صد نفر سوارژاندارم به‌فرح آباد رفتند که جبراً حضورشاه شرفیاب شوند. بعد ازنصف شب‌رسیدند، موثق‌الدوله وزیردربار ازصدای هیاهو سراسیمه ازخواب‌پرید و با پای‌بی‌جوراب‌و زیرشلواری آنها را پذیرفت ومجبورشد برود وشاه را ازخواب بیدار کند، این دونماینده بالاخره موفق شدند نقشهٔ کودتای متفقین را نقش بر آب کنند ولی درباب اینکه مجدداً مشیرالدوله رئیس‌الوزراء بشودشاه زیربارنرفت، یعنی گفت‌خوداو[مشیرالدوله]دیگرقبول نخواهد کرد. بالاخره درشخص‌عین‌الدوله توافق حاصل شد وفردای آنروزدستخط ریاست وزرای اوصادر گردید.

حکومت عین‌الدوله نیز دیری نپائید و مجدداً بحران شروع شد. غروب پنجشنبه۲۲ ژوئیه۱۹۱۵ میرزامحمدصادق طباطبائی وشاهزاده سلیمان‌میرزا بملاقات مشیرالدوله دررستم آباد شمیران‌رفتند واظهار داشتند که اتفاق آراء مجلس با ریاست

وزرائی شما موافقت کرده است، مشیرالدوله درجواب گفت بهتراست مجلس سیاست خارجی خود را معین کند تا من ازروی همان سیاست اعضاء کابینه را تعیین نمایم، آیا مقصود تعقیب بیطرفی حقیقی است مثل کابینهٔ سابق من و کابینهٔ مستوفی الممالک، یا بیطرفی متمایل بروس وانگلیس مثل کابینهٔ عین الدوله؟

بعد از افطار، اعلیحضرت مشیرالدوله را بقصر صاحبقرانیه احضار و ریاست وزراء را باو تکلیف کرد. مشیرالدوله برای عرض جواب قطعی دوروزمهلت خواست.

روز شنبه ٢٤ ژوئیه، چهارده نفر ازفراکسیون‌های مختلف انتخاب شدند که بروند و ازمشیرالدوله خواهش کنند درتشکیل کابینهٔ تسریع نماید.

روز شنبه ٢٧، هیئتی از وکلاء نزد مستوفی الممالک به‌ونك رفته و هیئت دیگری درمجیدیه شاهزاده عین الدوله را ملاقات واصرارنمودند هردو داخل کابینهٔ مشیرالدوله شوند وقرارشد هرسه‌نفریعنی مشیرالدوله ومستوفی الممالک‌وعین‌الدوله درصاحبقرانیه حضورشاه شرفیاب‌شده درآنجاتکلیف کابینه را معین کنند. معلوم شد بالاخره توافق سه‌نفری بمستوفی الممالک شده است زیرا درمراجعت، مشیرالدوله مراسله‌ای بمؤتمن‌الملک رئیس مجلس نوشت که در جلسهٔ خصوصی قرائت شد مبنی براینکه‌ازریاست وزراء استعفا دارم‌ولی‌حاضرم درکابینه‌ای که‌مستوفی‌الممالک تشکیل دهد عضویت اختیارنمایم.[1]

مستوفی‌الممالک در ١٧ اوت ١٩١٥ (=شوال ١٣٣٣) هیئت دولت خود را معرفی کرد، ولی‌مشیرالدوله درکابینه قبول عضویت ننمود. مستوفی ازآن‌جنت‌-مکانهایی است کهٔ درباره‌اش میتوان گفت: ولد وزیراً ومات وکیلا، چه او در ١١ سالگی بوزارت رسیدآنهم وزارت دارایی، و بقیهٔ عمررا هم اغلب درصدارت وکالت وریاست وبالاخره «آقایی» گذراند وبآقا معروف بود. درهمین کابینه بود که مسألهٔ تغییر پای‌تخت پیش آمد.

١ــ ایران‌درجنگ بزرگ ص١٩٥

قشون آلمان در مشرق و غرب فتوحاتی داشت ودمکراتها در ایران جانی گرفته دولت موقت تشکیل دادند و قصاید وحید دستگردی که میگفت :

ازپروس است که ژنرال هنور خیزد   مرد ازلندن و پاریس کجا برخیزد
خیزد اماهمه مادام مدوشیك وقشنگ

بر در وبازار خوانده میشد، بانکهارا چاپیدندوقشون انگلیس رادر فارس و کرمان شکست دادند . کار بجائی رسید که سپاهیان روس از قزوین به پایتخت بتهران روی آوردند. مرحوم مشیرالدوله درین جریان نیزاقدامی کرده و موجبات آنرا فراهم ساخت که پایتخت تغییر داده نشود مرحوم دولت آبادی گوید:

روز هفتم محرم ١٣٣٤ ، براثر گذشتن قوای روس از تبریز و نزدیك شدن آنها بتهران تصمیم بانتقال پایتخت از تهران باصفهان گرفته‌شد ، اثاثیهٔ سلطنتی برای نقل و تحویل دادن پایتخت جمع آوری شد . از طرف شاه بدربار لندن و پطروگراد تلگراف شد که چون بدون ملاحظه و بدون جهت قشون روس بطرف پایتخت من‌میآید لازم دانستم پایتخت خود را تغییر دهم . منبعد هر اتفاقی بیفتد دولت ایران مسؤول نخواهدبود .

نمایندهٔ روس و انگلیس خواهش کردند که شاه حرکت خود را به تعویق اندازد ، شاه نپذیرفت[1] ، مجلسی مرکب از مستوفی‌الممالك و مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك وعین‌الدوله‌وسپهدارتشکیل‌ونتیجه این شد که‌شاه‌حرکت‌نکندوقشون روس به ینگی‌امام بر گردد و دولت بادوسفیر داخل مذاکره‌بشود.. پیش خانهٔ‌شاه‌را که‌حرکت کرده بود بر گردانیدند.[2]

١ـ مسیو «اتر» وزیرمختار روس به‌احمدشاه گفته‌بود اگر پای‌تخت را تغییر دهید تلگراف خواهیم کرد که محمدعلیشاه یاشعاع‌السلطنه بتهران بیایند .(یکصد وپنجاه سال سلطنت ، ص ١٤١) (ایران درجنگ بزرگ ص ٢٣٩)

٢ـ حیات یحیی ج ٢ ص ٢٩٤ ، ٢٩٥

درکابینه‌های سالهای بعدنیزمشیرالدوله سمت‌هایی داشت: درکابینهٔ **علاءالسلطنه** که‌از۱۵ خرداد ۱۲۹۶ (شعبان۱۳۳۵) تاآبان ۱۲۹۶ ادامه یافت مشیرالدوله وزیر جنگ بود ، همچنین در کابینهٔ **عین‌الدوله** (ازآبان تا دی۱۲۹۶)وزارت جنگ را داشت . درکابینهٔ بعدی **مستوفی‌الممالک** که از٤ دی ۱۲۹۶ تا اردیبهشت ۱۲۹۷ ادامه یافت بازاو وزیرجنگ بود.

این ایام بحرانی‌ترین روزهای تاریخ ایران است که سیاست خارجی ووضع آشفتهٔ داخلی موجبات فراهم آمدن کودتای ۱۲۹۹ را فراهم میکرد. یك توجه بعمر کوتاه دولت‌ها که بسیار مستعجل بودند میرساند که اداره ونظم و نسق امور از هم پاشیده است و متأسفانه احمدشاه نیز که خود بسن کفایت رسیده بود و دیگر نایب‌السلطنه‌ای نداشت، ازعهدهٔ جبران این شکستگی برنمیآمد .

هست هفتاد و دو علت در بدن   از کششهای عناصر بی رسن
علت آید تا بدن را بگسلد   تا عناصر همدگر را واهلد

بزنگاه سوم
قرارداد ۱۹۱۹

کابینهٔ وثوق‌الدوله صفحهٔ تاریخ ایران را ورق زد . وثوق‌الدوله نخست وزیر شاعر معروف ایران که خود می گفت :

با عقل مجرّد نبری راه به مقصود
اینجاست که دیوانگئی نیز بباید

یك دیوانگی سیاسی کرد و دست بعقد قراردادی زد با انگلستان که گفتگوی فراوان در ایران پدید آورد . کابینهٔ **وثوق‌الدوله** بعد از سقوط اجباری کابینهٔ صمصام‌السلطنه (پس از آنکه شاه متوجه خطر بختیاری شد و از دربار به صمصام‌السلطنه تلفن شد که شما دیگر وزیر نیستید و استقامت شما در برابر شاه عواقب وخیم دارد[1])، درماه مرداد۱۲۹۷(=شوال ۱۳۳۶)روی کارآمد و دوسال دوام

۱- تاریخ احزاب سیاسی ص۳۱

کرد . مسافرت احمد شاه بفرنگستان در عمر همین کابینه صورت گرفت و ظاهراً برای آن بود که موافقت او با قرارداد جلب شود . این قرارداد برتری مسلم سیاست انگلستان را برروسیه درایران ممکن میساخت، علاوه بر آن نفوذخارق العادهٔ آن دولت را در اموداخلی ایران فراهم میکرد. چه خوب گفته بود دکتر افشار مدیرمجله آینده که تا ایران ضعیف است یکی از دو سیاست ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ بر او حکمفرما خواهد بود : سیاست ۱۹۰۷ عبارت است ازتقسیم ایران سیاسةً یااقتصاداً، و پلتیك ۱۹۱۹ مبنی است برتفوق و استیلای یکی از دول همسایه معناً یا عملاً. وثوق‌الدوله این قرارداد را بست[۱] و سپس انتخابات را شروع نمود.

مرحوم بهار گوید : « قرارداد ۱۹۱۹ که آقای وثوق‌الدوله با انگلیس بشرط پذیرفته شدن در مجلس (بعد ازنطق احمد شاه در مجلس ضیافت پادشاه انگلیس) بسته بود ، درایران مورد بحث شد وهرطبقه‌وحزبی چه تندرو وچه کندرو بقرارداد مزبورحمله میکرد.»[۲]

نتیجهٔ این قرارداد این بود که مالیه‌وقشون‌ایران‌زیرنظرمعلمین‌وفرماندهان انگلیسی قرار گیرند و قشون متحدالشکل شدهٔ ژاندارم و قزاق بیك صورت درآید.[۳] دونفریکی بنام **آرمیتاژ اسمیت** برای مالیه‌ویکی ژنرال‌دیکسن‌برای ادارهٔ قشون‌بایران وارد شدند .

بعد از انتشارمواد قرارداد ، درجراید تحریکات شدیدی بر ضدّ وثوق‌الدوله شد و جمعی از دموکراتها وسایر آزادیخواهان کـه مرکزشان گاهی خانهٔ حاج **امام جمعهٔ** خویی و گاهی منزل مرحوم‌سید **حسن‌مدرس** بود شبنامه‌ها و مقالات شدیداللحنی برضد دولت منتشرساختند و گفته شد که سلطان احمد شاه نیز با آنها

۱ـ این قرارداد درذی‌القعدهٔ سال ۱۳۳۷ = دسامبر ۱۹۱۹ بسته‌شده بود.

۲ـ تاریخ احزاب سیاسی ، ص ۳۰

۳ـ احمد شهریور گوید افسران‌انگلیسی تصمیم داشتند که درقشون ایران ازدرجهٔ سلطانی ببالا باید انگلیسی باشد و ایرانیان تا رتبهٔ نایب‌اولی بالاتر نباید ترفیع‌یابند.

همداستان است. گفته شد که شاه برای امضای قرارداد حق‌الزحمه میخواهد و صریح میگوید که شما پول گرفته‌اید و امضاء کرده‌اید ، من که پولی نگرفتدام چرا امضا کنم ؟

اختلاف میان وثوق‌الدوله و شاه‌نیز بالا گرفت ، در اوایل سال ۱۳۳۸ شاه مصمم شد به‌سفر فرنگستان برود ودرلندن بود که ازتصدیق قراردادسر باززدو گفت: « مملکت من کشوری دموکراسی است ، باید این قرارداد بمجلس شورای ملی ارجاع شده به‌صحّه برسد ». گویند، بعدازاین شب ناصرالملك که دراروپا بودبه شاه گفته بود : «کارخودت‌راضایع کردی»[1].

درباز گشت شاه ازسفر ، سروصدای مخالفین قرارداد بلند شده بود، با ورود شاه وبلند شدن طنین «مرده‌باد وثوق‌الدوله» درخیابانها،کابینهٔ وثوق‌الدوله مستعفی شد و او بفرنگستان سفر کرد و قصیده لامیهٔ معرف‌خودراساخت :

بگذشت درحیرت مرا بس ماهها وسالها ...

« براثرهیجان عمومی،وثوق‌الدوله تاب مقاومت نیاورده ازتهران‌بجانب‌اروپا رهسپار میگردد ، میرزا حسنخان مشیرالدوله که وجههٔ ملی دارد بامر شاه کابینهٔ تازه‌را تشکیل میدهد ، مشیرالدوله در مازندران علاقهٔ ملکی دارد و ازافتادن این ایالت بدست مجاهدین وبلشویکها علاوه برخسارتهای نوعی و مملکتی بیم‌خسارت شخصی را دارد ، این است که بفوریت حاکمی از بستگان خود بدانجا میفرستد و استراسلسکی رئیس قزاقخانه را با اردوئی از قزاق مأمور مازندران میسازد تا معلوم‌باشد که جنگ باروس نیست »[2].

کابینهٔ دوم مشیرالدوله

وثوق‌الدوله قسمتی از انتخابات را انجام داده بود و البته این مجلسی بود که میبایست قرارداد را تصویب کند، دراین موقع بحرانی بود که شاه از مشیرالدوله برای

۱ــ تاریخ احزاب‌سیاسی ص ۳۶ ، ۳۸

۲ــ حیات یحیی، ج ۲ص ۱۴۵

تشکیل دولت دعوت کرد.

انگلیس‌ها ضدیت علنی با ریاست وزرای شخص محبوب وطن پرست و با احتیاطی مثل مشیرالدوله نکردند، مشیرالدوله هم که بدون هیچ گرفت و گیر آنهم درچنین موقعی زیر بارمسؤولیت رفت بجهت همین اوضاع واحتمال توانائی برای خدمت بکشوربود.[۱]

مشیرالدوله در ۱۳ دی‌ماه ۱۲۹۹ (۱۸ شوال ۱۳۳۸) کابینهٔ خود را تشکیل داد، و دراین کابینه بود که مصدق‌السلطنهٔ آنروزو دکترمحمد مصدق امروز وزارت عدلیه داشت. اعضاء کابینه عبارت بودنداز:

مشیرالدوله رئیس‌الوزراء

حشمت‌الدوله وزیرداخله.

مستشارالسلطنه وزیرخارجه.

مصدق‌السلطنه وزیر عدلیه.

وثوق‌السلطنه وزیرجنگ.

مخبرالسلطنه وزیر مالیه.

نیرالملک وزیرپست و تلگراف.

اعتلاءالسلطنه وزیر فوائدعامه.

حکیم‌الملک وزیرمعارف.

مؤتمن‌الملک و **مستوفی‌الممالک** سمت وزیرمشاوررا داشتند.

ده روز از عمر کابینه گذشت، در ۲۸ شوال، مشیرالدوله اعلام داشت که: قرارداد موقوف‌الاجراء خواهدماندتاوقتیکه به‌رأی مجلس شورای ملی عرضه شده تصویب گردد. آقای مکی مینویسد: باسقوط وثوق‌الدوله، مشیرالدوله که ازرجال شریف ایران بود روی کار آمد، درکابینهٔ مشیرالدوله ابداًصحبتی ازاجرای موادقرارداد ۱۹۱۹ دربین نبود، بعلاوه مشیرالدوله برای آنکه نه قرارداد را تکذیب و نه تصدیق

۲- زندگانی من، ج ۳، ص ۱۷۵

کرده باشد ، آرمیتاژ اسمیت رئیس هیئت مستشاران انگلیسی را که در دورهٔ وثوق‌الدوله وارد تهران و در وزارت‌دارائی مشغول کارشده بود برای اینکه از کار بر کنار کرده باشد بنام اینکه باید اختلافات بین ایران و کمپانی نفت جنوب مرتفع شود ، روانهٔ لندن نمود که بآنجا رفته دعاوی ایران را مطرح ومطالبات‌را دریافت نماید و باو گفته بود امیدوارم درین مأموریت موفق شوید و خدمتی بایران بنمائید تا ملت ایران خدمتی از شما ببیند و من هم بتوانم بعداً از شما پشتیبانی نمایم[1]. خلاصه اینکه اجرای مواد قرارداد دائماً بموانع بر میخورد . انگلیسها برای این‌قرارداد یکصد وسی‌هزار لیره خرج کرده بودند که ازین مبلغ دویست هزار تومان به‌وثوق الدوله و صد هزار تومان به نصرت‌الدوله وصد هزار تومان به صارم‌الدوله وزیر مالیهٔ وقت و مقداری هم بین مدیران جراید موافق تقسیم کردند.[2]

مشیرالدوله سپس بفکر افتاد که چگونه ۳۹ نفر نمایندگان انتخاب شدهٔ زمان وثوق‌الدوله راباقرارداد مخالف کندیعنی بالشکریزید به‌جنگ معاویه برود! بدین جهت بتاریخ ششم اسد ۱۲۹۹ بیانیه ای راجع بتجدید انتخابات صادر و در آن تأکید کرد که انتخابات را ادامه خواهد داد ، منتهی درآن این جمله را که

۱ـ زندگانی سیاسی احمد شاه ، ص ۹۹

۲ـمرحوم‌دهخدادرحاشیهٔ‌نسخه‌ای‌از کتاب‌زندگانی‌احمدشاه که‌در کتابخانهٔ‌شخصی‌خودشان بوده‌است‌بخط‌خودنوشته‌اند: «این اربـاب‌جراید :۱ـزین‌العابدین‌رهنما(شیخ‌العراقین‌زاده) ۲ـ سیدمحمدتدین، ۳ـملك‌الشعراء بهار، ٤ـسید ضیاءالدین ، ٥ـ یك‌نفرتاجرسیاسی که بعدها وکیل دماوندشد و فعلانامش را فراموش کرده‌ام (گویا کسرائی)، ٦ـ علی دشتی مدیر شفق بودند ، ازپول مزبور به‌شش‌نفر فوق داده نشد ، بآنها در آنوقت که روسیهٔ انقلابی دربلوکوس بود و ایران هم صدورمال‌التجاره را بدانجا قدغن کرده بود بایشان اجازهٔ صدور مقداری کثیر خواربار و کفش داده شد و آنها آن اجازه نامه‌ها را دربازار طهران به‌تجارفروختند وهر کدام چندهزارتومانی بدست‌آوردند که تدین خانهٔ شهری و تجریش را از آن پول‌خریدوملك‌الشعراء خانهٔ شهری خرید.

امضاء (علی اکبر دهخدا) »

صورت تهدید به وکلای انتخاب شده داشت گنجانید :

«در حوزه‌هایی که تاامروز وکیل معین کرده‌اند مراجعه‌ای به آراء اهالی که‌حق انتخاب کردن دارند خواهد شد ، هر گاه اهالی حوزه های مذکوره انتخابات گذشته را تقویت نمودند مجلس شورای ملی با همان وکلاء منتخبهٔ حالیه وعدهٔ دیگری که ازامروز به بعد انتخاب میشوند افتتاح خواهدگردید . ولی در نتیجهٔ آراء عموم چنانچه معلوم گردد که مردم ازانتخابات گذشته رضایت ندارند حکم خواهد شد که نسبت به وکلاء انتخاب شده تجدید انتخابات بعمل آید . »

(حسن مشیرالدوله رئیس‌الوزراء)

این بیانیهٔ کنایه‌دار موجب شد که وکلای منتخب اعلامیه‌ای صادرنموده مخالفت خودراباقرارداد اظهار داشتند .

مرحوم مستوفی درباب خدمات مشیرالدوله دراین کابینه گوید:

مشیرالدوله ازپانزده سال پیش تااین وقت همواره‌یکی ازارکان سیاست‌دولت بوده ودراکثرکابینه‌های‌دورهٔ مشروطه‌شرکت کرده ویکی‌دوبارهم‌رئیس‌الوزراء شده وطرف اعتماد عامه بودورجال کشورهمگی بدانش وتجربهٔ اومعتقد بودندونظریات سیاسی او را تصدیق‌داشتند .

مشیرالدوله در هیچیك ازکابینه‌هایی که تشکیل کرده است بقدر این کابینهٔ کم دوام خودکار نکرده است ... مشیرالدوله توانست بانگلیسی‌ها حالی کند که اجرای قرارداد بدون تصویب مجلس شورای ملی عملی مخالف قانون داخلی و مراسم بین‌المللی است ... آزادی مطبوعات و موقوف شدن جاسوسی نیز بیشتر بوجاهت کابینه افزود. مشیرالدوله در احضار تبعید شدگان قرارداد هم‌اقدام کردو و آقایان محتشم‌السلطنه و مستشارالدوله و ممتازالدوله وحاج معین‌التجار بوشهری بتهران مراجعت کردند.[1]

قرارداد ۱۹۱۹ ، ایران را منقلب کرده بود ، در مازندران و گیلان میرزا

۱ــ زندگانی من، ج ۳ ص ۱۷۰ و ۱۷۳

کوچك‌خان زعیم جنگلیان بقول مرحوم بهار در پسیخان پسخو کـرده بود ، **خیابانی** در خیابان های تبریز دم از استقلال آذربایجان میزد ، **چاه‌کوتاهی و** تنگسنانی‌ها عرصه را بردولتیان و ژاندارم‌ها و انگلیسها تنگ کرده بودند و تعهد دولت ایران دربرابر قرارداد و ضمناً مخالفت باطنی‌شاه همهٔ اینها مشکلاتی بود که حوصله و تدبیر و شخصیت قابل اعتنای مخالف و موافق مشیرالدوله میتوانست گره آنرا بگشاید .

مرحوم هدایت درخاطرات خود مینویسد:

« این کابینه دو شغل شاغل دارد ، یکی کار متجاسرین رشت که قوای قزاق متوجه آن حدود است ، یکی کار قیام تبریز . جنگل رسماً با دولت می‌جنگد و مسأله ازمخالفت با قرارداد تجاوز کرده[1] انگشت بلشویکی هم درکارآمده است و از بادکوبه‌آتش فتنه را باد میزنند، اسطراسلسکی با قوای قزاق مأمورجلوگیری شد شیخ محمد خیابانی اسرار مگوئی در دل دارد ، بصراحت پول میخواهد و بکنایت منع تعیین حکومت برای آذربایجان» .

مشیرالدوله ازهمان روزهای اولیهٔ زمامداری با قیامی‌های آذربایجان وارد مبادلهٔ تلگراف گشته و موقوف‌الاجرا ماندن قرارداد و آزادی مطبوعات را متذکر شده افتتاح مجلس را وعده داد و آنها را دعوت کرد که کسری و کلای خود را زودتر تعیین کرده بمرکز بفرستند . . . « مشیرالدوله منتظر بود که قیامیها ازاین اقدامات دولت قدرشناسی کرده مساعدت نمایند،ولی آقایان‌دست‌ازحرفهای‌سربالای سابق برنداشته‌بتر کی گفتن خود ادامه دادند.[2] »

۱ـ کوچك خان در تلگرافی علت طغیان خود را گوید : ... کابینهٔ وثوق‌الدوله میگوید محض استفادهٔ شخصی باید مملکت را دربازار لندن به ثمن بخس بفروشیم . . . (ایران در جنگ بزرگ ص ۳۸۸)

۲ـ زندگانی من ، ج۳ ، ص۱۷۵

تاریخ، هرغوغایی راکه برپا میشود، اگرموفقیت حاصل کند نهضت نام میگذارد و اگر شکست یابد، غائله!

خیابانی که بود؟ شیخ محمد پسر حاجی عبدالحمید تاجر خامنه‌ای (متولد ۱۲۹۷) که درسال ۱۳۲۷ بوکالت مجلس‌هم رسیده بود برضد حکومت وقت (وثوق‌الدوله) که معاهده با انگلیس بسته سیاست را در مماشات‌دیده بود اعلان عصیان نموده و قیام یك قسم مهم ایران یعنی آذربایجان را پدید آورد. طرفداران خیابانی نام آذربایجان را آزادی ستان نهاده وقونسول آلمان‌رامحاصره کرده وبقتل آوردند ومجاهد ترتیب دادند و درصدد قطع علاقه با دولت‌مرکزی‌بر آمدند. زمام شهر شش ماه در دست آنها بود. البته ابتدای این قیام که صورت مخالفت با قرارداد داشت مورد توجه عامه بود و نهضتی بشمار میرفت ولی پس از آنکه صحبت ازمجزّا شدن آذربایجان پیش‌آمد، قضیه‌ای بود که طبعاً میبایست بنفع ایران فیصله پذیرد. برای این منظور، حاج مخبرالسلطنهٔ هدایت که وزیر دارایی کابینهٔ مشیرالدوله بود بحکومت‌آذربایجان منصوب شد.

مرحوم هدایت مینویسد:

«سلیمان میرزا وسید کمره‌ای درطهران سنگ قیام بسینه میزنند، یك‌بیست هزارتومان و یك پانزده هزار تومان برای خیابانی فرستاده شد، لیکن کفاف کی دهد این باده‌ها بمستی ما.. همه روزه گفتگو ازحکومت تبریزاست.. با سابقه‌ای که من بمردم تبریز ومردم آنجا بمن‌داشتند میدانستم که‌ازبرای رفتن من به‌تبریز اشکالی ندارد. درفرستادن پول قدری تأمل شد، خیابانی به‌وثوق‌السلطنه تلگراف کرد که اگر فلانی تنها بیاید چه مضایقه، من داوطلب شدم، سه‌شنبه ۷ ذیحجه تحریرشد، پنجشنبه ۹ حرکت کردم.[۱]

سپس جریان غائله را چنین مینویسد:

۲۸ ذیحجه به‌عالی قاپوی تبریزرفتم. شرحی نوشتم بخیابانی که حاضرم با

۱- گزارش ایران، ج ٤ ص ۲۵۹

شما کار کنم ، بهاءالسلطان که مکتوب مرا برده بود برگشت و گفت خیابانی در منزل نبود ، منزل او را هم چاپیده‌اند. راپرت قضیه را تلگرافی به طهران دادم ، مشیرالدوله باورنمی کرده‌است ، حق داشته، چه‌آواز دهل از دور اهمیتی دارد.

ازکارهای بد خیابانی محاصرهٔ قنسول آلمان بود که درهمان محاصره قنسول کشته شد .

روز دیگر بچه‌ای به پست قزاق اطلاع میدهد که خیابانی در فلان خانه درزیرزمین است... مبادلهٔ تیرتفنگ‌می کنند ، خیابانی کشته میشود ، یك تیر بپایش خورده بود ، یك تیر بسرش، که شاید خودش‌زده بود ... حامیان قیام درمجلس‌حمله به مشیرالدوله آوردند ، معزی‌الیه از قنسول فرانسه کیفیات را پرسیده بود ، وی رفتار مرا تصدیق کرده و درمجلس دفاع کرد.[1]»

قتل‌خیابانی دربین احرار وآزادیخواهان نمایش خوبی نداشت واغلب بدون توجه بکنه مطلب ازآن اظهار نفرت میکردند .

دکترشفق مینویسد:

مهدیقلی خان مخبرالسلطنه حاکم آذربایجان شد و غفلةً شیخ را بدست قزاقان روس دستگیر کرده وروز۲۹ذیحجهٔ ۱۳۳۹ او را درخانهٔ همسایه گلوله‌باران کردند و جسدش بدست اوباش افتاد.[2]

و عارف گوید :

کسم بشهر نبیند ، شدم بیابان گرد
ز غصهٔ کلنل و ز غم خیابانی .

مرحوم هدایت مینویسد :

اقلیت مجلس حامی قیام بودند ، مشیرالدوله درمحظور واقع شد و من در دادن گزارش واقعه به تهران غفلت کرده‌بودم ، وثوق‌الدوله و مشیرالدوله هر دو

۱- گزارش ایران ، ج ٤ ص ٢٦٤ و ٢٦٥

۱- دیوان عارف ص ۲۲۲

اسمشان حسن است . ملک‌الشعراء بهار درترجیع بندی گوید:

کشت آن حسن ازبهروطن گر دوسه کاشی

کشت این حسن احراروطن‌را چومواشی

نظر به‌بی‌خبری از کیفیات حادثه و نظر به شکرانه از سهم ناز شصت قرارداد ۱۹۱۹ طغیان قلم آقای ملک مغتفر است .[۱]

امّا، چنانکه گفتیم ، رفع این غائله از اقدامات مهم مشیرالدولهٔ پیرنیاست و او بتدبیر و تنهائی همان کاری را کرد کـه بیست و پنج سال بعد قوای ایران به پشتیبانی سازمان ملل متحد و دولتهای امریکاوانگلستان بانجام آن‌توفیق‌یافتند.

مرحوم مشیرالدوله طی نطقی که درجلسهٔ ۱۴سنبلهٔ ۱۳۰۰(سوم محرم ۱۳۴۰) قمری نمود نظر خود را که در حقیقت مبیّن روح ایران‌خواهی او و توجّه بتمامیت استقلال ایران‌است ، چنین بیان میکند:

«... درجریدهٔ طوفان‌شرحی راجع به مرحوم خیابانی مندرج بود که قسمتی‌ازآن راجع به‌کابینهٔ بنده‌است ولازم میدانم بعضی توضیحات را برای اطلاع آقایان عرض کنم . . . تلگرافاتی که مکرر در مکرر با حضور تمام اعضاء کابینه و درمدت یکماه با مرحوم خیابانی و اعضاء هیئت قیام کننده بعمل آمده ... معلوم میدارد صریحاً به‌ما میگفتند که ما والی نمیپذیریم ، ازمرکز میخواهیم که بکار آذربایجان دخالت نکنند ، ولی هرقدر پول میخواهیم بدهند ، بدیهی است که آقایان نمایندگان تصدیق مینمایند که رژیم مشروطیت یعنی همان رژیمی که مرحوم خیابانی بقول هوی‌خواهانش اجرای آن را از کابینهٔ ما میخواست ، همان رژیم آیا به یك هیئت دولتی اجازه میدهد که اصل مرکزیت و تجزیهٔ ایران را قبول کند ؟ ما گفتیم آذربایجان جزء لاتیجزای‌ایران است . مخصوصاً میدانم والی ما که واردشد باندازه‌ای حوصله و بردباری کرد که هیچکس منتظر نبود ... دولت جد و جهد میکرد که مسأله به مسالمت بگذرد . . . زیرا آنها همه تبعهٔ داخله و ایرانی بودند، والی‌هم‌نهایت جدوجهد را بخرج داد که بمسالمت بگذرد ولی

۱ـ خاطرات وخطرات، ص ۴۱۰

موفق نشد ... آذربایجانی که خودرا همیشه دست‌راست وقوی هیکل ایران دیده ، آذربایجانی که عادت کرده همیشه جوی های خون برای حفظ حدود وثغور ایران، برای‌حفظ قومیت‌وملیت‌ایران، جاری کند، بااین‌حرفهای مشعشع گول نمیخورد ، **تاریخ سه‌هزار سالهٔ ایران آذربایجان را با ایران چنان ممزوج کرده است که بهیچ وجه قابل تجزیه و انفکاك نیست** . شخص عاقل ومآل اندیش میداند که فقط سعادتمندی آذربایجان در پرتواتحاد وجزء ایران بودن است . آذربایجانیها گول این حرفها را نمیخورند ومیدانند که اگر آذربایجان از ایران مجزا شود قائم بالذات نخواهد بود ، دیر یا زود جزء این یا آن خواهدشد : من و کابینهٔ وزرای من در مجلس شورای ملی درپیشگاه کلام‌الله مجید قسم‌یادکرده بودیم که اصول مشروطیت را حفظ کنیم . قسم‌برای این نبود که ملوك‌الطوایفی درین مملکت تأسیس کنیم ، پس ما بوظیفهٔ خودمان رفتار نموده‌ایم، حالا هرچه میخواهند بگویند. »

این سخنان را مشیرالدوله روزی گفت که قبل از او دیگری آذربایجان را «عضو فلج» و «شقاقلوس ایران» خوانده بود .

بدین وجه ، قضیهٔ آذربایجان فیصله می‌یابد ، هرچند مشیرالدوله براساس روحیهٔ خود نمی‌خواست کاربقتل خیابانی بکشد و بهمین علت در مقدمات امر همه گونه آمادگی خود را برای مذاکرات دو جانبه اعلام داشته بود ، ولی دنباله قضایا بجایی‌رسید که با تهدید والی (مخبرالسلطنه) کار باقتل خیابانی پایان یافت .

اما چاه کوتاهی‌ها ، از۱۳۳۳ یعنی از زمان جنگ وپیشرفتهای آلمان‌دست بطغیان زده بودند ، جنبهٔ ملی بودن این طغیان از قیام خیابانی بیشتر بود ، اینها که دهاتی و روستائی پاك بودند ، فقط برای راندن انگلیسها قیام کرده بودند ولی صحبت از تجزیه نبود ، مشیرالدوله متوجه این موقعیت آنها بود وحتی هنگامی که شیخ حسینخان چاکوتاهی در جنگ با پلیس جنوب (S.P.R) درکابینهٔ مشیرالدوله مقتول شد (شوال ۱۳۳۸) ، تلگراف تسلیتی ازطرف رئیس‌الوزراء بخانوادهٔ مشارالیه مخابره گردید.[۱]

۱ـ حسین‌مکی ، کودتای ۱۲۹۹ ج۱، ص۲۲

ولی بالاخره با قتل شیخ حسین و یارانش ، این غائله پایان یافت و از فارس نیز خبر آمد که دشتستان بهار است زمین ازخون احمد لاله زاراست و جنوب نیز بدنبال شمال آرام شد .

اما قضایای جنگل : بدستور مشیرالدوله قوای قزاق در ذی‌قعدهٔ ۳۸ بطرف مازندران و گیلان رفتند و جنگلی‌ها را نیزعقب نشاندند ورشت را تصرف کردند ، ولی بالاخره از قوای روسیه که در این نواحی پراکنده‌بودند شکست خوردند . مشیرالدوله هیئتی را برای حل و تسویه قضیهٔ میرزا کوچك خان برشت فرستاد ولی این‌هیئت هم کاری نتوانست کرد .

استعفای مشیرالدوله

قزاقخانه در دست روسها بود ، شکست‌قزاق‌ها گفته میشد نتیجهٔ سستی‌وخیانت افسران روس بوده است ، انگلیس‌ها بدولت مشیرالدوله پیشنهاد کردنداستاروسلسکی‌روسی‌رااز فرماندهی قزاقخانه بر کنار سازد ، مشیرالدوله این پیشنهاد را نپذیرفت و تصمیم بمقاومت ومخالفت کرد . دیپلماسی بریتانیادرصددمخالفت با کابینه برآمد و به‌شاه فشار آورد که‌مشیرالدوله‌رامجبور باستعفا سازد.[1] گفته میشد که اعزام‌مشاورالممالك با آن عجله بمسکو و اصرار دولت در ایجاد روابط حسنه با دولت ساویت اسباب نگرانی‌انگلیس‌شده بود.[2] مشیرالدوله‌در«تلهٔ‌روباه گیری» حسن‌روابط‌باشمال‌افتاده‌بود.

توضیح مطلب اینست که بعد از آنکه وثوق‌الدوله با عقد قرارداد ۱۹۱۹ دربست ایران را به‌بیع قطع فروخت ، مشیرالدوله بفکر ترمیم روابط همسایهٔ عصبانی شمالی افتاد و صلاح دانست که روابط دوستانه خود را با دولت جدید روسیه ساوتی (شوروی) برقرارنموده باب مراوده را مفتوح نماید ، براین منظور از طرف مشیرالدوله بدواً به‌میرزا اسحق خان مفخم‌الدوله پیشنهاد

۱ـ کودتای ۱۲۹۰ ج ۱، ص ۳۱

۲ـ تاریخ احزاب سیاسی، ص ٦٤

شد که بمسکو رفته با کمیسر خارجهٔ شوروی مذاکراتی بنماید و زمینهٔ قرارداد مودتی رافراهم سازد ولی مشارالیه قبول نکرد. سپس ازطرف مشیرالدوله تلگرافاً بمشاورالممالك انصاری که دراسلامبول بود پیشنهاد شد که بمسکو برود، او بدقفقاز رفته و پس ازدریافت دستورات مشیرالدوله بمسکو عزیمت نمود.[1]

این حسن روابط، همسایهٔ دولت جنوبی رانگران ساخت و کوشش کرد که پای دولت مشیرالدوله را درپوست گردو بگذارد.

گفته میشد شاه دو یا سه دفعه بمشیرالدوله تکلیف کرده استعفا دهد و مشیرالدوله اخذتصمیم قطعی را موکول بنظرهیئت وزیران ساخته است. در مجلس مبعوثان انگیس اعتراض شد که بچه مناسبت بدولت ایران ازطرف بانك شاهنشاهی مساعده داده میشود. این بزرگترین ضربه بود، دولت مشیرالدوله را میخواستند نقره داغ کنند. این قضایا هفت ماه قبل از وقوع کودتای ۱۲۹۹ اتفاق افتاد.

آقای مکی ازقول سید جلیل اردبیلی(که ازوکلای دوره‌های اولیهٔ مجلس و آزادیخواه وعضو هیئتی بود که از طرف مشیرالدوله برای حل قضایای میرزا کوچك‌خان برشت رفته بود) میگوید:

یکهفته قبل از سقوط کابینه، اردبیلی از طرف‌مشیرالدوله احضار گردید، مشیرالدوله او ویکنفر دیگر از اعضاء را بمنزل خود میخواند وآنها را قسم‌میدهد که‌تا اوزنده است‌مطلبی را که‌افشا خواهد کرد بکسی نگویند. آنگاه بستهٔ کاغذی بایشان نشان داده میگوید: پست میان‌بوشهر و شیرازکه متعلق بانگلیسها بوده است‌سرقت شده وکاغذها را دزدان ریخته‌اند، ژاندارم‌ها کاغذهایی راکه بین‌راه ریخته شده بود بطهران فرستاده‌اند، در ضمن این کاغذها نامهٔ مفصلی از نایب‌السلطنهٔ هندوستان خطاب بسفارت بریتانیاست که حاوی نقشهٔ کلی راجع بایران است که یك حکومت قوی روی کار بیاورند وقشون منظمی ایجاد کنند.. وراه آهنی‌ازشمال

---

۱ ـ زندگانی سیاسی احمدشاه قاجار، ص ۲۲۵

بجنوب کشیده شود. مشیرالدوله پس‌ازآنکه نامه‌را خواندکلیهٔ کاغذها را دربخاری افکنده سوزاند.[1]

چو خواهد بود روز برف و باران — پدید آید نشان از بامدادان

بوی کودتا به‌مشام میرسد

شاید مشیرالدوله هم از تدارکات مقدماتی کودتا بوئی برده و حساب عاقبت کاررا کرده و بموجب عادت و رویهٔ خود ـ که هر وقت افکار داخلی و خارجی را مخالف مصلحت ایران میدید خود را بر کنار میگرفت ـ این بار هم به‌بهانهٔ خستگی واحتیاج باستراحت جاخالی کرده‌باشد.[2]

لرد کرزن وزیرخارجهٔ انگلیس درنطقی که درهمین سال (۱۷نوامبر ۱۹۲۰، عقرب ۱۲۹۹) در مجلس اشراف انگلستان کرد در باب مشیرالدوله گوید:

«وثوق‌الدوله‌که مؤسس قرارداد بود ازکار افتاده، کابینهٔ جدید در تحت ریاست شخصی که مشهوربه مشیرالدوله و معرّف آن چیزی است که من نمیتوانم فرض کنم‌آن يك چیز منفی یامخالف محسوب میشود وشاید بالاتر معرّف ونمایندهٔ دستهٔ ملیون بتوان نامید بروی کارآمده و سیاست او تقریباً تا درجه‌ای با سیاست سلف خود مخالفت دارد، کابینهٔ مشیرالدوله ترجیح داد که اجرائیات مقدماتی معاهده‌ای‌را که اکنون برای شماشرح دادم تاتصویب مجلس به‌عهدهٔ تعویق‌اندازد.»

مستوفی درین باب گوید:

«کابینهٔ مشیرالدوله درسوم ماه عقرب ۱۲۹۹(=۱٤صفر۱۳۳۹) استعفا کرد. خود مشیرالدوله میگفت از کار خسته شده و احتیاج باستراحت دارد. مردم سبب این استعفا را عقب‌نشینی بی‌دلیل آتریاد رشت‌تا «آقابابا» که دست خارجی در

۱ـ کودتای ۱۲۹۹، ص ۳۰

۲ـ زندگانی من، ج ۳ ص۱۹۲

آن بخوبی پیدا بود ، حدس میزدند و ضمناً قطع سیصد و پنجاه هزارتومان ماهیانهٔ مساعدهٔ معمولی را که انگلیسها اززمان کابینهٔ وثوق‌الدوله بایران میدادند در این استعفا بی دخل نمیدانستند .

مشیرالدوله از نظر لرد کرزن دو گناه نبخشیدنی مرتکب شده بود ، یکی متوقف ساختن اجرای قراردادوتدارك الغای آن بطور غیرمستقیم درمجلس شورای ملی آیندهٔایران ،و دیگری‌فرستادن سفیر برای ایجاد روابط ایران و شوروی . بعد ازرفتن‌مشیرالدوله، نصفه روزی اسم فرمانفرما در دهن‌ها میگشت.اگرمشیرالدوله زنده بود سبب این کناره گیری بی‌موقع را میپرسیدم ، که خود را برای چه روز کشور میخواستی ذخیره کنی ؟ جنابعالی رفتید که کی جای شما را بگیرد ؟ مستوفی‌الممالك که‌باوجودشهامت ذاتی پرحرف‌و کم کار ومهمل‌بود؟ یا فرمانفرمای آپاردی پاچه‌ور مالیده که‌اگر برای خواندن فاتحه سر گورپدرش میرفت تا چندتا سقط پاره به‌جیب نمیزد برنمیگشت؟ یا سپهسالار خلعتبری‌عصبانی که بهیچ صراطی مستقیم‌نبود؟یا بالاخره‌سپهدار اعظم گیلك‌بیچاره بی‌سوادبی‌حواس که‌حتی املای‌لقب خود راهم نمیتوانست‌در خاطر بسپارد و درنوشتجات‌اداری اعظم را«اعزم» میکرد».[1]

هدایت گوید : « مشکلات مشیرالدوله را خسته کـرده کناره میجوید و سپهدار **رشتی** روی‌کار میآید، احمدشاه ازاول مربی خود پیدا نکرد ، ناصرالملك باو گفته‌بود تا میتوانی بفکر تأمین آتیه باش ،این‌مردم باررا به‌منزل نمیرسانند.»[2] غافل از آنکه :

هرکه شاه آن کند که او گوید
حیف باشد که جز نکو گوید

اما کابینهٔ سپهدار نیز نتوانست کارها را بپایان برساند ، شاه دستور تشکیل جلسهٔ‌مشاوره‌ای‌دادودراین جلسه‌نخست‌وزیران‌سابق ورجال عمده شرکت‌میکردند. مقصود این‌بود که بابررسی اوضاع راه‌حلی پیدا کنند.

۱ـ زندگانی من ص ۱۸۵ـ۱۹۵ـ۲۳۱
۲ـ گزارش‌ایران، ج ٤، ص ۲٦۹

درماه جدی ۱۲۹۹ خورشیدی ، اعیان و رجال و شاهزادگان جلساتی تشکیل دادند که اولین جلسه درمنزل صمصام‌السلطنه وجلسهٔ دوم در منزل‌عین‌الدوله وجلسهٔ سوم درمنزل مشیرالدوله تشکیل شد. درین جلسات در باب آشفتگی و وخامت‌اوضاع گفتگوها کردند. پس ازختم جلسهٔ سوم ، کابینهٔ سپهدار در۲۴ جدی ۱۲۹۹ استعفا داد. درهمین وقت قوای روسیه نیز در انزلی باقی‌ماندند.

صدارت رابه‌مستوفی‌الممالك پیشنهاد کردند و نپذیرفت.

روز ۲۹ جدی ۱۲۹۹ احمدشاه مشیرالدوله را بدربار احضار کرد و تشکیل کابینه را باو تکلیف کرد ولی او باززیربارنرفت.

مجدداً تکلیف کابینه به‌سپهداراعظم شد وبالاخره در۲۸ دلو۱۲۹۹ کابینهٔ‌خودرا معرفی کرد.[1]

بگو به عقل منه پا بر آستانهٔ عشق
که عشق درصف دیوانگان سپهدار است

این کابینه بیش ازچند روز دوام نگرفت ، روزاول حوت ۱۲۹۹ از ینگی‌امام به هیئت دولت خبررسید که عده‌ای از قزاق ها بسرکردگی **رضاخان‌سرتیپ** با چهار ارابه‌توپ ومقداری تجهیزات ازقزوین‌حرکت کرده وروز۲۹ دلو به‌ینگی‌امام وارد شده وروز اول حوت بطرف مرکزحرکت کردند. دستور امیر نظام‌وزیرجنگ وحتی تلفن‌شاه نتوانست آنها را بازگشت دهد، صبح‌روز ۳ حوت این‌عدّه درنزدیك «شهرنو» بیرون دروازه قزوین تهران اردو زدند.

سربازان، نیمه‌شب سوم‌حوت بشهروارد شده باتبانی باژوسای‌ژاندارم درمیدان مشق موضع گرفتند وحوالی سحرصدای شلیك توپ بلند شد.

فردا صبح مردم این جمله را در اعلامیه‌ای با امضای «رضا» بر در و دیوار شهرخواندند:

۱ــ زندگانی احمدشاه، ص۲۴۳

«... حکم میکنم که مردم فقط صلاح کشور ووطن را در نظر گرفته خودرا برای خدمتگزاری آماده کنند. کاظم‌خان‌را بحکومت نظامی‌معین میکنم، متخلفین سخت مجازات میشوند ...»

عصر روز چهارم حوت‌مردم سید ضیاءالدین طباطبائی را دیدند که دراتومبیل ریاست وزراء نشسته است.

بدینطریق تاریخ ایران فصل جدیدی با حروف درشت بخود گرفت.

مرحوم مستوفی درباب کیفیت روی‌کارآمدی سیدضیاء مینویسد:

درموقعی که سید ساقط شد و محبوسین ازحبس نجات یافتند برای استمالت آنها مـردم دسته دسته بدیدارشان میرفتند، حاجی حسین آقـای **امین‌الضرب** (مهدوی) یکی‌ازمحبوسین بود، من نظر بسابقهٔ دوستی .. بدیدار او رفتم، مرحوم مهدوی ملایم و با ادب و مردم دار و بنابراین مجلس او درین شب از مجلس اکثر آزادشدگان پرجمعیت‌تر بود. وارد حیاط که شدم مرحوم مشیرالدوله‌هم ازراه‌رسید و با هم وارد مجلس شده من و ایشان پهلوی هم اتفاق افتادیم .. مشیرالدوله گفت من‌هیچ‌جا نرفته وحتی شاه‌را هم تا امروز (درفرح‌آباد) ملاقات نکرده‌بودم. گفتم واقعاً ازشاه نپرسیدید چه شد که ایشان دستخط ریاست وزرایی سید ضیاءالدین را امضاء کردند؟ گفت حاجتی بپرسش نداشت، خود ایشان [شاه] بدون سؤال گفتند: سید آمد اینجا دستش را بکمرش زد وبا سماجت و تشرقوهٔ نظامی دستخط ریاست وزرایی‌خودرا گرفت و رفت!.[1]

این‌کابینه، که کابینهٔ سیاه خواندندش، تا خرداد ۱۳۰۰ یعنی حدود چهارماه دوام داشت و عده‌ای از رجال من جمله قوام‌السلطنه‌را نیز درخراسان توقیف کرده بود. مشیرالدوله بااین‌کابینه واصولا با سید ضیاءالدین روی‌خوش نداشت و گرچه جزء توقیف شدگان هم نبود ولی با دولت نیز نظرمساعد ابراز نمیکرد، حتی در جشنی که در شب بیستم حمل ۱۳۰۰ ازطرف دربار تشکیل شد «میگویند ازمستوفی

۱ـ زندگانی‌من، ج۳، ص۳۵۹

و مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك که دعوت بعمل آمده بود حاضر نشده بودند »[1]

مرحوم دولت‌آبادی مینویسد :

«سید ضیاءالدین با سه‌نفر از رجال اولی مملکت هیچگونه‌ستیز گی نمیکند: مستوفی‌الممالك ، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك؛چونکه وجههٔ ملی‌دارند و مناسبات آنها هم باانگلستان دوستانه است بی‌آنکه نوکربوده‌باشند[2]».

در اردیبهشت ۱۳۰۰ **مسعودکیهان** وزیر جنگ سید ضیاء نیز استعفا داد و رضاخان رئیس دیویزیون قزاق بعنوان سردارسپه بوزارت جنگ‌منصوب‌شد.

روز چهارم جوزای ۱۳۰۰ (۱۷ رمضان ۱۲۳۹) از طرف شاه (که به‌سید ضیاء تکلیف‌استعفا کرده بودواو نپذیرفته‌بود) این دستخط صادرشد :

« نظر به‌مصالح مملکتی ، میرزا سیدضیاءالدین را از ریاست وزراء منفصل فرمودیم‌ومشغول‌تشکیل‌هیئت‌وزراء جدید هستیم ... **شاه** »

قهروزیرانه

درهمین حال‌ازطرف‌شاه،ریاست‌وزرائی به‌مشیرالدوله تکلیف شد ولی ازطرف مشارالیه پاسخ منفی داده شد . باین معنی که جواب داده بود« هنوز مرکب دستخط شاه خشك نشده که رجال ایران را نالایق‌معرفی کرده‌بود. »[3]

شهاب‌الدوله‌ملك آراء گوید : وقتی‌کابینهٔ سید ضیاءالدین سقوط کرداحمدشاه برای تعیین رئیس الوزراء جدید به‌مطالعه پرداخت . به‌مستوفی الممالك و

۱ـ کودتای ۲۹۹،ج۱،ص ۱۷٤

۲ـ حیات یحیی،ج٤ ص ۲٤٤

۳ـ اشاره به دستخط شاه است که‌در ٤ حوت به ایالات بخشنامه شده بود بدین مضمون : . . «در نتیجهٔ غفلت کاری‌ولاقیدی زمامداران دوره‌های گذشته که بی تکلیفی عمومی و تزلزل امنیت وآسایش را درمملکت فراهم نموده ... باقتضای استعداد ولیاقتی که‌در جناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم ایشان را بمقام ریاست وزراء انتخاب فرمودیم . شهرجمادی‌الاخر۱۳۳۹، شاه»

مشیرالدوله تکلیف زمامداری شد، لکن نپذیرفتند، سرانجام پس ازشور و مطالعه قراربراین شد که **قوام‌السلطنه**، زندانی پادگان عشرت‌آباد، زمام امور را بدست گیرد. . . من با اتومبیل بعشرت‌آباد رفتم، معلوم شد که قبلا سردار سپه تلفن کرده و اطلاع داده است که شهاب‌الدوله برای انجام امری بآنجا میآید. . . چند دقیقه بعد قوام‌السلطنه شرفیاب شد و فرمان تشکیل کابینه را دریافت‌نمود.[۱]

درباب نخست وزیری نام مشارالملك و سردار سپه نیز به میان‌آمد ولی بهر حال بعد از پنجروز در۲۲ رمضان قوام‌السلطنه کابینهٔ خود را تشکیل داد و قبل از هرچیز توقیف شدگان را آزاد کرد. سردارسپه وزیرجنگ بود.

روایتی هست که درهمین روزها خانم قوام‌السلطنه ازمشهد تلگرافی بعنوان قوام بآدرس زندان عشرت‌آباد مخابره میکند و پرسش حال او را مینماید، تلگراف وقتی بدست قوام میرسد که ابلاغ ریاست وزراء را یافته بود و خبر سلامت خود را بههمسرش تلگرافی بامضای «نخست وزیر احمد قوام» مخابره میکند. کلنل محمد تقی‌خان نیز که در خراسان قوام را توقیف کرده بود، ازین دولت تمکین نکرد و بالاخره بقتل‌رسید. وهمین جاست که عارف قزوینی در رثاء دولت سیدضیاءالدین (درتضیف‌معروف: ای‌دست‌حق‌پشت‌وپناهت‌بازآ) گوید:

این آن قوام‌السلطنه است ایمن شد.
زن بود ودرکابینه مرد افکن‌شد.

اسکندراشراف بنیان کن شد.
چون افعی‌زخمی رها شد بدشد.
گرگ ازتله پا درهوا شدبد شد.

روبه گزیران ازبلا شد بد شد. . .

ظاهراً مشیرالدوله برای وساطت ازکلنل محمدتقی‌خان پسیان نزد شاه نیز

۱ـ اطلاعات ماهانه، خرداد ۱۳۳۶ ص ۱٤

اقداماتی نموده است، ولی مورد توجه قرار نگرفته[1] وکلنل بقتل رسیدوحتی یکماه پس ازدفن، قبر اونیز در۱۳عقرب ۱۳۰۰ نبش شد وعارف گفت:

به قرن بیست،زن مرد کش سپس نبّاش

برو زن، آتش ننگت به خانمان گیرد

و عجب اینکه تا امروز استخوان این مرد وطن‌پرست چندبار گوربه گورشده‌است.

درهمین وقت غائله میرزا کوچك‌خان نیز که مشیرالدوله نتوانسته بودآنرا بپایان برد، خاتمه یافت و روز دوم ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ مطابق یازدهم دلو ۱۳۰۰ میرزا کوچك‌خان نیز بوضعی مرموز دربین راه رشت به‌تهران ازمیان رفت.

شاخ درخت بیخ درخت را درمیآورد

پیام‌های وزیرجنگی

روز چهارشنبه ۲۰جمادی‌الاول ۱۳۴۰، کابینهٔ قوام‌السلطنه در اثر مناقشاتی که بین نمایندگان و وزرای او روی داد استعفا داد.

پس از استعفا، از طرف شاه به مشیرالدوله اصرار شد که ریاست وزرایی را قبول نماید، مشیرالدوله در ملاقات اولیهٔ خود باشاه از قبول این مقام خودداری نمود، بالاخره پس از اصرار زیاد و مشورت با عده‌ای از نمایندگان، بشرط اینکه اکثریت و اقلیت بیطرف مجلس برای مساعدت و همراهی با دولت حاضر باشند، در تاریخ سوم بهمن ۱۳۰۰ خورشیدی برابر با ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۰ قمری قبول ریاست وزرایی کرد و روز ۲۵ جمادی‌الاولی هم وزرای کابینهٔ خود را درفرح‌آباد بحضورشاه معرفی نمود.

پس ازمعرفی کابینه، احمد شاه بعنوان استراحت و معالجه در ۲۶ جمادی‌الاول ازراه بغداد بطرف اروپا حرکت کرد و سردارسپه تا قصرشیرین نیز بعنوان بدرقه همراه شاه رفت.اعضاء این کابینه عبارت بودند از:

۱- کودتای ۱۲۹۹ ج۱، ص ۲۸۴

مشیرالدوله رئیس‌الوزراء
مدیرالملك (محمودجم) وزیرعدلیه .
حکیم‌الملك وزیرامورخارجه .
اعتلاءالسلطنه وزیرپست وتلگراف .
سردارسپه وزیرجنگ .
ادیب‌السلطنه وزیرفواید عامه .
تیمورتاش وزیرعدلیه .
نیرالملك وزیرعلوم .

این کابینهٔ مشیرالدوله دائماً درحال قهر و استعفا بود زیرا هم کار شکنی‌هایی در داخل دولت میشد و هم در مجلس تحریکاتی وجود داشت که با توجه به حیثیت دوستی مشیرالدوله وعلاقهٔ اوباینکه درمملکتداری همهٔ اصول‌رعایت شود، موجبات کناره گیری‌اوفراهم میآمد .

روزنامهٔ نو بهار مینویسد : کابینهٔ مشیرالدوله یك اتحاد و ائتلافی را از نماینده‌گان تقاضا نمود و انتخاب یك کمیسیون دوازده نفری را از سه دستهٔ اصلاح طلب واقلیت وبیطرف برای شور درقضایای مملکتی و موافقت عمومی مجلس با دولت تقاضا کرده‌بود وازطرف نماینده‌گان پذیرفته‌شد ، براثر این‌ائتلاف غیرطبیعی و تظاهراتی که در ضمن آن از طرف دستجات میشد بالاخره قیافهٔ مجلس بصورت بدی تبدیل یافت و عاقبت منجربه ضعف دولت و کناره‌جویی مشیرالدوله گردید[1]..

شب پانزدهم رجب ۱۳۴۰ ، مشیرالدوله به مجلس‌رفت ، سلیمان میرزانمایندهٔ مجلس بدولت حمله کرد ، مشیرالدوله هم درحال تعرض وقهر ازجلسه خارج شد ، ولی سردارجنگ از عقب سر در راهرو وپله‌ها مشارالیه‌را بغل کرده باطاق انتظار برد . در آنجا هم رد و بدلی بین مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك رئیس مجلس شد ، مشیرالدوله در حال استعفا از مجلس خارج گشت و به منزل خود رفت . بلافاصله عده‌ای ازوکلاء بمنزل مشیرالدوله رفتند ومانع ازاستعفا شدند .. روز۱۸ رجب نیز مجدداً مشیرالدوله قصد استعفا داشت ولی سردارسپه و عده‌ای از نماینده‌گان بمنزل مشیرالدوله رفته مانع ازاستعفا شدند . اماهمهٔ اینها ظواهر امر بود .

در کوهستان‌ما (پاریز) میان مردم مثلی عامیانه است که گویند «شاخ درخت

۱ــ شمارهٔ‌اول ص۱۵

ریشهٔ درخت را بیرون میآورد» و توجیه آن اینست کهٔ ریشهٔ درخت با آنکه از هر جانب بجستجو و تکاپوست و ازدل خاك و لابلای سنگها غذا و آب تهیه کرده و به ساقه و شاخه میرساند و شاخه را برومند میسازد، اما همان شاخه پس از آنکه تن و توشی یافت و مستقیم و قوی شد، روزی دستهٔ بیل یا کلنگ شده و همان ریشه را ازدل خاك بیرون خواهد کشید، شاخه را مرغ چه داند که قفس میگردد؟ وزیرجنگ کابینه هم در کابینه های اخیراً عموماً و در کابینهٔ مشیرالدوله خصوصاً ازجملهٔ همین شاخه‌درختها بود.

مرحوم بهارمینویسد: براثرتحریکاتی که سردارسپه برای ایجاد یك بحران طولانی بمنظور اشغال پست ریاست وزرایی خود مینمود کابینهٔ مرحوم مشیرالدوله دچار تزلزل شد، درجلسهٔ خصوصی مجلس دوسه نفرازنمایندگان از رئیس‌الوزراء سؤال کردند که میگویند اعلیحضرت‌احمدشاه مقدار زیادی از جواهرات سلطنتی‌را با خود به اروپا برده است، در صورت تحقق این امر رئیس‌الوزراء مسؤول خواهد بود. مرحوم مشیرالدوله‌هم جواب داد بهتر اینست که کمیسیونی از طرف دولت برای رسیدگی معین شود تا حقیقت امرمعلوم گردد... و بالاخره هم معلوم شد خبردروغ وبقصدتحریك‌بوده است. تظاهراتی که ازطرف هوی‌خواهان سردار سپه بوقوع پیوست ازمجموع آنها استنباط میشد که‌سردارسپه‌جمعی‌راتحریك‌به مخالفت بامشیرالدوله‌وسقوط کابینه نموده‌است.

عده‌ای از وکلاء در ۲۰ شعبان ۱۳٤۰ به قیادت موسوی زاده یزدی علیه سردارسپه درمجلس متحصن شدند[1] ولی براثراختلافاتی که بین آنها پدید آمد وهم‌چنین براثرتهدید خدایارخان که پیغام داده بود «اگر ازتحصن خارج نشوید سرشمارا‌روی‌سینه‌تان‌خواهم گذاشت»[2] تحصن‌پایان یافت. شب قبل‌ازاستعفای‌کابینه، مرحوم مشیرالدوله عده‌ای‌ازآنهارا بمنزل‌خودمحرمانه احضار میکند و میگویدمن فرداااستعفاخواهم کرد ووسیلهٔ‌خروج‌شمارا‌بطرز آبرومندی‌بوسیله کابینهٔ‌قوام‌السلطنه که‌نامزد این‌پست است‌فراهم‌مینمایم، وبالاخره‌هم همین قسم‌ازتحصن‌خارج شدند.

۱- تاریخ مختصراحزاب سیاسی ص۲۰٤و۲۰۷ ۲- کودتای۱۲۹۹، ج۳ص۳۹

«مشیرالدوله رئیس‌الوزراء است ، شاه در فرنك ، سردارسپه صاحب قدرت و نفوذ ، وزارت خانه‌ای که نقشهٔ صحیح دارد و کار می کند وزارت جنگ است ، مدرس قائد اکثریت معتقد به تغییر کابینه ونظر به‌قوام‌السلطنه است ، شاه فرنگ بود ، اطلاع دادند».[1]

روز دهم ماه‌رمضان ۱۳۴۰ (۱۸ ثور ۱۳۰۱) رئیس‌الوزراء استعفای خود را تلگرافاً بعرض احمدشاه رساند ، سردار سپه هم بدون آنکه سمتی داشته باشد کلیهٔ معاونین وزارتخانه ها را احضار و بآنها امر کرد کمافی‌السابق مشغول کار باشند و گزارش‌امور را بوی اطلاع بدهند !

علّت استعفا بسیار جالب است ، روزنامه‌ای‌بنام حقیقت شرحی از اختلاسهای سردار اعتماد رئیس قورخانه مینویسد که این موضوع به سردار سپه بر میخورد و ازرئیس‌الوزراء تقاضای توقیف روزنامه را مینماید ، مرحوم مشیرالدوله قبول نمیکند. سردار سپه ابتدا بوسیلهٔ سالار نظام و در دفعهٔ ثانی به وسیلهٔ محمودآقا حاکم نظامی تهران به مشیرالدوله پیغام میدهد که یا روزنامهٔ حقیقت را توقیف کنید، یا میسپارم که دیگر بدربار راهتان ندهند![2]

درهمهٔ مواردی که مشیرالدوله یك پا عقب گذاشته ، موقعی بوده است که توهینی بشخصیت اوشده باشد و این نکته را سردارسپه خوب‌دریافته بود، بنابراین مطمئن بود که‌نخست‌وزیربا این پیغام استعفا خواهد کرد .

البته مجلس استعفای رئیس‌الوزراء را قبول نکرد ، کمیسیونی از زعمای مجلس از هرفراکسیون گرد آمده و با سردارسپه ومشیرالدوله ملاقاتهایی کردند. سردار سپه ، درباب پیغام مورد بحث انکار کرد و گفت : سوءِ تفاهم شده است ، من پیغام دادم که اگر جراید هتاکی کنند ، ما را بدربارراه نخواهند داد!

۱ـ گزارش ایران ج۴

۲ـ تاریخ احزاب سیاسی ص۲۰۹

مرحوم هدایت مینویسد :

وزیرجنگ توقیف روزنامهٔ حقیقت را میخواهد ، مشیرالدوله معتقداست که تعرض ناحساب‌را باید بجواب حسابی رد نمود .

انگشتی در نظمیه تحریکی نموده دست از کار کشیدند ، مشیرالدوله ۲۵ هزارتومان میدهد که فتنه بخوابد . مجلس به میخ و نعل میزند ، از طرف سردار سپه به‌مشیرالدوله که ازجنجال خسته نمی‌شد پیغام رسید که اگر جلوگیری از روزنامه نکنی میگویم درب هیئت را ببندند ، یا بروایتی به‌هیئت راهت ندهند ! کمیسیون ۱۲ نفری که مشیرالدوله برای همکاری ازمجلس خواسته بود از سردار توضیح خواستند (۲۹ حمل ۱۳۰۱) ، وزیرجنگ میگوید پیغام این نبود بلکه‌این بود که اگر از روزنامه‌جلوگیری‌نشود ما را به‌هیئت همراه نخواهندداد[۱] !

هم از قضایای این ایام حدّ زدن **عزیزکاشی** بود ، که بفتوای حاجی آقا جمال اصفهانی وموجب آن رابطهٔ با دونفر اعضای سفارت انگلیس بوده است».[۲]

سه ماه بیش از عمر دولت نگذشته بود ، بنظر میرسد همان حالتی را که ناصرالملك دربرابر نفوذ بختیاری یافته بود ، مشیرالدوله هم گرفتار شده است .

۱ـ خاطرات وخطرات ص۴۴۷

۲ـ توضیح این‌قضیه‌این‌است که‌درآن ایام ازهرموقعیتی برای‌تحریك افرادواعصاب استفاده میکردند و از آنجمله آنکه ، زنی عزیز نام،کاشی، که‌درآن ایام شهره شهر بود درشب‌نهم رجب ۳۴۰ (حوت ۱۳۰۰) یعنی‌پایان فصل هوای ز مهریر افسان وفصل درویش ترسان، ناگهان تازیانهٔ‌حسبت بجان‌او افتاد وحدزدندوتعزیر کردندش. دوتن اعضاء سفارت انگلیس راکه شب با او بودند ازایران‌خارج و عزیز را هم به‌خواروامین تبعید کردند وگویااین‌قضیه هم‌جنبهٔ‌سیاسی وتحریك‌داشته‌است، وچه خوش گفته بود مرحوم بهار :

چون از ره ، تسلیم نشد یار عزیز
در چنك رضا گشت گرفتار عزیز
خورد آن گل تازه چوب‌و،شدنفی به«خوار»
زان نفی ، «عزیز» خوار شد ، خوار عزیز

منتهی ناصرالملك زرنگتر بود و توانست به‌پاریس برود اما مشیرالدوله مجبور بود مانند حریف بازی شطرنج در برابر طرف بنشیند و نقشه بچیند ، نقشه‌هایی که پی‌درپی نقش برآب میشد . در۲۱ رمضان تلگراف احمدشاه بنام‌مشیرالدوله ازاروپا بدین‌شرح مخابره شد :

جناب اشرف مشیرالدوله رئیس‌الوزراء

مراتب اعتماد من نسبت بشما محتاج اظهاروبیان نیست ، بطوریکه در تلگراف سابق گفته بودم اظهار کناره جویی شما موجب کمال تأسف و نگرانی بود ، احساسات مجلس شورای ملی هم که تلگرافاً اظهارکرده‌اند نظریات مرا تأیید مینماید ، تصور میکنم وظیفهٔ مخصوصی‌که‌دردولتخواهی دارید مقتضی است بدون تأمل از استعفای خودتان صرف نظرنموده وجداً به ادای تکالیف خدمت به مملکت مداومت نمائید ، امیدوارم انشاءالله با مساعدتی‌که از طرف مجلس شورای ملی مشهود است کاملا باجرای مصالح مملکت و موجبات عمومی موفق باشید. شاه

مرحوم دولت‌آبادی گوید :

ریاست مشیرالدوله باصرارشاه است که او بتواند قانون اساسی را حفظ کند که نگاه دارندهٔ سلطنت او بوده باشد. شاه تصور میکند این‌کار درینوقت ازمشیرالدوله ساخته‌است و خواهد توانست که سردار سپه را وا دارد در مقابل قانون اساسی سلام نظامی داده او را حاکم برخود بداند ، اما در صورتیکه برای خود شاه درمقام سلطنت قدرت اختیاری‌نیست ، برای دست‌نشاندهٔ وی‌درمقام‌ریاست دولت چه‌قدرت و اختیاری خواهدبود؟[1]

توپ مدرس هم باروتش‌نم کشیده‌است

مشیرالدوله نتوانست با وزیرجنگ مقتدر خود که تقاضا داشت شهربانی نیز زیرنظر حکومت نظامی تهران باشد کنار بیاید وناچار مستعفی شد . بقول هدایت «مشیرالدوله طبعاً مرد جنجال نیست ، مجلس هم متزلزل است ، بحران ۲۷ روز دوام می‌یابد ،

۱ـ حیات یحیی ، ج٤، ص۲۴۸

درین ضمن تلگرافی ازشاه به‌سردارسپه درحفظ نظم میرسد.»[1]

تایمس لندن مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳=۶ آبان ۱۳۰۳ در باب استعفای مشیرالدوله مینویسد :

میرزا حسن‌خان مشیر الدوله نتوانست با وزیر جنگ مقتدرخود همکاری کند، او یکبار ددژانویه ۱۹۲۳ بواسطه عدم توافق با سردارسپه از نخست وزیری استعفا داد و باردوم در۲۴ اکتبرازترس آنکه مبادا سردارسپه اورا نیزمانند قوام زندانی نماید ازمقام خود کناره گیری نمود .

روزنامهٔ کانتمپوری ریویو مورخ فوریهٔ ۱۹۲۶ گوید:

رضاخان مشیر الدوله را روی کار آورد ! ولی چون میان نخست وزیروفرماندهٔ کل قوا برسرسیاست مطبوعاتی اختلاف نظر پیداشدمشیر الدوله نیزبناچاراستعفاداد و قوام السلطنه بجای وی منصوب گشت.[2]

ناچار در۲۱ جوزا ، شاه تلگرافاً ابلاغ ریاست وزرایی قوام السلطنه را صادر کرد و در ۲۶ جوزای ۱۳۰۱ کابینه تشکیل شد که طبعاً وزیر جنگ او سردار سپه بود . . اما آب وزیر جنگ و قوام هم به‌یك جو نرفت و در ماه میزان همان سال ، کشمکش بجایی رسید کـه وزیر جنگ ظاهراً استعفا کرد ولی عملا نامه‌های وزارتی راامضامینمود. مجلس گفتگوهایی پیش کشید وحتی مدرس گفت : «ما برهر کس قدرت داریم ، ازرضاخان هم هیچ ترس و واهمدای نداریم ، قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم ، رئیس الوزراء را بیاوریم ، سؤال کنیم استیضاح کنیم ، عزلش کنیم، وهم‌چنین رضاخان را استیضاح کنیم ، عزل کنیم ، میروند درخانه‌شان می‌نشینند »!

اما هر کس می فهمید که در آن غوغا و آشوب و در آن بحبوحهٔ قدرت و وجاهت ملی سردارسپه ، این سخنان مدرس از چهار دیواری عبا و عمامهٔ او تجاوز

۱ـ خاطرات وخطرات ص ٤٤٧

۲ـ رستاخیز ایران ص ۲۵۳ و ۲٤۰

نمیکند ، حتی مؤتمن‌الملك هم درهمان جلسه به مدرس گفت که حرف شما درباره‌ٔ شاه باقانون اساسی مطابق نیست !

استعفای سردارسپه تماماً تهدید بود ، زیرا وضع طوری بود که فقط وجود سردار سپه میتوانست امنیت تهران و شهرستانها را حفظ کند ، فتوحات نظامیها درشهرستانها که همه زیرعنوان و نام سردار سپه انجام میگرفت و امنیت شهرها و راهها که از انصاف نباید گذشت بقول افضل کرمانی هر راهی‌را که بصد سوار قطع نتوانستی کرد ، زن آبستن طشت زر بر سر می‌نهاد و میگذشت‌ویا بقول‌جهانگیر میرزا « هر که به خودسری سری بر‌آورده بود ، سرش را کنده رخنه های دیوار مملکت رابآن مسدودفرمود» ، سردار سپه را قهرمان‌آزادی و نجات ایران معرفی کرده بود، تلگرافات شهرستانها موجب‌شد که مجلس‌قضیه‌را بصورت‌خوشی خاتمه دهد وازدرصلح درآید و بعذرخواهی‌و انقیاد او نسبت بقانون اساسی ومجلس‌قناعت نموده‌سردارسپه مشغول کار شود .

درهمین ایام شاه از جنوب (بوشهر) بایران وارد شد و در ۱۲ قوس ۱۳۰۱ به شیراز رسید . باری دولت قوام‌السلطنه نیز در ٥ دلو مستعفی شد وعلت‌آن علاوه بر کارشکنیهای داخلی ، مسألهٔ نفت شمال و روابط باروسیه و انگلستان بوده‌است و همانروز ٥ دلو ۱۳۰۱ مجلس با اکثریت به‌آقای مستوفی‌الممالك رأی داد و اودر ۲٦ دلو کابینهٔ خود را معرفی کرد که بازسردار سپه وزیرجنگ او بود ، نظری به این‌کابینه‌ها مارا متوجه میکند که درحقیقت قدرت وزیر‌جنگ کابینه‌هارا می‌آورده ومی‌برده ونه دربارونه مجلس!

«سردارسپه اگر با مشیرالدوله بواسطهٔ جدیتی که درحفظ حدود مشروطیت دارد نتوانسته است راه برود و اورا باستعفای از ریاست دولت وا داشته با مستوفی‌ـ الممالك که وجاهت‌ملی اوازمشیرالدوله کمتر نیست وملایمتش از او بیشتر است ، خصوصیت میکند و او را بریاست دولت میرساند و بدست او خود را به ملیون نزدیك مینماید»[1]

۱ـ حیات یحیی ج ٤ ص۲۸٦

انتخابات مشیرالدوله

دولت مستوفی انتخابات را شروع کرد. انجمن انظار مرکز بتاریخ ۲۴ حمل ۱۳۰۲ مطابق ۲۷ شعبان بریاست مشیرالدوله انتخاب گشت و قرار شد از ۱۱ تا ۱۸ و از ۲۴ تا آخر رمضان (۱۵ روز) تعرفه پخش شود و از روز سوم شوّال تا غروب هفتم شوال تعرفه‌ها با رأی بر گردد و درصندوق ریخته شود.

هیئت نظار زیر نظر مرحوم مشیرالدوله تا حدّی بیطرف بود اما صلاح خود و مملکت را در وسعت دامنهٔ پخش تعرفه نمی‌دانست و در اعلانی که کرد گذشته از کمی مدت دادن و پس گرفتن تعرفه، قید تازه‌ای هم برشرایط انتخاب کنندگان افزوده بود و آن داشتن ورقهٔ هویت و شناسنامه بود [1]. این کار مشیرالدوله موجب اعتراض جراید اقلیت شد و انتقاداتی کردند، انتخابات مجلس پنجم در تهران پایان یافت ولی انتخابات ایالات بقدری طول کشید که مجلس چهارم بپایان رسید و کار انتخابات ایالات بدست امرای لشکر و وزارت جنگ افتاد. [2]

دراوایل خرداد ۱۳۰۲ ورقه‌ای درمجلس بامضاء رسید که چهل و پنج نفر از وکلا عدم اعتماد خود را بدولت اظهار کردند و بالاخره مرحوم مدرّس و عده‌ای از رفقای وی ورقهٔ استیضاح را که مربوط به‌رویهٔ دولت درمورد سیاست خارجی بود در ۲۰ جوزا تسلیم مجلس کردند.

---

۱ ـ آقای مورخ‌الدولهٔ سپهر در باب وسواس انتخاباتی مشیرالدوله گوید:
مشیرالدوله علاوه براحترام به‌قوانین، پای‌بند قانون اخلاقی نیز بود. احتراز وی از اقدامی که لطمه بآزادی انتخابات وارد سازد به حدوسواس میرسید. اگر می‌شنید یکنفر انتخاب‌کننده در دوحوزه رأی داده بی‌اغراق لرزه براندامش مستولی میشد.
فکر تعویض صندوق یا قرائت آراء مجهول وموهوم از مخیله‌اش خطور نمیکرد.
(سالنامهٔ دنیا ۱۸: ۸۴)

۲ـ تاریخ احزاب سیاسی ص ۳۰۷

نطقهای وکلای مجلس ، مرحوم مستوفی را عصبانی کرد ، او در جلسهٔ علنی نطقی کرد که بقول عشقی : مستوفی از آن نطق کـه چون توپ صدا کرد ، مشت‌همه وا کرد ، فهماند که در مجلس چارم همه شر بود، دیدی چه‌خبر بود!

او گفت :

«متأسفانه در این مملکت اشخاصی میخواهند که داخل کار بشوند و آجیلهائی هم بگیرند ، آجیل‌هایی هم بدهند . من نه میگیرم و نه میدهم و اصراری‌هم بماندن ندارم واین ایام غیبت مجلس را هم که شاید بعقیدهٔ بعضی ایام بره کشی فرض شود به اشخاصی که اشتها دارند واگذار میکنم و معدهٔ منهم خراب است و نمیتواند هضم کند و ازینجا هم میگذارم میروم خدمت اعلیحضرت‌همایونی برای حفظ احترام اکثریت استعفای خودم را تقدیم میکنم . »

آنگاه بدون اینکه منتظرجواب شود ازمجلس خارج شد حتی قسمتی از پایان نطق خودرا بین کرسی خطابه ودرخروجی‌اطاق مجلس‌ایراد کرد وباشتاب‌وعجله بیرون تاخت و وزراء هم بیرون رفتند ، فقط سردار سپه وزیر جنگ استوار نشست و سپس برخاسته برای حفظ انتظامات پائین رفت‌وقبل ازرفتن ازرئیس مجلس‌پرسید: من‌هم بروم یا بمانم؟

مؤتمن‌الملك گفت میل خودتان است ، میخواهیدتشریف‌ببرید، نمی‌خواهید تشریف نبرید.[1]

بزنگاه سوم

از روز تزلزل دولت مستوفی ، بقول مرحوم بهار ، آراء مجلسیان بسوی مشیرالدوله متمایل بود و تقریباً سه‌هفته بود که اکثریت مجلس رای تمایل خود را نسبت باین مرد دانشمند و پاکدامن به رئیس مجلس عرضه داشته بود ، پس از کناره‌جوئی دولت و رفتن ازمجلس ، اقلیت هم با این تمایل همداستان گردید و درنتیجه روز ۲۸ شوال ۱۳۴۱ مطابق با ۲۴

۱ـ گزارش ایران ، ص ۳۱۹، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص۳۳۳ و ۳۳۵ ، بازیگران عصرطلائی، ص۱۹۵ درشرح حال‌مدرس .

خرداد (جوزای) ۱۳۰۲ فرمان زیر بنام مشیرالدوله از طرف شاه صادر و همانروز منتشر گردید.

«چون برای خدمت مهم ریاست وزرایی وجود شخص کافی لایقی لازم بود، لذا جناب اشرف **مشیرالدوله** راکه کمال مرحمت و اعتماد بایشان داریم به‌ریاست وزراء منصوب و برقرار فرمودیم که بانهایت اطمینان به مراحم مخصوص شاهانه بانجام وظایف مشغول شوند، ۲۸ شهرشوال ۱۳۴۱»

شاه

دو روز بعد مشیرالدوله وزرای خودرا بدین شرح معرفی کرد:

مشیرالدوله رئیس الوزراء — **حکیم‌الملک** وزیرعدلیه

سردار سپه وزیرجنگ — **حکیم‌الدوله** وزیر معارف

مصدق السلطنه وزیرخارجه — **فهیم‌الدوله** وزیرپست وتلگراف

ذکاءالملک فروغی، وزیرمالیه — **اعتلاءالسلطنه** کفیل وزارت‌داخله.

وزیر فواید عامه‌را قرارشد بعداً معرفی کند.

مشیرالدوله محکم بکار چسبید و امید واریهایی بود که انتخابات در دورهٔ زمامداری مشارالیه به‌صحت جریان یابد، زیرا دلبستگی باحزاب خاص نداشت و مورد اعتماد همهٔ احزاب و دسته‌ها بود، ازطرف سیاست خارجی‌هم نگرانی زیادی دیده نمیشد.[1]

مشیرالدوله برنامهٔ کابینهٔ خود را براصول موازنه و حفظ مناسبات حسنه با دول متحابه و بیطرفی و تسریع درکار انتخابات و نظارت براجرای‌قوانین خاصه بودجه‌ها تشریح کرد.

مجلس چهارم همانروزها پایان یافت و سلیمان میرزا نمایندهٔ مجلس در آخرین روزمجلس گفت: بحمدالله دورهٔ مجلس وقتی خاتمه می‌یابد که دولتی مثل دولت آقای مشیرالدوله که مورد اعتماد عموم و کلا وباتفاق بایشان رای‌اعتماد

۱ــ تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص ۳۴۱و۳۴۲

داده شده است درسر کارهستند وسابقهٔ خدمات ایشان درادوار مشروطیت قابل انکار ومحتاج بذکر نیست ..

سپس مرحوم مدرس شرحی گفت و اظهار داشت : «عقیده‌ام اینست که یکی ازکارهای مهم این دوره سپردن زمام فترت است به آقای مشیرالدوله و جهت این سه‌نکته است ، مکرر عرض کرده‌ام رجال مملکت ما هر کدام برای یك موقعی خوب هستند . بعقیده من و تمام آقایان ، رئیس‌الوزراء حالیه بـرای این موقع بلانظیر است، سه مسأله بود : یکی بیطرفی مشارالیه درانتخابات ، یکی بیطرفی در سیاست خارجه که در زمان فترت و غیبت مجلس فوق‌العاده اهمیت دارد ، یکی تسریع درافتتاح دورهٔ پنجم. و با این‌سه‌اصل است که بعقیدهٔ‌من وآقایان سپردن‌زمان فترت بایشان یکی‌ازکارهای‌خوب بوده است» .

درین جلسه مشیرالدوله حضور نداشت و فروغی از وکلا تشکر کرد . شاه‌ازقدرت سردار سپه نگران‌است ودرنهانی‌میکوشدخودرا ازچنگ اوخلاص کند، توسل به مستوفی و مشیرالدوله برای ریاست وزراء بهمین منظور بوده است اما صحبت حساب و قانون‌دانی و رعایت اصول دربرابر زوروقدرت و ابرازوجودقلم و بنان و بیان دربرابر سرنیزه و چکمه ، معلوم است که بُرد با کـه خواهد بود ! درهمهٔ مراحل حسّاس تاریخی ثابت شده است که حساب و کتاب در برابر زور و قدرت ناچار به عقب نشینی بوده‌اند و این ضرب‌المثل دهاتی که گوید « زور که آمد . . . حساب پاره میشود » درست درین بزنگاههای تاریخ صادق بوده است ، شاه بفکر میافتد ولیّ عهد را بآذربایجان بفرستد (۲۵ سرطان ۱۳۰۲)و درآنجا مرکزقدرتی علیه رضاخان ایجاد کند ، اما این توطئه هم بجایی نمیرسد .

«ماه محرم رسیده است و در ادارهٔ قشونی روضه خوانی میکنند ، شاه بملاحظهٔ سردار سپه بمجلس روضه خوانی نظامیان آمده است ، سردار سپه هم با مشیرالدوله‌رئیس‌الوزراء اندکی دورتر نشسته است .

عرض میکردم صلاح نیست !

شاه برئیس الوزراء گفته بود بی اطلاع سردارسپه، فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد را صادر کنند، فرمان صادر میشود و به صحّهٔ شاه میرسد و وزیر داخله به آذربایجان تلگراف میکند وولی عهد آمادهٔ مسافرت میشود (قصدش این بوده درآنجا با رؤسای عشایر بندوبست تشکیل بدهد) . شاه برای خداحافظی از ولیعهد ازمجلس روضه خارج میشود. بدیهی است سردار سپه میداند شاه کجا میرود و برای چه میرود ، اما هیچ بروی خود نمیآورد و خودداری میکند. . . در آن دم آخر که ولیعهد میخواهد روانه شود ، هیئت دولت را تهدید کرده نارضایی خودرا بمسافرت او، بهشاه و به وزراء میرساند و کوشش بسیارشاه وولیعهد و هیئت دولت دراجرای فرمان و فرستادن ولیعهد بکلی بی‌نتیجه مانده وولیعهد با نهایت خفّت نقل مکان کرده بخانهٔ خود برمیگردد[1] ... شاه بعد ازین از سردارسپه گله میکند و میگوید شما ولیعهد را ازرفتن به آذربایجان منع کردید ، سردارسپه جواب میدهد اعلیحضرت هم درصدور فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد بامن مشورت نکردید و الّاعرض میکردم صلاح نیست!»[2]

با مقدماتی که مرد قوی ایران تهیه می دید و آرزوهائی که درسرمی‌پروراند معلوم بود که کابینهٔ قانونی و اصول پرست مشیرالدوله دوامی نخواهد کرد ، برای اینکه آرزوهای بزرگ عملی شود این فرماندهٔ هوشیارمیدانست که باید تمام قوارا روی این موضوع تمرکز داد و حتماً تمام یا بیشتر نمایندگان دورهٔ پنجم را از اشخاص صالح یعنی موافق و مطیع انتخاب نمود و این کار با بودن شخصی مثل مشیرالدوله در رأس دولت آسان نیست ، پس باید مشیرالدوله را انداخت.

---

۱ - ازباغ سردارمحتشم ، زیرا دولت اعلامیه داده بودکه : « بموجب امر قدرقدرت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه ، روز یکشنبه بیستم برج اسد جاری بندگان والاحضرت ولیعهد دامت عظمته برای حرکت به مقرفرمانفرمائی آذربایجان بهباغ سردار محتشم نقل مکان میفرمایند»

مشیرالدوله رئیس الوزراء

۲ ــ حیات یحیی، ج ٤ ص ۳۰۰

بقول خواجه نوری یك راه ساده وجود داشت و آن حیثیّت دوستی وهمان جنّت مکانی خود مشیرالدوله بود ، چرا بهمین راه وارد نشوند ؟ برای کسیکه تمام عمر جز احترام و مقام ارجمند در خود ندیده ، کافی است که کوچکترین اهانت یا فقط تهدیداهانتی او را از میدان بدر ببرد . سردارسپه همین کار را کرد و با یکی دو پیغام (که بعداً هم آنها را سوء تفاهم نام نهاد) مشیرالدوله را ازمیدان دربرد و اورا وادار به تقدیم استعفا نمود.[1] آقای دولت آبادی گزارش این روزها را چنین مینویسد:

«سردار سپه بسمت وزارت جنگ گاه گاه درهیئت وزراء حضورمی یابد برای دادن دستور هائی بآنها ومجبور هستند هرچه امر کند اطاعت نمایند.

مشیرالدوله درطلیعهٔ دستورریاست خود حفظ قوانین جاری مملکت را از روی اساس مشروطیت، اول وظیفهٔ خوددانسته است درصورتیکه برای او اختیاری نیست و هرساعت درتهدید وزیرجنگ وفرماندهٔ کل قوی است. روزی امیراقتدار محمود خان انصاری که گاه گاه بنیابت و نمایندگی از طرف وزیر جنگ در هیئت وزراء حاضر میشود بدستور وزیرجنگ با مشیرالدوله در هیئت خشونت میکند و باو میفهماند که باید کناره گیری نماید».[2]

مشیرالدوله که عمری را بنیکنامی و عزت نفس و با حفظ پر ستیژ گذرانده بود ، مسلماً حاضر نبود خشونت های وزیرجنگ خود را تحمل کند ، علاوه بر آن موقعیت را چنان میدید که کلیهٔ اختیارات در دست وزیرجنگ است و هیچ نقطهٔ اتکائی که بتوان قانون را باآن حفظ کرد وجود ندارد . حیثیت دوستی او و حفظ آبروی وزرایش بیش ازهرچیز مورد علاقه اش بود، البته چنین شخصیتی وقتیکه ببیند کار بجایی برسد که پاچه و ران حوالهٔ وزیری ازوزرای کابینه داده شود برای او بس ناگوارمیآید .

او باکمال شهامت گفت که حاضر نیست با وزیر او بدین نهج گفتگو شود وسپس از

۱ــ بازیگران عصر طلائی، شرح حال مدرس ص ۱۹۹

۲ــ حیات یحیی، ج ٤، ص ۲٤۹

جلسهٔ هیئت‌دولت خارج شدوتصمیم باستعفا گرفت.

کل یرید رجاله لحیاته		یا من یرید حیاته لرجاله

درینجامورد دیگری نیز پیش آمد که مشیرالدوله آنرا مستقیماً تهدیدی برای خود دید وآن توقیف قوام‌السلطنه بود، سردارسپه چوب را به‌بید زد که‌چنار بلرزد! بدین معنی که روز ۲۷ صفر ۱۳۴۲ (۱۶ میزان ۱۳۰۲) قوام‌السلطنه را توقیف کرد(باتهام‌توطئهٔ قتل‌سردارسپه). مخالفین‌سردارسپه مرعوب شده‌وکابینهٔ‌مشیرالدوله مقاومت خود را در برابر تهدیدات وزیر جنگ از دست داد. سردار سپه پس از دستگیری‌قوام‌بوسیلهٔ یکی دونفرازامرای لشکر، رئیس‌الوزراء و برخی از وزرای دیگررا تهدید کرد که اگر استعفا ندهند چنین و چنان خواهم کرد و بر اثر همین تهدیدات هم کابینهٔ مشیرالدوله تصمیم باستعفا گرفته قبل از ظهر روز ۲۹ میزان ۱۳۰۲ خورشیدی برابر ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ قمری (۲۲ اکتبر ۱۹۲۹) در قصر صاحبقرانیه بحضور شاه رفته استعفانامهٔ خود راتقدیم کرد.

گر فلك يك صبحدم با من گران باشد سرش
شام بیرون میروم چون آفتاب از کشورش

روز سه‌شنبه ۳۰ میزان ۱۳۰۲ از طرف سلطان احمد شاه بوسیلهٔ تلفن، مشیرالدوله بدربار صاحبقرانیه احضار شد، ولی مشیرالدوله در منزل رو نشان نداد، در جواب تلفن میگویند از منزل خارج شده است، مجدداً از دربار و هیئت وزراء استعلام میشود که آیا مشیرالدوله آمده است یا خیر؟ جواب داده میشود که بدربار هم نیامده است. شاه ازین پیش آمد نگران شده یکی از نزدیکان و محارم خود را مأمور میکند که فوراً بشهر آمده مشیرالدوله را ملاقات کرده و او را هر طوری هست حاضر نماید که تا موقع افتتاح مجلس شورای ملی عهده‌دار ریاست وزراء شده بکار ادامه دهد ولی مشیرالدوله زیر بار نرفت [1].

سایر رئیس‌الوزراء های سابق‌هم که طرف اعتماد شاه بودند قبول نمی‌نمایند

۱ــ تاریخ بیست‌سالهٔ‌ایران، ج۲، ص ۲۸۸

و مثل اینکه همه یك زبان میگفتند که «رنگ وبوی آن بتك و پویش بنیرزد و گفتگوی آن بجستجوی آن کری نکند» [1]

قوام‌السلطنه نیز بعد از جریان اتهام ناچار شد با موافقت سردار سپه باروپا برود و درین وقت بود که احمدشاه بقول افضل‌الدین کرمانی چون دید که «میدان عمل ازمبارزان کفایت خالی است و صدر وزارت از مبرّزان سیادت عاطل» [2] ناچار به ریاست وزرایی سردارسپه تن داد.

بدین‌طریق بقول مرحوم هدایت: «سردارسپه که طبعاً صاحب عزم ورای‌قوی بود، عذرمشیرالدوله راخواسته خود کابینه تشکیل داد [3].»

بروایت مرحوم بهار: «مشیرالدولهٔ پیرنیا را از پشت میز ریاست وزراء عذر خواستند وخود زمام اموررا بدست گرفتند.» [4] و این وقایع در ۱۶ آبان ۱۳۰۲ یعنی قریب چهار ماه بعداز زمامداری مشیرالدوله‌بود، و این آخرین زمامداری اوست.

آخر الدواء الکی

فرمان نخست وزیری سردارسپه علی‌رغم‌مخالفت و کوشش مدرس و یاران او و علی‌رغم خود شاه صادر شد (۱۶ آبان ۱۳۰۲) بدین شرح:

«چون برای‌خدمت‌مهم ریاست وزراء وجودیکنفر شخص کافی لایقی لازم بود، لهذا جناب اشرف سردار سپه را که کمال‌مرحمت واعتماد واطمینان رابایشان‌داریم بریاست‌وزرائی منصوب وبرقرارفرمودیم که مشغول‌انجام این‌خدمت‌مهم باشند.
۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۲»
شاه

۱ـ قاضی حمیدالدین صاحب مقامات حمیدی.
۲ـ عقدالعلی
۳ـ گزارش ایران ص۳۱۹
۴ـ تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص۳۳۸

قریب یک‌هفته بعد احمدشاه برای آخرین‌دفعه با دیوارهای گلی و ترک‌دار تهران‌وداع کرد و باروپارفت[1].

احمد شاه که شوق مسافرت بفرنگ برهرشوقی در وجود او غلبه داشت و میکوشید بهروسیله باشد خود را از حوزهٔ اقتدارسردار سپه بیرون بیندازد، راضی شد دستخط ریاست وزرائی وزیرجنگ را صحه گذارد بشرط آنکه او فوراً اسباب مسافرت ویرا باروپا فراهم نماید. اینکار بزودی انجام گرفت و سردار سپه رئیس دولت شده تا کناربحرخزر شاه را بدرقه کرد واو رابوعدهٔ ابدی از مملکت روانه ساخت. محمدحسن میرزاولیعهد نایب‌السلطنه شد[2].

این‌سفرها ورفت‌وآمدها کارشاه را بدتر ازپیشتر ساخت‌ولی‌ازخواب بیدارش نکرد.

فکانه طفل الرضیع بمهده   یزداد نوما کلما حرکته

سالها بعد که آقای رحیم‌زادهٔ صفوی دراروپا با احمدشاه مذاکره کرده بود، احمد شاه درباب کیفیت صدور این دستخط گفته بود :

من خبرداشتم که درهمین ایام نغمهٔ جمهوری را میخواستندبلند کنند، درآن حال منهم یا میبایست دست بتحریك وآنتریك بزنم، و راه دیگرش‌هم آن بود که استعفای مشیرالدوله را بپذیرم و رضا خان را به آرزویش که رئیس‌الوزرائی بود برسانم تا شاید قدری آرامش پیداشود.[3]

سردارسپه بلافاصله درفکر انجام مقاصد خود افتاد وچون میرزای‌ولیعهد در تهران بود بفکرافتاد که اول‌دست اورا ازامور کوتاه کند.

دراسفند ماه آن‌سال عده‌ای ازافسران‌را مأمورنمود که بملاقات محمد حسن-میرزا رفته اصرار نمایند که از ولایت عهدی استعفا دهد و با لحن نصیحت‌آمیز خواست که بولیعهد توصیه شودکاری باستعفای شاه نداشته باشد وشخصاً استعفا کند ودرمقابل ازسردارسپه حقوقی معین دریافت نموده و گاردمخصوص سلطنتی ویکی از

۱ـ بازیگران عصر طلائی ص ۳۰۳

۲ـ حیات یحیی ج۴ص۳۴۹

۳ ـ تاریخ بیست‌سالهٔ ایران ج۳ ص۳۰۶

قصور را با حفظ احترامات در اختیار داشته باشد. ولیعهد نپذیرفت و گفت: «باین‌مرد بگوئید که مگر ازروی نعش من گذشته بسلطنت برسد!» ولی سردار سپه که درتصمیم خود راسخ بود اصرار خود را در تخلیهٔ کاخها تکرار کرد:

«احتشام‌السلطنه مأموراست که بولیعهد تکلیف ترك گلستان کند که امروز شمشیر دیگر درکار است، بباغ سردار محتشم نقل مکان فرمایند.. ولیعهد دست داده فرمودند: مرگ ازبرای من بهتر است، چند نفر از مجلس میخواهم. عرض شد بیم توهین میرود، عجله‌فرمائید، تلفن شد، سه‌بعدازظهر وعدهٔ شرفیابی داده‌شد، سید تدین، شیخ العراقین و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك را خواسته صحبت کرده بودند، درضمن‌صحبت فرموده بودند امنیت ندارم. جواب مجلس رسید که حرکت نفرمائید، تا مسأله در مجلس حل شود، سردارسپه را هم مسؤل امنیت قرارداده‌اند.»[1]

بدین‌وجه‌درشب‌عیدنوروز۱۳۰۳مؤتمن‌الملك‌ومستوفی‌الممالك‌ومشیرالدوله و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی بکاخ گلستان رفته و تدیّن و شیخ‌العراقین را نیز که ازنزدیکان سردار سپه بودند همراه میبرند تا بوجهی اصلاح ذات‌البین‌شود. چون نتیجه بدست نمی‌آید مؤتمن‌الملك جلسهٔ‌خصوصی مجلس را تشکیل میدهد وبازهم‌جلسه بی‌نتیجه می‌ماند.

توپ‌جمهوری‌چگونه بصدا درآمد

در همین ایام، سردار سپه، برای تزلزل مقام سلطنت گفتگوی جمهوری شدن ایران را در دهانها انداخت و در اکناف و اطراف ایران ازین تحول تمجید وطرفداری شد وچون درهمان ایام درترکیه نیز این امرپیش‌آمده بود، مسألهٔ جمهوریت درایران با استقبال عمومی مواجه گردید.

از طرف طرفداران احمد شاه که متوجه خطر شده بودند علیه جمهوریت تظاهراتی صورت گرفت وباز موردی پیش آورد که‌مشیرالدوله دخالتی بنماید:

مرحوم هدایت مینویسد:

۱ـ خاطرات و خطرات

«گفته شد مدرس برای موافقت با سردارسپه سه شرط در میان آورده است ، انحلال مجلس پنجم ، تجدید انتخابات با قید حق تغییر درقانون اساسی ، اختیار یکی ازشاهزادگان بسلطنت با نیابت سردارسپه .

احتشام السلطنه بمنزل من [هدایت] آمد و دعوت بمنزل مشیرالدوله کرد ، رفتیم ، حاجی‌میرزا یحیی دولت‌آبادی ومصدق‌السلطنه‌هم بودند ، صحبت‌رفت روی اختیار یکی ازشاهزادگان وقرار به مجلس دیگری در منزل دکتر مصدق‌السلطنه شد ، درین جلسه تصمیم گرفته شد که بمنزل سردار سپه برویم و مطلب را عنوان کنیم و درآمد با من باشد . رفتیم ، من در لباس کنایه عنوانی کردم که سردار به سخن‌درآید . مشیرالدوله تصریح کرد. سردارهیچ نگفت ، چه‌بگوید؟ طرفدارانش درمجلس قوت گرفته‌اند وجاده هموار مینماید ، مجلس بتلخی گذشت. نقشه‌اینست که روزاول حمل ۱۳۰۳ توپ نوروز بتبریك جمهوری غرّش کند[1]». .

قاجاریه راچنان مأیوس کرده‌اند که غالب رضا به‌رضا داده‌اند . آدمی‌چون زورش بمصاحب مادرنرسد ، ناچار بابایش خواهد خواند !

«چهارشنبه از صبح درشهر هیاهو بر پا شد ، اکثریت جمهوری میخواهند . شنبه دوم حمل ۱۳۰۳ روزی است که مجلس باید رژیم جمهوری را تصویب کند ، ساعت چهار بعد ازظهر سردارسپه بمجلس آمد ... شیخ مهدی سلطان‌الواعظین در سرسرا روی پله حرف میزد ، سردار لدی‌الورود با چوب دستی‌نواخته‌امر کرد اورا از پله ها فرود آوردند ، در اثنا کلوخی به پشت گردن سردار خورد ، حکم شد جماعت را بزنند و زدوخورد در گرفت ، زخمی را زیاد گفتند ، مقتول نبود مگر حاج آقا جمال اصفهانی ... سردار میگوید حالا که ملت موافق نیست ، من از جمهوری صرف نظر میکنم ، ولی آقایان باید تکلیفی برای من معین کنند ، با احمدشاه نمیشودکار کرد.»[2]

ظاهراً چون اجتماعی دربرابر مجلس بوده است ، مؤتمن‌الملك به‌سردارسپه

۱ـ خاطرات وخطرات ، بنقل‌مجلهٔ خوشه مقاله تفضلی شمارهٔ ۸۱
۲ـ ایضاًخاطرات‌هدایت

پیغام داده بود که آنروز عصر بمجلس نیاید ولی‌او اشتباهاً یا تعمداً آمده‌بود.

مرحوم دولت‌آبادی جریان‌را چنین‌مینویسد:

«سردارسپه بآرامی میرود وهیچ اعتنائی باین سنگ وچوبها نمیکند و دیده میشود که سنگ وچوب که باو اصابت میکند او بآرامی خاك آنرا پاك مینماید تا میرسد بپای‌سرسرای سنگی عمارت ، آنجا پای ستون اول ایستاده بنظامیان و نظمیه فرمان‌میدهد که‌جمعیت‌را از بهارستان بیرون کنند.. نگارنده[یحیی]خودرا بپلّه‌عمارت میرساند به‌بیند سردارسپه چه‌خواهد کرد؟ می بینم از پله‌ها که بالا آمد بطرف اتاق رئیس مجلس رفت . رئیس از اطاق خود بیرون آمده بطرف سرسرا می آید. در راهروی‌وسط‌درهمین‌حال‌دولت‌ورئیس‌مجلس بهم‌میرسند. مؤتمن‌الملك بطورتعرض بسردارسپه‌میگویدبرای چه اینجا آمده‌ای ؟ سردارسپه میگویدآمده‌ام اینجا را نظم بدهم . مؤتمن‌الملك میگوید نظم اینجا با من است . سردار سپه میگوید اما نظم مملکت‌بامن‌است! این‌جواب حاضر وبقول عوام دندان‌شکن درجهٔ جربزه ذاتی یك شخص کم سواد راآن‌هم دراینحال پریشان حواسی که‌دارد نیکو میرساند .

رئیس مجلس با تعرض از سردارسپه گذشته بطرف سرسرا و طالار مجلس می‌رود و میگوید حالا بتو حالی میکنم کـه چه باید بکنی ، مرادش اینست که مجلس علنی برپا کرده رأی بی‌اعتمادی باو میدهد وازکارمی‌افتد.»

آقای هروی خراسانی مینویسد:

حمله سربازان شروع شد ، مؤتمن‌الملك رئیس مجلس که از پشت پنجرهٔ طبقهٔ دوم مجلس متوجه بهارستان بود از اطاق خارج شده بطرف پله‌ها آمد ، در سرپله سینه بسینهٔ سردارسپه برخورده با تشدّد گفت : این چه وضعی است ؟ مطابق کدام قاعده شما مردم را درخانهٔ خودشان و بااسلحهٔ خودشان میزنید ؟

سردار سپه گفت : من بوظیفهٔ ریاست دولت عمل میکنم ، جفظ استقلال و جلو گیری ازاغتشاش وظیفهٔ من‌است.

رئیس مجلس گفت : «اختیار مجلس با من است ، تو رسمیت نداری، الآن

تکلیف تورا معلوم میکنم . سیدمحمود ، زنگ را بزن تا باین شخص بفهمانم که مجلس جای این رفتارنیست » وبسمت اطاق مخصوص خودرفت.

سردارسپه درمقابل این حرفها سخت جاخورد .

حملهٔ نظامیان موقوف شد ، بعد بوسیلهٔ پاره‌ای از وکلای طرفدار خود از مشیرالدوله خواهش کرد که بین اوورئیس مجلس‌را التیام بدهد.

مشیرالدوله به‌سپه‌دارسپه گفت رئیس مجلس حق داشته‌است، زیراحفظ انتظامات داخلی مجلس وبهارستان باشمانیست وشما حق نداشته‌اید مردم را دراینجا بزنید .

بالاخره اورا برای عذرخواهی نزد رئیس مجلس برد ، سردار سپه سپس از علماء ورؤسای محلات عذرخواست ودستگیرشدگان را آزاد کرد[1] .

مرحوم دولت آبادی بقیهٔ جریان‌را چنین آورده است:

سردارسپه با تعرض شدید ازاو گذشته بطرف پله‌های عمارت برمی گردد که جواب عملی برئیس مجلس بدهد یعنی پیش از آنکه او جلسه برپا کند نظامیان گرچه بقهوه قهریه باشد مجلس را منحل کنند ، در اینحال هر دو زیر سرسرا می‌رسند. رئیس میرود بطرف طالار وسردارسپه پله‌هارا گرفته پائین میرود . بیشتر نمایندگان نیز درهمین سرسرابا حال پریشان جمعند .

رضای مازندرانی کارمیکند

نگارنده [یحیی] خطر را نزدیک‌دیده بمستوفی‌الممالك و مشیرالدوله که نزدیك من هستند میگویم‌رئیس‌را اززنگ زدن‌برای‌برپا کردن‌مجلس بازدارید وخود بسرعت‌درعقب سردارسپه فرود میآیم. نمایندگان‌هم‌متحیرند که چه خواهدشد و غیظ وغضبی که ازسردارسپه می‌بینند تصورمی کنند شاید بمن صدمه‌ای بزنند. در میان پله‌ها فضای مختصری هست که فاصلهٔ میان پله‌های مستقیم و پله‌های راست و چپ میباشد . در آن فضا بسردارسپه رسیده بازوی اورا گرفتم. برمیگردد ، مرا می‌بیند و میخواهد بازوی خود را رها کرده برود آهسته باو میگویم اگر بروید پشیمان میشوید ، و

۱ــ تاریخ پیدایش مشروطیت ایران تألیف هروی خراسانی، ص۴۵۱

بلندتر می گویم من هرگز ازشما خواهشی نکرده‌ام امروز تنها خواهش من اینست که بر گردیم قدری راحت کنید ویك فنجان چای میل بفرمائید وباز آهسته حرف اول خودرا تکرارمیکنم. سردارسپه آرام گرفته یادش می آید باو گفته بودم هنوز برای جمهوری درمجلس اکثریت ندارید . تقاضای مراپذیرفته ازپلهٔ دیگر بالامیرود. نمایندگان که با کمال پریشان حواسی باین منظره نگاه میکردند همه خوشحال میشوند. سردارسپه بطالار پذیرائی که روی سردر عمارت واقع است رفته مینشیند و نگارنده در کناراو قرارمیگیردو دیگر نمایندگان دور او می‌نشینند بعد ازچند دقیقه سکوت نگارنده می گوید بنانبود تا ازما بشما خبر نرسد امروز بمجلس تشریف بیاورید[1] جواب می‌دهد شما تلفن کردید که فوراً بمجلس بیایم. میگویم چنین تلفنی از ما نشده است و شرح کمیسیون هجده نفری را با رأی ندادن آن بآمدن امروز سردار بمجلس نقل کرده میگویم ما در شرف اطلاع دادن بشما از نتیجهٔ رأی کمیسیون بودیم که شما وارد شدید. سردارسپه متوجه میشود اینجا اشتباهی رویداده و تقلبی پادرمیانی کرده، بکلی آرام گرفته چای میطلبد و سیگاری آتش میزند و ملتفت میشود که خوب نشد که جماعتی را آزار کرده و مضروب ساختند و عده‌ای را هم لابدّبحبس انداختند. میگویدصاحب منصبی بیاید. یکنفرحاضر می‌شود. باو دستور میدهد مردم را پای عمارت جمع کنید، من بیایم با آنها صحبت بدارم. پس ازچند دقیقه او برمیخیزد برود صحبت بدارد درصورتیکه مردمی در بهارستان نیستند و هرچه هست نظامی و نظمیه‌است . نگارنده فرصت یافته نزد رئیس مجلس رفته او را درحجره‌ای با مستوفی الممالك و مشیرالدوله مییابم و میگویم سردارسپه از

۱ــ دراین‌روزسردارسپه بوسیلهٔ ملك‌الشعراء بهار به‌مشیرالدوله ومستوفی‌الممالك ومؤتمن‌الملك و دولت آبادی پیغام میدهد که ببینند مصلحت هست که بمجلس بیاید یانه ؟ یك کمیسیون ۱۸ نفری تشکیل میشود و مصلحت نمیبینند که سردار سپه آنروز بمجلس بیاید، چون‌اجتماع عظیم آنروز در بهارستان ازطرف‌مخالفین جمهوری‌بوده‌است نمایندگان جمهوریخواه‌ازشمارزیاد تظاهر کنندگان بیمناك میشوند و برای‌حفظ جان خود از سردار سپه بنام مجلس میخواهند که فوری بمجلس بیاید .

طرف مجلس با تلفون احضار شده وتصور میکرده است هیئت رئیسهٔ مجلس او را طلبیده‌اند؛ دراینصورت خوب بااو معامله نشد. رئیس با کمال تحیر میپرسد: باوتلفن شده است بیاید؟ کی تلفن کرده است؟ میگویم نمیدانم. رئیس تلفون‌چی را طلبیده میپرسد کی بسردار سپه تلفن کرد؟ میگوید تدین، وقضیه کشف میشود که تدین برخود وسایر کارکنان جمهوری از این ازدحام نگران بوده است وازطرف مجلس تلفن کرده است، سردارسپه تصورنموده ازطرف ما ودرنتیجهٔ مشورت با ما بوده که آمدن اواصلاح دیده‌شده است وفوراً خودرا بمجلس رسانیده.

پس از کشف این قضیه رئیس مجلس ومستوفی ومشیرالدوله همه تغییرحال داده آرام میشوند. در این حال سردار سپه که مردمی را در بهارستان ندید که با آنها گفتگو کند بعمارت برگشته ملك‌الشعراء بهار او را بهمین حجره رهبری کرده است. وارد شده ومی‌نشیند و مشتی روی میز زده میگوید هنوز زود است بدانند من‌چه کاره‌ام، ونظرش بسخن رئیس مجلس است که گفته‌بود برای‌چه اینجا آمده‌ای!

سردار سپه میگوید اگر اروپائیان نظر خود را نسبت بایران تغییر داده‌اند برای اینست که رضای مازندرانی درایران کارمیکند.

رئیس مجلس برخاسته روانه میشود. سردار سپه شرحی از رفتاری که با او شده است گله آمیز بیان مینماید. مشیرالدوله جواب منطقی طولانی میدهد و در ضمن ساحت برادر خود رئیس مجلس را بواسطهٔ بی‌اطلاعی از اینکه او را از طرف مجلس بغلط خواسته‌اند که بمجلس بیاید پاك میکند و سخنان معذرت آمیزمشتمل برحکمت و نصیحت می گوید و سخنان مزبور دروجود سردارسپه مؤثر شده آرام می گیرد و برای اظهارامتنان ازوی، برخاسته کبریت زده سیگاردست‌مشیرالدوله را کـه معطل مانده آتش میزند و حال گرفتگی مجلس به‌بشاشت مبدل می گردد. مستوفی‌الممالك پیشنهادمی کند که‌سردارسپه و رئیس مجلس دریك حجره بنشینند

با هم‌دوستانه صحبت بدارند و باهم کنار بیایند و هردو هرچه در دامان از یکدیگر دارند فروبریزند. نگارنده نیز پیشنهاد میکند که مستوفی‌الممالك هم در میان آنها بوده باشد و پذیرفته می‌شود. مستوفی‌الممالك میرود رئیس را برای این ملاقات خصوصی‌حاضر بسازد ، دراین‌حال خبرمی‌آورند که رؤسای‌روحانی که دراطاق‌دیگر جمعند می‌خواهند باین اطاق بیایند بدیهی است همهٔ آنها ازسردارسپه اندیشه‌دارند واکنون که او غالب شده و مردم بکلی متفرق شده اند نمی‌خواهند که سردارسپه از آنها مکدّر بماند. نگارنده بی‌آنکه ازسردارسپه رخصت بخواهد به‌پیغام‌آورنده میسپارم رؤسای روحانی را باین حجره وارد نمایند . آقایای یکی بعد از دیگری واردشدند و اطراف میزمی‌نشینند بی‌آنکه اندك‌احترامی ازسردارسپه به‌بینند .

چند لحظه بکلی‌مجلس ساکت میماند، یکوقت سردارسپه روبنگارنده کرده با تشدّد می گوید مرا اینجا برای چه‌آوردی؟ جواب‌می‌دهم رفتندجا معین کنند که با آقای رئیس‌نشسته صحبت‌بدارید. هنوز حرف من‌تمام نشده مستوفی‌الممالك دررا گشوده سردارسپه را باطاق رئیس می‌خواند و او بی‌آنکه تعارفی برؤسای روحانی بکند روانه میشود .

مجلس سه‌نفری یکساعت طول میکشد و درنتیجهٔ مذاکرات معذرت آمیز از دو طرف قرار میدهند سردارسپه از موضوع تبدیل رژیم و تغییر قانون اساسی بکلی‌منصرف گردد ومجلسیان‌درحمایت‌ازسلطان‌احمدشاه بیعلاقه بمملکت‌اصراری نداشته باشند.[1]

خیراندیشان صلاح ندیدند ونخواستند جلسهٔ مجلس تشکیل شود (واگرهم میخواستند تشکیل نمیشد). رئیس‌مجلس را متقاعد کردند که ازتشکیل‌جلسه‌صرف نظر کند ، و بالاخره نصایح مشیرالدوله و میانجیگری مستوفی در همان ساعت دوباره میانهٔ رئیس‌ملت ودولت را به‌یك‌قسمی درز گرفت.[2]

۱ــ ازخاطرات مرحوم یحیی‌دولت‌آبادی،ج٤

۲ــ بازیگران عصرطلائی‌ص۲۳۱

بهرحال این اقدامات موجب شد که رئیس‌الوزراء درنیمهٔ اول حمل ۱۳۰۳ بیانیه‌ای منتشر کند و طی آن اعلام داشت: «.. عنوان جمهوری را موقوف و در عوض تمام سعی خود را مصروف سازند که موانع اصلاحات وترقیات مملکت را از پیش بردارند[1]».

«در افکارعامه، قوی طرفی است که حمله میکند نه طرفی که بدفاع می‌پردازد.»

اسکندر

جو پاگدار

درهمین احوال تلگراف احمدشاه ازفرنگ بمجلس رسید که صریحاً اظهار عدم اعتماد نسبت بسردار سپه کرد و مجلس را بانتخاب رئیس دیگری برای دولت ترغیب نمود، ولی این کار کمی دیر شده بود، و در حکم جوپاگدار بود. در دهات پاریز مثلی است که میگویند: چارپادارهای ناشی جَو پاگدار میدهند والبته نتیجه نمیگیرند، بدین معنی که در عرض سال که باید به‌مواشی خود جو بدهند و آنها را تقویت کنند غافل میمانند و صرفه‌جوئی میکنند، اما درهنگام عمل وقتیکه بار برپشت حیوان است وپای گدار و گردنهٔ کوه میرسد و ناچار نمیتواند بالا برود و باصطلاح محلی «پا میزند»، آنوقت مقداری جو از توبره برآورده جلوی حیوان میریزند وتوقع دارند با خوردن آن بتواند ازگدار بالا برود که البته توقعی بیجاست. پول خرج کردن شاه و محمد حسن میرزا نیز درین ایام و توپ و تشر های آنان در حکم همین جو پاگداربود.

سردارسپه باتوجه به‌موقعیت خود روز۱۸ فروردین ۱۳۰۳ استعفا داد.

۱ـ اعلام جمهوریت هدف و غرض نبود بل وسیله بود برای سست کردن بنیان دربارقاجاریه، و خوشبینی افرادی مثل عارف قزوینی بیجهت بود که میگفت:

به مردم این همه بیداد شد زمرکز داد
زدیم تیشه براین ریشه هرچه بادا باد
تو نیز فاتحهٔ سلطنت بخوان عارف
خداش با همه بد فطرتی بیامرزاد!

بگفتهٔ دولت آبادی :«ماه رمضان رسید، سردارسپه روزی بمجلس پیغام داد من بقدری خسته شده ام که دیگر نمیتوانم کار کنم ، وتهران را ترك کرده بنزدیکترین املاك خود در مازندران یعنی بومهن روانه گشت.»

طرفداران قاجاریه کمی خوشحال شدند ، ولی رجالی دور اندیش امثال مشیرالدوله متوجه شدند که دیگر امکان خرد کردن سردارسپه نیست ، علاوه بر آن باید واقع بین بود ، شهدالله تا این تاریخ اقدامات سردارسپه از بیشتر اولیای دولت قاجار بهتر بوده است .

علاوه بر آن با ناپختگی‌های سیاسی احمدشاه و اطرافیانش چه امیدی باقبای چنین دولتی بود .

سردار سپه شب و روز در عمارت بریگاد قزاق منزل داشت ، تا یکسال لباس خود راحتّی برای راحتی جزدرمواقع استحمام ازتن خارج ننمود وباهمان لباس نظامی قزاقی درروی زمین با چکمه دراز کشیده چندساعتی خوابیده وبیدارمیشد، یعنی تا نصف شب درخارج مشغول کار بود.[1]

عروس ملك کسی در کنار گیرد تنگ
که بوسه بر دم شمشیر آبدار زند

تلگرافها ارشهرستانها شروع شد و سپاهیان بدست و پا افتادند ، مجلس در وحشت و اضطراب فرورفت ، مجلس خائف و لرزان نتوانست در مقابل تلگراف احمدشاه تصمیمی اتخاذ کند ، این بود که ناچار روزچهارشنبه بیستم فروردین ۱۳۰۳ عده‌ای از اعضاء برجستهٔ پارلمان مثل مشیرالدوله و مستوفی الممالك و مصدق السلطنه وبیات و دولت آبادی وعمادالسلطنه شبانه به بومهن رفتند وسردار را مراجعت دادند .[2]

مسافرین نزدیك ظهر به بومهن میرسند . سردارسپه واردین را خیلی چرب و

۱ـ تاریخ بیداری ایران ، مختاری ، ص ۱۸۱
۲ـ گزارش ایران ، ج ٤ ص ۳۱۹ ، بازیگران عصرطلائی ص ۲٤۸

نرم می‌پذیرد ، خاصه که مستوفی‌الممالك و مشیرالدوله هم جزء این عده هستند ، ناهارصرف میشود (چون مسافر بوده‌اند روزه نداشتند)، سردارسپه مستوفی‌الممالك ومشیرالدوله را دراتومبیل خود نشاندوبطرف تهران روانه شد .[1]

مشیرالدوله و ملاحظهٔ قانون

فتح خوزستان و دفع خزعل بکمك سرتیپ فضل‌الله‌زاهدی (اول اردیبهشت ۱۳۰۴) سردارسپه را نجات دهندهٔ واقعی ایران بشمارآورد .

«سردارسپه پس‌ازباز گشت ازخوزستان درجلسهٔ شورای خصوصی خود میگوید من با این دو برادر یعنی احمد شاه و ولیعهد نمیتوانم کار کنم . حاضرین از روی حیرت بهم نگاه میکنند ، سردارسپه سخن‌خود را تکرارمیکند و جواب میخواهد. مشیرالدوله میگوید این کار محظور قانونی دارد وباید دراطراف آن مطالعه کرد ، سردارسپه میگوید بسیارخوب مطالعه کنند ودرمجلس دیگرجواب بدهند. جلسهٔ بعد درخانهٔ حسین‌خان علاء بدون حضور سردار تشکیل میشود. اکثریت موافق میشود با جواب منفی‌دادن،و گفتن این‌جواب به سردارسپه درجلسهٔ دیگر بعهده‌مشیرالدوله مقررمیگردد ، درمجلس دیگرمشیرالدوله با تمام قوت‌قانون‌دانی بسردارسپه حالی میکند که مانمیتوانیم باخیال سلطنت اوموافقت کنیم بملاحظهٔ حفظ قانون اساسی.

سردار سپه از مذاکرات طولانی مشیرالدوله کسل و افسرده میشود ولی بردباری خود را از دست نداده میگوید حالا که این‌کاررا مخالف قانون میدانید ، من مقام خود را محکم نمی‌بینم وممکن است بـا یك دستخط شاه از اروپا همهٔ زحمتهای من درامنیت مملکت باطل گردد . باز مجلس مشاوره بی‌حضور سردار تشکیل‌میشود وبالاخره ازیکی ازمواد قانون‌استنباط میکنند که مجلس‌شورای‌ملی میتواند بکسی درمقام ضرورت فرماندهی کل قوارا مستقیماً بدهد و این استنباط را دکترمحمدخان مصدق‌السلطنه میکند که عالم علم حقوق است .

سردارسپه پس از اطمینان یافتن از هیئت مشاوره که در مجلس نفوذ دارند

۱ــ حیات یحیی ج۴ ص ۳۳۲

بکار کنان خویش در مجلس می‌سپارد چنین پیشنهادی بمجلس بدهندوچنین‌قانونی را بگذرانند.[1]

ملك میراثیان نماننده است   ملك شمشیر ملك پاینده است

مخبر رویتر در۱۷ رجب ۱۳۴۴ از طهران خبرداد کـه‌بواسطهٔ‌مخالفت‌سختی که‌بر برخی‌خواهشات‌اصلاحیهٔ سردارسپه درمجلس پیش آمده واقعات خیلی‌دشوار شده است... کمیسیون قانونی تسوید کرده تافردا برای گرفتن رأی به‌مجلس علنی پیشنهاد نماید ، ازروی این قانون سردارسپه سه سال‌کامل‌الاختیار کل قشون (که مخصوص بشخص سلطنت است) خواهد بود .»[2]

احمد شاه بعد از شنیدن فرماندهی کل قوای سردار سپه ، بدربار لندن مراجعه‌کرده از آنها گله نمود ، آنها اظهار بی‌طرفی کردند ، این‌است که بخیال افتاد بایران باز گردد...

اختلاف میان ولیعهد ورئیس‌الوزراء ، که‌چندصباحی‌باهم بقول‌بیهقی« گرگ آشتیی» کرده بودند ، بحد اعتلای خود رسیده بـود و این شاهزاده هرچه بیشتر کوشش میکرد سردارسپه را ازمیدان‌بدر کند ، خودبیشترخفیف میشد ، تاجائیکه رسماً و علناً مورد بی اعتنایی سردار قرار میگرفت . چنانکه در یکی ازتحریکاتی که توسط او بعمل‌آمده بود چنین‌امری حادث شد . جریان اینست :

حاجی‌شیخ عبدالنبی نوری فوت کرد، محمد حسن‌میرزا ازین فرصت‌استفاده کرده در۲۲ مرداد مجلس ترحیمی درمسجدشاه فراهم کرد . هنگام برچیدن ختم توسط ولیعهد ، صدای « زنده باد شاه ، مرده باد دشمنان اسلام » بلندشد.

سردارسپه که تمـام این اجتماعـات را تظاهر ضدّ خود میدانست ، با کمال متانت وارد مسجد شاه گردیده بمشیرالدوله که از مجلس ختم مراجعت میکرد

۱ـ حیات یحیی ح ٤ ص ۳۳۲

۲ـ حبل‌المتین شمارهٔ ٥ سال ۳۳

دروسط صحن مسجد برخورد نمود ، قدری با مشارالیه صحبت کرد و چون یقین داشت درین تظاهرات حادثه‌ای رخ خواهد داد از مشیرالدوله تقاضا کرد با او بمجلس ختم مراجعت کند و خیلی هم اصرار کرد ولی مشیرالدوله کـه شاید باحتمال وقوع حوادث قبل ازبرچیده شدن ختم ازمسجد حرکت کرده بود حاضر بمراجعت نشد[1].

سردارسپه پس ازجدا شدن ازمشیرالدوله باهیئت دولت بمسجد رفت ، گویا وضع را طوری قرارداده بودند که هنگام ورود سردارسپه جانبود و ناچاردر حضور ولیعهد میبایست سرپا بایستد،سردارسپه بعدازمشاهدهٔ این وضع بدون اعتنا بولیعهد بصدرمجلس رفته بین امام جمعهٔ تهران وامام جمعهٔ خویی جائی بازنموده ونشست و وزراء هم وسط مجلس نشستند .

«مؤتمن‌الملك رئیس مجلس بواسطهٔ شخصیتی که دارد وبرادرش مشیرالدوله که‌درمجلس است ومورد توجه میباشد،باخیالات کارکنان سردارسپه درخوانده شدن ومطرح نمودن مراسله‌ها وتلگرافهائی که ازولایات درتقاضای تغییرسلطنت بمجلس میرسد همراه نیست.. کارکنان سردارسپه برئیس مجلس اعتراض می کنند واوناچار میشود استعفابدهد.»[2]

بجای‌او مستوفی‌الممالك ظاهراً انتخاب میشود ، اما او مکرر غایب است و کار هیئت رئیسه بدست نایب‌رئیس اول تدین است.

دریکی ازجلسات خصوصی مجلس پیشنهاد جمعی ازآقایان نمایندگان‌راجع باینکه تلگرافی ازطرف رئیس مجلس به شاه مخابره شود و حرکت اورا بایران بخواهندمطرح میشود،اغلب نمایندگان‌مخالفت کرده ومخابرهٔ چنین‌تلگرافی‌را در حدود وظائف‌مجلس ندانستند وجمعی‌معتقد بودندچون‌جلسهٔ خصوصی‌رسمیت ندارد

۱ـ کودتای ۱۲۹۹ ج ۳ص ۳۵٤

۲ـ حیات یحیی ج٤ ص۳۷٤

خوب نیست مجلس چنین سوابقی رامعمول دارد[1] .

دردوره پنجم عده‌ای ازو کلاء از آنجمله مستوفی‌الممالك ومشیرالدوله ود کتر مصدق وتقی‌زاده وضیاءالملك فرمند جزء منفردین بوده‌اند .

« محمدحسن‌میرزا ولیعهدازشش‌تن منفردین که مشیرالدوله و مصدق‌السلطنه و تقی زاده و میرزا حسینخان علاء و یحیی دولت آبادی و مستوفی‌الممالك باشند بدربار دعوت میکند ، مشیرالدوله بیمار شد و نتوانست برود . ولیعهد از دادن فرماندهی کل‌قوا به سردارسپه‌اظهارنگرانی ومخالفت میکند . باومیگویندا گراین کارنشود سردارسپه خودرا برای‌مخالفت قانون اساسی حاضر کرده است[2] ».

از طرفی سردار سپه خود را با طرفداران در بار و مخالفین خودش ، خصوصاً مدرس، نزدیك نمود و این امر قدرت او را بیش از پیش تثبیت ساخت . روزنامهٔ حبل‌المتین گزارش میدهد :

درین هفته ، دوجلسه ملاقات‌آقای رئیس‌الوزراء بامدرس بعمل‌آمده ، جلسهٔ اول درمنزل آقا میرزا سید محمد بهبهانی ، ویك روزهم مدرس درمنزل‌آقای سردار سپه حضورپیدا کرده است وبطوریکه معلوم است ائتلافی فیمابین‌آقای رئیس‌الوزراء وآقای مدرّس برقرار شده ومناسبات نیکوتراست[3] .

این امرولیعهد راچنان عصبانی میکند که بعدها مرحوم دولت آبادی گوید: «خود ازولیعهد شنیدم میگفت چهل هزار تومان ماهیانهٔ یك ماه شاه را که در غیاب او گرفتم باروپا برای او بفرستم یك قلم به مدرس دادم که در راه حفظ تخت و تاج ماکاربکند، واز میان رفت ، حالا برادرم آن را ازمن مطالبه میکند[4]!»

مرگ هست و باز گشت نیست

شاه که ازموقعیت سردارسپه بیمناك شده بود ، در ۲۵ شهریور ۱۳۰۴ ازاروپا به رئیس‌الوزراء چنین تلگراف کرد :

---

۱ ـ حبل‌المتین شماره ۱۱ ، سال ۳۳

۲ ـ حیات یحیی ج ٤ ص ۳٤۰

۳ ـ حبل‌المتین ، شمارهٔ ۷ سال ۳۳

٤ ـ حیات یحیی ج ٤ ص ۳۷٤

«جناب اشرف رئیس‌الوزراء ، بعون‌الله تعالی دوم ماه اکتبر (۱۳ ربیع‌الاول) با کشتی تلنار از پاریس از راه بمبئی بایران حرکت می کنیم ، از مراجعت بوطن عزیز نهایت مسرت حاصل و خوشوقتیم که آن جناب اشرف را بزودی ملاقات خواهیم نمود »

شاه

وجالبتر از آن تلگراف سردارسپه بود که درجواب شاه بدین‌شرح مخابره شد :

«تلگراف مبارك که مبشر تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بود زیارت وحقیقةً باعث کمال مسرت گردید، استدعا دارم معلوم فرمایند موکب ملوکانه بکدام یك از بنادر سرحدی نزول اجلال خواهند فرمود!

رضا ، رئیس عالی کل قوا ورئیس الوزراء

حبل‌المتین درین باره مینویسد : درین تلگراف وجواب یك نکتهٔ بسیار لطیفی دیده میشود که از آن نکته پی به خیلی از مراتب میتوان برد و آن اینست که اعلیحضرت در تلگراف خطاب میکند: جناب اشرف رئیس الوزراء، درجواب امضاء شده است: رضا، رئیس عالی کل قوا [1] .

درهمین ایام ، یعنی دوروز بعد ازمخابرهٔ تلگراف ، ناگهان سر وصدای تازه‌ای در تهران پدید آمد و آن بلوای نان بود ، توضیح آنکه بعلت کمبود گندم و تنگی سال وضمناً تحریکات دربار ، در شهرنان کمیاب شد ومردم بسروصدا درآمدند .

صبح چهارشنبه ٤ ربیع‌الاولی ١٣٤٤ (اول‌مهرماه) بازارها تعطیل ویك اجتماع فوق‌العاده‌ای از مردم به مجلس شوری حمله برده میز و صندلی و جار و چراغ و . . . راشکستند ، آنروز مجلس تعطیل بود وو کلاء حاضر نبودند ، مشیرالدوله ، نظام‌الدوله و مدرس برای اقناع مردم به مجلس آمدند ، مشیرالدوله از ملت کتك‌خورده فرار می‌نماید . . . ازطرف دولت اقداماتی شد وعده‌ای دستگیر شدند ، درباریها که جزء محبوسین بوده اند اغلب آزاد شدند ، پیشخدمت خاصه ولیعهد هم پس‌از حبس گویا تبعید شده است .

---

۱ - حبل‌المتین سال ۳۳ شمارهٔ ٣٤

در جریان حملهٔ مردم به مجلس گویا مؤتمن‌الملك گفته بود: مجلس خانهٔ ملت‌است، در را بروی آنان باز کنید. همینکه دربازشد جمعیت‌داخل‌شده لدی‌الورود شروع میکنند به فحش دادن و کتک زدن ، چند نفر ازو کلاء ومستخدمین مجلس که در آن موقع بودند فرار کردند ، مشیرالدوله که موفق به فرار نشد مورد توهین واقع شده صدمه می بینید ، ... حتی نقل میکنند زنها برای تفریح ومسخره بجای وکلاء نشسته بازی مجلس ومذاکرات آنرا نمایش میدهند ! وعده‌ای بطرف سفارت روس حرکت کردند ، لکن‌قوای دولت ونظمیه آنهارا متفرق نمود[1].

بدینطریق صد ها نفر دستگیر شدند ، مشیرالدوله هم حق خود را از غوغای عام گرفت، وچه خوش گفته بود مرحوم بهار :

ازعوام است هرآن بد که رود براسلام — داد از دست عـوام
کار اسلام ز غوغای عوام است تمام — داد از دست عـوام

دل من خون شد در آرزوی فهم درست — ای جگرنوبت‌تست
جان بلب آمد و نشنید کسی‌جان کلام — داد از دست عـوام

بهوای نفسی جمله نماینـد قعـود — آه ازین قوم عنود
به طنین مگسی جمله نمایند قیـام — داد از دست عـوام

عاقل اربسمله خواند به هوایش‌نچمند — همچوغولان برمند
غول اگرقصد کند گرد شو ندازدروبام — داد از دست عـوام

پیش جهال ز دانش مسرائید سخن — پند گیرید ز مـن
که‌حرامست،حرامست،حرامست‌حرام — داد از دست عوام !



---

۱ ـ حبل‌المتین ، سال ۳۳ ، شمارهٔ ۳۵ و ۳۶

باری ، مشاعرهٔ تلگرافی شاه وسردارسپه این غوغارادرپی داشت وحبل‌المتین درهمان‌شماره خبرداد که «آمدن شاه گویا معوّق مانده»، اتفاقاً در اروپا هم یکی دو مرتبه ناصرالملك(نایب‌السلطنهٔسابق) بشاه گفته بودچرا بایران میروید، این‌همان سردار سپه است که نسبت به مشیرالدوله چنان توهین کرده است ، آقاخان محلاتی هم یك بار به شاه گفته بود صلاح نیست بایران برود[1] .

ناصرالملك و آقاخان خوب‌فهمیده بودند که رئیس‌الوزراء علاقه‌ای به ملاقات شاه‌ندارد . خصوصاً در برابر بعض‌تظاهرات که در شهرستان‌ها شده بود ، سردارسپه همان ایام این تلگراف رابه فرماندهان‌مخابره کرد :

« مسافرت شاه باروپا از بد و امر چون برای استعلاج مزاج و عادی بوده حالا هم که معاودت مینماید بروفق نظریهٔ من است و عادی شمرده خواهد شد . من موفقیت خودرا درمملکت مهمترازین میدانم که باین آمد و رفت ها وقع و اهمیتی داده ویاآن توهمات عادی بتواند درارکان آن رسوخی احداث نماید . بشماکه نمایندهٔ وزارت جنگ درآن حدود هستید گوشزد مینمایم تا سایرین هم بفهمند که این ایاب و ذهاب‌ها نتواند دست آویز دسیسه و آنتریکی برای مفسده جوبشود . چنانچه کسی بخواهد به تشبثات در مقام القاء ات و اعمال اغراض خصوصی خود برآید قدمی‌است که مجملاً برای امحاء خود برداشته است ، زیاده ازاین محتاج به تشریح نیست . »

ریاست عالی کل‌قوا و رئیس‌الوزراء

رضا

مخابرهٔ این تلگراف ظاهراً بعد ازشیوع اخباریست که بروایت حبل‌المتین : شاه بادربار به‌تکیهٔ خارجی دسیسه نموده که قبل از ورود به سرحد در تهران وسایر ایالات بر خلاف دولت بلوارا امتداد دهند، جمعی‌آخوند واشراف مجلس هم باآنها همراز بودند[2] .

---

۱ - کودتای ۱۲۹۹ ، ج ۲ ، ص ۳۶۸

۲ - حبل‌المتین شمارهٔ ۳۵ سال سی و سوم

در سیاست اقتضای وقت بین — مسلک پیغمبران را برگزین
زهر گردد پاد زهر ازاقتضا — خضروموسی را حکایت وانما
مولوی

واقع بینی مشیر الدوله

تلگرافات شهرستانها ، قدرت فرماندهان نظامی ، اقدامات تأمینی سردارسپه ، عیاشی‌ها وبی احتیاطی های شاه وتجربتی که مشیرالدوله از نحوه اعمال اوداشت ، ضعف ولیعهد و دوروئی یاران مجلسی که به نعل و میخ میزدند ، مشیرالدوله را در برابر مشکلی قرار داده بود . اگر او شاه قاجارراتأیید میکرد برای‌این بود که اصلی‌ازقانون‌اساسی پشتیبان‌این‌خاندان بود و اکنون کـه متوجه میشد دیگر آن اصول قدرت خـود را از دست داده است ، این طرفداری را در حکم « زورخوابیده زدن » میدانست . سردارسپه موقعیت خود را با یاران فداکار و وفادار نظامی کـه در ولایات داشت چنان مستحکم کـرده بود کـه موفقیت او در قبال همهٔ دسائس‌احمدشاه تضمین‌شده بود و بقول بیهقی « این پادشاه هرچندشب وشبگیر کرد ولیکن کارش بنرفت که تقدیر کرده بود ایزد، عزّ ذکره، که سلطنت‌رایگان ازدست وی برود»[1] .

مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك ، در برابر واقعیتی قرار گرفته بودند وآن این بود که سلطنتی و دودمانی ازهم پاشیده وخاندان وشاهزادگان غرق درفساد وتباهی منتهی متکی به‌قانون اساسی دریکطرف ، ومردی سپاهی و رشید ودلسوز وعلاقه‌مند به امنیت وآرامش و قوی درطرف دیگر ومملکتی درعین پریشانی دربرابر . علاوه برآن تجارب ومطالعات ، یعنی مرورحوادث تاریخ عالم وایران وهم شرکت بیست ساله درکش و قوسها و تحولات سیاسی مملکت ، این نکته را بر او ثابت کرده بود که تا رشدسیاسی‌وفرهنگی ملتی بآن‌حد نرسد که خود بتواند آزادی ودموکراسی خودرا حفظ کند ، بلطایف‌الحیل ونشست وبرخاستهای متظاهرانهٔ دیپلماتی ، امکان حفظ چنین‌آزادیی در پیش نیست ، و درین اوان براو مسلم بود که همچنانکه هزار سال پیش ازو بیهقی گفته بود : «این ناحیت جز بشمشیر و سیاست راست نایستد» .

---

۱ - تاریخ بیهقی ،ص ٦٦٥

علاوه بر این مجلسی مرکب از نمایندگان طرفدار سردار سپاه میبایست تکلیف سیاست مملکت راتعیین نمایدوبنابراین مقاومت یامخالفت چندتن نمایندگان منفرد وبیطرف ،کاری ازپیش نخواهدبرد .

یك روزقبل ازنهم آبان ۱۳۰۴ مستوفی‌الممالك باتلفون با منزل دکترمصدق تماس گرفت و گفت :

«در منزل سردارسپه مادهٔ واحده ای تهیه شده و نمایندگان را یك یك بآنجا برده اندکه آنرا امضاء نمایند ، آقای میرزا **حسین خان علاء** راهم که برده‌اند امتناع نمود و امضاء نکرده است ، دیشب هم که منزل مؤتمن‌الملك بودم و با آقای مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك درین‌باب مشورت کردیم که آیابا این‌وضع امروز به‌مجلس برویم یانه؟آقایان‌صلاح ندانستند که امروزدرمجلس حاضرشویم . دکتر مصدق گفته بود: به‌توپ‌چی وسربازسالها مواجب‌میدهند که یکروز بکاربیاید ، . . . اگر، امروزبمجلس‌نرویم بوظیفهٔ نمایندگی‌خود رفتارنکرده‌ایم، مستوفی الممالك رأی دکتر مصدق را پسندیده و موافق شدو بـه میرزا حسین خان علاء هم تلفون کردنـد و بمنزل ایشان آمده باتفاق بـه‌مجلس رفتند[1] » .

مجلس نهم آبان تشکیل شـد ونمایندگان طرفدار سردار سپه این طـرح را بمجلس دادند :

« ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بنـام سعادت ملت ، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی وقوانین موضوعهٔ مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند ، تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است کـه برای تغییر مواد ۲۶ و ۲۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود» .

درین جلسه تدین ریاست مجلس را بعهده گرفته بود مستوفی دو روز قبل از ریاست مجلس استعفا داده بـود ، دورهٔ مقننهٔ مجلس قرار بـود در ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ بپایان برسد . بهرحال این مادهٔ واحد به قید فوریت تقدیم شد ، مدرس ، تقی‌زاده ،

---

۱ - کودتای ۱۲۹۹ ، ج ۲ ص ۲۲۲

سید یعقوب ، علائی ، یاسائی ، دکتر مصدق ، داور ، دولت آبادی ، در باب آن موافق ومخالف صحبت کردند، باورقه رأی گرفته شد، به اکثریت ۸۰ رأی درمقابل ۵ رأی تصویب شد . دولت آبادی گوید : قرار میشود مدرس به مجلس بیاید که عدهٔ مخالفین بامؤتمن‌الملك ومشیرالدوله هشت نفر خواهد بود ، ولی مؤتمن‌الملك و مشیرالدوله آنروز را به مجلس نیامدند . مدرس نیز با سردار سپه‌موافقت کرده است باین شرط که مستوفی رئیس دولت باشد .

«هیئت رئیسهٔ مجلس بی‌فاصله بعد از تمام شدن‌مجلس لایحهٔ خود را بحضور والاحضرت [مقصود سردار سپه است] می برند ، سردار سپه به نایب رئیس مجلس در ازای خدمت شش هزارتومان انعام میدهد .

سپس ولیعهدرا صاحبمنصبی‌ازباغ گلستان‌خارج کرده دراتومبیل‌سفری نشانده ازسرحد عراق خارج مینمایند[1] . »

ملکهٔ جهان مادر احمدشاه از بمبئی خودرا به بغداد رساند وخواست ازعلمای کربلا ونجف‌برای پسرش کمکی بگیرد ولی‌نتیجه نداد ، او دربغداد با محمد حسن میرزاولیعهد همراه شده درمهمانخانهٔ کارلتن‌منزل کردند که بعدعازم اروپاشوند .

درماه بعد مجلس مؤسسان نیز تشکیل شد و نمایندگان آن بتهران آمدند. هنگام تشکیل مجلس مؤسسان ، چون عدهٔ نمایندگان زیاد بود لذا تکیهٔ دولت که سابقاًمحل‌عزاداری بود برای‌اینکاردرنظر گرفته‌شد، هنگام‌افتتاح ، روی‌سکوی‌مدوّر وسط مجلس‌مؤسسان‌راتخت‌زده‌بودند، روی‌تخت‌تمام‌علمای روحانی‌مرکز جاگرفته و در پای تخت طرف راست تمام نخست وزیران پیشین ، ولیخان سپهدار و شاهزاده عبدالحسین‌میرزافرمانفرما وسعدالدوله ومستوفی‌الممالك وحسن‌پیرنیامشیرالدوله، و طرف‌چپ هیئت وزیران‌ایستاده بودند ، باصدای‌شلیك توپ ورود سردارسپه خبرداده شد ، واو به جایگاه مخصوص رفته مجلس را افتتاح نمود ، در مدت نطق افتتاحیه شلیك توپ ادامه داشت ، سردار سپه بهمان طریق بازگشت نمود و مجلس مؤسسان

---

۱ ـ حیات یحیی ج٤ ص ۳۸۸ و ۳۸۳

خلع قاجاریه را اقدام داشت[1]. وچنین بود پایان سلطنت خاندانی، که یکصدوسی سال (از۱۲۰۹ قمری تا ۱۳۴۴ قمری) برایران حکومت راندند. بار دیگر تاریخ تکرار شد و همای سلطنت ازخاندانی برخاست و برسرخاندانی دیگر نشست و عبرتی بر عبرات گذشته افزود، ومن بنده نگارندهٔ این ترجمهٔ احوال را در باب تاریخ وتکرار آن وعبرت‌ها قصیدتی است که ابیاتی از آن درین مقام مناسبت را ثبت می‌افتد:

رسم دنیا جمله تکرار است اندر کارها | تاچه زاید عاقبت زین رسم و این تکرار ها
بس حوادث چشم مابیند که نو پندار دش | لیك چشم پیر دنیا دیده آن را بار ها
پایهٔ تاریخ را خشت وقایع کرده راست | وین بنای کهنه‌پی را منشیان معمار ها
برده بسیار از کف هوشنگها اورنگها | دیده بسیار از پس اقبال ها ادبار ها
سینهٔ او مخزن سرّ بقا و انحطاط | دامن او مضجع سالار ها سردار ها
نینواها بینوای قهر او بعد از غرور | بینوا ها قهرمانش از پس تیمار ها
ازفراز تخت بس‌مخدوم را برتخته کوفت | بس‌غلامان برکشید ازخاك و خدمتكارها
سینه‌ی پر آرزوی بس جوانان دیده است | بوسه گاه نیزه‌ها ، شمشیر ها ، سوفار ها
تا خبر آید ز میدان، نوعروسان‌را دوچشم | دیده بردر، سالها، بسیار، چون مسمار ها
خون پاکان است مبنای سطور این بیاض | جان پاکان‌است در مطوای‌این طومار ها

من ندانم راستی ماهیت تاریخ چیست ؟ | چیست حاصل زین‌همه تکرارها، تذکار ها
ثبت کوششهای مردان‌است در ارشاد خلق | یا ملاذ خونخواران و محرم جبار ها
این نه‌تاریخ‌است، اطلال حیات آدمی است | و اندران مدفون‌شده از خوب‌وبدبسیارها
از سیهکاری شگفتا طبع انسان بر نگشت | گرچه تا کاخ سفید آمد ز قعر غار ها
روزی ار ده ده‌به‌تیغ و تیردرخون‌می کشید | شهر شهر امروز می کوبد به آتشبار ها
قصهٔ هابیل‌و قابیل‌است‌وعهد گرگ‌ومیش | حاصل امضای پیمان ها در این طالار ها
بر فلك افراشت سرگر پیکر دیوار چین | ای بسا تن شد دفین در سینه‌ی دیوار ها
تارك‌اهرام فرعونان به کیوان سود ، لیك | بس عزیزان را که جان‌شد در سربیگارها
نادر هندند و آتیلای روم این فاتحان | گرگ خلق وکاروان خویش را سالارها

۱ـ تاریخ بیداری ایران ، مختاری ص ۲۴۷

طینت چنگیز را زاطلال نیشابور خوان
گرچه پیغمبرش خواند سنت تاتار ها

گر سیاست را هدف آسایش خلق است و بس
پس چه گوید مذهب واخلاق و این معیار ها؟

ور به اخلاق و به حکمت کارها گردد درست
کو، کجا شد حاصل این پندها، گفتارها؟

ور یکی باشد مآل این سه در فرجام ملك
چیست باری این تفرق ها و این پیکار ها؟

گر فلاطون و ارسطو از فضیلت دم زنند
پس سکندر کیست با آن کوشش و کردارها؟

ور نظام الملك خیر الظالمین باشد، کجاست[1]
رای بواسحاق ها اندر نظام کار ها ؟

ماجرای گرگ و میش ار نیست غوغای حیات
پس چه خواهند از بشر این گرگها، این هارها؟

گر وطن باید ببالد جز تنازع چاره چیست؟
ور بشر باید بماند، چیست این کشتار ها؟

نیست خوی آدمی گر ملك را خوانی عقیم
چیست تدبیر مدن، ور نیست برپا دارها ؟

گر سیاست بر سر دنیا گل عزت نزد
هم نکند از پای مردم دین یك از صد خارها

حاصل رنج حکیمان، ای اسف، کآخر نبود
جز به کام اهل استبداد و بی زنهار ها

در نجات عام شد بر دار بس خاص، ای شگفت
هم عوام آخر کشیدند آن طناب دار ها

هم به بند عام افتاد ای عجب گر عاقلی
خواست تا بر گیرد از دوش عوام افسارها

جان سپردند ای بسا آزادگان در حبس تار
زیر تیغ ناکسان با رنج و با آزارها

لب نبستند از حقیقت گر دهانشان دوختند
بر گزیدند از حمیت نارها بر عارها

اکثریت با عوام است و قوام کار ملك
کی رسد جز با نهیب و قهر خود مختارها

طرفة العینی جهان را خانهٔ احزان کند
فتنهٔ این پیرهن چاکان و یوسف خوارها

نبض عام افتاده در دست سیاست، وین طبیب
بی‌مروت، خلق را خواهد همی بیمارها

این مزاج خلق را هر کس بنشناسد درست
درد پای خر نمیدانند جز بیطارها !

نیك دانم من که اجناس دوپا را زین دو بیت
تلخ شد اوقات و کیك افتاد در شلوارها!

تا نگوئی بی‌سبب راندم من این تمثیل تلخ
چشم عبرت باز کن در کنه این اقرارها

در کدام اصطبل گوید خر، که هان ای خرسوار
این زمام من، بیا، بستان، بران، بردار، ها؟

وین عجب کاین چرخ اگر برمیل دانایان نگشت
هم نماند آخر به کام حرص دولتیارها

یك سر سالم نبردند این سیاسیون به گور
نیزه ها سر گرچه گرداندند در بازارها

هم سیاست این سیاست پیشگان را در گرفت
کشته شد هم مارگیر آخر به نیش مارها

گوسفندانند گوئی با خورش های لذیذ
لیك زیر تیغ تقدیر قضا پروارها

---

۱ ـ خیرالظلمة حسن ، قول ابو اسحق شیرازی در باب خواجه نظام‌الملك طوسی .

گر نگیری عبرت از تکرار تاریخ‌ای حکیم
چیست سود از اینهمه تکرار و این نشخوارها؟

گر «اتاترکی» مران بر کشتهٔ «عبدالحمید»
ور «لنینی» کن کلاه «نیکلائی» را رها

عارفی کو تا مآل زندگی را بنگرد
بگذرد زین نفع جوئی‌ها و استکبارها

وحدت است انجام هر امری و هر فرضیه‌ای
وای ازین آراء شتی، کثرت پندارها

هر عقیدت را نهایت سوی خوشبختی است راه
اختلاف لفظ با دید آورد دشوارها

ای خوش آن روزی که بینم جای میدان نبرد
رسته گلهای سمن، خروارها خروارها

مردمان دانا شوند و سایهٔ عـدل و امان
گسترد بر کوهها و دشت و دریابارها

دم زنند از یك هدف هم اهل ژاپن هم حبش
بگذرند از یك ممر هم ترك هم بلغارها

مرزهای فکر و خاك و وهم را برهم زنند
بسترند آئینهٔ دل را ازین زنگارها!

مجلس پنجم دوماه بعد یعنی در رجب ۱۳۴۴ (بهمن ۱۳۰۴) پایان یافت و دیگر اقدام مهمی در آن مدت انجام نگرفت. در انتخابات دورهٔ ششم، مشیرالدوله بریاست انجمن مرکزی تهران منصوب شد. جمعی از ملیون که با مشیرالدوله همکاری داشتند فقط در تهران انتخاب شدند.

مشیرالدوله درین ادوار نمایندگی مجلس را داشت:

دورهٔ دوم از گرگان (استرآباد)، دورهٔ سوم از طهران، دورهٔ چهارم از طهران، دورهٔ پنجم از طهران. در دورهٔ ششم (ذیحجه ۱۳۴۴ = ۱۳۰۵) هم مستوفی الممالك و مؤتمن الملك و مشیرالدوله انتخاب شدند و مردم منتظر بودند ببینند این سه نفر در قبول یا رد این انتخاب چه میکنند، در اطراف این موضوع دوسه روزی صحبت بسیار بود. بالاخره هر سه نفر نپذیرفتن این وکالت را بهرجا که باید بنویسند نوشتند و درباریان با سعی و کوشش بسیار که کردند نتوانستند آنها را ازاین اقدام بازدارند.[۱]

نتایجی از عمر سیاسی مشیرالدوله

بدینطریق زندگانی سیاسی حسن مشیرالدولهٔ پیرنیا که از ۱۳۱۷ قمری (زمان وزیر مختاری او در پطروگراد) تا ۱۳۴۵ قمری طول کشید و مجموعاً قریب بیست و هشت سال بود، پایان می‌پذیرد.

۱ــ حیات یحیی، ج۴، ص۴۰۵

چنانکه گفتیم این ایام ، متشنج‌ترین روزگار تاریخ معاصر ایران بوده است که در عین حال تحولی بنفع اکثریت و عامهٔ مردم در دستگاه حکومتی پدید آمد و همچنانکه گفتیم و اثبات آن را هم ازعهده برآمدیم ، همه‌جا این مرد بامردم همراه ویار بوده است . یك نظر اجمالی بر رفتار مشیرالدوله در لحظات حساس و یا به تعبیر دیگرمان « بزن گاههای تاریخ » این بیان ما را توجیه و تأیید میکند . مهمتر از همه آنکه نویسندگان و مورخین و رجال معاصر که در این دوران کتابهایی نوشته‌اند ، آنچنانکه گفتار آنانرا نقل کردیم ، همه یك دل و یك‌زبان از خدمات این مرد نام برده و از او تجلیل کرده‌اند و حال آنکه سایر رجال عصر مشروطیت ازنیش‌زبان اغلب آنان درامان نبوده‌اند .

شخصیت سیاسی مشیرالدوله را درسه‌کلمه میشود خلاصه کرد : توجه بعامه و اکثریت ، رعایت حفظ قوانین واصول تا آنجاکه مفید بحال جامعه باشد ، حفظ پرستیژ وکاراکتر شخصی خود .

درباب توجه او بعامه و اکثریت ، آنچه از خدمات او درمشروطه و مبارزهٔ با محمدعلیشاه و تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی وهمچنین مدرسهٔ نظام (که در زمان وزارت جنگ او صورت گرفت) گفته ایم ، کافی بنظر میرسد . او همه جا جنبهٔ ملیت و ناسیونالیستی خودرا حفظ میکرد و این نکته بارها درحیات سیاسی بضرر اوتمام شد وای ازآن دست نکشید .

حتی یکبار ، برای لغو قرارداد ۱۹۱۹ مسأله مراجعهٔ به آراء عمومی را برای اولین‌بارپیش کشید ، او هیچوقت رعایت قانون را برای کوفتن خلق دستاویز قرار نمیداد، حتی انحلال مجلس راهم گاهی درصلاح مملکت میدانست. درزمان جنگ اول واشغال همسایگان گفته بود : روسها و انگلیسها هیچیك پی باحوال روحیهٔ ایرانی نبرده ونمیدانند که این ملت یك عزت نفس وکبر و مناعت مخصوص دارد و برای جلب اوهیچ وسیله‌ای بهتراز مهربانی وملایمت نیست .

در باب انفصال یا انحلال مجلس مشیرالدوله‌می گفت ، مردم اشتباه میکنند که اساساً انفصال را اقدامی بر ضدّ مشروطیت تصور مینمایند ، بلکه این اقدام

نشانه‌ای از حاکمیت ملت است، یعنی وقتی مجلس عجز خود را از انجام وظایف بظهور میرساند ، دولت مراجعه به افکار عمومی میکند و عقیدهٔ انتخاب کنند گان را مجدداً در مسائل غامضه استعلام مینماید.[1]

او هرگز از یاد ایران غافل نبود ، خصوصاً در مواقع بحرانی همیشه خود را در خدمت مملکت می گذاشت .

هنگامی که روسها و انگلیسها (در جنگ اول) باشغال ایران پرداختند ، او با اینکه مصدر امر نبود ، معذالك دست بکار اقدام شد . آقای مورخ الدوله سپهر گوید:

جمعه ۲۹ شوال ۱۳۳۳ در عمارت ییلاقی رستم آباد مشیرالدوله را ملاقات کردم .

معزی الیه از ورود قشون روس بانزلی و تحریکات انگلیسها خیلی متوحش بود و گفت من سمت رسمی ندارم اما نمیتوانم در مقابل بدبختی مملکت ایستاده سکوت اختیار کنم ، اینست که میخواهم ابتدا ملاقاتی از وزیر مختار انگلیس نموده شاید بتوانم آنها را بیك « مودوس ویواندی »[2] یعنی ترتیب صلحجویانهٔ موقتی قانع کنم.[3]

او همیشه از آزادیخواهان حمایت میکرد و حتی در بحبوحهٔ قدرت محمدعلیشاه ازین کار دست بر نداشت ، مرحوم اقبال آشتیانی مینویسد :

دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله در ۱۳۲۵ ، که خود را در برابر ظلم و فشار محمد علیشاه پس از توقیف و ضبط املاکش ناتوان یافت ، بمساعدت مرحوم میرزا حسن‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجهٔ وقت با خانوادهٔ خویش وطن را ترك نمود.[4]

۱ـ ایران در جنگ بزرگ ص ۲۳۱
۲ـ همزیستی = Modus vivendi
۳ـ ایران درجنگ بزرگ ، ص ۲۰۵
۴ـ مجلهٔ یادگار ، سال ۳ شمارهٔ ۷: ۲۷

درست است که فداکاریهای ملیون و آزادیخواهان بنای مشروطه را گذاشت و اگر سخنرانی‌های **سید جمال الدین اصفهانی** و تقی‌زاده وغیر آن نبود، مردم بهیجان نمی‌آمدند، ولی ازطرفی رهبری این هیجانها آنهم از طرف شخصیتی که وابسته بدربار ومقام دولتی یعنی پسر صدراعظم بود، کاررا سالها نزدیکتر کرد و انقلاب را مدتها زودتر ازمعمول بنتیجه رساند. مشیرالدوله درآن روزها ساعتها وقت خود را صرف تدوین قانون اساسی میکرد. شاهد مثال گفتاری است در مجله یادگار:

روزپنجشنبه ۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۴ نظامنامهٔ اساسی (قانون اساسی) مورد بحث قرار گرفت و دراین جلسه که ۷ ساعت طول کشید، اصل ۸و۱۱و۱۳و۱۵و ۲۰و۲۱ و۲۸ و ۴۰ و ۴۱ و ۳۲ و ۴۷ در حضور مشیرالملك (مشیرالدوله) و حاج محتشم‌السلطنه ومؤیدالسلطنه نمایندگان تام‌الاختیار دولت حلاجی شد و نظامنامه باتمام رسید وبناشد پاکنویس شده بصحّه برسد، در۱۴ ذیقعده قسمت اول قانون اساسی در۵۱ اصل بامضای شاه وولیعهد رسید. درآن‌روز تمامی علماء و معاریف مجلس جمع شدند و تا در مجلس پیشواز ناصرالملك و مشیرالملك حاملین قانون اساسی رفتند وشادی فراوان کردند.[1]

مشیرالدوله در قرارداد ۱۹۰۷ کوشش داشت که از رهبران دولت روس و انگلستان تضمین نامه‌ای بگیرد که این قرار داد موجب دخالت در ایران نشود وگرچه نتایج آن بسیارنبود، ولی مذاکرات وزحمات او را درلندن وپطروگراد نباید ازنظر دورداشت. نیکلسن سفیرانگلستان درروسیه به سرادوارد گری مینویسد:

«امروز مشیرالملك برای دیدن من آمد، مشارالیه اظهار داشت که در سن‌پطرزبورك مذاکرات رضایت بخشی باموسیو ایزوالسکی نموده‌است ... او گفت تصوری وجود دارد مبنی براینکه انگلستان و روسیه ایران را بمناطق نفوذ تقسیم مینمایند. بوی گفتم این‌نظر صحیحی نمیباشد».[2]

۱ـ ورقی ازتاریخ مشروطه‌مجلهٔ یادگار ج۴، شمارهٔ۵: ۴۳

۲ـ اسنادمحرمانهٔ سیاسی ص۱۲۴

مشیرالدوله هنگامیکه در روسیه بود کوشش فراوان کرد که سفیر روس را در ایران (که بامشروطه‌خواهان عناد داشت و حتی رسماً بصدراعظم گفته بود که باید آزادیخواهان دست از سر امیربهادر و محمد علی‌شاه بردارند) تعویض نمایند ، این نکته را او با سفیرانگلستان در روسیه بمیان نهاده بود و نیکلسن جریان را بدین صورت به سرادوارد گری گزارش داده است :

(سن‌پطرزبورك ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷)

... مشیرالملك (مشیرالدوله) گفت من معتقدم سفیر جدیدی بجای «مسیو دو هارتویك» بایران اعزام شود ، زیرا مشارالیه منسوب بدستهٔ زینویف میباشد و با هر گونه نهضت آزادیخواهی مخالف است . . . میدانم که مسیو دوهارتویك قلباً با مجلس ملی مخالف و بوسیلهٔ موسیو شاپشال در روح شاه اعمال نفوذ بد و تأثر آوری نموده اعلیحضرت را وا داشته است که بنمایندگان ملت اعتنا و اعتمادی ننماید ...

مشیرالملك دریکی از اونیورسیته‌های روسیه تربیت‌شده ویکی ازز یرك‌ترین وباهوش‌ترین اشخاص است...

من تنها جوابی که بمشیرالملك دادم این بود که : اطمینان دارم هیچوقت شکایت ایران از روسیه مبنی بر علت صحیحی نخواهد بود بلکه ایران همیشه کوشش خواهد نمود که با همسایگان مقتدر خوددارای روابط حسنه باشد[1].

ا. نیکلسن

او دارای روحیهٔ ناسیونالیستی قوی بود و همین امر موجب شد که با وجود شهرت ومحبوبیتی که خیابانی داشت وهم با علاقه‌ای که مشیرالدوله به آزادیخواهی ابرازمیکرد، دربرابر تجزیهٔ آذربایجان مقاومت کند. چنانکه گفتیم دراین راه قدمی عقب نگذاشت با اینکه مورد طعن فراوان واقع شد . مرحوم کسروی بی طرف‌تر ازهر کسی نظرمشیرالدوله را درباب مسألهٔ آذربایجان وخیابانی توجیه کرده‌است و

۱ــ اسناد محرمانهٔ سیاسی ص ۱۸۵.

بهتر آنست که برای روشن کردن این قضیه عیناً گفتاراورا نقل کنیم. او گوید.

«پس از وثوق‌الدوله، مشیرالدوله «سروزیر»[1] گردید، خیابانی باو خوش گمان بود واز اوجز نیکی دربارهٔ خود امید نمی‌داشت. راستی هم مشیرالدوله با آن ترسناکی و باآن پروائی که به نیکنامی خود می‌داشت، جز نیك رفتاری با خیابانی نمی‌خواست و بی‌گمان به رنجش آزادیخواهان آذربایجان خرسندی نمی‌داد، لیکن درخواستهای خیابانی در خور پذیرفتن نمی‌بود، چنانکه گفته‌ایم خیابانی این می‌خواست که آذربایجان در دست اوباشد که «جداسرانه» فرمان راند وسپس که نیرومند گردید بسر تهران رفته آنجا را هم «اصلاح» کند، این می‌بود آرزوی خیابانی، ولی چون نمی‌توانست آنرا بزبان آورد بتهران می گفت «باید آزادی‌ستان را برسمیت بشناسید»، دولت آگهی می‌داد که برای آذربایجان والی فرستاده خواهد شد، خیابانی پاسخ می‌داد «به والی نیازی نیست، شما پول برای ما بفرستید!». پیدا است که این درخواستها درخورپذیرفتن نمی‌بود. اینها چیزهایی می‌بود که خیابانی بایستی بازور ونیرو بدست‌آورد و گرنه چشم پوشد.

ما از گفتگو هائی که میانهٔ خیابانی و کابینهٔ مشیرالدوله رفته آگاه نگردیده‌ایم. این‌اندازه می‌دانیم: خیابانی پا می‌فشرد که قیام همچنان برپاودست اودر آذربایجان گشاده باشد، ازآن‌سو مشیرالدوله‌در کارخوددرمانده‌چاره‌نمی‌دانست. سرانجام چنین نهاده شد که مخبرالسلطنه را که درآن کابینه از وزیران می‌بود بنام والی گری به‌آذربایجان فرستند، ... خیابانی باین نیز خرسندی نمی‌داد، این بود که‌ازمخبرالسلطنه به‌پیشواز وپذیرایی‌نپرداخت، ..، خیابانی‌می‌خواست دست اورا ببندد وبهیچ‌کارش آزاد نگذارد، ... سستی کارخیابانی بیش ازهمه ازرهگذربی‌ارجی پیرامونیانش می‌بود، ... در۲۸ ذیحجه، مخبرالسلطنه به قزاقخانه‌رفت، ... روز بعد دسته‌های قزاق از قزاقخانه درآمده روبشهر آوردند ... پیروان خیابانی اندك ایستادگی نشان دادند و باندك جنگی برخاستند ... خیابانی شب را بخانهٔ خود

---

۱ ــ مقصود همان رئیس‌الوزراء خودمانی است!

رفته بی‌باك و آسوده خوابیده بود . . . بامدادان هنگامی برخاست که قزاقان بشهر درآمده بودند وچون بیم گرفتاری میرفت بخانهٔ یکی از همسایگان رفته در آنجا نهان گردید ، ... قزاقان به نهانگاه اوپی‌برده چندتن به سرش رفته و اورا با چند تیر کشته جنازه‌اش را بروی نردبانی انداخته بیرون آوردند ، دراین باره سخن دو گونه است : مخبرالسلطنه می گفت قزاقان چون نزدیك شده‌اند خیابانی خودش‌را کشته ، . . . دیگران می گفتند خیابانی در زیر زمینی می‌بوده و تفنگی بدست می‌داشته ، قزاقان آن را دیده ازبیرون‌شلیك کرده‌خیابانی‌را ازپا انداخته‌اند،وهمانا این راست‌تر است ، ... بدینسان شادروان خیابانی کشته گردید ... می‌باید او را کشتهٔ آن نمایشهای روی کارانهٔ مردم و آن کف‌زدن‌ها و«زنده باد» گفتن‌های دروغی دانست . یك پستی فراموش نشدنی که در داستان خیابانی ازین دسته مردم نمایان گردیدآن بود که چنانکه درپای گفته‌های خیابانی کف زده بودند ، در گرداگرد جنازهٔ اونیز کف زدند و دژ رفتاری بسیار ازخودنشان دادند.[1] »

عقب نشینی مشیرالدوله درکابینه های خود خصوصاً هنگامی که باخشونت و یااحتمال توهین روبرو میشده است وفوراً استعفا میداده موجب شده بود که بعضی این شوخی رابکنند وبگویند: «اگردوخروس درسیستان بانگ بی‌موقع برآورند، مشیرالدوله استعفا میکند ومیگوید درغوغا وهنگامه نمیتوان حکومت کرد!».

اما نباید فراموش کنیم که همین مشیرالدوله بود کـه در برابر محمد علیشاه مقاومت کرد . خارجیان عموماً از روحیهٔ ملی و تعصب ناسیونالیستی او گفتگو میکنند : اوهر گز دربرابرخارجیان تسلیم نشد و هرجا کار به‌بن بست کشید عقب نشست و استعفا داد . حتی در بحبوبهٔ جنگ که سپاهیان روس پشت دروازه های تهران بودند بازازین مهم غافل نبود .

مورخ‌الدولهٔ سپهر گوید:(یکشنبه۱۸ آوریل۱۹۱۵)، مشیرالدوله‌رئیس‌الوزراء

۱ــ تاریخ هیجده سالهٔ آذربایجان ص ۸۹۶

اظهار داشت اخیراً روسها و انگلیسها شکایت کرده‌اند که اسلحه توسط سفیر آلمان بایران آمده‌است وتقاضای تفتیش اثاثیه اورا داشتند ، معذالك دولت زیربار نرفت .

هم چنانکه چندی بعد ، یعنی در ۵ شنبه ۹ ذیحجهٔ ۱۳۳۵ ، بعد از آنکه قزاقهای روسی سه نفرصاحب منصب اطریشی را با نمایندهٔ حکومت دامغان‌دستگیر نمودند ؛ مشیرالدوله وزیر جنگ ، رئیس بریکاد قزاق را احضار کرد و توضیح خواست که به حکم چه کسی مأمورین باین‌امر خلاف مبادرت ورزیده‌اند ؟ و فوری اوامر لازم دائر به آزادی صاحب منصبان مزبور صادر کرد[1].

اوباهمهٔ احترامی که بمقام‌سلطنت(به‌ملاحظهٔ قانون‌اساسی) داشت وبهمین‌علت احمدشاه درتمام مدت حکومت بحرانی خود به مشیرالدوله متوسل میشد ،معذالك هر گز از ابرازحقیقت واظهار نظر صریح خود درباب قضایای روز کوتاهی نمیکرد وهمین امرموجب جلب اطمینان عموم نسبت باو شده بود ، چنانکه میدانیم در تمام مدت زندگانی خود از طرف دوست و دشمن و مخالف و مؤالف مورد احترام بود ، بدنیست گفتگویی را که بین او واحمد شاه درباب یکی‌ازمسایل مبتلا به دولت پیش آمده نقل کنیم . آقای مورخ الدولهٔ سپهر که عضو عالیمقام سفارت آلمان درزمان جنگ بین‌المللی اول بوده‌است ، ودرآن ایام مرتباً بادربار ونخست وزیران ورجال عصر درآمد ورفت وتماس بود ، روزیکه از حضور شاه بازگشته و سپس نزد مشیر-الدوله رفته بود ، این گفتگو بمیان آمده بود (مسألهٔ لغو امتیازات بلژیکی‌ها در میان بوده است) :

(پنجشنبه ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۵ ، ۱۹ ذی‌قعدهٔ ۱۳۳۳) مشیرالدوله از من (مورخ الدوله) پرسید نظرشاه را در باب کابینهٔ مستوفی چگونه یافتید ؟ من گفتم اعلیحضرت‌بیش‌ازعموم رجال‌بشما معتقداست، فقط اظهارداشت[شاه] که مشیرالدوله زیاده از اندازه جنبهٔ ملی دارد و بمجلس بیشتر ازمن اهمیت میدید.

مشیرالدوله میگفت :«چون قانون اساسی تمام اختیارات را بمجلس داده ،

---

۱ - ایران درجنگ بزرگ ص ٤٨٦ و ص ١٦١

وزراء مجبورند موافق نظریات پارلمان رفتار کنند ، چنانکه یك‌روز در حضور شاه گفتگو ازفسخ قانون ۲۳ جوزا (قانون‌اختیارات میسیون بلژیکی درباب گمرکات) بمیان آمد ، اعلیحضرت ازمن [مشیرالدوله] استعلام نمود عقیدهٔ شما درباب قانون مزبورچیست ؟ جواب دادم بعضی نواقص دارد ولی چون مجلس رأی داده چاره نیست.شاه گفت من که هنوز امضاء نکرده‌ام، پاسخ دادم بااینکه امضاء نفرموده‌اید، چون مطابق قانون اساسی حق «وتو» ندارید البته‌امضاء خواهید فرمود !

لابد این بیانات بطبع شاه گران آمده ، لکن من مکلّف بودم حقیقت را بگویم .»[۱]

و این گفتگوبین شاه و صدراعظم مملکتی انجام میگیرد که رجال سیاستش‌را دربرابر اصحاب قدرت، سالهای سال این‌بیت‌شعرسرلوحهٔ اعمال بوده‌است :

که گر خود روز را گوید شبست این

بباید گفت ، آنك ، ماه و پروین !

در زمان سلطنت پهلوی نیز که همهٔ رجال زبان درکام کشیده و زبان بریده بکنجی«صم بکم» نشسته‌بودند، بازهم او گاهی‌از ابراز واقعیت‌ها خودداری‌نمیکرد:

« بعضی‌ازآزادی طلبان مشیرالدوله را وادار کردند برخلاف بی‌اعتنایی او بدربارو اصول‌سیاه مطلق‌العنانی ، وزیردربار [تیمورتاش]را یادآور شود درانتخابات کمتر دخالت کنند ، مشیرالدوله با وزیر دربار ملاقات رسمی بعمل آورد ، وزیر با تمام احتراماتی که ظاهراً به‌فقید مزبور نمود ، تصریح کرد که انتخابات را آزاد نخواهد گذاشت . درموقعیکه مشیرالدوله دربار را ترك می‌نمود بوزیر دربار گفت : شما مملکت را به‌قهقرا سیر میدهید ، نه‌تنها به ملت و آزادی لطمه میزنید ، بلکه بخودتان و ارباب خود هم خیانت میکنید »[۲]

۱ـ ایران‌درجنگ بزرگ‌ص ۲۱٤

۲ـ عباس اسکندری ، کتاب آرزو ص ۳۳

اقتصاد نایینی

پدرمشیرالدوله، میرزا نصرالله‌خان روزی که از نایین بتهران میآمد بقول سعدی استطاعت پای‌پوشی نداشت! [1] اما اقتصاد خانوادگی او موجب شد که ثروتی زیاد بدست آورد تا بدانجا که بقول ناظم‌الاسلام کرمانی :

میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله از روزی که پا بدایرهٔ نوکری گذارد، درماه اول مواجب او پانزده قران بود که هرقرانی یك مثقال نقره است و ازین رتبه سال بسال رو به‌ترقی نهاد تابمقام وزارت‌خارجه رسید والبته چنین‌شخصی که ازاین‌رتبهٔ‌نازل باین‌مقام‌رسداگرپولی‌تحصیل کند، قدرپول‌را بخوبی‌میداند وخرج‌بیهوده نمی کند.

املاك مشیرالدوله هم چون متفرق بود و مهمانی شایانی نمیکرد و لذا کسی مطلع برتمول ومکنت مشیرالدوله نگردید.

عین‌الدوله هم که بر مصدر صدارت نشست بملاحظهٔ اینکه مشیرالدوله در کارهای علی‌اصغرخان اتابك دخالت داشته و ازامورات دولتی با اطلاع است، لذا مشیرالدوله را که وزیر امور خارجه بود با خود در مشاورت داخل نمود و در امور پولتیکی ازاو استعلام و استفسار مینمود ودر امور وزارت خارجه هم، بهمین جهت احتیاج بمشیرالدوله، تصرفی نمیکرد، نه‌چیزی میداد ونه میگرفت.

مشیرالدوله هم بهمین قدرقناعت داشت، و از عین‌الدوله کوچکی مینمود تا اینکه درچند ماه قبل (پیش ازشعبان ۱۳۲۴) ارفع‌الدوله سفیر کبیر ایران را از اسلامبول خواستند، ارفع الدوله در پارك عین‌الدوله منزل کرد، چون لابدّ بود

۱ـ روزی که میرزا نصرالله، از نایین بقصد تهران حرکت کرد، بهمراه قافله‌ای باپای‌پیاده بود، قافله‌ازطریق اردستان میگذشت، میرزا نصرالله مردی محترم ولی تهی دست بود، یك‌عبای نازك تابستانی نایینی داشت وبا آنکه هوا سرد بود، همین‌عبا اورا تنها بالاپوش حساب میشد. هنگامی که به قریهٔ زورگند (جوگند) چهار فرسنگی اردستان رسید، حاجی جعفر جوگندی که ازاشخاص بزرگوار این قریه بود، با مشاهدهٔ وضع این مسافر، وسایل اورا فراهم ساخت ومرکبی باوسپرد، موکب صدرالعظم آیندهٔ ایران با این مقدمات به تهران رسید!

(تقریر آقای سرتیپ احسانی‌طباطبائی‌اردستانی)

پولی تقدیم شاه و اتابك نماید لذا مدّعی وزارت خارجه گردید و گفت صد هزار تومان میدهم که وزیرامورخارجه بشوم .

عین‌الدوله محض دوستی با مشیرالدوله برای مشیرالدوله پیغام داد که ارفع الدوله صد هزار تومان تقدیم میکند برای گرفتن وزارت خارجه ، شما چه میگوئید ؟

مشیرالدوله که شخص عاقل باتدبیروزرنگی بود گفت: درصورتی که ارفع الدوله صدهزارتومان بدهد اومقدّم است ، باو واگذار نمائید.

مشیرالملك (حسن پیرنیا مشیرالدولهٔ بعد) و مؤتمن‌الملك پسر های مشیرالدوله بپدر گفتند اگر ارفع‌الدوله وزیرامورخارجه گردد کارما خراب خواهد شد واگر دراین‌مقام پولی مایه گذاریم ، نصف آنرا ازخود ارفع‌الدوله درمیآوریم و نصف دیگررا از محل های دیگر .

باری اصرار و ابرام و الحاح پسرها باعث شد که مشیرالدوله راضی شد که هشتادهزارتومان بدهد ووزیرامورخارجه خودش باشد .

عین‌الدوله دید که هشتاد هزارتومان مشیرالدوله بهتراست ازصد هزارتومان ارفع‌الدوله ، چه‌هم مشیرالدوله را دارد وهم بیست‌هزارتومان دیگر از ارفع‌الدوله درمیآید .

لذا شب ، مشیرالملك ومؤتمن‌الملك پسرهای مشیرالدوله را خواست‌و گفت من برای پول ، مثل مشیرالدوله شخصی را مکدّر نمی کنم ، هشتادهزارتومان را بدهید که تقدیم اعلیحضرت نمایم وارفع‌الدوله را همچون برمن وارد شده است و شاه را با او میل است ، خوب است بهمان مأموریت سابق برقرارداریم . بالاخره در همان مجلس ، مشیرالملك حوالهٔ هشتاد هزار تومان بطومانیانس[1] تاجر نمود ، حواله را نوشت و داد بعین‌الدوله و از آنجا بیرون آمد و مراتب را بپدربزرگوار

۱- برادران‌طومانیانس ازتجاردرجهٔ اول باکو بودندوتجارتخانه‌ای درباکووشعبه‌ای درتهران داشتند که درحکم یك بانك اختصاصی بشمارمیرفت .

خودشان گفتند .

مشیرالدوله گفت : عین‌الدوله گمان این قدر پول برای ما نداشت ، حالا که دید باین آسانی و سهلی هشتاد هزار تومان گرفت ، فردا بهانهٔ دیگر خواهد گرفت وبرفرض ازمن احترام وملاحظه کند ، بعدازمردن من‌دیگرشما صاحب یك شاهی نخواهید بود و این مالیه را که باصد هزارخون جگردرین مدت متمادی برای‌شما ذخیره گذارده‌ام باندك زمانی از شما خواهند گرفت ، چنانچه در مورد دیگران دیدیم و دانستید .[1]

مشیرالدوله حسن خان نیز مانند پدر مرد اقتصاد و حسابدان بود ، مخارج بیهوده نداشت ، آلودگی‌ها وهرزه‌دری‌های رجال دیگردرخود وخاندان او نبود ، وبهمین سبب درزندگی اقتصادی نیزتوفیق تمام داشت.

حسن پیرنیا ، موفقیت اقتصادی خودرا درزندگی تا حدی نیز مدیون همسر خود میباشد ، او با دختر مرحوم **علاءالدوله** قاجار[2] که از طرفی نوهٔ مرحوم **امیرنظام** گروسی و از طرف دیگر نوهٔ **عضدالملك** شیخ قاجار بود ، درست شصت و دوسال قبل یعنی در سال ۱۳۲۰ قمری ازدواج کرد . و بهمین‌علت بود که هنگامی که در باغشاه مشیرالدوله را گرفتار کردند ، عضدالملك نزد محمدعلیشاه رفت‌و گفت مشیرالدوله داماد من است ، ودستور آزادی اورا گرفت.

همسرمشیرالدوله ــ که سال‌قبل (۱۳۴۰شمسی) فوت کرد ــ از زنان مدیره و

۱ــ ناظم‌الاسلام ، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۵۵۱

۲ ــ علاءالدولهٔ قاجار (میرزا احمد خان) از اعاظم دربار ناصرالدین شاه بود وسختگیرودیکتاتور مآب ، درنهم ذیحجهٔ ۱۳۲۹ درموقع انقلاب طهران هنگام اولتیماتوم روسیه در باب اخراج مستر شوستر امریکائی ، نزدیك سفارت روس با چند تیر ناشناس مقتول گردید . (رجال صدر مشروطیت ، یغما ، ۵ : ۳۶۵) ، پسری ازوماند جان محمد خان‌نام که افسر ارتش بود و همه وقت بامرحوم مشیرالدوله از هرجهت اختلاف نظر و اختلاف عقیده و رویه داشت .

ومدبّره بود ، امور زندگی مالی و اقتصادی شوهرخود را به‌بهترین صورتی اداره میکرد ، آنقدر پیش بین اقتصاد خانواده بود که واقعاً مورث تعجب است ، در عین اینکه درخاندان او نان‌خوروفراوان بود ، ولی حساب‌ها بسیاردقیق بود . وقتیکه مجلس شورای‌ملی اقدام بتأسیس بانك کرد ، دو نفرصد هزارتومان بتنهائی دادند وآن ظل‌السلطان بود که هفتاد هزار تومان و مشیرالدوله (حسن‌خان) که سی‌هزار تومان تعهد کردند[1] .

با همهٔ اینها امور اقتصادی خانواده بسیار دقیق و حساب بدینار و بخشش بخرواربود ، بطوریکه وقتی همسرمشیرالدوله دکان نانوائی برابر منزل خود را خواست اجاره دهد (بعضی مستغلات اطراف خیابان منوچهری متعلق بمرحوم پیرنیا بوده‌است) چون درین حدود کسی جوازنانوائی نداشت‌وسخت مورد احتیاج مردم بود ، خانم مشیرالدوله دکان جلوی خانهٔ خود را به یك نانوا واگذار کرد به دوشرط : ۱ـ ماهیانه صد تومان اجاره ، ۲ـ هر مقدار مصرف نان یومیهٔ خانوادهٔ پرنیا باشد تا وقتی که این دکان در دست مستأجراست، نان را روزانه بقراردانه‌ای سی‌شاهی باید باین خانواده بفروشد ! حالا قیمت نـان هرچه‌باشد ومصرف‌خانواده هرمقدار اضافه شود این قرارداد بجای خود باقی است، وهنوزهم خانوادهٔ‌پیرنیا کم وبیش ازاین‌قرارداد استفاده میکنند!!

با این حسابهای دقیق‌خوب‌معلوم می‌شود که چطورثروت مشیرالدولهٔ‌بزرگ بدست‌آمد و ثروت فرزند بجای خود ماند و مثل اتابکها وعین‌الدوله‌ها از میان نرفت ، والاّ پارك سفارت روس هم متعلق به‌اتابك بـود ، و به ثمن بخس از چنگ اولادش بدر رفت ، وهم اینجاست که گفته‌اند «هرمرد بزرگ، زنی بزرگترازخود دارد ! »

۱ــ خطابهٔ آقای تقی‌زاده در باشگاه مهرگان ، ص۱۰۳

عاقل بچنین روزگاری گیرد   وزدامن عافیت‌حصاری گیرد
جام‌می‌وزلف غمگساری گیرد   تا عالم‌شوریده قراری گیرد

گوشه‌گیری و خانه‌نشینی

استعفای مشیرالدوله از نمایندگی مجلس، نمایندهٔ این بود که دیگر این مرد حوصله و علاقهٔ همکاری با دستگاه مدیره و مدبّره مملکت را ندارد، سوابق امر خود نشان میداد که اولیای امر نیز مایل بچنین همکاری نبوده‌اند و گرچه «پادشاهان به‌صحبت خردمندان محتاج ترند که خردمندان بتقرب پادشاهان»[1] امابهر حال مشیرالدوله که نزدیك بیست سال به «زهرشکرآلود سیاست»[2] لب‌آلوده بود، و نتیجهٔ آن‌را میدید «باشارهٔ پیرخرد، زاویهٔ وحدت گرفت و از دریچهٔ اعتبار، نظارهٔ روزگار رسن‌بازمیکرد»[3].

اگر بگوئیم این گوشه گیری و گوشه‌نشینی برای تاریخ مملکت بسیار مفید واقع شد، سخنی بیجا نگفته‌ایم، چه‌مسلم بود که اگر مشیرالدوله در کارهای سیاسی باقی می‌ماند، دیگر عضوی مؤثر و مفید شاید نبود، ولی این گوشه‌نشینی توفیقی اجباری برای او فراهم آورد تا بتواند به‌کارهای علمی و تحقیقی خود بپردازدو از ظاهر بمعنی روی‌آورد. مرگ سیاسی او حیات وزندگی معنوی در پی‌داشت:

مُردم از حیوانی وآدم شدم   پس‌چه‌ترسم کی‌زمردن کم‌شدم؟

مشیرالدوله در۱۳۱۹قمری، یعنی‌در اوان عمر وصباوت، **حقوق بین‌المللی** را تألیف و چاپ کرد که مخصوص محصلین مدرسهٔ علوم سیاسی بود و از آن تاریخ دیگراثری بوجود نیاورده بود.

ازبعد ازسال ۱۳۰٤ شمسی که دیگر فرصت دخالت در امورسیاسی را نیافت، شروع بتألیف کتاب معروف دیگری بنام «**ایران‌باستانی**» نمود، این کتاب بسال ۱۳۰٦ چاپ شد.

۱ـ سعدی، گلستان.
۲ـ تعبیر استاد بدیع الزمان فروزانفر
۳ـ عقدالعلی، افضل کرمانی

ایران باستانی در ۵۶۲ صفحه تنظیم شده است، مرحوم مشیرالدوله در مقدمهٔ این کتاب، فلسفهٔ خودرا از نظر تاریخ نویسی چنین بیان میکند:

«مقصود از تألیف این کتاب نمایاندن ایران قدیم است چنانکه بود... تقریباً نصف کتاب بنمایاندن تمدن ایران قدیم یا بمقایسهٔ دوره‌ها با یکدیگر ویا بمطالبی که با تاریخ محض ارتباط مستقیمی ندارد تخصیص یافته، جهت اختیار این اسلوب اینست که از نیم‌قرن باین‌طرف درمیان علماء علم تاریخ این عقیده قوت گرفته که ذکر وقایع تاریخی و شمردن نام سلاطین و رجال بتنهائی برای فهم گذشته‌های مملکتی و علم باحوال روحی مردمان آن کافی نیست، بلکه برای شناختن ملتی، اوضاع مدنی اورا باید دانست... بعضی از مصنّفین باندازه‌ای باین موضوع اهمیت داده‌اند که در کتب راجعه بتاریخ، ذکر بعضی از این نوع اطلاعات را برذکر وقایع و نام پادشاهان و رجال، یعنی قسمت تاریخ محض را برقسمت تمدنی، مقدم داشته‌اند... نگارنده لازم میداند که‌مراتب حق‌شناسی خودرانسبت بآقای سید حسن **تقی‌زاده** که مساعدت های ذی قیمت باو نموده‌اند اظهار بدارد، کمکهای ایشان در یافتن ورسانیدن مدارکی که نگارنده بآنها دسترسی نداشت‌وتحصیل آنها ازجاهای لازم مستلزم انتظار طولانی بود برای او گرانبها بود و موجب تشکرات صمیمی اوست، و نیز ازآقای پروفسور ارنست **هرتسفلد** که ازاظهار نظر صائب راجع به‌آثارمدها و نقشهٔ دولت هخامنشی دریغ ننموده‌اند تشکر می‌نمایم.

طهران رمضان ۱۳۴۶ مطابق اسفند ارمذ ۱۳۰۶، حسن‌پیرنیا.»

این کتاب شامل وقایع ایران درعهد عیلام، بابل، آسور، ماد، هخامنشی، سلوکی، پارت، ساسانی، و مخصوصاً شامل مباحث مهمی از اوضاع اجتماعی ایران درادوران اخیراست وشامل نقشه‌ها وتصاویرمهمی نیزهست.

پس‌ازچاپ این کتاب، مرحوم پیرنیا متوجه شد که داستانهای قدیم تاریخی و حماسی و ملی ایران که خوددارای جنبه‌های تاریخی نیزهست در ایران باستانی از نظرافتاده است و از این جهت تنظیم و چاپ کتاب **«داستانهای ایران‌قدیم»** آنرا

جبران کرد . این کتاب که درامرداد ۱۳۰۷ شمسی در ۱۶۷ صفحه بچاپ رسید در حقیقت متمم کتاب ایران باستانی محسوب میشود . آنطور که مؤلف در مقدمه آن گوید: « حاوی خطوط برجستهٔ داستانهای ایران قدیم است با ذکر مدارك و نتیجهٔ سنجش آنها بضمیمهٔ استنباطاتی که راجع بقرون قبل از تاریخ آریانهای ایرانی میتوان نمود.» درفصول این کتاب مطالبی درباب پیشدادیان ، سلسلهٔ کیان ، اسکندر ، اشکانیان ، ساسانیان ، دیده میشود. در فصول آخر کتاب سنجش داستانها وهمچنین ترکیب ومعانی اسامی قهرمانان افسانه های ایرانی آورده شده که بسیار ذیقیمت و دقیق است .

درهمین سالها مرحوم مشیرالدوله بسمت عضویت کمیسیون معارف برگزیده شد ، این کمیسیون وظیفه داشت علاوه برنظارت بر کتب درسی و معارفی ، وسایل ترجمه وچاپ وانتشار کتب مهم وتألیفات برجستهٔ زمان را نیز فراهم کند وحقیقت را باید گفت که درین امر نیز بخوبی توفیق یافت و کتبی که بتوجه و دستور این کمیسیون چاپ شده است امروز ازامّهات کتب فارسی است که بسیاری از آن بچندبار تجدید چاپ شده است .

اعضای اولیهٔ کمیسیون معارف بترتیب حروف تهجی عبارت بوده انداز:

سلیمان میرزا اسکندری

میرزا احمدخان بدر (نصیرالدوله)

میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله)

میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك)

میرزا سید محمدخان تدین

حاج میرزا یحیی دولت آبادی

میرزا محمودخان علامیر(احتشام السلطنه)

دکتر محمدخان مصدق (مصدق السلطنه)

میرزا اسمعیلخان مرتضائی (ممتازالملك)

حاج مهدیقلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه)

بعداً این عده نیز به کمسیون اضافه شده یاجانشین بعضی اعضای سابق شدند:

میرزا یوسف خان اعتصامی (اعتصام‌الملك)

میرزا سید حسن خان تقی‌زاده

میرزا ابراهیم خان حکیمی

میرزا احمدخان سعیدی

ارباب کیخسرو شاهرخ

کمسیون معارف، پس از انتشار ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم ، از مرحوم پیرنیا درخواست کرد که خلاصه‌ای از کتاب ایران باستانی را برای تدریس در مدارس متوسطه در اختیار وزارت معارف قرار دهد ، مرحوم پیرنیا بدین کار رضا داد و کتاب مذکور خلاصه شده و تحت عنوان «**ایران قدیم**» در سال ۱۳۰۸ به چاپ رسید و بعداً تاتیرماه ۱۳۱۰ دوبارتجدیدچاپ شد ، این کتاب در۲۴۱صفحه تنظیم‌شده و شامل مختصری از تاریخ عیلام ، بابل ،آسور ، ماد ، هخامنشی ، اسکندروسلوکیها پارتی‌ها ، ساسانیان ، و هم چنین قسمت مهم تمدّن ایران است و گر چه از حدود قدرت محصلین مدارس متوسطه افزون ترمینمود ولی بهرحال تألیفی نفیس بود .

تألیف ایران باستان

مرحوم پیرنیا بعد از انتشار دو کتاب اول خود بفکر تنظیم تاریخ‌مهم ایران باستان افتاد ، نا گفته نباید گذاشت که در اوایل سلطنت پهلوی براثر توجهی که به معارف وتاریخ ایران بعمل آمد وباتقویتی که ازروحیهٔ ملی وناسیونالیستی درایران‌میشد وهم بافراغ خاطری که دراثر تدابیر معارف برای فضلاء ودانشمندان پیش آمده بود ، فکرتنظیم یك دورهٔ تاریخ مفصل وعظیم‌ایران‌در کمیسیونهای‌معارف ومجامع فرهنگی قوت گرفت و عده‌ای بدین‌مهم توجه پیدانمودند . مرحوم اقبال آشتیانی کیفیت‌شروع‌این نهضت راچنین میگوید :

« شش سال قبل (۱۳۰۶) موقعیکه نگارنده در پاریس بودم و حسن اتفاق مصاحبت ذی قیمت بزرگان عالیقدری را که همه برمن سمت استادی داشته ودارند

یعنی حضرت علامهٔ مفضال آقای میرزا **محمدخان قزوینی** وحضرت مستطاب اشرف آقای ذکاءالملک **فروغی** و حضرت استادی آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی نصیبم بود ، غالباً گفتگوی این موضوع در میان بود که باتفاق یکدیگر بسبك تواریخی که درفرنگستان بهمکاری فضلاء فراهم شده است تاریخ عمومی جهت ایران تهیه کنیم وچندین جلسه اوقات ماصرف ترتیب نقشهٔ این کار واختیار روش وترتیب وسایل و مقدّمات آن شد ، ولی بدبختانه فراهم نداشتن سرمایهٔ مادی و مأموریت یافتن حضرت آقای ذکاءالملک به سفارت کبرای ترکیه و مراجعت برادر معظم ایشان بایران مانع صورت یافتن این نقشه گردید ودرهمین اثنابود که دوجلد کتاب نفیس ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم تألیف حضرت مستطاب اشرف آقای میرزا **حسن خان مشیرالدوله** پیرنیا انتشار یافت و موجب کمال خرسندی گردید که اولین قدم درین مرحله از جانب معظم له بانهایت دقت و احتیاط و رعایت طرز کار اروپائی واستفاده از جمیع منابع موجوده برداشته شد وبرای کسانی که بعدها بخواهند این مرحله رابه پیمایند راه روشن گردید .

مقارن بر گشتن نگارنده به‌تهران (۱۳۰۷) وزارت جلیلهٔ معارف نیز برای رفع احتیاج مدارس دست بکارتألیف یك سلسله کتب درسی زد وجناب مستطاب‌اجل آقای اعتماد الدولهٔ **قراگوزلو** وزیر معارف وقت نیز درین موضوع جدّی تمام داشتند و مقرر گردید که سلسلهٔ تاریخ ایران از ابتدا تامشروطیت به ترتیب ذیل فراهم شود :

ازابتدا تاصدراسلام بقلم حضرت آقای پیرنیا،

از اسلام تااستیلای مغول بقلم‌حضرت آقای تقی زاده ،

واز استیلای‌مغول تااعلان مشروطیت بتوسط این ضعیف [عباس اقبال]

آقای پیرنیا به ذوق شخصی اوقات گرانمایهٔ خود را صرف انجام این منظور مقدس کرده وعلاوه بردوجلد ایران باستانی وداستانهای ایران قدیم ویك‌جلددرسی خلاصهٔ دوجلد فوق ، تاکنون [۱۳۱۲] دومجلد کبیرازابتدای تاریخ ایران تااوایل

صدوسی

دورهٔ اشکانی را فراهم وطبع نموده اند وبقیهٔ تاریخ ایران راهم تا ظهور اسلام در دو مجلّد دیگر در دست تألیف وطبع دارند.

کسانی که این دو مجلد حاضر رادیده و مطالعه کرده اند می‌دانند که مؤلف محترم تا چه اندازه درین راه زحمت کشیده و چه خدمتی ذیقیمت به‌هموطنان خود کرده اند ، همینکه دو جلد دیگر این کتاب گرانبها نیز ازطبع خارج شود افق جدیدی‌پیش مردم این عصر، که از گزارش احوال‌نیاکان خود عموماً وایران باستان، خصوصاً آنهم‌بشکل مطالعهٔ علمی‌بکلی بی‌خبر ند، گشوده خواهد شد وازقراءت وسیر در احوال اجداد با افتخار خود به مآثر گذشتهٔ قوم ایرانی که همه وقت در دنیای قدیم صاحب نام ونشان وهمدوش ملل عظیم‌الشأن بوده‌اند پی‌خواهند برد وبغرض‌ورزی مورّخین دشمن در باب تحقیر مقام ایرانیان قدیم و مغرضین بی‌خبر عصر جدید که درین کتاب بخوبی پرده از روی کار ایشان برداشته شده است آگاهی خواهند یافت ، باشد که غرور ملی باردیگر درهموطنان معاصرما شعله زند وخرمن سستی وتن پروری را در وجود ایشان سوخته آنان رابه اقتدا به اجداد با عظمت خود وادارد[۱].

اشتغال مرحوم مشیرالدوله بتدوین ایران باستان‌تا پایان عمر طول کشید ، آن مرحوم را علاقهٔ بتاریخ ایران بدین کار خطیر گماشت و روزها گاهی تا ۱۴ ساعت‌وقت خود را صرف ترجمه و تنظیم مطالب کتاب و تصحیح و مطابقهٔ‌آخرین نمونه‌های چاپخانه‌میکرد .

چنانکه برخوانندگان پوشیده نیست منابع این کتاب عموماً خارجی بوده است ، بدین معنی که منابع اصلی آن یا یونانی بوده است و یا رومی ، و سپس این کتب به‌زبانهای فرانسوی و انگلیسی وروسی و آلمانی و غیر آن ترجمه شده بود.مرحوم پیرنیا ترجمه‌های مهم منابع اصلی کتاب‌راازخارج بدست‌آورد وشروع به ترجمهٔ آن نمود . خود به زبان روسی وفرانسه تسلط‌کامل داشت . انگلیسی را

۱ـ مقدمهٔ تاریخ مغول بقلم عباس اقبال‌ص ۱۸

نیز میدانست . دراواخرعمر ، ازجهت‌احتیاجی که بآثار دانشمندان آلمانی داشت ناچار شد زبان آلمانی را فرا گیرد و مثل یك دانش آموز دبیرستانی ساعتها اوقات فراغت خودرا صرف فرا گرفتن این زبان کرد[1] وزبان آلمانی‌رابکمك فرزند خود داود پیرنیا و معلمین دیگر آموخت . البته بزبان عربی نیز مسلط بود و بالنتیجه قسمت‌عمدهٔ منابع‌تاریخ راشخصاًموردداستفاده‌قرارمیداد[2]. علاوه بر آن ، مشیرالدوله

---

۱ ـ تقریراستاد سعید نفیسی

۲ـ آقای مهدی **اکباتانی** رئیس فعلی ادارهٔ بازرسی مجلس شورای ملی که در آن زمان از طرف مرحوم موتمن‌الملك جهت تصحیح کتب فوق به مرحوم مشیرالدوله معرفی شده بودند کیفیت چاپ کتب مذکور را بدینطریق به نگارندهٔ این سطور مرقوم داشته‌اند:

«... ابتدا قریب ۵ هزارصفحه از کتاب ایران باستانی (هرصفحه هشت‌سطروباسه رنگ‌مرکب بتدریج پاکنویس و ازروی یادداشتهای آن‌مرحوم برای حروف‌چینی‌حاضر گردید ، خوب بخاطر دارم که آنمرحوم برای تهیهٔ سندی‌ازقول یکی ازمورخین یونانی (با اینکه کتاب زیرچاپ بود و با آنکه نقل قول سایر مورخین را نموده بودند) برای اینکه عین نظر آن مورخ‌را درکتاب ذکر کنند دوصفحهٔ کتاب سفید ماند تا آن مأخذ از اروپا رسیدومطلب ترجمه وبجای‌خود چاپ شد.

هزینهٔ چاپ این‌کتاب توسط خود مرحوم پیرنیا تأمین شد ، پس از چاپ آن‌کتاب مرحوم پیرنیا بفکر تألیف و چاپ‌کتاب ایران باستان افتاد ، آنمرحوم برای تهیهٔ منابع این‌کتاب ازهیچ نوع هزینه‌ای دریغ نمیکرد ، خوب بخاطر دارم که برای تهیه عکس دقیق وصحیح‌از مقبرهٔ کوروش کبیر وصحنهٔ جنگ دارا واسکندر مقدونی ، ناچار شدیك دوره تاریخ عمومی عالم تألیف اسکاریگر روسی را که بسیارگران قیمت و نایاب بود خریداری کند ... قریب ۲۸هزار صفحه پاکنویس مطالب این سه‌جلد کتاب را بنده تهیه کردم ... باصرارفراوان ایشان قبول نمودند که چاپ کتاب بعهدهٔ شرکت مطبوعات گذارده شود ، چاپ جلد اول از۱۲مهر ۱۳۱۰ تا ۱۲ فروردین ۱۳۱۱، چاپ جلد دوم از اردی‌بهشت ۱۳۱۱ تا آبان ۱۳۱۱ و چاپ جلد سوم ازمرداد ۱۳۱۳ تا بهمن ماه ۱۳۱۳ طول کشید .

پس از ابتلاء به‌بیماری اورمی ، طبق دستور اطباء از خواندن و نوشتن محروم شدند و مطالب موجود را بنده پاکنویس میکردم و با اصلاحاتی که شفاهاً میکردند بچاپخانه می‌سپردم ، اینجانب تا چهار ساعت قبل از وفات آن مرحوم کنار تختخوابشان بودم و به پاکنویس قسمت‌هائی‌ازجلد چهارم که مربوط به ساسانیان بود میپرداختم و متأسفانه این کتاب بپایان نرسید..»

مهر۴۱ ، مهدی اکباتانی

هرگز از مشورت با فضلاء و دانشمندان غفلت نداشت و اغلب اوقات با عده‌ای که بزبانهای خارجی وهم چنین تمدن قدیم ایران آشنائی داشتند در گفتگو و مشاوره بود . درین میان استاد بزرگ آقای **سعید نفیسی** ازهمکاران صمیمی ومورد مشورت خاص آن مرحوم بود وتاپایان عمر پیرنیا نیز این همکاری ادامه داشت .

مرگ مشیرالدوله

تنظیم ایران باستان قریب دهسال تمام طول کشید . دراواخر سال۱۳۱۲ بود که در اثر کثرت کارو فرارسیدن ایام پیری ، دچار اورمی وسپس سکتهٔ ناقص (انفاکتوس) شد و قسمتی از بدن فالج ماند و چشم راست او معیوب گردید ؛ دوران بیماری دوسال طول کشید .

دراین مدت چند بار ساکنین خیابان منوچهری و همسایه های مرحوم مشیرالدوله متوجه می‌شدند که خیابان قرق می‌شد و گارد مخصوص سلطنتی از آنجا می گذشت و سپس اتومبیل **رضا شاه** پهلوی پادشاه مقتدر ایران ، در برابر منزل مشیرالدوله می‌ایستاد، شاه بزرگ ومقتدرسال‌های۱۳۱۳و۱۳۱٤، نخست‌وزیر سالهای۱۳۰۳ و ۱۳۰٤را (که خود وزیرجنگ او بود) عیادت‌میکرد واین‌عیادت‌ها گاهی ساعتها وقت شاه را می گرفت . هرگز گمان نمیرفت که ده سال بعد در ژهانسبورگ کسی به عیادت شاه بزرگ نرود ، همچنانکه سالها پیش‌هم احمدشاه را در دم‌مرگ کسی عیادت نکرده بود : «تاریخ عالم محکمهٔ عالم است ، این معنی همیشه مصادیق داشته و ازین ببعد هم همواره با اعمال بشر صدق خواهد کرد . »[1]

مشیرالدوله در۲۹ آبان‌ماه ۱۳۱٤ (۱۳۵٤قمری) شمسی درمنزل شخصی‌خود بدرودحیات گفت ، در این ایام نزدیك به شصت و سه خزان زندگی را پشت سر گذاشته بود . مدفنش درصحن امامزاده صالح‌تجریش درمقبرهٔ خانوادگی‌است.[2]

مجلس ختم او به تجلیل برگزارشد ، با آنکه برطبق دستور دولت در آن ایام مقرر بود که عزاداری ها عموماً بی سر وصدا و در مسجد و آنهم برای مدت

۱ـ ایران باستان ، ص ۱٤۲۹

۲ـ یادداشتهای‌مرحوم‌اقبال، مجلهٔ‌دانشکدهٔ‌ادبیات،سال۹ش۱ ،ص۲۲؛نثرفارسی‌معاصرص۵۱

دو ساعت گذاره شود ، معذالك مرحوم فروغی از اعلیحضرت استجازه کرد که پُرسه را درمنزل شخصی مرحوم پیرنیا بگذارند ، واعلیحضرت گفته بود: «البته در باب مرگ مشیرالدوله بهر ترتیب صلاح میدانند عمل کنند» . بدین طریق اجازه داده‌شد که مراسم عزاداری در منزل شخصی او بجای آورده شود .

مرگ مشیرالدوله، آرزوی این‌مرد بزرگ‌را درپایان‌دادن تاریخ ایران‌قدیم بخاك‌سپرد. اماجلدچهارم آن که مختص‌دورهٔ‌ساسانی‌باشد: مرحوم پیرنیا یادداشتهائی درین باب تهیه کرده بود ، در واپسین ایام عمر، آقای سعید نفیسی‌را فراخواند و گفت : دیگرامید اینکه حیاتی‌باشد ودورهٔ تاریخ پایان پذیردنیست ،شما آنرا بهر ترتیب بدانید تکمیل کنید .

آقای سعیدنفیسی بعدها آن یادداشتها را تنظیم کرده و به‌چاپخانه سپردند که توسط شرکت مطبوعات بچاپ برسد و حدود دویست صفحهٔ آن نیز ظاهراً چاپ شده بود که درجنگ عظیم جهانی پیش آمد و بر اثر گران شدن کاغذ و مخارج چاپ ، طبع کتاب متوقف ماند وشرکت طبع نیز که خود را درمعرض زیان دید ، فرمهای چاپ شده را بصورت کاغذ باطله (که‌قیمت‌آن‌ازکاغذ سفید پیش ازجنگ بیشترشده‌بود)فروخت وهم اکنون فقط یك نمونه از آن یادداشتهای چاپ‌شده نزد استادنفیسی‌موجود است وحق‌این بود که استاد قسمتی‌ازاوقات‌خودرا که صرف‌چاپ دواوین ومتون دیگرمیکنند به‌تنظیم و تکمیل تاریخ ساسانیان تخصیص دهند واین مهم پایان پذیرد .

عجب این بود که تقسیم بندی تاریخ ایران که از ۱۳۰۶ در نظر گرفته شده بود و تقی‌زاده و مرحوم اقبال هم مسؤول آن بودند در هیچ دوره‌ای پایان نیافت ، مرحوم پیرنیا را اجل مهلت نداد وعصرساسانی‌تمام نشد ، آقای تقی‌زاده «ازپرویز تا چنگیز» را شروع کرد ولی نه‌تنها به‌چنگیز نرسید ، بلکه ازپرویزهم نگذشت ، ودیگر هم گمان اینکه دراین ایام آنرا دنبال کنند نمیرود ، یعنی که امید واتکائی

به‌نیرو نیست؛ ومرحوم اقبال‌هم که تاریخ مغول رابا آن دقت وصحت شروع کرد فقط یك جلد را بپایان آورد وباقی عمررا درتجرّد و غربت گذراند و آخر هم در در سواحل مدیترانه (ایطالیا) مرگش دریافت و کتاب بپایان فرسید و امروز می‌بینیم که‌تاریخ ایران هم مانند سر گذشت دنیاست که: اول وآخراین کهنه کتاب افتاده‌است .

مرحوم پیرنیا علاوه برتألیفاتی که نام بردیم ، **تفسیری برحقوق جزا** نیز نگاشته است که قریب دویست صفحه میشود وهنوز بچاپ نرسیده و ظاهراً صورت جزوه برای محصلین را داشته‌است . یادداشتهائی نیز دردفتری جلدسیاه از زندگی دارد که جزءِ اشیاءِ خانوادگی هنوز مهرو موم شده مانده است .

عجب اینست که در هیچیك از مجلات و جرائد کشور اثری از آن مرحوم چاپ‌نشده است .

او در عشرهٔ آخر عمر ـ که عصر طلائی دولت پهلویش خوانده‌اند ـ جزدر کمیسیون معارف و انجمن آثارملی ، جای دیگر دخالت و عضویتی نداشت و کار اجتماعی دیگری نکرد و فقط اشتغال بتألیف ایران باستان داشت و حق اینست بگوئیم که اگر مشیرالدوله خدمتی بزرگ با تألیف ایران باستان بایران کرد ، ایران باستان هم خدمتی عظیم بخود اونمود وآن این بود که تکلیف مشیرالدوله‌را پس از برخورد به«چراغ قرمز سیاست» و گوشه گیری، بقول آقای محیط طباطبائی در برابرهمزه ولمزهٔ پنهان پژوهان دولتی[1] روشن کرده بود ومعلوم می‌داشت که او درخانه درچه کاراست وچه میکند و هیچ جای سعایت برای کسی باقی نمیگذارد که مانند بسیاری ازرجال آن زمان دچارسوءظن واحیاناً اهانت قرار گیرد وبخاطر دستمالی قیصریه‌ای آتش‌زده‌شود .

۱ــ پنهان پژوه بهترین اصطلاحی است که شاید بتوان‌در برابر جاسوس و پرونده‌ساز ومفتش وامثال آن بکار برد . فردوسی گوید :

بیامد یکی مرد پنهان پژوه ‌‌‌‌ ‌‌ به رهام بنمود ز انگشت، کوه

اکنون که شرح حال مشیرالدوله[1] به پایان می‌رسد، مناسب آن است که ازدو تن از بستگان معروف این مرد نیز نامی بمیان آید: یکی مرحوم **مؤتمن‌الملک** حسین پیرنیا برادر کهتر اوست که ظاهراً کمتر از دوسال پس از او بدنیا آمده بود ولی در تمام ایام عمر سیاسی با او همگام و همراه بود، او تحصیل کردهٔ لندن وپاریس بود، ازدورهٔ دوم تادورهٔ ششم نمایندهٔ مجلس ودردورهٔ چهارم رئیس مجلس و چند باروزیر بود. «مجموعهٔ معاهدات ایران بادول خارجه» تالیف اوست، او روز دوشنبه ساعت هشت صبح نهم شهریورماه ۱۳۲۶ شمسی مطابق ۱۵ شوال ۱۳۶۶ قمری بمرض سرطان فقرات وفات یافت.

دیگر مرحوم **معاضدالسلطنه** ابوالحسن پیرنیا نوادهٔ عم مؤتمن الملک و مشیرالدوله که ازآزادیخواهان بنام بودوخصوصاً درمدت اقامت دراروپا به‌احرار و مشروطیت خدمات فراوان کرد، چند دوره نمایندهٔ مجلس ویک بار هم حکومت ایالت کرمان راداشت[2] وبعد ازرفتن او از کرمان بود که یکی ازشعرای شوخ آن‌شهر

۱ـ بدنیست اشاره کنیم که دردورهٔ قاجاریه شش تن ازصدور و وزراء لقب مشیرالدوله یافته بودند که عبارت بودند از:

الف- میرزا جعفرخان مشیرالدولهٔ تبریزی معروف به‌مهندس که در ۱۲۳۰ قمری به اروپا رفت وپس از بازگشت در ۱۲۵۲ بسفارت اسلامبول برگزیده شد ودر ۱۲۷۵ بصدر شورای دولتی رسید (بعد ازمیرزا آقاخان صدراعظم) ودر ۱۲۷۹ وفات یافت.

ب- حاج میرزا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله (متولد ۱۲۴۱ قمری)، اودرسال ۱۲۸۸ به صدارت ناصرالدین شاه رسید و بعد از ۱۲۹۸ قمری که حاکم خراسان بود در همانجا وفات یافت.

ج- یحیی خان‌مشیرالدولهٔ قزوینی که در ۱۳۰۳ به وزارت خارجه رسید ودر ۱۳۰۵ معزول شد، او بسال ۱۳۰۹ قمری درگذشت.

د ـ حاج محسن خان مشیرالدولهٔ تبریزی، در ۱۳۰۹ به وزارت عدلیه رسید و در ۱۳۱۴ درپاریس درگذشت.

هـ ـ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدرحسن پیرنیا.

و ـ حسن‌مشیرالدوله پیرنیا

(شش مشیرالدوله، ایرج افشار، جهان نو سال دوم شمارهٔ یازدهم)

۲ـ بسال ۱۳۱۰ شمسی (تاریخ کرمان مصحح نگارنده، ص ۴۴۸)

دربارهٔ او گفته بود :

ای خدا ، بعد سر پیرنیا   کر بیا ، کور بیا، پیر نیا !

او دراواخر عمر والی فارس شد وهم در ۱۳۵۸ قمری در شیراز در گذشت و نعش او به نایین انتقال داده شد.

مرحوم مشیرالدوله درمدت حیات نشانهای زیررا احراز کرده بود :

نشان اقدس حمایل درجهٔ اول (از احمد شاه)

نشان تاج درجهٔ اول ایران

نشان عقاب سفید درجهٔ اول روسیه

نشان سن ژرژ درجهٔ اول انگلستان

نشان لژیون دونورفرانسه

نشان گیوم دوداسو درجهٔ اول هلند

نشان مجیدیهٔ درجهٔ اول عثمانی

ازمشیرالدوله شش پسر ویک دختر باقی ماند، دختر او «هما» با مرحوم یدالله عضدی امیراعظم، فرزند امیراعظم معروف که مدتها حکمران شاهرود و کرمان وازمتنفذین خراسان بود ازدواج کرد. این دختر جوانمرگ شد ودر ۱۸ سالگی دراواخر ۱۲۹۸ یا اوایل ۱۲۹۹ شمسی[1] سرزا رفت ومشیرالدوله درمرگ او سخت غمگین وپریشان شد.

شش تن پسر عبارتند ازداود وهرمز وباقر ومهدی وولی الله وابوالقاسم، ومعروفترین نوهٔ او آقابیژن (بیژن فرزند داود پیرنیا) است که برنامهٔ کودک را در رادیو ایران براه انداخته است .

۱ــ تقریر آقای حبیب یغمایی ، بروایت ایشان درهمان ایام که هنوز امیراعظم در لباس عزا بود ، کودتای ۱۲۹۹ پیش آمد وامیراعظم از بیم توقیف، متواری شد ، تخمین سال فوت دختر برحساب فوق بوده است .

بحثی مختصر در باب ایران باستان

ترتیب کار مرحوم پیرنیا بدین وجه بود که ابتدا موضوع مورد بحث را ازمنابع مهم خارجی ترجمه میکرد و اقوال مختلف را با هم می‌سنجید و باآثارو کتیبه‌ها و احیاناً منابع داخلی مطابقه ومقایسه میکرد وسپس با انشاء و سبک مخصوص خود تحریر مینمود و آنگاه پاکنویس میکرد و سپس با فضلای محقق در باب آن مشورت مینمود ، درین مورد خصوصاً آقای سعید نفیسی با ایشان همکاری مداوم داشته است . ازآن پس مطالب به‌چاپخانه فرستاده میشد ، وچون وسواس بیش ازحدّ در موردضبط وثبت‌اسامی خاص واِعراب وحرکات آن‌وصحت جملات داشت‌نمونه‌های چاپخانه را که آقای مهدی اکباتانی دیده بود باز بچند بار شخصاً رسیدگی و مطابقه میکرد و اجازه چاپ میداد ، شاید بتوان ادعا کرد که بتناسب امور مطبوعاتی درایران جلد اول و دوم‌ایران باستان ، کم غلط ترین کتب تحقیقی باشد که درنیم‌قرن اخیر به‌چاپ رسیده است .

درباب نقدمطالب ایران باستان، اینجا جای گفتگو نیست که خود تحقیقی‌را دیگر در خور است ، تنها میتوان گفت که مرحوم پیرنیا آخرین و تازه ترین و صحیح‌ترین اطلاعات عصرخود را درباب تاریخ ایران باستان بدست آورده است ، البته بعد ازمرگ او تا امروز کتیبه‌ها وآثار تازهٔ بسیار بدست آمده و کتب ورسالات متعدد نوشته شده‌وصدها شرق‌شناس درباب تاریخ اعصار گذشتهٔما تحقیقات کرده‌اند، ولی بازهم شاید بتوان ادعا کرد که مطالب تازه آن قدرها نیست که بتواند مطالب ایران باستان را حتی درچند جملهٔ مختصرتخطئه کند .

ایران باستان تنها تاریخ ایران نیست ، بلکه دائرةالمعارفی است در باب تاریخ و تمدن وفرهنگ اعصارباستانی ممالك مهم دنیا خصوصاً یونان وروم وسوریه ومصروعربستان و بین‌النهرین و هند ، چنانکه در مطالعهٔ این تاریخ سر گذشت اقوام‌ماد یاهخامنشی وپارتی‌را تنها نمی‌بینیم، بلکه ازبسیاری مسائل‌ومطالب مربوط به‌خاورمیانهٔ امروزودنیای متمدن آنروزآگاه میشویم.

مرحوم مشیرالدوله در تنظیم تاریخ خود هرگز تعصب را راه نداده است، هرچند روحیهٔ ناسیونالیستی او درسطر سطر کتاب خودنمایی میکند ، اما صورت تعصب ندارد ، او بهسائقهٔ علاقهٔ بهایران وتوجه بهتمدن ایران کوشش کردهاست که هرجاجملهای یامطلبی درباب خصوصیات ومزایای روحیواخلاقیایرانیان بیابد، نقل کند و آنرا تجلی بخشد ، اما هرگز ازجاده انصاف خارج نشده است، چنانچه نتیجهٔ دخالتزنان را دردستگاهسلطنت اردشیردوم (ص۱۰۳٤) وفلسفهٔ پرستششاهرا تا مقام اولوهیت و انتقاد آن (ص ۲۱۰۰) و سبکسری های خشایارشارا در قشون‌ـ کشی‌ها(ص۹۰۵)هرگزازیادنمیبرد وحقیقترا میگوید وهمهٔحقیقتراهممیگوید :

«خشایارشا دست بازدارد ودلجوانمرد ، ولینظرش درانتخاباشخاصصائب نیستو بخطا میرود ، رأی صحیح را میپسندد ولی قوّت اراده برای اجرای آن ندارد ، مغلوب زنان است و زمام امور را بدست خواجه سرایان و زنان میسپارد ، دربارهٔ اشخاص مفرطاست یا مفرّط . خلاصه آنکه ازاو دورهٔ انحطاط درخانوادهٔ هخامنشی شروع شد وکار بدست زنان وخواجه سرایان افتاد .»[1]

مشیرالدوله پس ازآنکه قریب ثلث جلد دوم کتاب خود را درباب اسکندر و کارهای او اختصاص داده است ، و همه جا او را دشمن خونخوار ایران در سطور تاریخمیبیند ومیداند ، معذالك درتوصیف او گوید :

« اسکندر شخصی بوده ، هوشمند و غالباً هشیار ، دلیر و شجاع ، مرد تصمیم درمواقع خطرناك ، صاحب عزمی قوی وطاقتیخلل ناپذیر ، جویای نام وجاهطلب به حدّ افراط ، بلند پرواز تا سرحد افراط و تا سرحد جنون ، میگسار و شهوت پرست ، جوانمرد و با فتوت ، مملوّ از غضب و بی رحم نسبت به اشخاصی که میخواستند او را در حد اعتدال ببینند، خودپسند و خود ستای ، تند خو و حسود ، شقی وسفّاك ، بیباك درخونریزی و خراب کردن وقتلعام اززن و مرد ، پیروبرنا

۱ــ ایران باستان ، ص ۹۰۵

و بزرگ و کوچك ... ستایش کنندگان اسکندر از صفات بزرگ او این معنی را میدانند که هیچگاه مغلوب نشد ، بعقیدهٔ ما عدم مغلوبیت به تنهائی برای ستایش کسی کافی نیست ، جهانگیر وقتی مستحق ستایش است که لا اقل بیش از خراب کردن آباد کند .... بعقیدهٔ نگارنده فیلیپ پدر اسکندر از او برتر بود . . . اسکندر شخصی بود بزرگ و دارای صفاتی زیاد از خوب و بد .... هرگاه از نظر منافع بشر بنگریم، او بیشتر گرفت وخیلی کمتر داد .... اوآدمی بود، وآدمی نه‌از عیب مبرّی است ونه‌ازخطاوبخشش مصون.»[1]

این نمونهٔ مختصر برای نمایاندن دقت نظر و نحوهٔ قضاوت مرحوم مشیرالدوله دربارهٔ قهرمانان تاریخ خودش بود و الاّ بحث در باب کتاب را مبحثی دیگر بایسته است .

سبك انشاء پیرنیا اختصاص بخود او دارد ، در کمال صحت است ، جملات کامل و رساست و حد اکثر کوشش را بکار میبرد که مفهوم را بتواند کاملا حالی خواننده بکند و ازین جهت حتی ازتکرار مطالب نیز باك ندارد .

عیبی که بنده شخصاً در انشاء مشیرالدوله می‌بینیم (وگو اینکه شاید ازنظر تاریخ‌نویسی حسن آن‌باشد!) اینست که مزه وچاشنی‌ندارد ، گاهی آدم لازم‌است که از خستگی خواندن ماجرای طولانی کوروش یا اسکندر یا پارت ها وسلوکی ها آنهم بعد ازشنیدن اسامی ده پانزده آنتیوخوس یا سلکوس خارج شود و این‌جمله‌را سبك انشاء جدّی و خشك و ثابت و لاتیغیّر او بما نمی بخشد . اصولا مرحوم مشیرالدوله اهل‌شعر نبود واین شایدجزء صدراعظمهای معدود دوران اخیر باشد که به شعرتوجه نداشته اند ، اینست که در همهٔ کتاب او جزچندبیت از اشعارفردوسی را نمیتوانیم بیابیم .

واقعاًعجیب‌است که مرحوم‌مشیرالدوله که خود مسلّماًداستان‌اسکندرنامهٔ نظامی را دقیقاً خوانده است ، وقتی صحبت از مرگ دارا میکند واز کید بسوس و نبرزن

۱ـ ایران باستان ، ص ۱۹۴۵ـ۱۹۴۷

(ص ۱۴۳۶) گفتگو می دارد ، شعر نظامی‌را از یاد ببرد . اوآخرین دقایق عمر دارا را با این شکوه و در عین حال رقّت و طنین (از قول کنت کورث مورخ خارجی) بازگو میکند : « باسکندر بگو که از محن ، حتی ازین بلیه که بعمر من خاتمه میدهد ، بدتر این‌است که درازای نیکی‌هائی که او[اسکندر] به‌مادر و زن واطفال‌من کرد، نتوانستم حق‌شناسی کنم ومی‌میرم ، درحالی که دشمن‌اوهستم، ولی اگرراست‌است که آخرین‌دعای بیچارگان درنزد خداوند مقبول‌است، ازاوخواهانم که‌اسکندررا ازهرمخاطره‌ای‌محفوظ بدارد... بعدداریوش آب خواست، پس‌ازچند لحظه اسکندر در رسید و بطرف نعش داریوش دویده بحال دلخراش این شاه مقتدر رقّت‌آورد وبگریست، بعد ردای خودرا کنده روی نعش انداخت و امر کرد با احترامات‌زیاد نعش‌شاه‌راحرکت‌داده به‌مقبرهٔ شاهان ببرند» (ص۱۴۴۴)، واقعاً ظلم است که آدمی تاریخ را بااین‌دقت ولطافت بازگو کند وآنوقت این اشعار را درمورد مرگ دارا فراموش‌نماید و درپایان آن نیاورد که گفت:

بسوس و نبرزن دوسردار پست — بر آن پیلتن برگشادند دست

.... — ....

سکندر فرود آمد از پشت بور — در آمد به بالین آن پیل زور
تن مرزبان دید در خاک وخون — کلاه کیانی شده سرنگون
سر خسته را بر سران نهاد — شب تیره بر روز رخشان نهاد
فرو بسته چشم آن تن خوابناک — بدو گفت‌برخیزازین‌خون‌وخاک
رها کن که در من رهائی نماند — چراغ مرا روشنائی نماند
رها کن که خواب خوشم‌می‌برد — زمین آب و چرخ آتشم می‌برد
نفیرازجهانی که دارا کُش‌است — نهان پرور و آشکارا کش است
درخت کیان را فرو ریخت بار — کفن دوخت بر درع اسفندیار
که‌داند که این دخمهٔ دام و دد — چه تاریخها دارد از نیک و بد؟!

شاید مشیرالدوله می‌خواست سرموئی از تاریخ نویسی و ضبط وقایع ازقول

مورخین خارجی دورنشود ولی‌من میگویم که ذوق و حال و شعرو ادب و دوستی‌را کلاً مرحوم مشیرالدوله به پسر بزرگ خود داود پیرنیا سپرده بود که هم اکنون همهٔ کوشش خود را صرف تنظیم برنامه های ادبی و ذوقی «گلهای رنگارنگ» و«گلهای جاویدان» و «یك شاخه گل» رادیو بنماید.

اصطلاحاتی که مرحوم پیرنیا در کتاب بکاربرده است تقریباً اختصاص بخود اودارد وازآنجمله‌است: او باید برای مقدونیها فرمانده وبرای‌مردمان دیگر«آقا» باشد (ص۱۲۶۱)، «فرارانده» بجای‌فراردادن(ص۱۳۶۳و۲۲۹۲)، «رفتار آقانسبت به‌تبعه» (ص۲۲۱۰)، «درین وقت مهرداد یك پیرمرد به قاعده بود» (ص۲۱۴۵)، «کل‌آندر پس‌ازآنکه دختری را ازخانوادهٔ نجیب «بی‌سیرت» کرد، وی‌را به...» (ص۱۸۶۴)، «آقای دشت نبرد» (ص ۲۰۱۶)، «قشون ازجا کندن» (ص ۱۳۸۸) «پیغامات»(ص۲۲۸۸)، «تگرگ تیر باریدن»(ص۲۳۰۹، ۲۳۱۴)،و غیر آن،

نکته‌ای که بعقیدهٔ بنده در کتاب بزرگ این مرد تا حدی نقص مینماید آنست که تلفظ اسامی یونانی، بیشتر بصورت تلفظ فرانسوی‌آن نوشته شده است که ظاهراً از نظر سهولت تلفظ و شهرت عام شاید مزایائی داشته باشد، اما نباید فراموش کرد، که اسم علم همیشه عَلم است و تغییرو تبدیل آن درحکم آنست که ما امروز فی‌المثل بجای یعقوب بگوئیم «یع» ویا بجای ژاله «ژال» بکاربریم.

چنین است نگارش اسامی یونانی در ایران باستان که بیشتر بصورت ضبط فرانسه(که معمولا ابتر و دم بریده‌است)، وگاهی‌هم بهردوصورت‌فرانسوی‌ویونانی آمده است ازآنجمله: او من واومنس(ص۲۱۳۶)، هراکل پسراسکندر(۲۰۴۴) که بصورت هراکلس‌وهر کول نیز در همین کتاب آمده است، پاراپامیز (افغانستان) که هم پاراپامیزاد (۲۰۰۸)وهم پاراپامیزضبط شده، پولیب (۳۱۱۲) که در(۲۰۹۱) پولی بیوس آمده، وهم ازآنجمله‌است آتال‌وآتالوس و کراتروس وپا کروپا کروس وغیره. اگرباوسایلی ممکن بود که اصل‌تلفظ این‌اسامی خاص‌وضبط وشکل‌یونانی آن با الفبای یونانی درین کتاب ضبط میشد البته مناسبتر بود.

گاهی اوقات در ضبط بعضی اصطلاحات بصورت صحیح و اولیه وسواس خاصی دارد چنانکه در بیشتر جاها بجای کلمهٔ ازدواج معمولی، زواج (ص ۲۰۵۹) و بجای تصمیم گرفتن و تصمیم داشتن، تصمیم کردن بکار برده است و هم چنین اصطلاح است جالب «حکومت سه مَرده» (ص ۲۲۹۴، ۲۳۳۹)،

بعض نکات هم هست که اندك تسامحی در آن میتوان یافت مثل کلمهٔ «گدروزیا» که مرحوم پیرنیا همه جا به پیروی ازاروپائیان آنرا بلوچستان خوانده است و حال آنکه گدورزیا سرزمین جیرفت کرمان است، نه بلوچستان وحتی تابعداز اسلام نیز این ناحیه بنام «جردوس» (محرّف جدروس = گدروز) خوانده میشده است[1] یا وجه تسمیهٔ ابنیه و آثاری بنام دختر مثل «قلعه دختر و کتل دختر و پل دختر» که مرحوم پیرنیا عقیده دارد بعلت صعب العبور بودن وعدم دسترسی مردم بآن نام شهرت یافته و گوید: «دختر به معنی سخت یا محکم استعمال شده، و باید این معنی را ترجیح داد»[2]. بنده ضمن تحقیقی که درین باب کرده ام گمان دارم که این معابد منسوب به «ناهید» فرشتهٔ آب وانوثت بوده و حتی این شوخی را هم درمقاله‌ای که تحت عنوان «ابنیهٔ دختر» چاپ شده است بامرحوم پیرنیا کرده ام که: اگر مرحوم پیرنیا این عقیده «محکم و سخت بودن را» در باب «کتل دختر» صحیح بدانند، در باب کتل پیرزن چه خواهند فرمود؟![3]

بحث دربارهٔ کتاب درین مبحث نمی گنجد، در اوایل فصل اشاره کردیم که حق مرحوم پیرنیا ازجهت ایران باستان برملت ایران با قدری تسامح (یعنی منهای شورو حال وذوق وتعصب فردوسی وقدرت ادبی او)، کم ازحق فردوسی نیست. این بیان اگر ظاهراً اغراق بنظر آید، باید توجه داشته باشیم که ما امروز صحبت از

۱ـ رجوع شود بتاریخ کرمان مصحح نگارنده ص ۱۰ و معجم البلدان یاقوت حموی، (جردوس)
۲ـ ایران باستان ص ۲۷۰۲
۳ ـ رجوع شود به مقالهٔ مفصل نگارنده تحت عنوان «ابنیه دختر وقلعه دختر کرمان» مجلهٔ باستانشناسی شمارهٔ ۱ـ۲ ص ۱۰۵ تا ۱۳۷.

ایجاد تاریخی می کنیم که مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش از این ایران است و متأسفانه تا چهل سال پیش برای ما مجهول و نامعلوم بود ، مقام و شخصیت مردانی مانند کوروش کـه مقام رهبر عالم بشریت را یافته و نجات دهنده لقب گرفته و حتی بعضی او را ذوالقرنین مذکور در قرآن خوانده اند[1]، تـا چهل سال قبل برای ایرانیان مجهول بـود . کسی نام داریوش و خشایارشا را نمی‌دانست ، حیطهٔ حکمرانی و مقام فرماندهی هخامنشینان و پارت ها و مادها را کسی تشخیص نمیداد ، منابع ایران بکلی از میان رفته بود و به منابع یونانی و رومی واروپائی کسی دسترسی نداشت و در حقیقت ایران بود وتاریخی مبهم از ساسانیان به بعد ، پس کجا اغراق است اگـر بگوئیم مشیرالدوله زنـده کنندهٔ تاریخ ایـران باستان است .

البته در زمان قاجاریه ، بعضی ترجمه‌های ناقص از فصول تواریخ اروپائی میشد ، (مثلا اعتمادالسلطنه فصل عبور اسکندر را از تواریخ اروپائی در جلد اول مرآت‌البلدان آورده است و یا در باب استخر وپارس و پازارگاد مباحثی بسبك امروزی با استفاده از تحقیقات تاریخی جدید ترتیب داده) ولی کار مشیرالدوله دیگراست وخدمت او برهیچ یك ازاهل‌فن و تحقیق پوشیده‌نیست وبجاست‌سخن‌را ختم کنیم و از قول فردوسی درباب ایران باستان بگوئیم که :

پی افکنده از «نثر» کاخی بلند　　　که از باد و باران نیابد گزند

طهران - مهرماه ۱۳٤۱ شمسی

باستانی پاریزی

---

۱ - رجوع شود به ذوالقرنین یا کوروش کبیر ، از تألیفات ابوالکلام آزاد ، ترجمهٔ نگارنده ، چاپ تهران، ۱۳۳۰

فهرست

اعلام ایران باستان

شامل اسامی امکنه، اشخاص و بعضی اصطلاحات خاص

☆ در ضبط بیشتر اسامی ، رسم‌الخط کتاب رعایت گردیده است .

☆ اعدادی که حرف(م) در کنار آنست، نشانه عددصفحهٔ مقدمهٔ کتاب (ترجمهٔ احوال مشیرالدوله) است .

☆ یکی دو اسم (مثل الحضر و الجزائر) بصورت مشهور آن یعنی در ردیف الف آمده است نه در حرف مربوط .

☆ اسامی خدایان ضمن اسامی اشخاص‌ملحوظ‌شده ومعابد بااینکه‌منسوب به‌خدایان بوده است جزء اسامی امکنه آمده است .

☆ این فهرست توسط آقای **باستانی پاریزی** تهیه شده است .

فهرست جای ها

آ

آارن: ۱۷۷۳ - ۱۸۰۷ - ۱۸۳۶
آبادان: ۱۴۷
آبدر: ۷۷- ۲۹۴- ۶۵۹ - ۷۴۸- ۷۵۱ - ۸۲۴
آبس: ۷۹۸
آبست: ۲۶۷۹
آبستان: ۱۸۳۳- ۱۸۴۲
آبیدوس: ۶۵۱- ۷۱۷- ۷۲۰- ۷۲۳ - ۷۴۱ -
۷۴۳ - ۷۶۰- ۷۶۸- ۸۲۳- ۸۲۹- ۸۷۰-
۹۷۶-۹۷۷- ۱۱۱۳-۱۲۴۵
آپادانا: (اپدانه)
آپامای پل: (زگما)
آپـام آ : ۲۰۶۳- ۲۰۶۴- ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۷ -
۲۱۵۲- ۲۳۴۲-
آپامه: ۲۰۰۵- ۲۰۶۶- ۲۱۰۱- ۲۱۱۳-۲۱۷۸
آپاورتن، ۲۲۰۷- ۲۲۰۸
آپلنی: ۲۱۱۴
آپلونیاتیس: ۲۶۵۱
آپنن (شبه‌جزیره)، ۲۴۵۰
آتارنه: ۷۲۲
آتارنی: ۲۹۳
آتروپاتکان: ۱۹۶۸ (ورجوع به آذربایجان‌شود).
آتروپاتن: ۲۱۰۰ (ورجوع به آذربایجان‌شود).
آتس (ترعه) : ۷۵۰
آتس(کوه): ۶۵۸- ۶۶۸- ۶۷۹- ۷۱۴- ۷۱۵ -
۷۲۰- ۷۵۲- ۷۷۴- ۱۹۰۳- ۲۶۵۸
آتن: ۶۹- ۷۸- ۸۴- ۹۳- ۹۸- ۱۷۷- ۲۶۹ -
۶۳۷- ۶۴۴- ۶۵۴- ۶۵۶- ۶۵۸ - ۶۶۲ -
۶۶۸- ۶۷۰تا ۶۷۸- ۶۸۰- ۷۰۳- ۷۰۴ -
۷۱۷- ۷۲۶- ۷۳۱- ۷۴۰ ۷۵۳- ۷۵۶ تا
۷۵۸- ۷۶۱- ۷۶۲- ۷۶۵- ۷۷۰- ۷۷۳تا
۷۷۵- ۸۰۱ تا ۸۱۰- ۸۱۷تا۸۱۹- ۸۲۲ -
۸۳۱- ۸۳۲- ۸۳۴- تا ۸۳۶- ۸۳۹- ۸۶۰-
۸۶۹- ۸۸۶- ۸۹۴- ۹۱۱ تا ۹۱۳- ۹۱۵ -
۹۱۹- ۹۲۲تا ۹۲۶- ۶_۹ -۹۳۰ تا ۹۳۲-
۹۳۵- ۹۳۶- ۹۳۸- ۹۴۳- ۹۶۵- ۹۶۶ -
۹۶۸تا۹۸۱- ۹۸۳تا ۹۸۶- ۱۰۵۸- ۱۰۸۶-
۱۱۱۰ تا ۱۱۱۲- ۱۱۱۴- ۱۱۱۷- ۱۱۱۸-
۱۱۲۲- ۱۱۳۴- ۱۱۳۷- ۱۱۴۰- ۱۱۵۰ -
۱۱۵۱- ۱۱۶۷- ۱۱۸۲- ۱۱۸۳- ۱۱۹۲ -
۱۱۹۵- ۱۱۹۸- ۱۲۰۱- ۱۲۰۵تا۱۲۰۷ -
۱۲۲۵- ۱۲۲۶-۱۲۳۵ تا ۱۲۳۷- ۱۲۴۱ -
۱۲۵۸- ۱۲۶۲- ۱۲۷۵- ۱۲۹۳- ۱۲۹۷ -
۱۴۰۸- ۱۴۲۵- ۱۴۲۹- ۱۵۱۰- ۱۵۱۴ -
۱۵۳۲- ۱۵۹۲- ۱۶۰۰- ۱۶۳۸- ۱۶۴۵ -
۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳- ۱۹۳۰- ۱۹۴۵- ۱۹۷۵
تا۱۹۷۷- ۱۹۸۰- ۱۹۸۱- ۲۰۰۳-۲۰۰۴-
۲۰۲۵- ۲۰۴۷- ۲۱۳۱- ۲۱۳۹- ۲۱۶۳ -
۲۴۷۳- ۲۵۸۹- ۲۶۰۵- ۲۶۵۸ -
آتیك(سرزمین): ۲۱۱- ۳۴۵- ۵۰۳- ۶۳۷ -
۶۳۸- ۶۷۰- ۶۷۱- ۷۰۹- ۷۷۳- ۸۰۲-
۸۰۶- ۸۰۸- ۸۱۶- ۸۲۱- ۸۳۴- ۸۳۶ -
۸۳۹- ۸۷۸- ۸۸۳- ۹۲۱- ۱۴۲۳- ۱۸۸۱-
۱۸۸۳- ۱۹۷۷- ۲۳۶۳- ۲۶۰۵

آتریادی: ۱۴۹۸- ۱۴۹۹
آخائیس: ۲۱۱۵
آخای: ۷۴۱-۷۷۵- ۷۹۹- ۸۰۹ -۱۳۵۶-۱۳۸۸
آخلواوس: ۷۵۲
آخه: ۷۷۶
آخها: ۲۱۱۵
آدربا داکار: (آذربایجان‌ها)
آدرامیت‌تی: ۷۲۳
آدریاتیک (دریا): ۶۱۱- ۶۲۰- ۶۹۱- ۱۹۱۱- ۲۰۷۰-۲۳۳۹- ۲۴۵۰- ۲۴۵۲
آدنیستره: ۲۴۸۲
آدیابن: ۸۸- ۲۱۷۶- ۲۲۷۷- ۲۲۸۰- ۲۴۱۲- ۲۴۱۵- ۲۴۲۰- ۲۴۲۱- ۲۴۲۹- ۲۴۳۰- ۲۴۴۱- ۲۴۴۳- ۲۴۵۰- ۲۴۸۱- ۲۴۸۲- ۲۴۸۷- ۲۵۰۶تا ۲۵۰۹- ۲۵۱۵- ۲۵۲۴- ۲۶۲۵- ۲۶۲۸ تا ۲۶۳۵- ۲۶۴۰- ۲۶۵۳- ۲۶۹۰-
آذربایجان(آتروپاتکان) ۲۰-۵م۶۲م‌تا۶۷م۸۶م-۸۷م-۱۱۷م-۱۱۸م -۱۰۳ - ۱۴۵- ۱۵۲ - ۱۷۰- ۱۷۳- ۱۷۴- ۱۸۴- ۲۰۷- ۵۷۸ - ۶۹۱- ۱۱۲۹ - ۱۴۵۲ - ۱۵۱۲ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰- ۲۰۷۸- ۲۰۸۰- ۲۲۰۲- ۲۲۱۷- ۲۲۷۱- ۲۲۷۷- ۲۲۷۸- ۲۳۵۵ - ۲۳۶۴ - ۲۳۶۸- ۲۳۶۹- ۲۳۷۱- ۲۳۷۴تا ۲۳۷۶ - ۲۳۹۲- ۲۳۹۳- ۲۴۲۴- ۲۴۳۶- ۲۴۴۱ - ۲۴۵۷- ۲۴۵۹- ۲۴۶۱- ۲۴۷۱- ۲۴۹۰ - ۲۴۹۱- ۲۵۰۲- ۲۵۴۷- ۲۵۵۰- ۲۶۱۶ - ۲۶۲۳ تا ۲۶۲۵- ۲۶۴۰- ۲۶۵۲- ۲۶۵۳-
آرابیوس (رود): ۱۸۱۵ ۱۸۵۷
آراخوزی: ۲۰۵۸
آراد: ۱۴۲۳
آرادس: ۱۵۱۰
آرارات: ۳۶- ۴۸- ۱۲۹- ۱۷۴- ۱۹۴- ۲۰۴- ۲۲۱- ۳۷۶- ۳۷۷- ۷۳۷- ۱۴۷۴- ۲۲۶۹- ۲۲۷۰- ۲۲۷۱- ۲۵۸۷- ۲۵۹۲- ۲۵۹۳ - ۲۶۱۶
آراکس (سیحون). ۴۴۶تا ۴۵۱- ۴۷۰- ۴۷۴- ۴۸۵- ۵۰۱- ۵۸۶- ۶۱۶- ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲- ۱۰۰۸- ۱۶۸۹- ۱۹۱۸ ورجوع به سیحون‌شود.
آراکس (فارس): ۱۴۱۹- ۱۴۲۲- ۱۴۲۷
آرال(کوه،دریا): ۱۴۳- ۱۴۷ - ۴۴۷ - ۴۷۰- ۵۷۷- ۵۸۴- ۱۶۹۴
آربل: ۲۸۶ و رجوع به‌اربیل شود
آربلیت: ۱۹۹۳
آرتاکساتا: ۲۱۴۵- ۲۲۸۴- ۲۳۹۵- ۲۳۹۶ - ۲۴۲۸ ۲۴۳۸- ۲۴۴۲- ۲۶۰۸
آرتاکسیاس شاتا، (آرتاکساتا)
آرتامی‌تا (آرته‌می‌تا): ۲۴۰۳- ۲۶۷۷
آرتسك: ۵۹۵
آرتمیزیوم: ۷۶۹- ۷۷۰- ۷۷۵- ۷۸۸- ۷۹۰ - ۷۹۱- ۷۹۳- ۷۹۶- ۸۰۱- ۸۰۲ - ۸۷۸
آردیك‌کا، ۶۸۱
آرژه: ۶۲۴
آرساماس (رود)، ۲۴۴۶
آرسام‌ساتا (قلعه): ۲۴۴۵
آرساموستا: ۲۰۸۱
آرکادی: ۶۶۷- ۷۴۰- ۷۷۷- ۷۹۷- ۸۴۴- ۹۴۰- ۱۱۵۰- ۱۲۳۷- ۱۴۰۳- ۲۱۴۹
آرکانان: ۱۲۸۹
آرگس: ۲۴۵- ۵۹۹ - ۶۶۰- ۷۳۰- ۷۵۴ - ۷۵۹تا۷۶۲- ۷۶۴- ۸۳۸ - ۸۷۶- ۹۱۲- ۹۱۳ - ۹۷۹- ۱۱۱۰- ۱۱۵۰- ۱۱۷۲تا۱۱۷۴- ۱۱۹۲- ۱۲۹۷- ۱۷۴۵- ۱۸۰۷- ۲۰۲۸
آرگینوز: ۷۸۱- ۱۱۱۹
آرگیو: ۲۷۰
آرماویر: ۲۶۰۸
آروآسدان: ۲۵۹۶

آروس : ۱۶۴۴
آره‌اپاژ : ۸۰۳
آره‌توز : ۲۳۵۱
آریا : (هرات)
آریان : (هرات)
آریانا : ۱۵۵-۱۵۶-۲۶۵۶
آریادنه(کوه). ۲۱۲۸
آزوف : ۲۰-۱۷۱-۱۸۴-۴۸۴-۶۰۱-۱۳۴۴ -
۱۷۰۸-۲۰۶۶-۲۱۳۷-۲۴۷۸ - ۲۶۱۵ -
۲۶۱۸-۲۶۴۱(رجوع به م اوتید شود)
آساك : ۲۱۹۷
آسپ : ۷۸۰-۸۳۹-۸۴۱-۸۴۵تا۸۴۷ - ۸۵۱ -
۸۵۵
آس‌پن‌دس : ۹۷۷
آس‌پیونوس : ۲۲۲۴-۲۲۲۵
آستاك : ۲۱۵۲
آستاکس : ۲۰۹۲
آستوئین : ۲۶۵۱
آسفال‌تیت (دریاچه) : ۲۰۴۲
آسکالن : ۱۵۱۰
آسوان : ۹۶۳
آسه : ۱۱۳۵-۱۱۴۳
آسور : ۱۷-۲۰-۲۵-۲۹-۳۲تا۳۵-۳۸-۴۸-۵۱تا
۵۷.۶۱-۶۲-۶۵تا۶۸-۷۴-۷۹-۹۳-۱۰۴ -
۱۰۸-۱۱۰-۱۱۳-۱۱۴-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۹تا
۱۳۰-۱۳۵تا۱۴۰-۱۵۹-۱۶۵-۱۶۹تا۱۷۸-
۱۸۰تا۱۸۲-۱۸۵-۱۹۰تا۲۰۰-۲۰۲-۲۰۵-
۲۰۷تا۲۱۲-۲۱۴-۲۲۷-۲۳۰-۲۴۵-۲۵۸-
۲۶۰-۲۶۱-۲۶۶-۲۶۸-۲۹۶-۳۰۴-۳۰۸-
۳۱۸ تا۳۲۰-۳۲۵-۳۲۷-۳۳۴تا۳۳۶-۳۴۰-
۳۴۲-۳۴۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۵۷-۴۷۵-۵۴۰-
۵۴۳-۵۷۵-۵۷۶-۶۸۸-۶۹۲-۹۴۴-۹۴۷-
۱۱۳۷-۱۱۸۴-۱۲۹۱-۱۳۷۶ - ۱۴۵۲ -
۱۴۶۳ - ۱۴۶۴-۱۴۷۳-۱۴۷۶-۱۵۱۱ -
۱۵۱۸ - ۱۵۳۳ - ۱۵۴۶ -۱۵۵۷تا۱۵۵۹-
۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۱ -۱۵۷۹-۱۵۸۰-
۱۵۹۳ - ۱۵۹۶-۱۶۰۶-۱۶۰۷-۱۶۱۴ -
۱۶۱۸-۱۷۰۵ - ۱۷۴۵ - ۱۸۵۹ -۱۹۰۹-
۱۹۲۴-۲۰۷۳ - ۲۱۰۱ - ۲۱۲۲ -۲۲۳۱-
۲۲۶۸-۲۲۶۹ -۲۲۷۱ -۲۲۷۷ - ۲۳۰۶ -
۲۳۱۹-۲۴۷۲-۲۴۸۷ - ۲۵۰۵ - ۲۵۲۴ -
۲۵۹۲-۲۵۹۵- ۲۶۳۲ - ۲۶۳۵ - ۲۶۴۸ -
۲۶۵۶-۲۶۸۲-۲۶۹۹ - ۲۷۰۰ - ۲۷۰۵ -
۲۷۱۷-۲۷۱۹-۲۷۲۲
آسیا : ۸تا۱۰-۲۵-۸۳-۹۲-۱۵۲-۲۰۱-۲۰۷ -
۲۴۵-۴۵۰-۴۵۸-۴۶۴-۵۱۰-۵۲۰-۵۲۹ -
۶۱۴-۹۱۱-۹۲۳-۹۲۶-۹۳۶-۹۳۹-۹۴۲ -
۱۲۰۶ -۱۲۱۰-۱۲۱۶-۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ -
۱۲۲۶-۱۲۳۷-۲۲۴۰ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۶ -
۱۲۵۲-۱۲۶۶ -۱۲۶۸ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۲ -
۱۲۸۴-۱۲۹۵ - ۱۲۹۷ - ۱۳۰۳ - ۱۳۱۳ -
۱۳۲۳تا۱۳۲۶ - ۱۳۳۱ - ۱۳۴۴ -۱۳۴۶-
۱۳۶۱-۱۳۸۶ -۱۳۹۸ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ -
۱۴۳۵ -۱۴۶۸ -۱۴۹۳ -۱۵۳۲ - ۱۶۵۱ -
۱۷۰۲-۱۷۰۷-۱۷۰۹ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۴-
۱۷۲۱-۱۷۳۱-۱۷۵۲ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۱ -
۱۸۰۸-۱۸۰۹-۱۸۱۳ - ۱۸۱۴ - ۱۸۵۹ -
۱۸۶۶-۱۸۷۶-۱۸۸۱-۱۸۹۴-۱۸۹۵-۱۸۹۷
۱۹۱۲-۱۹۱۷ - ۱۹۲۰ - ۱۹۲۸ - ۱۹۳۹ -
۱۹۴۶-۱۹۴۸ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۸ -
۱۹۸۷-۱۹۹۷-۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ -
۲۰۰۳-۲۰۰۵-۲۰۲۴-۲۰۲۷ - ۲۰۲۹ -
۲۰۳۰-۲۰۳۱-۲۰۳۴-۲۰۴۳ - ۲۰۴۹ -
۲۰۵۹-۲۰۸۶-۲۰۹۰ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۴ -
۲۰۹۷-۲۰۹۸-۲۱۰۰ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ -
۲۱۱۹-۲۱۳۲ - ۲۱۳۶ - ۲۱۵۱ - ۲۱۶۱ -
۲۱۹۲-۲۲۰۱تا۲۲۰۳ - ۲۲۷۰ - ۲۲۷۹ -
۲۲۸۱-۲۲۸۲-۲۳۳۵ - ۲۳۳۷ - ۲۳۵۴ -

- ۲۳۷۰ - ۲۳۷۷-۲۳۹۵ - ۲۴۷۰ - ۲۵۳۷ -
۲۵۸۵-۲۶۰۵-۲۶۱۰-۲۶۲۹
آسیاس‌دان: (اسیس‌دادن)
آسیای بالاخص: ۲۱۵۰
آسیای شرقی : ۹
آسیای‌صغیر: ۱۹-۲۰-۲۲-۲۷-۳۶-۳۷-۳۸-۴۰
۴۸-۴۹-۷۲-۹۲-۱۷۲-۱۷۳-۲۴۴ - ۹۱۱ -
۹۱۳ - ۹۱۹-۹۲۴-۹۳۳-۹۳۷-۹۳۹تا۹۴۲ -
۱۱۳۴-۱۱۳۹-۲۲۰۱-۲۲۰۲-۲۲۱۲
آسیای‌علیا : ۹۱۹
آسیای‌غربی : ۳۲-۱۷۲
آسیای‌وسطی: ۹-۲۰-۲۲-۲۹-۱۵۲-۱۵۵
آشور: ۴۴۵-۲۵۹۱(وجوع به‌آسورشود)
آغری‌داغ: (آرارات)
آفت : ۷۷۵-۷۹۱-۷۹۳
آفرودی سیاس : ۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۶۹۸
آفریقا : ۸-۱۱-۲۵-۲۷-۳۱-۹۲-۱۰۷ - ۱۴۳ -
۴۴۴-۴۴۵-۴۸۴-۵۶۳-۵۷۲-۹۱۱-۱۵۰۸-
۱۵۴۹-۱۷۰۲-۱۸۰۹ - ۱۸۶۶ - ۱۸۷۶ -
۱۹۱۷-۱۹۴۲ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۹ - ۲۱۷۹ -
۲۳۳۸-۲۶۱۴-۲۶۲۲
آفریقای شمالی: ۸-۴۰
آفریقای‌وسطی: ۱۰
آقابابا : ۶۹ م
آکادمی: ۲۱۳۱
آکانت : ۶۵۸-۷۵۰-۷۵۱
آکروپل : ۷۵۸-۸۰۱
آکس : ۱۵۰۵
آکه : (عکو)
آگباتانا(شام): ۵۱۷-۵۱۸
آگ‌دیستی: ۲۱۰۳
آگوانك: ۲۵۹۱
آگورا : ۷۲۹
آلاباندا : ۲۳۴۴
آلاداغ : ۲۱۸۶
آلارود : ۲۲۶۹
آلان : ۲۱۴۵ ورجوع به‌آلان درطوایف شود .
آلبانی : ۲۲۷۱ - ۲۴۷۸
آلپ : ۱۸۶۶ - ۲۱۳۶ - ۲۱۴۵
آلپن : ۷۸۵
آلتائی : ۱۱- ۳۴- ۲۱۱۸ - ۲۲۵۱ تا ۲۲۵۳ -
۲۲۶۵-۲۵۷۴
آلژری : (نومیدی)
آلس : ۷۷۵
آل سه زینس (چناب) : ۱۷۹۹- ۱۸۱۷-۱۸۱۹
۱۸۲۱ - ۱۸۲۲ -۱۸۲۸-۱۸۳۲ تا۱۸۳۴ -
۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ -۱۸۸۹
آلکساندرت : (اسکندریهٔ ایسوس)
آلمان : ۲۳م - ۵۱ تا ۵۴م - ۶۳ تا ۶۶م -۱۲۰م
۹-۴۶-۶۱- ۲۳۹۵ - ۲۷۱۹
آلیانی : ۶۶۸
آماتونت : ۶۵۰
آمادای : ۱۶۹
آمارد : (آمل)
آمرد : ۱۵۰۸
آماستریس : ۲۳۱۴
آماسه : ۹۲
آمالد : (آمل)
آمان : ۱۰۰۶ - ۱۳۵۴ - ۲۳۳۶
آمپ : ۶۵۴
آمریکا : ۶۵م - ۸ - ۱۰ - ۱۱-۱۴- ۱۵- ۵۵
۱۴۶ - ۱۶۲۰
آمفی پولیس : ۱۱۵۰- ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶-۱۲۲۷
۱۲۴۵ - ۲۰۰۴- ۲۰۲۴ - ۲۰۲۵- ۲۰۲۷
۲۰۲۸
آمفیس سه : ۷۹۸ - ۷۹۹
آمل : ۱۰۱ - ۱۴۴ - ۱۷۲۰ - ۲۲۱۶
آموری : ۱۶۰۶

آمون : ۱۲۱۴ - ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ - ۱۶۶۲ -
۱۶۶۷ تا۱۶۶۹ ۱۷۲۸ - ۱۷۳۲ - ۱۷۴۰ -
۱۹۰۳ - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۶ - ۱۹۶۸
۱۹۸۶
آمودریا : ۱۴۷
آمویه : ۱۴۷ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۶۹۲ - ۱۸۸۹
آمیس : 1651
آنائو : ۲۶۴۳ - ۲۶۴۴
آنائوئر : 2651
آن توخیا : (انطاکیه)
آن تیس : ۱۲۸۱
آن تی‌گونیا : ۲۰۴۹ - ۲۱۱۰ تا ۲۱۱۲
آنتیوخی‌یا (انطاکیه)
آندلس : ۱۰۳ - ۱۰۷
آن سی : (پارت)
آن سیرا : (آنکورا)
آنقرای : ۲۰۷۶
آنکورا : ۲۰۷۶ - ۲۱۳۴
آنی : ۲۶۰۷

الف

آآر(رود) : ۶۰۴
آآزیس : ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۶۶ - ۶۰۴ - ۹۲۸
۹۶۳ - ۱۲۱۴ - ۱۳۵۴
آآسید : 1200 - ۱۹۳۷ - ۲۰۲۳ - ۲۰۲۷
االی : ۷۷۵ - ۹۱۴ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ - ۲۱۷۶
االید : ۳۶۲ - 405
االیه : ۱۵۴۶ - ۱۸۸۸
ائوتیار : ۵۴۳
ائورونت : ۱۷۸
ابرس : ۵۶۸
ابوحبه (تپه) : ۵۴
ابونصر (قصر) : ۱۶۲۲
ابیورد : 2258
اپاردوس (رود) : ۱۱۷۹
اپدان : ۵۶ - ۱۳۲ - ۵۸۱ - ۱۵۸۳ - ۱۵۸۴
۱۵۸۶ - ۱۵۹۱ - ۱۵۹۴ - ۱۶۱۱ - ۱۶۱۳
اپی در : ۷۴۳ - ۲۰۲۷
اپیس : ۲۰۴۶ - ۲۱۱۴
اپیر : ۹۱۳ - ۹۱۶ - 1190 - ۱۲۰۶ - ۱۲۱۰
۱۲۱۲ - ۱۷۳۲ - ۱۸۶۶ - ۱۸۸۰ - ۱۸۹۹
۱۹۴۵ - 1955 - ۱۹۹۸ - ۲۰۰۱ - ۲۰۲۳
۲۰۲۶ - 2048 - ۲۰۶۰ - ۲۰۷۰ - ۲۱۴۰
۲۲۸۱
اپیس : ۳۸۴ - ۳۸۸ - ۷۰۰ - ۱۰۴۷ - ۱۸۸۶ -
۱۸۹۲ - 2095
اترک : ۱۴۷ - ۱۵۰۶ - 1605 - 2185 - ۲۱۸۶
۲۱۹۱ - ۲۱۹۸ - ۲۲۸۹ - ۲۳۹۲
اتروسک : (به اتروسک درطوایف مراجعه شود)
اتولی : ۱۹۷۶ - ۲۰۲۷ - 2031
اتی ماندر : ۱۷۱۹
اثورا : (آسور)
اج دز : ۲۵۹۴
اجمنا : ۹۴۹ - ۹۸۷
احمر (دریا) : (اریتره)
اخول‌خول (معبد) : ۲۰۳
ادئون : ۱۶۰۸
ادرنه : ۱۰۴۷ - ۱۱۱۲
ادریز : ۱۲۴۷
ادس (اورفه) : ۹۶ - ۲۰۸۷ - ۲۱۸۱ - ۲۴۲۰ -
۲۴۶۷ - ۲۴۷۹ - ۲۴۸۴ - 2485 - ۲۵۰۱ -
۲۵۲۴ - ۲۵۹۰ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹ - ۲۶۳۲ - تا
2635 - ۲۶۴۰ - ۲۶۹۰ - ۲۷۲۱
ادنه : ۲۱۱۶
ادومیان : ۱۹۱ - ۲۰۴۰
ادی‌ژه : (آنیک)
ادیل (ولگا) : ۱۴۹ - ۶۱۶
ار : ۱۷۷۳
اراسک (ارس)

اران : (آلبانی)
اران : ۲۴۰۲ - ۲۶۲۴-۲۶۴۰
اریای (ارابایه) : (عربستان)
اربل : (اربیل)
اربیل : ۵۴۴ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۷ -
۱۳۷۸ - ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ - ۱۴۰۱ -
۱۴۷۸ - ۱۷۹۱ - ۱۸۱۴ - ۱۸۲۷ -
۲۲۷۵ - ۲۲۸۸ - ۲۴۲۱ - ۲۴۸۳ -
۲۵۲۴ - ۲۶۳۲
ارتاکسانا ، (ارشادا)
ارتری : ۶۵۸ - ۶۶۸ تا ۶۷۱ - ۶۷۸ - ۶۸۰
تا ۲۸۲ ۱۶۴۹ - ۲۶۵۸
ارتوقاتو : ۱۶۱۴
ارخ : ۵۴ - ۱۱۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۳۸ -
۱۳۹ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۵ - ۸۳۹ -
۸۴۰ - ۲۷۱۵ - ۲۷۲۲
ارختئوم : ۱۵۹۲
ارخومن : ۲۱۴۰
اردبیل : ۱۰۵
اردستان : ۱۲۲ م
اردکان : ۱ م
اردن : ۴۴۴
ارزانیاس (رود) : ۱۰۷۶
ارس ، ۱۴۷ - ۴۴۷ - ۶۹۲ - ۱۳۸۷ - ۱۴۷۴
۱۹۰۸ - ۲۲۶۸ - ۲۲۸۴ - ۲۳۶۸ - ۲۳۷۰
۲۳۷۱ - ۲۳۷۴ - ۲۳۷۶ - ۲۴۲۸ - ۲۴۷۸
۲۵۸۹-۲۵۹۳-۲۶۴۱
ارس (شهر) : ۱۲۸۱
ارشادا : ۵۴۷
ارشکیه : (ری)
ارکادرس . ۵۳۲
ارکسارت (سیحون) : ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ ورجوع به
آراکس‌سیحون‌شود
ارکسانت : ۱۷۰۲

ارگله (هراکله) : ۲۱۳۳-۲۱۳۴
ارمنستان : ۹ - ۳۶ - ۴۸ ۹۳ تا ۹۹ - ۱۰۶ -
۱۲۹-۱۴۲-۱۴۵-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۴-۲۱۶ -
۲۶۱-۲۹۶-۳۰۸تا۳۱۶-۳۲۸-۳۶۳ -۳۷۶-
۳۷۷-۴۶۵-۵۴۲-۵۴۳-۵۷۸-۶۱۷- ۶۵۵-
۶۹۲-۷۳۷-۹۳۴-۹۵۷ -۱۰۶۹-۱۰۷۳ -
۱۰۷۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۱۱۵ -
۱۱۶۶ -۱۱۸۹- ۱۲۶۲- ۱۳۷۲ - ۱۳۸۰ -
۱۳۸۱ -۱۳۹۵ - ۱۳۹۸-۱۴۵۲- ۱۴۶۶ -
۱۴۹۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۶۹-۱۵۷۱-۱۵۹۶-
۱۶۳۸- ۱۶۸۹ - ۱۷۸۲-۱۹۱۸ -۱۹۲۳ -
۱۹۶۷ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۲-۱۹۸۴-۱۹۹۴ -
۲۰۱۳- ۲۰۵۹ -۲۰۶۹-۲۰۸۱- ۲۰۸۳-
۲۰۸۸-۲۰۹۵-۲۱۰۲ -۲۱۲۵ - ۲۱۲۶ -
۲۱۲۸ - ۲۱۳۶ - ۲۱۲۸ -۲۱۳۶-۲۱۳۸ -
۲۱۴۱ - ۲۴۱۵ - ۲۱۷۴ ۲۱۸۱- ۲۲۲۱-
۲۲۳۱ - ۲۲۳۸ - ۲۲۶۶ تا ۲۲۷۵ -
۲۲۷۷ - ۲۳۷۹ تا ۲۳۹۱ - ۲۳۰۱ -
۲۳۰۴ - ۲۳۰۵ - ۲۳۱۸ - ۲۳۲۲ -
۲۳۲۳ - ۲۳۲۵-۲۳۲۷ - ۲۳۲۹ -۲۳۳۱-
۲۳۳۵-۲۳۳۸ -۲۳۳۹ - ۲۳۵۲تا ۲۳۵۹ -
۲۳۶۴ - ۲۳۶۵ -۲۳۶۸-۲۳۶۹ -۲۳۷۳ -
تا ۲۳۷۷ - ۲۳۸۴ - ۲۳۸۵ - ۲۳۸۷ -
تا ۲۳۹۵-۲۳۹۶- ۲۳۹۷- ۲۳۹۸ -۲۳۹۹-
۲۴۰۱ تا ۲۴۰۳-۲۴۰۶-۲۴۰۷تا ۲۴۰۹-
۲۴۱۳-۲۴۱۵ - ۲۴۱۶- ۲۴۱۷ تا۲۴۵۳-
۲۴۵۷ - ۲۴۵۹ - ۲۴۶۰-۲۴۶۱ -۲۴۶۳-
۲۴۶۴ - ۲۴۶۵ - ۲۴۶۹ - ۲۴۷۰-۲۴۷۱-
۲۴۷۴ - ۲۴۸۱ - ۲۴۸۵-۲۴۸۷-۲۴۹۰ -
۲۴۹۱- ۲۴۹۵ تا ۲۵۰۳- ۲۵۰۴- ۲۵۰۵-
۲۵۰۹ - ۲۵۱۶ - ۲۵۱۷- ۲۵۱۹-۲۵۲۳-
۲۵۷۳- ۲۵۸۲ - ۲۵۸۷-۲۵۸۹ تا ۲۵۹۹ -
۲۶۰۱ تا ۶۱۹ - ۲۶۲۱ ۲۶۲۲ - ۲۶۲۳ -
۲۶۲۴- ۲۶۲۵- ۲۶۲۹- تا ۲۶۴۱ -۲۶۴۴

۲۶۴۵_۲۶۵۲_۲۶۵۳_۲۶۸۸_۲۶۸۹
ارمنستان‌کوچك : ۲۲۷۷رجوع به‌سوفن‌شود
ارمین (ارمینا) ، (ارمنستان)
ارواد : ۴۴۲
اروپا: ۹م_۱۳م_۱۶م_۴۹م_۷۵تا۹۱م۱۰۴م_۱۳۲م
۱۳۶م_۸تا ۱۰_ ۱۲_۱۶_۲۵_۳۴_۴۴_۴۶_
۴۹_۵۳_۵۴_۶۳_۹۲ _ ۱۰۰_ ۱۲۴ _ ۱۲۸
۱۴۳_۱۴۴_۱۵۰_۱۵۲_ ۱۵۶_۲۴۳_ ۴۵۰_
۵۷۷_۵۹۵_۶۰۱_۷۰۵_۷۰۹_۷۲۶_۷۷۱_
۸۱۷_۸۲۰_۸۲۱_۸۲۷_۸۸۷_۸۸۸ _۲۱۰_
۱۲۱۷_۱۲۴۵_۱۲۸۰_ ۱۲۸۲_ ۱۳۰۸ _
۱۳۹۸ _ ۱۴۰۰ _ ۱۴۹۳_ ۱۷۱۲ _ ۱۷۱۴_
۱۷۸۰_ ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۲_۱۸۹۴ _ ۱۸۹۵_
۱۹۱۱_۱۹۲۸_۱۹۶۷ _ ۱۹۷۱ _ ۱۹۷۷ _
۲۰۰۳ _ ۲۰۲۴ _ ۲۰۲۶_۲۰۳۱_۲۰۶۸_
۲۱۱۹_۲۱۳۹ _ ۲۱۴۷ _ ۲۲۰۲ _۲۳۵۵_
۲۵۸۱_۲۶۵۴ _ ۲۶۹۹
ارناودستان : ۲۴۷۸
اروخوس : ۷۹۸
ارومیه : (اورمیه)
ارونت : ۱۳۸۰_۱۳۸۱
ارونتس : ۱۷۸_۲۳۳۵_۲۳۴۳
اریتره (دریای احمر): ۳۵_۵۰_۱۴۹_۲۸۷_۲۸۹_
۴۴۸_ ۴۶۲_ ۴۶۳_ ۴۸۸_ ۵۰۹_ ۶۵۹_
۷۳۷_ ۷۴۰_ ۸۳۹_ ۸۴۱_ ۸۴۳_ ۹۱۵_
۱۴۹۱_۱۵۳۷_ ۱۷۸۲_ ۱۸۶۵
اریتره (خلیج فارس) : ۶۳۱
اریترهٔ دوم (دریای عمان) : ۴۶۳
اری دان ، ۶۳۶
اری دو : ۳۸۲
اریس تیس : ۱۲۰۸
اریند : ۲۴۱۶ _ ۲۴۱۷
ازمیر ۲۸۸_ ۱۲۶۴_ ۲۰۹۹
ازیدا : ۴۷۶
اژس ، ۹۱۴_ ۱۱۹۲_ ۱۱۹۵ _ ۱۲۰۶
اژه (دریا، بحر الجزائر) : ۲۰_ ۲۱_ ۵۱۶_
۵۹۴_ ۶۹۲_ ۷۲۸_ ۸۷۰_ ۱۹۲۲_ ۲۱۰۴
اژین : ۶۶۳_ ۸۰۱_ ۸۰۵_ ۸۰۶_ ۸۳۰_۸۶۱_
۱۸۲۷
اساك : ۲۶۴۲
اساك هیل : ۳۸۱_ ۳۹۱_ ۴۷۶_ ۶۹۹_ ۱۳۹۷
اسپارت : ۷۴ _ ۲۷۴ _ ۲۷۶ _ ۲۸۹ _ ۲۹۰ _
۶۳۷_ ۶۴۲_ ۶۴۳_ ۶۴۴_ ۶۶۳_ ۶۶۴_
۶۶۵_ ۶۶۶_ ۶۶۷_ ۶۶۸_ ۶۷۱_ ۶۸۵_
۷۰۴_ ۷۵۵ _ ۸۱۸_ ۷۶۴_ ۷۶۵_ ۷۷۷_
۷۷۹_ ۷۸۱ _۷۸۴_ ۷۸۵_ ۸۳۰_ ۸۳۲_
۸۳۶_ ۸۳۸_ ۸۳۹_ ۸۵۲_ ۸۹۴_ ۸۹۵_
۸۹۶_۹۱۷ _ ۹۲۲_۹۲۳_۹۴۱_۹۴۲_ ۹۶۵_
۹۶۶_ ۹۶۷_ ۹۷۰_ ۹۷۲_ ۹۷۳_ ۹۷۴_
۹۷۶_ ۹۷۸_ ۹۷۹_ ۹۸۰_ ۹۸۱ ۹۸۲_
۹۸۳_ ۹۸۴_ ۹۸۵_ ۹۸۶_ ۹۹۹_ ۱۰۲۵_
۱۰۲۶ _ ۱۰۹۵ _ ۱۰۹۹ _ ۱۱۰۱_
۱۱۰۲_ ۱۱۰۳_۱۱۰۵_ ۱۱۰۶ _ ۱۱۰۷_
۱۱۰۸_ ۱۱۱۰_۱۱۱۱_ ۱۱۱۳ _ ۱۱۱۴_
۱۱۱۶_ ۱۱۱۷_۱۱۱۹ _ ۱۱۲۰_ ۱۱۲۲_
۱۱۲۲_ ۱۱۴۰_۱۱۴۱ _ ۱۱۴۹ _ ۱۱۵۰_
۱۱۵۱_ ۱۱۹۸ _ ۱۳۲۹_ ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴_
۱۵۱۴_ ۱۶۲۷ _ ۱۶۲۷_ ۱۶۳۸_ ۱۷۸۱_
۱۸۵۰_ ۲۰۷۹_۲۱۴۰
اسپانیا (ایبری) : ۲۵م_۱۳_۲۷_۹۲_۳۷۹_۱۸۶۶
۱۹۱۷_ ۱۹۴۲_ ۲۱۴۱_ ۲۳۳۲_ ۲۳۳۸_
۲۳۷۸_ ۲۵۸۵ ورجوع به ایبری شود
اسپرخیوس : ۷۸۴
استاندال : ۲۷۱۹
استخر : ۶۵_۱۰۳_۱۴۴_۱۵۱۶_۱۵۷۷_۱۵۷۹_
۱۵۹۴_ ۲۵۲۹_ ۲۵۳۰_ ۲۵۴۱_ ۲۵۴۸_
۲۵۹۰_ ۲۵۹۱
استر آباد: ۴۸م_۱۱۴_۱۳۳_۱۶۵_۱۴۳۰_۱۴۹۲

۱۶۲۰_ ۱۶۲۳ و رجوع به زادکرت شود
استراسبورك : ۹۶۳_ ۱۱۳۱
اسد آباد : ۱۷۹
اسران : ۸۸_۲۰۸۷_۸۸_ ۲۰۸۸_ ۲۱۱۳
اس‌سا ، ۷۵۲_ ۷۶۸
اسفراین : ۲۱۸۶
اسکاندیناو : ۹
اسکولاپ (معبد): ۱۹۰۵_ ۱۹۰۶
اسکندرون ، ۱۰۰۵_ ۱۳۰۶
اسکندریه (مصر): ۷۷_ ۹۱_ ۹۳_ ۱۱۰_۱۲۱۶_
۱۳۵۷ _ ۱۳۵۸_ ۱۹۱۶_ ۱۹۴۱_ ۱۹۷۱_
۲۰۳۴_ ۲۰۶۳_ ۲۱۱۱_ ۲۱۱۴_ ۲۱۵۳_
۲۱۵۴_ ۲۱۵۵ _ ۲۱۵۶_ ۲۱۶۱_ ۲۱۶۲_
۲۱۷۵_ ۲۱۷۶ - ۲۱۷۷_۱۲۸۱_ ۲۲۱۳_
۲۲۱۴- ۲۳۷۴_ ۲۴۵۴
اسکندریهٔ اقصی : ۱۷۰۶
اسکندریهٔ اقیانوس هند : ۱۸۵۷_ ۱۸۶۲
اسکندریهٔ ایسوس : ۲۱۱۱
اسکندریه باختر : ۱۷۶۴
اسکندریه پاراپامیز : ۱۷۷۷
اسکندریهٔ ماد : ۱۶۸۸_ ۱۶۸۹
اسکندریه مالیان : ۱۸۴۳
اسکیروس : ۱۱۱۸
اسکی شهر ، (نیگران ثرت)
اسلامبول : ۱۲م_ ۵۳_ ۹۳۷_ ۹۲۴۸_ ۲۲۷۰
اسلامبول (خیابان) : ۵۳م -
اسیدا : ۳۹۱
اسیس‌دان : ۲۵۹۵_ ۲۵۹۶
اش‌نوتاك : ۳۸۷
اشور : (آسور)
اصطخر : (استخر)
اصفهان(گابی‌ین) : ۳م _ ۴م _۴۶م_۱۰۳_۱۴۷_
۶۹۱ _ ۱۴۳۰_ ۱۴۷۳ _ ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲_
۱۵۶۷ _ ۲۰۱۵ _ ۲۲۳۱_ ۲۵۳۲_ ۲۵۴۱_
۲۵۴۷_ ۲۵۶۸ _۲۵۶۹ _ ۲۵۷۰ _ ۲۵۷۷_
۲۶۴۰
اطاق فرهاد : ۲۲۱
اطریش : ۲۳م -
اطلس (اوقیانوس) : ۲۷_ ۱۰۳_ ۲۶۱۴
اطلس (کوه) : ۱۸۷۶
افسس : ۲۸۷ _۲۸۹ _ ۶۴۶ _ ۶۶۷ _ ۸۶۳ _
۹۴۲_۹۸۱ _ ۱۰۲۵_ ۱۰۴۱ _ ۱۰۹۹_۱۱۰۳_
۱۱۱۳ _ ۱۲۱۶ _ ۱۲۶۲ تا ۱۲۶۴ _ ۱۴۸۹
۱۵۵۸ _۱۹۹۹ _ ۲۰۴۷ _ ۲۰۴۹ _ ۲۱۳۹
افغانستان(پاراپامیزاد) : ۱۴۵ _ ۱۵۲ _ ۱۵۶ _
۵۴۷ _ ۱۴۵۳ _ ۱۶۸۹_۱۶۹۰ _ ۱۸۵۵ _
۱۹۷۳ _ ۲۲۱۴ _ ۲۲۱۵ _ ۲۲۶۰_ ۲۶۴۱_
۲۷۲۱ _
اقیانوسیه : ۱۰
اکاترینوسلاو : ۶۱۵
اکد: ۶۴_۱۱۳ _ ۱۱۵_۱۱۷ _ ۱۱۹ _۱۲۰_۱۲۶
۱۳۳ _ ۱۸۸ _ ۱۸۹ _ ۱۰۲ _ ۳۸۳_۳۸۶_
تا ۳۸۹ _ ۳۹۱ _ ۴۴۲ _ ۱۶۰۵ _۲۰۹۷ _
۲۴۷۲
اك رگما : ۲۰۳۳
اکسفورد : ۴۹
اکسوس (جیحون ، وخش) ۱۴۸ _ ۱۶۹۴ تا
۱۶۹۸ _ ۱۹۱۷ _ ۲۲۰۵ ورجوع به‌جیحون‌شود
اکسیارتس : ۱۷۳۵ _ ۱۷۳۶ _ ۱۷۴۰
اکسی‌دراك : ۱۸۰۰ _ ۱۸۲۱
اکسی کانوس ، ۱۸۳۴ _ ۱۸۴۲ -
اگال: ۸۱۵
اگده : ۳۳
اگس پتاموس : ۸۷۱ _ ۹۸۳ _ ۱۱۱۱
اگین (ازین) : ۷۷۰
الاته : ۷۹۸ _ ۱۲۰۱
ال انت ، ۸۷۰ _ ۱۲۳۷ _ ۱۲۴۵
البا : ۲۱۰۳

البرز : ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۵۶ - ۲۷۹ - ۲۲۱۰-
۲۲۱۷ - ۲۲۱۸
الجزایر : ۲۳م-۱۹۴
الحضر (هاترا) ۲۴۸۲-۲۴۸۴تا۲۴۸۷ - ۲۵۰۵
۲۵۰۶ -۲۵۰۷ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۱ - ۲۵۱۲
-۲۵۱۳-۲۵۱۴-۲۵۱۵-۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ -
۲۵۶۹ ۲۶۴۰ -۲۶۵۳ - ۲۷۰۲ -۲۷۰۸-
۲۷۰۹ - ۲۷۱۰-۲۷۱۱ - ۲۷۱۳ - ۲۷۱۴
۲۷۱۵ - ۲۷۱۶ -۲۷۱۷- ۲۷۲۱ - ۲۷۲۲
الران : (اران)
الفان تین : ۴۹۳ -۵۰۶ - ۵۷۲ - ۹۶۲ -۹۶۴-
۱۵۵۴ - ۱۵۷۵
الك سیری : ۲۱۲۲
الگیا : ۲۴۹۷ - ۲۴۷۵
المپ : ۶۹ - ۶۲۴ - ۷۳۵ - ۷۵۲ - ۷۶۷ -
۷۶۸-۷۹۷-۸۰۰-۱۱۹۰- ۱۲۱۶ - ۲۶۸۹
النت : ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۷۴۴
الوترا : ۲۴۵
الوزیس (الوسیس،الوزین) ۸۰۸ - ۸۴۱ -۸۵۷
الوند ، ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۶۱۲
اله : ۸۶۱ - ۸۴۶
الیا : ۲۴۸۱
الیپی :۱۷۸ - ۲۲۷
الی ما ایس (خوزستان) : ۲۲۱۶
الی می :۱۳۸۷
امدانه : ۱۷۸ و رجوع به‌همدان شود
اموس (کوه) : ۱۲۲۷
اناهیتا (معبد) : ۲۲۰۹ و رجوع به ناهیدشود
انزان : ۱۱۶ - ۲۰۳ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۰ -
۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۸۶ - ۳۸۶ - ۳۸۹ - ۳۹۰-
انزان سوسونکا : ۱۳۱
انزلی : ۱۳م-۵۲م-۱۱۵م
انشان : (انزان)
انطاکیه : ۸۹ - ۱۰۶-۲۰۶۳ - ۲۰۸۰ - ۲۰۹۵
۲۰۹۶ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۶ -
۲۰۱۷-۲۱۱۱-۲۱۱۲-۲۱۱۳ - ۲۱۱۴ -
۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ -۲۱۶۲ -۲۱۸۰
۲۱۸۱ - ۲۲۰۲- ۲۲۰۴ - ۲۲۱۳ -۲۲۳۹
۲۲۴۱ - ۲۳۳۶ - ۲۴۰۸ - ۲۴۸۰ -۲۴۸۱
۲۴۹۸ - ۲۵۲۰ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۹ -۲۵۹۵
انطاکیهٔ خاراکس : ۲۱۱۳
انطاکیهٔ کالی‌ره : ۲۱۱۳
انگلستان : ۵۲ -۵۳ - ۶۰ - ۶۹۵
ان ناتوم : ۱۱۵
انی‌سی(رود) : ۲۲۵۱
او به : ۶۴۰ - ۶۷۰ - ۷۷۰ - ۷۹۰ تا ۷۹۲ -
۷۹۴ تا ۷۹۷ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۱۳ -
۸۶۶ - ۱۲۸۱ - ۱۳۸۱
اوتی دمیا (چاکله) : ۲۱۱۸
اوچ‌کلیسا : ۴۸ - ۱۸۳۰
اودی : ۲۵۹۳
اور : ۵۴ - ۱۱۳ - ۱۱۷ - ۱۳۲ - ۳۸۲
اورا : ۸۵۱ - ۸۵۲
اوراتپه : ۱۷۰۶
اوررا : ۲۶۲۹ و رجوع به‌ادس شود
اورادو : ۲۲۶۹ - ۲۲۷۰
اورامان : ۲۶۹۶
اورال : ۱۱-۳۳ - ۲۱۱۸
اورپس : ۲۱۱۲ - ۲۱۱۴
اورس : ۱۸۵۹ -۱۸۶۹
اورشلیم(بیت‌المقدس): ۸۰ -۸۹-۱۸۳ -۱۹۳ -
۳۹۵ -۳۹۸ - ۴۰۰ تا۴۰۲ - ۴۷۶ -۹۴۵
تا ۹۵۰ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۱۱۵۹ تا۱۱۶۳
۲۰۸۶ - ۲۰۹۶ -۲۲۶۸-۲۳۴۳ - ۲۴۰۸-
۲۴۳۰-۲۴۵۵-۲۵۴۵-۲۵۴۷-۲۵۵۰-۲۵۶۰
۲۵۶۶ -۲۵۶۷ - ۲۵۶۹ - ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲
۲۵۷۳ - ۲۵۷۹
اورفا (اورفه) : ادس

اورگنج :۱۴۷
اورمیه : ۱۴۵ ـ ۱۴۸ ـ ۱۷۱ ـ ۱۷۳ ـ ۱۸۲ ـ ۲۲۷ ـ ۲۶۲۴
اوروپوس : ۲۴۹۸
اوری تیان : ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۷ ـ ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۳
اوریپ : ۷۷۰ ـ ۷۹۴
اوری مدن : ۹۲۶
اوس پرید (بن غازی) : ۵۶۵ ـ ۵۷۲ ۵۷۵
اوشاگان : ۲۶۱۶
اوکرن ۰ ۲۴۵۸
اوکراتید، ۲۲۶۰ ـ ۲۲۶۱
اوکسیارت : ۱۹۱۷
اوکسیان : ۱۴۰۹ ـ ۱۴۱۰ ـ ۱۴۱۲ ـ ۱۴۱۳
اوگی‌بی : ۱۶۰۷ ـ ۱۶۰۸
اوله اوس (کرخه) : ۱۵۴۶ ـ ۲۰۱۱ ـ ۲۲۱۳
اوهیا : ۵۴۳
اهواز : ۱۳۰ ـ ۱۴۷ ـ ۲۵۶۹
ایبر ناری : ۱۶۰۵ ـ ۱۶۰۷
ایبری (اسپانیا) ۹۳ ـ ۲۹۳ – ۸۷۵ ـ ۱۴۵۶ ـ ۱۴۵۷ ـ ۱۹۷۱ ـ ۲۲۷۱ ـ ۲۴۳۶ ـ ۲۴۷۸
ایبری (گرجستان) : ۹۸ ـ ۲۳۵۴ ـ ۲۴۰۱
ایپسوس: ۱۹۱۹ ـ ۲۰۵۰ ـ ۲۰۵۵ ـ ۲۰۵۹ ـ ۲۰۹۳ـ۲۰۹۴ ـ ۲۱۳۲ ـ ۲۱۳۳
ایپن : ۷۷۳
ایتالیا : (ایطالیا)
ای توره‌آ : ۲۳۴۶
ای‌دا : ۷۲۳ ـ ۱۰۹۳ ـ ۱۲۴۲
ای دریه : ۱۱۶۹
ایدومه: (یهودیه)
ایران : در بسیاری از صفحات .
ایران واج : ۱۵۶
ایرج (قلعه) ۲۲۱۷
ایروان : ۲۲۸۵ ـ ۲۶۰۸
ایریس : ۲۱۳۲ ـ ۲۱۲۳
ایزمید : ۲۱۵۲
ایزی توش : ۵۴۳
ایستم : (کرنت)
ایس دن : ۴۴۶ ـ ۴۴۷ ـ ۵۸۴ ـ ۵۸۶
ایستر (دانوب) : ۴۴۶ ـ ۵۷۷ ـ ۵۹۶ ـ۵۹۵ ـ ۵۹۸ ـ ۶۰۱ ـ ۶۰۳ ـ ۶۰۹ـ ۶۱۰ ـ ۶۱۵ ـ ۶۲۰ ـ ۱۲۲۸ ـ۱۲۲۹ ـ ۱۳۶۶ ـ ۱۴۰۷ ـ ۱۷۰۸ـ ۱۷۸۲ ـ ۲۴۵۸
ایستر وپولیس : ۱۵۱۰
ایسوس : ۱۶۳ ـ۲۰۵ـ۱۰۰۱ ـ ۱۰۰۵ ۱۰۲۶ ـ ۱۳۰۱ ـ ۱۳۰۲ ـ ۱۳۰۳ ـ ۱۳۰۴ ـ ۱۳۰۵ ـ ۱۳۰۶ ـ ۱۳۰۷ـ ۱۳۰۹ ـ۱۳۱۵ ـ ۱۳۱۶ ـ ۱۳۲۶ ـ ۱۳۲۷ ـ ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹ ـ ۱۳۴۵ ـ ۱۳۴۶ ـ ۱۳۶۳ ـ ۱۳۷۰ـ ۱۳۷۱ ـ ۱۳۹۰ ـ ۱۴۰۰ ـ ۱۴۰۲ـ ۱۴۰۴ ـ ۱۴۴۷ـ۱۴۴۸ ـ ۱۴۶۶ ـ ۱۴۸۴ ـ ۱۶۷۴ ـ ۱۷۶۳ـ ۱۷۹۱ ـ ۱۸۱۴ ـ ۱۹۴۶ ـ ۲۱۷۲
ایشن : ۲۴۱۲
ایطالیا : ۱۳ـم۲۳ ـ ۲۳ ـ۲۸ ـ۳۶ ـ ۸۴ ـ ۹۰ ـ ۱۳۵ـ ۵۶۲ـ ۶۳۶ ـ ۷۵۷ – ۷۵۹ ـ ۹۴۲ ـ ۱۰۸۹ ـ ۱۱۴۹ ـ ۱۴۸۶ ـ ۱۷۳۲ ـ۱۸۶۶ ـ ۱۹۴۲ ـ ۱۹۴۵ ـ ۱۹۴۶ ـ ۲۰۱۶ ـ ۲۰۲۶ـ ۲۰۲۸ ـ ۲۰۴۵ـ ۲۰۴۸ ـ ۲۰۷۹ ـ ۲۱۳۶ ـ ۲۱۴۰ ـ ۲۱۴۵ـ۲۱۸۰ ـ ۲۱۸۱ ـ ۲۲۸۱ـ ۲۳۱۴ ـ۲۳۲۴ ـ ۲۳۳۸ ـ ۲۳۴۱ ـ ۲۳۶۴ ـ ۲۴۳۹ ـ ۲۴۵۵ ـ ۲۴۹۲ ـ ۲۵۰۱ ـ ۳۵۰۸ ـ ۲۶۱۴
ایکار (جزیره) : ۱۹۲۲
ایکاری : ۶۶۸
ای کونیوم : ۱۰۰۰
ایلیریه : ۲۴۳ـ۶۲۰ـ۱۱۹۰ـ ۱۱۹۱ ـ ۱۱۹۴ ـ ۱۱۹۵ ـ۱۱۹۶ـ ۱۱۹۷ ـ ۱۲۱۷ ـ ۱۲۲۹

۱۲۴۷ ـ ۱۳۰۷ ـ ۱۸۰۷ ـ ۱۸۴۰ ـ ۱۹۱۱
۱۹۸۴ ـ ۲۰۳۱ ـ ۲۰۷۹ ـ ۲۱۶۳
ایلیسوس : ۷۷۴
ایلیوپلیس : ۱۱۰ ـ ۵۰۶ ـ ۱۳۵۳
ایلیون : ۱۹ ـ ۶۵۱ ـ ۱۲۴۶
ایمائوس : ۲۴۵۸
ایمبروس: ۶۲۶ ـ ۶۲۹ ـ ۶۹۲
ایندیکا : ۷۳
این شان : ۲۲۵۱
ایوان کی : ۲۲۱۸
ایوك : ۳۷
ایون : ۷۱۶ ـ ۷۴۷ ـ ۷۴۹ ـ ۸۲۳ ـ ۸۲۴ ـ ۹۴۳

ب

باب‌الابواب (دربند قفقاز) : ۲۴۰۲ ـ ۲۴۵۹
باب‌المندب : ۶۳۰ ـ ۱۴۹۱
بابل : ۱۷ ـ ۲۵ تا ۲۹ ـ ۳۲ تا ۳۵ ـ ۳۹ ـ ۴۸ ـ
۵۰ ـ ۵۱ ـ ۵۳ تا ۵۶ ـ ۵۹ ـ ۶۱ تا ۶۴ ـ ۶۵ ـ
۶۷ تا ۶۹ ـ ۷۶ ـ ۹۳ ـ ۱۰۷ ـ ۱۰۸ ـ ۱۱۰ تا
۱۱۴ ـ ۱۱۹ ـ ۱۲۰ ـ ۱۲۳ تا ۱۳۰ ـ ۱۳۳ تا
۱۴۰ ـ ۱۵۷ ـ ۱۵۹ ـ ۱۶۵ ـ ۱۷۴ ـ ۱۷۵ ـ ۱۷۷ ـ
۱۷۸ ـ ۱۸۶ تا ۱۹۴ ـ ۱۹۶ تا ۱۹۹ ـ ۲۰۱ تا
۲۰۳ ـ ۲۰۶ ـ ۲۰۹ ـ ۲۱۱ ـ ۲۱۲ ـ ۲۱۴ ـ ۲۲۴ ـ
۲۲۸ ـ ۲۳۰ ـ ۲۳۱ ـ ۲۵۸ ـ ۲۶۱ ـ ۲۶۴ ـ ۲۶۸ ـ
۲۷۵ ـ ۲۷۶ ـ ۲۸۵ ـ ۲۹۶ ـ ۳۰۴ ـ ۳۲۰ ـ ۳۳۱
تا ۳۳۵ ـ ۳۳۷ ـ ۳۴۲ ـ ۳۴۴ ـ ۳۴۷ ـ ۳۷۱ ـ
۳۷۲ ـ ۳۷۴ ـ ۳۷۵ ـ ۳۷۶ ـ ۳۷۷ ـ ۳۷۸ ـ ۳۷۹
۳۸۰ ـ ۳۸۱ ـ ۳۸۲ ـ ۳۸۳ ـ ۳۸۴ ـ ۳۸۵ ـ ۳۸۶ ـ
۳۸۷ ـ ۳۸۸ ـ ۳۸۹ ـ ۳۹۰ ـ ۳۹۱ ـ ۳۹۲ ـ ۳۹۳ ـ
۳۹۴ ـ ۳۹۵ ـ ۳۹۷ ـ ۳۹۸ ـ ۳۹۹ ـ ۴۰۱ ـ ۴۰۲ ـ
۴۰۳ ـ ۴۰۴ ـ ۴۰۵ ـ ۴۰۷ ـ ۴۰۸ ـ ۴۱۰ ـ ۴۳۷
۴۳۸ ـ ۴۳۸ ـ ۴۴۰ ـ ۴۴۲ ـ ۴۴۳ ـ ۴۴۶ ـ ۴۵۴ ـ
۴۵۷ ـ ۴۵۹ ـ ۴۶۰ ـ ۴۶۲ ـ ۴۶۳ ـ ۴۷۰ ـ ۴۷۱ ـ
۴۷۵ ـ ۴۷۶ ـ ۴۷۷ ـ ۴۸۰ ـ ۴۸۳ ـ ۴۸۸ ـ ۵۰۵ ـ
۵۳۰ ـ ۵۴۶ ـ ۵۳۸ ـ ۵۳۹ ـ ۵۴۴ ـ ۵۴۷ ـ ۵۴۸ ـ
۵۴۹ ـ ۵۵۰ ـ ۵۵۱ ـ ۵۵۲ ـ ۵۵۳ ـ ۵۵۴ ـ
۵۵۵ ـ ۵۷۱ ـ ۵۷۸ ـ ۶۲۸ ـ ۶۵۰ ـ ۶۸۳ ـ ۶۸۸ ـ
۶۹۲ ـ ۶۹۵ ـ ۶۹۹ ـ ۷۰۰ ـ ۷۰۱ ـ ۷۳۲ ـ ۹۲۹ ـ
۹۳۴ ـ ۹۴۵ ـ ۹۴۶ ـ ۹۴۹ ـ ۹۵۰ ـ ۹۵۱ ـ ۹۵۴ ـ
۹۸۷ ـ ۱۰۰۹ ـ ۱۰۱۰ ـ ۱۰۱۲ ـ ۱۰۲۸ ـ
۱۰۹۷ ـ ۱۱۵۹ ـ ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۱ ـ ۱۱۶۹ ـ
۱۱۷۹ ـ ۱۱۸۳ ـ ۱۰۴۱ ـ ۱۰۴۶ ـ ۱۰۴۸ ـ ۱۰۶۹
۱۲۴۳ ـ ۱۲۹۲ ـ ۱۲۹۵ ـ ۱۲۹۸ ـ ۱۳۰۹ ـ ۱۳۲۶
۱۳۶۹ ـ ۱۳۷۰ ـ ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۵ ـ ۱۳۷۶ ـ
۱۳۸۰ ـ ۱۳۹۱ ـ ۱۳۹۵ ـ ۱۳۹۶ ـ ۱۳۹۷ تا
۱۳۹۹ ـ ۱۴۰۵ ـ ۱۴۰۶ ـ ۱۴۲۱ ـ ۱۴۲۲ ـ
۱۴۲۹ ـ ۱۴۳۱ ـ ۱۴۴۷ ـ ۱۴۵۶ ـ ۱۴۷۳ ـ ۱۴۷۶
۱۴۷۷ ـ ۱۴۷۸ ـ ۱۴۸۰ ـ ۱۴۸۳ ـ ۱۴۸۴ ـ
۱۴۸۷ ـ ۱۴۹۱ ـ ۱۴۹۲ ـ ۱۴۹۳ ـ ۱۴۹۷ ـ
۱۴۹۹ ـ ۱۵۵۷ ـ ۱۵۰۹ ـ ۱۵۱۰ ـ ۱۵۱۳ ـ
۱۵۱۴ ـ ۱۵۱۸ ـ ۱۵۲۷ ـ ۱۵۲۹ ـ ۱۵۳۰ ـ
۱۵۳۱ ـ ۱۵۳۲ ـ ۱۵۳۳ ـ ۱۵۴۶ ـ ۱۵۵۴ ـ
۱۵۶۰ ـ ۱۵۶۹ ـ ۱۵۷۱ ـ ۱۵۷۲ ـ ۱۵۷۵ ـ
۱۵۷۶ ـ ۱۵۷۷ ـ ۱۵۷۹ ـ ۱۵۸۸ ـ ۱۵۹۳ ـ
۱۵۹۶ ـ ۱۶۰۳ ـ ۱۶۰۵ ـ ۱۶۰۶ ـ ۱۶۲۷ ـ
۱۷۲۵ ـ ۱۷۶۵ ـ ۱۸۶۶ ـ ۱۸۷۹ ـ ۱۸۸۱ ـ
۱۸۸۲ ـ ۱۹۰۲ ـ ۱۹۰۵ ـ ۱۹۰۶ ـ ۱۹۰۷ ـ
۱۹۰۸ ـ ۱۹۰۹ ـ ۱۹۱۰ ـ ۱۹۱۱ ـ ۱۹۱۲ ـ
۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۵ ـ ۱۹۱۶ ـ ۱۹۱۷ ـ ۱۹۱۸ ـ
۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۰ ـ ۱۹۲۱ ـ ۱۹۲۳ ـ ۱۹۲۴ ـ
۱۹۲۶ ـ ۱۹۲۷ ـ ۱۹۳۰ ـ ۱۹۳۱ ـ ۱۹۳۵ ـ
۱۹۳۷ ـ ۱۹۴۶ ـ ۱۹۶۰ ـ ۱۹۶۱ ـ ۱۹۶۴ ـ
۱۹۶۸ ـ ۱۹۶۹ ـ ۱۹۷۳ ـ ۱۹۷۶ ـ ۱۹۸۲ ـ
۱۹۸۵ ـ ۱۹۹۴ ـ ۲۰۰۳ ـ ۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۷ ـ
۲۰۰۹ ـ ۲۰۱۱ ـ ۲۰۲۹ ـ ۲۰۳۰ ـ ۲۰۳۶
۲۰۳۷ ـ ۲۰۴۲ ـ ۲۰۴۳ ـ ۲۰۴۶ ـ ۲۰۴۷ ـ
۲۰۵۱ ـ ۲۰۵۵ ـ ۲۰۵۶ ـ ۲۰۷۹ ـ ۲۰۸۳ ـ
۲۰۹۲ ـ ۲۰۹۵ ـ ۲۰۹۶ ـ ۲۱۰۱ ـ ۲۱۰۲ ـ
۲۱۱۴ ـ ۲۲۰۴ ـ ۲۲۲۷ ـ ۲۲۲۸ ـ ۲۲۲۹ ـ

۲۲۳۱ - ۲۲۳۳ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۷ - ۲۲۳۸ -
۲۲۴۴ - ۲۲۴۵ - ۲۲۴۷ - ۲۲۶۸ - ۲۲۶۹ -
۲۲۷۱ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۹ - ۲۳۶۴ -
۲۴۰۴ - ۲۴۰۸ - ۲۴۰۹ - ۲۴۱۰ - ۲۴۱۱ -
۲۴۶۸ - ۲۴۷۲ - ۲۴۷۳ - ۲۴۸۲ - ۲۴۹۹ -
۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۳ - ۲۵۰۵ -
۲۵۱۰ - ۲۵۱۶ - ۲۵۲۴ ۳۵۶۸ - ۲۵۶۹ -
۵۵۸۴ - ۲۵۹۵ - ۲۵۹۶ - ۲۶۰۵ - ۲۶۴۰ -
۲۶۴۸ - ۲۶۵۱ - ۲۶۵۸ - ۲۶۷۸ - ۲۶۸۰ -
۲۶۸۲ - ۲۶۸۳ - ۲۶۸۹ - ۲۶۹۶ - ۲۶۹۷ -
۲۶۹۸ - ۲۷۰۰ - ۲۷۱۵ - ۲۷۱۸ - ۲۷۲۲

بابیروش، بابل

باپ‌تانه : ۱۵۶۸

باتنه: ۲۴۷۹

باختر: (باختریش) ۶۵-۱۵۶-۲۲۰-۲۶۰-۳۷۵-
۴۵۴-۴۸۲-۵۳۷-۵۴۵-۶۹۱-۸۹۲-۹۰۴-
۹۵۴-۹۶۰-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۶۶-۱۳۶۹
۱۳۷۹-۱۴۲۹-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۴-
۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۳
۱۴۴۵-۱۴۵۲-۱۴۷۳-۱۴۹۲۱۵۱۱-۱۵۶۴
۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷
۱۶۱۰ - ۱۶۳۷ - ۱۶۳۰ - ۱۶۳۸ - ۱۶۵۲
۱۶۵۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۷۲ - ۱۶۸۳
۱۶۸۷ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۲ - ۱۶۹۳ - ۱۶۹۴
۱۶۹۵ - ۱۶۹۷ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۸ - ۱۷۱۰ -
۱۷۱۳ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۸ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ -
۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۵۸ - ۱۷۵۸ - ۱۷۶۲ -
۱۷۶۳ - ۱۷۶۴ - ۱۸۰۹ - ۱۸۲۰ - ۱۸۳۰ -
۱۹۱۷-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۷۰-۱۹۷۲-۱۹۹۳
۲۰۴۶ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۶ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۵
۲۰۸۰-۲۰۸۱-۲۰۸۲-۲۰۸۳-۲۰۸۴-۲۰۸۸
۲۰۹۵ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۴ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۸ -
۲۱۸۸ - ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۴
۲۲۰۵ - ۲۲۱۱ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۴

۲۲۱۵ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۵
۲۲۶۳- تا ۲۲۶۷-۲۲۸- تا ۲۲۳۱- ۲۲۵۰
۲۲۹۷ - ۲۳۳۰ - ۲۲۵۷ - ۲۲۶۰ - ۲۲۶۱
۲۳۵۴ - ۲۳۷۷ - ۲۳۷۸ - ۲۴۱۴ - ۲۴۴۰
۲۵۳۴ - ۲۵۸۴ - ۲۶۱۵ - ۲۶۱۸ - ۲۶۲۳ -
۲۶۴۰ - ۳۶۵۳ - ۲۶۷۴ - ۲۶۷۹ - ۲۶۸۱ -
۲۶۹۰ - ۲۶۹۷

باختروس (رود) ۱۶۹۳

باختریش، (باختر)

باخرز: ۲۱۸۶

باداکس، ۲۰۱۱

بادکوبه (باکو): ۱۷- ۶۲- ۱۲۳- ۲۴۵۲- ۲۶۱۵

باراتی: ۷۵۳

بارکانیا: ۲۴۱

بارن : ۲۷۹- ۲۸۵

بازریا : ۱۷۳۰

بازیر: ۱۷۷۳

باشان : ۳۴۴

باطوم: ۱۸۴- ۴۴۴- ۱۶۴۹- ۲۶۱۵

باغ سردار محتشم: ۸۷م - ۹۲م

باغشاه : ۴۱ تا ۴۷م. - ۱۲۴م.

باغهای معلق: ۱۳۹۷

باقر (قریه): ۲۶۴۲

باکتر : (باختر)

باکو، (بادکوبه)

بالتیک: ۲۶۱۴

بالخان: (بالکان)

بالکان: ۹-۲۴۳- ۶۹۱- ۱۱۹۰- ۱۱۹۳- ۱۷۰۸
۲۰۶۷- ۲۰۷۹- ۲۴۸۷

بالیسوس (جویبار): ۲۳۰۷

بانک اجی‌بی: ۵۵۳- ۵۵۴

بانک شاهنشاهی: ۶۸ م.

بامیان: ۱۵۲

بئوسی : ۵۱۲-۷۷۷- ۷۹۸- ۸۰۱- ۸۲۲- ۸۳۴

۸۳۶- ۸۴۰- ۸۴۱- ۸۴۳ - ۸۴۵ - ۸۴۹ -
۸۵۰ - ۸۵۸- ۸۵۹ - ۸۶۶ - ۸۸۳- ۹۷۴-
۱۱۲۲ - ۱۱۵۰- ۱۱۷۴- ۱۲۰۱ - ۲۲۰۲-
۱۹۷۷- ۲۰۲۷- ۲۱۴۰
بجنورد: ۲۱۸۶- ۲۶۴۲
بحرالجزایر: ۲۰- ۲۱- ۲۷- ۳۷- ۷۷ - ۳۶۲
۹۲۴- ۹۳۶- ۹۳۹ ورجوع به اژه شود
بحرالمیت: ۴۰۳
بحرین (تی‌لس): ۱۱۸- ۱۴۹- ۲۰۸۲
بخارا: ۷۳۳- ۱۴۵۲- ۱۷۱۱
بختکان: ۱۴۷- ۲۵۴۹
بختیاری (کوه): ۱۳۰- ۱۴۷- ۱۵۱۱ - ۱۵۵۵
۱۵۵۶- ۲۷۰۶
بتیلیس: ۲۱۴۲
برسیپ پا: ۵۴- ۳۹۴ - ۱۹۳۷
برقه: ۴۹۰- ۵۶۳- ۵۶۴- ۵۶۵- ۵۷۵- ۶۱۱-
۶۸۳- ۱۳۵۸- ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۷۲ -
۱۶۸۶- ۱۹۸۴
برگامو: ۲۱۵۰
برلن: ۲۳ م.- ۴۳- ۴۹- ۹۰۷- ۱۶۱۵- ۲۵۶۵-
۲۷۱۹- ۲۷۲۵
بروخی: ۲۰۸۰
بروگرد: ۱۵۶۳
برومزیوم: ۲۲۹۸
بریت: (بیروت)
بریطانیا ۴۴۳- ۲۵۰۴ ورجوع به‌انگلستان‌شود
بریستن (رود): ۵۸۳- ۶۱۵
بساتین: ۱۴۷
بسارابی: ۶۱۲- ۶۱۵
بصره: ۱۰۵- ۱۰۱- ۲۰۷
بغداد: ۵۱- ۷۵- ۱۰۱- ۱۰۳ - ۱۱۶- ۱۵۱ -
۷۵۰- ۲۱۱۳- ۲۴۲۱
بغستان: بیستون
بغستان بابلی: ۱۴۳۱- ۱۴۴۱
بل(معبد): ۲۰۸۴
بلاشان: ۲۵۵۵- ۲۵۷۷
بلخ: ۳۲- ۱۵۲- ۱۵۴۲- ۲۰۷۲- ۲۱۸۸- ۲۵۵۲
بلغار: ۱۱۳
بلوات: ۵۳
بلوچستان: ۱۱۹- ۱۳۱- ۱۴۳- ۱۴۵- ۱۵۲- ۱۵۷
۶۳۰- ۱۵۶۴- ۱۶۲۲- ۱۶۸۴- ۲۰۴۶- ۲۰۸۳
۲۲۱۴- و رجوع به‌گدروزیا شود
بلوس(معبد): ۲۱۱- ۱۲۹۵- ۱۲۹۷- ۱۹۱۰- ۱۹۱۸
بلونا (معبد): ۲۴۹۲
بلیك (رود): ۲۴۹۹
بمبئی: ۱۰۵- ۱۱۰م- ۲۵۷۷- ۲۵۷۹- ۲۶۹۳
بمپور: ۱۴۶
بمپور (رو): ۱۴۸
بهمشیر (بهمن‌شیر) ۱۴۷- ۱۹۰۱
بند امیر: ۲۲۶۸
بندرعباس: ۱۵۰۹- ۱۸۶۹
بندر لنگه: ۱۵۰۹
بن غازی (اوس‌پرید): ۵۷۵- ۶۹۱
بوباست: ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷
بوباسن: ۱۷۵۷
بوباك تیس: ۵۱۳
بوت - ۵۱۳- ۵۱۵- ۵۹۸
بوبیان: ۱۹۲۲
بوسفالی: ۱۷۹۲- ۱۷۹۳- ۱۷۹۸- ۱۸۱۹
بوسفور: ۵۹۳تا۵۹۵- ۶۰۱- ۶۱۳- ۶۲۶- ۹۳۷
۱۱۹۲- ۱۲۴۵- ۱۴۸۵- ۱۵۱۰- ۱۵۳۷ -
۱۷۰۲- ۲۱۴۸ - ۲۲۸۳
بوسفور تراکیه: ۲۴۸ - ۲۲۴۹ - ۲۲۷۰
بوسفورکیمری (بغازکرچ): ۲۱۴۶- ۲۴۷۸
بوسیریس: ۵۱۲
بوشهر: ۶۸ م - ۸۲م - ۱۳۰ - ۱۵۰۹
بوگس: ۷۴۹
بومادوس: ۱۳۷۱- ۱۳۷۸

بوملوس : (زهاب)
بومهن : ۱۰۰م
بهبهان : ۱۴۱۳ - ۲۵۳۲
به زیرا : ۱۷۷۰
بهستان :(بیستون)
بیبلس : ۸۶ - ۷۲۰ - ۹۳۱ - ۱۳۲۷ - ۱۵۱۰
۲۰۳۲
بیبلوس : (بیب لس)
بیت لحم : ۱۸۳
بیت‌المقدس : (اورشلیم)
بی تی نیه : ۸۵ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۸۷۶ - ۱۰۹۱
۱۲۴۵ - ۱۴۶۸ - ۲۰۳۲ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۹
۲۰۷۰ - ۲۰۸۲ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۴ - ۲۱۳۶
۲۱۳۹ - ۲۱۴۱ - ۲۱۴۳ - ۲۱۴۹ - تا۲۱۵۳
۲۱۶۶ - ۲۱۷۰ - ۲۲۱۷۹ - ۲۲۰۰ - ۲۲۷۴
۲۲۸۱ - ۲۲۸۲ - ۲۶۵۳
بیرس نمرود (برج) : ۵۴
بیروت : ۸۶ - ۲۳۷۱
بیزانس (روم‌شرقی) : ۲۳ - ۹۰ - ۱۶۳ - ۵۹۴
۶۱۰ - ۶۲۶ - ۶۴۶ - ۶۵۳ - ۶۵۵ - ۶۵۶
۸۶۴ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۹۷۶ - ۹۷۸ - ۱۰۰۵
۱۰۸۸ - ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۹
۱۱۶۷ - ۱۱۸۲ - ۱۲۰۰ - ۱۲۰۱ - ۱۲۱۲
۱۲۲۳ - ۱۴۲۹ - ۱۵۱۰ - ۱۵۳۳ - ۱۶۱۸
۱۹۴۵ - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۸
۲۱۲۹ - ۲۱۵۰ - ۲۱۵۲ - ۲۱۷۶ - ۲۵۴۵
۲۶۱۴ - ۲۶۲۱ - ۲۶۲۲ - ۲۶۳۷ - ۲۶۸۳
۲۷۱۴ - ۲۷۱۶
بلیس (رود) : ۱۸۰۴ - ۱۸۰۶
بیستون : ۴۶ - ۵۶ - ۱۶۸ - ۱۸۳ - ۱۸۰ - ۲۱۶ -
۲۲۰ - ۲۲۹ - ۲۳۱ - ۲۷۳ - ۳۷۷ - ۴۷۸ -
۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۵۱۶ - ۵۱۹ -
۵۳۲ - ۵۳۴ تا ۵۳۶ - ۵۳۸ - ۵۴۱ - ۵۴۸ -
۵۵۹ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۷۷ - ۵۹۲ - ۶۹۱ -
۸۷۴ - ۹۵۲ - ۹۶۰ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ -
۱۴۵۹ - ۱۴۶۱ - ۱۴۶۷ - ۱۴۹۸ - ۱۵۰۱ -
۱۵۱۴ - ۱۵۳۳ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۴ - ۱۵۶۷ -
۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۷ - ۱۶۰۳ -
۱۶۱۸ - ۱۷۰۸ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ - ۲۰۹۸ -
۲۱۲۱ - ۲۱۲۴ - ۲۱۸۳ - ۲۲۲۶ - ۲۲۸۰ -
۲۴۲۲ - ۲۶۱۱ - ۲۶۲۲ ۲۶۵۶ - ۲۷۰۴ -
۲۷۰۶ - ۲۷۱۸ - ۲۷۲۲ -
بیکنی (دماوند) . ۱۷۰
بین‌النهرین : ۸ - ۲۲ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۹ - ۴۰ - ۹۳ -
۹۶ - ۱۳۸ - ۱۴۳ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۷۹ - ۲۰۲ -
۱۳۷۱ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ -
۱۶۲۲ - ۲۰۵۹ - ۲۰۷۷ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۹ -
۲۲۹۸ - ۲۳۰۰ - ۲۳۰۱ - ۲۳۳۱ - ۲۳۷۲ -
۲۴۰۳ - ۲۴۰۴ - ۲۴۰۵ - ۲۴۰۸ -
۲۴۲۰ - ۲۴۴۳ - ۳۳۴۷ - ۲۴۶۸ - ۲۴۷۹ -
۲۴۸۰ - ۲۴۸۱ - ۲۴۸۲ - ۲۴۸۵ - ۲۴۸۷ -
۲۴۹۹ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۳ - ۲۵۰۵ -
۲۵۰۶ - ۲۵۰۷ - ۲۵۰۸ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۰ -
۲۵۱۵ - ۲۵۱۶ - ۲۵۲۴ - ۲۵۲۶ - ۲۵۲۷ - ۲۵۲۸
۲۵۲۹ - ۲۵۹۷ - ۲۶۱۳ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹ -
۲۶۳۲ - ۲۶۳۵ - ۲۶۵۵ - ۲۶۸۶ - ۲۶۹۹ -
۲۷۰۱ - ۲۷۲۱ - ۲۷۲۲
بی‌نیش (معبد) : ۵۶۷

پ

پاتارا : ۱۲۷۶
پاتالی‌پوترا : ۲۰۵۸
پاراپام من : (پاراپامیز)
پاراپامیز : (پاراپامیزاد)
پاراپامیزاد (افغانستان): ۱۴۲ - ۱۵۵ - ۱۶۸۳ -
۱۶۸۵ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۲ -
۱۶۹۳ - ۱۷۶۴ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۸ - ۱۷۸۲ -
۱۸۲۳ - ۱۸۳۴ - ۱۸۴۲ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۲ -
۱۹۹۳ - ۲۰۰۸ - ۲۰۱۵ - ۲۰۱۹ - ۲۰۵۸ -
۲۱۰۲ - ۲۱۸۸ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳ -
۲۲۲۹ - ۲۲۶۲ - ۲۶۵۱

پاراپوتامی. ۷۹۸ - ۲۱۰۲-۲۱۱۲
پارت: ۹۳- ۱۲۸- ۱۲۹- ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۲۰۷
۳۷۵- ۴۵۴- ۴۸۰- ۴۸۲ - ۵۳۷ - ۵۴۰ -
۵۴۴- ۵۴۵- ۶۹۱-۱۳۸۱- ۱۴۲۷-۱۴۲۹-
۱۴۳۲- ۱۴۴۰- ۱۴۴۵ - ۱۴۵۲ - ۱۴۸۰-
۱۴۸۹- ۱۵۴۷ - ۱۵۷۱- ۱۵۷۲- ۱۵۹۶ -
۱۶۱۰- ۱۶۳۳- ۱۶۳۶- ۱۶۳۸ - ۱۶۴۸-
۱۶۵۱- ۱۶۵۲- ۱۶۵۴ - ۱۶۸۵ - ۱۷۲۰-
۱۷۸۲- ۱۷۹۷- ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴
۱۸۸۹-۱۹۶۷- ۱۹۶۹- ۱۹۷۲ - ۱۹۹۳-
۲۰۰۷- ۲۰۵۲- ۲۰۷۳- ۲۰۸۶ - ۲۰۷۸
۲۰۸۲- ۲۰۸۳- تا ۲۰۸۵- ۲۰۸۸-۲۰۸۹
۲۱۰۲- ۲۱۱۳- ۲۱۱۵ - ۲۱۱۸ - ۲۱۲۱-
۲۱۶۴- ۲۱۶۵- ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷- ۲۱۶۹ -
۲۱۷۲ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۴- ۲۱۷۵ - ۲۱۷۶
۲۱۷۷- ۲۱۸۱ - ۲۱۸۳ تا ۲۲۰۵- ۲۲۰۸
۲۲۱۱ - ۲۲۱۲- ۲۲۱۳ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۵
۲۲۱۷-۲۲۱۸-۲۲۱۹-۲۲۲۰-۲۲۲۱-۲۲۲۴
۲۲۲۵- ۲۲۲۷- ۲۲۲۸ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۱-
۲۲۳۲- ۲۲۳۳- ۲۲۳۴ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۶-
۲۲۳۸-۲۲۳۹ - ۲۲۴۱ تا ۲۲۴۲- ۲۲۴۵-
۲۲۴۷ - ۲۲۴۸ تا ۲۲۴۹ -۲۲۵۷-۲۲۵۸-
۲۲۵۹ - ۲۲۶۲ تا ۲۲۶۸-۲۲۷۱ تا ۲۲۸۱-
۲۲۸۳- ۲۲۸۶- ۲۲۸۷ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۰-
۲۲۹۱- ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷-
۲۲۹۹- ۲۳۰۱- ۲۳۰۳ - ۲۳۰۶ - ۲۳۰۷
۲۳۱۸ - ۲۳۱۹- ۲۳۲۰ - ۲۳۲۱ - ۲۳۲۸
۳۳۲۹- ۲۳۳۱- ۲۳۳۶- ۲۳۳۷ - ۲۳۳۸
۲۳۳۹- ۲۳۴۱ - ۲۳۴۲ - ۲۳۴۴ - ۲۳۴۵
۲۳۴۶- ۲۳۴۷- ۲۳۴۹ - ۲۲۵۰ - ۲۳۵۱
۲۳۵۲- ۲۳۵۴- ۲۳۵۵ - ۲۳۵۸- ۲۳۵۹-
۲۳۷۳-۲۳۷۶- ۲۳۷۷- ۲۳۸۰ - ۲۳۸۱-
۲۳۸۳- ۲۳۸۵-۲۴۸۷ - ۲۳۸۸ -۲۳۸۹ تا
۲۳۹۳- ۲۳۹۶ تا ۲۳۹۹-۲۴۰۳ - ۲۴۰۶ تا
۲۴۰۹- ۲۴۱۱ - ۲۴۱۲ تا ۲۴۲۱- ۲۴۲۳
۲۴۲۴- ۲۴۲۵- ۲۴۳۰ تا ۲۴۳۵- ۲۴۴۰-
۲۴۴۱-۲۴۴۲ - ۲۴۴۳- ۲۴۴۷ - ۲۴۴۸-
۲۴۴۹-۲۴۵۲ تا ۲۴۵۵- ۲۴۶۱ - ۲۴۸۱-
۲۴۸۱ - ۲۴۸۴ تا ۲۴۹۱ - ۲۴۹۲ تا
۲۴۹۷ - ۲۴۹۹ تا - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۵
- ۲۵۱۷ تا ۲۵۳۰ - ۲۵۳۳- ۲۵۳۵ تا ۲۵۴۱
- ۲۵۴۵ - ۲۵۷۲- ۲۵۷۳ - ۲۵۷۵-۲۵۸۳-
۲۵۸۴ - ۲۵۸۵ - ۲۵۹۰ - ۲۵۹۱ تا ۲۵۹۳
- ۲۵۹۵ تا ۲۶۰۱- ۲۶۱۱۲۶۱۳- ۲۶۱۴-
۲۶۱۵ - ۲۶۱۷ - ۲۶۱۸- ۳۶۲۲-۲۶۲۳-
۲۶۲۴ - ۲۶۲۵ - ۲۶۲۷..۲۶۲۸ - ۲۶۲۹-
۲۶۳۵ - ۲۶۳۹- ۲۶۴۰- ۲۶۴۱ - ۲۶۴۲-
۲۶۴۳ - ۲۶۴۵- ۲۶۴۶-۲۶۴۷- ۲۶۴۸-
۲۶۴۹ -۲۶۵۰ تا ۲۶۵۵- ۲۶۵۹ تا ۲۶۷۵-
۲۶۷۸ - ۲۶۷۹ - ۲۶۸۳ - ۲۶۸۴- ۲۶۸۵
-۲۶۸۸ - ۲۶۸۹ -۲۶۹۰ - ۲۶۹۱-۲۶۹۲-
۲۶۹۳- ۲۶۹۷- ۲۷۰۰ - ۲۷۰۱ -۲۷۰۳
- ۱۷۰۸- ۲۷۰۹ - ۲۷۱۴- ۲۷۱۵
پارتاکن: (پاریتاکن)
پارته‌نیوم : ۱۰۹۳
پارتی‌کاپیوم : ۲۱۴۵
پارثوآیا (پارثیا) : (پارت)
پارس (پرس،ایران) : دربیشتر صفحات
پارس(خلیج): ۲۰- ۵۷-۱۱۳-۱۱۸-۱۳۰-۱۳۱
۱۳۸- ۱۴۳- ۱۴۵ - ۱۴۷ - ۱۴۹ - ۱۵۰-
۱۵۲ - ۱۵۰۸ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۴
۲۱۰۲- ۲۲۱۳
پارسه : (تخت جمشید)
پارسوا (پارسواش) ۱۶۹- ۱۷۳ - ۲۲۷
پارناس : ۷۹۸- ۷۹۹- ۷۰۱
پاری‌تاك : ۱۷۳۹
پاری تاکن (اصفهان) : ۱۵۵ - ۱۴۳- ۱۴۴۱
۱۷۵۷- ۲۰۱۵ و رجوع به‌اصفهان وفریدن شود

پاریز: ۷۶م - ۹۹م
پاریس: ۵م- ۹م-۱۳م- ۱۴م- ۲۵م- ۴۸م- ۴۹م
۵۵م- ۸۰م- ۵۴- ۵۶ - ۶۰ - ۱۰۵ - ۱۲۹
۱۳۶ - ۱۴۸۳ - ۱۶۱۵ - ۲۱۸۳ - ۲۵۶۷-
۲۶۷۳- ۲۶۷۴
پازارگاد: (پاسارگاد)
پاسارگاد: ۶۵-۱۴۴- ۲۳۲- ۶۹۷-۹۹۳-۱۱۷۸
پاسارگاد: ۱۲۵۳ - ۱۴۲۱ - ۱۴۹۲ - ۱۵۵۹-
۱۵۶۲- ۱۵۴۳-۱۵۶۴- ۱۵۶۵- ۱۵۶۷-۱۸۷۰
۱۸۷۱- ۱۸۷۲- ۱۸۷۵- ۱۹۲۰
پاسی‌تیگریس (رود): ۱۴۰۹- ۱۴۱۰- ۱۹۰۱
۲۰۱۰-۲۰۱۲
پس‌تیگر: (پاسی‌تیگریس)
پاطاق: ۲۷۰۳
پافلاگونیه: ۲۱۱ - ۲۶۱- ۳۰۴- ۳۴۷ - ۴۶۰
۱۰۸۹- ۱۰۹۱ - ۱۱۰۶- ۱۱۴۱ تا ۱۱۴۳
۱۱۴۵- ۱۱۵۱ - ۱۲۴۰- ۱۲۸۵ - ۱۳۴۶ -
۱۴۶۸- ۱۶۳۸- ۱۶۶۹ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۰-
۲۱۳۱- ۲۱۳۳- ۲۱۴۱ - ۲۱۵۱ - ۲۲۷۴-
۲۲۸۲ - ۲۲۸۳
پاك (جزیره): ۱۰
پاکتول: ۳۴۷- ۳۶۷- ۶۴۶- ۱۱۰۵
پاکتیا: ۶۳۰ - ۶۳۴
پاگاس: ۷۷۵
پالاکوپ (ترعه): ۱۹۲۳-۱۹۳۵
پالرم: ۲۰۷
پالس‌سپ‌سس: ۹۱۸
پالمیرا: ۲۱۱۲- ۲۷۲۱
پالن: ۸۲۹- ۸۴۴-۲۰۲۷
پالوس مه‌اوتیه (آزوف): ۱۶۴۳ - ۱۷۰۲ -
۱۸۷۶- ۲۴۵۷ و رجوع به آزوف شود
پالی‌بوثرا (پاتالی‌بوثرا): ۲۰۶۵
پام‌فیلیه: ۶۹۲ - ۸۷۶ - ۹۲۶- ۹۳۷-۱۱۳۸ -
۱۲۷۸- ۱۲۸۳ - ۱۶۳۸- ۱۶۸۶- ۱۷۸۱ -
۱۹۶۸-۱۹۶۹ - ۱۹۷۳ - ۱۹۹۴-۲۱۰۳ -
۲۱۱۵-۲۳۴۴ .
پامیر: ۹-۱۴۷-۱۵۳-۱۵۵-۱۶۸۷
پان‌بابیلونیسم: ۶۳-۶۴
پان‌تی‌کاپ: ۶۱۵
پانورم: ۸۷۸
پان‌نونینا: ۲۵۰۴
پانیونیوم: ۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹
پثونیه: ۶۲۲-۶۲۵-۱۲۹۰-۱۱۹۴-۱۱۹۷
پتا (معبد): ۱۳۵۳
پتاله: ۱۴۹۲-۱۵۱۱-۱۸۳۵ - ۱۸۴۵تا۱۸۴۷
۱۸۵۰ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۵ - ۱۸۷۰ -
۲۲۶۰
پتریوم: ۴۹-۲۷۵-۲۷۶
پتی‌گرین: ۵۴۵
پختکان: (بختکان)
پدی‌یه. ۸۲۸
پراکتوس: ۱۲۴۷
پرآن‌خا: ۵۶۸
پراسیاش: ۶۲۲
پربی: ۲۰۲۳-۲۰۲۴-۲۰۲۷
پرثو: (پارت)
پردیس: ۱۴۶۷-۱۵۰۴-۱۵۶۴-۱۶۱۱
پرسپه: ۲۶۲۴
پرسپولیس: (تخت‌جمشید)
پرس‌بی‌تس: ۹۳۱-۹۳۲
پرکت. ۶۵۱-۹۱۸
پرگ (کوه): ۵۴۶
پرگا: ۱۲۷۸
پرگام: ۱۹ - ۷۲۳-۱۰۹۲ - ۱۰۹۹-۱۹۶۰-
۲۰۴۵ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰-۲۰۷۲- ۲۰۷۷-
۲۰۷۸-۲۰۷۹ - ۲۰۸۰- ۲۰۸۳-۲۱۱۱ -
۲۱۲۸- ۲۱۳۶-۲۱۴۹ - ۲۱۵۰- ۲۱۵۱ -
۲۱۶۶-۲۱۶۷ - ۲۱۷۰-۲۱۷۳- ۲۲۸۲ -

۲۶۵۳
پرگاماچای : ۲۱۴۹
پرگاموس : (پرگام)
پرنت : ۶۵۵ ـ ۱۱۸۲ ـ ۱۲۰۰ ـ ۱۲۰۱ ـ ۱۸۹۳
پروب ، ۷۶۸
پروپونتید (مرمره) ، ۵۹۴
پروزیاد : ۲۱۵۲
پروس : ۵۵ ـ ۱۰۰۵
پروسیا (قلعه) : ۲۳۴۲
پری‌تانه : ۷۷۶
پریتکان : (پاری‌تاکن)
پریکان : (پریتکان)
پری‌ین : ۲۸۷ ـ ۲۸۹ ـ ۲۹۳
پس‌تیگر : (پاسی‌تیگریس)
پسیخان : ۶۲ م
پشتکوه : ۱۳۰
پطرا : ۲۰۴۰ تا ۲۰۴۲
پطروگراد : (سن‌پطرزبورك)
پلا: ۱۲۱۳ ـ ۱۲۱۷ ـ ۱۲۷۲ ـ ۲۰۲۵ ـ ۲۱۱۱ ـ ۲۱۱۲
پلاته : ۲۲ ـ ۳۰۳ ـ ۶۷۲ ـ ۶۸۱ ـ ۷۵۳ ـ ۷۸۵ ـ
۷۸۸ ـ ۸۰۲ ـ ۸۲۷ ـ ۸۳۶ ـ ۸۳۹ ـ ۸۴۰ ـ
۸۴۳ ـ ۸۴۴ ـ ۸۴۵ ـ ۸۴۶ ـ ۸۵۱ ـ
۸۵۲ ـ ۸۵۵ ـ ۸۶۰ ـ ۸۶۳ ـ ۸۶۴ ـ ۸۶۷ ـ
۸۷۹ ـ ۸۸۲ ـ ۸۸۶ ـ ۸۹۵ ـ ۹۱۱ ـ ۹۲۳ ـ ۱۱۵۰ ـ
۱۱۹۲ ـ ۱۲۳۳ ـ ۱۴۸۲ ـ ۱۴۸۴ ـ ۱۶۲۷
پلوار (رود) : ۱۵۷۸ ـ ۱۵۹۴ ـ ۱۶۰۰
پلت : ۹۹۹
پلوپونس : ۷۰ ـ ۷۲ ـ ۷۸ ـ ۱۱۲ ـ ۵۱۴ ـ ۶۳۸ ـ ۶۶۹
ـ ۷۰۵ ـ ۷۰۶ ـ ۷۴۰ ـ ۷۴۱ ـ ۷۵۶ ـ ۷۵۹ ـ ۷۶۷
ـ ۷۷۷ ـ ۷۸۶ ـ ۷۸۷ ـ ۸۰۱ ـ ۸۰۲ ـ ۸۰۵ ـ ۸۰۶
ـ ۸۰۷ ـ ۸۰۸ ـ ۸۰۹ ـ ۸۱۸ ـ ۸۱۹ ـ ۸۲۲ ـ ۸۳۲ ـ
۸۳۸ ـ ۸۴۴ ـ ۸۴۷ ـ ۸۵۱ ـ ۸۶۸ ـ ۸۸۳ ـ ۸۸۵ ـ
۹۲۴ ـ ۹۴۱ ـ ۹۶۰ ـ ۹۷۵ ـ ۹۷۹ ـ ۹۸۵ ـ ۹۸۶ ـ
۸۸۶ ـ ۹۹۰ ـ ۹۹۷ ـ ۱۰۲۶ ـ ۱۰۸۴ ـ ۱۱۰۱ ـ
۱۱۱۰ ـ ۱۱۱۳ ـ ۱۱۱۴ ـ ۱۱۲۰ ـ ۱۱۹۲ ـ
۱۲۲۴ ـ ۱۲۲۷ ـ ۱۲۳۷ ـ ۱۳۰۹ ـ ۱۴۰۳ ـ
۱۶۳۸ ـ ۱۸۰۷ ـ ۱۸۸۸ ـ ۱۹۷۶ ـ ۲۰۰۲ ـ
۲۰۲۲ ـ ۲۰۲۷ ـ ۲۰۲۸ ـ ۲۰۳۱ ـ ۲۰۳۲ ـ
۲۰۳۳ ـ ۲۰۴۵ ـ ۲۱۳۹ ـ ۲۱۴۹
پلوز : ۱۱۷۳ ـ ۱۱۷۵ ـ ۱۱۷۶ ـ ۱۳۵۳ ـ ۱۵۱۰ ـ
۱۹۹۰ ـ ۱۹۹۲
پلوزیوم : ۴۸۹ ـ ۱۱۳۶ ـ ۱۳۲۸ ـ ۲۹۳۴ ـ
پلپن : ۵۷۲
پلیون . ۷۷۳ ـ ۷۹۲ ـ ۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۱
پنت: ۹۲ ـ ۵۸۱ ـ ۵۹۳ ـ ۶۵۳ ـ ۷۶۰ ـ ۸۷۶ ـ ۱۰۸۸
۱۱۴۸ ـ ۱۲۴۵ ـ ۱۲۶۸ ـ ۱۲۸۶ ـ ۱۷۱۷ ـ ۱۹۶۷
ـ ۱۹۷۰ ـ ۲۰۶۹ ـ ۲۰۷۰ ـ ۲۰۷۶ ـ ۲۰۷۸ ـ
۲۰۸۰ ـ ۲۰۹۴ ـ ۲۱۰۲ ـ ۲۱۲۲ ـ ۲۱۲۸ ـ
۲۱۳۱ تا ۲۱۳۶ ـ ۲۱۳۸ تا ۲۱۴۱ ـ ۲۱۴۳ ـ
۲۱۴۵ ـ ۲۱۴۷ ـ ۲۱۴۸ ـ ۲۱۴۹ ـ ۲۱۵۱ ـ
۲۱۵۲ ـ ۲۱۶۵ ـ ۲۱۶۷ ـ ۲۱۶۹ ـ ۲۱۷۱ ـ
۲۱۷۵ ـ ۲۲۷۴ ـ ۲۲۷۹ ـ ۲۲۸۲ ـ ۲۲۸۳ ـ
۲۳۷۵ ـ ۲۳۹۶ ـ ۲۳۶ ـ ۲۴۳۸ ـ ۲۴۴۳ ـ
۲۴۴۴ ـ ۲۵۸۶ ـ ۲۵۸۷ ـ ۲۶۰۷ ـ ۲۶۵۳
پنجاب : ۱۵۵ ـ ۱۵۶ ـ ۶۲۹ ـ ۶۳۳ ـ ۱۸۰۶
۱۸۲۰ ـ ۱۸۳۰ ـ ۲۰۴۵ ـ ۲۰۵۵ ـ ۲۰۵۸ ـ
۲۲۱۴ ـ ۲۲۱۵ ـ ۲۲۲۳ ـ ۲۲۲۴ ـ ۲۲۲۸ ـ
۲۲۳۱ ـ ۲۲۶۳ ـ ۲۶۵۱
پن‌سیلوانی : ۵۸
پ‌نه : ۷۵۲ ـ ۷۶۸ ـ ۷۷۰
پوتیده ـ ۹۲۸ ـ ۹۲۹ ـ ۹۴۲ ـ ۱۱۹۶ ـ ۱۲۱۶
پوتی‌یه : ۱۴۵۲ ـ ۱۴۵۴
پودولسك : ۶۱۵
پورا : ۱۸۵۹
پوزیدئون (پوسیدئون) : ۲۸۸ ـ ۵۱۲
پولتاوا : ۶۱۵
پولمون : ۲۳۷۴
پولی‌تی‌مت : ۱۷۱۱ ـ ۱۷۱۹

پەتیك : ١٢٤٥
پەسلاتید : ١٧٦٦
پەسوس : ٦٥١
پهل : (پارت)
پهل‌آراوادن : ٢٥٨٤ـ٢٥٩٥ـ
پهل‌شاهسدان : ٢٥٩٥ـ٢٥٩٧ـ٢٦١١
پهلو : (پارت)
پەوی‌یە : ٧٩٨
پی‌تانە : ١٢٤٣ـ٢٤٨١
پیدن : ٩١٣
پیدنا : ١١٩٦ـ٢٠٢٣ـ٢٠٢٤ـ٢١٦٣
پیرا : ١٢٨١
پیرام (پیراموس) : ١٠٠٥ـ١٣٠١
پیربکران . ٣ م
پیربنە : ٣ م
پیرتاکستان : ٣ م
پیرجاسوس : ٣ م
پیرحمزە : ٣ م
پیرداود : ٣ م
پیرزن : ٣ م
پیرعلمدار : ٣م
پیرنە : ٢١٣٦
پیرە . ٩٢٣ـ٩٨٣ـ٩٨٤ـ٩٨٥ـ١١١٤ـ٢٠٠٢ـ
٢٠٠٤ـ٢٠٤٧
پیس‌تیر : ٧٤٨
پی‌سی‌ی‌اودا (پی‌شی‌ی‌اوودە) : ٥٣٢ـ٥٤٦
پی‌سیدیە : ١١٣٨ـ١٢٧٨ـ١٤٧٢ـ١٦٣٨ـ١٩٧٣
ـ١٩٩٥ـ١٩٩٦ـ٢٠٩٥ـ٢١٠٣ـ٢١١٥
پیشاور : ١٥٢ـ١٤٥٣
پیل : ١٠٠٨ ـ١٢٨٦
پیلوس : ٧٦٧
پیم پیراما : ١٨٠٠
پی‌نار : ١٢٧٦ـ١٣٠٤ـ١٣٠٦
پی‌ناکا : ١٢١٦

ت

ت‌آر ، ٥٩٥
تاآکە ، ١٥٠٩
تابە : ٢٢٢١
تاپ ساك ، ١٠٠٧ـ١٠٠٨ـ١٨٦٦ـ١٩٢٠
تاتارستان : ١١ـ١٠٧ـ٢٤٦٩ـ٢٥٧٤
تاراکن ، ٢١٧٦
تارانت : ٥٦٢ـ٥٦٣
تارس: ١٠٠١ـ١٠٠٢ـ١٠٠٥ ـ١٢٧٨ـ١٢٩١
٢١١٦ـ٢٦٠٧
تارسوس : ٢٠٦٠
تاروا : ٥٤٦
تارونت‌پرت : ٢٦١٦
تاریم : ٢٢٦٠
تاس : ٦٥٥
تاسس : ٦٢٩ـ٦٥٨ـ٦٥٩ـ٧٥٠
تالوس ، (طالش) ١٨٥٤
تانائیس (دن) : ٥٨٤ـ٥٩٦ـ٦٠٣ـ٦٠٤ـ ٦١٢
٦١٥ـ١٣٤٤ـ١٦٤٩ـ١٦٥٢ـ١٦٩٣ ـ١٦٩٤
١٦٩٨ـ١٧٠٢ـ١٧٠٣ ـ١٧٠٦ ـ ١٧٠٧ ـ
١٧٠٨ـ١٧١٣ـ١٧١٤ ـ ١٨٨٩ ـ ٢٢٠٥ ـ
٢٤٥٧ ـ
تانیراس : ٩٣٣
تانیس : ٤٣
تاورها : (قریم)
تب (شهر) : ٥٠ـ ١٤٠ ـ ٤٩٦ ـ ٥٠٩ ـ٥٧٣ ـ
٥٧٤ـ٦٧٢ـ٧٢٣ـ٧٧٧ـ٧٧٨ـ٧٨٢ ـ٧٨٤ ـ
٧٨٥ـ٨٠٢ـ٨٣٠ـ ٨٣٩ ـ ٨٤١ ـ ٨٤٥ ـ
٨٤٧ ـ٨٤٨ـ ٨٥٤ـ ٨٥٨ ـ ٨٥٩ ـ٨٦٣ ـ
٨٨٣ـ٩٤١ـ٩٦٨ـ١٠٩٢ـ١١١٠ ـ١١١٨ـ
١١٢٠ـ١١٢٢ـ١١٣٢ ـ ١١٣٥ ـ ١١٤٩ ـ
١١٥٠ـ١١٦٧ـ١١٧٣ ـ ١١٩٤ ـ ١١٩٨ ـ
١٢٠٢ـ١٢٣٠ ١٢٣١ تا ١٢٣٧ ـ ١٢٤١ ـ
١٢٤٣ـ١٢٥٨ـ١٣٠٨ ـ ١٥١٤ ـ ١٥٣٢ ـ

۱۵۴۶_۱۵۵۷_۱۷۲۱ _ ۱۷۳۲ _ ۱۷۷۶ _
۱۸۰۷_۱۹۱۵_۱۹۴۰_۱۹۷۷ _ ۲۰۲۷ _
۲۰۳۲_۲۱۷۹_۲۲۵۳ _ ۲۳۲۶ _ ۲۳۷۲ _
۲۶۰۵

تب (هندیان) : ۱۴۹

تبت _ ۹_۶۱۶

تبریز : ۳ م _ ۶ م _ ۴۶ م _ ۵۵ م _ ۶۲ م _
۶۳ م _ ۱۴۵_۲۳۷۴_

تبس : ۱۴۴۱

اتپرا قلعه : ۱۷۲

تپورستان (طبرستان) : ۱۶۴۱ _ ۱۶۴۵ _
۱۷۲۵

تپه حصار : ۲۶۴۵

تتراپولیس ، (هراکله)

تترونیوم : ۷۹۸

تجن (رود) : ۲۱۸۶_۲۱۸۸

تچره (قصر) : ۱۵۸۸ تا ۱۵۹۱_۱۵۹۵_۱۵۹۶_
۱۵۹۸_۱۶۰۰

تخت جمشید (پرس‌پولیس) : ۴۳ _ ۴۴ _ ۴۵
۵۶_۵۷_۶۵ _ ۱۶۵_۲۲۱_۲۳۳_۲۶۳_۳۷۵
۵۷۷_ ۵۸۰ _۵۸۵_۶۱۳_۶۱۴_ ۶۲۱_۷۲۶
۶۵۷ _ ۶۸۷ _۶۹۱ _۶۹۵ _ ۷۰۷ _ ۷۱۹
۷۲۶_۷۳۷_۷۶۳_۷۶۶ _ ۷۸۳_۹۰۱_۹۰۶
۹۵۲ _ ۹۵۶_۹۵۸ _۱۰۵۷_۱۰۶۸_۱۰۷۹
۱۱۴۴_ ۱۱۶۴ _ ۱۱۶۵_۱۱۹۷ _ ۱۲۴۳
۱۲۷۹ _ ۱۲۸۹ _ ۱۳۰۲_ ۱۳۴۴ _ ۱۳۹۵
۱۴۰۵ _ ۱۴۱۰ _ ۱۴۱۹ تا۱۴۲۹_۱۴۴۱
۱۴۵۰_۱۴۵۱ : ۱۴۵۸_ ۱۴۵۹ _ ۱۴۶۱
۱۴۶۳_ ۱۴۶۵ _ ۱۴۷۸ _ ۱۴۹۱ _۱۵۲۶
۱۵۲۷ _ ۱۵۵۸ _ ۱۵۵۹ _ ۱۵۶۷ _ ۱۵۷۷
۱۵۷۸_۱۵۷۹ _ ۱۵۸۵ _ ۱۵۸۶ _ ۱۵۹۲
۱۵۹۵_۱۵۹۷ _ ۱۵۹۸ _ ۱۶۰۰ تا۱۶۰۳
۱۶۱۱ _ ۱۶۱۸ تا ۱۶۲۱ _ ۱۸۷۵_ ۱۸۷۷
۱۹۴۰_۲۰۱۲_۲۰۱۳_۲۰۱۹ _ ۲۰۷۸ _
۲۰۹۶_۲۰۹۸_۲۱۱۵ _ ۲۱۲۱ _ ۲۲۲۶ _
۲۲۶۲_۲۲۷۰_۲۶۹۱ _ ۲۷۰۸ _ ۲۷۲۱ _

تخت خسرو : ۲۷۱۳_۲۷۱۵

تخت سلیمان : ۱۲۵۳_۱۵۶۷_۲۳۵۵_۲۳۷۳_
۲۳۷۴_۳۶۲۴

تخس (کوه) : ۱۰۸۶

تراخیس : ۷۷۷

تراخی‌نه : ۷۶۹_۷۹۸

ترادس : ۲۱۱۳

تراس : ۸۳۶_۱۱۰۱

تراکیه : ۷۷_۲۴۳_۳۷۶_۵۹۶_۶۰۰ _ ۶۰۱ _
۶۰۲_۶۱۰_۶۱۵_۶۱۸_۶۱۹_۶۲۰_۶۲۱_
۶۲۴_۶۲۵_۶۲۷آ۶۳۸_۶۵۲_۶۵۶_۶۵۸ _
۶۵۹_۶۶۲_۶۶۸_۶۷۹_۶۹۰_۶۹۲_۶۹۳_
۷۱۵_۷۱۶_۷۲۹_۷۳۵_۷۴۷_۷۴۸_ ۷۷۱ _
۸۶۴_۸۷۱_۹۱۱_۹۲۴_۹۲۷_۹۲۸ _ ۹۳۳_
۹۳۷_۹۴۱ تا ۹۴۳_ ۹۶۸ _۹۷۴ _ ۱۰۰۵_
۱۰۰۸ _۱۰۹۲ _۱۱۹۰ تا۱۱۹۷_۱۲۰۰_
۱۲۲۷ _ ۱۲۴۵ _ ۱۳۰۸ _۱۳۰۹ _ ۱۳۲۴
۱۴۰۰ _ ۱۴۰۳ _ ۱۴۵۲_۱۴۷۹_۱۶۱۴_
۱۶۳۸ _ ۱۷۰۷ _ ۱۷۰۸ _ ۱۷۱۴_
۱۸۰۷_۱۸۴۰_۱۸۸۱ _ ۱۸۸۸ _ ۱۹۰۳_
۱۹۱۱_۱۹۶۷_۱۹۷۰ _ ۱۹۸۱ _ ۱۹۸۴ _
۲۰۰۳_۲۰۰۴_۲۰۲۸_۲۰۴۳ _ ۲۰۵۰ _
۲۰۵۱_۲۰۶۱_۲۰۶۹_۲۰۷۷ _ ۲۱۰۹ _
۲۱۳۹_۲۱۵۰_۲۱۵۵ _ ۲۳۴۰ _ ۲۴۵۰ _

ترال : ۱۰۰۷_۱۱۰۲ _۱۲۶۲_۲۳۲۵

تربت حیدری : ۲۱۸۶

ترشیز : ۲۱۸۶

ترشیش : ۴۴۵

ترکستان : ۵۷۷_۱۶۲۱

ترکمنستان : ۱۴۷_۲۶۴۲_۲۶۴۴

ترکیه : ۹۲ _ ۱۳۰ _ ۱۴۸ _ ۲۰۷۶ _ ۲۱۵۲

ترم : ۷۵۱_ ۷۵۲ _ ۷۷۰ _۱۱۱۴ و رجوع به سالونیک شود .

ترمس : ۱۹۹۵ ـ ۱۹۹۶
ترموپیل : ۷۲۳ـ ۷۶۸ـ ۷۶۹ ـ ۷۷۰ ـ ۷۷۲
۷۷۵ـ ۷۷۷ـ ۷۷۹ـ ۷۸۰ ـ ۷۸۲ ـ ۷۸۵ـ
۷۸۶ـ ۷۹۴ـ ۷۹۶ ـ ۷۹۷ ـ ۸۰۷ ـ ۸۶۰
۸۷۷ـ ۸۷۸ـ ۸۸۱ـ ۸۸۳ ـ ۸۸۵ ـ ۱۱۱۷
۱۲۲۵ـ ۱۲۳۱ ـ ۱۴۱۸ ـ ۱۹۷۷ ـ ۲۰۲۳ـ
۲۰۲۷ـ ۲۰۴۷ـ ۲۰۶۷ـ ۲۶۵۸
ترمودون (رود): ۱۶۴۸
ترووا : ۱۹! ـ ۳۷ـ ۳۴۲ـ ۵۶۹ ـ ۶۵۱ ـ ۶۶۰
۶۶۱ـ ۶۹۲ـ ۷۲۳ـ ۷۴۱ـ ۷۵۴ـ ۷۶۴ـ ۷۶۵
۱۰۹۲ـ ۱۲۱۳ـ ۱۲۴۶ ـ ۱۳۵۱ ـ ۱۷۵۵ـ
۱۸۲۵ـ ۱۹۴۸ـ ۲۰۶۳ـ ۲۰۹۶ـ ۲۱۵۰
تروواد : ۸۷۶ـ ۱۲۴۲ـ ۱۲۴۳
تری بال : ۱۲۲۸ـ ۱۲۳۰ـ۱۲۴۷ ـ ۱۸۴۰
تری پارادیزیوم : ۱۹۹۲ ـ ۱۹۹۳
تری پولیس (طرابلیس) : ۱۱۶۸ـ ۱۱۶۸
تری‌ته : ۷۹۸
تری زن: ۷۴۳ـ ۸۰۱
تژه : ۸۲۸ـ ۸۳۸ـ ۸۴۳تا ۸۴۵ ـ ۸۴۶ ـ ۸۵۴
تا ۸۵۶ ـ ۸۵۹ ـ ۸۶۰ـ ۹۴۲ ـ ۲۰۲۲ ـ
۲۰۲۳
تسالونیک، ۲۰۲۷ـ ۲۰۳۲
تسالی : ۶۶۷ـ ۷۰۴ـ ۷۴۷ـ ۷۵۰ـ ۷۵۲ـ ۷۵۳
۷۶۷ـ ۷۶۸ ـ ۷۶۸ـ ۷۶۹ ـ ۷۷۰ ـ ۷۷۴
۷۷۵ـ ۷۷۶ـ ۷۸۰ ـ ۷۸۵ ـ ۷۹۷ ـ ۷۹۸
۸۲۲ـ ۸۲۳ـ ۸۲۹ـ ۸۳۰ ـ ۸۳۱ ـ ۸۳۴
۸۴۵ـ ۸۵۰ـ ۸۶۴ـ ۸۸۳ ـ ۹۶۸ ـ ۹۷۴ـ
۱۱۹۰ـ ۱۱۹۳ـ ۱۲۰۰ ـ ۱۲۲۲ ـ ۱۲۲۵
۱۲۳۱ـ ۱۲۵۱ـ ۱۲۶۰ ـ ۱۲۷۵ ـ ۱۲۷۷
۱۲۹۱ـ ۱۳۰۷ـ ۱۳۰۸ـ ۱۳۱۲ـ ۱۳۸۸ـ
۱۳۹۱ـ ۱۳۹۲ـ ۱۴۳۰ـ ۱۴۷۵ ـ ۱۴۷۹ـ
۱۶۵۶ـ ۱۲۸۸ـ ۱۹۷۸ ـ ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۰
۲۰۲۳ـ ۲۰۴۹ـ ۲۱۶۳ـ ۲۳۳۷

تسالیون، ۱۱۶۹ ـ ۱۱۷۰
تسین: (روم)
تفلیس: ۲۴۵۹ـ ۲۵۹۰ـ ۲۶۱۵
تقوع : ۱۸۳
تکیه دولت: ۱۱۰م
تک‌آب (تنگ): ۱۴۱۳
تل: ۵۴
تلب‌آس: ۱۰۷۶
تل‌العامرنه (تل‌العمارنه): ۳۷ـ۳۹ـ۵۰ـ۵۱ـ۱۰۸
تل‌مس (معبد): ۲۷۶
تل‌میس : ۱۲۷۸
قمبریوم : ۱۰۰۰
تمپه : ۷۶۸
تمل: ۲۸۳ـ ۶۴۶ـ ۱۵۱۱ـ ۱۷۷۶
تنار: ۷۶۷ـ ۸۹۶ـ ۱۸۸۲ـ ۱۸۸۳ـ۱۹۷۶
تمیس‌سیر : ۱۶۴۸
تنس: ۶۶۹
تنکابن: ۲۲۱۶ـ ۲۶۴۰
تنگ‌آلان: (داریال)
توربی : ۱۴۵۷
تورفان: ۲۲۶۵
تورنگ تپه: ۱۶۲۰ـ ۱۶۲۱
توروس (کوه): ۹۲ـ ۱۱۴۳ ـ ۱۲۶۰ـ ۱۶۸۶ـ
۱۶۸۹ـ ۱۷۸۱ـ ۱۷۸۲ ـ ۱۹۷۲ ـ ۲۰۰۱ـ
۲۰۴۹ـ ۲۰۵۰ـ۲۰۷۶ـ ۲۰۷۸ ـ ۲۰۷۹
۲۱۲۲ـ ۲۳۴۶ـ ۲۴۴۴ـ ۲۴۴۵
توریئوآ : ۲۲۲۴ـ ۲۲۵۵ـ ۲۲۵۰
تورید: ۵۸۹ـ ۵۸۲ـ ۶۱۵
توریوم : ۹۶۷
توللیز : ۱۲۸
تون: ۲۱۹۰
تونس: ۱۰۶
تویسرکان : ۲۲۳۱ـ ۲۶۴۰
تهران ۱م ـ ۹م ـ ۲۱م ـ ۲۶م ـ ۴۷ تا ۴۹م ـ ۵۵م ـ

۶۰م- ۶۱م- ۶۸م- ۸۳م- ۱۰۵م- ۱۱۰م- ۱۱۳م
۱۲۳م- ۱۲۷
ته‌می‌سیا : ۲۴۷۹
ته‌نه‌دوس : ۶۵۵
تی‌دلی: ۵۰۲
تیرن، ۲۸۴
تیرودیز: ۷۱۶
تی‌ریه‌اوم : ۱۰۰۰
تیسفون (مداین)، ۱۵۶- ۷۰۰-۲۰۴۶-۲۰۹۵
۲۰۶۴- ۲۱۱۳- ۲۱۱۴- ۲۲۰۸ - ۲۳۹۳-
۲۴۰۴- ۲۴۰۵- ۲۴۱۰ - ۲۴۲۰ - ۲۴۶۷
۲۴۶۸-۲۴۸۲تا۲۴۸۷-۲۵۰۲-۲۵۰۷-۲۵۰۹
۲۵۱۰- ۲۵۱۱ - ۲۵۱۴- ۲۵۱۵ - ۲۵۱۶
۲۵۲۴- ۲۵۴۸ - ۲۵۶۵ - ۲۵۹۱ - ۲۶۰۹
۲۶۴۲- ۲۶۴۴ - ۲۶۴۵ - ۲۷۱۳ - ۲۷۱۴
۲۷۲۲
تیگریس : ۵۴۳- ۱۵۷۵- ۱۵۷۶ ورجوع به‌دجله شود
تیگران‌ثرت: ۲۱۴۲- ۲۲۷۸
تیل: ۲۴۲۰
تی‌لس (بحرین): ۱۹۲۲-۲۲۱۳
تین‌تیر: ۳۸۶
تیانا : ۲۱۲۳
تیم‌برارا : ۳۶۲
تی‌یا : ۷۶۹

ث

ث‌ت گوش، ۳۷۵- ۵۴۰- ۶۹۱- ۱۴۵۲-۱۴۵۳
۱۴۷۳- ۱۵۷۷- ۱۵۹۶- ۱۶۰۹- ۱۶۱۰

ج

جام : ۲۱۸۶
جانیك: ۲۶۰۷
جبال: ۲۵۴۷- ۲۵۵۰- ۲۵۶۵- ۲۵۶۹- ۲۵۷۰
۲۵۷۱
جبل: ۲۶۱۲
جبل (شهر): ۴۴۲
جبل الطارق (ستونهای هرقل) : ۲۰ - ۴۴۸
۵۷۳- ۶۳۶- ۸۹۳- ۱۴۵۶ - ۱۴۸۶-۱۸۰۷
۱۸۶۶- ۱۸۷۶- ۱۹۱۱- ۱۹۷۱
جبل‌الطاق، ۲۴۸۲
جبل لبنان: ۴۴۲
جراحی: ۱۴۹- ۲۵۳۲
جر(تنگ): ۲۵۸۹- ۲۵۹۰
جزمریان، ۱۴۷
جغتای : ۲۱۸۶
جلم : ۲۲۳۱
جور : (گور)
جوزان : ۱۷۰
جوگند (زورگند): ۱۲۲م
جومر (کیمروی): ۱۷۱- ۱۷۱
جوین، ۱۱۸۶
جیحون (وخش)، ۲۰۰- ۶۹۲- ۱۴۴۵- ۱۶۹۰
۱۷۶۵- ۱۷۶۶ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۵ - ۲۲۱۲
۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۵ - ۲۲۳۱
۲۲۵۰- ۲۲۵۶- ۲۴۵۹- ۲۴۷۱ - ۲۴۸۴
۲۴۹۰- ۲۶۱۳- ۲۶۴۰- ۲۶۴۱
جیرفت: ۱۴۳م و رجوع به گدروزیا شود

چ

چاچ : ۲۵۴۱
چاکله : ۲۱۱۸- ۲۲۶۱
چلوگ‌لوث: ۲۶۱۶
چی‌چست: ۱۴۵ و رجوع به‌اورمیه شود
چین: ۹- ۱۱- ۶۰- ۲۸- ۱۰۳- ۱۰۷ - ۱۱۱
۶۱۴-۶۱۶- ۶۳۰- ۱۵۰۷-۱۸۷۶-۲۱۹۹
۲۲۵۰- ۲۲۵۱ - ۲۲۵۴- ۲۲۵۵ - ۲۲۵۶
۲۲۵۷ - ۲۲۶۳ - ۲۲۶۴ - ۲۲۶۵ - ۴۶۹
۲۶۴۱- ۲۶۹۸ - ۲۶۹۹

ح

حاجی‌آباد: ۱۴۴۵

حبشه: ۲۵ـ ۳۱ـ ۳۲ـ ۳۵ـ ۴۰ـ ۵۰ ـ ۱۱۳
۴۶۳ـ۴۸۱ـ۴۹۲ـ۴۹۴ـ۴۹۶ـ۵۰۵ ـ ۵۰۹
۵۷۲ـ ۵۷۵ـ ۶۳۵ ـ ۶۳۶ ـ ۶۸۳ ـ ۶۹۱
۷۱۳ـ ۷۴۰ـ ۷۴۳ـ ۹۰۲ـ ۹۰۳ ـ ۱۱۷۷
۱۲۱۴ ـ ۱۳۵۷ ـ ۱۴۵۲ ـ ۱۵۱۱ ـ ۱۸۱۹
۱۸۷۶ـ ۱۹۱۷ـ ۱۹۴۰ـ ۱۹۷۰ـ ۲۶۰۶
حران: ۱۸۸ ـ ۱۹۰ ـ ۲۰۲ ـ ۲۰۳ ـ ۴۴۵
۲۳۱۲ـ ۲۳۱۶ـ ۲۳۱۷ـ ۲۳۱۸ ـ ۲۳۱۹
۲۳۲۸ـ ۲۳۳۱ـ ۲۳۳۲ ـ ۲۳۳۴ـ۲۳۳۶تا
۲۳۳۹ ـ ۲۳۵۰ ـ ۲۳۵۲ـ۲۳۷۰ـ ۲۵۰۱
۲۵۲۴
حسین‌کوه: ۱۵۷۸ـ ۱۶۰۱
حصارلیق: ۱۰ ورجوع به‌تروا شود.
حضر: (الحضر، هاترا)
حلب: ۱۰۵ ـ ۱۲۸ـ ۱۵۴۶
حلبون: ۴۴۵
حلوان: ۱۵۱
حله: ۵۱
حمامات: ۵۶۶
حماة: ۱۰۶ـ ۱۷۱ـ ۲۲۴

خ

خابور (رود): ۱۷۰ـ ۱۰۰۸ـ ۱۰۷۳ـ ۲۴۷۹
۲۵۰۱ـ ۲۵۰۲ـ ۲۵۰۵ـ ۲۵۰۹ـ ۲۵۱۵
خاتام‌تی (خایبرتی): ۳۵
خات بیوتی: ۵۰۳
خارادرا: ۷۹۸
خاراکس: ۹۳ـ ۲۲۱۳ـ ۲۶۷۷ـ۲۶۹۰
خاراکس خوزستان (سپاسینی): ۲۲۱۸
خاراکس مادی: ۲۲۱۷
خارس: ۱۱۶۶ـ ۱۱۶۷ـ ۱۱۸۱ـ۱۲۰۲ـ۱۲۰۳
۱۶۴۹ـ ۱۷۵۶
خاریس: ۲۱۱۵
خاق خاق: ۲۵۹۳
لاستراخا: ۱۶۷۵
خالد: ۳۱۳ـ ۲۶۰۷
خالوس: ۱۰۰۷
خالونیت: ۲۶۵۱
خالیب (خالیبیه): ۲۶۱ـ ۶۹۲ـ ۱۰۷۷ـ۱۸۰۴
۱۸۰۵
خان اسکندریه: ۱۰۱۲
خان هندشرقی: ۵۱
خایدالو: ۱۳۰
خجند: ۱۷۰۶
خداوندگار: ۲۱۵۲
خراسان (پارت): ۱۵ـ ۷۲ـ ۱۳۵ـ۱۳۶ـ ۱۴۶
۱۵۲ـ۱۵۷ـ ۲۱۸ـ ۱۴۹۲ـ ۱۵۱۱ـ۲۲۱۷
۲۲۶۶ـ ۲۵۵۷ـ۲۶۴۰ ورجوع به‌پارت شود
خرخار: ۱۶۹
خرسونس: ۶۰۹ـ ۶۱۰ـ ۶۱۵ ـ ۶۵۵ ـ ۶۵۶
۶۷۱ـ ۷۲۹ـ ۸۷۰ـ ۸۷۱ ـ ۹۲۸ ـ ۹۷۶
۹۷۸ـ ۹۸۱ ـ ۱۰۰۲ ـ ۱۰۰۵ ـ ۱۱۱۲
۱۱۱۷ـ ۲۰۰۰ـ ۲۰۶۱ ـ۲۱۶۲ـ۲۲۷۴
۲۲۸۷
خرم‌آباد: ۱۳۰
خرونه: ۱۲۰۲ـ۱۲۰۳ـ ۱۲۰۵ـ۱۷۳۱ـ۲۱۴۰
خری‌پولیس: ۱۰۹۱ ـ ۱۰۹۲
خزر (دریا): ۲۰ـ ۳۹ـ ۵۷ـ ۹۱ـ۱۱۴ـ۱۳۳
۱۴۳ـ ۱۴۴ـ ۱۴۵ ـ ۱۴۷ تا ۱۴۹ـ ۱۵۱
۱۵۵ـ ۱۸۴ـ ۲۰۰ـ ۲۰۷ ـ ۲۲۷ ـ ۲۸۴
۱۵۰۸ـ ۱۸۰۷ـ ۲۰۶۵ـ ۲۰۶۶ ـ ۲۱۱۵
۲۲۱۶ـ ۲۲۸۷ـ ۲۴۰۱ ـ ۲۴۵۸ ـ ۲۴۵۹
۲۴۷۸ـ ۲۶۱۸ و رجوع به‌کاپسین شود
خسرون: ۲۱۷۶ ـ ۲۱۸۱ ـ ۲۳۲۷ ـ ۲۳۳۰
۲۴۲۰ـ ۲۴۲۱ـ ۲۴۶۷ ـ ۲۴۷۴ ـ ۲۴۷۹
۲۴۸۷ـ ۲۵۰۱ـ ۲۵۰۶ـ ۲۵۰۷ ـ ۲۵۰۹
۲۵۱۹ـ ۲۵۳۷ ـ ۲۵۹۹ـ ۲۶۰۰ ـ ۲۶۰۱
۲۶۲۸ تا ۲۶۳۵ ـ ۲۶۴۰ ـ ۲۶۵۳ـ ۲۶۹۰
خلوله: ۲۲۷

خمسه، ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰
خوآسپ: ۳۹۲ - ۶۴۳ - ۱۴۰۶ - ۱۴۹۱ - ۱۵۴۶ - ۱۷۷۰ - ۱۹۰۸ و رجوع به‌کرخه شود
خوئس: ۱۷۶۶
خوار: ۷۹م - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۲۰۷ - ۱۴۳۰ - ۲۲۱۸
خوارزم(خوارزمیش): ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۴۷ - ۳۷۵ - ۴۵۴ - ۴۷۱ - ۴۸۰ - ۶۹۲ - ۱۴۵۲ - ۱۵۰۶ - ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۸۲ - ۲۱۸۶ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۸ - ۲۱۹۲ - ۲۲۳۱
خواف: ۲۱۸۶
خوانسار: ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰
خورساباد: ۵۲ - ۱۵۵۹
خوروبیابانك، ۴م
خوریان (قلعه): ۱۷۳۹ - ۱۷۴۰
خوزستان: ۹۳ - ۱۰۰ - ۱۳۰ - ۱۴۷ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۶۸۲ - ۱۴۰۹ - ۱۴۵۳ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۹ - ۱۴۹۱ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۹۶ - ۱۶۱۰ - ۱۶۲۱ - ۱۶۲۲ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۱۹۷۳ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۹ - ۲۰۱۲ - ۲۰۳۸ - ۲۰۴۲ - ۲۰۵۵ - ۲۰۸۳ - ۲۰۸۷ - ۲۰۹۵ - ۲۱۱۵ - ۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۱ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۷ - ۲۲۳۱ - ۲۲۷۱ - ۲۲۸۷ - ۲۴۰۸ - ۲۵۴۷ - ۲۶۴۰ - ۲۶۵۱ تا ۲۶۵۳ - ۲۶۷۷ - ۲۶۷۸
خوسوگول: ۲۲۵۲
خوقند: ۲۲۶۲
خووج، (خوزستان)
خیبر: ۱۵۲ - ۱۷۶۶
خیوس: ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۶۲۷ - ۶۲۹ - ۶۴۰ - ۶۴۵ - ۶۵۱ تا ۶۵۳ - ۶۵۵ - ۶۹۲ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۶ - ۹۶۶ - ۹۶۸ - ۱۱۶۷ - ۱۲۰۱ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۴ - ۱۳۲۹ - ۱۳۴۶ - ۱۳۵۷ - ۱۴۴۷ و رجوع به کیوس شود.

دارا (شهر): ۲۲۰۷ - ۲۲۰۸
دارابگرد: ۱۵۶۳ - ۲۵۲۹
داردانل: ۳۰۴ - ۶۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۲۲ - ۷۲۷ - ۱۱۸۷ - ۱۴۸۵ - ۱۵۲۷ - ۲۰۴۹ - ۲۰۶۲ - ۲۳۹۴ و رجوع به‌هلسپونت‌شود
داردانوس: ۶۵۱ - ۷۲۳
داردس: ۱۰۰۷
دارالفنون: ۳۹م - ۴۰م
دارن: ر۲۶۰۳
داریال (دربند): ۱۸۴ - ۲۲۸۷ - ۲۴۰۱ - ۲۴۰۲ - ۲۴۵۹ - ۲۴۶۰ - ۲۴۹۰ - ۲۵۹۰ - و رجوع به‌آلان شود
دastراکون: ۲۱۰۳
داس‌سیلیوم: ۱۱۰۴ - ۱۱۰۶
داس‌کی‌لیون: ۵۵۶ - ۸۶۵ - ۸۹۵ - ۱۲۶۰ - ۲۱۵۲
داکیه: ۲۴۶۶ - ۲۴۷۰ - ۲۴۷۳
دامان کوه: ۲۱۸۶
دامغان: ۵۸ - ۱۲۰ - ۱۶۵ - ۱۴۲۹ - ۱۴۴۵ - ۱۴۹۲ - ۱۵۱۱ - ۱۶۲۱ - ۱۶۳۶ - ۱۷۶۵ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۶ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۵ - ۲۶۴۶ - ۲۶۵۱
دانا: ۱۰۰۱
دانوب(ایستر): ۹ - ۱۵۵ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۷۱ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۳ - ۷۰۹ - ۱۴۴۲ - ۱۴۵۴ - ۱۴۸۸ - ۱۵۱۰ - ۱۸۸۱ - ۱۹۴۲ - ۲۰۶۷ - ۲۵۰۳
دجله: ۲۵ - ۵۱ - ۵۴ - ۱۱۸ - ۱۲۶ - ۱۳۰ - ۱۴۴ - ۱۴۷ - ۱۴۹ - ۱۵۱ - ۱۷۰ - ۱۸۹ - ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۲۱۴ - ۲۶۵ - ۲۸۶ - ۳۷۷ - ۳۷۹ - ۳۷۳ - ۳۸۴ - ۳۸۷ - ۳۹۳ - ۴۳۹ - ۴۴۷ - ۴۷۶ - ۵۳۹ - ۵۵۴ - ۶۵۴ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۷۰۰ - ۷۴۴ - ۹۸۹ - ۱۰۱۴ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۶ - ۱۰۴۸ - ۱۰۶۴ - ۱۰۶۷ - ۱۰۷۶ - ۱۳۴۴ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ - ۱۳۹۱ - ۱۴۱۰ - ۱۴۴۷ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۶ - ۱۴۹۱

۱۵۴۶ - ۱۸۱۳ - ۱۸۴۶ - ۱۸۵۱ - ۱۸۶۹
۱۸۷۶ - ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ - ۱۹۷۳
۲۰۰۳- ۲۰۰۵- ۲۰۰۶- ۲۰۰۹- ۲۰۲۰
۲۰۳۷- ۲۰۴۶- ۲۰۸۴ - ۲۰۸۷ - ۲۰۹۵
۲۰۹۶ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۴ - ۲۲۱۸ - ۲۲۶۸
۲۲۷۷ - ۲۲۸۹ - ۲۴۰۶ - ۲۴۲۰ - ۲۴۲۱
۲۴۸۰- ۲۴۸۱ - ۲۴۸۲ - ۲۴۸۳ - ۲۴۸۵
۲۵۰۸ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۱ - ۲۵۱۵- ۲۵۵۱
۲۶۴۱ - ۲۶۴۲ - ۲۶۴۴ - ۲۶۵۴ - ۲۶۸۶
۲۷۲۲ ورجوع به تیگریس‌شود
دختر (پل): ۱۴۳م- ۲۷۰۲
دختر(قلعه) . ۱۴۳م
دختر (کوه): ۲۷۰۲
دختر(کتل، گردنه)، ۱۴۳م- ۲۷۰۲
ددن (معبد): ۲۷۲- ۹۱۶
داراپ‌ساك : ۱۶۹۳
دربند (باب الابواب): ۱۵۵- ۱۸۳- ۲۰۷-۲۱۷
۲۲۱۶- ۲۲۱۷ و رجوع به‌داریال شود
دربند پارس : ۷۷۹ - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹
۱۴۴۸
دره‌گز : ۱۱۴- ۱۳۳
دریاچه قم (حوض سلطان): ۱۴۸
دریانی : ۷۲
دریای احمر: (اریتره)
دریای سیاه: ۱۴۳ و رجوع به‌آزوف شود
دریای مغرب: ۲۱- ۲۴- ۲۶- ۲۷- ۱۴۶
دریسك: ۷۱۶- ۷۲۹- ۷۴۸- ۷۵۱
درید: ۷۹۸
دری موس: ۷۹۷
دری‌یه: ۳۸۷- ۷۷۷
دسل: ۸۲۶
دشتستان: ۶۷م
دشت مغان: ۲۱۴۵- ۲۲۸۷
دکان داود: ۲۲۱- ۲۲۲
دلتا : ۵۰۹
دلس: ۶۶۸- ۶۶۹- ۶۸۱- ۸۳۰ - ۸۶۵ - ۹۱۱
۹۲۲ تا ۹۲۴- ۹۳۷- ۹۴۰- ۹۴۱
دلف (معبد): ۸۵- ۲۷۰- ۲۷۲ تا ۲۷۴ - ۲۷۸
۲۸۲- ۲۸۳- ۲۸۵ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۷۲
۶۶۵- ۶۶۶ - ۷۴۹ - ۷۵۳ - ۷۵۷ - ۷۶۵
۷۶۷- ۷۶۹ - ۷۷۳ - ۷۸۱ - ۷۹۲ - ۷۹۹
۸۰۰- ۸۰۲ - ۸۲۳ - ۸۲۸ - ۸۴۸ - ۸۹۶
۱۰۵۸- ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸ - ۱۲۰۶ - ۱۲۰۷
۱۲۱۴- ۱۲۲۷ - ۱۵۳۱ - ۱۸۰۵ - ۱۹۳۱
۲۰۶۷- ۲۶۷۹
دلیوم (معبد): ۶۸۱ - ۱۵۳۱
دماوند: ۱۲۷- ۱۵۷- ۱۷۲- ۱۵۱۱- ۲۱۹۱
دمتریاس: ۲۱۱۸
دمذرپین: (نصیبین)
دمشق: ۱۰۵- ۱۰۶- ۱۲۸- ۴۴۵- ۱۳۲۱-۱۳۲۲
۱۳۲۳ - ۱۳۶۶ - ۱۴۰۵ - ۱۴۴۷ - ۱۴۷۴
۱۴۷۸
دن (رود): ۵۷۷- ۵۸۳- ۶۰۴- ۶۱۵ - ۱۶۵۰
۱۶۹۳- ۱۷۰۷- ۱۷۰۸
دنتس: ۶۰۴
دنی‌پپر: ۲۱۳۸ ورجوع به‌بریستن شود
دنی‌یستر: ۶۱۲- ۶۱۴- ۶۱۵- ۲۲۷۴
دوباله : ۵۴۷
دورا : ۲۱۱۲- ۲۱۱۶- ۲۱۱۷
دوری‌لو: ۱۳۶
دوسلدرف: ۷
دون‌خو: ۲۲۵۵
دهستان: ۲۳۹۳
ده‌نو اسحق وند: ۲۲۱
دیار بکر: ۱۷۰- ۲۴۲۰
دیاس‌کلی: (داس‌کیلیون)
دیاله: ۱۵۱ - ۳۸۴- ۴۴۷ - ۱۴۹۱ و رجوع به گیندس شود .

دیدیم : ۶۵۴-۱۷۰۰
دیران : ۲۲۱
دیسپون : (تیسفون)
دیسه : ۷۴۷
دیلمان : ۱۴۹۱-۱۴۹۴
دیلمون : ۱۵۰۹
دینور: ۲۵۴۷-۲۵۵۰
دیوارماد : ۱۹۳-۳۳۳-۱۰۴۶
دیوم : ۱۲۵۷

ر

را (رود) : ۶۱۶
رأس حلم : ۵۷۲
رأس‌العین : ۲۷۲۱
رافیا : ۲۱۰۶
راگس : (ری)
رام‌باسیا : ۱۸۵۶
رامهرمز : ۱۴۱۳
رثیوم : ۱۲۴۳
رحمت (کوه) : ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹
رخا : ۵۴۶
رخج (ارخواتیش ، قندهار) : ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۵۴۷-۶۹۱ - ۱۳۴۴-۱۳۷۹-۱۴۳۱-۱۴۵۲- ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۵ - ۱۶۱۰ - ۱۶۸۱ ۱۶۸۳ - ۱۶۸۶ - ۱۶۹۰ - ۱۷۸۱ - ۱۷۸۵ ۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۶۱ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۳ ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰ - ۲۰۴۶ ۲۰۸۳ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۲ - ۲۱۱۸ - ۲۲۱۳ ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۹ - ۲۲۶۱ ۲۲۶۳ - ۲۳۷۸ - ۲۶۵۱
ردس : ۶۲۹ - ۶۹۲ - ۹۲۴ - ۹۷۴ - ۱۱۰۶ ۱۱۶۷ - ۱۲۰۱ - ۱۲۴۲ - ۱۳۵۷-۱۳۵۸ ۱۹۷۵ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۴۸ - ۲۱۳۵ ۲۱۷۸ - ۲۳۸۵
رسترا : ۲۴۵۱ - ۲۴۵۲
رستم‌آباد شمیران : ۱۱م - ۲۰م - ۲۱م - ۵۳م ۱۱۵م
رشت : ۲۹م - ۴۷م - ۶۲م - ۶۷م - ۶۹م
رفسنجان : ۱م
رقه : ۲۴۹۹
رگ : (ری)
رگ باری : ۲۱۸۴
رن : ۱۷۸۴ - ۲۵۰۱
رنگا : ۱۵۶
رنه : ۶۶۹
روحا : (اوررا)
رودبار : ۱۴۶
روسیه : ۹م - ۲۳ تا ۲۷م - ۴۰م ۴۹م- ۵۷م - ۶۰م - ۶۷م - ۸۲م - ۱۱۶م - ۱۱۷م - ۹- ۱۳۷ - ۵۷۸ - ۵۸۷ - ۱۳۴۴ - ۱۷۲۲ - ۲۴۵۸
روم : ۱۱۱ م - ۱۳ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۸ - ۶۸ - ۷۱ - ۷۶ - ۷۷ -۸۰ تا ۸۶ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۳ - ۹۶ - ۹۸ - ۱۰۲ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۲۲ - ۱۳۸ - ۱۶۳ - ۱۹۰ - ۶۱۷ - ۸۸۷ - ۱۳۴۲ - ۱۵۱۰ - ۱۵۲۹ - ۱۵۳۳- ۱۶۱۸ - ۱۷۱۷ - ۲۰۲۹ - ۲۰۷۹ - ۲۰۸۵ ۲۰۹۰-۲۱۱۹ - ۲۱۲۵ تا ۲۱۲۹ - ۲۱۳۶ تا ۲۱۴۱ - ۲۱۴۳ - ۲۱۴۵ - ۲۱۴۷ - ۲۱۵۲ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۸ - ۲۱۶۲ ۲۱۶۳ - ۲۱۷۲ - ۲۱۷۵ تا ۲۱۸۱ - ۲۲۰۰ ۲۲۲۲ - ۲۲۴۲ - ۲۲۵۹ - ۲۲۷۲ تا ۲۲۷۵ ۲۲۸۰ تا ۲۲۸۷ - ۲۲۹۱ تا ۲۲۹۴ - ۲۲۹۶ تا ۲۳۰۱ - ۲۳۱۰ - ۲۳۱۱ - ۲۳۱۹ - ۲۳۲۳ - ۲۳۲۸ - ۲۳۲۹ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۳ تا ۲۳۳۹ - ۲۳۴۱ تا ۲۳۴۷ - ۲۳۵۰ - ۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۵۴ تا ۲۳۵۷ - ۲۳۶۳ ۲۳۷۲ تا ۲۳۹۱ - ۲۳۹۴ تا ۲۴۰۱ - ۲۴۰۶ ۲۴۰۷ - ۲۴۱۳ - ۲۴۱۵ تا ۲۴۱۹ - ۲۴۳۱

تـا ۲۴۳۷ ـ ۲۴۴۰ ـ ۲۴۴۱ ـ ۲۴۴۳ تـا
۲۴۵۵ ـ ۲۴۵۷ ـ ۲۴۶۰ ـ ۲۴۶۱ ـ ۲۴۶۲
تا ۲۴۶۷ ـ ۲۴۶۹ تـا ۲۴۷۱ ـ ۲۴۷۳ تـا
۲۴۸۱ـ ۲۴۸۴ تا ۲۵۰۷ـ ۲۵۰۹ تا ۲۵۱۹
۲۵۲۱ ـ ۲۵۲۵ـ ۲۵۲۷ ـ ۲۵۳۲ ـ ۲۵۳۵
تـا ۲۵۳۷ ـ ۲۵۴۱ ـ ۲۵۴۵ ـ ۲۵۴۷ ـ
۲۵۵۸ـ ۲۵۶۶ـ ۲۵۶۷ ـ ۲۵۶۹ تا ۲۵۷۳
۲۵۷۶ ـ ۲۵۷۷ ـ ۲۵۸۸ ـ ۲۶۰۹ ـ ۲۶۱۳
تا ۲۶۱۵ ـ ۲۶۲۴ ـ ۲۶۲۵ ـ ۲۶۳۱ تـا
۲۶۳۳ ـ ۲۶۴۰ ـ ۲۶۴۱ـ ۲۶۵۲ ـ ۲۶۵۳
۲۶۶۲ تا ۲۶۷۵ـ ۲۶۸۳ تا ۲۶۸۵ ـ ۲۶۹۱
۲۶۹۵ ـ ۲۶۹۷تا ۲۶۹۹ ـ ۲۷۰۹ـ ۲۷۱۴
۲۷۲۱
رومانی : (داکیه)
روها : (اوررا)
روی : ۱۷۹۹
ری : ۹۳ـ۱۰۱ ـ ۱۵۲ ـ ۱۵۶ تا ۱۵۸ ـ ۲۰۷
۵۴۵ ـ ۶۹۱ ـ ۱۴۳۱ ـ ۱۴۷۹ ـ ۱۴۹۲ـ
۲۰۱۷ ـ ۲۲۱۶ـ ۲۲۱۸ ـ ۲۲۲۰ ـ ۲۲۲۴
۲۲۳۱ ـ ۲۲۳۳ـ ۲۵۴۹ـ ۲۵۶۵ ـ ۲۵۶۷
۲۵۶۹ ـ ۲۶۴۰ـ ۲۶۴۵ ـ ۲۶۵۱
ریداز، ۱۶۴۱
ریشر : (بوشهر)
ریون (فازیس) : ۱۸۴

ز

زابات : (زهاب)
زاب بزرگ : ۲۱۲۲
زاب سفلی : ۲۲۷۷ ـ ۲۵۱۵
زاب علیا : ۲۵۱۵
زاپاورتن: ۲۲۰۷ ـ ۲۲۰۸
زادراکرت: ۱۵۰۸ ـ ۱۶۴۰ـ ۱۶۴۵ ـ ۱۶۴۷
ـ ۱۶۵۳ ـ ۲۰۸۰ ورجوع بهاستر آباد شود
زاریس : ۹۶
زازانه : ۵۴۰ ـ ۵۵۴
زاسینت ، ۶۶۶ ـ ۶۶۷
زاگرس ، ۱۱۶ ـ ۱۴۵ـ ۱۵۱ ـ ۱۶۹ ـ ۱۷۹ـ
۱۹۰۷ ـ ۱۹۰۸ـ ۲۳۰۹ ـ ۲۴۸۲ـ ۲۵۰۰
۲۵۱۵ ورجوع بهجبل‌الطاق شود
زامبان : ۳۸۷ ـ ۳۹۱
زاینده رد : ۱۴۷
زراسپ : ۲۵۹۶
زرافشان : (پولی‌تی‌مت)
زرگنده : ۴۸م
زرنك : (زرنگ)
زرنگ (سیستان) : ۱۵۷ ـ ۳۷۵ ـ ۶۹۱ ـ
۱۵۷۱ ـ ۱۵۹۶ ـ ۱۶۰۹ـ ۱۶۱۰ـ ۱۶۵۴
تـا ۱۶۵۷ ـ ۱۶۶۰ ـ ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ ـ
۱۶۹۰ ـ ۱۹۹۳ـ ۲۰۸۳ـ ۲۱۸۵ـ ۲۱۸۷
۲۱۸۹ ـ ۲۱۹۰ ـ ۲۲۱۴ ـ ۲۲۱۵ ـ ۲۲۲۳
۲۲۵۸ ـ ۲۲۶۱ ـ ۲۲۶۳ ـ ۲۲۶۷ ورجوع
بهسیستان شود .
زفیریوم : ۲۰۰۲
زگما : ۲۱۱۲ ـ ۲۳۰۲ ـ ۲۴۲۰ ـ ۲۴۵۵ ـ
۲۴۹۹
زلاند جدید : ۱۰
زلزلات : ۳۸۸
زنجان : ۲۲۱۷
زنودوتی : ۲۲۹۸
زور : (جر)
زورگند : (جوگند)
زوزا : ۵۴۲
زهاب : ۱۴۴ ـ ۱۰۴۸ ـ ۱۰۶۳ ـ ۱۰۹۴ ـ
۱۸۲۷
زی په‌تیه : ۲۱۵۱
زیو به‌ریس : ۱۶۴۱

ژ

ژاپن ، ۱۳م ـ ۱۱ ـ ۶۳
ژرمانیه : ۹ـ ۲۳۳۸ ـ ۲۴۲۳

ژن : ۸۷۵
ژنو : ۴۹م
ژهانسبورك : ۱۳۳م

س

سا اولك (تنگ) : ۲۶۹۴ - ۲۷۰۶
سائیس (معبد) : ۴۹۲ - ۵۰۲ تا ۵۰۵ - ۵۰۷ - ۵۶۶ - ۵۶۸ - ۵۷۰ - ۱۵۵۴
ساناگید : (ث ت گوش)
ساتالا : ۱۴۷۵
ساتراپن : ۲۴۰۵
ساتورن (معبد) : ۸۸۱
ساداقا : ۲۶۱۶
سارپدن : ۷۲۹
سارد : ۱۹۶ - ۲۶۷ تا ۲۶۹ - ۲۷۱ - ۲۷۵ تا ۲۷۸ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۸ - ۲۹۰ - ۲۹۲ - ۲۹۶ - ۳۶۲ - ۳۶۹ - ۳۷۱ - ۳۷۲ تا ۳۷۵ - ۳۷۸ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۳۶ - ۴۷۶ - ۵۵۶ - ۵۵۹ - ۶۲۰ تا ۶۲۲ - ۶۲۵ - ۶۳۹ - ۶۴۴ - ۶۴۶ تا ۶۴۸ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۶ - ۶۶۲ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۸۰ - ۶۹۰ - ۷۰۵ - ۷۱۱ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۲۰ - ۷۲۲ - ۷۳۲ - ۷۲۹ - ۷۳۹ - ۷۵۹ - ۷۶۱ - ۸۰۴ - ۸۱۹ - ۷۳۵ - ۸۶۹ - ۸۸۹ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۴۰ - ۹۹۷ - ۹۹۹ - ۱۰۵۹ - ۱۰۴۱ - ۱۰۵۰ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۷۵ - ۱۳۱۷ - ۱۳۹۸ - ۱۴۰۵ - ۱۴۲۹ - ۱۴۴۷ - ۱۴۵۲ - ۱۴۶۹ - ۱۴۷۸ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۱ - ۱۵۰۴ - ۱۵۱۴ - ۱۵۳۲ - ۱۵۷۱ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷ - ۲۰۴۵ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۲ - ۲۰۷۲ - ۲۰۷۷ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۱ و رجوع به‌لیدیه شود.
ساردنی : ۶۴۸ - ۶۵۲
ساردین : ۲۷ - ۳۷۹ - ۸۷۸
سارماتی : ۲۵۸۹
سازمان ملل متحد : ۶۵ م
ساگارتی : ۵۴۴ - ۲۱۸۵ - ۲۱۹۰ - ۲۶۴۰
ساگالاس : ۱۲۷۸
سالامین : ۷۰ - ۱۶۳ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۶۸ - ۶۹۲ - ۷۰۳ - ۷۴۹ - ۷۵۶ - ۷۵۸ - ۷۶۶ - ۷۸۸ - ۷۹۳ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۴ تا ۸۱۲ - ۸۱۵ تا ۸۱۷ - ۸۲۴ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۳۰ - ۸۳۵ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۱ تا ۸۸۵ - ۸۸۷ - ۸۸۹ - ۸۹۷ - ۹۰۳ - ۹۰۵ - ۹۱۱ - ۹۲۰ - ۹۲۲ - ۹۳۶ - ۱۱۱۴ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۵ - ۱۱۲۶ - ۱۱۳۲ - ۱۱۴۷ - ۱۱۶۹ - ۱۱۷۲ - ۱۴۸۶ - ۱۸۲۷ - ۱۹۰۷ - ۲۰۴۸ - ۲۱۷۲
سالماسید : ۱۲۷۴
سالمونت : ۱۸۶۹
سالمیدس : ۵۹۵
سالونیك : ۱۱۹۱
ساماست : (آبستان)
سامبانا : ۱۹۰۱
سامره : ۱۷۰ - ۹۴۸ - ۹۸۸ - ۱۵۸۵ - ۲۱۰۱ - ۲۰۳۸
سامس : ۲۷۵ - ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۴۹۶ - ۵۴۹ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۹ - ۵۹۴ - ۶۲۷ تا ۶۲۹ - ۸۱۲ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۸ تا ۸۷۰ - ۸۷۶ - ۸۹۳ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۷۰ تا ۹۷۳ - ۹۷۶ - ۹۸۰ - ۹۸۳ - ۱۱۵۱ - ۱۲۶۶ - ۱۹۰۴ - ۱۹۷۵ - ۱۹۸۱
ساموتراس : ۷۴۸
ساموساتا : ۲۱۸۰ - ۲۳۴۷ - ۲۴۴۵ - ۲۴۵۶ - ۲۴۷۵
سامیست : ۳۱
سان‌تری‌تس : ۱۰۷۲
ساندویچ : ۱۰
سان‌ریبو : ۴۸م

سانگاریوس : ۱۲۸۴
سایان: ۲۲۵۱
سبا : ۳۲ - ۴۹ - ۵۰ - ۴۴۵ - ۵۷۰
سبزوار : ۲۱۷۶
سبلان : ۱۴۵
سپرد : (لیدیه، سارد)
ستراتونیکیه : ۲۰۶۳ - ۲۳۴۴
ستریمون: ۶۳۸- ۶۳۹ - ۶۴۵ - ۷۱۵ - ۷۱۶- ۷۴۷- ۷۴۹ - ۸۲۳- ۸۲۴- ۹۴۳ - ۱۲۴۵ ۱۱۹۰
ستونهای هرقل : (جبل الطارق)
ستی‌بتس : ۱۶۴۲
ستیرا : ۲۱۱۵
ستیم‌فالیا : ۲۰۴۵
سد مادی : ۳۸۴
سدهر: (استخر)
سرابی (سراپیس) : ۵۰۵- ۵۰۶ - ۱۹۲۷
سرازونت : ۱۰۸۹- ۱۵۱۰
سرامیك : ۱۲۷۵
سرپل زهاب : ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۷۰۳
سرخ رود (قزل اوزن) : ۱۴۷
سرخس : ۱۵۶ - ۲۱۸۶ - ۲۶۱۱
سردره‌خوار : ۱۴۳۰ - ۲۲۱۸
سرسی‌نیت : ۱۲۴۵
سروستان: ۱۰۳۵ - ۱۶۱۶ تا۱۶۱۸
سریانی : (کاپادوکیه)
سریف : ۹۲۲
سریك : (چین)
س سام : ۱۵۱۰
سس‌تس : ۶۱۰-۷۳۶-۸۹۴- ۹۷۸-۹۸۳-۱۱۱۳
سغد (سغدیان،سغدیانس) : ۱۴۸- ۱۵۶- ۱۵۷ - ۳۷۵ - ۶۱۶ - ۶۹۱ - ۶۹۴ - ۱۳۴۴ - ۱۴۴۶- ۱۴۵۳ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۸ - ۱۴۹۲ ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷- ۱۶۰۹ ۱۶۱۰- ۱۶۱۳- ۱۶۹۰- ۱۶۹۲ تا ۱۶۹۵ ۱۶۹۹- ۱۷۰۳ - ۱۷۱۳- ۱۷۱۸ - ۱۷۲۰ ۱۷۲۱ تا ۱۷۲۳- ۱۷۳۱ -۱۷۳۲- ۱۷۳۵ تا ۱۷۳۷ - ۱۷۳۹- ۱۷۵۷ - ۱۷۵۸-۱۷۶۰ ۱۷۶۲- ۱۷۶۳ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۴- ۱۸۴۲ ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۳- ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ ۱۹۷۰- ۱۹۷۲ - ۱۹۹۳ - ۲۰۱۲- ۲۰۷۳ ۲۱۸۵ - ۲۲۱۵- ۲۲۲۳ - ۲۲۲۵ - ۲۲۵۰ ۲۲۵۱ - ۲۲۵۹ - ۲۲۶۱- ۲۲۶۲ - ۲۲۶۴ ۲۶۵۱
سغدینوس : (سغدیان)
سفید(دریا) : ۱۴۶
سفید (رود) : ۱۴۷ - ۱۵۷- ۱۵۰۸
سفید (کوه) : ۱۴۴۵
سقلاب : ۲۵۷۴
سکائیه : ۱۴۸ - ۵۴۰ - ۶۱۵- ۱۵۷۱ -۱۵۹۷ ۱۶۱۰ - ۲۲۱۰ - ۲۲۱۱ - ۲۶۰۶ - ۲۶۶۸
سکاماندر : ۷۲۳
سك‌تیگرخئود : ۶۹۲
سکستان : ۲۰۸۸ و رجوع به‌سیستان و زرنگ شود .
سکودر : ۱۶۰۹
سکودیانس : (سغد، سغدیان)
سکورد : ۱۱۹۰ ورجوع به مقدونیه شود.
سکون‌خا : ۵۹۳- ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷
سك‌هومه‌ورك : ۶۹۲
سل : ۶۵۰- ۱۲۹۱ - ۱۳۰۱
سل سری : ۱۳۲۳ ورجوع به‌سل سوریه‌شود
سلاسی : ۹۸۳ - ۹۸۴
سل‌سوریه : ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ - ۱۸۸۸ - ۱۹۸۳ ۲۰۰۲- ۲۰۰۳ - ۲۰۸۰- ۲۰۸۲- ۲۰۸۳ ۲۰۸۶- ۲۰۹۰ - ۲۱۰۱ - ۲۲۲۱
سلطان‌آباد : ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰

سلن (سه‌لن) : ۷۱۶ - ۹۹۹ ۱۲۸۳ - ۱۹۰۱
سلن‌گا : ۲۲۵۱
سلوکیدا : ۲۰۶۴
سلوکیه: ۱۵۱ - ۷۰۰ - ۲۰۴۶ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ -
۲۰۸۰ - ۲۲۷۸ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۹ - ۲۳۰۰
۲۳۰۳ - ۲۳۰۴ - ۲۳۲۲ - ۲۳۲۳ - ۲۳۲۵
۲۳۹۳ - ۲۴۰۴ - ۲۴۱۰ - ۲۴۱۲ تا ۲۴۱۵
- ۲۴۸۲ - ۲۴۸۳ - ۲۴۸۴ ۲۴۸۵
۲۴۹۹ - ۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۳
۲۵۱۰ - ۲۵۱۶ - ۲۶۴۴ - ۲۶۴۵ - ۲۶۵۴
۲۶۵۵ - ۲۶۶۶ - ۲۶۷۱
سلوکیه‌آهن : ۲۱۱۵
سلوکیه اریتره : ۲۱۱۳
سلوکیه اوله‌اوسن ، (شوش)
سلوکیه پیری : ۲۰۶۴ - ۲۱۰۱ - ۲۱۱۱
سلوکیه دجله: ۲۰۷۹ - ۲۰۸۷ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۶
۲۱۱۱ - ۲۱۱۳ تا ۲۱۱۵ ورجوع به سلوکیه شود
سلیبری : ۶۵۶
سلیمان (کوه) : ۱۵۲
سلیمان (معبد) : ۳۹۸
سلیمانیه : ۶۹۲
سلی‌نوس : ۲۱۴۹
سمالی‌لند : ۳۵ - ۱۴۵۴
سمرقند : ۱۴۵۲ - ۱۷۰۱ - ۲۲۶۲
سمنان : ۱۴۴۵ - ۱۶۳۶ - ۲۶۴۰
سنا : ۱۰۴۸
سن‌پطرزبورغ : ۹ م - ۱۴ تا ۱۸ م - ۲۵م - ۲۷م
۱۱۳م - ۱۱۶م ۱۱۷م
سن‌تریت : ۱۰۷۶
سنجار(سنگار): ۱۰۵ - ۲۴۷۹ - ۲۴۸۵ - ۲۵۰۵
سند : ۲۰ - ۱۵۲ - ۱۵۵ - ۴۸۴ - ۶۲۹ - ۶۳۰
۶۳۴ - ۶۹۱ - ۱۳۸۰ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۴۹۲
۱۶۵۴ - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۶ - ۱۷۷۴ - ۱۷۷۵
۱۷۷۶ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۵ - ۱۸۰۴
۱۸۱۹ - ۱۸۲۰ - ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۵ - ۱۸۳۷
۱۸۳۹ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۵ تا ۱۸۵۱ - ۱۸۶۵
۱۸۷۶ - ۱۸۸۴ - ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ - ۱۹۱۷
۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۲۰۰۳ - ۲۰۵۷
۲۰۵۸ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳
۲۲۲۹ تا ۲۲۶۲ - ۲۲۶۴ - ۲۴۱۷ - ۲۴۴۰
۲۴۶۰ - ۲۴۷۱ - ۲۴۸۴ - ۲۶۴۱
سن‌دوت : ۱۴۵۷
سنگار : (سنجار)
سنگالا(سنگاله) : ۱۹۴۰
سن‌مارك (کلیسا) : ۱۶۱۵
سنه‌گامبی : ۵۷۴
سوآست : ۱۷۶۷
سواد : ۲۵۴۷ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۲ - ۲۵۶۸
۲۵۶۹ - ۲۵۷۰
سواکین : ۲۰۷۴
سوئد : ۱۶۲۳
سوئز : ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۶۳۱ - ۹۲۷ - ۱۴۵۵
۱۴۹۱ - ۱۶۱۴ - ۱۶۱۸ - ۱۹۲۲ - ۲۶۹۹
سودان : ۲۵ - ۲۶ - ۵۸ - ۱۰۷ - ۶۸۳
سودرس : ۱۸۴۲
سورا : ۲۴۹۹
سوریه : ۲۰ - ۲۲ - ۲۶ تا ۲۹ - ۳۲ - ۳۷ - ۳۹
۴۰ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۷ - ۶۷ - ۹۴ - ۹۸ - ۱۲۸
۱۳۸ - ۱۹۱ - ۱۹۳ ۱۷۱ - ۲۰۲ - ۲۲۴
۳۳۷ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۴۰۳
۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۶۲ - ۶۹۲ - ۷۰۰ - ۷۴۰
۹۳۱ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۱۰۰۴ - ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷
۱۰۰۸ - ۱۰۱۲ - ۱۰۲۶ - ۱۱۳۸ - ۱۱۶۷
تا ۱۱۷۰ - ۱۱۷۳ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۴
۱۳۲۱ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۵ - ۱۳۵۹
۱۳۸۱ - ۱۴۱۴ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۷ - ۱۴۷۲
۱۴۸۹ - ۱۴۹۱ - ۱۵۰۷ - ۱۵۴۶ - ۱۶۳۸
۱۷۱۳ - ۱۷۲۰ - ۱۸۶۶ - ۱۹۲۰ - ۱۹۴۶

۱۹۴۷ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۳
۱۹۸۵ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹ - ۲۰۳۰
۲۰۳۲ - ۲۰۳۴ - ۲۰۳۸ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳
۲۰۴۶ - ۲۰۴۸ - ۲۰۴۹ تا ۲۰۵۱ - ۲۰۵۹
۲۰۶۴ - ۲۰۶۶ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۴ -
۲۰۷۵ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۴ تا ۲۰۸۸
۲۰۹۰ تا ۲۰۹۳ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۵
- ۲۱۱۰ - ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۵ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹
۲۱۲۳ - ۲۱۴۶ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶
۲۱۵۷ - ۲۱۷۸ - ۲۱۸۱ - ۲۲۰۱ - ۲۲۰۶
۲۲۱۲ - ۲۲۲۲ - ۲۲۳۰ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۴
تا ۲۲۳۷ - ۲۲۴۱ تا ۲۲۴۵ - ۲۲۷۳ - ۲۲۷۴
۲۲۷۸ - ۲۲۸۶ ۲۲۸۸ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۱
۲۲۹۵ تا ۲۲۹۹ - ۲۳۲۸ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۴ تا
۲۳۳۸ ۲۳۳۹ - ۲۳۴۲ ۲۳۴۳ - ۲۳۴۵ تا ۲۳۴۹
۲۳۵۱ - ۲۳۷۶ - ۲۳۷۸ - ۲۳۸۲ - ۲۳۹۴
۲۳۹۶ تا ۲۴۰۱ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۵ تا
۲۴۰۷ - ۲۴۲۰ - ۲۴۲۷ - ۲۴۳۳
۲۴۴۲ - ۲۴۴۳ - ۲۴۴۷ - ۲۴۴۸ - ۲۴۵۵
۲۴۵۶ - ۲۴۷۴ - ۲۴۷۵ - ۲۴۸۰ - ۲۴۸۱
۲۴۸۵ - ۲۴۹۷ تا ۲۴۹۹ - ۲۵۰۴ - ۲۵۰۵
تا ۲۵۰۹ - ۲۵۱۴ - ۲۵۵۸ - ۲۵۷۳ - ۲۵۷۵
۲۵۷۴ - ۲۵۸۵ - ۲۵۸۸ - ۲۵۹۵ تا ۲۵۹۷
۲۶۰۳ - ۲۶۳۱ - ۲۶۵۴ تا ۲۶۵۶ - ۲۶۶۶
- ۲۶۷۲ - ۲۶۸۱ - ۲۶۸۲ - ۲۶۹۹
سوزیان : (خوزستان)
سوسیا : ۱۶۵۳
سوغود : (سغد)
سوفن (ارمنستان کوچک) : ۱۶۴۱ - ۲۰۸۱
۲۱۰۴ - ۲۱۲۶ - ۲۱۳۸ - ۲۲۸۶
سوفی‌تس : ۲۰۵۷
سومالی‌لند : (سمالی لند)
سومر : ۳۳ - ۳۴ - ۵۴ - ۵۷ - ۶۴ - ۱۱۳ - ۱۱۴
۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۳ - ۳۸۶
۳۸۷ - ۳۸۹ - ۴۴۲ - ۲۰۹۷ - ۲۴۷۲
سونیوم : ۶۷۴ - ۱۸۲۷
سویس : ۹ م
سی‌باریس : ۲۳۲۴
سیبریا ، ۹ - ۲۲۵۱ تا ۲۲۵۳
سیپ‌پار : ۳۳ - ۵۴ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۱۲۰ - ۱۲۳ - ۱۳۶
۱۳۷ - ۳۸۴ - ۳۸۸
سیپپاس : ۱۹۷۸
سیپیاس : ۷۷۰ - ۷۷۲ تا ۷۷۴
سیتا : ۱۹۰۱
سی‌تاس : ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶
سی‌تاسن : ۱۱۳ - ۲۴۰۳
سی‌تاسه : ۲۱۱۳
سیتاکس : ۱۹۰۱
سی‌تر : ۱۱۱۳
سیترون : ۸۴۱ - ۸۴۷ - ۸۵۱ - ۸۵۴ - ۸۵۹ - ۱۲۲۵
سیحون : ۱۴۸ - ۱۵۴ - ۲۰۰ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۸۴
۷۳۲ - ۷۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۵۳ - ۱۴۵۴
۱۴۷۹ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۲ - ۱۵۱۱ - ۱۶۳۳
۱۶۵۰ - ۱۶۵۲ - ۱۶۹۳ - ۱۷۰۵ - ۱۷۰۶
۱۷۰۸ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۶ - ۱۷۱۷
۱۷۲۲ - ۱۸۷۶ - ۱۹۴۰ - ۲۰۴۶ - ۲۱۱۹
۲۱۹۹ - ۲۲۰۴ - ۲۲۱۲ - ۲۲۲۵ - ۲۲۴۹
۲۲۵۰ - ۲۲۵۱ - ۲۲۵۶ - ۲۲۵۷ - ۲۲۶۰
۲۲۶۲ - ۲۴۵۹ - ۲۴۷۱ - ۲۴۷۳ - ۲۴۹۰
۲۶۱۳ - ۲۶۱۷ - ۲۶۶۸ ورجوع به آراکس شود
سیدون : (صیدا)
سیدنوس : ۱۲۸۷
سیراکوز : ۷۶۲ - ۷۶۴ - ۸۷۸ - ۹۷۹ - ۱۲۶۷
۱۳۳۸
سیربونید : ۱۱۷۳
سیرستی‌کا : ۲۳۳۵
سیرن : ۹۱ - ۳۴۲ - ۴۹۰ - ۵۶۳ تا ۵۶۵ - ۵۷۲
۵۷۵ - ۶۱۱ - ۶۸۳ - ۶۹۴ - ۹۳۲ - ۱۱۴۰

۱۳۵۴ - ۱۳۵۸ - ۱۴۷۲ - ۱۶۸۶ ۱۸۸۸
۱۹۸۴-۲۰۳۴-۲۱۵۴ - ۲۱۵۶-۲۱۵۷
سیرنائیك : ۶۹۳
سی‌رنکس : ۲۰۸۱
سیروس : ۲۱۱۲
سیریس : ۸۰۶
سیزیك : ۱۲۴۲ - ۱۹۹۷
سی‌ژه : ۲۰۷۱
سیستان : ۱۱۹ م - ۶۵ - ۱۴۶ تا ۱۴۸ - ۱۵۱
۱۳۵۶ - ۱۴۳۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۸۶ - ۱۵۰۶
۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۶۲ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۷
۲۰۰۸ - ۲۱۰۳ - ۲۳۱۳- ۲۳۲۹- ۲۲۳۱
۲۳۷۸ - ۲۶۴۰ - ۲۶۵۳ ۲۶۸۰ ورجوع به زرنك شود .
سیسیل : ۱۳ - ۲۷ - ۱۰۳ - ۶۵۴-۷۵۹-۷۶۲-۸۶۵
۷۷۸ - ۷۹۰ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۸ - ۸۸۰
۹۱۳ - ۹۶۵ - ۹۶۹ - ۹۷۲ - ۹۷۹ - ۱۱۳۴
۱۱۴۹ - ۱۳۴۳ - ۱۴۵۵ - ۱۸۷۷ - ۱۹۷۱
۲۰۲۸ - ۲۰۷۹ - ۲۱۴۳ - ۲۳۱۴
سی‌سیون : ۷۹۰-۱۱۲۵
سیف‌نوس : ۱۳۲۹
سیکلاد : ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۶۸ - ۶۷۹ - ۱۲۸۱
۱۴۹۳
سی‌کیون : ۲۰۳۳-۲۰۳۴
سی‌کی هواتیش : ۵۳۳
سیل‌لن : ۳۶۲
سیلوت: ۱۸۴۶-۱۸۴۷
سیله : ۱۸۴۲
سیم : ۳۶۲-۸۷۶-۱۱۲۴-۲۴۸۱
سین (معبد) : ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۳۸۲
سینا : ۲۶ - ۴۳
سیناك : ۲۳۱۹
سین‌دومانا: ۱۸۳۴
سینوپ : ۲۷۶ - ۵۸۲ - ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۱
۱۴۹۱ - ۱۵۱۰ - ۲۱۲۲ - ۲۱۳۵ - ۲۱۳۶
۲۱۴۱
سی‌نوزور : ۸۱۰
سی‌یاتوس : ۷۳۲
سی‌یانه : ۷۹۲ - ۹۹۷
سی‌بن‌زیس : ۹۶۳ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۱ - ۱۰۲۵

ش

شاپور (شهر) : ۲۷۱۵
شادی دل (قصر) : ۳۸۷
شالا : ۱۵۱
شام (شامات) : ۸ - ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۰۶ - ۱۰۷ -
۱۱۶ - ۱۴۳ - ۱۷۱ - ۳۸۳ - ۱۴۷۶ -
۲۵۴۸ - ۲۵۵۷ - ۲۵۷۰
شاهرود : ۱۳۷م - ۱۴۷ - ۱۵۶ - ۱۴۴۵ -
۲۱۸۶
شبا : (سبا)
شتران (قلعه) : ۱۹۹۰
شخره : (شاهرود)
شط‌العرب : ۱۳۱ - ۱۴۹
شکفت سلمان : ۱۴۲
شلوف الترابه : ۱۶۱۴
شمس (معبد) : ۵۴
شمشاط (قلعه) : ۲۴۴۵
شمیران : ۱۲م - ۴۱م
شنعار : ۳۴
شوش : ۱۷ - ۳۵ - ۵۶ - ۷۳ - ۱۲۰ - ۱۲۵ -
۱۳۰ - ۱۳۲ - ۱۳۴ تا ۱۳۹ - ۱۴۱ -
۱۴۷ - ۱۵۱ - ۱۷۹ - ۳۵۲ - ۳۸۷ -
۳۹۲ - ۴۶۳ - ۴۸۱ - ۵۲۰ - ۵۳۵ -
۵۳۹ - ۵۵۹ - ۵۹۳ - ۶۲۵ - ۶۲۷ -
۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۳ - ۶۴۸ - ۶۵۴ - ۶۵۵ -
۶۸۱ - ۶۸۵ - ۷۲۷ - ۷۵۵ - ۷۶۱ -
۷۸۹ - ۸۰۳ - ۸۱۳ - ۸۱۷ - ۸۳۷ -
۸۶۲ - ۸۸۰ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۸ - ۸۹۹ -

۹۰۲ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۶ - ۹۳۷ -
۹۴۲ - ۹۵۱ - ۹۶۶ - ۹۶۹ - ۹۷۹ -
۱۰۱۳ - ۱۰۲۳ - ۱۰۶۹ - ۱۰۹۰ -
۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ -
۱۱۲۱ - ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ - ۱۱۶۲ -
۱۳۴۳ - ۱۳۸۶ - ۱۳۹۵ - ۱۴۰۵ -
۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ -
۱۴۱۳ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ -
۱۴۲۴ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ -
۱۴۷۳ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۹۰ -
۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۵۰۹ - ۱۵۳۰ -
۱۵۴۳ - ۱۵۵۸ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۸ -
۱۵۷۷ - ۱۶۰۲ تا ۱۶۰۸ - ۱۶۱۱ -
۱۶۱۶ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ -
۱۷۶۴ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۹ -
۱۸۸۵ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ -
۱۹۰۱ - ۱۹۲۰ - ۱۹۶۸ - ۱۹۹۳ -
۱۹۹۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۹ -
۲۰۱۰ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ -
۲۰۲۹ - ۲۰۵۴ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۴ -
۲۰۹۶ - ۲۱۰۲ - ۲۱۱۵ - ۲۲۰۴ -
۲۲۲۶ - ۲۶۴۰
شوشان : (شوش)
شوشتر : ۱۴۲ - ۱۴۴ - ۲۵۳۲
شهر ستانك : ۲۲۱۸
شیراز : ۵۱ م - ۶۸م ۸۲ م - ۱۳۷ - ۱۵۲ -
۱۵۶۳ - ۱۵۶۷ - ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ -
۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۲۲ - ۲۵۴۱
شیروان : ۲۴۰۲ - ۲۴۷۸ - ۲۶۲۴
شیکاگو : ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱

ص

صاحبقرانیه : ۲۱م - ۵۴م - ۸۹م
صالح (امامزاده) ۱۲م - ۱۳۳م
صالحیه : (اوریس)
صد دروازه : ۵۷ - ۶۵ - ۲۲۱۰ - ۲۶۴۲ -
۲۶۴۵ - ۲۶۴۶ - ۲۶۹۸
صد ستون (قصر) : ۱۵۸۳
صغد ناتوس : (سغدیان)
صور : ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۲۰۲ - ۴۴۲ تا ۴۴۶ -
۵۱۲ - ۶۹۴ - ۸۰۷ - ۱۱۲۳ - ۱۱۶۷ -
۱۱۶۸ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۰ - ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ -
۱۳۶۳ - ۱۴۶۸ - ۱۴۹۱ - ۱۵۰۹ -
۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۲۱ - ۱۹۴۰ -
۱۹۹۲ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۵۹ -
۲۰۹۶ - ۲۱۱۵
صیدا : ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۶ - ۴۷۶ -
۵۶۱ - ۶۹۴ - ۷۲۰ - ۷۲۴ - ۷۴۱ - ۸۰۷ -
۱۱۶۷ تا ۱۱۷۱ - ۱۱۷۴ - ۱۱۸۱ -
۱۱۸۴ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۴۲ -
۱۴۶۸ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۶ - ۱۵۱۰ -
۲۰۳۲ - ۲۰۵۹ - ۲۰۹۶ - ۲۳۷۱
صیهون (کوه) : ۱۸۳ - ۳۹۹

ط

طاق بستان : ۲۷۱۵
طاق کسری، ۲۷۱۵
طالش : ۱۶۲۱ - ۱۹۰۸ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۰
طبرستان (تپورستان) : ۱۵۲ - ۱۵۷ - ۱۸۴ -
۲۰۹۵ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۰ - ۲۵۷۵
طبس : ۲۱۹۰
طخارستان (طخیرستان) : ۲۵۵۷
طرابلیس: ۱۰۶ - ۱۳۲۸ - ۱۴۵۴ - ۲۰۳۲ -
۲۰۳۶ ورجوع به‌تری پولیس شود
طرابوزان : ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۵ - ۱۵۱۰
۱۹۰۰ - ۱۹۷۰ - ۲۴۳۸
طنجه : ۱۰۷
طوالش : (طالش)
طوس : ۱۵۶ - ۱۱۴۱
طهران : ۱۴۵ - ۱۴۸ - ۱۵۸۴ - ۱۶۱۴ و
رجوع به تهران شود.

ع

عالی قابو : ۶۳ م
عباس آباد : ۱۶۱۲
عثمانی (ترکیه) : ۱۳۷ م
عدن : ۴۴۵
عراق : ۱۰۱ - ۱۰۷ - ۱۱۰ - ۲۰۷ - ۶۹۱ - ۱۹۶۸ - ۲۲۱۷ - ۲۵۴۸ - ۲۵۵۰ - ۲۵۵۱ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۱ - ۲۵۶۲ - ۲۵۶۵ - ۲۵۶۸ - ۲۵۷۶ - ۲۶۸۰
عربستان: ۸ - ۲۰ - ۲۴ - ۲۶ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۳۵ - ۴۹ - ۵۰ - ۹۳ - ۱۱۶ - ۱۲۵ - ۱۲۸ - ۱۳۸ - ۱۴۹ - ۴۶۱ - ۴۸۶ - ۴۸۸ - ۵۰۹ - ۵۷۲ - ۵۹۲ - ۶۳۵ - ۶۸۳ - ۸۹۳ - ۹۳۴ - ۱۱۴۰ - ۱۳۲۳ - ۱۳۳۵ - ۱۴۵۲ - ۱۵۱۱ - ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ - ۱۹۳۶ - ۱۹۴۲ - ۱۹۷۳ - ۲۰۹۵ - ۲۳۵۴ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹
عشرت آباد : ۷۴م
عشق آباد : ۳۳ - ۵۷ - ۱۱۴ - ۲۶۴۲ - ۲۶۴۳
عقبه (خلیج) ۲۶۹۸
عقدا : ۱م
عقرقوف : ۲۱۱۳
عکو : ۱۵۱۰
عکه : ۲۰۳۸
عمان : ۱۰۵ - ۱۴۵ - ۱۴۹ - ۱۵۵ - ۱۵۷ - ۴۸۴ - ۶۲۹ - ۶۳۱ - ۱۴۷۴ - ۱۴۸۶ - ۱۴۹۱ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۲ - ۲۰۶۶ - ۲۶۴۱
عمر (جزیره) : ۱۰۵
عیلام : ۱۱ - ۱۲ - ۲۵ - ۲۸ - ۳۵ - ۳۶ - ۵۳ - ۵۶ - ۱۱۳ - ۱۱۵ تا ۱۱۷ - ۱۲۰ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۹ تا ۱۴۱ ۱۵۷ - ۱۷۴ - ۱۷۸ - ۱۸۰ - ۱۸۵ ۱۸۶ - ۲۰۰ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۳۸۶ ۴۷۵ - ۵۶۸ - ۶۴۳ - ۶۸۲ - ۶۹۱ ۱۵۳۰ - ۱۶۰۹ - ۱۹۰۷ - ۲۰۸۴ ۲۲۶۹ - ۲۶۵۳

غ

غبزه ، ۱۷۶۰
غزنه : ۱۵۶
غزه : ۴۸۸ - ۱۳۴۷ - ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ ۱۳۶۳ - ۱۳۷۶ - ۱۴۱۹ - ۱۴۴۷ ۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۴ ۱۷۲۱ - ۱۹۴۰ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۴ تا ۳۰۳۶

ف

فار : ۱۹۱۶
فارسال : ۲۳۳۷ - ۲۳۳۸
فاروس : ۱۳۵۷
فاز : ۶۶۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ - ۱۹۰۰ و رجوع به فازیس شود
فازلیس : ۹۳۷
فازیس : ۱۸۴ - ۱۰۸۳ - ۱۵۱۰ - ۲۱۴۵
فالر : ۸۰۷
فالرون : ۶۷۴ - ۶۷۸ - ۸۱۵ - ۸۲۰
فانس : ۴۸۶ - ۴۸۹
فر : ۱۱۱۳
فرات : ۲۶ - ۳۳ - ۴۹ - ۵۱ - ۵۴ - ۶۲ ۱۴۴ - ۱۴۹ - ۱۷۰ - ۱۹۲ - ۲۱۱ ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۳۵۲ - ۳۷۳ - ۳۷۷ تا ۳۷۹ - ۳۸۱ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۴۰۴ ۴۳۷ - ۴۳۹ - ۵۴۰ - ۵۵۰ - ۱۰۰۴ ۱۰۰۵ - ۱۰۰۷ تا ۱۰۰۹ - ۱۰۱۴ ۱۰۱۵ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۶

۱۰۲۸ - ۱۰۲۹ - ۱۰۵۵ - ۱۰۷۳
۱۰۷۸ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹
۱۳۲۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶
۱۳۶۷ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳
۱۳۷۸ - ۱۵۰۹ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷ - ۱۸۱۳
۱۸۵۱ - ۱۸۶۶ - ۱۸۷۰ - ۱۸۷۶ - ۱۸۸۶
۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ - ۱۹۲۴ -
۱۹۲۷ - ۱۹۳۰ - ۱۹۶۳ - ۱۹۷۳ - ۲۰۰۳
۲۰۷۵ - ۲۰۸۵ - ۲۰۸۸ - ۲۰۸۹ - ۲۱۰۲
۲۱۱۲ - ۲۱۱۴ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۲ - ۲۱۷۲
۲۱۸۰ - ۲۲۰۰ - ۲۲۰۴ - ۲۲۳۲ - ۲۲۷۱
۲۲۷۳ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۲۹۸ - ۲۳۰۳
۲۳۰۴ - ۲۳۱۷ - ۲۳۲۱ - ۲۳۳۱ - ۲۳۳۲ تا
۲۳۳۶ - ۲۳۴۲ - ۲۳۴۵ - ۲۳۴۶ - ۲۳۴۷ - ۲۳۵۰
۲۳۵۴ - ۲۳۵۵ - ۲۳۶۴ - ۲۳۷۲ - ۲۳۷۷
۲۳۸۲ - ۲۳۸۹ - ۲۳۹۴ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۵
۲۴۰۶ - ۲۴۰۹ - ۲۴۳۲ - ۲۴۴۰ - ۲۴۴۲
۲۴۴۴ - ۲۴۴۶ - ۲۴۵۶ - ۲۴۶۴ - ۲۴۷۰
۲۴۷۱ - ۲۴۷۵ - ۲۴۷۹ - ۲۴۸۲ - ۲۴۸۳
۲۴۸۴ - ۲۴۹۷ - ۲۴۹۸ - ۲۴۹۹ - ۲۵۰۲
۲۵۰۳ - ۲۵۰۶ - ۲۵۰۷ - ۲۵۰۸ - ۲۵۰۹
۶۵۱۰ - ۲۵۱۱ - ۲۵۱۵ - ۲۵۳۸ - ۲۶۱۸
۲۶۲۸ - ۲۶۲۹ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۱ - ۲۶۴۵
۲۶۶۶ - ۲۶۷۲ - ۲۶۸۶ - ۲۷۲۲
فراد (پرسپه) : ۵۴۵ - ۱۵۷۷ - ۲۳۵۵ - ۲۳۵۷
۲۳۶۹ - ۲۳۷۲ - ۲۳۷۳
فراش آباد : ۱۶۱۳ - ۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۱۸
فران (قلعهٔ فرعون) : ۱۴۰
فرانسه : ۲۵ م - ۶۴م - ۱۳۷ م - ۴۶ - ۵۱ - ۵۲
۵۶ - ۶۰ - ۱۲۴ - ۸۷۵ - ۱۴۵۷ - ۱۶۱۹
فرح آباد : ۵۳م - ۷۲م - ۷۵م
فرغانه : ۲۲۶۲
فرمز : ۱۰
فریدن (پریتکان) : ۱۴۷۳ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲
فریگیه : ۸۶ - ۲۴۴ - ۲۶۱ - ۳۰۴ - ۳۴۷ - ۳۶۲
۳۷۰ - ۳۷۱ - ۴۶۰ - ۵۵۸ - ۶۴۳ - ۶۹۲ - ۸۹۵
۹۷۹ - ۱۰۳۱ - ۱۱۰۱ - ۱۱۰۴ - تا ۱۱۰۶
۱۱۱۰ - ۱۱۱۵ - ۱۱۳۸ - ۱۱۴۲ - ۱۱۵۱
۱۱۵۶ - ۱۲۴۰ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۵ تا ۱۴۴۸
۱۲۵۵ - ۱۲۶۰ - ۱۲۶۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۸
۱۲۸۰ - ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ - ۱۴۸۹
۱۶۰۸ - ۱۶۳۸ - ۱۶۶۹ - ۱۸۸۸ - ۱۹۶۷
۱۹۷۰ - ۱۹۷۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۴ - ۱۹۹۷
۲۰۳۰ - ۲۰۳۴ - ۲۰۴۹ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۵
۲۰۵۹ - ۲۰۶۲ - ۲۰۶۸ - ۲۰۷۶ - ۲۰۹۳
۲۱۰۱ تا ۲۱۰۳ - ۲۱۳۵ - ۲۲۷۳ - ۲۲۷۹
۲۲۹۸ - ۲۳۳۱ - ۲۵۸۶ - ۲۶۰۷
فریگیه (چشمه) : ۱۰۰۰
فریگیهٔ سفلی : (هلسپونت)
فلسطین : ۳۹ - ۵۰ - ۵۷ - ۹۳ - ۱۰۳ - ۱۰۷
۱۱۸ - ۱۲۷ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۷ - ۳۹۰
۳۹۸ - ۴۰۲ - ۴۴۲ - ۴۴۴ - ۴۴۶ - ۴۶۲
۵۷۲ - ۶۹۲ - ۶۹۴ - ۷۴۰ - ۹۴۹ - ۹۸۸
۱۴۷۲ - ۱۴۷۷ - ۱۴۸۰ - ۱۴۹۱ - ۱۸۸۸
۲۰۳۳ - ۲۰۳۶ - ۲۰۳۸ - ۲۰۸۶ - ۲۰۸۸
۲۱۵۵ - ۲۲۲۱ - ۲۳۴۳ - ۲۳۴۵ - ۲۴۳۰
۲۴۵۴ - ۲۴۹۷ - ۲۵۵۱ - ۲۵۶۷ - ۲۵۷۰
۲۵۸۸
فلی‌یونت : ۷۷۷
فنی کنت : ۱۱۱۳
فوروم : ۲۴۵۱
فوسه : ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۲۹۳ تا ۲۹۵ - ۶۵۳ - ۸۷۶
۱۱۲۴ - ۱۱۵۳ - ۱۲۳۴ - ۱۸۸۸
فوسید : ۲۷۲ - ۷۶۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۹۸ - ۸۴۰
۸۴۱ - ۱۱۹۸ - ۱۱۹۹ - ۱۲۰۱
فهرج : (بورا)
فیروزآباد : ۹۸۲ - ۹۹۳ - ۱۰۰۲ - ۱۲۲۸ - ۱۲۴۰
۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۱۸

فیروزه : ۲۶۴۲
فیس کوس : (ادرنه)
فیل : ۴۲
فیلادلفی (فیلادلفیا) : ۱۶۱۵- ۱۶۲۱- ۲۶۴۵
فیلاکس : ۲۶۷۷
فیلیپ پی : ۲۳۴۰- ۲۳۴۳
فیله‌گاه : ۱۹۲۲
فینیقیه : ۸ - ۱۲ - ۲۶ - ۵۰ - ۶۱- ۷۷- ۸۶
۹۳ - ۱۲۷ - ۲۸۹ - ۳۴۷ - ۳۷۶- ۳۹۰
۴۴۲- ۴۴۴- ۴۴۶- ۴۸۷- ۵۱۴- ۶۸۳
۶۸۴- ۶۹۴- ۷۲۰- ۸۷۶- ۹۳۱- ۹۵۱
۹۶۲ - ۹۷۷ - ۱۱۳۸ - ۱۱۳۹ - ۱۱۴۰
۱۱۶۷ تا ۱۱۷۲- ۱۳۲۷- ۱۳۳۱- ۱۳۳۲
۱۳۳۵ - ۱۳۴۶- ۱۳۴۷ - ۱۳۵۹- ۱۳۶۱
۱۳۶۳ - ۱۳۷۱- ۱۳۸۵- ۱۴۰۳- ۱۴۵۵
۱۴۵۶- ۱۴۵۸- ۱۴۶۸- ۱۴۷۲- ۱۴۷۷
۱۴۸۰- ۱۴۸۵- ۱۴۹۳- ۱۴۹۵- ۱۵۱۰
۱۵۱۱- ۱۵۱۴- ۱۵۲۹- ۱۵۳۱- ۱۵۴۶
۱۶۰۷- ۱۹۲۰- ۱۹۶۹ - ۱۹۷۱- ۱۹۷۳
۱۹۹۹- ۲۰۰۲- ۲۰۰۳- ۲۰۳۲- ۳۰۳۶
۲۰۳۸- ۲۰۸۸- ۲۰۹۱- ۲۱۰۱- ۲۱۵۳
۲۱۵۵- ۲۲۷۸- ۲۲۸۶- ۲۳۴۳

ق

قاضی‌کوی : (کالسدون)
قاهره : ۱۰۶ - ۹۰۷ - ۹۴۵
قبچاق : ۲۶۱۴- ۲۶۴۱
قبرس : ۲۷- ۵۷- ۲۴۴- ۳۴۷- ۳۶۹- ۴۴۴
۴۶۰- ۴۶۳- ۴۸۸- ۴۹۳- ۵۱۴- ۶۳۶
۶۴۰- ۶۴۳- ۶۴۵- ۶۴۸ تا ۶۵۰- ۶۵۹
۶۹۰- ۶۹۲- ۶۹۴ - ۷۴۰- ۷۴۲ - ۸۰۸
۸۱۸- ۸۷۶- ۸۸۹- ۸۹۴ - ۹۱۹ - ۹۲۶
۹۳۱ - ۹۳۵- ۹۳۶- ۹۴۲- ۹۵۱- ۹۸۳
۱۱۱۲ - ۱۱۱۶ تا ۱۱۱۸- ۱۱۲۳- ۱۱۲۴
۱۱۲۶ - ۱۱۲۷- ۱۱۳۲- ۱۱۳۴- ۱۱۵۵
۱۳۳۶- ۱۳۳۷- ۱۳۴۳- ۱۴۰۳- ۱۵۳۷
۱۶۰۸ - ۱۸۱۹- ۱۸۶۶- ۱۹۷۱ - ۱۹۹۳
۲۰۰۲- ۲۰۱۴- ۲۰۳۴- ۲۰۴۸- ۲۰۵۱
۲۱۱۱- ۲۱۴۶- ۲۱۵۶- ۲۱۵۷- ۲۲۷۰
قرطاجنه (کارتاژ) : ۱۲- ۱۳- ۲۷- ۵۰- ۵۷- ۲۹۴
۴۴۳- ۴۹۲- ۴۹۳- ۴۹۷ - ۵۷۴- ۵۷۵
۶۸۴- ۶۹۳- ۷۴۹- ۷۶۴- ۷۶۶ - ۸۷۵
۸۸۱ تا ۱۲۶۷- ۱۳۳۲- ۱۳۳۸- ۱۳۴۱
۱۳۴۳ - ۱۴۵۴ تا ۱۴۵۶ - ۱۴۷۹
۱۴۸۹ - ۱۵۲۷- ۱۸۶۶- ۱۸۷۶- ۱۹۱۱
۱۹۱۷ - ۱۹۴۴ - ۱۹۷۱ - ۲۱۳۶- ۲۲۷۳
۲۲۸۱- ۲۳۳۲- ۲۴۳۹
قرقیز : ۲۲۵۶
قره آغاج : ۱۴۷
قره چای : ۱۷۹
قره‌سو : ۱۴۷- ۱۶۲۳- ۲۴۲۱
قریم (کریمه) : ۵۷۹- ۵۹۸- ۲۲۸۲- ۲۴۵۸ و رجوع به‌کریمه شود.
قزوین (قزبین، کاسپین) : ۷۱ م- ۱۴۸- ۲۲۱۷ - ۲۶۴۰ ورجوع به‌کاسپین شود
قزل‌اوزن (سرخ‌رود) : ۱۴۷
قزل رباط : ۱۵۱ - ۲۶۷۶
قسطنطنیه : ۹۷ - ۲۵۴۵ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۹
۲۵۷۲ - ۲۶۱۴- ۲۶۲۴- ۲۶۳۳- ۲۶۳۷
۲۷۱۴
قشم : ۱۴۹
قصر آفتاب (معبد) : ۲۷۰۹
قصر خسرو : ۱۷۱۳
قصر سفید : ۹۳۱
قصرشیرین : ۵۲ م - ۷۵م
قصراللصوص : (کنگاور)
قطیف (گرا) : ۱۴۹۱- ۱۵۰۹
قفقاز (قفقازیه) : ۱۰ - ۲۰ - ۶۸- ۱۴۳- ۱۴۴

۱۴۷ _ ۱۴۸ _ ۱۵۳ _ ۱۵۵ _ ۱۵۷ _ ۱۷۱ _
۱۸۴ _ ۴۴۸ _ ۴۸۴ _ ۵۸۲ _ ۶۹۱ _ ۷۳۱
۷۳۶ _ ۱۳۴۴ _ ۱۴۷۴ _ ۱۴۷۵ _ ۱۴۷۹
۱۵۱۶ _ ۱۶۴۸ تا ۱۶۵۰ _ ۱۶۸۶ _ ۱۶۸۸
تا ۱۶۹۰ _ ۱۶۹۳ _ ۱۶۹۴ _ ۱۷۷۸ _ ۱۷۸۲
۱۹۰۸ _ ۱۹۷۰ _ ۱۹۷۲ _ ۱۹۷۳ _ ۱۹۸۴
۲۰۹۶ _ ۲۱۴۵ _ ۲۲۳۲ _ ۲۲۴۸ _ ۲۲۴۹
۲۲۶۸ _ ۲۲۸۷ _ ۲۳۳۸ _ ۲۴۰۱ _ ۲۴۰۲
۲۴۵۷ _ ۲۴۵۹ _ ۲۴۶۰ _ ۲۴۹۰ _ ۲۵۸۷
۲۵۹۰ _ ۲۵۹۱ _ ۲۵۹۵ _ ۲۵۹۶ _ ۲۶۱۳
تا ۲۶۱۵ _ ۲۶۱۷ _ ۲۶۴۰ _ ۲۶۴۱

قلعه دختر: ۱۴۳م

قلهك: ۱۴۳ م

قم: ۶م _ ۱۴۸

قندهار: ۱۶۸۵ _ ۲۲۱۵ _ ۲۲۶۳

قوچان: ۲۱۸۶ _ ۲۶۴۲

قومس (قومش): ۱۴۴۵ _ ۲۶۴۵ _ ۲۶۵۱

قیدار: ۴۴۵

قیر (دریاچه): (آسفالتیت)

ك

کایك: ۷۲۲ _ ۲۱۴۹

کابریا: ۲۱۴۱ _ ۲۱۴۳

کابل (کوفن): ۱۵۲ _ ۱۵۶ _ ۱۴۵۳ _ ۱۷۶۶
۲۲۲۸ _ ۲۲۵۸ _ ۲۲۶۰ _ ۲۲۶۴

کاپادوکیه: ۳۷ _ ۴۹ _ ۵۱ _ ۸۵ _ ۹۷ _ ۱۸۲
۱۹۱ _ ۲۴۴ _ ۲۶۰ _ ۲۷۵ _ ۲۸۴ _ ۳۰۴
۳۲۲ _ ۳۳۷ _ ۳۴۷ _ ۳۷۱ _ ۳۷۶ _ ۴۲۷
۴۶۰ _ ۶۰۱ _ ۶۱۲ _ ۶۱۷ _ ۶۴۳ _ ۷۱۶
۹۷۹ _ ۹۸۰ _ ۱۰۰۱ _ ۱۰۳۱ _ ۱۱۳۸ _ ۱۱۴۱
۱۱۴۳ _ ۱۱۴۵ _ ۱۱۴۷ _ ۱۱۵۱ _ ۱۲۴۷
۱۲۵۵ _ ۱۲۸۵ _ ۱۴۵۲ _ ۱۴۷۶ _ ۱۴۸۹
۱۵۱۱ _ ۱۵۲۰ _ ۱۵۲۱ _ ۱۵۲۹ _ ۱۵۷۱
۱۵۹۶ _ ۱۶۰۹ _ ۱۶۳۸ _ ۱۶۸۹ _ ۱۹۶۷
۱۹۷۰ _ ۱۹۹۲ _ ۱۹۸۲ _ ۱۹۸۴ _ ۱۹۹۱
۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ _ ۲۰۱۳ _ ۲۰۳۰ _ ۲۰۳۲
۲۰۴۹ _ ۲۰۶۴ _ ۲۰۶۹ _ ۲۰۷۰ _ ۲۰۷۵
۲۰۷۷ _ ۲۰۷۸ _ ۲۰۸۰ _ ۲۰۹۲ _ ۲۰۹۴
۲۱۰۲ _ ۲۱۰۳ _ ۲۱۲۱ تا ۲۱۲۹ _ ۲۱۳۱
۲۱۲۴ _ ۲۱۲۵ _ ۲۱۲۶ _ ۲۱۲۷ _ ۲۱۳۸
۲۱۳۳ _ ۲۱۳۶ _ ۲۱۳۸ _ ۲۱۴۱
۲۱۴۳ _ ۲۱۴۹ _ ۲۱۶۵ _ ۲۱۶۷ _ ۲۱۶۹
۲۲۷۰ _ ۲۲۷۴ _ ۲۲۷۵ _ ۲۲۸۱ تا ۲۲۸۳
۲۳۰۱ _ ۲۳۳۱ _ ۲۳۳۴ _ ۲۳۳۵ _ ۲۳۹۸
۲۴۳۳ _ ۲۴۳۶ _ ۲۴۴۳ _ ۲۴۴۴ _ ۲۴۴۷
۲۴۵۶ _ ۲۴۹۰ _ ۲۴۹۱ _ ۲۴۹۶
۲۵۹۶ _ ۲۶۰۷ _ ۲۶۵۳

کاپری: ۲۳۹۹

کاپیتول: ۲۴۹۳

کاپیش: ۵۴۷

کاتانی: ۱۱۴۳

کادکسی‌کرپوس: ۱۴م

کادمه: ۱۲۲۵ _ ۱۲۳۰ ۱۲۳۳

کادیکیه: (کالسدون)

کارپات: ۹ _ ۹۱۵

کارناژ: (قرطاجنه)

کاردوخ: (کردوخ)

کاردیا: ۶۵۶

کارس: ۱۹۰۱

کارسوس: ۱۰۰۶

کارکوف: (عقرقوف)

کارکمیش (کاراکامش): ۴۹ _ ۱۹۲ _ ۲۱۱۲

کارلتن (مهمانخانه): ۱۱۰م

کارماند: ۱۰۰۸ _ ۱۰۰۹

کارمانی: (کرمان)

کارن: ۷۲۲

کارنجی (موسسه کارنژی): ۵۵ _ ۵۷ _ ۲۶۴۳

کارون: ۲۵ _ ۱۳۷ _ ۱۴۷ _ ۱۴۹ _ ۱۵۰۹
۱۵۱۰ _ ۱۵۴۶ _ ۱۸۸۵ _ ۱۸۸۶ _ ۱۹۰۱

۲۰۱۰ - ۲۰۲۰ ورجوع بەپاسی‌میگریس
ویس‌تیگرشود
کاره :(حران)
کاریان : ۲۶۸ -۲۹۵ -۶۳۰ -۱۴۷۱
کاریست: ۶۷۰ -۸۲۷
کارینا :2651
کاریه : ۲۸۷ - ۳۰۴ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۴۶۰
۴۸۹ - ۵۱۲ - ۶۳۶ -۶۴۵ -۶۴۶-۶۴۹
تا ۶۵۱ -۶۵۴ -۶۵۹ -۶۹۲ تا۶۹۴-۷۱۷
۸۳۰ - ۸۷۶-۹۲۶ - ۹۶۰- ۹۸۰-۱۰۲۱
۱۰۲۲ -۱۰۹۹ - ۱۱۰۱ -۱۱۰۴-۱۱۳۸
۱۱۴۱ - ۱۱۶۹ -۱۱۸۵-۱۲۱۰-۱۲۴۵
۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۴-۱۴۵۴ -۱۴۶۲
۱۴۶۸-۱۴۸۵-۱۶۰۸-۱۶۳۸ - ۱۹۲۵
۱۹۶۷ -۱۹۶۹-۱۹۷۳ -۱۹۹۳-۲۰۳۳
۲۰۳۴-۲۰۹۳-۲۱۰۱-۲۱۵۳-۲۳۴۴
کازرون: ۱۶۱۶
کا ساندریا :۲۰۲۷-۲۰۳۲
کا سپاتیر: ۶۳۰-۶۳۴
کا سپین، (کسپین)
کا ستابال(کاستابالا) : ۱۳۰۱-۲۱۰۳
کا ستامونی : ۲۱۵۲
کا ستانه:۷۷۳
کاستل: ۱۰۳۱
کا لابری:۱۸۷۷
کالاه(کالح): ۵۲ - ۱۲۶ - ۱۷۰ - ۱۸۶ - ۱۹۰
۲۶۶-۲۷۱۹
کا لپه: ۱۰۹۱
کا لح:(کالاه)
کا لسدرن(قاضی‌کوی)؛۵۹۳ - ۶۱۰ - ۶۲۶-۹۷۹
۱۰۹۱-۱۱۹۱-۱۵۱۰-۲۰۹۲ - ۲۱۴۱
۲۱۵۲
کا لسید: ۷۷۰-۷۷۳-۷۸۸
کا لسیس: ۶۸۱
کا ل‌سیوك:۸۹۶
کا له: ۲۵م
کا لیدن: ۷۴۳
کا لی‌نی‌کن : ۲۱۱۳
کا ل‌لیوپ :2115
کا مبادن: (کرمانشاه)
کا مبون:۱۱۹۰
کا مپانی(ایطالیا): ۲۳۰۶
کا نزاس سیتی: ۱۶۲۰
کا نه:۷۲۲
کا وکاس: ۶۴۰
کا وه:۱۱۰۷
کا یستر: ۳۰۴
کا یسترو پدیوم: ۹۹۹
کپت‌داغ : ۲۶۱۱
کتا: ۲۶۱۶
کت‌پتوك: (کاپادوکیه)
کتزیفون: (تیسفون)
کتیم: ۴۴۴
کتی‌یور: ۱۰۹۱
کراتی‌زی‌پولیس : ۲۰۳۳
کراچی: ۱۸۵۷
کراژ: ۱۴۰۳
کراسنوودسك: ۲۳۹۲
کرانه :۱۲۲۶
کربلا:۱۱۰م
کرپدیون :۲۰۶۲ - ۲۱۳۳
کرت(کریت):۱۹-۵۷-۲۴۵-۶۶۰-۷۴۱-۷۴۳
۷۵۹-۷۶۷-۱۲۹۷-۱۳۲۹-۱۴۰۲-۱۴۰۳
۱۸۸۳ -۲۱۴۳
کرتن: ۵۶۲
کرث خدشت: (قرطاجنه)
کرج :۴۷ م
کرج: ۵۸۲ -۵۸۶ ۵۹۸-۲۱۴۶-۲۱۹۲

کرخا(کرخه) : ۲۵ ـ ۱۳۰ـ ۱۳۲ ـ ۱۴۳ـ ۱۴۷
۱۵۱ ـ ۲۸۵ـ۱۴۵۲ـ۱۴۵۴ـ۱۴۷۸ورجوع
به‌خواسپ‌شود
کرخه‌دن : (قرطاجنه)
کردستان: ۴۹م-۱۲۴ـ۱۵۱ـ۱۶۹ـ ۱۷۴ـ۱۷۹
۲۰۷ـ۳۷۹ ۵۷۸ـ ۶۹۱ـ۱۹۰۷ـ۱۹۰۸
۲۱۸۷ـ ۲۲۰۹ـ۲۲۴۰ـ۲۴۲۱ ـ ۲۴۸۲
۲۵۴۷ ـ ۲۶۸۶ ـ ۲۶۹۶ و رجوع به
کردوخ‌شود
کردوخ (کردوك) : ۲۵۲ ـ ۳۷۳ ـ ۱۰۶۷
۱۰۶۹ ـ ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۳ ـ ۱۰۷۵
۱۰۷۶
کردون : ۱۳۷۲ ـ ۱۵۴۴ ـ ۲۲۷۵ ـ ۲۲۷۷
۲۲۷۸ ـ ۲۲۸۰ ـ ۲۲۸۷ ـ ۲۲۸۹ تا
۲۲۹۱ ـ ۲۲۹۳ ـ ۲۴۱۵ ـ ۲۶۲۴
۲۶۴۰
کرس :۲۹۴
کرسا: ۱۶۰۵ تا۱۶۰۷
کرست: ۱۰۰۸
کرسیر(کرفو) ۷۵۹ـ۷۶۶ـ۹۱۳ـ۹۴۲
کرك: ۲۶۷۴
کرکوك: ۱۵۱ ـ۶۹۲
کرمان : ۱م ـ ۳م-۱۳۶م –۱۴۵ـ۱۴۶ ـ۱۴۸
۱۵۲ ـ ۱۵۵ ـ۳۹۳ـ ۳۹۴ ـ ۴۵۴ـ ۶۹۱
۱۴۸۰ ـ۱۴۹۱ ـ۱۴۹۲ـ۱۶۱۲ ـ۱۶۱۵
۱۸۳۵ـ۱۸۶۱ ـ۱۸۶۳ ـ۱۸۶۶ تا۱۸۷۰
۱۸۹۰ ـ۱۹۶۷ ـ۱۹۷۳ ـ ۱۹۹۳ـ۲۵۳۲
۲۵۴۳ ـ۲۶۴۰ ـ۲۶۵۳ـ۲۶۷۹
کرمانشاه(کامبادن): ۱۱۶ ـ۱۲۴ ـ۱۵۱ـ۱۷۳
۱۷۴ ـ۱۷۵ ـ۲۲۱ ـ۲۲۷ ـ ۵۳۸ ـ۶۹۱
۱۵۶۷ ـ۱۹۰۱ـ۱۹۰۸ ـ ۱۹۰۹ ـ۲۲۳۱
۲۴۲۱ ـ۲۶۴۰ ـ ۲۶۵۱ـ۲۶۷۷ـ۲۷۰۱
۲۷۰۴ـ۲۷۰۵
کرمن: ۵۸۳
کرنت(ایستم): ۷۵۶ ـ ۷۶۷ ـ ۷۶۹ ـ۷۷۵ـ۷۷۷
۷۷۸ـ۷۸۶ ـ ۸۰۱ـ ۸۰۲ ـ۸۰۴ ـ۸۰۵
۸۰۶ ـ۸۰۹ ـ۸۲۸ ـ۸۳۵ ـ ۸۳۶ ـ ۸۳۸
۸۳۹ ـ۸۶۴ ـ۸۷۷ –۸۸۵ ـ۸۸۶ ـ ۹۴۱
۹۴۲ ـ ۱۱۱۰ ـ۱۱۱۴ ـ ۱۲۰۵ ـ۱۲۲۵
۱۲۳۰ ـ۱۳۳۱ ـ۱۸۰۷ ـ۱۸۲۷ ـ ۲۰۲۸
۲۱۶۳
کرنیداس :۱۱۹۶
کره: ۱۱ـ۱۶
کریت (کرت)
کری‌تال: ۷۱۶
کری‌توپولیس: ۱۹۹۵ ـ۱۹۹۷
کریمه :۲۱۳۷ـ۲۱۳۸ـ۲۱۴۵ـ۲۱۴۹ ورجوع
به‌قریم شود .
کسانت: ۱۲۷۶
کسپین : ۲۰ـ۱۴۸ ـ ۱۵۵ ـ ۴۴۷ـ۴۴۸ـ۶۹۱
۱۴۲۹ـ۱۴۴۳ ـ ۱۶۸۹ـ ۱۶۹۴ ـ ۱۸۸۹ ـ
۱۹۰۷ـ۱۹۰۸ ـ ۱۹۱۷ـ۱۹۷۲ ـ ۲۲۱۸
و رجوع به کاسپین و خزروقزوین‌شود .
کس‌نیپ: ۱۷۵۸
کعبه زرتشت : ۱۶۰۱
ککروپ:۷۵۸
کلازومن :۲۸۷
کلات : ۷م
کلات شرقت : ۵۳
کل‌اید: ۶۴۹
کلخ : ۱۰۸۷ ـ۱۰۸۸ـ۱۰۹۲
کلخید : ۱۸۴ ـ۶۶۰ ـ ۶۶۱ ـ ۷۳۱ ـ ۷۳۷
۷۷۶ –۱۰۸۳ ـ ۱۵۱۰ ـ ۱۵۱۱ ـ۱۶۸۵
۱۷۲۲ ـ ۱۹۰۰ ـ ۲۲۶۸ ـ۲۲۷۱ـ۲۲۷۴
۲۲۸۳ـ۲۴۳۶ ـ۲۴۷۸
کلده : ۱۷ـ۲۰ـ۲۲ ـ۳۲ ـ۵۱ـ۵۵ ـ۷۶ـ۱۰۴
۱۱۳ـ۱۴۳ـ۱۴۴ـ۱۷۴ـ۳۸۳ ـ ۳۹۱ـ۴۴۲
۴۴۵ـ۵۵۱ ـ۶۹۸ ـ۷۰۰ ـ۱۳۷۰ـ۱۵۰۷

۱۵۱۱ - ۱۵۵۸ - ۱۶۲۱ - ۲۰۵۹ـ۲۱۰۱
۲۲۰۹ـ۲۲۹۱ ـ ۲۶۴۰
کلس؛ ۹۹۹
کلفن؛ ۲۸۷ـ۲۸۹ ـ ۹۴۰
کلن: ۱۱۰۰ ـ ۱۲۴۷
کلن تر واد: ۸۹۵
کلودیوپولیس: ۲۱۵۲
کلیاد: ۸۱۶
کماژن: ۲۰۶۴ - ۲۰۸۷ ـ ۲۱۰۱ - ۲۳۴۵ تا
۲۳۴۷ ـ ۲۴۳۵ـ۲۴۳۶ ـ ۲۴۴۵ ـ ۲۴۵۵ -
۲۴۵۶ - ۲۷۱۹ - ۲۷۲۱
کمبد، ۵۴۲
کمره: ۲۲۳۱ ـ ۲۶۴۰
کمن آپولون (معبد): ۲۵۰۰
کمیسن: (قومش)
کن: ۱۰۲۲ ـ ۱۰۲۴ ـ ۱۰۳۴
کن کای: ۵۸۳
کنگاور: ۱۵۱ ـ ۲۰۷۱ ـ ۲۰۷۲ ـ ۲۷۲۲
کندورسه: ۷۱۸
کنه: ۴۴۵
کنید: ۷۲ ـ ۵۶۳ ـ ۱۱۱۲ ـ ۱۱۱۳
کوپت داغ: ۲۶۴۲ ـ ۲۶۴۳
کوبراتس: ۲۰۱۰ ـ ۲۰۱۱
کور (کورا) (رود): ۱۴۷ - ۲۳۳ - ۱۳۸۷
۲۱۴۵ ـ ۲۲۶۸ ـ ۲۲۸۷ـ۲۴۷۸ ـ ۲۶۱۶
کورسك: ۶۱۵
کورفو: (کرسیر)
کورگان: ۵۷۸ ـ ۵۸۹
کورنگ تپه: ۱۱۴ ـ ۱۳۳
کوروپولیس (کوروش، شهر): ۳۷۶ ـ ۱۷۰۳ تا
۱۷۰۶ ـ ۱۹۴۰
کوریکوس: ۲۰۸۳
کوریوم: ۶۵۰
کوسه: ۱۳۸۱
کوش (کوشان): ۱۶۰۵ ـ ۲۵۸۴ ـ ۲۵۹۱ ـ ۲۵۹۵
۲۵۹۷ ـ ۲۶۱۸
کوشا (کوشیا: حبشه): ۱۶۱۲ ـ ۲۲۶۳
کوفس: ۱۷۶۴ ـ ۱۷۷۶
کوفن: (کابل): ۲۲۱۳ ورجوع به کابل شود
کوفه: ۱۰۱ - ۲۵۶۹
کوکارك: ۹۸
کوك نگا: ۵۴۰
کوم: ۲۹۲ ـ ۸۲۹ ـ ۹۱۳ - ۹۱۴ ـ ۹۸۱
کوناکسا: ۷۶ ـ ۲۶۵ - ۳۵۵ ـ ۳۷۲ ـ ۱۰۱۲
۱۰۱۹ ـ ۱۰۲۰ـ۱۰۲۶ـ۱۰۳۸ ۱۰۳۰تا
۱۰۳۳ ـ ۱۰۶۰ ـ ۱۰۹۳ ـ ۱۰۹۴ ـ ۱۱۰۳
۱۱۳۲ ـ ۱۱۵۳ ـ ۱۴۸۳ ـ ۱۴۸۴ ـ ۲۳۶۴
کوندورش: ۵۴۴
کوفس: ۹۷۴
کونیش: (کوناکسا)
کوه‌گیلویه: ۱۴۱۳
کویرلوت: ۱۴۵
کویونجیك؛ ۵۲ ـ ۵۳ ـ ۱۲۸
کیس سی: ۵۵۱ـ۵۵۲
کیلیکیه: ۳۶ ـ ۳۸ ـ ۱۹۱ ـ ۱۹۶ - ۲۶۱ ـ ۲۶۸
۳۰۴ ـ ۴۶۰ ـ ۶۴۳ - ۶۴۹ ـ ۶۵۷ - ۶۶۸
۶۹۲ ـ ۶۹۳ ـ ۸۶۹ ـ ۸۷۶ ـ ۹۱۹ ـ ۹۳۱
۹۳۶ ـ ۹۹۹ ـ ۱۰۰۰ ـ ۱۰۰۱ - ۱۰۰۲
۱۰۰۵ ـ ۱۰۰۶ ـ ۱۰۲۵ ـ ۱۰۵۹ ـ ۱۰۹۲
۱۱۲۵ - ۱۱۳۸ ـ ۱۱۴۱ - ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۵
۱۱۵۱ ـ ۱۱۶۸ ـ ۱۲۴۲ ـ ۱۲۸۴ تا۱۲۸۸
۱۲۹۱ - ۱۲۹۹ ـ ۱۳۰۰ تا۱۳۰۲ـ۱۳۰۴
۱۳۰۶ - ۱۳۲۹ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۳۵۳ ـ ۱۳۹۸
۱۴۱۴ ـ ۱۴۲۸ ـ ۱۴۴۷ ـ ۱۴۴۸ ـ ۱۴۶۹
۱۴۷۲ ـ ۴۴۸۹ ـ ۱۴۹۰ ـ ۱۵۰۷ ـ ۱۵۱۱
۱۵۱۶ ـ ۱۶۳۸ ـ ۱۶۴۰ ـ ۱۶۶۸ ـ ۱۶۷۴
۱۶۸۶ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ ـ ۱۷۳۷ ـ ۱۷۸۲
۱۸۱۲ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ ـ ۱۹۷۱ ـ ۱۹۷۲
۱۹۷۳ ـ ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۸ ـ ۱۹۸۹

۱۹۹۳ - ۲۹۹۹ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳
۲۰۰۷ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۶ - ۲۰۳۸
۲۰۵۹ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۴ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۸
۲۰۸۴ - ۲۰۹۰ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۳ - ۲۱۱۵
۲۱۲۲ - ۲۱۵۴ - ۲۲۴۲ - ۲۲۷۶ - ۲۲۸۶
۲۳۳۱ - ۲۳۳۵ - ۲۴۳۳تا ۲۳۴۵ - ۲۳۹۷
۲۳۹۸ - ۲۴۵۶ - ۲۵۹۶ - ۲۶۰۷ - ۲۶۲۳
کی‌بل: ۶۴۶
کی‌تر: ۷۸۶
کی‌ترون: ۷۵۸
کیت‌نس: ۷۴۰
کی‌تی‌بس: ۲۱۴۹
کی‌تی‌یوم: ۹۳۵
کیش: ۱۰۵ - ۱۱۳
کی‌شاشو: ۱۷۳
کیمری: ۱۷۲ - ۱۷۳
کینگیور: (کنگاور)
کینوسکفال: ۲۱۶۳
کی‌نیت: ۵۷۴ - ۵۷۵
کیوس: ۱۱۴۸ - ۲۰۹۳ - ۲۰۹۴ - ۲۱۳۱
۲۱۳۲ - ۲۱۵۲ ورجوع به خیوس شود
کیوک ایرماق: (آمبنیاس)

گ

گاس: ۱۷۲۴
گابگه: (قفقاز)
گابی‌ین: ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ - ۲۰۹۲ ورجوع به اصفهان شود
گاد: (جبل‌الطارق)
گارگافی: ۸۴۳ - ۸۵۱ - ۸۵۲
گاسیون: ۱۵۱۱
گاماسب: ۱۴۷ - ۱۷۹
گالائیه: ۲۰۷۶ - ۲۰۷۷ - ۲۰۷۹ - ۲۱۳۴
۲۱۳۵ - ۲۱۴۱ - ۲۲۷۴ - ۲۲۸۶ - ۲۲۹۸
۲۴۳۳ - ۲۴۴۳
گالیا: ۲۱۸۱ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷ - ۲۳۳۸ - ۲۳۴۲
۲۳۵۴
گتینگن: ۴۶
گدارا: (گنداره)
گدرزی (گدرزیا): ۱۴۳ - ۱۶۸۳ - ۱۸۵۵
تا۱۸۵۹ - ۱۸۶۱تا۱۸۶۳ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷
۱۸۶۹ - ۱۸۷۰ - ۱۸۹۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۶۷
۱۹۷۳ - ۲۰۵۸ - ۲۱۰۱ - ۲۱۱۸ و رجوع بلوچستان شود.
گرا: ۱۴۹۱ - ۱۵۰۹ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۲ - ۲۲۱۳
ورجوع به القطیف شود.
گرانی: ۲۰۲۸
گرانیک: ۱۲۴۶ - ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۴
۱۲۵۸تا ۱۲۶۲ - ۱۲۶۴ - ۱۲۶۷ - ۱۲۸۴
۱۲۸۶ - ۱۳۰۸ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ - ۱۵۴۸
۱۷۲۷ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۱ - ۱۷۳۴ - ۱۸۸۸
گرجستان: ۱۸۴ - ۶۶۷ - ۱۴۵۴ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۹
۱۵۶۹ - ۲۱۴۵ - ۲۲۶۸ - ۲۴۰۲ - ۵۴۵۲
۲۴۲۸ - ۲۴۳۵ - ۲۴۳۶ - ۲۴۳۹ - ۲۴۵۹
۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۷۸ - ۲۴۹۱ - ۲۴۹۲
۲۶۴۰
گرد، ۹۷۹
گردیان: ۱۳۷۵
گردیوم، ۱۲۸۴
گرس: ۵۸۳ - ۶۱۵
گرگان (وهرگان، هیرکانی): ۱۱۳م - ۱۰۳ - ۱۴۷
۱۵۶ - ۱۸۴ - ۲۱۸ - ۲۲۷ - ۲۴۱ - ۲۶۳ - ۴۵۴
۴۷۰ - ۴۸۰ - ۵۴۴ - ۶۹۱ - ۲۳۴۴ - ۱۴۲۹
۱۴۳۰ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۴۸۰ - ۱۶۲۳
۱۶۳۳ - ۱۶۳۸ - ۱۶۴۰ - ۱۶۴۱ - ۱۶۴۳
۱۶۳۴ - ۱۶۴۶ تا ۱۶۵۰ - ۱۶۵۲ - ۱۶۸۹
۱۶۹۴ - ۱۷۱۰ - ۱۷۹۸ - ۱۸۶۴ - ۱۸۸۵
۱۹۰۰ - ۱۹۱۷ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۲۰۸۱
۲۱۸۴ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۸ - ۲۱۹۰

۲۱۹۱ - ۲۴۱۲ - ۲۱۹۳ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۴
۲۲۰۸ تا ۲۲۱۰ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۷
۲۲۱۸ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۶ - ۲۲۳۰ - ۲۲۳۱
۲۲۳۵ - ۲۲۳۶ - ۲۲۶۴ - ۲۲۸۹ - ۲۴۰۲
۲۴۰۵ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۶ - ۲۴۱۷ - ۲۴۳۶
۲۴۳۷ - ۲۴۳۹ - ۲۴۴۰ تا ۲۴۴۳ - ۲۴۵۹
۲۴۶۲ تا ۲۴۶۴ - ۲۴۹۰ - ۲۵۳۹ - ۲۵۹۵
۲۶۴۱ - ۲۷۴۵ - ۲۶۵۱ - ۲۶۷۲ - ۲۶۷۷
۲۶۸۶
گرگان‌تپه: ۲۶۴۵
گرنه‌آس؛ ۲۴۲۶
گروس: ۶۹۱ - ۱۵۱۱ - ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰
گری‌نیوم ۱۲۴۳
گس: ۷۶۵ - ۹۲۴ - ۹۴۴ - ۱۱۶۷ - ۱۲۰۱
۱۲۷۴ - ۱۲۸۴ - ۱۸۲۶ - ۲۰۷۰ - ۲۱۵۸
گگ (جوج): ۲۵۸۷
گل (فرانسه): ۷۹ - ۸۷۵
گلاك (سوریه): ۹۷
گلپایگان: ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰
گلستان (کاخ): ۸م - ۹۳م - ۱۱۰م
گلن: ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۷۶۴ تا ۷۶۶
۸۷۸ تا ۸۸۱
گلوزس (گلوکانیك): ۱۷۹۸
گمرون: ۱۵۲
گن‌تی: ۲۲۵۱
گنجشاپیگان: ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷
گندار (گنداره): ۳۷۵ - ۶۹۱ - ۱۴۵۲
۱۴۵۳ - ۱۵۷۱ - ۱۵۹۷ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۶
۱۶۱۰
گندسك: ۲۶۱۶
گندوم: ۵۴۷
گنزك: ۱۴۹۲ - ۲۶۱۶
گن‌نس: ۷۶۸
گنگ - ۱۷۸۰ - ۱۸۰۴ - ۱۸۰۷ - ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲
۱۸۳۷ - ۱۸۳۸ - ۲۰۵۷ - ۲۰۵۸
گوبی: ۲۲۵۱ تا ۲۲۵۵
گودزره: ۱۴۸ - ۱۶۸۴
گور: ۲۵۴۸
گورکان‌آنو: ۳۳ - ۱۱۴ - ۱۳۳
گوره: ۱۷۶۹
گوریان: ۱۷۶۹
گوگامل (گوگمل): ۱۶۳ - ۲۰۵ - ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹
۱۳۸۶ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۳
۱۳۹۶ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸
۱۴۸۲ - ۱۴۸۴ - ۲۶۳۳ - ۱۸۲۷ - ۲۰۶۹
۲۱۷۲ - ۲۴۸۲ - ۲۶۳۲
گوگانه: ۱۵۰۹
گی‌بانیس: ۵۸۳
گی‌چای: ۱۴۸
گیرا: ۱۶۰۸
گیلان: ۶۱ م - ۶۷م - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۵۰ - ۱۵۲ -
۱۵۷ - ۱۸۴ - ۲۰۰ - ۲۱۷ - ۳۳۰ - ۱۰۸۳
۱۱۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۵۰۸ - ۱۵۱۱ - ۲۲۶۴
۲۲۶۵ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۰ - ۲۶۰۱
گیلویه (کوه): ۱۴۱۳
گی‌له‌یا: ۵۸۳
گیم‌نیاس: ۱۰۸۶
گیندس: ۳۹۲ - ۴۴۷ - ۱۹۰۸ - ۲۰۳۰
گی‌نه: ۲۷
گ‌یی (بوغاز): ۳۷ - ۳۹ - ۴۹ - ۵۱ - ۱۵۸ - ۲۷۶
۱۵۲۹

ل

لارث: ۱۵۱۶
لار: ۱۴۴
لارسا: ۱۲۰
لاریسا: ۱۹۰ - ۲۶۵ - ۳۶۲ - ۸۵۴ - ۱۰۶۴ - ۱۰۹۹
۱۱۰۰ - ۱۲۱۰ - ۱۲۳۸ - ۱۹۶۱ - ۲۳۵۱
لاریم: ۱۱۱۲
لازستان: ۱۸۴ - ۷۳۱ - ۲۲۷۱ - ۲۴۳۶

لازیکا، (کلخید)
لاسدمون: ۶۴۲-۶۴۴-۷۱۰-۷۱۷- ۷۶۴-۹۳۱
۹۳۵-۹۳۹ - ۹۴۱ تا ۹۴۳ - ۱۰۵۴-۱۰۴۳
۱۰۴۴ - ۱۶۴۵ ورجوع به‌اسپارت شود
لاسگرد: ۱۵۶۳
لاکاش، ۱۱۵-۱۱۶
لاکونی، ۱۱۱۳-۱۸۸۲
لامپساك، ۶۵۱-۹۱۸- ۱۰۹۳ -۱۲۲۱- ۱۲۴۷
۱۲۸۰-۱۵۱۰
لامپونیوس: ۶۲۶
لامیا، ۱۹۸۷
لامیاك، ۱۹۸۷
لئوتوپولیس، (اسکندریه)
لبنان، ۲۶-۱۴۳-۴۴۴-۱۳۳۴ -۱۳۳۵- ۱۵۵۵
۱۵۶۰-۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۸۶۶-۲۰۳۳
لبدوس: ۲۸۷-۲۸۹
لرس: ۶۵۲
لرستان: ۱۳۰-۱۴۴-۱۹۰۷-۱۹۰۸
لسبس: ۲۹۳-۵۹۸- ۶۲۶- ۶۲۹- ۶۴۵- ۶۵۳
۶۵۵- ۶۹۲- ۸۶۹- ۸۷۰- ۸۷۶- ۱۲۸۱
۱۲۸۴
لسه: ۱۱۳۹
لکترا: ۱۱۱۸-۱۱۲۰-۱۱۲۷- ۱۱۵۰- ۱۱۹۴
لکرید: ۱۱۹۹
لك‌سیری: ۱۱۴۱
ل کوکمی: ۲۳۷۱
لمنوس: ۶۲۶-۶۲۷-۶۲۹-۱۱۱۸
لندن: ۲۳تا۲۵م- ۳۰م- ۴۹م- ۵۵م-۵۸م- ۶۰م
۶۲م-۱۰۲م-۱۱۶م-۴۸-۵۱- ۵۲- ۱۳۶- ۱۵۱۳
۱۶۱۵-۲۶۷۴
لود (لودی): (لیدی)
لور (رود): ۱۴۷
لوریوم: ۷۵۹
لوکانی: ۲۳۲۴
لولوبی: ۱۱۶- ۱۱۷
لوور: ۵۲-۵۴- ۵۶- ۱۱۹ - ۱۲۸- ۵۰۵- ۵۰۷
۷۸۹-۸۱۳-۸۷۱-۸۸۰-۸۹۰-۹۶۹-۱۰۴۶
۱۰۹۰ - ۱۴۵۴ - ۱۴۶۳ - ۱۴۸۳ - ۱۵۶۰
۱۶۰۲-۱۶۰۳-۱۶۱۱-۱۶۲۳
له‌کوفریس: ۱۱۰۲
لیاکورا: (پارناس)
لیبان: ۱۰۲۶- ۱۶۰۶
لیب‌زیك: ۴۷۸-۹۰۷-۱۱۴۱-۲۱۵۰-۲۵۵۲
لیبیا: ۷-۸-۲۷-۳۱-۳۵-۲۷۲-۴۹۰-۵۰۹-۵۱۰
۵۱۲-۵۱۴-۵۶۳-۵۶۵- ۵۷۲تا۵۷۵- ۶۱۱
۶۳۰-۶۳۱-۶۸۳-۶۹۲-۷۳۴-۷۳۹- ۷۷۱
۸۷۵- ۸۷۸- ۸۹۳- ۹۳۰- ۱۲۶۷- ۱۳۵۸
۱۴۷۲- ۱۴۷۵- ۱۸۰۷ - ۱۸۷۶- ۱۹۱۱
۱۹۲۳-۱۹۷۰-۱۹۷۱ - ۲۰۴۳ - ۲۰۵۲
۲۵۸۵ و رجوع به‌آفریقا شود.
لیتوانی: ۹
لیدیاس: ۷۵۲
لیدن، ۲۵۵۲-۲۵۷۶
لیدیه: ۳۸-۱۱۱-۱۸۵-۱۸۶-۱۹۱ تا۱۹۵- ۱۹۹
۲۰۱-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۷تا ۲۶۹-۲۷۱-۲۷۲
۲۷۴تا ۲۷۶-۲۸۱- ۲۸۳تا۲۸۶-۲۸۸-۲۹۱
۲۹۵-۲۹۶-۳۰۴-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۶-۳۴۸
۳۷۲-۳۷۳-۳۷۷-۳۷۸-۳۸۳-۳۸۸-۳۸۹
۳۹۹-۴۴۴-۴۴۹-۴۷۶-۴۸۸-۴۹۱-۴۹۲
۵۵۸ - ۶۲۱-۶۳۸-۶۳۹-۶۵۲-۶۶۱-۶۶۲
۶۹۴-۷۰۴-۷۲۲- ۹۳۹-۹۵۹-۹۶۵-۹۹۲
۹۹۴ - ۹۹۹-۱۰۳۱-۱۰۴۵-۱۰۶۹-۱۰۹۷
۱۱۰۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۳۸-۱۱۴۲-۱۱۴۸
۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۷۴-۱۲۴۰-۱۲۴۵-۱۲۵۵
۱۲۶۱-۱۲۷۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۳۲۹-۱۳۴۴
۱۳۶۵-۱۴۵۲-۱۴۶۹-۱۴۷۹-۱۴۸۱-۱۴۹۳
۱۴۹۴-۱۵۰۷- ۱۵۱۱ - ۱۵۱۵ - ۱۵۴۱
۱۵۴۷-۱۵۹۶-۱۶۰۸-۱۶۱۳-۱۶۱۴-۱۶۲۵

۱۶۲۷-۱۶۳۸-۱۶۵۶-۱۷۱۳-۱۷۷۶-۱۸۸۸
۱۹۲۵-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۷۳-۱۹۹۳-۱۹۹۹
۲۰۶۲-۲۱۰۱-۲۱۵۱-۲۱۷۸-۲۲۷۰-۲۲۸۲
۲۳۴۴-۲۶۰۵-۲۶۰۶

لیزیماخیا: ۲۰۶۳

لیسوس (رود): ۷۴۸

لیک: ۶۰۴

لیکااونیه: ۳۴۷-۶۹۲-۱۰۰۰-۱۳۴۶-۱۹۷۲
۱۹۹۴-۱۱۹۵-۲۱۰۳-۲۱۲۲

لیکوس: ۱۳۷۰-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۲۱۲۲-۲۱۴۴
۲۲۳۸

لیکیه: ۳۶-۲۶۸-۳۸۱-۴۶۰-۴۸۶-۷۴۰-۷۴۱
۹۲۶-۱۲۶۷-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۸۳-۱۴۱۵
۱۹۶۷تا۱۹۶۹ - ۱۹۷۳ - ۱۹۹۴ - ۲۰۳۰
۲۱۰۳-۲۱۵۳

لی‌گوری: ۸۷۵

م

مآندر: ۲۹۳- ۶۵۱- ۷۱۷- ۹۱۸- ۹۷۴- ۹۹۹
۱۱۰۱-۱۱۰۴-۱۷۶۴ - ۱۹۶۸ - ۱۱۶۹
۲۱۱۵

ماتید: ۱۸۴-۵۷۹-۵۸۳-۵۸۴-۵۹۶-۶۰۳-۶۰۷
۶۱۶- ۲۱۹۲

مابلون‌آکمانا (معبد): ۲۱۰۳

مائیانیان: ۴۴۷

ماخه‌اونی: ۲۴۷۸

ماد: ۶۱- ۱۱۱- ۱۲۷- ۱۳۰- ۱۵۱- ۱۵۵
۱۵۶- ۱۶۰ تا ۲۴۶- (از ۲۴۷ تا ۹۰۶ در
بیشتر صفحات) ۱۳۴۴- ۱۳۹۵ ۱۴۱۴
۱۴۲۷- ۱۴۲۹- ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ - ۱۴۴۰
۱۴۵۲- ۱۴۶۲تا ۱۴۶۴ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴
۱۴۷۹- ۱۴۸۰- ۱۴۸۱ - ۱۴۸۴ - ۱۵۰۱
۱۵۳۵- ۱۵۴۷ - ۱۵۶۶ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲
۱۷۵۶- ۱۵۹۶ -۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۶۲۵
۱۶۳۶- ۱۶۳۷- ۱۶۳۸- ۱۶۵۳ - ۱۶۶۲
۱۶۸۱- ۱۶۸۲- ۱۶۸۸ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰
۱۶۹۱- ۱۷۱۳- ۱۷۲۱- ۱۷۲۵ - ۱۷۸۲
۱۸۷۰- ۱۸۷۶- ۱۸۸۳- ۱۹۰۰ - ۱۹۰۲
۱۹۰۴- ۱۹۰۵- ۱۹۰۷ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸
۱۹۷۰- ۲۹۷۲- ۱۹۹۳ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۷
۲۰۱۱- ۲۰۱۲- ۲۰۱۶- ۲۰۱۷- ۲۰۱۹
۲۰۲۱- ۲۰۳۷ - ۲۰۳۸- ۲۰۴۶- ۲۰۵۱
۲۰۵۵- ۲۰۶۹- ۲۰۷۳ - ۲۰۷۵- ۲۰۸۰
۲۰۸۱- ۲۰۸۷- ۲۰۹۴- - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۷
۲۱۰۰- ۲۱۰۲- ۲۱۱۴ - ۲۱۲۲ - ۲۱۷۲
۲۱۸۵- ۲۱۹۴- ۱۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۹
۲۲۲۵- ۲۲۲۶- ۲۲۲۷ - ۲۲۳۴ - ۲۲۴۸
۲۲۴۹- ۲۲۷۰ - ۲۲۷۱ - ۲۲۸۷ - ۲۲۹۱
۲۳۵۵- ۲۳۶۹ - ۲۳۷۱ - ۲۳۷۲ - ۲۳۷۳
۲۳۷۴- ۲۴۰۸ - ۳۴۲۳- ۲۴۲۵ - ۲۴۴۲
۲۵۰۰- ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲- ۲۵۳۲ - ۲۵۳۷
۲۵۴۰- ۲۵۷۴ - ۲۵۸۶- ۲۵۹۶ - ۲۶۲۴
۲۶۴۰- ۱۶۴۱ - ۴۶۴۵- ۴۶۴۷ - ۲۶۴۸
۴۶۴۹- ۲۶۵۱ - ۲۶۵۲ - ۲۶۵۳ - ۲۶۷۸
۲۶۸۲- ۲۶۹۰

مادآتروپاتن: (آذربایجان)

ماد اکتو: ۱۳۰- ۱۳۶- ۱۳۹

ماداگاسکار: ۱۰- ۱۰۳

مادراگیان: ۲۲۱۷

مادیان: ۹۸۷

مادی‌تس: ۷۱۷

مارآ ۵۷۲

مارآباد: ۲۰۷

ماراتن: ۶۰۹- ۶۴۷- ۶۷۰- ۶۷۱- ۶۷۳-۶۷۴
۶۷۵- ۶۷۷- ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۱ - ۶۸۸
۷۰۴- ۷۳۵- ۷۵۸ - ۸۴۳ - ۸۵۰ - ۹۲۲
۲۱۷۲

ماراتوس: ۱۳۲۵

مارانید: ۱۳۵۴- ۱۳۵۷

مار بورگ: ۲۱۴۹
مارگوس: (مرغاب)
مارونه آ: ۷۴۸ـ ۱۲۴۵
مازاگا: ۱۷۷۰ - ۱۷۷۳ـ ۲۱۳۳
مازندران: ۵۸م- ۶۱م- ۶۷م- ۱۵۰- ۱۵۱- ۱۵۷- ۲۰۰ - ۱۴۹۲ ـ ۱۵۰۸ - ۱۵۱۱ - ۱۶۴۷- ۲۲۶۴- ۲۲۶۵- ۲۶۰۱
ماساگ: ۱۷۸۴
ماس کاس: ۱۰۰۸- ۱۰۰۹
ماسپذان: ۱۵۴۷- ۲۵۵۰
ماسندان: (ماسپذان)
ماس سیوس: ۲۴۸۰
ماگنـزی: ۲۹۳- ۵۵۸- ۷۶۹- ۷۷۳ تـا ۷۷۵ ۹۱۸-۹۱۹- ۱۲۶۲- ۲۰۸۳- ۲۱۱۵-۲۱۱۵ ۲۱۳۵- ۲۲۷۱- ۲۲۷۳
مالاکا: ۱۰ ـ ۴۴۳
مالت: ۲۷- ۴۹
مالمیر: ۱۴۰تا ۱۴۲- ۱۵۵۶ - ۱۹۰۳
مالوس: ۱۳۰۱
مالوم: ۹۳۵
ماله: ۱۴- ۷۶۷
مالیان: ۱۳۸۷- ۱۸۰۰- ۱۸۲۱- ۱۷۲۲- ۱۸۲۳ ۱۸۲۴- ۱۸۲۶ - ۱۸۲۹ ـ ۱۸۳۰ - ۱۸۳۷ ۱۸۳۸ ـ ۱۸۴۱ - ۱۸۴۲ - ۱۸۴۳ - ۱۸۶۹ ۱۸۷۵- ۱۸۸۰- ۱۸۸۴- ۱۹۴۱-
مان تی نه: ۱۱۹۴
ماوراءالنهر: ۴۰۳
ماهات (عراقین): ۲۵۴۷ - ۲۵۸۰ و رجوع به ماد شود
مبارك آباد: ۶م
متانس تس: ۱۹۰۸
متروپولی تن: ۱۶۲۱
متن: ۱۱۹۵
متورنو: ۳۸۷ - ۳۹۱
م تیمن: ۱۲۸۱
مجیدیه: ۵۴م
مچیا: (مکیا، مکه)
محلو: (مهارلو)
مداین: ۲۵۵۸ و رجوع به تیسفون شود
مدرسهٔ علوم سیاسی: ۱۴ تا ۱۶م- ۲۹م- ۱۱۴م
مدرسهٔ مروی: ۱۳م
مدرسهٔ نظام: ۱۱۴م
مدزیپن: ۹۵
مدیا: ۲۶۶
مدیترانه: ۱۴۶- ۱۸۲- ۲۱۵۹- ۲۴۶۹ - ۲۵۸۹
مراغه: ۱۰۶
مراکش: (موری تانیا)
مردزان: ۲۵۹۶
مرغاب(مشهد): ۱۴۷- ۱۵۰۶ورجوع به پاسارگاد شود
مرغاب (رود): ۲۱۸۸
مرکند: ۱۷۰۱- ۱۷۰۲- ۱۷۰۶- ۱۷۱۱- ۱۷۱۶ ۱۷۱۸- ۱۷۲۳ ـ ۱۷۳۰- ۱۷۵۸
مرگیانا: (مرو)
مرمره: ۶۹۴- ۶۵۱- ۱۱۴۸- ۱۲۴۵ - ۱۲۴۹ ۲۱۳۱
مرو: ۵۴- ۵۷- ۱۰۵- ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۵۴۵ - ۶۹۱ ـ ۱۵۷۲ ـ ۱۵۷۷ - ۲۰۶۵- ۲۰۷۳ ۲۱۰۲- ۲۱۱۵- ۲۱۸۷ تا ۲۱۸۹ - ۲۲۳۱ ۲۲۶۴- ۲۶۵۱
مرودشت: ۱۵۷۷ - ۱۵۷۹
مروس: ۵۴۲- ۱۷۷۷- ۱۷۷۸
مریس: ۵۰۹- ۱۴۷۳
مسامبری: ۵۹۵
مس پیلا: ۱۰۶۴
مسکو: ۱۳م- ۱۴م- ۶۷م- ۶۸م- ۳۷- ۲۶۴۲
مسن: ۶۶۰- ۸۵۷ ـ ۱۱۱۳ ـ ۱۱۵۰ - ۱۱۵۱ ۲۰۸۳

مس نیس: ۲۲۴۷
مشهد: ۱۴۵ - ۲۱۸۶ - ۲۱۸۷
مشهدام‌النبی: (پاسارگاد)
مشهد رود: ۲۱۸۶
مشهد مادر سلیمان: (پاسارگاد)
مصر: ۶تا ۸ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۵
تا ۲۷ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ تا ۴۳
۴۸ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۷ - ۶۰ - تا ۶۲ - ۶۵ - ۶۷
تا۷۰ - ۷۴ - ۷۵ - ۸۱ - ۸۴ - ۹۸ - ۱۰۳ - ۱۰۷
تا۱۱۰ - ۱۱۸ - ۱۲۳ تا ۱۳۵ - ۱۲۷ - ۱۳۸
۱۵۲ - ۱۶۵ - ۱۷۲ - ۱۸۲ - ۱۸۵ - ۱۸۶
۱۸۸ - ۱۹۱ تا ۱۹۳ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۴۴
۲۷۲ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۳۷۸ - ۳۹۷ - ۴۳۹
۴۶۳ - ۴۷۵ - ۴۷۰ - ۴۸۱ - ۴۸۴ - ۴۹۳
۴۹۷ - ۵۰۲ - ۵۰۳ تا ۵۱۹ - ۵۳۱ - ۵۳۲
۵۳۲ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۴۰ ۵۵۳ - ۵۶۳
تا ۵۷۲ - ۵۷۵ - ۶۱۱ - ۶۲۷ - ۶۳۰ - ۶۳۱
۶۶۰ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۹۰
تا۶۹۲ - ۶۹۵ - ۶۹۸ - ۷۰۰ - ۷۱۴ - ۷۴۰
۸۷۶ - ۸۹۳ - ۹۱۹ - ۹۲۸ - ۹۳۳۴ - ۹۳۵
۹۵۱ - ۹۵۵ - ۹۶۲تا ۹۶۴ - ۱۰.۱۳ - ۱۰۳۹
۱۱۲۳تا ۱۱۲۵ - ۱۱۲۷ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲
۱۱۳۴تا ۱۱۴۳ - ۱۱۵۱ - ۱۱۶۸تا ۱۱۷۸
۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۱۸۳ - ۱۱۷۴ - ۱۲۱۴
۱۲۱۶ - ۱۲۹۱ - ۱۳۰۳ - ۱۳۱۰ - ۱۳۲۳
۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳
۱۳۵۷ - تا ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۳ - ۱۳۸۵
۱۴۵۲ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۴ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۲
۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ - ۱۴۷۷ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۷
۱۴۹۰ تا ۱۴۹۳ - ۱۵۰۷ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱
۱۵۱۴ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ - ۱۵۵۶
۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۷۱ - ۱۶۰۱ - ۱۶۰۷
۱۶۰۸ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۸ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۵
۱۶۲۶ - ۱۶۷۵ - ۱۷۴۰ - ۱۷۷۷ - ۱۷۸۴
۱۸۱۹ - ۱۸۸۸ - ۱۹۱۶ - ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷
۱۹۶۶ - ۱۹۶۹تا ۱۹۷۱ - ۱۹۷۳ - ۱۹۸۴
تا ۱۹۸۷ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹
۲۰۰۷ - ۲۰۲۴ - ۲۰۳۰ - ۲۵۳۳ - ۲۰۳۶
تا ۲۰۳۸ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۸ - ۲۰۵۴ - ۲۰۵۵
۲۰۶۰ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۸ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱
۲۰۷۳ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۹ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۳
۲۰۸۵ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۳ - ۲۰۹۶
۲۰۹۷ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ - ۲۱۰۹
۲۱۱۱ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ - ۲۱۱۹ - ۲۱۳۴
۲۱۴۶ - ۲۱۵۳ تا ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷
۲۱۷۰ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۳ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴
۲۲۲۳ - ۲۲۴۱ - ۲۲۷۰ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۲
۲۲۹۳ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۳ - ۲۳۴۱ -
۲۳۴۲ - ۲۳۴۴ - ۲۳۵۴ - ۲۳۵۵
۲۳۷۱ - ۲۳۷۵ تا ۲۳۷۸ - ۲۴۷۲ -
۲۵۴۸ - ۲۵۵۷ - ۲۶۰۳ - ۲۶۰۴ -
۲۷۱۹
مصلی: ۴م
مغان: ۴۱۶ - ۴۲۵ - ۴۲۷
مغستان: (مهستان)
مغولستان: ۶۱۶ - ۲۲۵۰ تا ۲۲۵۷
مقدونیه: ۷۹ - ۱۰۴ - ۶۱۸ - ۶۲۳ - ۶۲۴
۶۲۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۷۹ -
۶۹۰ - ۶۹۳ تا ۶۹۵ - ۷۰۶ - ۷۰۸
۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۹۸ - ۸۳۵ - ۸۶۴ -
۹۱۱ - ۹۱۳ - ۹۳۳ - ۹۶۸ - ۹۷۴ -
۱۱۸۱ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۹ تا
۱۲۰۱ - ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۴ - ۱۲۱۶ تا
۱۲۱۹ - ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۷ - ۱۲۳۰ -
۱۲۳۱ - ۱۲۳۷ - ۱۲۳۹ - ۱۲۴۲ تا
۱۲۴۵ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۶۳ -
۱۲۶۶ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۸۱ -
۱۲۸۵ - ۱۲۹۳ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۹ -

۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ -
۱۳۴۷ - ۱۳۵۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۷۸ -
۱۳۸۷ - ۱۳۹۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۷ -
۱۴۰۸ - ۱۴۱۶ - ۱۴۲۵ - ۱۴۵۲ -
۱۴۶۸ - ۱۴۷۹ - ۱۶۱۴ - ۱۶۳۷
۱۶۴۵ - ۱۶۵۸ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۷
۱۶۶۹ - ۱۶۷۸ - ۱۶۸۰ - ۱۶۹۴
۱۷۱۴ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۵
۱۷۳۳ - ۱۷۴۰ - ۱۷۴۵ - ۱۷۶۸
۱۷۷۹ - ۱۸۰۷ - ۱۸۲۰ - ۱۸۴۰
۱۸۸۰ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۱ - ۱۸۹۴
۱۸۹۸ تا ۱۹۰۱ - ۱۹۱۱ - ۱۹۳۱
۱۹۳۷ - ۱۹۴۰ - ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶
۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷
۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ - ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷
۱۹۹۴ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۳
تا ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۲
تا ۲۰۲۴ - ۲۰۲۷ - ۱۰۲۸ - ۲۰۳۱
۲۰۳۲ - ۲۰۴۳ تا ۲۰۴۵ - ۲۰۴۸
۲۰۵۰ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۷ - ۲۰۶۰
۲۰۶۲ - ۲۰۶۴ تا ۲۰۶۸ - ۲۰۷۱
۲۰۷۹ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۰۹۶
۲۰۹۷ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۷
۲۱۲۷ - ۲۱۳۹ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵
۲۱۶۲ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷
۲۱۷۰ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۱ - ۲۲۷۳
۲۲۷۹ - ۲۳۳۲ - ۲۳۴۰ - ۲۳۹۸
۲۴۷۰ - ۲۵۹۵ - ۲۶۲۹
مکران : ۱۳۱ - ۱۵۷ - ۶۳۰ - ۷۳۴ - ۱۴۵۴
۱۵۷۱ - ۱۸۵۵ - ۱۸۵۸ - ۱۸۶۲
۱۸۷۹ - ۱۹۴۱ و رجوع به‌گدروزی و
بلوچستان شود
مکیا (مکه) : ۱۴۵۲ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۹ -
۱۵۹۷ - ۱۶۰۲

مگار : ۷۸۸ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۳۹ -
۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۵ - ۱۰۹۱ - ۱۲۳۷
۲۰۳۸
مگالوپولیس : ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۲۰۰۲ -
۲۰۰۳
ملانه : ۱۲۴۵
ملایر : ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰
ملس : ۹۱۳ - ۱۱۱۳ - ۱۲۰۰
ملطیه : ۱۰۶ - ۱۹۸
ملیان : ۷۷۵ - ۷۷۷
من آرکایس (معبد) : ۲۱۰۳
منچوریا (منچورستان) : ۲۲۵۱ - ۲۲۵۶
مندس(مندسیانی) : ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷ - ۱۵۱۱
من‌نس : ۱۳۹۶
منفیس : ۲۵ - ۱۱۰ - ۴۸۷ - ۴۸۹ - ۴۹۰
۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۰۶ - ۵۱۶ - ۵۶۶
۵۷۱ - ۹۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷
۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹
۱۳۵۳ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۴۰۵
۱۴۷۳ - ۱۴۷۸ - ۱۹۷۱ - ۲۹۹۰
۲۱۵۶
منوچهری (خیابان) : ۱۲۵م - ۱۳۳م
موداکیه : (آپام‌آ)
مودرایه : (مصر)
مورشو از نیپ‌پور (بانک) : ۹۵۰
مورتز : ۲۵۸۹
موری‌تانیا (مراکش) : ۲۷ - ۲۵۲۶
موزوله : ۱۱۸۵
موزه بریتانیا : ۶۹۳
موصل : ۵۲ - ۱۰۵ - ۱۷۰ - ۶۹۲ - ۲۴۲۰
۲۴۸۲ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۷
۲۵۶۹ - ۲۷۱۹
مولتان : ۱۸۲۱
موناکو : ۱۴۵۷

مهارلو (دریاچه): ۱۴۸ ـ ۱۶۱۷
مهرگان (باشگاه) ۴۲م ـ ۱۲۵م
مهستان (مجلس): ۲۲۳۴ ـ ۲۲۴۷ ـ ۲۲۷۶
۲۲۹۱ـ۲۳۴۹ـ۲۳۹۱ ـ۲۴۱۲ـ ۲۴۱۴
۲۴۶۸ ـ ۲۴۶۹ ـ ۲۵۳۵ ـ ۲۶۴۹
۲۶۵۰ ـ ۲۶۵۱ ـ ۲۶۸۳ تا ۲۶۸۵
۲۶۸۹ ـ ۲۶۹۵
میان‌آباد: ۲۱۸۶
میتانی: ۱۵۸
می‌تی‌لن: ۲۹۳ ـ ۴۸۹ ـ ۴۹۰ ـ ۶۲۱
۶۴۲ ـ ۶۵۳ ـ ۹۸۱ ـ ۱۲۱۹ ـ۱۲۸۱
۱۳۴۶ ـ ۱۳۵۸
میرابی (کوه): ۲۱۸۶
می‌رسین: ۶۲۱ ـ ۶۲۵ ـ ۶۳۸ ـ ۶۳۹
۶۵۲
می‌رنا: ۲۴۸۱
میس‌پیلا: ۱۹۰ ـ ۲۶۶
می‌سن: ۵۹۹ ـ ۷۵۴ ـ ۷۶۴ ـ ۷۷۷
۸۴۴
می‌سیه: ۶۵۱ ـ ۶۹۲ ـ ۷۲۲ ـ ۸۷۶
۹۹۹ ـ ۱۰۹۲ ـ ۱۱۳۸ ـ ۱۱۵۱ـ
۱۱۸۰ ـ ۱۱۹۰ ـ ۱۲۴۲ ـ ۱۲۴۵
۲۱۰۳ ـ ۲۱۴۹ ـ ۲۱۵۱ ـ ۲۴۶۶
میکال: ۲۸۸ ـ ۶۲۷ ـ ۷۳۷ ـ ۸۶۴ ـ ۸۷۰
۸۸۲ ـ ۸۹۴ ـ ۹۲۵ ـ ۱۱۲۳ ـ ۱۲۶۴
۱۲۶۵ ـ ۱۷۸۱
می‌کن: ۶۸۱
میگدنی (مقدونی): ۲۱۱۳ و رجوع به مقدونیه شود.
میلاسا: ۲۳۴۴
میلان: ۲۱۸۰
می‌لت: ۶۶ ـ ۲۶۸ ـ ۲۷۵ ـ ۲۸۷ ـ ۲۸۹
۲۹۲ ـ ۶۱۰ ـ ۶۲۰ ـ ۶۳۸ تا ۶۴۰
۶۴۲ ـ ۶۴۸ ـ ۶۵۱ تا ۶۵۷ ـ ۷۰۹
۸۶۶ ـ ۸۶۸ ـ ۹۶۶ ـ ۹۶۸ ـ ۹۷۴
۹۷۶ ـ ۹۸۱ ـ ۹۹۷ ـ ۱۰۳۱ ـ ۱۲۶۴
تا ۱۲۶۸ ـ ۱۲۷۲ ـ ۱۲۷۳ ـ ۱۳۲۹ ـ
۱۳۴۶ ـ ۱۵۱۰ ـ ۱۷۰۰ ـ ۱۷۰۱
۱۷۳۳ ـ ۱۸۸۸ ـ ۱۹۴۰ ـ ۲۰۳۷ ـ
۲۰۷۳ ـ ۲۱۰۰ ـ ۲۲۰۱ ـ ۲۳۲۴
میلیاد: ۱۲۷۶
میلی‌تنه: ۲۴۴۸
مینا: ۳۲
میندوس: ۱۲۶۹
میرگرلی: ۱۰۸۳
می‌نویت: ۲۸۷
میونت: ۹۱۸ ـ ۹۴۲

ن

نا ایری: ۲۲۶۹
ناپل: ۲۴۵۰
ناکس: ۶۳۹ ـ ۶۴۰ ـ ۶۴۲ ـ ۶۶۸
ناکسوس: ۲۶۵۸
ناکسیوم: ۲۰۲۷
نان‌تاك: ۱۶۹۳
نایین: ۱ تا ۴م ـ ۱۸م ـ ۱۲۲م ـ ۱۳۷م
نئارادا: ۲۴۰۸ ـ ۲۴۱۰
نئاندر: ۷
نئون: ۷۹۸
نجد: ۲۹
نجف: ۱۱۱۰ ـ۱۹۲۴
نخجوان: ۴۸
نرا: ۱۹۹۵ ـ ۱۹۹۸ ـ ۲۰۰۱
نرمرتوم: ۳۵ ـ ۱۴۹
نروژ: ۵۸۷
نسا: ۱۸۱ ـ ۸۴۱ ـ ۲۰۶۵ ـ ۲۶۴۲ ـ ۲۶۴۳
و رجوع به نیسا و نیسایه شود.
نس‌تس: ۷۴۸ ـ ۷۵۲ ـ ۱۱۹۰
ن‌سیوم: ۹۴۰

نصیبین : ۲۱۱۳ - ۲۲۷۱ -۲۲۷۹ - ۲۴۴۲
۲۴۷۹ - ۲۴۸۰ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۵
۲۵۰۶ - ۳۵۰۷ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۲
۲۵۱۳ - ۲۵۲۵ - ۲۵۲۹ - ۲۵۸۷
۲۵۹۶ - ۲۵۹۷ - ۲۶۳۲ - ۲۶۸۹
نقش رستم : ۳۷۵ - ۳۷۷ - ۴۷۱ - ۵۶۹
۵۷۷ - ۶۴۱ - ۶۸۶ تا ۶۷۹ - ۶۹۱
۶۹۳ - ۶۹۶ - ۷۳۲ - ۸۴۴
۸۵۳ - ۱۰۴۶ - ۱۱۳۳ - ۱۲۲۱ -
۱۴۵۰ تا ۱۴۵۲ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۹ -
۱۴۶۱ - ۱۴۶۸ - ۱۴۷۸ تا ۱۴۸۰
۱۵۲۷ - ۱۵۵۱ - ۱۵۷۱ - ۱۵۸۴ -
۱۵۹۱ - ۱۵۹۲ - ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۳
۱۶۱۸ - ۲۱۰۱ - ۲۱۲۱ - ۲۱۹۴
۲۲۲۶ - ۲۲۶۲ - ۲۲۷۰ - ۲۷۰۸
نمرود داغ : ۲۷۱۹ - ۲۷۲۱
نمری ، (کردستان)
نوبی : ۲۰ - ۲۶ - ۴۰ - ۴۳ - ۵۸ - ۹۶۳
نوتاک : ۱۷۲۵ - ۱۷۶۸
نورا : ۱۷۵۸
نوشیراگ ، ۲۵۹۶
نوکراتیس : ۲۱۷۵
نومیدی (الجزایر) : ۷۷ - ۱۸۶۶ - ۱۸۷۶
نوناکریس : ۱۹۳۴
نروژ : ۵۸۷
نهاوند : ۵۷ - ۱۶۵ - ۲۰۷ - ۲۹۱ - ۱۶۲۲
۱۹۰۹ - ۲۲۳۱ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۰
۲۶۴۰ - ۲۶۵۱
نیاوران : ۲۰
نیپور : ۳۳ - ۵۵ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۲۳
۷۰۰
نیت(معبد) :۵۶۸-۵۷۰
نی‌ریز : ۱۴۸ - ۱۴۱۹
نیس : (نیسا)
نیسا (نسا ، نیسایه) : ۱۵۱ - ۱۵۶ - ۱۵۷ -
۲۵۸ - ۵۳۳ - ۶۳۵ - ۷۲۲ - ۱۴۷۵ -
۱۵۱۱ - ۱۷۷۶ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۹ -
۱۷۸۴ - ۱۸۰۷ - ۱۸۷۷ - ۱۹۰۱ -
۱۹۰۲ - ۱۹۰۹ و رجوع به نسا شود .
نی‌س‌رس : ۷۴۳
نی‌سه‌فوریون : ۲۱۱۳
نی‌سیب ، (نصیبین)
نیشابور : ۱۰۴-۱۱۲م - ۱۵۶ - ۲۱۸۶
نیکوبار ، ۱۰
نیکومدی : ۸۵- ۲۱۵۱ - ۲۱۵۲-۲۵۲۰
نیکه : ۱۷۶۶-۱۷۹۳-۱۷۹۸-۱۸۵۱-۲۱۱۵۲
نیکه‌فوریوم : ۲۴۹۹
نیل : ۲۵ - ۲۶ - ۲۸ - ۱۱۰ - ۲۰۸ - ۲۰۹
۲۱۳ - ۲۱۴ - ۴۳۹ - ۴۸۹ - ۵۰۹ -
۵۱۰ - ۵۱۶ - ۵۶۶ - ۵۶۹ - ۵۷۲
۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۹۹ - ۹۳۰ تا ۹۳۳
۹۶۲ - ۹۶۴ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۴ تا
۱۱۳۶ - ۱۱۶۹ - ۱۱۷۳ تا ۱۱۷۵ - ۱۳۵۳
۱۳۵۴ - ۱۳۵۷ - ۱۳۹۱ - ۱۴۰۷ -
۱۴۸۶ - ۱۵۱۰ - ۱۶۱۴ - ۱۸۱۹ -
۱۸۳۵ - ۱۹۲۳ - ۱۹۴۷ - ۱۹۷۳ -
۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ - ۲۰۵۴
نینوا : ۴۷ - ۵۲ - ۵۳ - ۹۴ تا ۹۶ - ۱۱۱-
۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۷ تا ۱۳۹ - ۱۷۲ -
۱۷۴ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۴ تا ۱۹۲ -
۲۰۰ - ۲۶۶ - ۳۷۸ - ۴۳۹ - ۵۵۱
۱۳۷۰ - ۱۴۹۱ - ۲۰۹۶ - ۲۲۷۵ - ۲۴۲۰
۲۴۸۲ - ۲۵۸۷ - ۲۶۳۲ - ۲۷۱۹
نینوس ، ۱۵۴۶
نیویورک : ۱۶۲۰

و

واحة : ۹۲۸
واحة‌الخرقه : ۵۶۷

واتیکان ، ۵۰۲ - ۹۱۲
وادنه‌آ : ۲۶۱۵
وارکا (وارکه) : ۵۴ و رجوع به‌ارخ شود
واگارشاباد (واگارشاوان) : ۲۵۸۹ - ۲۵۹۲ - ۲۵۹۳ - ۲۶۱۶
وان : ۲۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۸ - ۱۴۸ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۸۲ - ۱۹۱ - ۱۹۸ - ۲۰۰ - ۳۷۷ - ۱۵۲۶ - ۱۶۱۴ - ۲۲۷۰
وخش : (جیحون)
وخشرت : ۲۲۰۵
ورا: (فراد)
ورژان : (گرجستان)
ورنژ : ۶۱۵
ولاشگرد : ۲۶۴۵
ولوگزوثرتا : (ولاشگرد)
ولیا : ۲۹۴
ومیگ‌دونی : ۷۵۲
وناسا (معبد) : ۲۱۰۳
ونك : ۵۴م
ونیس : ۱۶۱۵
وهرکان : (گرگان)
وی : ۲۲۶۳ و رجوع به‌جیحون شود .
ویش‌پااوزات : ۵۴۵

ه

هاترا : (الحضر)
هارماته‌لیا : ۱۸۴۵
هاش دیانك : ۲۵۸۷
هالوس : ۲۴۰۳
هالیاك‌من : ۷۵۲
هالی‌سارن : ۱۰۹۹
هالیس (قزل‌ایرماق) : ۱۹۱ - ۱۹۴ - ۱۹۶ تا ۱۹۹ - ۲۶۸ - ۴۷۵ - ۶۴۶ - ۷۱۶ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۸۹ - ۲۱۲۲ - ۲۱۳۳ - ۲۶۰۵
هالیکارناس : ۶۶ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۷۴۳ - ۸۶۹ - ۱۱۳۸ - ۱۱۸۵ - ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ - ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ - ۱۴۴۷ - ۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۲۱ - ۱۷۳۲ - ۱۹۴۰
هاماکسیت : ۱۱۰۰
هامون : ۱۴۷ - ۲۱۸۹
هایستان : (ارمنستان)
هئومه‌ورك : ۱۶۰۹
هبر : ۷۲۹ - ۱۲۴۵
هدش (کوشك) : ۱۵۸۶ تا ۱۵۹۱
هرات : ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۳۸۵ - ۴۸۲ - ۶۹۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ - ۱۶۱۰ - ۱۶۳۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۵ - ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ - ۱۶۹۴ - ۱۶۹۵ - ۱۷۱۹ - ۱۷۲۰ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۹۹۳ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۲ - ۲۰۰۸ - ۲۰۱۲ - ۲۰۱۹ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۹ - ۲۲۳۱ - ۲۲۶۱ - ۲۲۶۳ - ۲۴۱۶ - ۲۶۵۱ - ۲۶۸۰
هراکله : ۱۰۹۱ - ۱۵۱۰ - ۲۰۴۹ - ۲۱۰۹ - ۲۱۱۱ - ۲۱۱۵ - ۲۱۵۲
هرای و (هرای واست) : (هرات)
هرخواتیش : ۶۹۱ ورجوع به‌رخج شود
هرسین : ۱۹۰۸
هرمز (هرمزیه) : ۱۴۹۱ - ۱۵۰۹
هرمزدگان : ۲۵۳۲ - ۲۵۳۹
هرموس : ۲۷۴ - ۱۲۶۱
هروپولیس : ۱۹۲۲
هری‌رود : ۱۴۷ - ۲۱۸۵ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۳ - ۲۲۳۳
هکاتم پی‌لس (صددروازه) : ۲۰۸۱ - ۲۱۱۵ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۸ و رجوع به‌دامغان شود.
هکاریم : ۱۸۳

هلسپونت (داردانل) : ۳۰۴ - ۳۷۰ - ۴۶۰
۵۹۴ - ۵۹۵ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۹ - ۶۲۰
۶۲۲ - ۶۲۵ - ۶۴۰ - ۶۴۶ - ۶۵۱ - ۶۵۵
۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۶۸ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۷ - ۷۰۹
۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۷ - ۷۲۸
۷۲۹ - ۷۳۶ - ۷۴۱ - ۷۴۷ - ۷۶۰ - ۷۶۲
۷۶۵ - ۷۷۳ - ۸۰۲ - ۸۱۷ - ۸۲۰ -
۸۲۳ - ۸۲۴ - ۷۲۶ تا ۸۲۸ - ۸۵۸ - ۸۶۴
۸۶۷ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۶ - ۸۸۳ - ۸۹۴
۸۹۵ - ۹۴۳ - ۹۶۵ - ۹۷۶ - ۱۱۱۳ - ۱۱۹۷
۱۲۰۰ - ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۵ - ۱۲۴۷ -
۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ -
۱۲۸۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۴۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۷۶
۱۴۴۷ - ۱۴۷۲ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۹ - ۱۷۸۲
۱۸۱۴ - ۱۸۸۸ - ۱۹۰۶ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۰
۱۹۷۲ - ۱۹۸۷ - ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ - ۲۰۰۰
۲۰۰۳ - ۲۰۸۳ - ۲۰۹۳ - ۲۳۴۴ -
۲۴۵۰

هلند : ۱۳۷۰م

هلیل (رود) : ۱۴۸

هلیوپولیس : (ایلیوپولیس)

همدان : ۶۵ - ۱۳۰ - ۱۵۱ - ۱۷۴ - ۱۷۷ - ۱۷۸
۱۷۹ - ۲۰۳ - ۲۱۲ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۳۲
تا ۲۳۴ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۴۳۶
۴۷۱ - ۵۳۸ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۶۸
۴۶۳ - ۴۷۱ - ۵۳۸ - ۵۴۴ - ۶۹۱ - ۱۰۲۶ -
۱۰۶۹ - ۱۱۱۱ - ۱۱۵۳ - ۱۲۴۳ - ۱۳۴۵
۱۴۳۰ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۵ - ۱۴۵۹ - ۱۴۷۳
۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۵۱۱
۱۵۴۶ - ۱۵۵۶ - ۱۵۶۷ - ۱۵۶۸ - ۱۵۷۷
۱۶۱۲ - ۱۶۱۳ - ۱۶۳۶ - ۱۶۶۰ - ۱۶۷۹
۱۶۸۰ - ۱۶۸۶ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۹۰۱
تا ۱۹۰۳ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۶ - ۱۹۱۹
۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ - ۲۰۱۷ - ۲۰۷۶ -
۲۰۹۶ - ۲۲۰۹ - ۲۲۲۲ - ۲۲۳۱ - ۲۴۸۴
۲۵۴۷ - ۲۵۵۰ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۵ -
۲۶۵۱ - ۲۶۸۰ - ۲۶۹۸ - ۲۷۰۲ - ۲۷۰۳

هند : ۸ - ۹ - ۱۲ - ۲۴ - ۲۸ - ۳۸ - ۳۹ - ۷۳ -
۷۴ - ۸۶ - ۹۱ تا ۹۳ - ۱۰۰ - ۱۰۲ تا ۱۰۴
۱۰۷ - ۱۳۸ - ۱۴۶ - ۱۵۲ تا ۱۵۶ - ۳۰۷
۳۰۸ - ۳۴۵ - ۶۱۶ - ۶۲۹ تا ۶۳۱ - ۶۳۳
تا ۶۳۶ - ۶۹۴ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۱۱۸۱ -
۱۳۶۶ - ۱۴۵۶ - ۱۴۶۸ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۷
۱۴۸۶ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۴ - ۱۵۱۷
۱۵۳۲ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۵۸۵ - ۱۵۹۷
۱۶۰۵ - ۱۶۱۰ - ۱۶۱۳ - ۱۶۲۲ - ۱۶۳۳
۱۶۴۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۶ - ۱۶۸۷ - ۱۶۹۴
۱۷۱۳ - ۱۷۲۲ - ۱۷۵۶ - ۱۷۵۷ - ۱۷۶۲
۱۷۶۳ تا ۱۷۶۵ - ۱۷۷۲ - ۱۷۷۳ - ۱۷۷۵
تا ۱۷۷۹ - ۱۷۸۱ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۵ - ۱۷۸۸
۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ - ۱۸۰۲ - ۱۸۰۵ - ۱۸۰۷
۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ - ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۱ - ۱۸۲۶
۱۸۳۰ - ۱۸۳۴ - ۱۸۳۷ - ۱۸۳۸ - ۱۸۵۱
۱۸۵۵ - ۱۸۵۹ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۶ - ۱۸۷۶
۱۸۷۹ تا ۱۸۸۴ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۳ - ۱۹۱۹
۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ - ۱۹۴۰ - ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴
۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ - ۱۹۹۳
۲۰۰۶ - ۲۰۰۸ - ۲۰۱۷ - ۲۰۳۲ - ۲۰۴۶
۲۰۵۴ تا ۲۰۵۹ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶
۲۰۸۲ - ۲۰۸۵ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۶
۲۱۰۴ - ۲۱۱۵ - ۲۱۷۴ - ۲۲۱۲ تا ۲۲۱۴
۲۲۲۸ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۲ - ۲۲۵۰ - ۲۲۵۲
۲۲۵۸ - ۲۲۶۰ تا ۲۲۶۴ - ۲۲۹۷ - ۲۳۵۰
۲۴۷۴ - ۲۵۳۰ - ۲۶۱۵ - ۲۶۱۷ - ۲۶۴۱
۲۶۵۱ - ۲۶۷۴ - ۲۶۹۹ - ۲۷۲۱

هندوچین : ۱۰ - ۴۴۳

هندوستان سفید: (رخج)
هندوکش (هندوکه): ۱۴۵ - ۱۵۲ - ۱۵۵ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۹ - ۲۲۲۷ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۳ - ۲۲۶۲ - ۲۵۳۸ - ۲۶۴۰
هنگمتان: ۱۷۸ و رجوع به همدان شود
هنیوخی: ۲۴۷۸
هووادای کی: ۵۴۶
هورالحویز: ۱۴۷
هی پارنس: ۱۲۷۵
هی باکیر: ۶۱۵
هی پانید: ۶۱۵
هی پوستیل (طالارمعبد): ۱۵۵۷
هیت: ۳۶ - ۳۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۲۴۸۲
هی داسپ (جلم): ۱۳۴۴ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳ - ۱۷۸۵ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۷ - ۱۷۸۸ - ۱۷۹۲ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۷ - ۱۸۰۲ - ۱۸۱۳ - ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۲ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ - ۱۸۵۱ - ۱۸۸۹ - ۱۹۹۳ - ۲۰۵۴ - ۲۰۵۷ - ۲۲۲۷
هیدرا اتس - (رود): ۱۷۹۹ - ۱۸۰۰ - ۱۸۱۸ - ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۴ - ۱۸۲۸ - ۱۸۳۲ - ۱۸۳۳ - ۱۸۸۹
هیرمند: (هیلمند)
هیسپانی: (اسپانیا)
هیس تیه: ۷۹۶
هی سی: ۸۳۹
هیفاز (هیفازیس): ۱۷۸۰ - ۱۸۰۴ - ۱۸۰۶ - ۱۸۰۷ - ۱۸۱۰ - ۱۸۱۸ - ۱۸۲۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۹۰ - ۲۰۵۷ - ۲۰۵۸
هیلمند: ۱۴۷ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۷۲۰ - ۲۶۸۰
هیمالایا: ۱۴۵ - ۱۶۸۷ - ۲۱۱۸ - ۲۲۶۲ - ۲۲۶۷ - ۲۴۵۸ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۱
هیمر: ۸۷۸ - ۸۷۹
هیندوش: (سند)
هین گان: ۲۲۵۱
هی پاسنس: ۱۸۴۲
هی بالا: (پتاله)
هی بام پلیس: ۷۹۸
هی یروپولیس: ۲۲۹۹ - ۲۳۵۱

ی

یاپیژبوم: ۱۸۷۷
یازس: ۹۶۰ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۸
یاتیل ایرماق: (ایریس)
یافه: ۲۰۳۲ - ۲۰۳۸
یاکسارت: ۱۴۸ و رجوع به آراکس و جیحون شود.
ی ئون: (ینیان)
یزد: ۳م - ۴م - ۶۹۱ - ۲۲۳۱ - ۲۵۳۲ - ۲۶۴۰ - ۲۶۷۹
یل خس: ۷۷۴
یمن: ۲۹ - ۱۰۷ - ۲۵۵۷
ینگی امام: ۵۵م - ۷۱م
ینیان: ۱۹۶ - ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۹۱۳ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۵
یوتی یا: ۵۴۶
یوگورتا: ۱۴۵۷
یون: ۱۶۰۵
یونان: ۹ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۹ - ۲۱ - ۲۳ - ۳۷ - ۶۷ - ۶۸ - ۷۱ - ۷۲ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۸ - ۹۲ - ۹۸ - ۱۱۲ - ۱۳۸ - ۲۲۶ - ۲۴۵ - ۲۶۸ - ۲۷۳ - ۲۷۵ - ۲۸۵ - ۲۸۷ - ۳۵۱ - ۴۸۷ - ۵۰۷ - ۵۱۲ - ۵۳۶ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۸۹ - ۶۱۲ - ۶۱۷ - ۶۵۹ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۸۴ - ۶۸۷ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۳ - ۷۰۱ - ۷۰۳ - ۷۰۵ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۳ - ۷۱۵ تا ۷۱۷ - ۷۲۰ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۳۱ - ۷۴۰ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۵ - ۷۴۷ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۵ تا ۷۵۷ - ۷۶۰ تا ۷۶۲ - ۷۶۵ - ۷۶۷ -

۷۶۸ تا ۷۷۱ - ۷۷۵ - ۷۷۹ - ۷۸۶
۷۸۸ - ۷۹۲ - ۷۹۴ - ۷۹۵ تا ۷۹۹ - ۸۰۲
۸۰۴ - ۸۰۷ - ۸۱۸ - ۸۲۱ - ۸۲۷ - ۸۲۸
۸۳۰ - ۸۳۱ تا ۸۳۳ - ۸۳۶ - ۸۳۹
۸۴۲ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۷ - ۸۶۲
۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۸ - ۸۷۵ - ۸۸۰ تا ۸۸۳
۸۸۴ - ۸۸۶ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۴ - ۸۹۵
۸۹۷ - ۹۰۴ تا ۹۰۶ - ۹۱۱ تا ۹۲۵ - ۹۲۹
۹۳۱ تا ۹۴۲ - ۹۴۴ - ۹۶۴ - ۹۷۴ - ۹۷۹
۹۸۲ - ۹۸۵ - ۹۸۷ - ۱۰۰۴ - ۱۰۴۳
تا ۱۰۴۵ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۱ - ۱۰۹۵
۱۱۰۲ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۵ - ۱۱۱۰
۱۱۱۱ - ۱۱۲۰ - ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵
۱۱۴۱ - ۱۱۴۸ - ۱۱۵۱ - ۱۱۸۲
۱۱۹۱ - ۱۱۹۸ - ۱۱۹۹ - ۱۲۰۵ تا ۱۲۰۷
۱۲۱۴ - ۱۲۱۸ - ۱۲۲۳ تا ۱۲۲۵ - ۱۲۳۴
تا ۱۲۳۶ - ۱۲۳۸ تا ۱۲۴۰ - ۱۲۴۳
۱۲۵۶ - ۱۲۵۸ - ۱۲۶۶ - ۱۲۸۲
۱۲۸۳ - ۱۳۲۴ - ۱۳۷۴ - ۱۴۰۰
تا ۱۴۰۴ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰ - ۱۴۲۲
۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۳۴ - ۱۴۳۸
۱۴۵۵ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۷ - ۱۴۸۰
۱۴۸۶ - ۱۴۹۱ - ۱۵۱۷ - ۱۵۲۹
۱۵۴۶ - ۱۵۴۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۵۹
۱۶۴۱ - ۱۶۸۸ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۷
۱۷۳۴ - ۱۷۴۵ - ۱۷۵۴ - ۱۷۷۳

۱۷۷۷ - ۱۷۹۷ - ۱۸۰۷ - ۱۸۳۱ - ۱۸۴۰
۱۸۶۶ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۱
۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲ - ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰
۱۹۲۲ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۸ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۷
۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۶ - ۱۹۶۲
۱۹۷۳ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۷ - ۱۹۸۱
۱۹۸۷ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴
۲۰۲۲ - ۲۰۲۸ - ۲۰۳۱ - ۲۰۳۲
۲۰۳۴ - ۲۰۴۷ تا ۲۰۵۱ - ۲۰۶۰
۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۸
۲۰۷۰ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۴ - ۲۱۳۷
۲۱۴۰ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۷
۲۱۶۰ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۳ - ۲۱۷۸
۲۱۸۱ - ۲۲۷۳ - ۲۳۲۵ - ۲۳۲۶
۲۳۳۲ - ۲۳۳۳ - ۲۳۳۷ تا ۲۳۳۹
۲۳۴۴ - ۲۳۶۴ - ۲۴۵۲ - ۲۴۷۲
۲۵۶۸ - ۲۵۹۳ - ۲۵۹۴ - ۲۶۰۳
۲۶۰۴ - ۲۶۰۷ تا ۲۶۰۹ - ۲۶۱۶
۲۶۲۲ - ۲۶۵۸ - ۲۶۷۹ - ۲۶۸۲
۲۶۸۴ - ۲۷۰۱
یونیه : ۴۶۰ - ۶۲۷ - ۶۵۰ - ۶۹۲ - ۸۲۱ -
۹۱۴ - ۱۰۰۱ - ۱۱۴۲ - ۱۵۷۱ -
۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۷۸۱ - ۱۸۰۶ -
۱۸۸۸ - ۲۰۶۲ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۹
۲۱۲۵ - ۳۲۸۲ - ۲۳۲۴ - ۲۳۴۴
یهودیه : ۲۱۰۱

فهرست نام کسان

آ

آ ارپ : ۱۱۹۲

آ ایم نس‌توس : ۸۵۷

آباندخت : ۱۴۴۹ - ۱۴۹۹ - ۱۶۲۹

آبداگز : ۲۴۰۳ - ۲۴۰۶

آبدالونیم (آبدولونیموس): ۱۳۲۸

آبدوس : ۲۳۹۹

آبراداتاس : ۳۲۷ - ۳۴۴ تا ۳۴۶ - ۳۵۲ تا ۳۵۴ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۹ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۷ - ۳۷۳

آبراکوم : ۷۸۲

آبروکوماس : ۱۰۰۴ تا ۱۰۰۸ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۲ - ۱۱۳۲ - ۱۶۲۶

آبرونی خوس : ۷۹۵

آبره‌آس : ۱۸۲۵ - ۱۸۲۷

آبگار ارمنی : ۲۳۲۸ - ۲۴۲۰ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۹ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۰ تا ۲۶۰۲ - ۲۶۳۴ - ۲۶۹۰

آبگار اوشاما : ۲۱۸۱ - ۲۶۳۲ - ۲۶۳۳ - ۲۶۳۶

آبگار پادشاه خسرون : ۲۴۶۷ - ۲۴۷۴ - ۲۴۷۵ - ۲۴۷۹

آبگار سوماکا : ۲۶۳۱

آبگار فیکا : ۲۶۳۰ - ۲۶۳۴ - ۲۶۳۵

آبگر : (آبگار)

آبولت : ۱۴۰۶ - ۱۴۰۹ - ۱۸۸۰

آبولیتاس : ۱۳۸۰

آبیدن : ۱۸۶

آبیسار (آبیسارس) : ۱۷۷۳- ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳ - ۱۷۸۵ - ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ - ۱۸۰۰- ۱۸۱۸ - ۱۸۱۹

آبیس تا من : ۱۲۸۵

آپاآوارتاکن : ۲۶۵۱

آپاتوریوس : ۲۰۷۹

آپاما (آپام، آپامه، آپامه‌آ): ۱۱۵۴ - ۱۱۵۸ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۸ - ۲۰۰۶ - ۲۰۵۴- ۲۰۵۹ - ۲۰۶۱ - ۲۰۸۷ - ۲۱۰۹ - ۲۱۱۲

آپ پیان(مورخ) : ۱۵۶۴ - ۱۶۰۸ - ۲۰۵۸ - ۲۰۶۲ - ۲۰۶۳ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۰ - ۲۱۱۰ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۵ - ۲۱۳۱ - ۲۱۴۸ - ۲۱۷۵ - ۲۲۲۲- ۲۲۳۰ - ۲۲۳۵ - ۲۲۴۰ - ۲۲۷۱- ۲۲۷۴ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۸ - ۲۲۷۹ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۲ - ۲۳۴۰ - ۲۳۴۴ - ۲۵۰۶ - ۲۶۵۰ - ۲۶۵۴ - ۲۶۵۵

آپ ریس : ۱۹۳ - ۴۸۵ - ۵۰۷ - ۱۶۲۵

آپشاتار : ۲۱۸۳

آبل : ۱۳۲۱ ـ ۲۲۶۳
آپولودور : ۱۳۹۸ ـ ۱۹۱۹ ـ ۱۹۳۰ ـ ۲۱۱۴
آپولوفان : ۱۱۰۷ ـ ۱۸۵۶ ـ ۱۸۶۱
آپولون : ۲۷۳ ـ ۲۷۹ ـ ۲۸۱ ـ ۳۶۴ ـ ۳۶۶ ـ ۶۶۹ ـ ۶۸۱ ـ ۷۹۸ تا ۸۰۰ ـ ۸۲۶ ـ ۸۳۰ ـ ۹۲۳ ـ ۱۰۵۸ ـ ۱۱۲۷ ـ ۱۱۹۸ ـ ۱۱۹۹ ـ ۱۲۹۷ ـ ۱۳۴۲ ـ ۱۵۳۱ ـ ۱۷۰۰ ـ ۱۹۲۸ ـ ۲۰۵۳ ـ ۲۰۹۸ ـ ۲۱۰۳ ـ ۲۶۷۹
آپولونید : ۱۲۸۰ ـ ۱۹۹۴
آپولونیدس : ۹۰۹ ـ ۱۰۶۰ ـ ۱۳۴۶
آپولونیوس : ۱۳۵۷ ـ ۲۲۹۸
آپی : ۵۸۷
آپیون : ۸۱
آتاراس : ۱۶۶۰
آتارنه، ۱۷۳۲
آتاژینوس (آتاگینوس) : ۸۳۹ ـ ۸۶۳ ـ ۸۶۴
آتال : (آتالوس)
آتالا : ۱۲۰۹
آتالانت : ۱۹۹۲
آتالوس (سردار): ۱۲۰۶ ـ ۱۲۰۸ ـ ۱۲۱۰ ـ ۱۲۱۱ ـ ۱۲۱۴ ـ ۱۲۲۴ ـ ۱۲۲۶ ـ ۱۲۳۶ ـ ۱۶۶۲ ـ ۱۷۲۳ ـ ۱۷۳۲ ـ ۱۷۳۳ ـ ۱۷۴۹ ـ ۱۷۵۱ ـ ۱۷۵۶ ـ ۱۷۷۳ ـ ۱۷۸۶ ـ ۱۸۳۵ ـ ۱۹۲۶ ـ ۱۹۶۱ ـ ۱۹۶۲ ـ ۱۹۹۲ ـ ۱۹۹۵ ـ ۲۰۷۷ تا ۲۰۸۰
آتالوس اول (پادشاه پرگام) : ۲۰۸۲ ـ ۲۱۴۹ ـ ۲۱۶۸ ـ ۲۲۸۲
آتالوس دوم : ۲۱۴۹ ـ ۲۱۶۸
آتالوس سوم : ۲۱۵۰ ـ ۲۱۷۰ ـ ۲۲۷۳
آتاماس : ۷۷۶
آتراپس : ۱۹۶۸
آتروپاتس : ۲۳۷۵
آترین : ۵۳۹
آتس‌سا دخترکوروش بزرگ : ۵۲۰ ـ ۵۲۹ ـ ۵۶۰ ـ ۶۸۵ ـ ۶۹۸ ـ ۷۳۲ ـ ۷۳۸ ـ ۱۴۶۵ ـ ۱۶۲۶ ـ ۱۶۳۰
آتس‌سا دختر اردشیر دوم : ۱۰۹۷ ـ ۱۰۹۸ ـ ۱۱۱۴ ـ ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۴ ـ ۱۱۵۷ ـ ۱۱۵۸ ـ ۱۱۸۴ ـ ۱۱۸۶ ـ ۱۶۲۸ ـ ۱۶۲۹
آتس سادخترکورش دوم : ۱۶۲۵ ـ ۲۱۲۳ ـ ۲۱۲۹
آتس‌سا زن اردشیر دوم: ۱۶۲۸
آتنا ایس : ۲۱۴۹
آتناگراس، ۱۲۸۰ ـ ۱۳۴۶
آتنودور : ۱۸۳۰ ـ ۱۸۳۱
آتنوفان : ۱۳۹۹
آتنه(سردار) : ۲۰۳۹ تا ۲۰۴۱
آتنه (مورخ) : ۷۳ ـ ۲۱۷۵ ـ ۲۱۷۶ ـ ۲۶۴۵ ـ ۲۶۵۹
آتنواوس : ۹۵۷ ـ ۹۶۰
آته‌یوس : ۲۲۹۷ ـ ۲۲۹۸
آتی‌دیوس‌کرنه‌لیانوس : ۲۴۹۷
آتی‌زیس، ۱۲۵۳ ـ ۱۲۵۶ ـ ۱۲۷۶ ـ ۱۳۱۰
آتیس ، ۷۳۵
آتیلا : ۱۱۱م ـ ۲۶۱۴
آثنایس : (آتنه)
آثروپات : ۲۰۶۹
آثیا بئوشنه، ۱۶۱۶
آخریس : ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۵ ـ ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۱
آخه‌اوس : ۲۰۷۹ تا ۲۰۸۱
آخه‌لاوس : ۲۱۳۵ ـ ۲۲۰۹
آدا : ۱۱۸۵
آداسپ : (آگریاسپ)
آدریان : ۸۶ ـ ۵۰۲

آدم : ۱۰۲
آدمت ، ۹۱۳
آدوسیوس : ۳۶۹ تا ۳۷۱ ـ ۴۶۰
آده ، ۱۲۷۳
آدیا بنی‌کوس : (سوروس)
آدی‌مانت : ۷۹۱ ـ ۸۰۵ ـ ۸۰۶ ـ ۸۱۵
آذربدمهر سپندان ، ۱۵۱۷
آرا به : ۱۲۷۶
آرابیکوس : (سوروس)
آرادوازت ، (ارته‌باذ)
آراسپ : ۳۲۷ ـ ۳۴۳ ـ ۳۴۴ ـ ۳۵۰ـ۳۵۳
آرام : ۲۲۶۸
آرامانیاك : ۲۵۹۶
آرای : ۲۲۶۸
آربات : ۱۹۷۰
آرباس : ۱۰۱۱ ـ ۱۰۳۴
آرباکس : ۲۰۹ تا ۲۱۲ ـ ۲۱۴ تا ۲۱۶
آرباندس : ۲۶۳۵
آربوپال : ۱۲۶۵ ـ ۱۶۲۸
آربیان : ۲۱۲ ـ ۲۱۵
آرتااوز : ۳۵۲
آرتا این‌تس : ۸۶۷ ـ ۸۶۹ ـ ۸۹۰ ـ ۸۹۱
آرتابازان : ۶۸۵ ـ ۷۲۳ ـ ۹۵۷ ـ ۹۶۰
۹۸۵ ـ ۱۶۲۶ و رجوع به‌ارته باذ شود
آرتاباذو ، (آرتا واسدس)
آرتابان ، (اردوان)
آرتابان ارمنی : ۲۶۱۳
آرتاپارت : ۱۰۱۰
آرتاخه (ارتاخی): ۷۵۰ ـ ۱۶۲۵ ـ ۱۶۲۷
آرتاریوس : ۹۳۴ ـ ۹۵۲ ـ ۱۶۲۷
آرتاسیراس : ۴۸۲ ـ ۵۳۰ ـ ۵۳۱ ـ ۹۵۷
آرتاشس : (اردشیر)
آرتاشس اول (کبیر) ۲۲۷۱ـ ۲۳۹۶ ـ ۲۵۸۵
تا ۲۵۸۷ ـ ۲۵۹۷ ـ ۲۶۰۰ تا ۲۶۰۲
۲۶۰۵ـ۲۶۰۶ـ ۲۶۰۹ ـ۲۶۱۰ ـ ۲۶۱۹
۲۶۳۳
آرتاشس پارتی : ۲۵۹۷
آرتاشس دوم : ۲۶۱۳
آرتاشس سوم : ۲۶۱۳ ـ ۲۶۲۰ ـ ۲۶۳۶
آرتاشس چهارم : ۲۶۲۱
آرتافرن : (ارتافرن)
آرتاکاکنا : (آرتاکوان)
آرتاکان : (آرتاکوان)
آرتاکوان ، ۱۶۵۴ ـ ۱۶۵۵
آرتاك سس : ۲۶۳۸
آرتاکسیاس:۲۰۸۳ ـ ۲۱۲۶ ـ۲۲۲۱ ـ ۲۲۷۱
۲۳۷۵ ـ ۲۳۷۶ ـ ۲۳۸۴ ـ ۲۳۹۶
آرتاگراس : ۱۰۰۱ ـ ۱۰۱۷ ـ ۱۰۲۰ ـ
۱۰۲۱ ـ ۱۰۳۴ ـ ۱۰۳۶
آرتاگرساس : ۳۵۲ ـ ۳۵۷ تا ۳۵۹
آرتاماس : ۳۰۴
آرتامن : ۲۱۲۳
آرتان : ۷۸۲
آرتانس ، ۱۶۲۵ ـ ۱۶۲۶ ـ ۲۲۷۷
آرتاوازد اول : ۲۶۱۶ ـ ۲۶۱۹
آرتاوازد دوم : ۲۶۱۹
آرتاوازدسوم : ۲۶۱۹
آرتاوازد چهارم : ۲۶۲۰
آرتاوازد مان‌تاگونی ، ۲۶۰۷
آرتاواسد : ۲۳۲۵ ـ ۲۳۳۵ ـ ۲۳۵۲ ـ
۲۳۵۴ ـ ۲۳۵۶ ـ ۲۳۶۹ ـ ۲۳۷۴ ـ
۲۳۷۵ ـ ۲۳۸۴
آرتا واسدس پسر اردوان پنجم : ۲۵۳۲ ـ
۲۵۳۳
آرتایس ، ۱۶۲۵
آرت‌بارس : (اربوپالس)
آرت‌زستر : ۱۶۲۶

آرتس‌تس : ۹۹۰ ـ ۱۶۲۸
آرتکسارس ، ۹۳۴ ـ ۹۵۵ ـ ۹۵۷ ـ ۹۶۰
آرتکسرکسس ، (اردشیر اول)
آرتم بارس : ۲۳۵ ـ ۸۷۲
آرتمیز (ملکه) : ۷۴۲ ـ ۷۴۳ ـ ۸۰۷ ـ ۸۰۸
۸۱۳ تا ۸۱۵ ـ ۸۱۹ ـ ۸۲۶ ـ ۱۱۸۵ ـ
۱۸۲۷
آرتمیس : ۶۲۰ ـ ۱۹۲۱ ـ ۲۱۰۳ ـ ۲۶۲۰ ـ
۲۶۷۹ ـ ۲۶۹۰ ـ ۲۷۰۱ ـ ۲۷۰۲
آرتمن : (آرتابازان)
آرتوزسترا : ۶۵۷
آرتونت : ۵۵۹
آرتون‌تس : ۸۶۳
آرتونیس : ۱۸۸۳ ـ ۲۰۱۸
آرته : ۷۱۴
آرته‌میوس : ۱۷۲۸
آرتیان : ۷۳۰
آرتی‌بول : ۱۸۸۵
آرتی‌بیوس : ۶۴۹ ـ ۶۵۰
آرتیس‌تن : ۵۲۹ ـ ۷۳۴ ـ ۷۳۵ ـ ۱۶۲۵
آرتی‌فیوس : ۷۳۳ ـ ۹۵۷
آرتیك : ۲۱۶
آرتیکاس ، ۲۱۲ ـ ۲۱۵
آرتینت : ۷۳۳
آرتی‌نس، ۲۱۵
آرتی‌یس : ۲۱۲ ـ ۲۱۳ ـ ۲۱۵
آرخاس ، ۱۹۶۹
آرخائیس ، ۱۹۲۲
آرخون : ۱۹۶۸
آرخه‌لائوس ، ۱۱۹۳ ـ ۱۴۰۹ ـ ۱۶۷۲ ـ
۱۶۹۳ ـ ۱۹۹۲ ـ ۲۰۴۲ ـ ۲۱۲۸ ـ
۲۱۳۹ ـ ۲۱۴۰ ـ ۲۴۳۶
آرخی‌داموس : ۱۴۰۴
آردآت : ۲۱۲۵
آردیس : ۱۹۶
آرزام : ۱۶۹۵ ـ ۱۷۲۰ و رجوع به ارشام
شود .
آرزاسس ، ۱۲۵۶ ـ ۱۶۵۴
آرزاکس ۲۱۷۷
آرزیکاس : (اردشیر دوم)
آرزه : ۱۱۹۴ ـ ۱۱۹۵
آرس : ۵۸۷ ـ ۶۲۰
آرساماس ، ۳۵۵ ـ ۳۵۶
آرسامس : ۷۳۳ ـ ۱۲۴۸ ـ ۱۲۵۰
آرسامن ، (آرسامس)
آرسان : ۱۱۵۷ ـ ۱۱۵۸ ـ ۱۱۸۷ ـ ۱۱۸۸ و
رجوع به‌ارشام شود .
آرساندر : ۱۲۶۱ ـ ۱۲۶۴
آرسس ، ۱۱۶۴ ـ ۱۱۸۴ ـ ۱۱۸۶ ـ ۱۱۸۷
۱۱۸۹ ـ ۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ ـ ۱۵۴۷
۱۶۲۹
آرسیت ، ۱۲۴۸ ـ ۱۲۵۰ ـ ۱۲۵۵ ـ ۱۲۵۶
۱۲۵۹ ـ ۱۲۶۰
آرسی‌تس : ۹۵۲ ـ ۹۵۷ ـ ۹۵۹ ـ ۱۶۲۷
آرسیما : ۱۳۲۴
آرش : (ارشك)
آرشاویر : ۲۵۹۷ ـ ۲۵۹۹ ـ ۲۶۰۱ ـ ۲۶۱۳
۲۶۱۸ ـ ۲۶۱۹
آرشس ، ۲۶۱۳
آرشن : ۲۵۹۷
آرکائیاس : ۲۱۴۹
آرکزیلاس (آرکسیلاس): ۵۶۳ ـ ۵۶۴ ـ ۶۱۱
۱۹۶۸
آرکسانس : ۹۵۵
آرگس : (آرسس)
آرمناك ، ۲۲۶۸
آرم نیکوس: (کاسیوس)
آرم نیوس: ۲۲۶۸

آرن : ۴۹ ـ ۱۶۲۳
آرناس : ۸۲۷
آره : ۸۰۳
آرهیم پاسا : ۵۸۷
آریا اس : ۲۱۳۰
آریابیگ‌نس : ۷۴۲ ـ ۸۱۴ ـ ۱۶۲۶
آری‌آرسس : ۱۳۸۰
آریارات : ۱۹۸۲ ـ ۱۹۸۴ ـ ۲۰۷۸ ـ ۲۰۹۴
۲۱۲۳ تا ۲۱۲۹ ـ ۲۱۴۸
آریارات دوم : ۲۱۲۹ ـ ۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۵
آریارات سوم (مقدس) : ۲۰۷۵ ـ ۲۱۲۸ ـ
۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۵
آریارات چهارم : ۲۱۲۸ـ ۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۷
آریارات پنجم : ۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۷
آریارات ششم: ۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۹
آریارات هفتم (فیلومتر) : ۲۱۶۹
آریارات هشتم : ۲۱۳۰ ـ ۲۱۶۹
آریاراتس : (آریاسپس)
آریاراتی : ۲۰۹۴
آریارامنس : ۲۱۲۹
آریارامن پادشاه کاپادوکیه :۲۰۷۵
آریارمنه : (اریارمنه)
آریاسپ : (آگریاسپ)
آریا۔سپس ، ۱۶۲۸
آریامن : ۸۲۶
آریام‌نس: ۲۱۲۴ ـ ۲۱۲۵ ـ ۲۱۲۹ ـ ۲۱۳۰
۲۶۳۱
آریام‌نس عرب : ۲۳۰۳ ـ ۲۳۰۵
آریان (مورخ)، ۷۳ ـ ۸۲ ـ ۸۵ ـ ۸۶ ـ
۹۱ ـ ۱۴۶ ـ ۴۷۸ ـ ۵۶۳ تا ۵۶۶ ـ
۶۹۱ ـ ۹۹۹ ـ ۱۱۶۴ ـ ۱۱۶۶ ـ ۱۱۸۰
۱۱۸۴ ـ ۱۱۸۶ ـ ۱۱۸۸ ـ ۱۱۸۹ ـ
۱۲۲۶ ـ ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۳ ـ
۱۲۳۵ ـ ۱۲۳۷ ـ ۱۲۴۱ ـ ۱۲۴۵ ـ
۱۲۴۷ ـ ۱۲۴۸ ـ ۱۲۵۰ ـ ۱۲۵۱ ـ
۱۲۵۴ تا ۱۲۵۷ ـ ۱۲۶۰ ـ ۱۲۶۱ ـ
۱۲۶۷ ـ ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ ـ ۱۲۸۰ ـ
۱۲۸۱ ـ ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۶ ـ ۱۲۹۱ ـ
۱۲۹۲ ـ ۱۲۹۵ ـ ۱۳۰۴ ـ ۱۳۰۶ ـ
۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ ـ ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۳ ـ
۱۳۱۵ ـ ۱۳۱۸ ـ ۱۳۲۳ ـ ۱۳۲۴ ـ
۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۱ ـ ۱۳۳۳ ـ
۱۳۴۰ ـ ۱۳۴۱ ـ ۱۳۴۵ ـ ۱۳۴۷ ـ
۱۳۵۱ ـ ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۷ ـ
۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۴ ـ ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۲ ـ
۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ ـ ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ ـ
۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ ـ ۱۳۹۲ ـ ۱۳۹۳ ـ
۱۳۹۵ ـ ۱۴۰۶ تا ۱۴۰۸ ـ ۱۴۱۰ ـ
۱۴۱۲ ـ ۱۴۱۳ ـ ۱۴۱۸ ـ ۱۴۲۰ ـ
۱۴۲۵ ـ ۱۴۲۸ تا ۱۴۳۳ ـ ۱۴۴۴ ـ
۱۴۴۵ ـ ۱۴۵۶ ـ ۱۵۶۵ ـ ۱۶۴۰ ـ
۱۶۴۳ ـ ۱۶۴۵ ـ ۱۶۴۷ ـ ۱۶۴۸ ـ
۱۶۵۳ ـ ۱۶۵۵ ـ ۱۶۷۵ ـ ۱۶۷۶ ـ
۱۶۸۲ ـ ۱۶۸۴ تا ۱۶۸۶ ـ ۱۶۸۸ ـ
۱۶۹۳ تا ۱۶۹۷ ـ ۱۶۹۹ ـ ۱۷۰۰ ـ
۱۷۰۲ تا ۱۷۰۷ ـ ۱۷۱۱ ـ ۱۷۱۶ تا
۱۷۲۲ ـ ۱۷۲۴ ـ ۱۷۲۵ ـ ۱۷۳۴ تا
۱۷۳۶ ـ ۱۷۳۹ ـ ۱۷۴۰ ـ ۱۷۴۳ تا
۱۷۴۵ ـ ۱۷۵۶ ـ ۱۷۵۷ ـ ۱۷۶۴ ـ
۱۷۶۶ ـ ۱۷۶۸ ـ ۱۷۷۰ ـ ۱۷۷۳ ـ
۱۷۷۶ تا ۱۷۷۸ ـ ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۲ ـ
۱۷۸۴ ـ ۱۷۸۵ ـ ۱۷۸۷ تا ۱۷۸۹ ـ
۱۷۹۱ تا ۱۷۹۳ ـ ۱۷۹۷ ـ ۱۷۹۸ ـ
۱۸۰۰ تا ۱۸۰۲ ـ ۱۸۰۶ ـ ۱۸۰۸
تا ۱۸۱۰ ـ ۱۸۱۸ تا ۱۸۳۰ ـ ۱۸۳۲
تا ۱۸۳۸ ـ ۱۸۴۲ ـ ۱۸۴۳ ـ ۱۸۴۵
۱۸۴۷ ـ ۱۸۵۳ ـ ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۱ ـ
۱۸۶۴ ـ ۱۸۶۶ ـ ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۲ ـ

۱۸۷۵ تا ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ - ۱۸۸۳ -
تا ۱۸۸۷ - ۱۸۹۰ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ -
۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۲ - ۱۹۰۵ -
۱۹۰۶ - ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۹ - ۱۹۳۵ -
۱۹۳۷ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۴ - ۱۹۶۸ -
۱۹۹۴ - ۲۰۱۸ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۹ -
۲۰۹۰ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۸ -
۲۲۰۵ - ۲۲۱۶ - ۲۲۲۶ - ۲۴۷۶ -
۲۴۷۷ - ۲۴۹۱
آریاند ، ۶۱۱
آری‌برزانس ، ۱۶۲۹
آری برزن : ۷۷۹ - ۱۱۳۸ - ۱۱۴۲ -
۱۱۴۳ - ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۸ - ۱۱۵۱ -
۱۲۴۶ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ -
۱۴۱۳ - ۱۴۱۵ تا ۱۴۱۹ - ۱۴۴۹ -
۱۵۳۸ - ۲۱۲۸ - ۲۱۳۱ - ۲۱۳۲ -
۲۱۳۴ - ۲۱۴۸ - ۲۱۶۵ - ۲۲۷۴ -
۲۳۳۴
آری برزن (پسر ارته باذ) ، ۱۶۴۱
آری برزن اول آذری ، ۲۶۱۹ - ۲۶۲۵
آری برزن دوم آذری ، ۲۶۲۴ - ۲۶۲۵
آریبه : ۳۰۴
آریده ، ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ - ۱۲۳۸ - ۱۹۳۴ -
۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ - ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸ -
۱۹۸۲ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۱ تا
۱۹۹۴ - ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۴ -
۲۰۲۲ - ۲۰۲۸
آریده‌اس (آریه اوس): ۱۹۹۴
آریژه : ۱۷۶۷ - ۱۷۶۹
آری‌سانت ، ۱۷۵
آریس‌په : ۱۲۴۷
آریست ، ۱۹۱۷
آریستازن ، ۱۱۷۴
آریس‌تاس : ۹۴۲ - ۹۴۳
آریستاگر : ۶۳۸ تا ۶۴۶ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۷۰۵
آریستاندر : ۱۲۱۶ - ۱۲۴۹ - ۱۲۷۷ - ۱۳۴۳
۱۳۴۸ - ۱۳۷۵ - ۱۳۸۴ - ۱۴۱۴ -
۱۷۰۷ تا ۱۷۱۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۳۰ -
آریستوبول : ۱۲۵۷ - ۱۲۹۲ - ۱۳۲۰ -
۱۳۸۶ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۶۴۹ -
۱۶۸۶ - ۱۶۹۷ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۵ -
۱۷۳۴ - ۱۷۵۷ - ۱۷۸۷ - ۱۷۹۸ -
۱۸۲۷ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۸ - ۱۸۴۳ -
۱۸۵۸ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۱ -
۱۸۷۵ - ۱۸۸۳ - ۱۹۰۰ - ۱۹۱۷ تا
۱۹۲۰ - ۱۹۲۲ - ۱۹۲۴ - ۱۹۲۶ تا
۱۹۲۹ - ۱۹۳۲ - ۲۲۰۵
آریستوبولوس ، ۲۴۳۶
آریستوت : ۹۸۴
آریستودم : ۷۸۵ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۲۰۳۱ -
۲۰۳۲
آریستودیک ، ۲۹۳
آریستوژیتون (آریستوگی‌تون): ۱۳۲۲ - ۱۴۰۸
۱۹۲۰
آریستوفیلد : ۵۶۲
آریستومد : ۱۳۰۷
آریستومن : ۱۳۲۹
آریس تن : ۳۹۰ - ۶۶۴ تا ۶۶۶ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴
آریستونوئوس ، ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵
آریستونوس : ۱۹۵۷
آریستونیک : ۷۵۷ - ۲۱۵۰
آریستونیکوس ، ۱۲۸۱ - ۱۷۳۴ - ۲۲۷۳
آریستیپ : ۱۰۰۵ - ۱۰۵۶
آریستید ، ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۸۱۱ - ۸۱۵ -
۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۴۵ - ۸۹۵ - ۹۲۳ -
۹۲۴ - ۹۴۱ - ۲۳۲۳
آری‌سس ، ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹
آریمازس: ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷

آریماسپ: ۱۶۸۳ - ۱۶۸۵
آریماند : ۱۶۲۷
آریمانوس (اهریمن)، ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۴ - ۱۵۲۵
آریم باس : ۱۲۰۰
آری مرد: ۷۳۳ - ۷۳۶
آری‌مردوس : ۱۶۲۶
آریم‌نه : ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹
آرین‌نا : ۱۲۱۰ - ۱۲۳۸ - ۱۹۵۵
آرینیس : ۱۹۸
آریورات : (ارسام)
آریوس : ۱۷۱۹
آریـه (آریـه‌ئـوس) ۱۰۱۴ - ۱۰۱۵ - ۱۰۱۹ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۸ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۱ ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۷ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳ ۱۰۵۶ - ۱۰۶۷ - ۱۱۰۷
آزاد (ابوالکلام) : ۱۴۴م
آزاندر : ۱۷۲۰
آزانس : ۷۳۳ - ۱۶۲۵
آژتوس : ۶۶۴
آژدهاك : (آستیاگس)
آژزیلاس : ۸۴ - ۱۰۲۹ - ۱۰۹۵ - ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۵ ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۰ - ۱۱۳۲ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۵۰ - ۱۱۵۱ - ۱۲۴۰ ۱۴۰۲ - ۱۴۰۴
آژما : ۱۳۰۷ - ۱۸۸۵
آژنور : ۱۹۶۹ - ۲۰۵۷
آژیاس : ۱۰۵۲ - ۱۰۵۶
آژیس : ۹۸۳ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ - ۱۶۹۴ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۳ ۱۸۹۹
آساکنوس : ۱۷۷۰
آساندر : ۲۰۳۳ - ۲۰۹۳
آسپاتی‌نس : ۵۲۱ - ۵۲۴ - ۵۳۵
آسپاداس : (آستیاگ)
آسپازیا : ۱۶۲۸
آسپاست: ۱۸۶۸
آسپاسی : ۱۱۵۳ تا ۱۱۵۵
آسپاسیاك (آس‌بیونوس) : ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵
آس‌پیاس : ۲۰۲۹
آس‌پیس : ۱۱۴۲ - ۱۱۴۳
آستارت : (ایشتار)
آستانس : ۱۷۵۷
آستراباك : ۶۶۶
آس‌تس : ۱۷۶۶
آستیاگس (آستیاك، آژیدهاك) : ۱۸۷ - ۲۰۰ تا ۲۰۷ - ۲۱۴ تا ۲۱۷ - ۲۲۹ - ۲۳۳ تا ۲۴۱ - ۲۴۵ - ۲۵۰ تا ۲۵۳ - ۲۵۵ تا ۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۹۳ - ۳۱۱ - ۳۱۶ ۵۱۷ - ۷۰۵ - ۸۷۲ - ۲۵۸۴ - ۲۵۸۶
آستی‌بارس : ۲۱۳ تا ۲۱۵
آستی‌براس : ۱۸۷
آستیلوس : ۱۲۳۰
آس‌تیوخوس : ۹۷۱
آس‌راتوس : ۷۹۹
آس‌سس : ۱۵۴۶
آسکا : ۲۰۴۶ - ۲۲۱۴
آسکانیوس : ۱۲۸۰
آس‌کلپیودور : ۱۳۹۸ - ۱۷۴۶ - ۲۰۲۰ - ۲۰۳۲
آسوراتیل ایلانی اوکی‌نی : ۱۸۶
آسوربانی‌پال : ۵۲ - ۵۳ - ۱۱۶ - ۱۲۸ - ۱۳۷ تـا ۱۳۹ - ۱۸۰ - ۱۸۶ - ۱۹۵ - ۲۲۹ - ۴۷۵ - ۲۴۷۳
آسورحیدون (حیدین) : ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۷۲

۱۷۳ - ۱۸۵ - ۲۲۷ - ۶۸۸ - ۹۴۷
آسور نصیرپال ، ۱۲۹
آسونید ، ۷۷۰
آسیدات : ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳
آسی‌داتاس : ۳۵۲
آسی‌نای : ۲۴۰۸ - ۲۴۰۹
آسی‌سی‌نس : ۱۲۷۶
آشکوز : ۱۷۲
آش‌ناس : ۲۵۹۷
آشوشا : ۹۸
آشیل : ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳ - ۱۲۴۶ - ۱۳۵۱ - ۱۷۳۸ - ۱۷۴۵ - ۱۷۵۵ - ۱۹۰۶
آصف‌الدوله : ۲۵م - ۲۸م
آفاریاس : ۱۶۷۶
آفرانیوس : ۲۲۸۷ - ۲۲۸۸
آفرودیت : ۴۴۱ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۸ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۹ - ۱۶۰۸ - ۲۰۹۹
آفرودی سیاس : ۵۷۲
آفریکانوس (آفریکن) : ۷۶ - ۸۸ - ۲۱۷۶
آقاخان محلاتی : ۱۰۷م
آکبار (اکباروس) : ۲۷۲۱ و رجوع به آبگار شود .
آکریسیوس : ۷۳۰
آکسی‌دارس : ۲۶۳۶
آکسیوس : ۷۵۲
آك شی ماسو، ۶۹۹
آکوفیس ؛ ۱۷۷۶ تا ۱۷۷۹
آکوی‌لیوس : ۲۱۳۸ - ۲۱۳۹ - ۲۲۸۱
آگاتانژ : ۹۶ - ۹۷ - ۲۱۸۱ - ۲۵۹۰ - ۲۵۹۴ - ۲۵۹۸ - ۲۶۱۰ - ۲۶۱۷ - ۲۶۱۸ - ۲۶۴۱
آگاتن : ۱۳۹۸ - ۱۸۶۴
آگاتوکل، ۱۲۶۷ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۲ - ۲۲۲۴
آگاتوکله : ۲۱۵۵
آگاثاکلوس : (آگاتانژ)
آگائیاس : ۴۷۸ - ۱۵۱۶ - ۲۱۷۶ - ۲۵۳۱ - ۲۵۳۳ - ۲۵۳۷ - ۲۵۶۰ - ۲۶۸۹
آگالاس ، ۱۸۳۶
آگاممنن : ۵۹۹ - ۶۶۰ - ۷۵۴ - ۷۶۴
آگاوه : ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷
آگرادتس : ۲۳۲
آگرامس : ۱۸۱۲
آگریاسپ : ۱۱۵۲ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۶۴ - ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵
آگریپ‌پای دوم : ۲۴۳۲
آگریپ پینا : ۲۳۹۷
آگ‌نر : ۷۴۰
آگنوته‌موس : ۱۹۳۴
آلس‌تـاس : ۱۷۵۶ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۳ - ۱۷۸۶ - ۱۹۸۷ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶
آلسی‌بیاد (آلکی‌بیاد) : ۹۶۸ تا ۹۷۳ - ۹۷۶ تا ۹۷۸ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۶
آلسی پیداس : ۹۷۴
آلسی‌مال : ۱۲۶۲
آلفه ، ۷۸۴
آلکساندر : (اسکندر)
آلکساندر آمین‌تاس : ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۷۶۸ - ۸۳۱ تا ۸۳۴ - ۸۴۹
آلکساندر آنتونیوس : ۲۳۷۵ - ۲۳۷۶ - ۲۶۲۵
آلکساندر آن‌تیوخوس : ۲۳۶۵ - ۲۳۶۷
آلکساندر بالاس : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷ - ۲۲۲۹
آلکساندر اول بطالسه ، ۲۱۷۰
آلکساندر پریام ، ۶۶۰
آلکساندر زابی‌ناس : ۲۱۶۹
آلکساندر سردار اسکندر : ۱۷۷۴
آلکساندر سور : ۲۱۷۹ - ۲۵۳۲ - ۲۶۷۴

آلکساندر لن‌سست : ۱۲۷۵تا ۱۲۷۷ ـ ۱۶۷۶ ـ ۱۶۷۷ ـ ۱۷۴۹ ـ ۱۷۵۱ ـ ۱۸۷۴ـ ۱۹۳۷
آلکساندر متنبی : ۱۴۹۶
آلکساندر مقدونی : ۷۹۸ ـ ۲۱۶۶
آلکسیس مارکوف : ۲۲۱۰
آلکسیون : ۲۰۳۳
آلکلپیودور : ۱۷۲۰
آلوگون (آلوگونه) : ۹۵۲ تا ۹۵۴ ـ ۱۶۲۷
آله‌آس : ۸۵۴
آلیات : ۱۹۶ ـ ۱۹۸ ـ ۲۰۱ ـ ۲۶۸ ـ ۲۸۴ ـ ۱۵۴۶ ـ ۲۲۷۰
آلی‌لات : ۴۸۷ ـ ۱۹۲۱
آمارگس : (آمرگس)
آمازیس : ۲۷۵ ـ ۴۸۴ تا ۴۸۶ ـ ۴۸۸ ـ ۴۹۲ ـ ۵۰۳ ـ ۵۰۵ ـ ۵۰۷ ـ ۵۱۲ ـ ۱۲۱۴ ـ ۱۵۲۸
آماستریس : (آمس‌ستریس)
آماسترین : ۱۸۸۳
آماسیس : ۵۶۴ ـ ۹۶۴
آمتیس (آمی‌تیس) ؛ ۱۹۳ ـ ۲۴۰ ـ ۲۴۱ـ ۴۸۰ ـ ۴۸۲ ـ ۴۸۳ ـ ۹۰۹ ـ ۹۳۴ ـ ۹۵۱ ـ ۹۵۲ ـ ۱۴۶۴ ـ ۱۶۲۵ ـ ۱۶۳۰
آمتیس دختر داریوش : ۱۶۳۰
آمرایوس : ۴۵۲ ـ ۴۵۴
آمرطیوس : (آمن‌روت) ۱۱۴۱
آمرگس : ۲۶۷ ـ ۲۶۸ ـ ۴۵۴ ـ ۴۷۱ ـ ۶۵۱ ـ ۹۶۰ ـ ۹۶۶ ـ ۹۶۸ ـ ۱۴۵۴ ـ ۱۶۲۷
آمس‌تریس زن خشایارشا : ۷۴۹ ـ ۸۹۰ ـ ۸۹۱ ـ ۹۰۳ ـ ۹۰۴ ـ ۹۰۸ ـ ۹۳۴ ـ ۹۵۱
آمس‌تریس دختر اردشیر دوم : ۱۰۹۸ ـ ۱۱۱۴ ـ ۱۱۵۴ ـ ۱۱۵۸ ـ ۱۴۶۴ـ ۱۶۲۸
آمس‌تریس دختر اگزاترس : ۱۴۴۹ ـ ۱۶۲۹ ـ ۲۰۴۹ـ ۲۱۰۹
آمس‌تریس دختر داریوش دوم : ۹۹۰ ـ ۱۶۲۸
آمس‌تریس مادر بغابوخش : ۹۳۳
آمفوتروس : ۱۲۸۴ ـ ۱۳۴۶ ـ ۱۴۰۳
آمفی‌لوخوس: ۷۴۱
آمفی‌ماك : ۱۹۹۳
آملیناس : ۱۲۲۹
آمنید : ۱۶۸۴
آموخه : ۱۸۷
آموفارت : ۸۵۲ ـ ۸۵۴
آمون (حدا ، معبد) ۲۷۲ ـ ۴۹۲ ـ ۴۹۶ ـ ۴۹۷ ـ ۵۱۱ ـ ۵۶۶ ـ ۵۷۳ ـ ۱۸۰۵ ـ ۱۸۲۱ ـ ۱۸۴۶ ـ ۱۸۸۷
آمون‌خ تب : ۵۰
آمون‌روت : (بوسیریس ، آمیرته)
آمی‌تیس : (آمتیس)
آمیرته : ۴۹۱ ـ ۹۶۲ تا ۹۶۴ ـ ۱۱۳۱ ـ ۱۱۳۲ ـ ۱۱۴۱ ـ ۱۹۴۸
آمیزوس : ۱۵۱۰
آمیس : ۱۲۵۷ ـ ۱۲۷۵
آمیلکار : ۸۷۸ تا ۸۸۱
آمیناس : ۸۲۶
آمین‌تاس : ۶۲۲ تا ۶۲۴ ـ ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۴ ـ ۱۲۵۴ ـ ۱۲۶۱ ـ ۱۲۶۲ ـ ۱۲۷۶ ـ ۱۳۰۰ ـ ۱۳۰۷ ـ ۱۳۱۱ ـ ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۹ ـ ۱۳۵۱ ـ ۱۴۱۶ـ ۱۴۱۷ ـ ۱۶۴۵ ـ ۱۶۶۳ ـ ۱۶۶۴ـ ۱۶۶۷ تا ۱۶۷۹ ـ ۱۶۸۲ ـ ۱۷۲۴ ـ ۱۷۵۸ ـ ۱۷۶۴ ـ ۲۱۳۵

آمین‌کل : ۷۷۴
آمین مارسلن : ۴۱ ـ ۸۹ ـ ۲۱۷۵ ـ ۲۲۰۳ ـ ۲۴۶۷ ـ ۲۵۰۰ ـ ۲۵۰۱ ـ ۲۶۳۷ ـ ۲۶۵۱ ۲۶۵۶
آمی‌نیاس : ۸۱۲ ـ ۸۱۵ ـ ۲۰۹۴
آناسیس داراکس : ۱۲۹۱
آنافاس اول : ۱۶۲۶ ـ ۲۱۲۳ ـ ۲۱۲۴ ـ ۲۱۲۹
آنافاس دوم : ۱۱۴۷ ـ ۲۱۲۹
آنافس : ۷۳۲
آناکسارك : ۱۷۳۰ ـ ۱۷۳۳ ـ ۱۷۳۴ ـ ۱۷۴۳ ـ ۱۷۴۴ ـ ۱۷۵۴ ـ ۱۹۱۰ ـ ۱۹۳۷
آناکساندرید : ۲۹۰ ـ ۷۷۷ ـ ۸۵۷
آناکسی‌بیوس : ۱۰۸۸ ـ ۱۰۹۲
آناکسیپ : ۱۶۵۳
آناکسی‌کرات : ۹۳۶
آناکسیمن : ۱۲۲۱ ـ ۱۵۶۲
آناگ : ۲۵۹۲ ـ ۲۵۹۳ ـ ۲۶۱۵
آنانی : ۲۶۳۴
آنانیاس : ۲۶۳۳
آناهیتا : (اناهیتا)
آنتالسیداس : ۷۱ ـ ۶۴۷ ـ ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۰ ـ ۱۱۲۲ ـ ۱۱۲۳ ـ ۱۱۲۷ ـ ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۹ ـ ۱۲۸۱
آنتاندر : ۶۲۶ ـ ۶۹۲ ـ ۷۲۳
آن‌تریوش : (داریوش)
آنتوان (آنتونیوس)
آن‌تونن : ۸۷ ـ ۲۱۸۰ ـ ۲۱۸۱
آن‌تونن اخری : ۲۵۹۰
آن‌تونن اوگوست : (نیتوس)
آن‌تونیوس : ۲۰۶۱ ـ ۲۱۲۸ ـ ۲۱۷۴ ـ ۲۳۳۹ تا ۲۳۴۷ ـ ۲۳۵۱ ـ ۲۳۵۲ ـ ۲۳۵۴ تا ۲۳۶۳ ـ ۲۳۶۴ تا ۲۳۷۷ ـ ۲۳۸۷ ـ ۲۳۹۲ ـ ۲۴۷۰ ـ ۲۵۱۵ ـ ۲۶۱۳ ـ ۲۶۲۳ تا ۲۶۲۵ ـ ۲۶۵۸ ـ ۲۶۶۶ تا ۲۶۷۰
آنتونینوس‌بیوس : ۲۴۴۰ ـ ۲۴۹۲ تا ۲۴۹۵ ـ ۲۴۹۷ ـ ۲۵۰۱ ـ ۲۵۰۳
آنتی‌بلوس : ۱۴۳۱
آن‌تی‌پاتر : ۷۵۰ ـ ۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۵ ـ ۱۲۳۸ ـ ۱۲۴۴ ـ ۱۲۸۵ ـ ۱۳۲۹ ـ ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ ـ ۱۶۴۹ ـ ۱۶۵۶ ـ ۱۶۷۷ ـ ۱۶۹۴ ـ ۱۷۴۶ ـ ۱۷۵۶ ـ ۱۷۶۵ ـ ۱۸۸۰ ـ ۱۸۸۳ ـ ۱۸۹۹ ـ ۱۹۰۰ ـ ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۵ ـ ۱۹۲۷ ـ ۱۹۳۱ ـ ۱۹۳۴ ـ ۱۹۳۷ ـ ۱۹۵۹ ـ ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ ـ ۱۹۶۷ ـ ۱۹۶۹ ـ ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ ـ ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ ـ ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ ـ ۱۹۹۵ ـ ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ ـ ۲۰۰۴ ـ ۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۷ ـ ۲۰۴۴ ـ ۲۰۵۴ ـ ۲۰۵۵ ـ ۲۰۶۰ ـ ۲۱۶۶
آن‌تی‌دور : ۷۹۳
آن‌تی‌ژن : ۱۷۹۴ ـ ۱۸۳۵ ـ ۱۸۹۲ ـ ۱۸۹۸ ـ ۲۰۰۲ ـ ۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۹ ـ ۲۰۱۲ ـ ۲۰۱۴
آن‌تی‌فیل : ۱۹۷۹
آن تیکلس : ۱۷۴۶
آن‌تی‌کلید : ۱۶۴۹
آن‌تی گون : ۷۱۶ ـ ۱۳۲۹ ـ ۱۳۴۶ ـ ۱۶۴۹ ـ ۱۶۷۴ ـ ۱۹۱۹ ـ ۱۹۳۴ ـ ۱۹۶۷ ـ ۱۹۶۹ ـ ۱۹۸۶ ـ ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ ـ ۲۰۰۷ ـ ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ ـ ۲۰۲۴ ـ ۲۰۲۵ ـ ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۸ ـ ۲۰۴۱ تا ۲۰۵۱ ـ ۲۰۵۵ تا ۲۰۵۹ ـ ۲۰۷۸ ـ ۲۰۹۰ تا ۲۰۹۵ ـ ۲۱۰۵ ـ ۲۱۱۰ ـ ۲۱۱۳ ـ ۲۱۱۹ ـ ۲۱۲۵ ـ

۲۱۳۲- ۲۱۳۳- ۲۵۸۵
آن تی گون دزن (دسن) : ۲۰۷۹- ۲۱۶۸
آن تی گون گوناتاس: ۲۰۵۹- ۲۰۶۵-۲۰۶۶-۲۰۷۰-۲۱۶۳-۲۱۶۶
آن تی گون یهود : ۲۳۴۳- ۲۳۴۵- ۲۳۴۶
آن تیلا : ۵۱۶
آن تی ماخوس : ۲۲۲۴
آن تیوخوس آسیائی : ۲۰۹۰
آن تیـو خـوس اول (سـوتر) : ۷۶- ۱۹۶۹- ۲۰۵۳ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۸ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۲- ۲۰۷۳- ۲۰۷۶- ۲۰۹۸- ۲۰۹۹- ۲۱۰۵- ۲۱۱۵- ۲۱۲۸- ۲۱۴۹- ۲۱۶۵- ۲۲۰۰- ۲۳۱۴- ۲۵۶۶- ۲۵۹۵- ۲۵۹۶- ۲۶۰۴- ۲۶۲۷
آن تیو خـوس دوم دوم (تئوس) : ۲۰۷۱ تا ۲۰۷۴- ۲۰۹۹- ۲۱۰۰- ۲۱۳۴- ۲۱۵۴- ۲۱۶۵ - ۲۲۰۰ تا ۲۲۰۲ - ۲۲۵۹- ۲۵۹۵
آن تیو خوس سوم (کبیر) : ۲۰۷۹ تا ۲۰۸۴- ۲۰۸۶- ۲۰۸۷- ۲۰۸۹- ۲۱۰۴- ۲۱۱۸- ۲۱۲۵- ۲۱۳۰- ۲۱۳۵- ۲۱۳۸- ۲۱۶۳- ۲۶۱۷- ۲۲۰۹- ۲۲۱۰ تا ۲۲۱۶- ۲۲۲۲- ۲۲۲۳- ۲۲۵۰- ۲۲۵۹- ۲۲۷۱- ۲۲۷۳- ۲۶۲۵- ۲۶۵۲- ۲۶۶۸- ۲۷۰۳
آن تیـو خـوس چهارم (اپی فان) : ۲۰۸۳- ۲۰۸۷- ۲۰۸۹- ۲۱۱۱- ۲۱۳۶- ۲۱۵۵ تا ۲۱۵۷ - ۲۱۶۷ - ۲۲۲۰ تا ۲۲۲۲- ۲۲۲۷- ۲۲۷۱
آن تیو خوس پنجم (اوپاتر) . ۲۰۸۹- ۲۱۶۷- ۲۲۲۲- ۲۲۲۵- ۲۲۲۹
آن تیو خوس ششم (دیونیس) : ۲۰۸۹- ۲۲۰۶- ۲۲۳۶- ۲۶۷۰
آن تیـو خوس هفتم (سی دت) : ۲۰۸۷ تا ۲۰۸۹ - ۲۱۱۵- ۲۱۶۹- ۲۲۳۸ تا ۲۲۴۵- ۲۵۸۵- ۲۶۲۸- ۲۶۵۲- ۲۶۷۰
آن تیـو خوس هشتم (گری پس) : ۲۰۸۶- ۲۰۸۸- ۲۰۸۹- ۲۱۶۹
آن تیو خوس نهم (سیزیك) : ۲۰۸۶- ۲۰۸۹- ۲۱۵۷- ۲۱۶۹
آن تیو خوس دهم (فیلادلف) : ۲۰۹۰- ۲۱۶۹
آن تیو خوس یازدهم (دیونیس) : ۲۰۹۰
آن تیو خـوس دوازدهم (مقدس) : ۲۰۹۰- ۲۱۶۹
آن تیو خوس سیزدهم : ۲۰۹۰
آن تیوخوس کلبی : ۲۵۲۰
آن تیوخوس کماژن: ۲۳۴۶-۲۳۴۷-۲۴۳۵-۲۴۳۵-۲۴۳۶- ۲۴۵۵- ۲۴۵۶- ۲۷۱۹- ۲۷۲۱
آن تیـو خـوس هی‌پراکس : ۲۰۷۵ تا ۲۰۷۷- ۲۱۳۵- ۲۱۶۷- ۲۲۰۴- ۲۲۰۶- ۲۲۰۷
آن تیو خیوس : ۲۰۸۱- ۲۱۲۵- ۲۱۳۰
آندراك : ۱۷۶۷
آندروباز : ۲۰۰۸
آندروستن : ۱۹۲۲
آندروکرات : ۸۴۳
آندروکوتوس : ۱۸۱۲
آن دروگرس : ۲۱۹۸
آندروماخوس : ۱۳۵۹- ۲۳۱۸- ۲۳۱۹
آندروماك : ۱۷۰۶- ۱۷۱۱- ۱۷۲۹
آندرومد : ۲۴۵- ۷۳۰- ۷۶۱- ۱۲۹۷- ۱۳۳۹-۲۶۵۸
آندرومن : ۱۲۶۱- ۱۳۹۸
آندرونیك : ۱۶۴۱- ۱۶۸۴
آندره‌اس : ۱۴۱۲
آندیا : ۹۵۲- ۱۶۲۷
آنطیخ‌س: ۲۵۶۹-۲۵۷۶ ورجوع به آن‌تیوخوس شود

آنو : ۱۱۴
آنوایش : ۲۰۴
آنوبانی : ۱۱۶
آنه‌ریست : ۹۴۲
آنی بال : ۲۴۳۹ ورجوع به هانیبال شود
آنی لای : ۲۴۰۸ تا ۲۴۱۰
آوگار (آبگار)
آولت: (بطلمیوس سیزدهم)
آویدیوس : (کاسیوس)

الف

اآ : ۱۱۴
ا آرتس : (اردشیر دوم)
ا آرسس : (آرسس)
ا آریز : ۷۳۴
ا آك : ۱۹۲۸
ابارس : ۲۴۰- ۲۴۱- ۲۷۸
اباز : ۷۳۳
ابازوس : ۸۷۱
ابراهیم : ۱۱۸
ابراهیم خان نایب الوزاره : ۵ م
ابرز : (وهوبرز)
ابزان بن بلاش : ۲۵۴۹
ابگشا : ۸۹۸
ابواسحق شیرازی : ۱۱۲ م
ابو جعفر منصور : ۱۰۰
ابوالحسن خان وکیل ؛ ۱۱ م
ابوریحان:(بیرونی)
ابو زید بلخی . ۱۰۴
ابوطالب زنجانی : ۲۸ م
ابو عبیده معمر : ۲۵۵۱
ابوالفدا : ۱۰۵
ابوالفرج اصفهانی : ۱۰۳- ۹۹۱- ۲۵۵۵
ابولیت ، ۱۴۳۰
ابو منصور عبدالرزاق : ۲۵۵۶- ۲۵۵۷
ابن اثیر : ۱۰۵- ۲۳۲- ۹۰۷- ۹۵۳- ۹۵۶
۱۱۶۴- ۱۲۱۲ - ۲۵۶۸ تا ۲۵۷۱
۲۵۷۴
ابن بطوطه : ۱۰۷
ابن خرداد به : ۱۰۲
ابن خلدون : ۱۰۱- ۱۰۶
ابن خلکان : ۱۰۵
ابن عبری : ۱۰۶- ۲۳۲ - ۴۷۸- ۴۷۹- ۵۳۷
۶۹۸- ۹۰۵- ۹۰۷- ۹۰۸- ۹۵۳- ۹۵۴
۹۵۶- ۱۱۶۴- ۱۱۸۶ ۱۱۸۸
ابن مسکویه : ۱۰۵- ۲۵۶۸
ابن مقفع : ۱۰۰
ابن النجار ، ۱۰۲
ابن الندیم : ۱۰۰ تا ۱۰۲- ۱۲۱۲
ابی عنان (سلطان) . ۱۰۷
ابی یه تاك : (اردشیر دوم)
اپا فرودیت : ۸۶
اپامی نونداس ، ۱۱۱۸- ۱۱۹۴- ۱۲۱۹
اپر ، ۳۲- ۴۷- ۵۴- ۶۲- ۱۱۶- ۲۱۵
۲۲۳- ۶۹۵- ۹۵۷- ۹۹۱- ۱۱۸۶
۱۴۵۲
اپوسیلوس : ۱۷۲۵
اپیاکسا : ۱۰۰۰- ۱۰۰۱
اپیالت : ۸۷۷
اپیدر : ۱۹۰۶
اپی سیداس : ۱۱۱۱
اپیك تت : ۸۵- ۸۶
اپی فان: (آنتیو خوس چهارم)
اپی فان پسر آنتیو خوس : ۲۴۵۵- ۲۴۵۶
اپی فان : (بطلمیوس پنجم)
اپی منس : ۱۷۴۶ تا ۱۷۴۸- ۱۷۵۶
اپ پیوس ، ۲۱۴۷- ۲۳۷۲- ۲۳۷۳

اتابك : ۵م- ۶م- ۹ تا ۱۱ م- ۱۲۲م- ۱۲۳م
۱۲۵ م
اتاترك : ۱۱۳م
اتانس : ۵۲۰- ۵۲۱- ۵۲۳- ۵۲۵ تا ۵۳۱
۵۳۵- ۶۲۵- ۶۲۷- ۶۲۸- ۶۳۹- ۶۵۰
۶۵۱- ۶۵۷- ۷۲۲- ۷۳۰- ۷۳۸- ۹۰۸
اتاسپس : ۷۳۲- ۱۶۲۷
اتر : ۵۵
اترین : ۱۵۷۶
اتو فرادات : ۱۱۴۵ تا ۱۱۴۷-۱۱۵۱-۱۲۸۱
۱۴۰۲-۱۴۹۶- ۱۶۴۱- ۱۶۴۴- ۱۶۴۵
۱۶۴۷
اتی مون : ۱۴۲۰
ات ین : ۱۴۲۰- ۱۵۶۳- ۲۰۷۲
اجی بی : ۵۵۳- ۵۵۴
احتشام السلطنه : ۱۰م- ۱۱م- ۹۲م- ۹۳م
احمد خان تنگستانی : ۶۷م
احمد شاه : ۴۸ تا ۵۷م- ۷۰ تا ۷۳م- ۷۷ تا
۸۰م- ۹۰ تا ۹۳م- ۹۸ تا ۱۰۳م- ۱۰۸ تا
۱۱۰م- ۱۲۰م- ۱۳۳م- ۱۳۷م
احمد شهریور : ۲۵۷
احسانی طباطبائی (سرتیپ) : ۱۲۲م
احشیرش : (خشیارشا)
احیاء الملك : ۵ م
اخا : ۱۱۵۸ - ۱۱۶۵ - ۱۱۸۶ - ۱۶۲۸
۱۶۲۹
اخریس : ۱۱۳۲
اخس : (اردشیر سوم)
اخس : (داریوش دوم)
اخس پسر داریوش سوم : ۱۳۶۵- ۱۶۲۹
اخش‌ورش ،اخش‌ویروش،اخشیروش: (خشایارشا)
اد : ۲۶۰۲
ادا : ۱۲۶۸- ۲۶۰۷
اداد آپلوودین ، ۱۲۵
اداد نیراری : ۵۳- ۱۶۹
ادوارد هفتم : ۲۴م
ادوارد می یر : (می یر)
ادومنش : ۹۵۲
ادیب السلطنه ، ۷۶م
ادیب هروی : ۱۱م
اراتس تن : ۹۱ - ۱۵۵ - ۹۱۵- ۱۴۹۷
۱۷۷۸- ۱۷۷۹- ۱۷۸۱- ۲۱۵۴- ۲۱۷۸
۲۴۲۲
اراتو : ۲۶۱۹
اربات : ۱۳۸۰
ارباریوس : ۹۵۵
اربازوس : ۲۲۷۵
ارباست : ۴۸۴- ۵۳۱
ارتاایکتوس : ۷۳۶- ۸۲۴- ۸۷۰ تا ۸۷۲
ارتااینت : ۱۶۲۷- ۱۶۲۸
ارتاخه : ۷۱۴
ارتاریوس : ۱۶۲۷
ارتافرن : ۵۳۱- ۵۳۵- ۶۲۵- ۶۳۸ تا ۶۴۰
۶۴۴- ۶۴۵- ۶۵۱ تا ۶۵۳- ۶۵۵ تا ۶۵۷
۶۶۸- ۶۷۱- ۶۸۱- ۶۹۴- ۷۰۵- ۷۳۵
۹۴۳- ۱۴۶۹- ۱۶۲۵- ۲۱۴۹- ۲۶۵۸
ارتاکسرك سس : (اردشیر دراز دست)
ارتالت : ۴۸۷
ارت بات : ۷۳۳
ارت باتاس: (ارته باذ)
ارت باذ : ۳۴۱- ۳۴۳- ۴۰۹- ۴۱۰- ۴۲۶
۴۲۸- ۴۳۱- ۴۳۴ تا ۴۳۶- ۴۳۸- ۴۶۰
۸۲۸- ۸۲۹- ۸۵۴- ۸۵۷- ۸۶۰- ۸۶۱
۸۶۴- ۸۹۵- ۸۹۶- ۹۳۱- ۹۳۲- ۹۳۵
۱۰۴۷- ۱۱۴۷- ۱۱۶۶- ۱۱۸۰- ۱۱۸۱
۱۳۲۰- ۱۳۲۲- ۱۴۳۳- ۱۴۳۴- ۱۴۳۶
۱۴۳۷- ۱۴۳۹- ۱۴۴۰- ۱۴۴۹- ۱۶۲۹
۱۶۴۱- ۱۶۴۴- ۱۶۴۷- ۱۶۸۴- ۱۶۸۵

۱۶۹۳ - ۱۶۹۵ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۳۰
۱۷۳۷ - ۱۸۸۸ - ۱۸۸۵ - ۱۹۵۴ - ۲۰۱۸
۲۰۴۴ - ۲۱۳۱ -
ارتباذ اول ارمنی: ۲۳۰۱ - ۲۳۰۴ - ۲۳۰۵
۲۵۸۷ - ۲۵۸۸ ۲۵۹۸ - ۲۶۰۸ - ۲۶۲۴
۲۶۲۵
ارتباذ دوم: ۲۶۲۵
ارتباذ چهارم: ۲۶۳۶
ارتبازان: ۱۴۶۵
ارتباذان آذری: ۲۶۲۵
ارتخشتر: (اردشیر)
ارتخشترپارسی: ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷
ارتخشتسو: (اردشیر)
ارتخشثا: (اردشیر)
ارتخچرچه: (اردشیر)
ارتخشش: (اردشیر)
ارتخم: ۷۳۵
ارتخمس: ۱۶۲۶
ارتزوستر: ۸۷۵
ارتسیراس: ۱۰۲۴ - ۱۰۳۴
ارتشاخ بن هرمز: ۲۵۴۷
ارتکام: ۲۰۱۸
ارتکاما: ۱۸۸۳
ارتکاماس: ۴۶۰
ارتکان: (آرتاکوان)
ارتکری بانت: ۱۴۷۳
ارت نوبچات فارسی: ۲۲۶۷
ارتوآدیس توس: ۲۲۷۲
ارت وردیه: ۵۴۶
ارتی فیوس: ۱۶۲۶
ارخ: ۵۴۷ - ۵۴۸
ارداول: (اشك سیزدهم)
ارد دوم: (اشك شانزدهم)
اردپارتی: ۲۶۲۰

اردپسر اردوان سوم: ۲۳۹۴ - ۲۳۹۶ - ۲۴۰۱
تا ۱۴۰۳
اردنس: ۱۸۶۳
ارداشس پسر سندروگ: ۲۵۹۸ - ۲۵۹۹
اردبیلی (سیدجلیل): ۶۸م
اردشیر بن اخشورش: (اردشیر اول)
اردشیر بن بهمن: (اردشیر اول)
اردشیر اول: (اردشیر دراز دست)
اردشیر درازدست: ۵۶ - ۴۰۲ - ۴۹۱ - ۶۲۴
۶۶۹ - ۶۹۵ - ۸۴۷ - ۷۶۱ - ۸۸۰ - ۸۹۷
۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۷ تا ۹۱۱ - ۹۱۴ - ۹۱۶
تا ۹۲۲ - ۹۲۴ - ۹۲۷ تا ۹۳۱ - ۹۳۳ تا
۹۳۹ - ۹۴۲ تا ۹۴۵ - ۹۴۷ - ۹۵۷ - ۹۸۷
۱۳۵۲ - ۱۵۰۲ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۰ - ۱۶۰۲
۱۶۰۳ - ۱۶۱۸ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸
۱۶۳۰ - ۱۹۴۹ - ۲۱۶۰ - ۲۱۹۶ - ۲۳۵۱
۲۳۵۰ - ۲۵۳۱ - ۲۵۴۴
اردشیر دوم (باحافظه): ۵۶ - ۷۰ - ۷۲ تا ۷۴ -
۸۴ - ۸۵ - ۱۳۲ - ۱۳۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱
۲۹۶ - ۲۹۰ - ۳۵۲ - ۳۷۳ - ۴۰۲ - ۴۲۶
۴۳۷ - ۵۰۷ - ۵۵۳ - ۹۵۰ - ۹۵۲ - ۹۵۶
۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۸۹ - ۹۹۰
۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶
۹۹۷ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۵ - ۱۰۰۹
۱۰۱۰ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۴ تا ۱۰۱۹
۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ - ۱۰۲۴
۱۰۲۵ - ۱۰۲۶ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹
۱۰۳۰ - ۱۰۳۲ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۵
۱۰۳۶ - ۱۰۳۷ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۲ - ۱۰۴۷
۱۰۵۴ - ۱۰۶۰ - ۱۰۷۶ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۵
۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۳
۱۱۰۶ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴
۱۱۱۷ - ۱۱۱۸ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۱
۱۱۲۲ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵ - ۱۱۲۶

۱۱۲۷- ۱۱۲۸- ۱۱۲۹- ۱۱۳۰- ۱۱۳۱
۱۱۳۲- ۱۱۳۳- ۱۱۳۴- ۱۱۳۵- ۱۱۳۸
۱۱۳۹- ۱۱۴۰- ۱۱۴۱- ۱۱۴۲- ۱۱۴۳
۱۱۴۵- ۱۱۴۶- ۱۱۴۷- ۱۱۴۸- ۱۱۴۹
۱۱۵۰- ۱۱۵۱- ۱۱۵۲- ۱۱۵۳- ۱۱۵۴
۱۱۵۵- ۱۱۵۶- ۱۱۵۷- ۱۵۵۸- ۱۱۵۹
۱۱۶۰- ۱۱۶۱- ۱۱۶۲- ۱۱۶۳- ۱۱۶۴
۱۱۸۰- ۱۱۸۱- ۱۱۸۲- ۱۱۸۴ -۱۴۰۴
۱۴۵۹- ۱۴۶۲- ۱۴۶۳- ۱۳۶۴- ۱۴۶۶
۱۴۶۸- ۱۴۸۸- ۱۵۲۷- ۱۵۳۰ - ۱۵۳۷
۱۵۳۹- ۱۵۴۲- ۱۵۶۹- ۱۵۸۸- ۱۵۸۹
۱۵۹۰- ۱۶۰۳- ۱۶۱۱- ۱۶۱۲- ۱۶۱۸
۱۶۲۸- ۱۶۳۰- ۱۶۳۱- ۱۹۴۹- ۲۱۳۱
۲۱۳۲- ۲۱۶۰- ۲۱۹۶- ۲۲۴۷- ۲۲۷۰
۲۳۶۴- ۲۵۳۱- ۲۵۴۴- ۲۶۹۳ - ۲۷۰۳

اردشیر سوم (اخس): ۷۴- ۷۵- ۲۳۱- ۴۴۳
۴۷۶- ۹۵۲- ۹۵۴تا ۹۵۶- ۱۱۴۰- ۱۱۵۲
۱۱۵۳- ۱۱۵۵- ۱۱۵۷- تا۱۱۵۹- ۱۱۶۴
تا ۱۱۷۹- ۱۱۸۲ تا۱۱۸۹ ۱۱۹۸- ۱۲۰۰
۱۲۱۴- ۱۲۲۴- ۱۳۲۲- ۱۳۲۴- ۱۴۴۸
۱۴۴۹- ۱۶۰۰- ۱۶۰۲- ۱۶۱۱- ۱۶۱۲
۱۶۲۸- ۱۶۲۹- ۱۶۳۰- ۱۶۳۱ - ۱۶۳۷
۱۶۴۴- ۱۸۷۱- ۱۸۸۳- ۱۹۳۶- ۱۹۴۳
۱۹۴۴- ۱۹۵۴- ۲۰۱۸- ۲۱۲۴- ۲۱۳۲
۲۵۴۴

اردشیر چهارم: (بسوس)

اردشیر ارمنی: ۲۶۰۷- ۲۶۰۸

اردشیر پاپکان: ۱۵۱۷- ۲۲۰۰- ۲۵۱۸- ۲۵۲۹
۲۵۳۰- ۲۵۳۱- ۲۵۳۲- ۲۵۳۳ تا۲۵۳۵
۲۵۳۹- ۲۵۴۲- ۲۵۴۳- ۲۵۴۴- ۲۵۴۵
۲۵۴۷- ۲۵۴۹- ۲۵۵۱- ۲۵۶۸- ۲۵۶۹
۲۵۷۰- ۲۵۷۱- ۲۵۷۷- ۲۵۷۸- ۲۵۸۰
۲۵۸۱- ۲۵۸۳- ۲۵۹۰ - ۲۵۹۱- ۲۵۹۲
۲۵۹۳- ۲۶۰۷- ۲۶۱۰- ۲۶۱۱- ۲۶۱۲
۲۶۱۳- ۲۶۱۵- ۲۶۱۸- ۲۶۳۶- ۲۶۷۴

اردوان: ۵۹۳- ۶۱۰- ۷۳۸- ۹۰۸ تا ۹۱۰
۹۱۴- ۹۱۵- ۹۳۵

اردوان پسرویشتاسب: ۶۸۵- ۷۰۸- ۷۱۰ تا
۷۱۴- ۷۲۳تا ۷۲۷- ۸۰۳- ۱۶۲۵

اردوان رئیس قراولان: ۹۰۴- ۱۴۶۶

اردوان اول: (اشك سوم)

اردوان دوم: (اشك هشتم)

اردوان سوم: (اشك هیجدهم)

اردوان چهارم: ۲۴۶۲- ۲۴۶۵- ۲۴۶۷- ۲۴۶۹
۲۶۷۶

اردوان پنجم: (اشك بیست و نهم)

اردوان الاکبر (اردوان بزرگ): ۲۵۴۸- ۲۵۵۲
۲۵۵۷- ۲۵۶۴- ۲۵۶۷- ۲۵۶۸- ۲۵۷۰
۲۵۷۱

اردوان بن بهرام: ۲۵۶۴- ۲۵۶۵

اردومنیش: ۵۳۴- ۵۳۵

ارزاس (ارشك): ۱۸۱۸

ارزان بن اشغان: ۲۵۶۶

ارزیوس مورخ: ۲۱۷۶- ۲۲۳۷- ۲۲۳۸- ۲۲۴۰
۲۳۴۸

ارساباریس: ۲۱۴۹

ارسام (ارشام) جد داریوش: ۲۲۸- ۲۳۰- ۲۳۱
۴۵۰- ۷۱۰- ۱۵۵۰- ۱۵۷۱- ۱۵۷۶- ۱۵۹۹
۱۶۰۰- ۱۶۰۴- ۱۶۰۹- ۱۶۱۲- ۱۶۲۵
۱۶۳۰

ارسام پسر داریوش بزرگ: ۷۳۴- ۱۶۲۶

ارسام پسر اردشیر دوم: (ارسانس)

ارسام پسر ارتباذ: ۱۶۴۱

ارسام پسر استانس: ۱۶۲۹

ارسامن: (ارشام)

ارسامنس: (ارسام)

ارسان: ۱۲۸۶- ۱۶۳۱

ارسانس (ارسام): ۱۱۵۲- ۱۱۶۴- ۱۶۲۸

ارس‌دات : ۱۷۶۴
ارسطاطالیس: (ارسطو)
ارسطو: ۱۱۲م-۷۰-۷۳-۵۷۸-۶۳۰-۱۲۱۸
تا۱۲۲۰-۱۷۳۰-۱۷۴۲-۱۷۴۴-۱۷۵۵
۱۷۵۶-۱۸۰۴-۱۹۲۳-۱۹۲۷-۱۹۳۱
۱۹۳۴-۲۰۹۹-۲۱۶۱-۲۵۵۰-۲۵۶۸
ارسیخ: ۱۱۸۸ رجوع به‌ارشك شود
ارسی‌نس: ۱۳۸۰
ارسیوس: (ارزیوس)
ارشام: (ارسام)
ارشام‌والی‌مصر: ۹۶۳
ارشام ارمنی: ۲۵۹۸-۲۶۳۲-۲۶۳۳-۲۶۳۶
ارشانك: ۲۶۱۲
ارشاویر: (آرشاویر)
ارشك: (اشك)
ارشك پسر داریوش دوم: (اردشیر دوم)
ارشك‌دلیر: ۱۶۱۶-۲۰۷۳-۲۰۷۶-۲۶۱۲
ارشك دوم: ۲۲۰۹-۲۶۱۹
ارشك سوم: ۲۶۲۱-۲۶۳۷
ارشك چهارم: ۲۶۲۱
ارشكان: ۲۵۸۵-۲۶۱۲
ارطخشت: (اردشیر)
ارطخشت الطویل‌الیدین: (اردشیر اول، دراز دست)
ارفع‌الدوله: ۱۲۲م-۱۲۳م
ارکساندر: ۵۹۶
ارکسی‌نس: (ارسی‌نس)
ارگیشتی دوم : ۱۷۱-۱۷۲
ارمان : ۶۱
ارمیا: ۱۸۳-۱۹۲-۳۹۸-۴۰۱
ارنت: ۱۱۵۴-۱۱۵۸
ارن تاس : ۱۰۱۰-۱۰۳۴-۱۰۴۵-۱۰۵۳
۱۱۲۴-۱۱۲۶ تا۱۱۲۹-۱۱۳۸-۲۰۴۹
ارن‌تس: ۱۶۲۸-۱۶۳۱-۲۰۱۳-۲۰۶۱
۲۰۶۴-۲۰۹۶-۲۱۱۰ تا ۲۱۱۲
ارن توبات : ۱۱۴۷-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۳۷۹
۲۰۱۹-۲۱۴۸
ارن داپانت: ۲۳۳۶
ارنس‌پاد: ۲۱۹۶-۲۴۰۳
اروان ۲۶۳۶
اروپ: ۱۲۳۱
اروپا: ۶۶۰
اروسیوس کلاروس: ۲۴۸۵
اری: ۱۹۹
اریارمنه : ۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱-۶۱۲-۸۱۵
۱۵۳۶-۱۵۵۱-۱۵۷۱-۱۵۷۶-۱۶۲۴
۱۶۲۶-۱۶۳۰
اری‌تس: ۵۵۶ تا ۵۶۰
اری‌تی، ۷۷۳
اری‌زیوس(اریگیوس): ۱۲۴۷-۱۳۸۸-۱۶۴۰
۱۶۴۴-۱۶۸۴-۱۶۸۶تا۱۶۹۴-۱۷۰۹
۱۷۶۰
اری‌منا: ۳۷۷
ازب (اوسویوس)، ۸۹-۲۱۷۵-۲۲۰۲-۲۳۲۴
ازنیك‌گگپی: ۲۶۱-۱۵۲۴-۱۵۲۵
ازی‌ریس (از نجبای پارس)، ۱۸۶۳
ازی‌ریس: ۸۴-۵۱۱-۹۳۴-۱۵۲۱
اژدهاك (ازیدهاك) : (آستیاگس)
اژه (پادشاه) : ۷۳۱
اسپاتامیترس: ۹۰۴
اسپارترا : ۲۶۷
اس‌پرثی‌یس؛ ۷۵۴
اسپهبد پهلو: (پهلو)
اسپی‌تاسس ، ۴۵۴
اسپی‌تاماس : ۴۵۴
استاتیرا (ملکه اردشیر): ۹۵۷-۹۶۱-۹۶۲
۹۹۵-۹۹۸-۱۰۳۷-۱۰۵۴-۱۰۹۶
۱۱۵۸-۱۱۶۴-۱۴۶۶

استاتیرا (زن داریوش سوم) : ۱۳۶۲ ـ ۱۶۲۸
۱۶۲۹ـ۱۶۳۱ـ۱۸۸۳ ـ ۱۸۹۲
استاتیرا (دختر داریوش سوم): ۱۳۴۴ـ۱۴۴۶
۱۴۴۹ ـ ۱۹۳۴ ـ ۱۹۵۴
استانس : ۹۹۰ـ۹۹۱ ـ ۹۹۵ـ ۱۱۲۱ـ ۱۱۸۷
۱۴۴۹ ـ ۱۶۲۸ ـ ۱۶۲۹
استر : ۶۹۸ـ ۸۹۹ـ ۹۰۰ـ ۹۰۲ تا ۹۰۴
۱۴۶۵ـ ۱۴۶۶ـ ۱۶۰۳
استرابون : (سترابون)
استراسلسکی : ۵۸مـ ۶۲مـ ۶۷م
استروتاس : ۱۱۱۶
استفانوس : ۱۳۹۹
استن : ۱۱۸۸
استین (اورل) : ۱۶۲۲
اسخین : ۶۷۰ـ ۱۲۲۵
اسراس : ۲۰۸۷
اسر حدون : (آسور حیدین)
اسرهه : (خسرو)
اسفندیار : ۱۴۱ـ ۴۸۲ـ ۲۵۷۱
اسفیانوس : ۲۵۵۱
اسکاریگر (مورخ) : ۱۳۲ ـ ۲۸۱ـ ۵۰۶ـ ۹۱۲
۱۱۸۶ـ ۱۲۱۵ ـ ۱۲۰۴ ـ ۲۱۴۴ـ ۲۲۹۷
۲۳۱۶ـ ۲۳۴۰ـ ۲۳۸۳ـ ۲۴۳۲
اسکلپیاد : ۱۹۱۷
اسکندر اول : ۱۱۹۲ـ ۱۱۹۳
اسکندر سوم (بزرگ) : ۹۹مـ ۱۱۲مـ ۱۳۲م
۱۳۹ـ تا ۱۴۱مـ ۱۴۴مـ ۲۱ـ ۲۴ـ ۷۶ تا
۷۸ـ ۸۲ تا ۸۶ـ ۸۸ـ ۹۰ ـ ۹۸ـ ۱۳۲ـ ۱۴۵
تا ۱۴۷ ـ ۱۴۹ ـ ۱۵۱ ـ ۱۹۰ ـ ۱۹۳ـ ۲۰۵
۲۰۶ ـ ۲۲۴ ـ ۳۷۶ ـ ۴۳۸ـ ۴۷۴ـ ۴۷۷
۴۸۶ ـ ۵۰۸ـ ۵۵۵ـ ۶۱۲ ـ ۶۱۸ ـ ۶۲۳
۶۲۴ـ ۶۳۰ـ ۶۸۷ـ ۶۹۰ـ ۶۹۴ـ ۷۰۱
۷۱۶ ـ ۷۴۹ـ ۷۷۹ ـ ۸۸۴ـ ۹۰۶ـ ۹۲۹
۹۳۹ ـ ۹۵۵ـ ۱۰۰۶ ـ ۱۰۲۶ ـ ۱۰۲۹
۱۰۳۰ ـ ۱۰۹۵ ـ ۱۱۱۱ ـ ۱۱۴۸
۱۱۶۶ـ ۱۱۸۲ـ ۱۱۸۴ـ ۱۱۸۷ ـ ۱۱۸۸
۱۱۸۹ـ ۱۱۹۰ ـ ۱۲۰۳ـ ۱۲۰۴ ـ ۱۲۰۹
تا۱۲۹۵ـ۱۲۹۹تا ۱۳۷۹ـ۱۳۸۲ تا ۱۴۴۹
۱۴۶۴ـ ۱۴۸۶ ـ ۱۴۶۶ـ ۱۴۷۸ـ ۱۴۸۳
تا۱۴۸۵ـ ۱۵۱۰ـ ۱۵۱۴ـ ۱۵۱۶ـ ۱۵۱۷
۱۵۲۷ـ ۱۵۲۹ـ ۱۵۳۲ـ ۱۵۴۷ـ ۱۵۴۸
۱۵۵۵ـ ۱۵۶۲ـ ۱۵۶۴ تا ۱۵۶۶ـ ۱۵۷۸
۱۵۸۳ـ ۱۵۹۳ تا ۱۵۹۵ ۱۶۲۹ تا ۱۹۴۸
۱۹۵۴ تا ۱۹۷۹ـ ۱۹۸۱ تا۱۹۸۹ـ۱۹۹۲ تا
۱۹۹۹ـ۲۰۰۱ تا۲۰۰۳ـ ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳
۲۰۱۸ـ ۲۰۱۹ـ ۲۰۲۴ـ ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱
۲۰۳۴ ـ ۲۰۳۶ ـ ۲۰۳۷ ـ ۲۰۴۳
۲۰۴۴ ـ ۲۰۴۶ـ ۲۰۴۸ـ ۲۰۵۱ـ ۲۰۵۲
تا ۲۰۶۰ـ ۲۰۶۲ـ تا ۲۰۶۴ـ ۲۰۶۸ تا
۲۰۷۰ ـ ۲۰۷۳ ـ ۲۰۷۸ ـ ۲۰۸۰
۲۰۸۱ـ ۲۰۹۰ تا ۲۱۰۰ـ ۲۱۰۷تا ۲۱۰۹
۲۱۱۷ـ ۲۱۱۹ تا ۲۱۲۱ـ ۲۱۲۳ـ ۲۱۲۴
۲۱۳۲ـ ۲۱۳۹ ـ ۲۱۴۹ـ ۲۱۵۱ ـ ۲۱۵۳
۲۱۵۹ـ ۲۱۶۱ تا ۲۱۶۴ـ ۲۱۷۳ـ ۲۱۷۸
۲۱۸۴ ـ ۲۱۹۱ ـ ۲۱۹۲ ـ ۲۱۹۴ ـ ۲۱۹۹
۲۲۰۲ ـ ۲۲۰۵ـ ۲۲۰۸ ـ ۲۲۱۲ ـ ۲۲۱۴
۲۲۱۶ـ ۲۲۲۱ ـ ۲۲۴۹ـ ۲۲۷۸ ـ ۲۲۶۰
۲۲۷۰ـ۲۲۷۱ـ۲۲۸۱ـ۲۲۸۲ـ۲۳۹۸ـ۲۴۶۵
۲۴۷۰ـ۲۴۷۲ـ۲۴۷۳ـ۲۴۸۴ـ۲۴۸۶ـ۲۴۷۳
۲۵۱۹ـ۲۵۴۱تا۲۵۴۳ـ۲۵۴۷ـ۲۵۴۹ـ۲۵۵۰
۲۵۵۱ـ ۲۵۵۴ـ ۲۵۵۵ـ ۲۵۵۷ ـ ۲۵۵۸
۲۵۶۱ ـ ۲۵۶۵ـ ۲۵۶۸ تا ۲۵۷۱ ـ ۲۵۷۳
۲۵۷۶ـ ۲۵۷۷ ـ ۲۵۸۴ـ ۲۵۹۵ ـ ۲۶۰۵
۲۶۱۰ـ ۲۶۲۴ ـ ۲۶۲۵ـ ۲۶۳۴ ـ ۲۶۵۷
۲۶۷۰ـ ۲۶۸۱ـ ۲۶۸۸ ـ ۲۶۸۹ـ ۲۶۹۱
۲۶۹۹ـ ۲۷۰۰
اسکندر پسر آمینتاس: (آلکساندر آمینتاس)
اسکندر والاس : ۲۱۵۶

اسکندر برادر المپیاس : ۱۲۰۰
اسکندر پادشاه اپیر : ۲۰۴۵
اسکندر اول مصر : (بطلمیوس نهم)
اسکندر دوم مصر : (بطلمیوس دهم)
اسکندر پسر ملکهٔ هند : ۱۷۷۱
اسکندر پسر بولیس پر خون : ۲۰۲۷ـ ۲۰۲۸ـ ۲۰۳۱ تا ۲۰۳۳
اسکندر چهارم (پسر اسکندر بزرگ) : ۱۹۸۹ـ ۱۹۹۱ـ ۱۹۹۳ـ ۲۰۰۱ـ ۲۰۰۴ـ ۲۰۲۳ـ ۲۰۲۷ـ ۲۰۳۲ـ ۲۰۳۳ـ ۲۰۴۳ـ ۲۰۴۴ـ ۲۰۵۵
اسکندری، عباس : ۲۶م- ۱۲۱م
اسکولاپ : ۱۳۰۱ـ ۱۸۲۶
اسکیلاس : ۶۲۹ـ ۶۳۰ـ ۶۴۰ـ ۱۹۲۳
اسماعیل : ۴۴۵
اسمیت (آرمیتاژ) : ۵۷م- ۶۰م
اسورحیدین : (آسور حیدین)
اسی توس : ۷۹۱
اش‌الجبار : ۲۵۷۲
اشعیاء : ۱۷۱ـ ۳۹۸ـ ۴۰۰ـ ۴۰۱
اشک اول (ارشک) : ۲۱۶۵ـ ۲۱۹۸ـ ۲۲۰۰ـ ۲۲۰۲ـ ۲۲۰۳ـ ۲۲۳۳ـ ۲۶۷۸ـ ۲۶۸۰
اشک دوم (تیرداد اول) : ۲۱۶۷ـ ۲۲۰۳ تا ۲۲۰۸ـ ۲۲۳۳ـ ۲۶۱۲ـ ۳۶۴۷ـ ۲۶۴۸ـ ۲۶۷۶ـ ۲۶۸۳
اشک سوم (اردوان اول) : ۲۰۸۱ـ ۲۱۶۷ـ ۲۲۰۹ تا ۲۲۱۲ـ ۲۲۱۵ـ ۲۶۴۹ـ ۲۶۷۶ـ ۲۶۸۰
اشک چهارم (فری یابت) : ۲۱۶۷ـ ۲۲۱۳ـ ۲۲۱۵ـ ۲۲۴۷ـ ۲۶۷۶
اشک پنجم (فرهاد اول) : ۲۱۶۷ـ ۲۲۱۵ـ ۲۲۱۶ـ ۲۲۱۸ـ ۲۲۱۹ـ ۲۲۲۰ـ ۲۲۹۳ـ ۲۶۵۷
اشک ششم (مهرداد اول) : ۲۱۶۷ـ ۲۲۱۹ تا ۲۲۳۳ـ ۲۲۵۰ـ ۲۲۶۰ـ ۲۲۶۲ـ ۲۲۶۴ـ ۲۲۷۱ـ ۲۲۷۷ـ ۲۲۸۰ـ ۲۲۹۳ـ ۲۵۳۹ـ ۲۵۸۷ـ ۲۶۱۱ـ ۲۶۱۲ـ ۲۶۴۰ـ ۲۶۴۷ـ ۲۶۴۸ـ ۲۶۴۹ـ ۲۶۵۱ـ ۲۶۵۵ـ ۲۶۵۶ـ ۲۶۵۷ـ ۲۶۶۳ـ ۲۶۷۶ـ ۲۶۷۸
اشک هفتم (فرهاد دوم) : ۲۱۶۹ـ ۲۲۳۴ـ ۲۲۳۵ـ ۲۲۳۷ تا ۲۲۴۷ـ ۲۲۷۷ـ ۲۲۸۰ـ ۲۵۸۷ـ ۲۶۱۲ـ ۲۶۵۲ـ ۲۶۵۷ـ ۲۶۷۰
اشک هشتم (اردوان دوم) : ۲۱۶۹ـ ۲۲۴۷ـ ۲۲۴۸ـ ۲۲۴۹ـ ۲۲۵۸ـ ۲۲۵۹ـ ۲۲۷۶ـ ۲۶۱۲ـ ۲۶۴۹ـ ۲۶۵۷
اشک نهم (مهرداد دوم) : ۲۱۶۹ـ ۲۲۶۴ـ ۲۲۶۶ـ ۲۲۶۷ـ ۲۲۷۲ـ ۲۲۷۳ـ ۲۲۷۵ـ ۲۲۷۶ـ ۲۲۸۰ـ ۲۲۹۰ـ ۲۳۸۵ـ ۲۳۹۰ـ ۲۴۶۴ـ ۲۴۷۰ـ ۲۶۱۲ـ ۲۶۴۰ـ ۲۶۵۷ـ ۲۶۶۳ـ ۲۶۹۸
اشک دهم (سندروك) : ۲۱۶۹ـ ۲۲۷۶ تا ۲۲۸۱ـ ۲۲۸۳ـ ۲۶۵۷
اشک یازدهم: (فرهادسوم) : ۲۲۷۶ـ ۲۲۸۰ـ ۲۲۸۱ـ ۲۲۸۳تا ۲۲۹۱ ـ ۲۶۱۲ ـ ۲۶۵۷ـ ۲۶۷۶
اشک دوازدهم (مهرداد سوم) : ۲۲۷۶ـ ۲۲۸۹ تا ۲۲۹۴ ـ ۲۳۳۱ـ ۲۶۱۳ـ ۲۶۵۷
اشک سیزدهم (ارد اول) : ۲۱۹۶ـ ۲۲۷۶ـ ۲۲۸۹ـ ۲۲۹۱ تا ۲۲۹۵ ۲۲۹۹ تا ۲۳۰۱ ۲۳۰۴ـ ۲۳۰۵ـ ۲۳۲۱ تا ۲۳۲۳ـ ۲۳۲۵ ۲۳۲۷ تا ۲۳۳۱ ۲۳۳۴ تا ۲۳۴۳ـ ۲۳۴۸ تا ۲۳۵۱ـ ۲۴۷۳ـ ۲۵۰۶ـ ۲۵۳۷ـ ۲۵۳۹ ۲۵۵۰ـ ۲۵۵۸ـ ۲۶۱۳ـ ۲۶۳۱ـ ۲۶۴۹ ۲۶۶۶ـ ۲۶۷۶ـ ۲۶۹۶ـ ۲۷۱۹
اشک چهاردهم (فرهاد چهارم) : ۲۳۴۹ تا ۲۳۵۳ ۲۳۵۵ـ ۲۳۵۷ـ ۲۳۵۹ـ ۲۳۶۹ تا ۲۳۷۱ـ ۲۳۷۴ تا ۲۳۸۸ ۲۴۰۷ـ ۲۴۱۸ـ ۲۴۳۲ـ ۲۵۳۷ ۲۵۳۹ـ ۲۶۰۱ـ ۲۶۱۳ـ ۲۶۲۳ـ ۲۶۲۴ ۲۶۵۰ـ ۴۶۷۶

اشك پانزدهم (فرهادك) : ۲۳۸۱ -۲۳۸۲
۲۳۸۴- ۲۳۸۶ تا ۲۳۹۱ ۲۴۱۳- ۲۵۳۸
۲۵۶۰- ۲۶۱۳- ۲۶۶۱- ۲۶۸۰- ۲۶۹۳
اشك شانزدهم (ارد دوم) : ۲۳۹۱ -۲۶۱۳
اشك هفدهم (ونن اول) : ۲۳۹۱ تا ۲۳۹۹
۲۴۱۳- ۲۴۱۸- ۲۴۲۲-
اشك هيجدهم (اردوان سوم) : ۲۳۹۲ تا ۲۴۰۷
۲۴۰۹ تا ۲۴۱۳ ۲۴۱۶- ۲۴۱۷- ۲۴۲۳
۲۴۲۹- ۲۶۴۹
اشك نوزدهم (بردان) : ۲۴۱۳ تا ۲۴۱۸
۲۴۲۲
اشك بيستم (گودرز پسر اردوان سوم) ، ۲۴۱۴
تا ۲۴۲۴- ۲۶۱۹- ۲۶۴۰- ۲۶۵۰- ۲۶۵۶
اشك بيست ويكم (ونن دوم) : ۲۴۲۳ - ۲۴۲۴
۲۴۶۲- ۲۶۱۴
اشك بيست و دوم (بلاش اول) : ۱۵۱۷-۲۴۲۴
تا۲۴۳۷ - ۲۴۳۹ تا ۲۴۵۷-۲۴۵۹ تا ۲۴۶۶
۲۴۶۸- ۲۴۷۱- ۲۴۷۴- ۲۴۸۷- ۲۵۲۹
۲۵۳۸- ۲۶۱۳- ۲۶۲۳- ۲۶۶۲ - ۲۶۶۳
۲۶۷۰- ۲۶۹۱- ۲۶۹۶
اشك بيست و سوم (پاكر دوم) : ۲۴۶۳-۲۴۶۵
تا ۲۴۶۹- ۲۴۷۴- ۲۶۱۳- ۲۶۷۶
اشك بيست و چهارم (خسرو) : ۲۴۶۸-۲۴۶۹
۲۴۷۱- ۲۴۷۳ تا ۲۴۷۵- ۲۴۷۷- ۲۴۷۷
۲۴۷۹- ۲۴۸۱- ۲۴۸۳- ۲۴۸۶ تا ۲۴۹۰
۲۵۱۵- ۲۶۱۳- ۲۶۴۹
اشك بيست وپنجم (بلاش دوم) ، ۲۴۶۲-۲۴۶۹
۲۴۸۸ - تا ۲۴۹۰ - ۲۵۱۵ - ۲۶۱۳
۲۶۷۶
اشك بيست و ششم (بلاش سوم) ، ۲۴۹۳ تا
۲۵۰۴- ۲۵۰۶- ۲۶۱۳- ۲۶۵۸- ۲۶۹۶
۲۷۱۴
اشك بيست و هفتم (بلاش چهارم) : ۲۵۰۳ تا
۲۵۰۵- ۲۵۰۷ تا ۲۵۱۱ -۲۵۱۴ تا ۲۵۱۷
۲۵۶۷- ۲۶۱۳- ۲۶۵۹- ۲۶۷۶- ۲۶۹۶
اشك بيست و هشتم (بلاش پنجم) : ۲۵۱۷ تا
۲۵۲۱- ۲۵۳۳- ۲۵۴۶- ۲۵۵۱- ۲۵۵۴ تا
۲۵۶۷- ۲۵۶۹ تا ۲۵۷۱ - ۲۵۷۷-۲۵۷۸
۲۵۸۱- ۲۵۹۰- ۲۶۱۳- ۲۶۵۹- ۲۶۷۷
۲۶۹۶
اشك بيست و نهم (اردوان پنجم) ، ۲۵۱۵
۲۵۱۷ تا ۲۵۲۵-۲۵۲۸ تا ۲۵۳۵-۲۵۳۹
۲۵۴۱- ۲۵۴۲- ۲۵۴۶- ۲۵۴۸ تا ۲۵۵۶
۲۵۶۷- ۲۵۶۸- ۲۵۷۰ تا ۲۵۷۳ - ۲۵۷۷
۲۵۷۸- ۲۵۸۰ ۲۵۸۱- ۲۵۸۳- ۲۵۹۰
۲۵۹۱- ۲۵۹۷- ۲۶۱۳- ۲۶۱۸- ۲۶۶۷
۲۶۷۳- ۲۶۹۶
اشك بن اشك : ۲۵۵۱ تا ۲۵۵۳- ۲۵۵۶
اشك بن اشكان (اشجان) : ۲۵۴۶- ۲۵۶۸
۲۵۷۰- ۲۵۷۱- ۲۵۷۵- ۲۵۷۸- ۲۵۷۹
۲۵۸۰
اشك بن جزه : ۲۵۴۷- ۲۵۷۱
اشك بن دارا : ۲۵۶۷- ۲۵۷۶
اشكان بن كی ارش ، ۲۵۵۷
اشيل ، ۴۷۷- ۴۸۱- ۵۳۷- ۶۸۸- ۸۲۵-۹۰۴
۱۱۴۷- ۱۳۵۷- ۱۹۹۹
اصطخری : ۱۰۳ ورجوع به المسالك و الممالك شود.
اعتصامی (يوسف): ۱۲۹م
اعتلاءالسطنه : ۵۹م - ۷۶م- ۸۵م
اعتمادالدوله: ۱۱م
اعتمادالسلطنه، ۱۴۴م- ۲۵۸۱
اعلم‌الدوله (خليل خان): ۱۱۵م
افراتاس: ۳۵۲
افراسياب: ۲۵۸۲
افران تيدس، ۸۲۴
افريكن: (آفريكانوس)

افشار، ایرج: ۴م- ۱۳م- ۲۹م- ۱۳۶م
افشار (دکتر): ۵۷ م
افضل‌کرمانی: ۸۲م- ۹۰م- ۱۲۶م
اقفور: (پاکر)
افلاطون: ۱۱۲م- ۸۴- ۸۹- ۱۲۱۸- ۲۱۳۱
افلاطون‌آتنی: ۱۴۲۸
افورب: ۶۷۰
افیالت: ۷۸۰- ۱۲۷۱تا ۱۲۷۵
افی‌کرات: ۱۳۲۲
اقبال آشتیانی: ۱۱۵م-۱۲۹م تا ۱۳۵م
اقفور: (افقور)
اکباتانی (مهدی): ۱۳۲م- ۱۳۸م- ۹۰۶-۱۹۴۷
۲۷۲۳
اکتاویوس اگوست: ۶۸ - ۷۱ - ۷۹ - ۲۱۲۷
۲۱۲۸- ۲۱۵۲- ۲۳۱۵ - ۲۳۱۶ - ۲۳۱۹
تا ۲۳۲۳- ۲۳۳۹- ۲۳۴۱- تا ۲۳۴۳- ۲۳۴۶
۲۳۴۷- ۲۳۵۲- ۲۳۵۴- ۲۳۷۱ - ۲۳۷۶
۲۳۷۷ تا ۲۳۸۵- ۲۳۸۸- ۲۳۸۹ - ۲۳۹۱
۲۳۹۷- ۲۳۹۷- ۲۴۰۷- ۲۴۱۹ - ۲۴۳۱
۲۴۷۰- ۲۴۸۷
اکزائرش: (اگزائرس)
اکزودات: ۱۷۲۵
اکساتر: ۱۸۸۰
اکسارتس: ۱۷۵۹
اکساندرس: ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۵ و رجوع به
اگزائرس شود
اکس تارخس: (اکسیارتس)
اکسن دارس: ۲۴۶۸- ۲۴۶۹- ۲۴۷۴ - ۲۴۷۷
۲۴۸۷
اکسی‌یاترس: ۱۱۶۶
اکسی‌یارتس: ۱۴۴۶- ۱۶۹۳- ۱۸۳۳- ۱۸۳۴
۱۸۸۳- ۱۹۵۴- ۱۹۶۷- ۱۹۶۹- ۱۹۹۳
۲۰۰۸- ۲۰۱۹
اکسی‌پی‌نوس: ۱۷۱۶
اکسی‌دانس: ۱۶۳۷
اکسی‌دارك: ۱۸۲۶- ۱۸۲۷- ۱۸۳۰- ۱۸۳۷
۱۸۳۸- ۱۸۴۱
اکسی‌نس: ۱۳۷۹
اگویتاس: ۲۶۹۰
اگرون: ۱۹۴
اگزائرس: ۱۳۱۰- ۱۳۲۲ - ۱۳۷۹ - ۱۴۳۰
۱۴۴۵- ۱۴۴۹- ۱۶۲۸- ۱۶۲۹ - ۱۶۳۷
۱۶۵۰- ۱۶۹۹- ۱۸۸۳- ۱۷۹۷- ۲۱۴۹
اگزائرس پسر آمس‌تریس: ۲۰۴۹
اگزدارس: ۲۱۹۶
اگزی‌داتس: ۱۴۳۱
اگوبارس: ۱۸۸۵
اگوست ربانی: (اکتاویوس)
اگیپ‌توس: ۱۸۱۹
ال: ۴۴۲
الاپ‌تونیوس: ۱۷۴۶
الات: (ال، آفرودیت)
الخودونیوس: ۲۳۲۸
الکساندر: (آلکساندر، اسکندر)
المپیاس: ۱۲۰۰- ۱۲۰۶- ۱۲۰۹تا ۱۲۱۴
۱۲۱۶- ۱۲۱۷- ۱۲۳۸- ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳
۱۳۵۶- ۱۴۰۹- ۱۷۴۴ - ۱۸۱۹- ۱۸۸۰
۱۸۸۳- ۱۸۹۹- ۱۹۱۱- ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵
۱۹۳۳- ۱۹۳۴- ۱۹۳۷ - ۱۹۳۹ - ۱۹۵۵
۱۹۹۷- ۲۰۰۱- ۲۰۰۲- ۲۰۰۴- ۲۰۰۵
۲۰۱۳- ۲۰۲۲تا ۲۰۲۸- ۲۰۳۲- ۲۰۴۴
اله‌آزار: ۲۶۹۰- ۲۶۱۰
الیان: (الین)
الیزه‌وارتابد: ۹۸- ۲۱۸۱- ۲۶۱۰
الین: ۷۴- ۱۱۷۹- ۱۱۸۳- ۱۸۰۴- ۱۸۹۲
۲۲۴۰
امارس: ۱۲۵۶
امام جمعه‌خویی: ۳۳م- ۵۷م- ۱۰۳م

امزس دوم: ۹۴۴
امن‌اناژی رونت : ۸۱۵
امنس: ۱۸۰۲
امیربهادر، ۷م- ۴۰تا ۴۶م- ۱۱۷م
امیرکبیر: ۱۰م
امیر نظام: ۷۱م- ۱۲۴م
امیزوس : ۹۹۴
امین‌السلطان (اتابک) : ۱۴م -۱۸م
امین‌الضرب: ۱۰م- ۱۲م- ۱۹م- ۷۲م
اناهیتا(ناهید): ۹۹۳- ۱۰۹۷- ۱۱۵۳- ۱۵۱۵
۱۵۲۰ - ۱۵۲۱- ۱۵۲۷-۱۵۲۹ - ۱۵۳۰
۱۶۱۱- ۱۶۱۳- ۲۰۸۱- ۲۰۸۴- ۲۷۰۲
۲۷۰۳- ۲۷۱۹- و رجوع به‌ناهید شود .
انس‌کریت: ۸۲- ۱۲۴۴-۱۶۴۹-۱۷۹۲- ۱۸۲۰
۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴ - ۱۸۶۱- ۱۸۶۵- ۱۸۷۷
۱۸۸۴- ۱۹۲۲
انسلیوس: ۶۴۸تا ۶۶۰
ان‌ماکریت: ۷۰۴
انمر جبار: ۲۵۵۱- ۲۵۵۲
انی: (ونن)
ان‌تو : ۱۱۵
ان نیو: ۷۰
انیوس : ۲۲۴۳
انوش‌بن‌بلاس : ۲۵۷۹
انوفاس: ۵۳۱- ۵۳۵
انه : ۲۱۷۹
انیاس: ۲۱۵۶
اواگراس. ۱۱۱۶- ۱۱۲۳تا ۱۱۲۷- ۱۱۶۹ -
۱۱۷۲- ۲۰۱۹- ۲۰۳۸- ۲۶۰۵
اواگراس دوم : ۱۴۹۶
اوپاتر: (آنتیوخوس پنجم)
اوپاتر: (مهرداد ششم)
اوپاترا: ۲۱۴۹
اوپدرم: ۵۳۹
اوین، ۱۶۲۱
اوتانااوس: ۸۰۰
اوتروپیوس: ۲۱۷۷- ۲۴۷۹- ۲۵۰۱ - ۲۵۲۵
اوتو، ۲۴۵۴
اوتو فرادات: (اتوفرادات)
اوتی‌دموس: ۲۰۸۲- ۲۲۱۱- ۲۲۱۴- ۲۲۱۵
۲۲۲۳- ۲۲۵۹
اوجاگررسنت، ۵۰۲-۵۰۳- ۵۰۶-۵۰۷-۵۶۸-
۵۷۰
اوخرس: ۱۱۴۱
اوخوس، (اخس)
اودم: ۱۸۶۳
اودام‌وس: ۲۰۰۷تا ۲۰۰۹- ۲۰۱۷- ۲۰۵۷
اودیاس‌تس: ۹۶۱- ۹۶۲
اورانوس. ۱۹۲۰- ۱۹۲۱
اورانی (آفرودیت): ۴۸۷
اورتاکو: ۱۳۷- ۱۳۸
اورخان: ۲۱۵۲
اورسی‌لوس : ۱۴۴۲
اورکسی‌نس (اورسی‌نس) : ۱۸۷۰- ۱۸۷۲ تا
۱۸۷۵
اورگت: ۱۶۸۳تا ۱۶۸۵
اورگت: (بطلمیوس سوم)
اورگت دوم: ۲۱۸۰
اورلین: ۲۶۰۷
اورمزد: (هرمزد)
اوروا: ۲۶۲۹- ۲۶۳۰
اوریاناکس، ۸۵۲
اوری‌پات: ۲۸۵
اوری‌بیاد: ۷۹۰- ۸۰۲- ۸۰۵تا ۸۰۷- ۸۱۱-
۸۲۰- ۸۲۸- ۸۷۸- ۸۸۵
اوری‌تس: ۶۲۸
اوری‌دیس : ۱۹۵۵- ۱۹۹۲- ۱۹۹۳- ۲۰۰۴-
۲۰۰۵- ۲۰۲۲- ۲۰۲۸

اوری‌لوك: ۱۷۴۷- ۱۷۴۸- ۱۷۵۶
اوزبس‌فیلوپاتر: ۲۱۳۰
اوزلی، ۱۵۸۱
اوساك: ۲۳۳۴- ۲۳۳۵
اوسویوس: ۶۹- ۷۶- ۸۱- ۸۶- ۱۹۰- ۱۱۸۶
۱۴۵۶- ۲۲۳۸- ۲۲۴۰- ۲۶۳۳
اوسه‌آن: ۱۸۵۰
اوفرولاس: ۳۰۷
اوفور: ۱۰۲۶
اوکراتیدس: ۲۱۱۸- ۲۲۲۳- ۲۲۲۴- ۲۲۲۸
اوکلیداس: ۹۹۵
اوگ‌بارو: (گبریاس)
اولادبن‌اشکان: ۲۵۷۸- ۲۵۷۹
اولریخس: ۲۱۵۰
اوم‌مان‌مینانو: ۱۳۶
اومانوس: ۱۵۲۱- ۱۵۷۷
اومر: (هی‌مر)
اوم‌فیس: ۱۷۸۰- ۱۷۸۳
اومن: ۱۴۲م- ۱۹۰۳- ۱۹۰۴- ۱۹۶۷- ۱۹۷۰
۱۹۸۲- ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹- ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵
۱۹۹۸- ۱۹۹۹- ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳- ۲۰۰۵
۲۰۰۶- ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰- ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸
۲۰۲۰- ۲۰۲۱- ۲۰۳۰- ۲۰۳۶- ۲۰۵۵
۲۰۵۷- ۲۰۹۲- ۲۰۹۴- ۲۱۰۲- ۲۱۰۸
۲۱۳۶
اومن اول: ۲۰۷۲- ۲۰۸۷- ۲۱۲۴- ۲۱۲۵
۲۱۴۹- ۲۱۶۶
اومن دوم: ۲۱۴۹- ۲۱۶۹
اومنه‌زس. ۲۴۴۲
اومنس، ۱۸۸۳
اومیدیوس: ۲۴۳۳ تا ۲۴۳۵
اون‌تاشگال: ۱۳۵
اون‌توس: ۷۶۸
اون‌گناد: ۶۴
اون‌والا: ۲۶۹۳
اونوماستريد: ۱۳۲۲
اوهمر: ۸۷
اوی‌توس، ۲۰۱۹
اوید: ۲۳۳۱
اویوس: ۱۹۰۴
اهورمزدا: ۵۳۳- ۵۳۴- ۵۳۹- ۵۴۰- ۵۴۲ تا
۵۴۸- ۵۷۰- ۵۷۱- ۱۴۵۱- ۱۴۵۲- ۱۴۵۳
۱۴۶۱- ۱۵۱۵- ۱۵۲۱ تا ۱۵۲۹- ۱۵۵۱
۱۵۶۹- ۱۵۷۱ تا ۱۵۷۷- ۱۵۸۴- ۱۵۸۵
۱۵۹۲- ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۰- ۱۶۰۲- ۱۶۰۴ تا
۱۶۰۷- ۱۶۰۹ تا ۱۶۱۴
ای‌بارس: ۵۲۸- ۵۲۹- ۱۶۲۵
ای‌تام‌نس: ۹۴۰
ای‌تامیترس (ایثامتر): ۷۳۳- ۷۶۷- ۱۶۲۷
۱۶۲۸
ای‌تانس: ۱۸۸۵
ایت‌تی‌مردوك‌بالاتو: ۵۵۳
ایخ‌تو‌ویکو: ۲۰۰- ۲۰۳- ۲۶۴
ایدان‌تیرس: ۶۰۳- ۶۰۵
ای‌درنس (ایدارنس): ۵۳۱- ۵۳۵- ۹۶۱
۱۳۴۶
ایدریه: ۱۱۸۵
ایرانشهربن‌بلاش: ۲۵۶۱- ۲۵۶۵
ای‌رن: ۲۱۵۷
ایریس: ۲۰۹۴
ایزد: ۲۴۱۲
ایزوکرات: ۹۴۱- ۱۱۳۲- ۲۱۲۷
ایزولسکی: ۲۸م- ۱۱۶م
ایزیدور خاراکسی: ۹۳- ۱۴۸۹- ۱۵۶۸
۲۱۷۵- ۲۱۷۸- ۲۲۱۷- ۲۲۱۸- ۲۲۶۷
۲۳۷۸- ۲۶۴۵- ۲۶۵۴- ۲۷۰۱
ایزیس: ۸۴- ۸۵- ۵۱۱- ۱۵۲۱

ایستار: (ایشتار)
ایستر: ۱۶۴۹
ایس‌منیاس: ۱۱۲۰
ایشتار: ۱۱۹ ـ ۱۳۹ ـ ۱۹۳ ـ ۴۴۲ ـ ۱۵۲۹
ایفیکیرات: ۱۱۱۷ ـ ۱۱۳۴ تا ۱۱۳۷ ـ ۱۲۰۳
ایکسابات: ۴۸۲ ـ ۵۳۰
ایگ‌ناتیوس: ۲۳۱۶
ایلاووس: ۲۵۵۱ ـ ۲۵۵۲ ـ ۲۵۷۲
ایلامایلو: ۱۲۴
ایلیاء: ۲۵۵۱
ایلیونه: ۱۳۲۲
ای‌مانس: ۵۴۰
ایناروس: ۴۹۱ ـ ۹۳۰ تا ۹۳۴
ای‌ناك: ۶۶۰
ینالیوس: (مارس)
اینتاریوش. ۹۲۸ و رجوع به‌داریوش شود
اینتافرن: ۵۲۱ ـ ۵۲۴ ـ ۵۳۴ ـ ۵۳۵
این‌دات: ۲۲۳۸
ایندبغاش: ۱۳۸
ایندر: ۳۹ ـ ۱۵۹ ـ ۱۵۲۹
ای‌نو ۷۷۶
ای‌باز: ۵۹۳

ب

باب: ۲۵۹۴ ـ ۲۵۹۸ ـ ۲۶۲۱ ـ ۲۶۳۷
بابك: (پاپك)
بابین: ۱۶۰۱
بات‌تا: ۵۶۴ ـ ۵۶۵
باتیس: (به‌تیس)
باخ: ۵۳م
بارتاتوی: ۱۷۳ ـ ۱۸۳
بارت‌لمی: ۴۹
بارتولومه: ۱۵۷۰ ـ ۱۵۷۱ ـ ۲۶۷۳
باردسن: ۹۶ ـ ۲۱۸۱ ـ ۲۱۸۲ ـ ۲۵۸۷ ـ ۲۵۹۰ ـ ۲۶۹۰
بارکلای‌هد: ۱۵۰۰ ـ ۱۵۰۴ ـ ۱۵۱۰ ـ ۱۵۱۴ ـ ۱۵۱۸
بارون دوبد: ۲۶۹۴ ـ ۲۷۰۶
بارپاکس: ۱۸۷۰
باریسس: ۵۳۱
بازه: ۷۳۷ ـ ۱۱۰۴
باسوس: ۲۳۳۹ ـ ۲۳۵۲
باش‌شوشیناك (باش‌این‌شوش‌ناك): ۳۶ ـ ۱۳۲
باقرخان: ۴۷م
باکاسیس: ۲۲۲۵
باکرو: (پاکر)
باکوس: ۴۶۹ ـ ۸۲۵ ـ ۱۲۳۶ ـ ۱۴۲۴ ـ ۱۷۳۳ ـ ۱۷۳۴ ـ ۱۷۴۱ ـ ۱۷۴۳ ـ ۱۷۶۲ ـ ۱۷۷۶ تا ۱۷۷۸ ـ ۱۷۸۰ ـ ۱۸۰۲ ـ ۱۸۱۵ ـ ۱۸۲۱ ـ ۱۸۲۹ ـ ۱۸۳۸ ـ ۱۸۴۳ ـ ۱۸۵۰ ـ ۱۸۶۶ ـ ۱۸۶۸ تا ۱۸۸۹ ـ ۱۹۲۱ ـ ۱۹۲۲ ـ ۲۳۲۶ ـ ۲۳۲۷
باگایا: ۵۵۹
باگ‌داراس: ۱۶۹۱
باگه: (بازه)
باگواس: ۱۱۷۴ ـ ۱۱۷۶ ـ ۱۱۷۷ ـ ۱۱۷۹ ـ ۱۱۸۱ تا ۱۱۸۴ ـ ۱۱۸۷ ـ ۱۱۸۹ ـ ۱۲۳۹ ـ ۱۳۲۴ ـ ۱۳۲۵ ـ ۱۴۶۶ ـ ۱۵۴۷ ـ ۱۵۶۵ ـ ۱۶۳۹ ـ ۱۶۴۲ ـ ۱۶۴۷ ـ ۱۸۶۷ ـ ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۵
بالاکروس: ۱۳۴۶ ـ ۱۷۱۶ ـ ۱۷۷۵ ـ ۱۹۸۳
بالتازار: ۳۸۲ ـ ۳۸۵ ـ ۳۹۱ ـ ۳۹۵ ـ ۳۹۶ ـ ۳۹۷ ـ ۴۷۶
بالشزر: (بالتازار)
بال‌لونیموس: ۱۳۲۸

بت‌تا : ۴۷ - ۱۵۶۰
بحتری : ۲۵۵۹
بخت‌النصر : ۵۵- ۱۲۵ - ۱۸۷ - ۳۷۸ - ۳۸۲ - ۳۸۴ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۸ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۴۶ - ۴۷۶ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۷ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۶۸۸ - ۱۰۴۶ - ۱۴۵۶ - ۱۵۰۹ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۸۸ ۲۴۷۳
بخت‌النصر دوم : ۱۹۱ تا ۱۹۴ - ۱۹۸ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۲۶۸ - ۲۴۰۸
بدر (نصیرالدوله) : ۱۲۸م
بدرس : ۷۳۶
بدیع‌الزمان فروزانفر : ۱۲۶م
بر : ۶۹
برازاس (برازانت) ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲
بردان : (اشك نوزدهم)
بردان پسر بلاش : ۲۴۳۴ - ۲۴۳۶
بردپلیس : ۱۲۲۹
بردیا : ۲۱۹ - ۴۶۵ - ۴۸۰ - ۴۸۳ - ۴۸۹- ۴۹۹- ۵۱۶ تا ۵۲۰- ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۲ تا ۵۳۵ - ۵۳۸ - ۵۴۶ - ۵۵۴ - ۷۳۸ - ۹۰۸ - ۱۴۵۷- ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۸۹ ۱۵۰۱ - ۱۵۶۹-۱۵۷۲ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۶ ۱۵۷۷- ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶- ۲۱۲۳ - ۲۱۲۹ ۲۱۳۱ و رجوع به‌سمردیس شود.
برز : (فیروز)
برز :(برس)
برزانت : ۱۶۵۴
برزن : ۱۷۲۰
برزن تس : ۱۶۵۶
برزیا : (بردیا)
برس: ۷۶- ۱۷۵ - ۱۸۶- ۱۸۷ - ۱۸۹ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۴۵۴- ۴۷۰ - ۲۰۷۰- ۲۲۵۶ - ۲۶۰۳- ۲۶۰۴
برسان‌تس : ۱۷۸۵
برستید : ۱۶۲۰
برسائت : ۱۳۷۹
برسیمیوس : ۲۵۰۵
برسین : ۱۳۲۰ - ۱۸۸۳ - ۱۹۵۴- ۱۹۵۶ - ۱۹۶۰ - ۲۰۴۴- ۲۰۴۵ - ۲۱۰۸
برقوق : ۱۰۶
برکلی : ۸۳۷
برگ : ۳۶
برن‌نوش (برن‌نیوس): ۹۸۵ - ۲۰۶۷
برنیس : ۲۰۷۳- ۲۰۷۴ - ۲۱۵۴
برنیس دوم : ۲۱۷۰
برنیس‌سوم : (بطلمیوس دوازدهم)
برنیس چهارم : ۲۱۵۸ - ۲۱۷۰
بروتوس : ۲۳۴۰ - ۲۳۴۲
بروجردی (حسین): ۲۰م
بروسا : (پروزیاد)
بروك‌هائوز : ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸
بروکوبولوس : ۱۴۴۲
برون (ادوارد) : ۴م - ۷م - ۹م - ۱۰م- ۴۱م ۴۲م
بره : ۷۷۳ - ۷۷۴
بریستن : ۵۷۹ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۹۶
بزثا:۸۹۸
بساگس : ۷۳۶
بسوس: ۱۴۰م-۱۴۱م- ۱۳۶۹- ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۴ تا ۱۴۴۳ - ۱۴۴۵ - ۱۴۴۷ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۸ تا ۱۶۴۰ - ۱۶۴۲ - ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۶ - ۱۶۸۵- ۱۶۹۰تا۱۶۹۴ - ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۹ ۱۷۰۳ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ - ۱۷۷۶
بشام: ۵۱
بش‌تسب : (ویشتاسب)
بشلام : ۹۴۷

بطلمیوس سردار اسکندر : ۷۴ - ۷۷ - ۸۲ - ۷۴۳ - ۱۱۸۶ - ۱۱۹۳ - ۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۵ - ۱۳۰۷ - ۱۳۱۲ - ۱۳۵۴ - ۱۳۹۲ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۵ - ۱۶۰۸ - ۱۶۴۹ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۶ - ۱۶۹۶ - ۱۶۹۷ - ۱۶۹۹ - ۱۷۰۵ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۸ - ۱۷۵۷ - ۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۸۷ - ۱۷۹۴ - ۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ - ۱۸۰۱ - ۱۸۱۰ - ۱۸۲۰ - ۱۸۲۲ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۷ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۴۰ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ - ۱۸۵۷ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۷ - ۱۸۸۳ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۵ - ۱۹۱۷ - ۱۹۱۹ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۹ - ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۷ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ - ۲۰۱۸ - ۱۰۱۹ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۹ تا ۲۰۳۸ - ۲۰۴۳ تا ۲۰۴۸ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۹ تا ۲۰۶۱ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۶ - ۲۰۹۸ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۸ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۶ - ۲۲۱۷ - ۲۶۰۴

بطلمیوس دوم (فیلادلف) : ۱۹۱۶ - ۲۰۶۲ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۴ - ۲۱۳۴ - ۲۱۵۳ - ۲۱۶۶ - ۲۲۰۳ - ۲۶۰۳

بطلمیوس سوم (اورگت): ۴۳ - ۱۰۹ - ۲۰۷۴ - ۲۰۷۹ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۸ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴

بطلمیوس چهارم (فیلوپاتر) : ۲۰۸۲ - ۲۰۹۹ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۸

بطلمیوس پنجم (اپی‌فان): ۴۲ - ۴۳ - ۲۰۸۲ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۸ - ۲۲۲۱

بطلمیوس ششم (فیلومتر) : ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶ - ۲۱۶۸

بطلمیوس هفتم : ۲۱۵۶ - ۲۱۶۸

بطلمیوس هشتم (لاتیرا) : ۲۱۵۷ - ۲۱۵۸ - ۲۱۶۸ - ۲۲۴۱

بطلمیوس نهم (اسکندر) : ۲۱۵۷ - ۲۱۵۸

بطلمیوس دهم (اسکندر)، ۲۱۵۸ - ۲۱۷۰

بطلمیوس یازدهم ، ۲۱۷۰

بطلمیوس دوازدهم ، ۲۱۵۸

بطلمیوس سیزدهم (اولت) : ۲۱۵۸ - ۲۱۷۰ - ۲۲۹۱

بطلمیوس آپی‌ین : ۲۱۵۷

بطلمیوس کرائونوس: ۲۰۶۲ - ۲۰۶۳ - ۲۱۳۳ - ۲۱۶۲ - ۲۱۶۶

بطلمیوس کلودیوس : ۵۷۸ - ۶۱۵ - ۶۱۵ - ۱۱۶۴ - ۲۰۶۵ - ۲۱۷۷ - ۲۱۸۸ - ۲۴۵۸

بعل : ۴۴۲ - ۱۵۳۱

بغابوخش : ۶۹۹ - ۹۰۹ - ۹۳۱ - ۹۳۳ تا ۹۳۶ - ۱۱۹۲ - ۲۳۳۳ و رجوع به‌مگابیز شود

بغابیغ ن: ۵۳۴

بغاپایوس : ۹۵۲ - ۱۶۲۷

بغ‌پت : ۴۸۲ - ۵۳۰ - ۵۳۱

بغتان : ۸۹۹ - ۹۰۱

بغدات ، ۲۶۲۶

بغ‌راز : ۹۵۴ - ۲۶۲۷

بغ‌فن : ۱۳۹۶ - ۱۳۹۸

بغ‌کرت (ایزد): ۲۶۲۶

بغ‌کرت اول ، ۲۶۲۷

بغ‌کرت دوم : ۲۶۲۷

بقراط : ۵۷۸ - ۵۹۰ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۹۴۴ - ۹۴۵

بك : ۷۵

بك‌در : ۱۰۹

بکشا : ۸۹۸

بل : ۱۱۴ - ۱۲۵ - ۳۸۱ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۵۵۱ - ۵۵۲

بلاذری : ۱۰۱ ـ ۱۰۲
بلاس : (بلاش)
بلاش اول : (اشك بیست و دوم)
بلاش دوم : (اشك بیست و پنجم)
بلاش سوم : (اشك بیست و ششم)
بلاش چهارم : (اشك بیست هفتم)
بلاش پنجم : (اشك بیست و هشتم)
بلاش بن بهرام ، ۲۵۷۶ ـ ۲۵۷۹ ـ ۲۵۸۰
بلاش‌بن خسرو : ۲۵۶۶ ـ ۲۵۶۸ و رجوع به بلاش پنجم شود .
بلاش فاتح (فیروز) : ۲۵۷۷- ۲۵۷۹ ـ ۲۵۸۰
بلاش بن هرمز : ۲۵۷۸
بلاش ارمنی : ۲۵۸۹ ـ ۲۵۹۰ ـ ۲۵۹۸
بلاقس سلقبیس : ۲۵۶۹
بلتشصر : (بالتازار)
بلزیس : ۲۰۹ تا ۲۱۲ ـ ۱۰۰۷ ـ ۱۱۶۸
بل‌شیمانی : ۶۹۹
بلوریس : ۱۱۲۰
بلوس : ۷۳۰
بلون : ۱۶۶۹
بلی‌زار : ۲۶۱۴
بم : ۲۲۵۱
بنت : ۵۰
بنیامین : ۸۹۹ ـ ۹۴۷ ـ ۱۵۵۵
بوارس : ۶۲۴ـ ۷۱۴ ـ ۸۳۱ ـ ۸۴۹ ـ ۱۶۲۷
بوباس: ۱۴۳۷ ـ ۱۴۴۰
بوباسس : ۱۳۱۰
بوپار : ۱۳۸۰
بودا : ۶۲۹
بورنف : ۴۶
بوروس : ۲۴۳۱
بوسالس‌سر : ۱۸۷
بوشه‌لکلرك: ۲۰۵۸ ـ ۲۹۵۹ ـ ۲۹۶۵ ـ ۲۰۶۹ ـ ۲۰۷۲ ـ ۲۰۸۲ ـ ۲۰۸۳ ـ ۲۱۳۱ ـ ۲۶۲۳
بوکسوس : ۱۸۳۰ ـ ۱۸۳۱
بوگس : ۷۴۷
بولیس : ۷۵۴
بون‌زن : ۱۰۹
بهاءالسلطان : ۶۴م
بهار (ملك‌الشعراء): ۲۲م ـ ۲۴م ـ ۳۷ ـ ۵۷م ـ ۶۰م ـ ۶۲م ـ ۶۵م ـ ۷۷م ـ ۷۹م ـ ۸۴م ـ ۹۰م ـ ۹۶م ـ ۹۷م ـ ۱۰۶م
بهافرید : ۲۵۴۸ ـ ۲۵۴۹
بهبهانی (سیدمحمد): ۱۰م ـ ۲۲م ـ ۱۰۴م
به‌تیس : ۱۳۴۷ ـ ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ ـ ۱۳۷۶ ـ ۱۴۱۹
بهرام اشکانی : ۲۵۴۱ـ۲۵۷۲ـ ۲۵۷۶ ـ ۲۵۷۸ تا ۲۵۸۰
بهرام‌بهرام : ۲۲۸
بهرام‌بن شاپور: ۲۲۸ـ ۲۵۵۳ـ ۲۵۵۴ ـ ۲۵۵۶
بهرام‌بن هرمز: ۲۲۸ ـ ۲۵۵۳ ـ ۲۵۵۶
بهرام چهارم ، ۲۶۳۷
بهرام‌گور : ۲۵۳۱
به‌له‌زیس (بلزیس)
به‌له‌فان‌تس : ۱۹۱۰
بهمن : ۹۰۷ و رجوع بـه اردشیر دراز دست شود
بیات (شیخ‌العراقین) : ۹۲م ـ ۱۰۰م
بی‌پولوس : ۲۳۳۶
بی‌تن : ۲۷۰
بی‌توویتوس ، ۲۱۴۷
بیرونی (ابوریحان) : ۱۰۴ ـ ۲۳۲ ـ ۴۷۸ ـ ۴۷۹ ـ ۵۳۷ ـ ۶۹۸ ـ ۹۰۵ ـ ۹۰۷ ـ ۹۰۸ ـ ۹۵۳ ـ ۹۵۴ـ ۹۵۶ ـ ۹۶۳ـ ۹۶۴ ـ ۹۹۱ ـ ۱۱۳۲ ـ ۱۱۳۳ـ ۱۱۴۱ ـ ۱۱۶۴ ـ ۱۱۸۶ ـ ۱۱۸۸ ـ ۱۲۱۲ ـ ۲۵۵۳ـ ۲۵۵۶ـ ۲۶۷۸
بیزن : (بیژن)

بیژن الاشغانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۶ - ۳۵۴۸ - ۲۵۴۹ - ۲۵۵۲-۲۵۵۴ - ۲۵۵۵ - ۲۵۶۷ - ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۷ - ۲۵۷۸ - ۲۵۸۰ - ۲۵۸۱
بیستانس : ۱۱۸۴ - ۱۴۳۰ - ۱۶۲۹
بی‌کن : ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱
بی‌لی زار : ۹۰ - ۲۶۲۲
بیهقی (ابوالفضل) : ۱۰۲ م -۱۰۸م

پ

پاپ : (باب)
پاپای : ۵۸۷
پاپیوس : ۹۸
پاپگ ۲۵۲۹ - تا ۳۵۳۱ - ۲۵۴۱ - ۲۵۶۵
پاتاگیاس : ۱۰۱۴
پاتروکل : ۱۲۴۶ - ۱۷۵۵ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳ - ۲۰۶۰-۲۰۶۵
پاترون : ۱۴۳۶ تا ۱۴۳۹
پاتی رام فس : ۷۲۲
پاتی زیتس : ۵۱۶ تا ۵۱۸ - تا ۵۲۱
پاثیوس : ۹۰۳
پاخس : ۹۴۰
پارا : (باب)
پارتادزن : (باردسن)
پارتامازیریس : ۲۴۶۸ - ۲۴۷۲ - ۲۴۷۵ - ۲۴۷۶ - ۲۴۷۷ - ۲۶۲۰
پارتی کوس : (ترازان)
پارتی کوس : (کاسیوس)
پارثامازیریس : (پارتامازیریس)
پارثاماسپات : ۲۴۸۵ تا ۲۴۸۷
پارراکس : ۲۴۲۱
پارساس : ۱۹۶۴
پارسد : ۲۱۲
پارمن یون: ۱۱۸۷ - ۱۲۰۶ - ۱۲۱۱ - ۱۲۱۷ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۶ - ۱۲۳۸ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۵ - ۱۲۴۷ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۶ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۷ - ۱۲۸۷ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۷ - ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ - ۱۳۴۵ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۷۷ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۴۱۳ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۴۸ - ۱۶۵۷ - ۱۶۵۹ - ۱۶۶۰ تا ۱۶۶۳ - ۱۶۶۸ - ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۵ - ۱۶۷۷ - ۱۶۷۹ - ۱۶۸۰ تا ۱۶۸۲ - ۱۶۸۶ - ۱۷۲۷ - ۱۷۳۲ - ۱۷۳۳ - ۱۸۴۰ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۵ - ۱۹۱۵ - ۱۹۴۷
پارمیس : ۵۲۹ - ۷۳۶ - ۱۶۲۵ - ۱۶۳۶
پارمی سس : ۹۵۹
پاروساتس : (پروشات)
پارون : ۱۳۹۵
پاروی را : ۲۲۶۸
پاساکس : ۱۶۲۶
پاسیون : ۹۹۷ - ۱۰۰۶
پاکارد (شمپه) : ۲۵۸۶
پاکارد : ۲۵۹۶ - ۲۵۹۷
پاکتیاس : ۲۹۱ تا ۲۹۳
پاکر (پسرارد) : ۱۴۲م - ۲۳۲۵ - ۲۳۳۴ تا ۲۳۳۶ - ۲۳۴۲ تا ۲۳۴۹ - ۲۳۵۱
پاکر (افقور) : ۲۵۴۸ تا ۲۵۵۰ - ۲۵۵۵ - ۲۵۵۷ تا ۲۵۵۹ - ۲۵۶۵ - ۲۵۸۲ - ۲۶۲۳ - ۲۶۶۶
پاکر پسرومن دوم : ۲۴۲۵ - ۲۴۴۲ - ۲۴۵۱
پاکراول : ۲۵۵۸
پاکر دوم : (اشك بیست وسوم)
پاکر آردزوری : ۲۶۳۷
پاکر آذربایجان : ۲۴۶۰ - ۲۴۶۲

پاکر خسرون : ۲۶۳۰
پاکراد : ۲۵۸۶
پاکرس : ۲۶۲۰
پاکور : ۲۶۲۷ ـ ۲۶۳۱
پاگراد پاگارتید : ۲۶۱۶
پـالاس : ۷۵۷ ـ ۷۵۸ ـ ۱۷۶۶ ـ ۲۶۷۹ ـ
۲۶۹۰ و رجوع به آتنه شود .
پالفاتس : ۲۶۰۹
پام من : ۱۱۶۷
پانته : ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷
پانته‌آ : ۳۲۷ ـ ۳۴۳ ـ ۳۴۴ ـ ۳۵۲ تا ۳۵۴
۳۶۷ ـ ۳۶۸
پان چاوو : ۲۶۹۸
پانداتس : ۱۱۴۳
پاندر : ۱۵۱۶
پان ژه : ۷۴۹
پانکاستا : ۱۲۶۳
پای زو : ۳۷
پتا : ۲۵
پترونیوس : ۲۳۲۰ تا ۲۳۲۳
پ تن : ۱۲۴۸ ـ ۱۲۵۵
پتوس : (سزنیوس)
پتوکرت : ۲۶۲۷
پتوگرازاول پارسی : ۲۶۲۷
پتی سکاس : ۲۴۱
پرات دام : ۹۴۲
پراشك : ۶۲ ـ ۲۲۳ ـ ۲۲۷ ـ ۳۸۹
پراکسس : ۱۶۸۶
پرانیکوس : ۱۷۲۷
پرتی ناکس : ۲۵۰۴
پردیکاس : ۶۲۴ ـ ۱۱۹۱ تا ۱۱۹۳ ـ ۱۲۰۹
۱۲۳۲ ـ ۱۲۴۴ ـ ۱۳۰۷ ـ ۱۳۳۵ ـ
۱۲۸۷ ـ ۱۳۹۲ ـ ۱۶۶۰ ـ ۱۶۷۲ ـ
۱۷۰۵ ـ ۱۷۲۳ ـ ۱۷۳۳ ـ ۱۷۶۶ ـ
۱۷۸۶ ـ ۱۷۸۷ ـ ۱۷۹۴ ـ ۱۸۲۲ ـ ۱۸۲۳
۱۸۲۵ ـ ۱۸۳۳ ـ ۱۸۶۹ ـ ۱۸۸۳ ـ
۱۹۰۲ ـ ۱۹۰۵ ـ ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۹ ـ
۱۹۳۴ ـ ۱۹۳۵ ـ ۱۹۳۹ ـ ۱۹۵۴ تا
۱۹۶۸ ـ ۱۹۷۰ ـ ۱۹۷۱ ـ ۱۹۷۴ ـ
۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ ـ ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷ ـ
۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۶ ـ ۲۰۰۷ ـ ۲۰۳۶ ـ ۲۰۵۴
۲۰۶۸ ـ ۲۰۶۹ ـ ۲۰۹۴ ـ ۲۱۲۳
تا ۲۱۲۵
پرسس : ۲۴۵ ـ ۷۳۰ ـ ۷۶۰
پرسه : ۲۴۵ ـ ۷۳۰ ـ ۷۶۰ ـ ۷۸۱ ـ ۱۲۹۷
۱۳۵۳ ـ ۲۱۶۳ ـ ۲۱۶۸
پرشیل : ۱۳۱ ـ ۱۶۰۴ ـ ۱۶۰۹
پـرکساسپس : ۴۸۱ ـ ۴۸۴ ـ ۴۹۹ ـ ۵۰۰ ـ
۵۱۷ تا ۵۱۹ ـ ۵۲۲ ـ ۷۴۱
پرکلس : ۱۰۳۸
پرنی (آدولف) : ۳۲م
پرو : ۶۳ ـ ۲۲۱ ـ ۹۹۳ ـ ۱۰۱۳ ـ ۱۴۰۶
۱۴۵۴ ـ ۱۵۱۳ ـ ۱۵۵۹ ـ ۱۵۶۰ ـ ۱۶۱۶
پروبوس : ۲۶۰۷
پروتارك : ۲۲۴۱
پروتاگراس : ۱۱۷۲
پروت زیلاس (پروت‌سیلاس) ۸۷۰ ـ ۱۲۴۶ ـ
۱۹۴۸
پروتیت : ۱۲۳۰
پروت ثی‌بوس : ۱۷۳
پروز : (فیروز)
پروزیاس اول : ۲۱۵۱ ـ ۲۱۶۸
پرزیاس دوم : ۲۱۵۱ ـ ۲۱۶۸
پروس اول : ۱۷۸۳ ـ ۱۷۸۵ ـ تا ۱۸۰۳ ـ
۱۸۰۵ ـ ۱۸۱۰ ـ ۱۸۱۱ ـ ۱۸۲۰ ـ ۱۹۴۴
۱۹۶۸ ـ ۲۰۵۴ ـ ۲۰۵۷ ـ ۲۲۳۲
پروس دوم : ۱۷۹۹

پروساتس ؛ (پروشات)

پروسیاس ؛ (پروزیاس)

پروشات : ۷۳ - ۹۵۲ - ۹۵۷ - ۹۵۹ تا ۹۶۲ - ۹۸۲ - ۹۸۹ تا ۹۹۲ - ۹۹۴ - ۹۹۶ تا ۹۹۸ - ۱۰۰۷ - ۱۰۳۳ تا ۱۰۳۷ - ۱۰۴۸ - ۱۰۵۴ - ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۸ - ۱۱۰۵ - ۱۱۱۴ - ۱۱۵۴ - ۱۴۶۴

پروشاتو دختر اردشیر سوم : ۱۱۸۴ - ۱۶۲۷ تا ۱۶۳۰ - ۱۸۸۳

پروکسن : ۹۹۷ - ۱۰۱۴ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۶ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۸ تا ۱۰۶۰

پروکسنوس : ۱۷۶۵

پروکوپ (پروکوپیوس) ۹۰ - ۹۱ - ۱۶۸۸ - ۱۶۸۹ - ۱۷۷۸ - ۱۸۷۹ - ۲۱۷۶ - ۲۵۳۳ - ۲۶۲۹ - ۲۶۷۴

پرومته : ۱۵۱۶

پری یام ؛ ۱۲۴۶

پریداس : ۱۷۰۲ - ۱۷۲۲

پریدو : ۱۱۳۵ - ۱۱۸۳

پریزاد ؛ (پروشات)

پریکلس : ۹۲۴ تا ۹۲۶ - ۹۴۱ - ۱۱۹۲ - ۱۶۰۰ - ۱۶۴۵

پری لائوس : ۲۰۳۳

پریلاس : ۸۶۸

پسامتیك : ۱۸۲ - ۴۸۸ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۵۰۳ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۷۱ - ۶۸۲ - ۹۳۰ - ۹۶۳ - ۱۱۴۱

پسام من: ۱۳۵۶

پسس تاس : ۱۸۲۹ - ۱۸۳۸

پسیت تالی : ۸۱۰ - ۸۱۶

پسیدونیوس : ۸۶۰ - ۲۰۹۱ - ۲۱۷۸ - ۲۲۰۵ - ۲۲۰۶ - ۲۲۳۳ - ۲۶۴۹ - ۲۶۵۹

پسیل توسیس : ۱۸۴۸

پسینیوس نیگر ؛ ۲۱۷۶ - ۲۵۰۴ تا ۲۵۰۷ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۱

پطروس : ۵۵

پك سودار ؛ ۱۲۶۸

پ ل ؛ ۷۷۴

پل امیل ؛ ۲۱۶۳

پلان سینا ؛ ۲۳۹۷

پل بت تا : ۵۲

پل لوکس ؛ ۱۷۲۷ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۱

پلوپیداس : ۱۱۲۰ - ۱۱۴۹

پلوتارك ؛ ۶۹ - ۷۱ - ۷۳ - ۷۴ - ۸۴ - ۸۵ - ۶۷۴ تا ۶۷۶ - ۶۸۵ - ۶۹۵ - ۶۹۷ - ۷۴۹ - ۸۲۴ تا ۷۲۶ - ۸۵۸ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۴ - ۸۹۷ - ۹۰۶ تا ۹۰۸ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۳ تا ۹۱۶ - ۹۱۸ تا ۹۲۲ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۶ - ۹۹۰ تا ۹۹۴ - ۹۹۶ تا ۹۹۹ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۵ - ۱۰۱۶ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۴ - ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۶ - ۱۰۵۳ تا ۱۰۵۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۸ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۲ - ۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۸ - ۱۱۸۶ - ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۱ - ۱۲۱۳ - ۱۲۱۷ - ۱۲۱۹ - ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ - ۱۲۲۷ - ۱۲۳۳ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۴ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۷ - ۱۲۸۴ - ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۲ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۶ - ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۳ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۷ -

۱۳۷۸-۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴
۱۳۹۹ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ -
۱۴۲۰ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸
۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۶۶ - ۱۴۷۶ - ۱۴۸۸
۱۴۸۹ - ۱۵۰۲ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ -
۱۵۲۱ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۷ -
۱۵۲۸ - ۱۵۳۱ - ۱۵۴۲ - ۱۶۰۰ -
۱۶۳۵ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۲ - ۱۶۷۴
۱۶۷۵ - ۱۶۸۱ - ۱۶۹۵ - ۱۷۲۷ - ۱۷۲۹ -
۱۷۳۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۵۵ - ۱۷۶۴
۱۷۶۵ - ۱۷۶۶ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۴ -
۱۷۹۲ - ۱۷۹۳ - ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ - ۱۸۲۹
۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ - ۱۸۴۵ -
۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۶۱ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷ -
۱۸۷۲ - ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳
۱۹۰۲ - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶
۱۹۳۰ - ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ -
۱۹۳۵ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۹ - ۱۹۹۵
۲۰۱۸ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۷ - ۲۰۶۱ -
۲۰۹۴ - ۲۱۳۲ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۶
۲۲۱۴ - ۲۲۷۴ - ۲۲۷۵ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۸
۲۲۷۹ - ۲۲۸۵ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۲۸۸ -
۲۲۸۹ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۴ -
۲۲۹۶ - ۲۲۹۸ - ۲۲۹۹ تا ۲۳۰۱ -
۲۳۰۴ - ۲۳۰۶ - ۲۳۱۰ - ۲۳۱۵ -
۲۳۲۲ تا ۲۳۳۱ - ۲۳۳۳ - ۲۳۳۸ - ۲۳۴۴
۲۳۴۵ - ۲۳۴۷ - ۲۳۴۸ - ۲۳۴۹ -
۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۵۴ - ۲۳۶۲ تا -
۲۳۶۵ - ۲۳۶۹ تا ۲۳۷۵ - ۲۳۷۷ - ۲۳۷۹
۲۵۰۶ - ۲۶۳۱ - ۲۶۶۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۶۴
۲۶۶۷ - ۲۶۶۸ - ۲۶۷۰ - ۲۶۷۱ -
۲۶۸۶ - ۲۶۹۳ - ۲۶۹۶

پلوتون : ۷۴۹ - ۱۵۲۲ - ۱۹۳۱

پلین : ۹۱ - ۹۳ - ۱۵۰ - ۵۰۶ - ۵۹۰ - ۷۴۰
۱۰۷۶ - ۱۴۵۶ - ۱۵۱۶ - ۱۵۵۸ - ۱۶۰۸
۱۹۰۸ - ۲۰۶۶ - ۲۱۱۳ - ۲۲۰۷ - ۲۲۰۸
۲۴۵۸ - ۲۴۶۶ - ۲۶۲۸ - ۲۶۴۴ - ۲۶۵۵
۲۶۸۷ - ۲۶۹۷ - ۲۶۹۸

پی‌تاگراس : ۱۳۳۷

پوبلیوس کلودیوس : ۲۱۳۴ - ۲۳۳۲ -
۲۳۳۸

پوبلیوس ون تی دیوس : ۲۳۴۴

پوپ (ارتر) : ۱۶۲۰

پوتامون : ۱۷۹۳

پورتی کان : ۱۸۴۲

پورفیر : ۱۵۱۶ - ۲۲۳۸ - ۲۶۰۹

پوروس : (پروس)

پوزانیاس مورخ : ۷۹۰ - ۸۵۰ - ۸۵۲ -
۸۵۴ تا ۸۵۷ - ۸۵۹ - ۸۶۱ - ۸۶۴ -
۸۸۰ - ۸۹۴ تا ۸۹۶ - ۹۱۲ - ۹۱۳ -
۱۱۹۴ - ۱۲۳۶ - ۱۲۶۱ - ۱۶۲۷ -
۱۶۷۶ - ۲۰۴۴ - ۲۰۵۰ - ۲۱۵۲ -
۲۱۷۸

پوزانیاس پسر کل ام برست : ۸۳۸ - ۸۴۲ -
۸۴۹

پوزانیاس قاتل فیلیپ: ۱۲۰۸ - ۱۲۰۹ - ۱۲۱۱

پوزیپ پوس : ۱۳۲۲

پوسیدونیوس : (پسیدونیوس)

پوسیریس : ۴۹۱ - ۹۳۳ - ۹۶۲ - ۹۶۴ -
۱۱۳۱

پوک لائوس : ۱۶۶۱ - ۱۷۱۸

پولی ارسی تس : ۲۰۶۱ و رجوع به دمتریوس
شود

پولمو : ۲۴۳۶

پولمون : ۱۳۵۷ - ۱۶۷۷ - ۱۶۸۲ - ۲۰۰۸ -
۲۳۵۶ - ۲۳۹۶

پولی آرک : ۲۰۳۷

پولیب (پولی بیوس) : ۱۴۲م - ۷۶ - ۷۷ - ۹۱
۹۳ - ۱۱۲- ۲۲۱ -۶۱۷- ۱۵۰۵ - ۱۵۵۶
۱۶۳۶-۲۰۷۸ -۲۰۷۹ - ۲۰۸۱ - ۲۰۸۲
۲۰۹۱ - ۲۱۱۳ - ۲۱۳۶ - ۲۲۰۴-۲۲۰۵
۲۲۰۸ - ۲۲۰۹تا ۲۲۱۳ - ۲۲۲۱-۲۲۲۲
۲۳۶۳
پولی برکن: (پولیس‌پرخون)
پولی داماس : ۱۶۷۹ تا۱۶۸۲ - ۱۸۹۸
پولیس‌آرگسی : ۹۴۲
پولیس ترات : ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ - ۱۴۴۶
پولیس‌پرخون: ۱۳۸۴ - ۱۳۸۷ - ۱۴۱۶-۱۷۲۳
۱۷۴۳ - ۱۷۵۷ -۱۷۸۶ - ۱۸۸۲-۱۸۹۹
۱۹۹۷ - ۲۰۰۰تا ۲۰۰۴ -۲۰۱۳-۲۰۲۳
۲۰۲۴ - ۲۰۲۷ - ۲۰۴۵
پولیکسترو : ۲۹۴
پولیکرات: ۵۵۶ تا۵۵۸-۶۲۷ - ۶۲۸-۱۰۸۱
۲۶۰۵
پولی کریت :۸۱۵ - ۱۱۱۲ - ۱۶۴۹
پولیکلت : ۱۲۲۱ - ۱۵۴۶ - ۲۰۳۳
پولیماخوس :۱۸۷۲
پولی‌ین : ۵۶۶ - ۹۹۱ - ۱۱۰۵ - ۱۱۶۴ -
۱۳۷۹ - ۱۴۱۸-۲۱۷۹
پوماکسارث : ۲۳۲۲ - ۲۳۲۶ - ۲۳۲۷
پوم پلی : ۳۳ - ۵۵ - ۵۷
پومپه : ۱۴۵۶ - ۲۰۹۰ - ۲۱۲۸ -۲۱۴۳ تا
۲۱۴۷ - ۲۲۸۳ - ۲۲۸۴ - ۲۲۸۵ -۲۲۸۶
۲۲۸۷ تا ۲۲۹۴ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷-۲۳۰۳
۲۳۱۵ - ۲۳۲۸ - ۲۳۲۹ - ۲۳۳۴-۲۳۳۵
۲۳۳۷ تا ۲۳۳۹ - ۲۳۹۷ -۲۴۳۱ - ۲۴۳۵
۲۴۴۸ - ۲۵۰۵ - ۲۶۲۴ - ۲۶۳۱-۲۶۵۲
پومپه دیوس : ۲۳۴۵
په‌توس : (سزنیوس)
په‌تی زیس : ۱۳۵۸
پـه‌ست : ۱۳۵۷ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۷ - ۱۸۶۹ -
۱۸۷۵-۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ - ۱۸۹۳- ۱۹۲۵ -
۱۹۲۶ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ -۲۰۰۳
۲۰۰۹- ۲۰۱۰ - ۱۰۱۳ - ۲۰۱۴-۲۰۱۶
۲۰۱۷ -۲۰۲۰ - ۲۰۳۰
پهلو (سپهد) : ۲۶۱۸
پهلوی (رضاشاه) : ۳۶م - ۳۷م - ۷۳ تا ۱۰۷م
۱۲۱م - ۱۲۹م -۱۳۳م - ۱۳۵م
پی‌تاگور(پیتاگراس) : ۱۰۰۵ - ۱۱۲۵ -۱۹۱۹
۱۹۳۰
پی‌تانات : ۸۵۲
پی‌ترموس : ۲۸۹
پی‌تس : ۷۷۰
پی‌تون : ۱۲۰۲ - ۱۲۰۳ - ۱۷۲۴ - ۱۸۲۴
۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۴۴ - ۱۸۴۶-۱۸۶۹
۱۹۲۶ - ۱۹۳۳ - ۱۹۵۸ - ۱۹۵۹-۱۹۶۷
۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۴ - ۱۹۹۱ تا۱۹۹۳
۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ - ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲-۲۰۱۵
۲۰۱۹ - ۲۰۲۹ - ۲۰۳۰ - ۲۰۵۷
پی‌تون‌پسر آژنور : ۱۹۹۳
پی‌تونیك : ۱۸۸۲
پی‌تی : ۲۷۲تا ۲۷۴ -۲۸۳
پی‌تیدس : ۲۲۴۳
پی‌ثیوس : ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۲۰ - ۷۲۱-۲۰۲۰
یی‌چمان : ۶۱
پیرجمال : ۳م
پیرزاده : ۴م -۱۸م - ۱۹ م
پیرنیا (ابوالحسن) : ۱۳۶م
پیرنیا (ابوالقاسم) : ۱۳۷ م
پیرنیا (باقر) : ۱۳۷م
پیرنیا (بیژن) : ۱۳۷م
پیرنیا (حسن) : (مشیرالدوله)
پیرنیا(حسین) : مؤتمن‌الملك
پیرنیا (داود) : ۱۳م - ۳۵م - ۴۶م - ۱۳۲ م -
۱۳۷ م

پیرنیا (مهدی) ، ۱۳۷م
پیرنیا (ولی‌الله) ۱۳۷م
پیرنیا (هرمز) : ۱۳۷ م
پیرنیا (هما): ۱۳۷ م
پیروس : ۱۲۰۰ - ۲۰۴۸ - ۲۰۶۰ -۲۰۷۰ - ۲۱۶۲-۲۱۶۳- ۲۱۶۶ - ۲۲۸۱
پیرون ، ۱۷۲۷
پیراندروس :۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۶
پیزو ، ۲۳۹۷
پیزیسترات ،۲۷۴ - ۶۳۷ - ۶۳۹ - ۶۶۸-۶۷۱ - ۷۰۴ - ۸۰۳ - ۸۱۶
پیساندر : ۱۱۱۲
پی سوت‌نس : ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۵ - ۱۶۲۷
پیطرو دلاواله : ۴۳
پیغمبر دزدان : ۳۸م
پیکسودور : ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱
پیگرس : ۶۲۱ - ۷۴۲ - ۱۰۱۵
پی‌گیوس : ۵۶۲
پی‌نار ، ۱۳۲۱
پیندار : ۵۰۳

ت

تا اوك : ۱۰۷۷ - ۱۰۸۴ - ۱۰۸۵
تائیس ، ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶
تابال ، ۲۹۱
تابیت‌تی : ۵۸۷
تاتیانوس : ۲۳۵۵تا ۲۳۵۷ - ۲۳۷۲
تاخس : ۱۱۲۷ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱
تاده : ۲۶۳۳
تارانتیوس : ۱۴۵۶
تارتس ، ۲۹۴
تارس ، ۸۹۹ - ۹۰۱
تارگی‌تای : ۵۷۹
تاری پاس : ۱۰۵۶
تاریوش : (داریوش)
تازیاسس : ۱۳۱
تاسیت (تاسیتوس) : ۸۹- ۱۰۷۶ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۵ - ۲۳۷۶- ۲۳۸۲ - ۲۳۸۴ - ۲۳۹۱ تا ۲۳۹۹ - ۲۴۰۱ تا ۲۴۰۵ - ۲۴۱۲ - ۲۴۱۴ تا ۲۴۳۱ - ۲۴۳۳ تا ۲۴۴۹ - ۲۴۵۴- ۴۴۵۵ - ۲۵۷۳ -۲۶۰۷ -۲۶۳۰ - ۲۶۴۴ -۲۶۴۹- ۲۶۵۵
تاکسیل : ۱۷۶۶ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲ تا ۱۷۸۵ - ۱۷۹۱ - ۱۷۹۶ تا ۱۷۹۸ - ۱۸۵۳-۱۸۶۳ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ - ۱۹۹۳ - ۲۰۵۷
تاکسیه ، ۱۱۷۸
تاگساکیس ، ۶۰۳
تال‌بت ، ۴۷
تالثی‌بیوس : ۷۵۴ - ۷۵۵
تالس‌تریس : ۱۶۴۸
تام‌ماری‌تو ، ۱۳۸ - ۱۳۹
تامس ، ۱۰۰۱ - ۱۰۰۵ - ۱۰۲۵
تانا اوکسارس : (بردیا)
تان‌نیراس : ۴۹۱
تانیوك سارسس ، ۴۵۴
ت اوم‌مان ، ۱۳۷
تاهیس ماساد : ۵۸۷
تای‌نك سارسس : (بردیا)
تئوپومپوس: ۹۳۷-۹۳۸-۱۱۳۴-۱۵۲۳-۱۵۲۵
تئودوت : (دیودوت)
تئوس ، (آنتیوخوس‌دوم)
تئوس ، ۲۸۷- ۲۸۹- ۲۹۴ ۲۹۵
تئوفیل ، ۸۱
تئوکری‌توس : ۲۱۵۴ - ۲۵۱۹
تئومس‌تر ، ۸۱۲ - ۸۶۵
تت ، ۷۴
ترام نس : ۷۴۲
تتنا ، ۹۸۸

تتیس : (ته‌تیس)
تجرمه ، ۲۲۶۸
تخمسپاد : ۵۴۴
تدین (محمد) ، ۶۰م - ۹۲م - ۹۷م - ۱۰۳م - ۱۰۹م - ۱۲۸ م
ترازیبول ، ۱۲۷۱
تراژان ، ۸۳ - ۲۱۷۵ - ۲۳۸۲ - ۲۴۵۴ - ۲۴۶۸ - ۲۴۶۹ - ۲۴۷۲ تا ۲۴۸۹ - ۲۴۹۳ - ۲۴۹۹ - تا ۲۵۰۱ - ۲۵۰۶ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۱ - ۲۵۱۴ - ۲۶۱۳ - ۲۶۳۵ - ۲۶۶۸ - ۲۸۰۹
تراکس : ۸۵۴
ترامن : ۹۶۷ - ۹۸۴ - ۹۸۵
ترساندر : ۸۳۹ - ۸۴۰
ترسیپ : ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵
تروگ‌پمپه : ۷۴ - ۷۹ - ۸۷ - ۸۸ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۸۶ - ۴۷۳ - ۱۶۸۵ - ۲۰۵۳ - ۲۰۷۱ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۲ - ۲۲۰۹ - ۲۲۴۷ - ۲۲۵۷ - ۲۲۷۶
ترون : ۷۶۶ - ۸۷۸ - ۱۴۱۱
تری پولون : ۱۲۷۳
تری‌تان‌تخم (تری‌تان‌تخمس) : ۴۳۸ - ۷۳۸ - ۷۵۱ - ۷۹۸ - ۱۶۲۶
تری‌تخم ، ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۹۰ - ۹۹۲ - ۱۶۲۸ - ۱۶۳۱
تری‌فون : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۹ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۵
تریولت : ۱۸۴۲
تری یاریوس : ۲۱۴۳ - ۲۱۴۷
تزه : ۱۹۲۸
تسالوس : ۱۲۱۱
تس پیاس : (چش‌پش)
تس پیان ، ۱۲۳۳
تطوس ، (تیتوس)
تفضلی (جهانگیر) : ۹۳م
تقی آجودان ، ۵م
تقی‌زاده (حسن) ، ۱۰م - ۴۱م - ۴۲م - ۱۰۴م - ۱۰۹م - ۱۱۶م - ۱۲۵م - ۱۲۷م - ۱۲۹م - ۱۳۰م - ۱۳۴م
تل : ۲۶۹
تلپ تولم ، ۱۹۶۹
تل پولم ، ۱۸۶۱ - ۱۹۶۷ - ۱۹۹۳ - ۲۰۱۹ - ۲۱۵۵
تل‌فانس : ۱۵۵۸
تل‌من: ۵۳۹ - ۵۴۲ - ۵۴۷ - ۵۷۱ - ۱۴۵۱ - ۱۴۹۹ - ۱۵۵۰ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۳ - ۱۶۱۶
تمبرون ، ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - ۱۰۹۹ - ۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ - ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ - ۱۹۸۴
تمپسون : ۵۶ - ۵۵۵
ت‌م ژنیداس ، ۸۴۷
ت من : ۱۱۹۱
تمورامات : ۱۶۹
ت می‌ریس : ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۲
تمیس : ۱۷۳۰
تمیستوکل : ۷۹ - ۸۴ - ۶۷۴ - ۶۸۰ - ۷۵۹ - ۷۶۸ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۸۰۴ تا ۸۱۲ - ۸۲۰ تا ۸۲۲ - ۸۲۴ تا ۸۲۸ - ۸۶۶ - ۸۷۸ تا ۸۸۰ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۹۷ - ۹۱۱ تا ۹۲۳ - ۹۴۱ - ۹۵۱ - ۹۸۳ - ۱۱۱۴ - ۱۵۲۷ - ۲۳۵۱
تن : ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۱
تن سر ، ۱۵۱۷
توآس : ۱۸۵۹ - ۱۸۶۱
توت‌مس : ۶۸۸
توئیدی دس ، ۲۴۹۸
تورایف: ۳۶ - ۳۹ - ۲۲۱ - ۳۸۸ - ۵۶۶ - ۶۴۷ - ۶۸۳ - ۹۲۷ - ۹۶۳ - ۱۱۹۰ - ۱۴۷۰ - ۱۴۸۷ - ۱۴۹۲
تورون ، ۱۷۹۴

توسیدید : ۷۰ تا ۷۲ - ۹۱ - ۸۹۴ - ۸۹۷ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۸ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۵ ۹۳۰ تا ۹۳۳ - ۹۳۵ تا ۹۳۷ - ۹۴۰ - ۹۴۲ تا ۹۴۴ - ۹۵۶ - ۹۶۰ - ۹۶۵ تا ۹۶۸ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۱۱۳۱ - ۲۱۷۹ تا ۲۱۸۱

توکلی (احمد) : ۲۸م

تولمن : (تل‌من)

توماس : ۲۲۶۳

ته‌آژن ، ۱۲۳۴

ته‌آس‌پس : ۷۳۷

ته‌آموزا ، (موزا)

ته‌اکریت : (تئوکریتوس)

ته‌تیس ، ۷۷۴ - ۱۸۵۰

ته‌لف : ۱۸۵۹

تی‌بت ، ۴۸۲

تی‌بریوس : ۲۱۲۸ - ۲۳۸۲ تا ۲۳۸۶ - ۲۳۹۴ - ۲۳۹۵ - ۲۳۹۷ تا ۲۰۴۱ - ۲۴۰۶ - ۲۴۰۷ ۲۴۱۳ - ۲۴۷۰

تیترس‌تس : ۹۲۶ - ۹۵۲ - ۱۱۰۵ - ۱۱۱۰ - ۱۱۴۲ - ۱۶۲۷

تیت‌روست ، ۱۱۳۲

تیت‌لیو : ۱۹۴۵ - ۲۴۵۱

تیتوس : ۸۰ - ۸۳ - ۲۰۸۶ - ۲۳۴۲ - ۲۴۵۵ ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۵۴۵ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۱ ۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ - ۲۵۶۹ - ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲ ۲۵۷۳ - ۲۵۸۸

تی‌ثه : ۷۳۹

تی‌ثیوس : ۲۳۶۰

تیران اول : ۲۶۲۰

تیران دوم ، ۲۶۲۱

تیردادپسرفری‌یاپت : ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۱

تیرداد : ۲۳۷۸ تا ۲۳۸۱ - ۲۴۰۲ تا ۲۴۰۷ ۲۴۲۵ - ۲۴۲۷ - ۲۴۲۸ - ۲۴۳۰ - ۲۴۳۱ ۲۴۳۳ تا ۲۴۳۹ - ۲۴۴۱ تا ۲۴۴۳ - ۲۴۴۷ تا ۲۴۵۵ - ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۹ - ۲۴۷۴ ۲۴۷۶ - ۲۵۵۱ - ۲۵۹۹ - ۲۶۱۰ - ۲۶۱۲ ۲۶۱۵ - ۲۶۲۰ - ۲۶۳۶ - ۲۶۷۸ - ۲۶۹۱

تیرداد پسرخسرو : ۲۶۰۷ - ۲۶۰۸

تیردادارمنی(اول) : ۲۵۲۰ - ۲۵۸۸ - ۲۵۹۰ ۲۵۹۴ - ۲۵۹۸

تیرداد دوم : ۹۶ - ۲۶۳۷

تیرداد (؟) : ۱۷۴۸

تیروس‌تس : ۱۱۶۷

تی‌ره‌اوس : (تی‌ریوتس)

تی‌ریاسپ : ۱۷۶۴ - ۱۷۹۹

تی‌ریوتس : ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱

تیری‌باز : ۹۹۵ - ۱۰۱۱ - ۱۰۲۱ - ۱۰۷۶ - تا ۱۰۷۸ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۱۲۴ تا ۱۱۳۱ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۵ تا ۱۱۵۷ - ۱۴۸۸

تیری داد : ۱۴۱۹ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۲۵۷۱

تیری‌پس‌تیس ، ۱۸۳۳

تیسافرن : ۹۴۲ - ۹۵۷ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۵ تا ۹۸۰ - ۹۸۲ - ۹۹۳ - ۹۹۶ تا ۹۹۸ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۱ - ۱۰۳۱ - ۱۰۳۶ ۱۰۳۸ - ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ - ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۳ ۱۰۶۰ - ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۷ - ۱۰۷۳ - ۱۰۹۲ تا ۱۰۹۵ - ۱۰۹۷ - ۱۰۹۹ تا ۱۱۰۵ - ۱۱۰۸ - ۱۴۹۶ - ۱۶۳۱ - ۲۳۶۵

تی‌سامن : ۸۴۶

تیگران : ۲۰۴ - ۳۱۲ تا ۳۱۴ - ۳۱۷ - ۳۲۸ ۳۴۱ - ۴۲۸ - ۴۳۱ - ۴۳۵ - ۴۷۶ - ۷۳۱ ۸۶۵ - ۸۶۷ - ۲۰۸۸ - ۲۰۹۰ - ۲۱۳۸ - ۲۱۴۱ تا ۲۱۴۳ - ۲۱۴۵ - ۲۱۴۹ - ۲۳۸۴ ۲۳۸۵ - ۲۴۳۶ - ۲۴۴۱ تا ۲۴۴۳ - ۲۴۴۸ ۲۴۴۹ - ۲۴۵۲ - ۲۴۵۳ - ۲۴۷۰ - ۲۴۹۶ ۲۵۸۴ - ۲۵۸۸ - ۲۵۸۹ - ۲۵۹۸ - ۲۶۱۹ ۲۶۲۵ - ۲۶۳۰ - ۲۶۳۳ تا ۲۶۳۶

تیگران دوم : ۲۶۱۹
تیگران سوم : ۲۶۱۹
تیگران چهارم : ۲۶۱۹ ـ ۲۶۳۶
تیگران پنجم : ۲۶۲۰
تیگران ششم : ۲۶۲۰
تیگران جوان : ۲۲۸۴ تا ۲۲۸۹ ـ ۲۲۹۱
تیگران پیر : ۲۲۶۹ ـ ۲۲۷۲ ـ ۲۲۷۴ ـ ۲۲۷۵ ـ ۲۲۷۷ تا ۲۲۸۱ ـ ۲۲۸۳ تا ۲۲۸۵ ـ ۲۲۸۹ ـ ۲۲۹۰ ـ ۲۲۹۷ ـ ۲۳۱۴
تیگران پسر خسرو سوم : ۲۶۲۱
تیگران دختر مهرداد ، ۲۱۴۹
تیگران سلوکی : ۲۱۶۹
تیگرانس : ۱۶۲۶
تیگلات پالسر اول : ۵۲ ـ ۷۶ ـ ۱۲۸ ـ ۱۲۹ ـ ۱۶۹ ـ ۱۷۸ ـ ۵۷۵ ـ ۵۷۶
تیگلات پالسر چهارم : ۱۲۹ ـ ۱۳۵ ـ ۱۷۰
تی‌مارخوس : ۲۰۷۳
تی‌ماسیون : ۱۰۶۲
تی‌ماگراس : ۹۴۲ ـ ۱۱۲۰ ـ ۱۱۲۲
تی‌ماندر : ۱۲۷۳
تی‌مئوس : ۱۱۲
تی‌مبرون : (تمبرون)
تی‌موته : ۱۲۰۳ ـ ۱۲۲۰
تی‌مودس : ۱۲۹۴ ـ ۱۳۰۰ ـ ۱۳۰۷
تیمور (امیر) : ۱۰۶
تیمورتاش : ۷۶م ـ ۱۲۱م
تی‌موکرات : ۸۶۰ ـ ۱۱۰۶ ـ ۱۱۱۰
تی‌موکران : ۱۱۱
تی‌موکسن : ۸۲۸ ـ ۸۲۹
تی‌موکله : ۱۲۳۴
تی‌مون : ۷۵۷ ـ ۲۱۲۷
تی‌موناکس : ۷۴۲
تی‌مه‌ژنیداس : ۸۶۳
تیوس : ۱۱۴۱ ـ ۱۱۴۲
تی‌ه‌س : ۴۵

ث

ث اگا : ۴۲
ثرموزا : (موزا)
ثعالبی : ۱۰۴ ـ ۵۳۷ ـ ۹۰۷ ـ ۹۵۳ ـ ۹۹۱ ـ ۱۱۶۴ ـ ۲۵۵۷ تا ۲۵۶۰ ـ ۲۵۶۵ ـ ۲۵۷۳
ثلیوس پولیو : ۲۴۲۶ تا ۲۴۲۸
ثوخر : ۵۳۴
ثیم مرمان : ۶۳

ج

جابر : ۱۰۲
جاحط : ۱۰۰
جاماسپ : ۶۹۸
جان محمدخان : ۱۲۴م
جرجیس ، ۲۵۷۹
جعفرخان تبریزی : ۱۳۶م
جعفر جوگندی (حاجی) : ۱۲۲م
جکسن (ویلیام) : ۱۴۶ ـ ۱۶۲۰ ـ ۲۶۴۵
جلال‌الدوله : ۴۱م
حجم (محمودمدیرالملک) : ۷۶م ـ ۱۶۱م
جمال اصفهانی : (حاج آقاجمال)
جمال‌الدین اصفهانی : ۱۱۶م
جمشید : ۱۶۱ ـ ۱۵۷۶
جمشید مفخم : ۸م
جوتاروس : ۲۲۹۸
جوذربن اشك (گودرز) : ۲۵۴۶ ـ ۲۵۴۸ ـ ۲۵۴۹ ـ ۲۵۵۱ ـ ۲۵۵۲ ـ ۲۵۵۴ ـ ۲۵۵۵ ـ ۲۵۶۰ ـ ۲۵۶۶ تا ۲۵۷۱ ـ ۲۵۷۷ تا ۲۵۸۱
جوذراصغر (کوچك) : ۲۵۴۸ ـ ۲۵۵۲ ـ ۲۵۵۴ ـ ۲۵۵۵ ـ ۲۵۶۱ ـ ۲۵۶۵
جوذربن سابور : ۲۵۶۰ ـ ۲۵۶۲ ـ ۲۵۶۵
جهان (ملکه) : ۱۱۰م
جهانگیر میرزا : ۸۲م

چ

چاندراگوپتا : ۲۰۴۶ ـ ۲۰۵۵ ـ ۲۰۵۷ تا ۲۰۵۹ ـ ۲۰۶۶ ورجوع به ساندراکوت شود

چانك‌کی‌ین : ۲۲۶۳
چاه کوتاهی (شیخ‌حسین) : ۶۲م ـ ۶۶م ـ ۶۷م
چرچیل : ۵۶
چرنی‌گف : ۶۱۵
چش پش : ۲۲۸ تا ۲۳۱ ـ ۳۸۶ ـ ۳۸۹ ـ ۳۹۰
۱۵۵۱ ـ ۱۵۷۱ ـ ۱۵۷۶ ـ ۱۶۲۴ ـ ۱۶۲۹
۲۰۲۰ ـ ۲۵۴۳
چنگیز : ۱۱۲م
چهرآزاد : (داریوش دوم)
چیترتخم : ۵۴۴ ـ ۱۵۷۷
چیش‌پش : (چش‌پش)
چین چیخری : ۵۴۰

ح

حاج آقا جمال اصفهانی : ۹۳م
حاج آقا شیرازی : ۳۷م
حاجب‌الدوله : ۲۹م
حام : ۷ ـ ۳۰ ـ ۴۴۴
حجی : ۹۴۸
حربونا : ۸۹۸
حزقیال : ۱۹۱ ـ ۲۰۷ ـ ۴۴۴ ـ ۴۴۵ ـ ۱۴۵۶
۱۴۸۶
حسن پیرنیا : (مشیرالدوله)
حسین‌خان : (چاه‌کوتاهی)
حسین‌خان سپهسالار : ۱۳۶م
حشمت‌الدوله : ۵۹م
حکیم‌الدوله : ۸۵م
حکیم‌الملك (حکیمی) : ۵۰م ـ ۵۹م ـ ۷۶م ـ
۸۵م ـ ۱۲۹م
حمدالله مستوفی : (مستوفی)
حمزه اصفهانی : ۱۰۲ ـ ۲۳۲ ـ ۵۳۷ ـ ۹۰۷
۹۵۳ ـ ۹۵۶ ـ ۹۹۱ ـ ۱۱۶۴ ـ ۱۱۸۸ ـ
۱۲۱۲ ـ ۲۵۵۴ ـ ۲۵۶۵ ـ ۲۵۶۷
حموربی : ۳۳ ـ ۵۶ ـ ۶۴ ـ ۱۱۸ ـ ۱۲۰ تا ۱۲۴
۱۲۶ ـ ۱۹۰۷ ـ ۲۴۷۳
حمیدالدین (قاضی) : ۹۰م
حنانی : ۱۱۶۲
حودبن‌ابراهیم : ۲۵۵۱ ـ ۲۵۷۲

خ

خابریاس : ۱۱۲۳ ـ ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۰ ـ ۱۱۵۱
۱۲۰۳
خات‌توشی‌لم : ۵۱
خاروس : ۱۷۷۴
خاری دم : ۱۲۳۷ ـ ۱۲۸۲ ـ ۱۲۸۳ ـ ۱۲۹۲ تا
۱۲۹۵ ـ ۱۴۴۸
خاریك‌لس : ۱۷۵۶
خالیداس : ۹۶۶ ـ ۹۶۷ ـ ۹۶۹ ـ ۹۷۴
خان چائو : ۲۴۶۹
خانه‌اوس : ۲۳۴۶
خئوپس : ۵۰۵
خبیش : ۶۸۲ ـ ۶۹۹
خدایارخان : ۷۷م
خراس‌میس : ۷۳۶
خرسوپلپت : ۱۲۰۰
خرشاای شیا : (خشیارشا)
خره‌بود : (اله‌آزار)
خزعل . ۱۰۰م
خسرو : (اشك بیست‌وچهارم)
خسرو اشکانی، ۲۴۹۷ ـ ۲۵۴۱ ـ ۲۵۴۶ ـ ۲۵۴۸
۲۵۴۹ ـ ۲۵۵۱ ـ ۲۵۵۲ ـ ۲۵۵۴ تا ۲۵۵۶
۲۵۶۷ ـ ۲۶۱۰
خسرو اول : ۲۵۳۳ ـ ۲۵۹۰ تا ۲۵۹۵ ـ ۲۶۱۲ ـ
۲۶۰۷ ـ ۲۶۲۰ ـ ۲۶۳۶
خسرو دوم : ۲۶۱۵ تا ۲۶۱۸ ـ ۲۶۲۱ ـ ۲۶۳۷
خسرو سوم : ۲۶۲۱ ـ ۲۶۳۷ ـ ۲۶۳۸
خسرو انوشیروان : ۶۸۸
خسروپارسی : ۲۶۲۹
خسروالثانی : (خشایارشای دوم)
خسرودخت : ۲۶۰۷

خسرة (خسرو)، ۲۵۶۳ تا ۲۵۶۵
خشتریت : ۱۵۷۶
خشتریتم : ۵۴۲
خشرشا ، (خشیارشا)
خشایارشا : ۴۶ - ۷۰ - ۷۳ - ۱۳۹ - ۱۴۴
۲۲۸ -۳۷۳- ۴۹۷ - ۵۳۰- ۵۵۴-۶۴۷
۶۶۲ - ۶۶۴- ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۸۵- ۶۸۷
۶۹۰ -۶۹۵ - ۶۹۸تا ۷۰۱ - ۷۰۳-۷۰۴
۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۱۰ تا ۷۳۰ -۷۳۷ -۷۳۸
۷۴۲ تا ۷۴۵ - ۷۴۷ تا ۷۵۷ - ۷۵۹ تا
۷۶۱ - ۷۶۳ - ۷۶۵ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۷۲
۷۷۳ - ۷۷۵ تا۷۸۳ -۷۸۵ تا ۷۸۸ -۷۹۳
۷۹۴ -۷۹۶تا ۷۹۹ - ۸۰۱ تا ۸۰۵ -۸۰۷
۸۰۸ - ۸۱۰ -۸۱۳تا ۸۱۷ - ۸۱۷ تا۸۲۹
۸۳۲ تا۸۳۵ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۸ -۸۶۱
۸۶۲ -۸۶۵ -۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۲ - ۸۷۴
تا۸۸۲ -۸۸۵تا ۸۹۵ -۸۹۷ - ۸۹۸ -۹۰۳
تا ۹۰۶ - ۹۰۸ تا ۹۱۱ - ۹۱۴ - ۹۱۸ -
۹۲۰تا ۹۲۴ - ۹۲۶ تا۹۳۱ - ۹۳۹ - ۹۴۰
۹۴۳ - ۹۴۷ - ۹۴۹ تا ۹۵۱ - ۹۵۷ - ۹۵۹
۹۶۰ - ۹۶۸ - ۹۸۶ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۸
۱۱۱۴ - ۱۱۲۲ - ۱۱۹۲ - ۱۲۳۵ - ۱۲۴۵
۱۲۷۹ - ۱۳۰۹ - ۱۳۳۵-۱۳۵۲ - ۱۴۰۰
۱۴۰۸ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰-۱۴۲۴
۱۴۲۷ - ۱۴۲۹ - ۱۴۴۷ - ۱۴۵۵-۱۴۶۱
۱۴۶۲ - ۱۴۶۵ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰-۱۴۸۵
۱۴۸۶ - ۱۴۹۳ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۱
۱۵۳۲ - ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹ - ۱۵۵۶ - ۱۵۵۸
۱۵۶۰ - ۱۵۸۰ - ۱۵۸۱ - ۱۵۸۵-۱۵۸۷
۱۵۸۹ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۷ تا۱۶۰۰-۱۶۰۲
۱۶۰۳ - ۱۶۱۰ تا۱۶۱۶ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۶
۱۶۲۷ - ۱۶۳۰ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱-۱۷۴۵
۱۷۸۲ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰
۱۹۴۵ - ۱۹۵۶ - ۲۰۸۱ - ۲۱۳۹ - ۲۱۶۳
۲۰۲۰ - ۲۳۳۳ - ۴۶۰۶ - ۲۶۵۸
خشایارشای دوم ، ۹۵۲تا۹۵۵
خشایارشا پسر اردشیر درازدست : ۱۶۲۷
خشی یرش : (خشیارشا)
خواجه‌نوری : ۸۸م
خواندمیر : ۲۵۷۹
خورباتیلا : ۱۳۴
خوم‌بان ایگاش : ۱۳۸
خوم‌بان خالداش : ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۱۳۹
خون‌بان نومی‌نا : ۱۲۰
خویا : ۲۶۲۹ - ۲۶۳۰
خیابانی : ۲م - ۶۲تا ۶۷م - ۱۱۷ تا۱۱۹م
خیری‌سف :۱۰۰۵ - ۱۰۳۸ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۲
۱۰۶۳ - ۱۰۶۷-۱۰۶۹ - ۱۰۷۲ - ۱۰۷۴
۱۰۷۵-۱۰۸۰ تا ۱۰۸۴ - ۱۰۸۸-۱۰۸۹
۱۰۹۱-۱۰۹۲
خیلئوس : ۸۳۸
خیلن : ۷۸۶

د

دا اوخوس : ۳۵۲
دائی‌فارن : ۴۲۷
داتافرن : ۱۶۹۶تا ۱۶۹۸ - ۱۷۲۷
داتا م . ۷۹ - ۱۱۳۸ - ۱۱۴۱ تا ۱۱۴۸-۱۱۵۱
۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۱-۲۱۳۲
داتاماس : ۴۲۶
داتیس : ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۸ تا۶۸۱ -۶۸۴-
۷۰۵ - ۷۳۵ - ۷۳۹ - ۸۰۰ - ۱۵۳۱ -
۲۶۵۸
دادجاد : ۲۶۰۸
دادرشیش : ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۵
دادو هی‌یی : ۵۳۴
دارا : ۱۴۰م و رجوع به‌داریوش‌سوم شود .
داراب : ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۶۲۴ - ۱۶۱۷ و رجوع
به‌داریوش‌سوم شود .

داراب اکبر : (داریوش اول)
دارابن‌دارا، ۱۵۱۶ ـ ۲۵۵۰و رجوع به داریوش
سوم شود
دارابن بهمن : (داریوش‌دوم)
دارابن اردوان : ۲۴۰۷
دارالماهی‌الاول : (داریوش)
دردانوس ۷۴۳
دارلینگک : ۳۰م
دارمس‌تتر : ۲۱۵ ـ ۲۲۰
داره : ۲۵۹۷ ـ ۲۶۱۳
داری‌یامی : ۱۶۲۷
داریس، (داریوش)
داریو : (داریوش)
داریوپارسی : ۲۶۲۶ ـ ۲۶۲۷
داری‌ووس : (داریوش)
داریو هوشهی ، (داریوش دوم)
داریوش اول(بزرگ) : ۳۹ ـ ۴۵ ـ ۴۶ ـ ۵۵ـ
تا ۵۷ ـ ۶۸ ـ ۷۰ ـ ۱۱۱ ـ ۱۳۲ ـ ۱۴۴
۱۵۰ ـ ۱۶۸ـ ۱۷۳ ـ ۱۷۹ ـ ۱۸۰ ـ ۲۱۶ـ
۲۲۰ ـ ۲۲۸تا ۲۳۱ ـ ۳۷۳ـ ۳۷۵ ـ ۳۷۷ـ
۳۸۲ ـ ۳۹۰ ـ ۴۵۰ ـ ۴۵۱ـ ۴۷۱ ـ ۴۷۸ـ
۴۷۹ـ ۴۹۷ ـ ۵۰۲ ـ ۵۰۵ ـ ۵۱۶ ـ ۵۱۹ـ
۵۲۱ـ ۵۲۲ تا۵۲۴ ـ ۵۲۶ تا ۵۳۹ ـ ۵۴۲ـ
۵۴۳ ـ ۵۴۷تا ۵۶۳ ـ ۵۶۵ تا ۵۷۳ ـ ۵۷۵ـ
تا ۵۷۸ ـ ۵۸۵ ـ ۵۸۷ـ ۵۹۰ ـ ۵۹۱تا۵۹۶
۵۹۸تا۶۰۰ ـ ۶۰۳ تا۶۰۷ ـ ۶۰۹ تا ۶۱۴
۶۱۸ تا۶۲۳ ـ ۶۲۵ ـ ۶۲۷تا ۶۳۱ ـ ۶۳۸ـ
تا ۶۵۷ـ ۶۵۹ ـ ۶۶۲ ـ ۶۶۳ ـ ۶۶۷ تا۶۷۱
۶۷۸ ـ ۶۷۹ ـ ۶۸۱ تا ۶۹۶ ـ ۶۹۸ـ ۷۰۰
۷۰۲ ـ ۷۰۴ ـ ۷۰۵ـ ۷۰۸ ـ ۷۱۰ ـ ۷۱۱ـ
۷۱۳ ـ ۷۱۴ ـ ۷۱۶ ـ ۷۲۶ ـ ۷۲۹ ـ ۷۳۲
۷۳۵ ـ ۷۳۶ ـ ۷۳۸ـ ۷۴۲ ـ ۷۴۴ ـ ۷۴۷
۷۴۹ ـ ۷۵۳ ـ ۷۵۴ ـ ۷۷۵ ـ ۷۸۲ ـ ۸۱۴ـ
۸۵۳ ـ ۸۶۸ ـ ۷۶۹ ـ۸۷۳ تا ۸۷۶ ـ ۸۸۱ـ
۸۸۹ ـ ۸۹۰تا ۸۹۴ ـ ۹۰۵ ـ ۹۰۸ـ ۹۰۹
۹۲۰ ـ ۹۲۷ ـ ۹۲۸ ، ۹۳۳ ـ ۹۴۵ ـ ۹۴۷ـ
تا ۹۴۹ ـ ۹۵۲ـ ۹۵۶ ـ ۹۶۰ ـ ۹۶۶ـ۹۶۸
۹۸۹ ـ ۱۰۳۳ ـ ۱۱۱۴ ـ ۱۱۴۴ ـ ۱۱۵۹
۱۱۷۹ ـ ۱۱۹۱ـ ۱۱۹۲ ـ ۱۲۶۱ ـ ۱۳۰۹ـ
۱۳۲۵ ـ ۱۳۳۵ ـ ۱۳۷۲ ـ۱۳۹۷ ـ ۱۴۲۰
۱۴۵۰تا ۱۴۶۲ ـ ۱۴۶۴ ـ ۱۴۶۵ ـ ۱۴۶۷ـ
تا۱۴۷۷ ـ ۱۴۷۹ ـ ۱۴۸۰ـ ۱۴۸۱ ـ ۱۴۸۳ـ
۱۴۸۶ ـ ۱۴۸۸ ـ ۱۴۸۹ـ ۱۴۹۱ ـ ۱۴۹۳ـ
تا ۱۴۹۵ ـ ۱۴۹۹ـ ۱۵۰۱ ـ ۱۵۰۲ـ۱۵۱۴
۱۵۲۶ ـ ۱۵۲۷ ـ ۱۵۳۱ تا ۱۵۳۳ ـ ۱۵۴۷
۱۵۴۸ ـ ۱۵۵۰ ـ ۱۵۵۴ ـ۱۵۵۸ ـ ۱۵۶۰ـ
۱۵۶۲ ـ ۱۵۶۳ ـ ۱۵۶۷ تا۱۵۷۷ ـ ۱۵۷۹ـ
تا ۱۵۸۱ ـ ۱۵۸۴ ـ ۱۵۸۵ ـ ۱۵۸۹ تا
۱۵۹۱ ـ ۱۵۹۳ ـ ۱۵۹۵تا ۱۶۰۵ ـ ۱۶۰۷
تا۱۶۱۵ ـ ۱۶۱۸ ـ ۱۶۱۹ـ ۱۶۲۴ـ تا۱۶۲۷
۱۶۳۰ ـ ۱۶۳۱ ـ ۱۶۸۵ ـ ۱۶۹۳ـ ۱۷۰۷ـ
۱۷۰۸ ـ ۱۷۱۷ ـ ۱۷۴۵ ـ ۱۷۸۲ ـ ۱۸۷۴
۱۹۲۳ ـ ۱۹۴۴ـ ۱۹۵۵ـ ۲۰۲۰ ـ ۲۰۹۱ـ
۲۱۰۱ـ ۲۱۰۳ـ ۲۱۰۴ـ ۲۱۱۰ ـ ۲۱۲۱ـ
۲۱۲۴ ـ ۲۱۳۱ ـ ۲۱۴۷ ـ ۲۱۸۳تا۲۱۸۵
۲۱۸۸ ـ ۲۱۸۹ ـ ۲۱۹۳ ـ ۲۱۹۴ ـ ۲۱۹۶ـ
۲۲۱۳ ـ ۲۲۱۶ ـ ۲۲۲۶ ـ ۲۲۴۹ـ۲۲۵۶
۲۲۵۷ ـ ۲۲۶۲ ـ ۲۲۷۰ ـ ۲۲۸۱ ـ ۲۲۸۲ـ
۲۳۳۳ ـ ۲۴۲۲ ـ ۲۴۷۳ ـ ۲۵۳۷ـ ۲۶۰۶
۲۲۶۱۱ ـ ۲۶۲ ـ ۲۶۵۳ ـ ۲۶۶۸ـ۲۶۷۵
۲۷۰۴ ـ ۲۷۰۵ ـ ۲۷۲۲
داریوش دوم(اخس) : ۷۰ـ ۷۳ـ ۴۰۲ ـ
۹۲۸ ـ ۹۲۹ـ ۹۴۹ ـ ۹۵۰ـ ۹۵۲ ـ ۹۵۶ـ
۹۵۷ ـ ۹۵۹ ـ ۹۶۰ ـ ۹۶۲تا ۹۶۵ ـ ۹۶۷
۹۷۵ ـ ۹۸۲ ـ ۹۸۶ـ ۹۸۸ تا ۹۹۳ ـ ۹۹۶
۱۰۰۷ ـ ۱۰۲۹ـ ۱۰۶۹ ـ ۱۱۲۳ ـ ۱۱۳۱ـ
۱۱۴۱ ـ ۱۱۸۸ـ ۱۴۵۹ ـ ۱۴۶۵ ـ ۱۵۶۹
۱۶۰۲ـ ۱۶۲۷ ـ ۱۶۲۸ ـ ۲۱۹۶ ـ ۲۵۶۹ـ
داریوش‌سوم ، ۱۴۱م ـ ۶۶۹ ـ ۹۵۶ ـ ۱۱۶۶ ـ

۱۱۸۸ تا ۱۱۹۱ - ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۳ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۵ - ۱۲۶۳ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ - ۱۲۷۶ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ - ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ - ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۹ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ - ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ - ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ - ۱۴۰۶ تا ۱۴۰۹ - ۱۴۱۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸ تا ۱۴۴۹ ۱۴۶۶ - ۱۴۹۹ - ۱۵۱۷ - ۱۵۲۷ تا ۱۵۲۹ ۱۵۸۸ - ۱۵۹۴ - ۱۶۲۹ تا ۱۶۳۱ - ۱۶۳۳ تا ۱۶۳۵ - ۱۶۳۷ تا ۱۶۳۹ - ۱۶۴۱ تا ۱۶۴۵ ۱۶۴۷ تا ۱۶۵۱ - ۱۶۵۶ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۴ ۱۶۷۶ - ۱۶۸۴ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۷ تا ۱۶۹۹ ۱۷۰۸ - ۱۷۲۱ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۶ - ۱۷۳۸ - ۱۷۹۱ - ۱۸۲۷ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۷ - ۱۹۱۲ - ۱۹۱۵ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۶ - ۱۹۴۶ - ۱۹۵۴ - ۱۹۸۲ - ۲۰۴۹ - ۲۰۶۸ - ۲۱۰۹ - ۲۴۸۲ - ۲۵۳۰ - ۲۵۴۰ - ۲۵۴۳ - ۲۵۴۴ - ۲۵۵۸ - ۲۶۰۵

داریوش پسر اردشیر : ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۸ - ۱۱۶۴ - ۱۶۲۸

داریوش پسر خشیارشا : ۹۰۴ - ۱۶۲۷

داریوش پسر مهرداد ششم : ۲۱۴۹

دامارت : ۸۸۱

داماسپیا : ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۱۶۲۷

داماسی‌تیم : ۷۴۲

دان : ۹۰

دانائوس : ۷۴۱

دانائه : ۲۴۵ - ۷۳۰ - ۷۶۰ - ۱۲۹۷

دانیال : ۳۹۵ تا ۳۹۷ - ۴۴۵ - ۶۹۸

داود : ۶۳ - ۴۰۳ - ۹۴۶

داور : ۳۵م - ۱۱۰م

داویس : ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹

دتوس : ۷۳۵

ددال : ۱۹۲۲

درتاد : (تیرداد)

درسیلیداس : ۱۰۹۹ تا ۱۱۰۲ - ۱۱۱۵

درمی‌خت : ۲۰۶۱

درویید : ۱۳۲۲

دروزوس : ۲۳۹۵

دریاووش : (داریوش)

دری په‌تی‌نا : ۲۱۴۹

دری‌په‌تیس : ۱۴۴۹ - ۱۶۲۹ - ۱۸۸۳

دری‌زس : ۱۶۲۶

دری‌زن : ۲۰۵۸

دسارزك : ۵۴

دسبالوس : ۲۴۶۶

دسی‌دیوس : ۲۳۴۲ - ۲۳۴۳

دشتی (علی) : ۶۰م

دکساریس : ۱۷۸۲

دل‌آسپیس : ۱۳۵۸

دلاپورت : ۱۹۰۸

دلاواله : ۴۳

دلیچ : ۶۳

دماد : ۱۲۳۷ - ۱۹۸۰

دمارات : ۶۶۳ تا ۶۶۸ - ۶۸۵ - ۷۰۴ - ۷۴۴ تا ۷۴۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۵ تا ۷۸۸ - ۹۹۲ - ۱۰۳۸ - ۱۱۱۴ - ۱۲۵۴ - ۱۴۲۵

دمارات‌کرنتی : ۱۲۱۰

دمارات‌لاسدمونی : ۹۱۷ - ۹۱۸

دمترا : ۴۳۹

دمتریوس : ۱۶۶۱ - ۱۶۷۳ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۹ - ۱۸۰۰ - ۱۸۲۴ - ۲۰۳۴ تا ۲۰۳۶ - ۲۰۳۸ - ۲۰۳۹ - ۲۰۴۱ تا ۲۰۴۳ - ۲۰۴۶ تا ۲۰۵۰ - ۲۰۵۹ تا ۲۰۶۱ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶ - ۲۰۷۰ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۸ - ۲۰۹۳ تا ۲۰۹۵ - ۲۱۶۳ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۹ - ۳۲۳۰ - ۲۲۳۴ تا ۲۲۳۷ - ۲۲۳۹ تا ۲۲۴۱ - ۲۲۵۹ - ۲۲۶۱ - ۲۵۸۵ - ۲۵۹۵ - ۲۵۹۶

دمتریوس‌اول : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷
دمتریوس‌دوم :۲۰۸۹- ۲۱۶۷- ۲۱۶۸-۲۲۲۹
تا ۲۲۳۱ - ۲۲۴۲ - ۲۶۷۷
دمتریوس‌سوم : ۲۰۶۹ - ۲۰۹۰
دمتریوس آن‌تی‌گون : ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳
دمتریوس‌اوتی‌دم : ۲۱۱۸
دمتریوس پولی‌ارست : ۲۱۶۶
دمتریوس‌مقدونی :۲۱۲۶ - ۲۱۲۷
دمرگان :۹ - ۵۶ - ۹۳ - ۱۱۶ - ۱۱۸-۱۳۱
تا ۱۳۴ - ۱۴۴ - ۱۷۹ - ۲۲۲ - ۱۴۹۱ -
۱۵۱۱ - ۱۶۱۶
دموستن : ۸۶۰ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۳ - ۱۱۹۸ -
۱۲۰۲ تا ۱۲۰۴ - ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۶ -
۱۲۳۰- ۱۲۳۱ - ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۷-۱۲۴۳
۱۲۶۲ - ۱۸۸۳
دموکدس : ۵۵۸ تا ۵۶۲
دموکرات‌آتنی . ۱۶۴۵
دموکریت :۷۷
دمی‌ثیان : (دومی‌ثیانوس)
دن‌دامیس : ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴
دنیس : ۷۱ - ۱۱۲
دنیس‌تل‌ماها : ۲۶۲۹ - ۲۶۳۰
دورس : ۱۴۸۳
دوریزس : ۶۵۰ - ۶۵۱
دوریس : ۱۶۴۹
دوسان‌نا : ۱۷۳
دوك دولیخ‌تن‌برگ : ۵۰۵
دولت‌آبادی (یحیی) : ۳۹م -۴۰م-۴۵م-۴۹م-
۵۲م - ۵۵م - ۷۳م - ۸۰م-۸۸م - ۹۲م -
۹۴تا۹۶م--۱۰۰م -۱۰۴م - ۱۱۰م-۱۲۸م
دوماك‌سی‌من : ۲۱۸۰
دومی ثیانوس : ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۶
دومی‌ثیوس : ۲۳۵۸
دونگی : ۵۵ - ۱۰۷ - ۱۱۷
دونی‌سیوس : ۱۹۳۰
دهارت‌ویك : ۴۱م - ۱۱۷م
دهخدا(علی‌اکبر) : ۶۰م
دیااکو : (دیوکس)
دیان(آرتمیس) :۶۶۹ - ۸۱۰ - ۱۲۱۶ -۱۲۶۲
۱۲۶۳ - ۱۵۱۵ - ۱۵۲۹ - ۱۹۲۰
دی‌ئیل : ۶۹
دی‌تی‌رامب : ۷۸۴
دی‌دامیا : ۲۰۴۸
دیران اول : ۲۵۸۷ - ۲۵۹۸ - ۲۶۳۶
دیران دوم : ۲۶۳۷
دیفریداس : ۱۱۱۶
دیکسن (ژنرال) : ۵۷م
دیگران : (تیگران)
دیگرانوهی : ۲۰۴
دیم‌نوس : ۱۶۵۶ تا ۱۶۶۲ - ۱۶۶۵ تا ۱۶۶۷
۱۶۷۲ - ۱۶۷۵
دینارك: ۱۲۸۳
دی‌نن : ۷۴ - ۸۵ - ۴۷۳ - ۹۰۸ - ۹۱۰ -
۹۱۴ - ۹۵۷ - ۹۹۱ - ۹۹۸ - ۱۰۱۲ -
۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۸ - ۱۰۹۶ -
۱۰۹۷ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۹ - ۱۱۵۸ -
۱۱۶۶ - ۱۱۸۸ - ۱۴۰۷
دینوری : ۱۰۲
دیوتاروس : ۲۳۳۴ - ۲۳۳۵
دیوجانس کلبی : ۱۲۲۶ -۱۲۲۷ -۱۸۵۲ تا
۱۸۵۴
دیودوت : ۲۰۷۳ - ۲۰۷۶ - ۲۰۸۹- ۲۱۹۷
۲۱۹۸ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵ -
۲۲۲۳ - ۲۲۵۹
دیودوت دوم : ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۵۹
دیودور : ۲۱۳۳
دیودورسیسیلی : ۷۰تا۷۳ - ۷۷ - ۷۸ - ۱۱۲
۲۰۸ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۶۱ - ۲۸۴- ۲۹۵

۴۶۹ تا ۴۷۱ ۴۸۴ - ۵۰۶ - ۶۸۰ - ۶۹۵
۶۹۸ - ۸۷۵ تا ۸۷۹ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۹۴
۸۹۶ - ۹۰۹ - ۹۱۴ - ۹۱۹ - ۹۲۰ -
۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۳۰ تا ۹۳۲ - ۹۳۵ تا ۹۳۷
۹۳۹ - ۹۵۱ - ۹۵۳ تا ۹۵۵ - ۹۵۷ - ۹۶۵
۹۷۷ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۹۱ - ۱۰۱۱ -
۱۰۲۵ تا ۱۰۲۸ - ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - ۱۱۰۵
۱۱۲۴ - ۱۱۲۷ - ۱۱۲۸ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲
۱۱۳۴ - ۱۱۳۵ - ۱۱۳۷ ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۱
۱۱۴۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۶۴ تا ۱۱۶۸ -
۱۱۷۱ تا ۱۱۷۵ - ۱۱۷۷ تا ۱۱۸۰ - ۱۱۸۲
۱۱۹۰ - ۱۱۹۶ تا ۱۱۹۹ - ۱۲۰۳ - ۱۲۰۵
تا ۱۲۰۸ - ۱۲۱۳ - ۱۲۱۴ - ۱۲۲۶ -
۱۲۳۳ - ۱۲۳۷ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۷
۱۲۴۸ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۸
۱۲۶۰ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۷ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۷
۱۲۸۱ تا ۱۲۸۳ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۴
۱۲۹۵ - ۱۲۹۹ - ۲۳۰۴ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹
۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰
۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ - ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ - ۱۳۳۷
۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷
۱۳۴۸ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۷
۱۳۵۸ - ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸
۱۳۷۰ - ۱۳۷۷ - ۱۳۸۱ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ - ۱۳۹۸ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲
۱۴۰۴ تا ۱۴۱۲ - ۱۴۱۴ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰
تا ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸ - ۱۴۴۴ -
تا ۱۴۵۶ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۹ - ۱۵۱۵ - ۱۵۲۸
۱۵۴۲ - ۱۵۵۸ - ۱۵۶۷ تا ۱۵۶۹ - ۱۶۰۲
۱۶۳۵ - ۱۶۴۲ تا ۱۶۴۴ - ۱۶۴۷ تا ۱۶۵۰
۱۶۵۵ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۹ - ۱۶۸۲ تا ۱۶۸۴
۱۶۸۶ تا ۱۶۹۱ - ۱۶۹۵ - ۱۷۰۱ - ۱۷۲۱
۱۷۳۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۶۳ - ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰
۱۷۷۲ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۶ - ۱۷۹۲ - ۱۸۰۲ تا
۱۸۰۴ - ۱۸۱۰ - ۱۸۱۸ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۳
۱۸۳۶ - ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۵ - ۱۸۴۷ - ۱۸۵۷
۱۸۶۱ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۰ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۸
۱۸۸۲ - ۱۸۹۳ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۳ - ۱۹۰۹
۱۹۱۱ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵ - ۱۹۲۵
۱۹۳۹ - ۱۹۴۱ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ - ۱۹۶۶
۱۹۶۸ - ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶
۱۹۷۹ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷
۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ - ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷
۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ - ۲۰۱۵ - ۲۰۱۷
تا ۲۰۲۱ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۹ - ۲۰۳۱
۲۰۳۳ تا ۲۰۴۰ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۵
۲۰۴۸ - ۲۰۵۰ تا ۲۰۵۲ - ۲۰۵۴ تا ۲۰۵۶
۲۰۶۰ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۹
۲۰۷۵ - ۲۰۸۴ - ۲۰۹۲ تا ۲۰۹۴ - ۲۱۱۲
۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۶ تا ۲۱۲۸ - ۲۱۶۰
۲۱۹۱ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۸ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۲
۲۲۳۸ تا ۲۲۴۰ - ۲۲۴۲ تا ۲۲۴۷ - ۲۲۶۲
۲۶۵۵ - ۲۶۵۶
دیوژن بابلی : ۲۱۱۴
دیوژن کلبی : (دیوجانس)
دیوژن لارثی : ۱۵۱۶
دیوژن می‌تی‌لنی: ۱۲۸۱
دیوفانت : ۱۱۷۵ - ۲۱۳۸
دیوکاسیوس، ۲۱۷۳ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۰ - ۲۲۰۳
۲۲۸۴ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۱ - ۲۳۲۸ ۲۳۳۰
۲۳۳۱ - ۲۳۳۴ تا ۲۳۴۷ - ۲۳۵۲ ۲۳۷۲
تا ۲۳۷۹ - ۲۳۸۲ - ۲۳۸۳ - ۲۳۸۵ - ۲۳۸۶
۲۳۸۸ تا ۲۴۰۰ - ۲۴۰۷ - ۲۴۴۶ - ۲۴۵۰
تا ۲۴۵۲ - ۲۴۵۷ - ۲۴۶۸ - ۲۴۶۹ - ۲۴۷۳
تا ۲۴۷۶ - ۲۴۷۸ تا ۲۴۸۸ - ۲۴۹۰ - ۲۴۹۲
۲۴۹۳ - ۲۴۹۶ تا ۲۵۰۱ - ۲۵۰۴ تا ۲۵۱۵
۲۵۱۸ - ۲۵۱۹ - ۲۵۲۱ تا ۲۵۲۹ - ۲۵۳۱ تا
۲۵۳۳ - ۲۶۳۱ - ۲۶۴۴ - ۲۶۵۵ - ۲۶۶۹ -
۶۲۷۰

دیوکس : ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۵تا۱۷۹ -۲۱۵تا ۲۱۷
دیوکسیپ : ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۴۲
دیوکلئین : ۲۱۸۰
دیولافوا : ۵۶ - ۱۳۱ - ۴۷۲ - ۵۸۵ - ۵۹۱ ۶۴۷- ۶۸۶ - ۸۱۳ - ۸۳۷ - ۸۶۲ - ۱۱۳۳ ۱۱۴۴ - ۱۱۹۷ - ۱۲۷۹ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۳ ۱۵۶۵ - ۱۵۶۷ - ۱۶۰۱ - ۱۶۱۳ - ۱۶۱۸ ۲۷۲۱
دیون‌خوی‌سس : ۶۹
دیونیزوس : ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ ورجوع به باکوس شود
دیونیس : ۴۸۷ - ۵۱۲ - ۵۹۴ - ۶۰۰ - ۶۲۰ - ۷۴۸ - ۱۴۷۵ و رجوع به باکوس شود
دیونیس : (آنتیوخوس یازدهم)
دیونیس‌تل‌مار : ۲۶۳۲
دیونیس‌هراکلی : ۱۴۴۹
دیونی‌سیوس : ۱۶۲۹ - ۲۰۴۹ - ۲۱۰۹ - ۲۴۵۸
دیونی سیوفان : ۸۶۳
دی‌ین : ۱۱۱۵
دی‌به‌نه‌سس : ۷۸۴

ذ

ذی‌القرنین : (اسکندر)

ر

را : ۵۰۳تا۵۰۵ - ۵۰۷ - ۵۷۰ - ۹۲۸ - ۲۰۹۷
راتی‌نس : ۴۲۹
رائین : ۱۰۹۱ - ۱۱۰۴
راجرس(ویلیام) : ۶۸۸ - ۹۴۵ - ۹۵۲ - ۹۸۷ ۱۳۱۵ - ۱۳۳۰ - ۱۳۴۹ - ۱۳۶۹ - ۱۴۰۷ ۱۶۲۲ - ۱۶۳۱ - ۱۹۳۸
رادامانت : ۱۹۲۸
رادامیست : ۲۴۲۵ تا۲۴۳۱ - ۲۶۲۰
راس : ۲۷۰۲ - ۲۷۰۸ - ۲۷۰۹ - ۲۷۱۴
راسین : ۲۱۴۷
رام‌بهشت : ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰
رام‌زی : ۴۹
رامسس (رامزس) : ۵۱
راموس : ۲۳۶۷
رامیترس: ۱۱۳۸ - ۱۲۴۸ - ۱۲۵۶ - ۱۳۱۰ - ۱۵۳۸
رانکه : ۶۴
راولن‌سن: ۳۲ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۴ - ۱۷۸ - ۲۲۷ - ۵۴۹ - ۶۹۵ - ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۲۱۸۸ - ۲۱۹۵ - ۲۲۰۷ - ۲۲۰۹ - ۲۲۱۸ - ۲۲۲۶ ۲۲۷۲ - ۲۲۸۶ - ۲۲۹۰ - ۲۳۷۳ - ۲۳۸۳ ۲۴۱۷ - ۲۴۲۳ - ۲۴۲۸ - ۲۴۲۹ - ۲۴۴۹ - ۲۴۵۲ - ۲۴۵۳ - ۲۴۵۷ - ۲۴۸۳ - ۲۵۲۳ ۲۶۲۴ - ۲۶۴۷ - ۲۶۵۸ - ۲۷۰۵
رایس : ۹م - ۱۱م
رئیس‌التجار : ۱۱م
رجبعلی : ۳م
رحوم : ۹۴۷ - ۹۴۸
رحیم‌زادهٔ صفوی : ۹۱م
رداسپ : ۲۱۹۶ - ۲۳۸۳
ردگونه: ۹۵۲ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۸ - ۱۶۲۵ - ۱۶۳۱ ۲۲۳۰
ردگون (دختراردشیر) : ۱۶۲۸
ردگون (دختر خشایارشا) : ۱۶۲۷
ردیمه : ۵۲۰ - ۵۲۱
رزت : ۴۳
رسام : ۵۲تا ۵۴
رضاخان (رضاشاه) : پهلوی
رع : (را)
رعمة‌بن‌کوش : ۴۴۴
رفعت‌افندی : ۲۵۸۲
رکسانس : ۹۱۶ - ۱۸۸۶
رکسانه (روشنك): ۴۸۳ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۱۴۴۶ ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷ - ۱۷۴۰ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۵ ۱۹۲۷ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۸ - ۱۹۵۴ - ۱۹۵۶

۱۹۵۷- ۱۹۵۹ تا۱۹۶۲- ۱۹۶۵ تا۱۹۶۷-
۱۹۸۹- ۱۹۹۳- ۱۹۹۸- ۲۰۱۹- ۲۰۲۳
۲۰۲۷ تا۲۰۲۹- ۲۰۳۲- ۲۰۴۳- ۲۰۴۴
۲۱۰۸
رکفلر: ۱۶۲۰
رم‌سین: ۱۱۷-۱۲۰
رنان: ۵۷
روزاسس: ۱۱۷۴- ۱۲۵۲- ۱۲۵۵
روزبه (ابن‌مقفع): ۱۰۰
روژه: ۴۳
روسا: ۱۷۲- ۱۹۴
روستوت‌زف: ۲۱۵۹
روس‌سیوس: ۲۳۲۱ تا۲۳۲۴
روشنك: (رکسانه)
روفا: ۲۵۸۹
رویتر: ۱۰۲م
رهام: ۱۳۵م
رهنما (زین‌العابدین): ۶۰م
ریچ: ۵۱
ریشارد: ۱۴۷۱- ۱۴۸۰- ۱۴۹۰- ۱۴۹۴-
۱۵۵۷- ۱۵۷۲- ۱۵۸۹
ریم‌سین: (رم‌سین)

ز

زاتوردات: ۲۶۲۷
زاره (فردریك): ۱۴۹۶- ۱۵۵۳- ۱۵۵۵-
۱۵۶۶- ۱۶۰۱- ۲۷۱۹- ۲۷۲۰- ۲۷۲۲
زاریاسپ: ۱۷۲۱- ۱۸۶۳
زاریادرس: ۲۰۸۳- ۲۲۷۱
زارین: ۲۱۳
زاهدی (سپهبد): ۱۰۰م
زئوس: (زوس)
زئه: ۲۶۲۲
زتسن: ۴۹
زربابل: ۹۴۷ تا۹۴۹
زرتشت: ۹۹- ۱۴۶- ۲۲۰- ۱۲۱۶- ۱۴۵۳-
۱۵۱۶- ۱۵۲۱- ۱۵۳۱- ۲۴۵۰- ۲۵۲۹-
۲۵۳۴- ۲۵۳۷- ۲۵۴۲ تا۲۵۴۴- ۲۵۷۴-
۲۵۸۳- ۲۶۸۹- ۲۶۹۱- ۲۶۹۲
زرسپ: (زاریاسپ)
زرنج‌پارسی: ۲۶۲۷
زروان‌اکرن: ۱۵۲۳- ۱۵۲۴
زکریا: ۹۴۸
زنن: ۷۸- ۱۱۱۲
زنو: ۲۳۹۶- ۲۳۹۸
زنوآرتاشس: ۲۶۱۹
زنوبگلاگی: ۹۷- ۲۱۸۱- ۲۶۰۳
زنوبی: ۲۴۲۸- ۲۴۲۹
زوایلوس: ۱۶۵۶
زوپیر: ۵۲۹- ۵۳۶- ۵۵۰ تا۵۵۴- ۶۶۹- ۷۰۱-
۷۳۸- ۸۰۳- ۸۳۳- ۹۳۳- ۹۵۷- ۱۶۲۶
زوپیرون: ۶۱۸
زوپی‌ریون: ۱۷۱۷- ۱۸۸۱
زوس: ۲۶۶- ۲۹۷- ۳۵۵- ۳۸۱- ۴۱۰-
۴۲۵- ۴۲۷- ۴۶۴- ۴۹۶- ۵۱۳- ۵۵۷-
۵۵۸- ۵۶۵- ۵۷۹- ۶۰۵- ۶۴۳- ۶۴۷-
۶۵۱- ۶۵۶- ۷۲۲- ۷۲۸- ۷۳۰- ۷۵۷-
۷۵۸- ۷۷۴- ۷۷۶- ۷۸۱- ۸۰۰- ۸۱۱-
۸۳۶- ۹۱۶- ۹۱۸- ۱۰۵۹- ۱۰۶۴-
۱۰۸۸- ۱۲۱۳- ۱۲۱۴- ۱۲۱۶- ۱۲۶۱
۱۲۹۶- ۱۲۹۷- ۱۳۶۲- ۱۵۱۵- ۱۵۱۶-
۱۵۱۸- ۱۵۱۹- ۲۰۹۸- ۲۳۲۶- ۲۶۷۹-
۲۶۹۰ ورجوع به‌زوپی‌تر شود
زوس‌آب رتنوس. ۲۱۰۳
زوس‌آسیا مئوس: ۲۱۰۳
زهره: ۱۱۹م ورجوع به‌اناهیتا شود
زیار: ۲۵۶۰
زی‌بژ: ۸۹۸
زی‌په‌تیس: ۲۰۹۴- ۲۱۵۱- ۲۱۶۶- ۲۲۰۰-

زنیس: ۱۱۰۰
زین‌العابدین شیروانی: ۳م
زیه‌لاس: ۲۱۵۱- ۲۱۶۶

ژ

ژازن: ۷۳۱ - ۲۲۶۸- ۲۳۲۵تا۲۳۲۷
ژان هیرکانوس: ۲۲۳۸
ژرمانیکوس: ۲۳۹۴تا۲۳۹۷
ژوپی‌تر: ۲۴۵- ۲۵۱- ۱۳۲۱- ۱۲۵۳- ۱۳۵۶
۱۳۸۴- ۱۳۹۳- ۱۶۶۲ ۱۶۶۷- ۱۶۶۹-
۱۶۷۱- ۱۷۳۰- ۱۷۴۰- ۱۷۵۰- ۱۷۵۲-
۱۷۷۱- ۱۷۷۷- ۱۸۵۳ - ۱۸۸۷- ۱۹۰۳
۱۹۰۶- ۱۹۲۸- ۲۱۲۸- ۲۴۹۲ - ۲۵۰۰
ورجوع به‌زوس شود
ژوستن: ۷۳- ۷۹ - ۸۷- ۸۸- ۲۶۲ - ۲۶۳ -
۲۸۵- ۲۸۶- ۴۷۰- ۴۷۸- ۴۸۴- ۵۰۶-
۵۳۱- ۵۳۲- ۶۰۱- ۶۱۸- ۶۷۵- ۶۷۶-
۶۷۹ تا ۶۸۱- ۶۸۵- ۶۹۵- ۷۴۹- ۸۸۲
۹۰۹- ۹۵۶- ۹۸۶- ۹۸۷- ۱۰۲۷- ۱۱۵۲
۱۱۵۶- ۱۱۶۶- ۱۱۸۸- ۱۱۸۹- ۱۲۲۶-
۱۲۳۳- ۱۳۲۸- ۱۳۳۳- ۱۳۵۱- ۱۳۵۶ -
۱۳۵۷- ۱۳۷۹- ۱۳۸۱- ۱۴۲۲- ۱۴۲۸-
۱۴۴۵- ۱۴۵۶- ۱۵۲۷- ۱۶۸۳- ۱۶۷۵-
۱۶۹۰- ۱۶۹۵- ۱۷۱۷- ۱۷۱۸- ۱۷۳۲-
۱۷۵۷ ۱۸۴۳- ۱۸۸۱- ۱۹۲۶- ۱۹۳۷-
۱۹۳۹- ۱۹۴۴- ۱۹۵۹- ۱۹۶۰- ۱۹۶۳-
۱۹۶۸تا ۱۹۷۰- ۱۹۸۱- ۱۹۸۲- ۱۹۸۴-
۲۰۲۶- ۲۰۴۴- ۲۰۵۲ - ۲۰۵۳- ۲۰۵۵
۲۰۵۶- ۲۰۶۸- ۲۰۸۱- ۲۰۸۲- ۲۰۸۴-
۲۱۷۴- ۲۱۷۵- ۲۰۸۷ - ۲۱۹۲- ۲۱۹۸ -
۲۲۰۲- ۲۲۰۳- ۲۲۲۵- ۲۲۰۷- ۲۲۰۹تا
۲۲۱۱- ۲۲۱۵- ۲۲۱۶- ۲۲۱۹- ۲۲۲۳-
۲۲۲۵ تا۲۲۲۸- ۲۲۳۰- ۲۲۳۵تا ۲۲۴۲-
۲۲۴۴تا ۲۲۴۷- ۲۲۵۷- ۲۲۵۸- ۲۲۶۰تا
۲۲۶۲- ۲۲۶۶ - ۲۲۶۷- ۲۲۷۲تا۲۲۷۵ -
۲۲۷۸- ۲۲۸۰- ۲۲۸۳- ۲۳۳۰- ۲۳۳۶-
۲۳۴۰- ۲۳۴۸تا۲۳۵۰- ۲۳۷۸- ۲۳۸۴
۲۴۴۶- ۲۶۶۸- ۲۶۸۶- ۲۶۸۹- ۲۶۹۳
ژوستی‌نین: ۹۰- ۹۲۷- ۲۱۷۶- ۲۵۳۳- ۲۶۱۴
۲۶۷۴
ژوگه: ۲۱۵۹
ژول‌سزار: (یولیوس‌سزار)
ژولیان: ۸۹- ۲۱۷۷- ۲۶۰۹
ژونن: ۸۵۲- ۸۵۵ - ۸۵۹ - ۸۶۵ - ۱۰۹۸ -
۱۲۱۶
ژوین (یویان): ۲۱۷۷
ژووین: ۲۶۰۹
ژی‌رودودسی: ۹۴۵
ژی‌ژیس: ۱۰۹۶- ۱۰۹۷
ژیگ: ۱۹۵
ژیگس: ۶۵۱
ژیل‌مر: ۶۱۲

س

سائیس: ۹۲۷
ساباریس: ۳۱۰
ساباس: (سابوس)
ساباسس: ۱۳۱۰
سابوربن اشك: ۲۵۴۶ - ۲۵۴۷ - ۲۵۴۹ -
۲۵۵۱ تا ۲۵۵۶ - ۲۵۵۹- ۲۵۶۵ - ۲۵۶۶
ورجوع به شاپور شود.
سابوس: ۱۸۳۴- ۱۸۳۵- ۱۸۴۴- ۱۸۵۱- ۱۸۵۲
سابیکتاس: ۱۲۸۵
ساتاس پس: ۸۹۳ - ۸۹۴
ساتراس: ۱۷۱۶
ساتورن: ۸۱۱ - ۸۵۶ - ۸۸۱
ساتی‌برزن: ۱۰۲۴ - ۱۳۷۹ - ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۵
۱۶۸۴ تـا ۱۶۸۶ - ۱۶۹۴
ساتی‌فرن: (تیسافرن)
سادکس: ۹۴۳

سادیارتس : ۱۹۵
ساراکس: (سین شروقین)
سارداناپال : ۲۰۸ تا ۲۱۱ - ۱۲۹۱
سارگن : ۵۲ - ۱۱۵ - ۱۱۷ - ۱۲۹ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۷ - ۱۹۴ - ۲۱۶ - ۶۸۸
ساری استر: ۲۲۸۸
ساسان: ۲۶۱۶ - ۲۶۱۷
ساسان اشکانی: ۲۶۱۵
ساسان جد اردشیر: ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰ - ۲۵۶۵ - ۲۵۹۰ - ۲۶۰۹
ساکاس : ۲۵۲ - ۲۵۳
سالارنظام : ۷۸م
سالموك سس: ۵۹۶
سالوست : ۱۴۵۷
سالەمن : ۲۱۱
سام: ۸ـ ۳۰
سامبوس: (سابوس)
سامس: ۲۰۸۷
ساموفیلاکس: (بطلمیوس)
سامی‌یوس: ۱۰۲۵
ساناتروکس: ۲۶۲۰ ورجوع به سندروك شود
سان خونیاتن: ۸۶
سان دانیس: ۲۷۲
سان دراکت: ۹۱ - ۱۷۸۱ - ۲۰۵۶ - ۲۱۰۲ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۴ ورجوع به چاندراگوپتا شود
سان دس: ۷۷۵
ساندوسه : ۸۲۴
سان زه : ۱۷۶۶
ساوس: ۲۵۵۱ - ۲۵۷۲
ساهاك: ۲۶۲۲
ساهم بن‌رزان: ۲۵۴۹
سایروس : ۲۳۲ ورجوع به کوروش شود
سایکس: ۶۲۹ - ۱۳۷۸ - ۱۴۶۵ - ۱۴۸۳
سبارس: ۲۶۳ - ۲۸۵
سبالی‌نوس: ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۶۱ - ۱۶۶۵ - ۱۶۶۶ - ۱۶۷۵
سبه‌اوس : ۹۶ - ۲۵۹۴ - ۲۶۱۲ - ۲۶۱۹
سپاراسیکس: ۱۰۳۵
سپارگاپی‌سس: ۴۵۱ - ۴۵۲
سپارتیانوس: ۲۵۰۸ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۲تا ۲۵۱۵ - ۲۵۲۳ تا ۲۵۲۵
سپاکا : ۱۷۳
سپاکو: ۲۲۰ - ۲۳۴ - ۲۳۷ - ۲۶۲
سپانتازاد: ۲۶۳۷
سپتیم سوروس: ۸۸ - ۲۱۷۶ - ۲۵۰۴تا۲۵۱۸ - ۲۷۰۹
سپسس : ۱۱۰۰
سپندات (اسفندیار) : ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۴ - ۵۳۵
سپولیس : ۱۷۲۵
سپهدار : ۳۱م - ۳۵م - ۴۷م - ۴۸م - ۵۵م - ۷۰م - ۷۱م - ۱۱۰م
سپهر(لسان‌الملك): ۲۵۸۰ - ۲۵۸۱
سپهرداد: (سپیت رادات)
سپهرم: ۱۳م
سپهسالار: ۴۲م - ۷۰م
سپی‌تاسس: ۱۷۹۰
سپی تاماس: ۲۴۰-۲۴۱
سپی‌تامن: ۱۶۹۳ - ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۸ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۶ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۸ - ۱۷۲۳ تا ۱۷۲۷ - ۱۸۸۳ - ۲۰۰۶ - ۲۰۵۴ - ۲۱۱۲
سپیت رادات : ۹۵۹ - ۱۵۴۸ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۱ -
سپیریدات: ۱۰۹۱ - ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ - ۱۲۴۸ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۵ - ۱۲۶۱
ستاتیرا : (استاتیرا)

ستاثیوس : ۲۴۹۷ - ۲۴۹۸
ستارخان، ۴۷م
ستاساندر، ۱۹۹۳ - ۲۰۰۸
ستاسانور: ۶۵۰ - ۱۶۹۵ - ۱۷۳۰ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ - ۱۹۶۷ - ۱۹۹۳ - ۲۰۱۹
ستاسپ : ۱۴۸۶ - ۱۵۴۹ - ۱۶۲۸
ستاسی‌کرات : ۱۹۰۳
ستامنس: ۱۷۲۵
سترابون : ۷۱-۷۳ - ۹۲ - ۹۳-۱۴۱-۱۴۸ - ۱۵۵ - ۲۲۲ - ۲۳۲- ۲۳۳-۴۶۹ - ۴۷۰- ۴۷۱-۵۰۶-۵۹۰-۶۱۱-۶۱۶ - ۶۹۹ - ۹۰۸- ۹۵۲ - ۹۹۱ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۸ - ۱۲۶۷ - ۱۳۷۲ - ۱۴۵۶ - ۱۴۷۵-۱۴۷۶ ۱۵۰۸ - ۱۵۰۹ - ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶-۱۵۲۸ - ۱۵۳۰- ۱۵۳۳-۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ - ۱۵۴۶ - ۱۵۴۷- ۱۵۶۵-۱۶۰۸ - ۱۶۵۵ - ۱۸۱۸ - ۱۸۳۳- ۱۸۳۷-۱۸۵۱-۱۸۵۴ - ۱۸۵۷ - ۱۸۷۰ - ۱۸۷۵-۱۸۷۷-۱۹۰۸ - ۲۰۵۸ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۲ - ۲۰۸۵ - ۲۰۸۴ - ۲۱۰۳-۲۱۱۱-۲۱۱۴ - ۲۱۱۵- ۲۱۵۱-۲۱۵۲ - ۲۱۵۹-۲۱۶۰ - ۲۱۶۲- ۲۱۷۵ - ۲۱۸۸- ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۵ ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۰- ۲۲۰۲-۲۲۰۸ ۲۲۱۴ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۲۴-۲۲۳۳ ۲۲۵۰ - ۲۲۵۷ - ۲۲۶۲- ۲۲۶۷-۲۲۷۲ ۲۲۷۴ - ۲۲۷۵ - ۲۲۷۷ - ۲۳۴۴-۲۳۷۳ ۲۳۸۲ - ۲۳۸۳ - ۲۳۹۸ - ۲۴۲۲-۲۴۸۰ ۲۵۰۵ - ۲۵۳۴ - ۲۵۳۵ - ۲۶۴۴-۲۶۴۵ ۲۶۴۹ - ۲۶۶۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۹-۲۶۹۲
ستراتونیس: ۱۳۲۳ - ۱۳۲۷ - ۲۰۵۹-۲۰۶۵ ۲۰۷۱ - ۲۰۷۵ - ۲۰۹۹ - ۲۱۲۵-۲۱۳۰ ۲۳۴۴
ستربوس: ۱۷۵۵
سترس‌تس : ۹۶۲
سترسمای‌یر: ۲۶۹۶
ستوس، ۱۸۸۱-۲۰۲۱
ستولز، ۱۰۵۷
سته سنور، (ستاسانور)
سداسب: (ستاسپ)
سراپیس: ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳
سراس پادان: ۲۳۸۳
سرافیم: ۲۶۲۶
سرتوریوس: ۲۱۴۱
سرداراسعد: ۴۹م
سرداراعتماد: ۷۸م
سردارجنگ: ۷۶م
سردار سپه: (پهلوی)
سردار منصور: ۴۱م
سرس: ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۹ - ۸۶۷ - ۱۲۶۵
سرگن ، (سارگن)
سرومیتر: ۷۳۷
سزار: (یولیوس)
سزستریس: ۴۰ - ۵۶۷ - ۵۶۹ - ۹۲۸-۲۱۹۲ ۲۱۹۳
سز نیوس‌پتوس: ۲۴۴۳تا ۲۴۴۹- ۲۴۵۵-۲۴۵۶- ۲۴۶۵ - ۲۶۷۰
سس تس : ۷۱۷ - ۸۶۴ - ۸۷۰ - ۸۷۲-۱۲۴۵
سعدالدوله : ۱۰م - ۴۹م - ۵۲م - ۵۳م-۱۲۶ م
سعدی : ۱۲۶م
سعیدخان وزیرخارجه : ۴م
سعیدی (احمد) : ۱۲۹م
سغدیانس : ۹۵۲تا ۹۵۵ - ۹۵۹ - ۱۶۲۷
سفه : (کفه)
سفیان : ۱۰۰
سفی‌نس : ۱۸۵۳
سقراط :۷۲- ۱۰۵۸ -۱۴۸۲ - ۱۵۰۳-۱۵۰۴ ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴ - ۲۳۲۶

سقراط آخائی : ۹۹۷ ـ ۱۰۵۲ ـ ۱۰۵۶
سکتوس یولیوس : (آفریکانوس)
سکرات : ۱۲۵۴
سکوپاسیس : ۶۰۳ ـ ۶۰۶
سل‌انت : ۸۹۳
سل‌بانوس : ۲۰۱۷
سلطان برقوق :(برقوق)
سلطان‌الواعظین : ۹۳م
سلکول اول(نیکاتور) : ۱۴۵۶ـ ۱۷۸۷ ـ ۱۷۸۹ـ ۱۸۸۳ ـ ۱۹۲۶ ـ ۱۹۳۳ ـ ۱۹۶۸ـ۱۹۶۹ـ ۱۹۹۴ـ۲۰۰۳ ـ ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ـ۲۰۲۰ـ ۲۲۰۹ ـ ۲۰۳۰ ـ ۲۰۳۳ ـ ۲۰۳۴ تا ۲۰۳۸ ـ ۲۰۴۲ـ۲۰۴۳ ـ ۲۰۴۶ تا ۲۰۵۰ ـ ۲۰۵۳ـ تا ۲۰۶۷ ـ ۲۰۷۲ ـ ۲۰۷۶ ـ ۲۰۹۰ ـ ۲۰۹۶ تا ۲۰۹۹ـ ۲۱۰۱ ـ ۲۱۰۲ـ ۲۱۰۹ ـ ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۳ ـ ۲۱۲۵ ـ ۲۱۳۳ـ۲۱۶۵ـ ۲۱۹۴ـ۲۲۱۴ـ ۲۲۷۱ ـ ۲۲۸۱ـ۲۴۰۸ـ ۲۵۹۵ ـ ۲۶۵۲ ـ ۲۶۵۴
سلکوس‌دوم (گالی‌نیکوس) : ۲۰۷۵ تا ۲۰۷۸ ـ ۲۱۰۵ـ ۲۱۱۳ ـ ۲۱۳۵ ـ ۲۱۶۷ ـ ۲۲۰۳ـ تا ۲۲۰۶ ـ ۲۲۰۹
سلکوس‌سوم (سوتر) : ۲۰۷۸ ـ ۲۰۷۹ـ ۲۱۶۷ـ
سلکوس چهارم : ۲۰۸۹ ـ ۲۰۹۹ ـ ۲۱۶۷ ـ ۲۲۱۶
سلوك پنجم : ۲۱۶۹
سلکوس‌ششم : ۲۰۸۹ ـ ۲۱۶۹
سلکوس پسر آنتیوخوس : ۲۰۷۱ـ۲۰۷۲ـ۲۰۸۳ـ ۲۵۹۸
سلکوس پسر دمتریوس : ۲۲۴۱
سلن : ۲۶۹ ـ۲۶۹ تا ۲۷۱ ـ ۲۷۹ـ۲۸۰۲ـ۱۹۱۸ـ ۱۹۸۱
سلیمان سلجوقی : ۲۱۵۲
سلیمان میرزا : ۵۳م ـ ۶۳م ـ ۷۶م ـ ۸۵ م ـ ۱۲۸م
سماتوفیلاکس : ۱۸۲۶
سمپاد : ۲۵۸۸
سمپادوهی : ۲۵۸۸
سوردمنس : ۷۳۸ ـ ۷۵۱ ـ ۱۶۲۶
سمردیس : ۵۲۱ تا ۵۲۳ ـ ۵۲۹ ـ ۵۳۱ ـ ۵۳۴ـ ۷۳۶ـ ۲۱۲۳ و رجوع به بردیا شود
سمیث (جرج) : ۵۳
سمیرامیس : ۱۷۰ ـ ۱۹۳ ـ ۵۵۱ ـ ۱۵۶۸ ـ ۱۵۶۹ ـ ۱۷۰۵ ـ ۱۸۴۰ ـ ۱۸۵۹ ـ ۲۲۶۸
سناخریب : ۵۲ ـ ۱۱۰ ـ ۱۳۶ ـ ۱۷۱ـ۱۷۸ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۷ ـ ۳۹۸ ـ ۲۴۷۳
سنت‌اگوستن : ۲۱۷۶
سنتروك : (اشك سیزدهم)
سند : ۲۶۰۲
سندروك ارمنی : ۲۱۸۱ ـ ۲۶۰۲ ـ ۲۶۳۴
سندروك اشکانی : ۲۵۰۴ ـ ۲۶۳۶
سندروك خواهر آبکار: ۲۵۹۸
سندروك خسرون : ۲۶۳۶
سن زریپوس : ۲۳۱۰ ـ ۲۳۱۲
سنك : ۲۴۳۱ ـ ۲۴۵۸
سن‌کرووا : ۱۳۱۸ ـ ۲۶۳۴
س‌گریگوار : (گریگوار)
سنمار : ۲۳۳۲
سن‌مارتن : ۲۶۰۱ ـ ۲۶۱۴ ـ ۲۶۱۷ ـ ۲۶۲۱ ـ ۲۶۲۳ ـ ۲۶۳۴ تا ۲۶۳۶
سنوس : ۱۳۰۷ ـ ۱۳۸۷ ـ ۱۴۱۶ ـ ۱۴۱۷ ـ ۱۴۳۱ ـ ۱۶۴۵ ـ ۱۶۶۰ ـ ۱۶۶۴ ـ ۱۶۷۰ ـ ۱۷۲۳ ـ ۱۷۲۴ ـ ۱۷۷۰ ـ ۱۷۷۳ ـ ۱۷۸۵ ـ ۱۷۸۶ ـ ۱۷۸۹ ـ ۱۷۹۴ ـ ۱۷۹۹ ـ ۱۸۰۸ ـ ۱۸۱۰ ـ ۱۸۱۶ ـ ۱۸۱۷ ـ ۱۸۱۹
سن‌ین : ۴۹
سوان‌سیس : ۷۴۲
سواموس : ۲۴۹۶ ـ ۲۴۹۸

سوئەتن(سوئەتونیوس) :۲۳۳۸ـ ۲۳۷۷ـ۲۴۰۰
۲۴۰۷ ـ ۲۴۵۰ ـ ۲۴۵۴ ـ ۲۴۶۶
سوپولیس ۱۷۴۹
سوتر : (آنتیوخوس اول)
سوتر : (سلکوس‌سوم)
سوتس : ۱۰۹۲
سورز : ۲۷۱۱
سورن (پهلو) : ۲۵۹۹ تا ۲۶۰۱ ـ ۲۶۱۸ ـ
۲۶۴۹ ـ ۲۶۵۰
سورنا : ۲۲۹۲ ـ ۲۳۰۴ ـ ۲۳۰۵ ـ ۲۳۰۸ ـ
۲۳۰۹ـ ۲۳۱۷تا۲۳۲۵ ـ۲۳۲۹ ـ۲۳۳۱تا
۲۳۳۳ ـ۲۳۳۵ـ ۲۳۴۲ ـ ۲۳۵۰ـ۲۴۰۴
۲۶۶۰ تا ۲۶۶۳ ـ ۲۶۶۶ تا ۲۶۶۸ـ۲۶۷۱
۲۶۸۶
سوروس : (سپ تیموس سوروس)
سوریاس : ۱۲۴
سوریانوس : ۲۴۹۶
سوسارمس : ۲۱۲ ـ ۲۱۵
سوسترات : ۱۷۴۶
سوسیاس : ۹۹۹
سوسیکلس : ۸۲۶
سوسیون : ۱۷۹۳
سوفاگازنوس : ۲۰۸۲ ـ ۲۲۱۴
سوفنت : ۹۹۷ ـ ۹۹۹
سوفەنس : ۱۳۲۳
سوفی‌تس : ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۵ ـ ۱۸۲۰
سولا : ۲۱۳۸ ـ ۲۱۴۰ ـ ۲۱۴۱ ـ ۲۱۵۸ ـ
۲۲۷۵ ـ ۲۶۶۳
سولون : (سلن)
سوماتوفیلاکس : ۱۸۰۲ ـ ۱۸۷۵ ـ ۱۸۹۰
سون‌سیوس : ۱۹۸
سوهموس : ۲۶۲۰ ـ ۲۶۳۶
سویداس : ۲۴۶۷ ـ ۲۴۶۸ ـ ۲۴۷۷ ـ ۲۴۹۶
۲۴۹۹
سوین‌تن : ۴۹
سەتس : (ستوس)
سەسن‌نیوس : (سزنیوس)
سەگردیان : ۲۱۸۰
سیبان‌بن‌ارتشاخ ، ۲۵۴۹
سی‌برتیوس : ۱۸۶۱ ـ۱۹۶۷ ـ ۲۰۰۸ـ۲۰۱۴
۲۰۱۸ ـ ۲۰۱۹
سی‌برنیسك ، ۷۴۲
سی‌پیون : ۲۳۱۴
سی‌تاکلس : ۹۴۲ ـ۹۴۳ ـ ۱۲۹۱ ـ ۱۶۸۲
سی‌تالسس : ۱۸۶۴
سی‌تەاوس : ۱۹۶۹
سی‌تیس‌سور : ۷۷۶
سی‌دری‌تس : (دمتریوس)
سی‌ده : (آنتیوخوس ششم)
سید یعقوب : ۱۱۰ م
سیرا ؛ ۱۷۵۶
سیرموس : ۱۲۲۸ ـ ۱۲۲۹
سیروس : (کوروش)
سیرومیتر : ۷۳۳
سیریل اسکندرائی : ۱۵۱۶
سیزیك ، (آنتیوخوس نهم)
سیس : ۴۸ ـ ۴۹
سی‌سامس : ۱۶۲۷
سی‌سام‌نس : ۶۲۵ ـ ۷۳۳ ـ ۱۴۸۸
سی‌سرون : ۷۰ ـ ۲۱۵۹ ـ ۲۱۷۸ ـ ۲۳۳۴
سی‌سی‌توکس : ۱۷۷۶
سی‌سیك ، ۱۷۹۹
سی‌سی کس‌توس : ۱۷۷۵
سی‌سی گامبیس (ملکه) : ۱۱۸۸ ـ ۱۲۹۸ ـ
۱۳۱۷ـ ۱۳۱۸ ـ ۱۳۹۰ ـ ۱۴۰۸ـ۱۴۱۱
۱۴۴۹ ـ ۱۴۶۶ ـ ۱۵۲۸ ـ ۱۵۲۹ـ۱۹۱۵
۱۹۳۶
سی‌سی گامبیس(دختراستانس) : ۱۶۲۸ـ۱۶۲۹

سی‌سی‌ماکس : ۶۵۱
سی‌سی میترس : ۱۷۵۸ تا ۱۷۶۱
سی‌سی‌نوس : ۸۱۰ - ۸۲۱ - ۱۳۰۳
سیلاس (سیلاکس) ، ۲۳۰۴ - ۲۳۲۵ - ۲۳۳۱
سیلس : ۲۰۳۸
سیل‌لیاس : ۷۹۲
سیلوسون : ۶۲۷ - ۶۲۸
سیلوکو : (سلکوس)
سیم‌میاس : ۱۶۷۷ - ۱۶۸۲
سیمون (کیمون) : ۹۱۳ - ۹۱۹ - ۹۲۴-۹۲۶
۹۲۷ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۴۰ - ۹۴۱-۹۸۶
سیمون(حواری) ، ۲۶۰۲
سینا : ۲۱۲۹
سیناخریب : (سناخریب)
سیناتروکس : (سنتروك)
سینان ، ۱۹۵۵
سین‌ناکس : ۲۳۹۹ - ۲۴۰۰ - ۲۴۰۳
سین‌زیر : ۶۸۰
سین‌شروقین (شروکین) : ۱۸۶ - ۲۱۴
سینوس : ۱۹۶۸ و رجوع به‌سنوس شود
سی‌یاتوس : ۷۶۹ - ۷۷۰

ش

شابا ۴۳
شاپشال : ۱۱۷م
شاپور ارمنی :۲۵۹۸
شاپور اشکانی: ۲۵۴۱-۲۵۴۲ - ۲۵۴۷-۲۵۶۰
۲۵۶۷ تا ۲۵۶۹ - ۲۵۷۱ -۲۵۷۲- ۲۵۷۶
تا ۲۵۷۹
شاپور اول ساسانی : ۱۵۱۷ - ۲۶۲۱ -۲۶۳۷
شاپور دوم :۱۵۱۷ - ۱۵۹۰ -۲۶۰۹ -۲۶۱۰
شاپورسوم : ۲۶۳۷
شاپور پسر پابك : ۲۵۳۰
شاپور پسریزدگرد :۲۶۳۸
شاردن : ۴۳
شام پولیون: ۴۲ -۴۳-۱۰۹
شاه‌پوه : ۲۶۰۸ ورجوع به‌شاپور شود .
شاهرخ(گیخسرو) ، ۱۲۹م
شاه عباس‌کبیر : ۶۸۹ - ۲۱۸۷ - ۲۵۴۴
شاه نعمت‌اللّه‌ولی ، ۱۲۱۵
شتوکن : ۶۲
شتین : ۶۹
شرادر : ۶۰ -۶۱
شربین وود : ۱۵۰
شریعت‌زاده، ۳۵م
شش بصر ، ۴۰۲
شعاع‌السلطنه ۵۵م
شفق (دکتر رضازاده) ، ۶۴م
شلم‌نصر : ۵۳ -۱۶۹ - ۱۷۰ - ۲۲۷ - ۱۵۶۹
شلیمان : ۱۹
شمپه پاکارد ، ۲۵۸۶
شمس‌اداد : ۱۶۹
شمسوایلونات : ۱۲۰ - ۱۹۰۷
شمشائی، ۹۴۷-۹۴۸
شمیدت : ۱۶۲۱
شنیدلر : ۲۶۴۵
شوتروك ناخونتا : ۱۲۴ - ۱۳۴ - ۱۹۰۷
شوستر ، ۱۲۴م
شوشیناك : ۳۶ - ۱۳۲
شهاب‌الدوله ملك‌آراء ، ۷۳م - ۷۴م
شهرستانی : ۹۰۷
شی‌پیه :۶۲-۲۲۱ - ۵۸۰ - ۵۹۷ - ۷۶۳-۷۸۳
۹۹۳ - ۱۰۱۳ - ۱۴۰۶ - ۱۴۵۴-۱۵۱۳
۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ - ۱۶۱۶
شیخ (احیاءالملك) ، ۵م
شیخ‌العراقین ، ۹۲م - ۱۰۰م
شی‌کوشتی : ۶۹۹
شیل : ۳۶ -۵۶ - ۱۶۰۸
شیل خاکین شوشناك :۱۳۴

ص

صارم‌الدوله ، ۶۰ م

صاحب‌بن‌عباد ، ۱۰۳
صدرالاشراف ، ۳۱تا ۳۵م - ۴۲م - ۴۳م
صدر بلاغی :۴م
صدقیا ،۱۹۲
صفا (ظهیرالدوله) : ۴۶م
صمصام‌السلطنهٔ بختیاری : ۳۵م-۴۸م -۴۹م-۵۶م-۷۱م
صنیع‌الدوله ،۱۹م - ۲۱م - ۲۳م - ۴۰م - ۴۵م

ط

طالس : ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۷۵ - ۳۸۰
طبئیل : ۹۴۷
طباطبائی (سید ضیاءالدین): ۶۰م - ۷۲ تا۷۵م
طباطبائی (محمدصادق) : ۲۲م - ۵۳م
طبری : ۱۰۱ - ۱۰۵ - ۲۳۲ - ۴۷۸ - ۴۷۹- ۵۳۷ -۶۹۸ - ۹۵۳ -۹۵۶- ۹۹۱ - ۱۱۶۴ ۱۱۸۸ -۲۵۲۹- ۲۵۳۰ - ۲۵۴۶تا۲۵۴۹ ۲۵۵۱ تا ۲۵۵۳ - ۲۵۵۷ - ۲۵۶۰
ططوس : (تیتوس)
طوماس‌حواری : ۲۶۳۳
طومانیانس : ۱۲۳م
طویل‌الیدین : (اردشیر درازدست)

ظ

ظل‌السلطان : ۱۲۵م
ظهیرالدوله : (صفا)

ع

عارف قزوینی : ۶۴م- ۷۴م - ۷۵م - ۹۹م
عاصم‌بیک : ۵۳م
عباس : (شاه‌عباس)
عباس‌آقا تبریزی : ۱۰م
عباس‌میرزا : ۳م
عبدالحسین واعظ : ۲۱م
عبدالحمید : ۱۱۳م
عبدالحمید خامنه‌ای : ۶۳م
عبدالله (سید) : (بهبهانی)
عبدالنبی‌نوری : ۱۰۲م
عبدالوهاب (حاج) : ۱۸م
عبدالوهاب (میر) : ۳م
عبدالوهاب خان نصیرالدوله : ۴م
عبدو : ۱۶۳۰
عثمان : ۲۱۵۲
عزرا (نبی) : ۲۰۷ - ۲۱۷ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۶۹۸ -۹۴۵ - ۹۴۶- ۹۴۹ - ۹۹۱-۱۱۵۹ تا ۱۱۶۱
عزت : ۲۴۱۲ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۶ - ۲۴۲۰ - ۲۴۲۱ - ۲۴۲۹ تا ۲۴۳۱ - ۲۶۳۴
عزیزکاشی : ۷۹م
عسکربن ابی‌نصر : ۱۰۵
عشقی :۸۴م
عضدالدوله ،۱۰۳- ۱۰۵
عضدالملك : ۴۶م - ۴۸م - ۱۲۴ م
عضدی (یدالله) ، ۱۳۷م
علاء (حسین) : ۱۰۱م - ۱۰۴م - ۱۰۹ م
علاءالدوله : ۱۱م - ۴۱م - ۱۲۴ م
علاءالسلطنه :۴۸م - ۵۶م
علائی : ۱۱۰م
علامهٔ حلی : ۱۰۳
علامیر (محمود) : ۱۲۸م
علی‌بن ابی‌طالب ، ۱۰۵
علی‌اصغر خان : (اتابك)
علی‌خان : ۱۴م
عمادالسلطنه : ۱۰۰م
عیسی مسیح : ۱۵۶۹ - ۲۱۸۲ - ۲۲۶۳-۲۳۹۱ ۲۴۷۲ - ۲۴۷۳ -۲۵۴۵- ۲۵۴۷- ۲۵۵۱ ۲۵۵۹ -۲۵۶۰ - ۲۵۶۶تا۲۵۷۰- ۲۵۷۲ ۲۵۷۷تا۲۵۷۹ -۲۶۰۱ - ۲۶۰۲ -۲۶۰۸- ۲۶۳۲- ۲۶۳۳ - ۲۶۹۰ - ۲۶۹۵-۲۷۰۱
عین‌الدوله :۶م -۷م - ۵۲ تا۵۶م -۷۱م ۱۲۲م ۱۲۳م - ۱۲۴م

ف

فابیوس : ۲۲۸۸

فارسیریس : ۹۵۲
فارناسس ، ۹۷۴ - ۱۲۵۳
فارناسیاس ؛ ۹۵۳- ۹۵۹
فارناکس : ۱۶۲۵
فازهلیت : ۱۲۷۶
فالی‌نوس : ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۰
فالییر ،۲۵م
فانیاس :۸۲۵ _ ۹۱۵
فایدیم : ۱۶۲۵ _۱۶۲۶
فراآتاکس :(فرهادك)
فرا ارتس ، ۱۷۶ -۱۷۹ _ ۲۱۵ تا ۲۱۷
فراتافرن : ۱۳۷۹ _ ۱۶۸۵ _ ۱۷۲۰ _ ۱۷۲۲
۱۷۲۵-۱۷۹۸-۱۸۸۵ _ ۱۹۶۷-۱۹۶۹
۲۰۰۷
فراتاگون : ۷۸۲
فرادات :۱۱۳۸ _ ۱۷۲۵
فرازا ارث : ۱۸۷۰ _ ۱۸۷۵
فرازر : ۲۱۸۴
فراسا ارت : ۱۴۲۵
فرتافرن : ۱۸۶۳-۱۸۶۴ورجوع‌به‌فراتافرن‌شود
فرتگون ، ۱۶۲۶
فردات : ۹۲۶ _ ۱۳۸۰ _ ۱۸۷۴
فرداس‌من : ۱۸۸۵
فردوسی :۲م - ۱۳۵م _ ۱۴۰م _ ۱۴۳م-۱۴۴م
۱۶۴ _ ۲۵۳۰-۲۵۴۱ تا۲۵۴۵ _ ۲۵۵۷
۲۶۵۲
فرس من : ۲۴۰۱ _ ۲۴۰۲ _ ۲۴۰۶- ۲۴۱۵
۲۴۲۵تا ۲۴۲۷-۲۴۳۵ تا ۲۴۳۷-۲۴۶۰
۲۴۹۰ تا۲۴۹۳
فرکلس : ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸
فرگوسن: ۲۷۰۸ _ ۲۷۰۹
فرمانفرما :۵م _ ۳۶م _ ۷۰م -۱۱۰م
فرمند (ضیاءالملك) ، ۱۰۴م
فرناپات : ۲۳۴۵
فرناباذ :۹۴۳ _ ۹۶۵ -۹۶۷ _ ۹۷۷تا ۹۷۹ _
۹۸۱ _ ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۳ _ ۱۱۰۰ تا
۱۱۰۲ -۱۱۰۴تا ۱۱۰۸ -۱۱۱۰ تا۱۱۱۷
۱۱۳۲ -۱۱۳۴ تا ۱۱۳۸ -۱۱۴۲-۱۱۵۴
۱۲۸۱ -۱۲۹۴ _ ۱۳۰۰ -۱۳۲۲ -۱۳۲۹
۱۳۴۶ _ ۱۴۰۲ -۱۴۴۷ _ ۱۴۹۶-۱۶۲۸
فرنازاتر :۷۳۲
فرناس : ۹۴۳
فرناك :۱۴۴۹ -۲۱۲۸-۲۱۲۹ -۲۱۳۵-۲۱۳۶
۲۱۴۶ -۲۱۴۸ _ ۲۱۶۷
فرناك دوم : ۲۱۴۶ _ ۲۱۴۸ _ ۲۱۴۹
فرناگس : ۱۶۲۹
فرندات : ۷۲۳ _ ۷۳۷ _ ۱۱۷۹ _ ۱۶۲۷
فرنداتس ، ۱۶۲۶
فرنس پس : ۴۸۰ _ ۴۸۵ _ ۵۲۰
فرنل :۵۴
فرنوخ : ۷۳۹ - ۷۴۰
فرنوخوس :۳۵۲ _ ۳۵۷ -۴۶۰
فرنوك ، ۱۷۰۶ _ ۱۷۱۱
فرورتیش ، ۱۷۳ -۱۷۹ _ ۱۸۰ _ ۱۸۵-۲۰۰
۲۳۲ _ ۵۴۲ - ۵۴۴ _ ۵۴۵ -۱۵۷۶ و
رجوع به‌فرا ارتس‌شود .
فروزانفر :۱۲۶م
فروغی (ابوالحسن) : ۱۳۰م
فروغی ذکاءالملك :۱۶م - ۵۰م _ ۸۵م -۸۶م-
۱۳۰م- ۱۳۴م
فرولاس : ۴۲۴ _ ۴۲۸ تا ۴۳۱
فرونتو : ۲۱۸۰ _ ۲۴۷۶ _ ۲۴۷۷ _ ۲۴۸۵
فروهر ، ۲۲۱ _ ۱۱۸۶ _ ۱۴۶۱ _ ۱۵۵۸ _
۱۵۶۹ _ ۱۵۸۴ -۱۵۹۲ _ ۱۶۰۱ -۲۰۹۸
فرهاد اول : (اشك‌پنجم)
فرهاد دوم : ۲۰۸۷ _ ۲۰۸۸ _ ۲۲۰۶ ورجوع
به‌اشك‌هفتم شود
فرهادسوم : (اشك‌سیزدهم)

فرهاد چهارم ، (اشك‌چهاردهم)
فرهادپنجم ، (فرهادك) ۱
فرهادپسرفرهاد چهارم:۲۳۸۳-۲۳۹۹ تا ۲۴۰۱
فرهادك :(اشك پانزدهم)
فرهاد میرزا ، ۱۵۸۳
فرهدشت ، ۲۶۳۰
فریبرزین‌کاوس :۲۵۷۷
فری‌تیما : ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵
فریدون : ۱۶۱م - ۲۵۸۲
فریزر ، ۲۱۸۴
فریسمان : ۱۸۶۴
فریکسوس ، ۷۷۶
فریگیوس :۱۲۱۱ - ۱۶۶۰
فرین شمیوس :۸۲
فری‌نیکوس : ۶۵۴ - ۹۷۱ - ۹۷۲
فری‌پایت : ۲۱۹۶ - ۲۱۹۷ - ۲۲۰۹ - ۲۵۳۱
۲۵۸۲ و رجوع به اشك‌سوم شود .
فژه : ۱۸۰۴ - ۱۸۰۵
فساموث :۱۱۴۱
فسرون :(ارسس)
فسمتیخ : (پسامتیك)
فضل‌الله‌نوری (شیخ) ، ۴۵م
فقور : (پاکر)
فغور : (پاکر)
فکوری : (پاکر)
فلامی‌نی‌نوس : ۲۱۶۳
فلاندن : ۵۶ - ۲۲۲ - ۴۷۳ - ۶۰۲ - ۶۰۸-
۶۱۴-۶۲۱-۶۲۶ - ۶۳۲- ۶۴۱-۷۰۷
۷۱۹ -۷۲۶- ۷۳۷ - ۷۶۶- ۹۰۱-۹۵۸
۹۸۲-۱۰۰۳- ۱۰۳۵ - ۱۰۴۶ - ۱۰۷۹
۱۱۶۵ - ۱۲۲۱- ۱۲۲۸ - ۱۲۴۰-۱۲۵۳
۱۲۶۵ -۱۲۸۹ -۱۳۰۲ - ۱۴۴۱-۱۵۶۰
۲۶۸۷- ۲۷۰۲ - ۲۷۰۴- ۲۷۰۶-۲۷۰۷
فلاویوس گالوس :۲۳۶۰ -۲۳۶۱
فلاویوس (یوسف) : ۷۰-۷۶-۸۰-۸۱-۲۱۱۱ -
۲۱۱۴-۲۱۷۳ - ۲۱۷۵-۲۲۳۸ - ۲۲۴۰
۲۳۴۳- ۲۳۸۱ - ۲۳۹۰ - ۲۳۹۱-۲۳۹۳
۲۳۹۴ - ۲۴۰۱ - ۲۴۰۲ - ۲۴۰۵ تا
۲۴۰۷ - ۲۴۱۱- ۲۴۱۲ - ۲۴۱۳-۲۴۱۶
۲۴۱۷ -۲۴۲۲- ۲۴۲۴ - ۲۴۲۵-۲۴۳۰
۲۴۴۱- ۲۴۵۵-۲۴۵۸ - ۲۴۶۰ -۲۴۶۱
۲۵۴۰- ۲۵۷۴ - ۲۶۳۰ - ۲۶۳۱-۲۶۳۴
۲۶۳۹-۲۶۵۹ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۶ - ۲۶۸۸
۲۶۸۹ - ۲۶۹۷
فلورین : ۲۶۰۷
فله‌گون : ۲۲۷۶
فنیکس : ۱۲۳۰
فوثیوس : ۷۳ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ - ۱۹۰۰
فورموس : ۷۷۰
فدستوس:۹۷ - ۱۲۸۱-۲۵۹۸ - ۲۶۱۵-۲۶۱۷
فوسیون : ۱۱۶۹ - ۱۱۷۲ - ۱۲۳۶ - ۱۲۶۲
۱۹۸۰
فیثاغورث (حکیم) : ۳۷۹ - ۵۹۶ - ۱۱۹۴
۱۸۵۳ - ۱۸۵۴
فیثاغورس (حاکم) :۶۵۲
فیرمیلین : ۲۶۰۷
فیروزبن‌بلاش : ۲۵۷۷ - ۲۶۱۳
فیروزبن‌هرمزان : ۲۵۴۹ - ۲۵۵۳ تا ۲۵۵۶
۲۵۶۳ تا۲۵۶۵ - ۲۵۷۸ تا ۲۵۸۰ - ۲۵۸۲-
۲۵۸۹ - ۲۵۹۷
فیلا ، ۲۰۵۹
فیلائون : ۷۹۳
فیلادلف : (بطلمیوس‌دوم)
فیلادلف :(آنتیوخوس دهم)
فیلادلفوس : (فرهاد اول)
فیلاکروس : ۶۷۰
فیلاکوس : ۸۰۰ - ۸۱۲
فیلبس : (فیلیپ)

فیلقس : (فیلیپ)
فیلوپاتر: (سلکوس چهارم)
فیلوپاتر : (بطلمیوس چهارم)
فیلوتاس : ۱۲۱۱ - ۱۲۴۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۷۷
۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۴۰۸ - ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷
۱۶۵۲ - ۱۶۵۷ تا ۱۶۶۵ - ۱۶۶۸ تا ۱۶۷۷
۱۶۷۹ تا ۱۶۸۳ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۷ - ۱۷۴۰
۱۷۴۶ - ۱۷۴۷ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱ - ۱۹۱۵
۱۹۴۷ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۸ - ۲۰۰۷
فیلوتر : ۲۱۶۶
فیلوستراتوس : ۲۶۵۸ تا ۲۶۶۱ - ۲۶۸۶ - ۲۶۹۷
فیلوکسن : ۱۴۰۶ - ۱۶۸۶ - ۱۹۲۵ - ۱۹۹۳
فیلومتر : (بطلمیوس ششم)
فی‌لوملوس : ۱۱۹۸ - ۱۱۹۹
فیلون : ۸۶ - ۸۷ - ۱۶۴۹ - ۱۹۷۴
فیله‌تروس : ۲۰۷۲ - ۲۱۴۹
فیلیپ‌دوم (پدراسکندر) ، ۷۴ - ۱۴۰ - ۶۲۴ -
۱۱۲۲ - ۱۱۳۲ - ۱۱۸۱ تا ۱۱۸۳ - ۱۱۸۷
۱۱۸۹ تا ۱۱۹۲ - ۱۱۹۴ تا ۱۲۱۴ - ۱۲۱۶
تا ۱۲۲۵ - ۱۲۲۹ - ۱۲۳۶ - ۱۲۳۸ - ۱۲۴۲
۱۲۴۴ - ۱۲۵۸ - ۱۲۷۶ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳
۱۳۰۸ - ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶
۱۳۷۴ - ۱۴۰۳ - ۱۴۲۵ - ۱۴۳۴ - ۱۶۴۴
۱۶۵۱ - ۱۶۷۱ - ۱۶۷۶ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۱
۱۷۳۳ - ۱۷۴۵ - ۱۷۵۰ - ۱۷۵۵ - ۱۸۴۱
۱۸۸۱ - ۱۸۸۷ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۵ - ۱۹۳۴
۱۹۴۶ - ۱۹۵۵ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۶
۱۹۷۱ - ۱۹۷۶ - ۲۰۱۳ - ۲۰۲۶ - ۲۰۲۷
۲۰۴۵ - ۲۰۵۳ - ۲۰۹۶ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۳
فیلیپ‌سوم : (آریده)
فیلیپ چهارم : ۲۱۶۶
فیلیپ پنجم : ۲۰۸۳ - ۲۱۶۸
فیلیپ‌سرداراسکندر : ۱۶۵۳ - ۱۶۵۶ - ۱۷۸۲
۱۷۹۹ - ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۲ - ۱۸۳۰ - ۱۸۶۳ -
۱۹۱۳ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۲۰۰۷
فیلیپ‌سلوکی : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۹ - ۲۲۲۲ - ۲۲۲۵
فیلیپ‌پسر بالاکروس : ۱۳۸۷
فیلیپ پسر کاساندر : ۲۰۶۰
فیلیپ‌پسر لیزیماك : ۱۷۶۰
فیلیپ ته‌آن‌ژل : ۱۶۴۹
فیلیپ کالیس : ۱۶۴۹
فیلیپ طبیب‌اسکندر : ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۱ - ۱۳۴۹
۱۶۶۸
فیلیپ دروغی : ۲۱۶۳
فیلیپ‌پیدا : ۶۷۱
فیلیس‌کوس : ۱۱۴۹
فی‌لی‌مون : ۲۶۰۹
فی‌لیا : ۲۰۶۵
فی‌لینا : ۱۹۳۴

ق

قائم‌مقام : ۱۱م
قابوس : (کبوجیه)
قابیل : ۱۱۱م
قارن پهلو ۲۲۶۵ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۰ - ۲۶۱۸
۲۶۱۹
قارون : ۲۶۹
قالوش : (کاووس)
قباد : ۲۵۴۱
قحطان : ۱۰۲
قراگزلو : ۱۳۰م
قزوینی (ممحد) : ۱۳۰م
قسطنطین : ۸۹ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۹ - ۲۵۷۲
قمباسوس : (کبوجیه)
قمبوزس : (کبوجیه)
قنوج : (کبوجیه)
قوام‌السلطنه (احمد) : ۷۲م - ۷۴م - ۷۵م - ۷۷م
۷۸ - ۸۱م - ۸۲م - ۸۹م - ۹۰م

ك

کابوس ، (کبوجیه)
کاپونیوس : ۲۳۱۷
کاپی‌تولینوس (یولیوس) : ۲۱۸۰ ـ ۲۶۸۹
کانانس ، ۱۷۵۷
کانن : ۱۶۹۸ ـ ۱۶۹۹ ـ ۱۷۰۳
کادموس : ۷۶۵
کاراکالا ۲۵۱۷ تا ۲۵۲۵ ـ ۲۵۲۷ ـ ۲۶۱۸
کارانوس : ۱۶۸۴ ـ ۱۶۸۵ ـ ۱۷۰۶ ـ ۱۷۱۱
کارتازس : ۱۷۰۷
کاردرف ، ۵۱م ـ ۵۳م
کاردوخاس ، ۳۵۲
کارس‌تنس : ۴۴
کارن : ۲۴۲۱ ـ ۲۴۲۲
کازاوون ، ۲۶۳۷
کازیمیر ، ۱۴۵۷
کاس ،۵۹۶ ـ ۶۲۰ ـ ۶۲۱ ـ ۶۴۲
کاساندان : ۴۵۴ ـ ۴۸۰ ـ ۴۸۳ ـ ۴۸۵ـ۱۴۶۴
۱۵۶۳ ـ ۱۶۲۵
کاساندر : ۱۲۳۵ ـ ۱۲۴۷ ـ ۱۹۱۵ ـ ۱۹۲۷
۱۹۳۱ ـ ۱۹۶۷ ـ ۱۹۶۹ ـ ۱۹۹۳ـ۱۹۹۷
۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ـ ۲۰۰۴ـ ۲۰۰۵ـ۲۰۱۳
۲۰۲۲ تا ۲۰۲۸ ـ ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۴ـ۲۰۴۳
تا۲۰۴۵ـ۲۰۴۷ تا ۲۰۵۰ ـ ۲۰۵۵ـ۲۰۵۹
۲۰۶۰ـ ۲۰۶۲ ـ ۲۱۳۲ ـ۲۱۳۳ـ۲۱۶۶
کاس پریوس ، ۲۴۲۶ ـ ۲۴۲۷
کاستور ، ۱۷۲۷ ـ ۱۷۳۴ ـ ۱۷۴۱
کاسیوس : ۲۱۴۷ ـ ۲۳۰۱ ـ ۲۳۰۳ ـ ۲۳۰۵
تا۲۳۰۷ ـ۲۳۱۵ ـ۲۳۱۸ ـ ۲۳۱۹ـ۲۳۳۴
۲۳۳۵ ـ ۲۳۳۹ ـ ۲۳۴۰ ـ ۲۳۴۲ـ۲۴۳۸
۲۴۳۹ ـ ۲۷۰۵ ـ ۲۷۱۴
کاسیوس (آویدیوس) : ۲۴۹۷ تا ۲۵۰۱ـ۲۵۰۳
۲۵۰۶ ـ ۲۶۷۰
کاظم‌خان ، ۷۲م
کالاس : ۱۲۴۳ ـ ۱۲۴۷ ـ ۱۲۶۰ ـ ۱۲۸۵ ـ
۱۳۴۶ ـ ۲۰۲۴

کالانوس ، ۱۸۷۷ تا ۱۸۷۹ ـ ۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۹
کالخاس ، ۷۴۱
کالودوش : ۱۳۶
کالیاس ، ۷۶۱ ـ ۹۳۶ تا ۹۴۰
کالیدروموس : ۲۴۶۶
کالیس ، ۱۶۷۳
کالیس‌تن، ۸۲ ـ ۹۸ ـ ۱۱۱۵ ـ ۱۲۲۰ـ۱۳۰۶
۱۳۵۶ ـ ۱۳۹۴ ـ ۱۷۳۰ ـ ۱۷۴۲تا۱۷۴۵
۱۷۴۸ـ ۱۷۴۹ ـ ۱۷۵۳ تا ۱۷۵۷ـ۱۹۲۷
۱۹۲۹ ـ ۱۹۴۷ ـ ۲۰۹۸
کالی‌کرات ، ۱۴۰۹
کالی‌کراتید : ۹۸۱ ـ ۱۱۱۹ ـ ۱۳۲۲
کالی‌گولا ، ۸۱ ـ ۲۱۵۴ ـ ۲۴۰۷ ـ ۲۴۱۵
کالی‌ماك ، ۶۷۲ تا ۶۷۴
کالی‌ماندر : ۲۲۳۵
کالی‌میدون : ۱۱۱۵
کالی‌نس ، ۱۸۹۱
کالی نیکوس ، ۲۴۵۶
کماکسوس : ۱۷۸۵
کامبوزس ،کامبیزس : (کبوجیه)
کمناسکیر : ۲۲۲۷ ـ ۲۶۷۶
کامیسار : ۱۱۴۱
کانداش : ۱۹۰۷
کاندولا : ۱۹۵
کاندیدیوس : ۲۳۶۱
کان‌بینگ : ۲۶۹۸
کایوس‌پاك‌سیانوس ، ۲۳۲۳
کایوس کاسیوس : ۲۳۸۶ ـ ۲۳۸۹ ـ ۲۳۹۷ ـ
۲۴۲۰
کبارس ، ۱۴۲۱ ـ ۱۶۹۱ ـ ۱۶۹۲
کبن ، ۶۶۵ ـ ۶۶۷
کبوج ، (کبوجیه)
کبوجیه ، ۴۵ ـ ۷۰ ـ ۲۲۸ تا ۲۳۱ـ ۲۳۴ ـ
۲۳۷ ـ ۲۴۴ ـ ۲۵۹ ـ ۲۶۱ ـ۲۶۴ـ ۲۹۶

۲۹۸ ـ۲۹۹ تا ۳۰۲ ـ ۳۰۴ ـ ۳۷۵ـ۳۸۷
۳۹۱ ـ ۴۵۰ ـ ۴۵۸ ـ ۴۵۹ ـ ۴۶۳ ـ ۴۶۵ـ
۴۶۶ ـ ۴۷۶ ـ ۴۷۸ تا۴۹۴ ـ ۴۹۶ تا ۵۰۹
۵۱۶ تا ۵۲۳ ـ ۵۲۵ ـ ۵۲۹ تا۵۳۳ـ۵۳۵
تا ۵۳۷ـ ۵۵۴ ـ ۵۵۷ ـ ۵۶۳ ـ۵۶۶ـ۵۶۸
۵۷۴ـ ۵۷۶ ـ ۶۲۵ ـ ۶۲۷ ـ ۶۷۰ـ۶۸۲
۶۸۴ـ ۶۸۷ ـ ۷۰۲ ـ ۷۰۵ ـ ۷۱۰ ـ
۷۱۳ ـ ۹۲۸ ـ ۹۲۹ ـ ۹۵۰ ـ ۹۵۶ ـ ۹۶۴
۱۱۲۷ ـ ۱۱۴۱ ـ ۱۱۶۵ ـ ۱۲۱۴ـ۱۴۵۲
۱۴۶۴ ـ ۱۴۷۱ ـ ۱۴۷۵ ـ ۱۴۸۷ـ۱۴۸۸
۱۴۹۱ ـ ۱۵۲۸ ـ ۱۵۳۱ ـ ۱۵۳۳ـ۱۵۴۷
۱۵۶۵ـ ۱۵۶۷ ـ ۱۶۰۱ ـ ۱۶۲۴ تا۱۶۲۶
۱۶۲۹ـ ۱۷۴۵ ـ ۱۹۴۳ ـ ۲۱۵۴ـ ۲۲۳۳
۲۶۰۶ـ ۲۶۹۳
کبوجیه دوم : ۱۶۲۵
کبوجیه پدرکوروش : ۱۶۲۴ ـ ۱۸۷۱
کبوزیه ، کبوس : (کبوجیه)
کپرنیک : ۲۱۷۷
کت‌تا : ۲۱۱ ـ ۲۱۴۷
کتزیاس : ۷۰ تا۷۳ ـ ۱۷۶ ـ ۱۸۴ ـ ۱۸۶ ـ
۱۸۹ ـ ۲۰۰ ـ ۲۰۲ ـ ۲۰۳ ـ ۲۰۸ـ ۲۱۲
تا۲۱۸ ـ ۲۳۳ ـ ۲۴۰ ـ ۲۴۱ ـ۲۶۱ـ۲۶۴
۲۶۵ ـ ۲۶۷ ـ ۲۶۸ ـ ۲۷۸ ـ ۲۷۹ ـ۲۸۶
۲۹۶ ـ ۳۵۲ ـ ۴۵۲ ـ ۴۷۰ ـ ۴۷۱ ـ ۴۷۳
۴۸۰ ـ ۴۸۱ ـ۴۸۳ ـ ۵۱۹ ـ ۵۳۰ـ۵۳۱
۵۳۴ ـ ۵۳۵ ـ ۶۱۲ ـ ۸۷۳ ـ ۸۷۴ـ۹۰۳
۹۰۴ ـ ۹۰۷ ـ ۹۰۹ ـ ۹۳۰ ـ ۹۳۳ـ۹۳۴
۹۵۱ تا ۹۵۳ ـ ۹۵۵ ـ ۹۶۰ ـ ۹۶۱ ـ ۹۸۹
تا۹۹۲ ـ ۹۹۸ ـ ۱۰۱۱ ـ ۱۰۲۰ تا۱۰۲۲
۱۰۲۴ ـ ۱۰۲۷ تا ۱۰۲۹ ـ ۱۰۳۴ ـ ۱۰۳۵
۱۰۵۴ ـ ۱۰۹۶ ـ ۱۰۹۷ ـ ۱۱۱۲ ـ ۱۴۶۳
۱۴۶۴ ـ ۱۴۶۶ ـ ۱۵۱۳ ـ ۱۵۱۵ ـ ۱۵۵۰
۱۵۶۸ ـ ۱۵۶۹ ـ ۱۷۸۰ ـ ۲۱۹۲ ـ ۲۲۵۶
کدرلاعمر : ۱۳۰
کدمان : (داریوش‌سوم)
کرائونوس : ۲۰۷۸
کراتروس(کراتر)۱۴۲م ـ۱۳۰۷ـ۱۳۳۵ـ۱۳۳۷
۱۳۸۷ ـ ۱۴۱۲ ـ ۱۴۱۵ ـ ۱۴۱۷ ـ ۱۴۲۱
۱۴۳۱ ـ ۱۴۴۹ ـ ۱۶۲۹ ـ ۱۶۳۰ ـ ۱۶۴۰
۱۶۴۱ ـ ۱۶۴۴ ـ ۱۶۵۴ ـ ۱۶۵۵ ـ ۱۶۵۹
تا۱۶۶۱ ـ ۱۶۷۰ ـ ۱۶۷۴ ـ ۱۷۰۳ ـ ۱۷۰۴
۱۷۰۹ ـ ۱۷۱۸ ـ ۱۷۲۴ ـ ۱۷۵۶ ـ ۱۷۵۷
۱۷۶۷ تا۱۷۶۹ ـ ۱۷۸۶ ـ ۱۷۸۸ ـ ۱۷۹۰
۱۷۹۸ ـ ۱۷۹۹ ـ ۱۸۲۰ تا۱۸۲۲ ـ ۱۸۳۳
تا ۱۸۳۵ ـ ۱۸۳۹ ـ ۱۸۶۳ ـ ۱۸۶۵ ـ ۱۸۸۳
۱۸۹۱ ـ ۱۸۹۹ ـ ۱۹۱۱ ـ ۱۹۵۹ ـ ۱۹۶۱
۱۹۶۲ ـ ۱۹۷۱ ـ ۱۹۷۸ ـ ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۶
تا ۱۹۸۹ ـ ۱۹۹۱ ـ ۲۰۴۹ ـ ۲۱۰۲ ـ
۲۱۰۹
کراسوس ـ ۲۱۷۴ ـ ۲۲۹۱ ـ ۲۲۹۴ تا۲۳۱۵
۲۳۱۷ تا۲۳۲۳ ـ ۲۳۲۵ تا۲۳۳۵ ـ ۲۳۳۸
۲۳۳۹ ـ ۳۴۹، ـ ۲۳۵۸ ـ ۲۳۶۶ ـ ۲۳۷۰
۲۳۷۲ ـ ۲۳۷۳ ـ ۲۳۷۷ ـ ۲۳۷۹ ـ ۲۳۹۲
۴۷۰ ـ ۲۴۷۳ ـ ۲۵۰۶ ـ ۲۵۱۵ ـ ۲۶۱۳
۱۶۳۱ ـ ۲۶۶۰ ـ ۲۶۶۴ ـ ۲۶۶۶ تا
۲۶۶۹ ـ ۲۶۷۱ ـ ۲۶۷۲ ـ ۲۶۸۶
کربولو : ۲۴۳۳ تا ۲۴۴۱ ـ ۲۴۴۳تا ۲۴۴۹ـ
۲۴۶۲ ـ ۲۴۶۵ ـ ۲۶۱۳
کرپورتر : ۱۵۶۹
کرزن(لرد) : ۲۸م ـ ۶۹م ـ ۷۰م
کرزوس : ۶۹ ـ ۱۹۵ ـ ۱۹۶ ـ ۲۰۱ ـ ۲۶۰
۲۶۷ تا۲۸۶ ـ ۲۸۹ ـ ۲۹۱ ـ ۲۹۲ ـ ۲۹۴
۳۰۴ ـ ۳۱۷ تا ۳۱۹ ـ ۳۴۶ ـ ۳۴۷ ـ ۳۵۰
۳۵۱ ـ ۳۵۵ ـ ۳۵۸ ـ ۳۶۱ ـ ۳۶۳ تا۳۶۶
۳۷۱ ـ ۳۷۲ ـ ۴۱۰ ـ ۴۲۱ تا ۴۲۳ ـ ۴۴۹
۴۵۰ ـ ۴۷۶ ـ ۴۹۱ ـ ۵۰۰ ـ ۵۰۱ ـ ۶۴۱
۶۶۱ ـ ۷۹۹ ـ ۱۴۹۴ ـ ۱۵۴۶ ـ ۱۹۱۸
۲۱۵۱ ـ ۲۱۵۲ ـ ۲۶۰۵ ـ ۲۶۰۶ ـ ۲۶۱۰

کرست : ۲۰۹۸
کرکس : ۸۹۸
کرنلیا : ۲۳۳۷
کرنلیوس‌نپوس: ۷۴ـ۷۹ـ۸۳ـ۵۳۷ـ۶۷۵ـ۹۲۰
۹۵۱ـ۱۱۱۶ـ۱۱۴۱ـ۱۱۴۵ تا ۱۱۴۷ـ۲۱۲۴
کرووا : (س‌کرووا)
کروگر : ۶۹
کری‌توبول : ۱۴۸۲ ـ ۱۵۰۳ ـ ۱۸۳۹
کری‌تودموس : ۱۸۲۶
کری‌ته‌اوس کالانیانوس : ۱۸۵۹
کری‌تی کوس سیلانوس : ۲۳۹۴
کری‌زیوس : ۱۲۹۷
کری‌سان‌تس : ۳۰۶ ـ ۳۰۷ ـ ۳۰۹ ـ ۳۱۰ـ
۳۲۳ـ ۳۳۴ـ ۳۴۸ ـ ۳۵۵ ـ ۳۵۶ـ ۳۶۱
۴۰۴ ـ ۴۱۰ـ ۴۱۱ ـ ۴۱۴ ـ ۴۱۵ـ۴۲۶
۴۳۳ ـ ۴۳۴ ـ ۴۳۶ ـ ۴۶۰
کرنمان : ۲۰۹۸
کریشمان : ۱۶۲۲
کریم‌خان زند : ۱۵۸۴
کری‌یوس : ۶۶۳
کزنفون : ۷۲ ـ ۸۵ ـ ۸۹ ـ ۹۱ ـ ۱۹۰ـ۲۰۳
تا ۲۰۵ ـ ۲۲۸ ـ ۲۳۳ ـ ۲۴۱ ـ ۲۴۲ ـ
۲۴۴ ـ ۲۴۹ ـ ۲۵۰ ـ ۲۵۵ ـ ۲۵۸ ـ ۲۶۰
۲۶۱ ـ ۲۶۴ تا ۲۶۷ ـ ۲۷۷ ـ ۲۷۹ـ۲۸۶
۲۹۶ ـ ۲۹۸ ـ ۳۰۳ ـ ۳۰۴ ـ ۳۰۷ـ۳۱۳
۳۱۴ ـ ۳۱۸ ـ ۳۲۰ ـ ۳۲۳ ـ ۳۲۸ـ۳۳۳
۳۴۲ ـ ۳۴۵ ـ ۳۵۱ ـ ۳۵۲ ـ ۳۵۵ـ۳۵۷
۳۵۸ـ ۳۶۳ ـ ۳۶۵ ـ ۳۷۰ ـ ۳۷۱ تا ۳۷۳
۳۷۶ ـ ۳۹۷ ـ ۴۰۳ ـ ۴۰۶ تا ۴۰۸ـ۴۱۷
۴۱۸ـ ۴۲۴ تا ۴۲۷ ـ ۴۳۳ ـ ۴۳۷ـ۴۳۸
۴۵۴ ـ ۴۵۵ ـ ۴۶۰ ـ ۴۶۲ ـ ۴۶۳ـ۴۶۹
۴۷۰ـ ۴۷۷ ـ ۴۸۱ ـ ۵۷۶ ـ ۶۷۰ـ۹۰۳
۹۱۴ ـ ۹۴۲ ـ ۹۶۵ ـ ۹۸۱ ـ ۹۸۳ـ۹۸۵
تا ۹۸۷ ـ ۹۹۷ تا ۹۹۹ ـ ۱۰۰۵ ـ ۱۰۰۶ـ
۱۰۰۸ تا ۱۰۱۲ـ ۱۰۱۴ تا ۱۰۱۷ـ۱۰۱۹
۱۰۲۰ـ ۱۰۲۵ـ ۱۰۲۷ تا ۱۰۳۰ـ۱۰۳۲
۱۰۳۳ـ ۱۰۳۸ـ ۱۰۳۹ ـ ۱۰۴۱ ـ ۱۰۴۲
۱۰۴۴ـ ۱۰۴۶ تا ۱۰۴۸ـ ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۳
۱۰۵۵ـ ۱۰۵۸ تا ۱۰۶۷ ـ ۱۰۶۹ تا ۱۰۷۵
۱۰۷۷ـ ۱۰۸۰ تا ۱۰۸۹ ـ ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۵
۱۰۹۹ ـ ۱۱۰۱ ـ ۱۱۰۸ ـ ۱۱۱۰ ـ ۱۱۱۳
۱۱۱۵ ـ ۱۱۱۷ ـ ۱۱۴۷ ـ ۱۱۴۹ـ ۱۲۸۶
۱۲۹۷ ـ ۱۴۶۷ ـ ۱۴۷۰ ـ ۱۴۸۱ تا ۱۴۸۳
۱۴۸۹ـ ۱۴۹۲ ـ ۱۴۹۷ ـ ۱۵۰۲ تا ۱۵۰۵
۱۵۱۵ـ ۱۵۲۷ ـ ۱۵۳۳ ـ ۱۵۳۷ ـ ۱۵۴۰
تا ۱۵۴۴ـ ۱۵۴۷ـ ۱۷۴۵ ـ ۱۹۰۰ ـ ۱۹۲۵
۲۱۰۷ـ ۲۱۵۱ ـ ۲۲۲۶ ـ ۲۲۳۳ ـ ۲۲۷۸
۲۳۶۴ ـ ۲۵۰۵ ـ ۲۶۲۹ ـ ۲۶۴۷ ـ ۲۶۶۹
۲۶۸۰
کسائرس : ۱۸۳۳ ـ ۱۸۴۲
کسان‌تیپ : ۸۳۰ ـ ۸۷۰ـ ۹۲۴ ـ ۹۲۵ـ۱۱۲۳
کسانتوس : ۱۵۱۵ و رجوع به‌خسانتوس شود
کساندرامس : ۱۸۰۵
کست : ۵۶ ـ ۲۲۲ ـ ۶۱۴ ـ ۲۶۸۷ ـ ۲۷۰۲
۲۷۰۴ـ۲۷۰۶ـ۲۷۰۷ ورجوع به‌فلاندن‌شود
کسرائی : ۶۰ م
کسرکسس : (خشیارشا)
کسروی : ۱۹م ـ ۲۲م ـ ۴۱م ـ ۴۴م ـ ۱۱۷م
کسری‌الاشغانی : ۲۵۶۷ ـ۲۵۶۸ـ ۲۵۷۰ـ۲۵۷۱
۲۵۷۸ ـ ۲۵۸۰ ـ ۲۵۸۱ـ۲۵۹۹ ورجوع به
خسرو شود
کسمارتی‌دین : ۹۵۲ ـ ۹۵۶ ـ ۱۶۲۷
کس‌ناگراس : ۸۶۹
کس‌نودوخ : ۱۷۲۸
کس نوفیل : ۱۴۰۹ ـ ۲۰۲۰
کس‌نیاس : ۹۹۷ ـ ۱۰۰۶
کسوتوس : ۸۴۱
کسی‌فار : ۲۱۴۹

کشات‌ریت : ۱۷۳
کفه : ۲۴۵ ـ ۷۳۰ ـ ۷۶۱ ـ ۱۲۹۷
کل آرخ ـ ۷۴ ـ ۹۹۹ ـ ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۵ ـ
۱۰۱۲ ـ ۱۰۱۴ تا۱۰۱۶ ـ ۱۰۱۸ـ۱۰۱۹
۱۰۲۷ تا۱۰۲۹ ـ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۸ـ۱۰۵۱
۱۰۵۲ تا۱۰۵۵ـ ۱۰۵۹ ـ ۱۰۹۴ـ۱۰۹۵
۱۲۷۳ ـ ۱۵۳۷ ـ ۱۷۴۵ ـ ۱۸۵۹
کل‌آرخ‌سول : ۶۱۶
کل‌آرخ‌دیونی‌سیوس : ۲۰۴۹
کل‌آندر : ۱۴۲م ـ ۱۲۷۸ ـ ۱۳۳۶ ـ ۱۳۳۷
۱۶۸۰ تا ۱۶۸۲ ـ ۱۸۶۴
کلاك سائیس : ۵۸۱
کل‌انر : ۱۰۵۳ ـ ۱۰۶۰
کلاویوس : ۸۲
کلئوپاتر ملکه مصر : ۴۲ ـ ۲۳۵۴ ـ ۲۳۵۵ـ
۲۳۷۱ ـ ۲۳۷۵ ـ ۲۶۲۵
کلئوپاتر زن فیلیپ : ۱۲۰۸ ـ ۱۲۱۰ ـ۱۲۱۱
۱۲۱۴ - ۱۲۲۴ ـ ۱۲۳۸ ـ ۱۳۵۲
کلئوپاتر خواهر اسکندر : ۱۲۰۶ ـ ۱۸۸۰ ـ
۱۸۹۹ـ ۱۹۵۵ ـ ۱۹۸۶ ـ ۲۰۴۵ـ۲۰۴۶
کلئوپاتر دختر آنتیوخوس : ۲۱۵۵ ـ ۲۲۲۱
کلئوپاتر دختر مهردادششم : ۲۱۳۸ ـ۲۲۷۴
کلئوپاتر زن‌بطلمیوس هفتم : ۲۱۵۶
کلئوپاتر زن دمتریوس :۲۲۲۹
کلئوپاترششم : ۲۱۵۸ ـ ۲۱۷۰
کلئومد: ۲۰۱۰
کلئومن : ۶۴۲ تا ۶۴۵ ـ ۶۶۳ تا۶۶۵ ـ۶۶۷
۷۷۷ ـ ۷۸۸ ـ ۱۳۵۸ ـ ۱۹۱۶ـ ۱۹۲۶ ـ
۲۰۷۹
کلبی (محمدبن‌هشام) : ۲۵۵۰
کلستس : ۱۸۲۱
کلمان‌اسکندرائی : ۸۱ ـ ۱۵۱۶ ـ ۲۶۹۲
کلمان‌هوار : ۱۰۴ ـ ۹۴۵
کلودیوس (کلود) : ۱۸۴۴ ـ ۲۴۱۵ ـ ۲۴۱۸ ـ
۲۴۱۹ ـ ۲۴۳۱ ـ ۲۵۰۴ ـ ۲۵۰۸ ـ۲۶۰۷
کلومب : ۶۳
کله ابیس : ۲۷۰
کله اوخارس : ۱۷۸۵
کله‌اوفاس : ۱۷۷۰ ـ ۱۷۷۱
کلی‌تـارخ (کلی‌تارك) : ۸۲ ـ ۶۹۵ ـ ۱۲۳۳ ـ
۱۶۴۹ ـ ۱۸۴۳
کلی‌توس : ۱۲۲۹ ـ ۱۲۳۰ ـ ۱۲۵۲ ـ ۱۲۵۵ ـ
۱۳۸۷ـ ۱۴۳۰ ـ ۱۶۸۲ ـ ۱۷۲۷ تا۱۷۲۹
۱۷۳۱ تا ۱۷۳۵ ـ ۱۷۳۹ ـ ۱۷۴۱ ـ۱۷۴۹
۱۷۵۱ ـ ۱۷۵۳ ـ ۱۸۵۸ ـ ۱۷۸۴ـ۱۷۸۶
۱۸۲۲ ـ ۱۸۹۸ ـ ۱۹۲۹ ـ ۱۹۴۷ ـ۱۹۹۳
۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۳
کلیستن : ۶۳۷
کلین‌تون : ۲۱۵۳ ـ ۲۲۰۹ ـ ۲۳۸۶ ـ۲۴۴۹
کلی‌نوس : ۱۱۷۵
کلی‌نیاس : ۷۹۵
کلیون : ۱۷۴۱ تا ۱۷۴۳
کمبات : (کبوجیه)
کمره‌ای (سید) : ۶۳م
کنبوت : (کبوجیه)
کنت‌پروکش استن : ۲۶۷۳
کیت‌کای‌لوس : ۴۴
کنت‌کورث :۸۲ ـ ۸۳ـ ۱۴۱ ۵۳۷ ـ۶۹۵ـ۹۳۷
۱۱۶۵ ـ ۱۱۶۶ ـ ۱۱۸۸ ـ ۱۱۸۹ ـ۱۲۱۳
۱۲۱۴ ـ ۱۲۱۷ تا ۱۲۱۹ ـ ۱۲۲۱ ـ۱۲۲۲
۱۲۲۷ تا ۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۳ ـ ۱۲۳۵ـ۱۲۳۷
۱۲۴۱ ـ ۱۲۴۳ ـ ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۸ ـ ۱۲۵۰
تا ۱۲۵۲ ـ ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۷ ـ ۱۲۶۱ تـا
۱۲۶۳ ـ ۱۲۶۵ـ ۱۲۶۷ ـ ۱۲۷۵ تا۱۲۸۱
۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ ـ ۱۲۹۱ ـ ۱۲۹۲ ـ۱۲۹۴
تا ۱۲۹۶ ـ۱۲۹۸ـ ۱۳۰۱ ـ۱۳۰۳ـ۱۳۰۴
۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ـ ۱۳۱۱ ـ ۱۳۱۵ ـ۱۳۱۸
۱۳۱۹ـ ۱۳۴۱ ـ ۱۳۴۲! ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۳۴۶

۱۳۴۸ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۳ تا۱۳۵۷ -۱۳۵۹
۱۳۶۰ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۷-۱۳۶۸
۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷ - ۱۳۸۰-۱۳۸۱
۱۳۸۷ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۷ -۱۴۰۱
تا۱۴۰۳-۱۴۰۵-۱۴۰۷ - ۱۴۰۸-۱۴۱۰
۱۴۱۲ -۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ -۱۴۲۱ -۱۴۲۶
۱۴۲۸ - ۱۴۳۲ -۱۴۳۶ - ۱۴۴۰-۱۴۴۲
۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۸۳ - ۱۵۲۷- ۱۵۶۵
۱۶۳۶ - ۱۶۴۰ تا ۱۶۵۰ - ۱۶۵۴-۱۶۵۶
۱۶۶۳ - ۱۶۷۰ -۱۶۷۴ - ۱۶۷۵-۱۶۷۹
۱۶۸۱ -۱۶۸۳ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۶-۱۶۸۷
۱۶۸۹ تا ۱۶۹۳ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۷-۱۶۹۹
تا۱۷۰۳ - ۱۷۰۵ تا۱۷۰۷ - ۱۷۱۱-۱۷۱۶
تا ۱۷۱۸-۱۷۲۰ - ۱۷۲۲ -۱۷۲۳ -۱۷۲۵
۱۷۳۰ - ۱۷۳۳ - ۱۱۳۴ - ۱۷۳۶ -۱۸۳۸
۱۷۴۳ - ۱۷۴۶ - ۱۷۴۸ - ۱۷۵۰-۱۷۵۳
۱۷۵۴ -۱۷۵۷ - ۱۷۵۸ - ۱۷۶۰ -۱۷۶۱
۱۷۶۳ - ۱۷۶۵ - ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰-۱۷۷۱
۱۷۷۵ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ -۱۷۸۳-۱۷۹۳
۱۷۹۸-۱۸۰۵ - ۱۸۱۲ - ۱۸۱۵-۱۸۱۹
۱۸۲۰ -۱۸۳۰ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۶تا۱۸۳۹
۱۸۴۱ - تا۱۸۴۳ - ۱۸۴۸ -۱۸۵۰-۱۸۵۶
۱۸۶۲ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۸ -۱۸۷۲
۱۸۷۵ - ۱۸۸۱ - ۱۸۹۳ - ۱۸۹۸-۱۸۹۹
۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ - ۱۹۲۵ - ۱۹۳۵-۱۹۵۶
۱۹۵۹ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰-۲۲۲۶
کنت‌لی‌گیانس : (لی‌سی‌نیوس)
کنت‌نو : ۱۶۲۲
کن‌در : ۳۷ - ۴۹
کنستانتن پرفی روژنت :۲۶۲۲
کنستانتن مونوماك :۲۶۲۲
کنن : ۹۸۱ - ۹۸۳ - ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۶ -۱۱۳۷
کن‌نینگ : ۵۲
کواکسار : ۱۸۰
کوتورا : ۱۴۷۱ - ۱۴۸۰ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۴ -
۱۵۵۷ - ۱۵۶۳ - ۱۵۷۲ - ۱۵۸۹
کوتیس : ۱۱۰۶
کوچك خان (میرزا) : ۶۲م - ۶۷م - ۶۸ م -
۷۵م
کودور ناخونتی : ۱۱۷ - ۱۳۶
کودور مابوك : ۱۲۰
کورس : (کورش)
کورش اول: ۱۶۲۴
کورش دوم: ۱۶۲۵
کورش بزرگ(سوم) : ۱۱۱م - ۱۳۲م - ۱۴۰م
۱۴۴م - ۴۵ -۵۵ -۷۰ -۷۲-۷۳-۷۶ - ۸۱
۸۶ - ۸۹ - ۱۴۱ - ۱۷۶- ۱۸۶ - ۱۹۶
۲۰۰تا ۲۰۴ - ۲۰۷-۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۲۴
۲۲۸تا ۲۳۳-۲۳۵-۲۳۷ تا ۲۴۵ - ۲۵۰ تا
۲۶۸ - ۲۷۱ -۲۷۴ تا۲۸۶ - ۲۸۸ تا۲۹۳
۲۹۵ تا۳۰۲ - ۳۰۴تا۳۷۹ -۳۸۲تا ۳۹۵
۳۹۷ تا ۴۱۲ - ۴۱۴تا۴۳۹ - ۴۴۳ - ۴۴۶
تا۴۷۵ - ۴۶۸تا ۴۸۰ - ۴۸۳ تا۴۸۵ -۴۹۲
۴۹۹ -۵۰۰ -۵۰۵ تا ۵۰۷ - ۵۱۷ -۵۱۸
۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۹ - ۵۳۱ تا۵۳۳ - ۵۳۶
۵۳۷ - ۵۵۰ - ۵۵۲ - ۵۵۴ - ۵۵۶ -۵۷۰
۵۷۶ - ۵۸۶ - ۶۱۸ - ۶۲۷ - ۶۳۷ -۶۷۶
۶۸۵ - ۶۸۸ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۷۰۰ - ۷۰۲
۷۰۵ - ۷۱۰ - ۷۱۳ - ۷۳۲ - ۷۳۴-۷۳۵
۷۳۶ - ۸۵۷ - ۸۷۲ - ۹۱۴ - ۹۴۶تا۹۴۹
۹۶۴ -۹۸۷ - ۹۸۸ -۹۹۳ -۱۰۳۰-۱۰۳۳
۱۱۷۹ - ۱۲۹۸ - ۱۳۸۰ - ۱۳۹۷-۱۴۲۲
۱۴۴۴ -۱۴۴۹ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۷ - ۱۴۶۲
۱۴۶۴ - ۱۴۷۱ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴
۱۴۹۲ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۷ - ۱۵۴۰تا۱۵۴۳
۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۲ تا ۱۵۶۷
۱۵۷۷ - ۱۶۱۸ - ۱۶۸۴ - ۱۷۰۲ - ۱۷۱۷
۱۷۴۵ - ۱۷۸۱ - ۱۸۵۹ - ۱۸۷۱ تا۱۸۷۳
۱۹۲۵ - ۱۹۴۳ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۷ -۲۱۲۳
۲۱۲۴ - ۲۱۲۶ - ۲۱۵۱ - ۲۲۱۲ -۲۲۳۳

۲۲۴۹ - ۲۲۶۸ - ۲۲۷۰ - ۲۲۸۱-۲۳۹۸
۲۴۷۳- ۲۵۳۷ - ۲۵۴۰ - ۲۶۰۶- ۲۶۱۷
۲۶۴۷
کورش‌کوچك(اصغر) :۷۲- ۹۷۹ تا ۹۸۲-۹۸۶
۹۸۹ تا ۱۰۱۲ - ۱۰۱۴ تا ۱۰۳۶ - ۱۰۳۸
۱۰۳۹ - ۱۰۴۱ - ۱۰۴۳ - ۱۰۴۴ - ۱۰۴۷
۱۰۴۹ - ۱۰۵۱ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۵ - ۱۰۵۸
۱۰۵۹ - ۱۰۶۲ - ۱۰۶۴ - ۱۰۸۷ - ۱۰۹۳
۱۰۹۷ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۱ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۷
۱۱۴۷ - ۱۱۵۳ - ۱۱۵۹ - ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷
۱۳۰۴ - ۱۳۷۸ - ۱۴۴۸ - ۱۴۸۸ - ۱۵۰۴
۱۵۰۵ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۷ - ۱۶۲۸ - ۲۳۶۴
۲۶۲۹
کورش پسر مهرداد ششم : ۲۱۴۹
کوری گالزو : ۱۳۴
کوسویچ : ۱۴۵۱ - ۱۵۷۰ - ۱۶۱۶
کوفاس : ۱۷۳۷
کوفس : ۱۸۸۵
کوگلر : ۶۳ - ۶۴
کومون : ۲۱۱۷
کوهورتانوس : ۱۷۳۸
کوین‌توس : ۸۲ - ۲۶۰۷
کی‌اردشیربن‌اسفندیار : (اردشیر)
کیاکسار : ۱۸۹ - ۲۱۵ تا ۲۱۷ - ۲۵۶ تا ۲۶۱
۲۶۵ - ۲۹۶ - ۲۹۹ - ۳۰۴ تا ۳۰۹ - ۳۱۳
۳۱۶ تا ۳۲۰ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۳۷ تا ۳۴۱
۳۴۶ - ۳۴۹ - ۴۰۹ - ۴۵۷ - ۴۵۹
کیاگروس : ۷۶۴
کیانه : ۷۹۲
کیبةبن‌قباد : ۲۵۴۷ - ۲۵۴۸
کیخسرو : ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۴۶۹ - ۲۲۶۴
کیرش : (کورش)
کی‌قاوس : (کیکاوس)
کی‌قباد : ۲۵۴۳
کیکاوس : ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۵۴۴ - ۲۵۴۸ - ۲۵۵۱
۲۵۷۱
کیلون : ۷۴۰ - ۹۶۵
کیمون : ۶۵۶ - ۶۷۱ - ۷۴۷ - ۱۱۲۳
کیناموس : ۲۴۱۲
کینگ : ۵۶ - ۱۱۳ - ۱۱۸ - ۱۳۳ - ۵۵۵
کیوجیه : (کبوجیه)
کیهان (مسعودخان) : ۷۳م - ۲۱۸۴

گ

گائو : ۱۱۲۵ - ۱۱۲۷
گابه : ۳۰۴
گابی‌نیوس : ۲۲۹۱ تا ۲۲۹۴
گاداتاس : ۳۳۳ تا ۳۳۷ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۶۷ -
۳۶۸ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۰ - ۴۲۶ -
۴۳۲
گارات : ۲۲۶۸
گاردان : ۱۵۶۹
گاردنر : ۲۶۷۴
گارنیه (آدلف) : ۴۱۸
گاسلن : ۱۴۹۴
گالبا : ۲۴۵۴
گالوس (فلاویوس): ۲۱۲۹
گالی‌نیکوس:۲۰۷۷ ورجوع به‌سلکوس‌دوم شود
گالوی : ۴۹
گایوس پلینوس : ۷۹ - ۸۰ و رجوع به پلین شود
گایوس یولیوس‌ارته وازد : ۲۶۲۵
گئوبروو : (گبریاس)
گئومات : ۵۱۶ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۳۲تا ۵۳۶
۵۳۸ - ۵۳۹ - ۹۵۰ - ۱۴۵۷ - ۱۵۰۱
۱۵۳۳ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۶ - ۱۶۳۰
۲۱۲۳
گبرو : ۲۶۳۰
گبریاس : ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۸ تا ۳۳۳ - ۳۳۷ -
۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۷۳ - ۳۸۵
۳۸۸ - ۳۹۴ - ۴۰۴ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۰
۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۴ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۶۰۶
۶۰۷ - ۶۵۷ - ۶۸۵ - ۷۱۰ - ۷۳۵ - ۷۳۸

۷۴۲ - ۸۷۵ - ۱۰۱۱ - ۱۴۶۵ - ۱۵۷۰
۱۵۷۵ - ۱۶۰۲ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷
گراکخوس : ۲۱۲۷
گردون‌چیلد : ۱۹۰۸
گردیان سوم : ۲۱۸۱
گردیوس : ۱۲۸۴ - ۲۲۷۴
گردین : ۸۸
گرگاتاس : ۱۶۷۸
گرگوار مقدس : ۹۷-۲۵۹۹-۲۶۰۱-۲۶۱۵ تا ۲۶۱۸-۲۶۲۲
گرگواس : ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۴۲
گرگوس : ۷۴۲
گرگیاس : ۱۷۲۳ - ۱۸۹۸
گرگیس : ۷۳۸ - ۷۵۱
گروپنا : (لروبنا)
گروتر : ۲۳۸۳
گروت فند : ۴۴تا۴۶
گروندی : ۶۷۵
گری(ادوارد) : ۹م - ۱۱م- ۲۳م- ۲۴م - ۲۷م
۱۱۶م - ۱۱۷م
گریپوس : ۲۲۴۲ و رجوع به‌آن‌تیوخوس‌هشتم شود
گریشمان : ۶۴ - ۱۶۲۲
گریف‌فین : ۵۸
گریگوار : (گرگوار)
گشتاسپ : ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ - ۲۵۴۳ تا ۲۵۴۵
گزنفون : (کزنفون)
گشم : ۲۶۰۰ - ۲۶۱۸
گلازر : ۵۰
گلازمن : ۶۵۱
گلدسمیت : ۳
گلشائیان : ۳۲م
گلن : ۷۵۹ - ۷۶۲ - ۱۴۵۵
گلوس : ۱۰۳۸
گلوس‌تس : ۸۶۰
گلوسیاس : ۱۲۲۹ - ۲۰۲۷ - ۲۰۴۴
گلوسیپ : ۱۲۶۴
گلوکوس : ۱۳۹۵ - ۱۹۰۲
گوبی‌نو(کنت‌دو) : ۲۲۸ - ۴۷۷ - ۷۷۳-۲۲۱۸
گوت‌شمید : ۶۰-۹۶۴- ۲۰۵۸ - ۲۲۰۸-۲۲۰۹
۲۲۳۲ - ۲۲۶۱ تا۲۲۶۴
گوتیه : (سن‌الم..) ۷۸۹ - ۸۵۳ - ۸۷۱ - ۸۸۰
۸۹۰ - ۹۶۹ - ۱۰۲۳ - ۱۰۹۰ - ۱۱۰۹
۱۱۲۱ - ۱۳۸۶ - ۱۴۶۳
گودآ : ۱۱۶
گودرز : (اشك بیستم
گودرز اول : ۲۲۶۵ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲-۲۵۴۶
۲۷۰۴ تا ۲۷۰۶
گودرز دوم : ۲۷۲۲
گورگوس : ۶۵۰
گوزهر بازرنگی : ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰
گوماتس : (گئومات)
گومتس : ۵۳۱ - ۵۳۲
گون‌تر : ۱۶۲۰
گون‌دوفار : ۲۲۶۳
گون‌گیل : ۶۷۰
گون‌لو : ۲۲۵۵
گویار : ۴۸
گیب‌بن : ۲۵۲۴ - ۲۵۳۴ - ۲۶۵۴
گی‌گه : ۶۲۴ - ۸۳۱
گیو(ارشك) : ۲۴۲۳
گیوشاه : ۲۲۶۵
گیونه : ۲۵۶۰

ل

لادامی : ۱۹۴۸
لادیس : ۲۰۵۳ - ۲۰۷۱ تا ۲۰۷۴ - ۲۰۷۸
۲۰۸۰ - ۲۱۳۴ - ۲۱۳۶ ورجوع به‌لادیسه شود

لادیسه، ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ - ۲۰۷۸ - ۲۱۰۱ -
۲۱۱۲ - ۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۶۷۹
لادیسه دختر مهرداد ششم، ۲۱۴۹
لائومدون، ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹
لابی‌نت : (نبوبند)
لابی‌نیوس : ۲۳۴۲ تا ۲۳۴۴
لائونا : ۵۱۵
لانیرا : (بطلمیوس هشتم)
لارشه : ۱۴۷۰
لازارفاربی : ۹۸ - ۲۱۸۱ - ۲۶۱۰
لاکراتس : ۱۱۷۲ - ۱۱۷۴ تا ۱۱۷۶
لاکرنیس : ۲۹۰
لامپرس : ۸۴
لامپن : ۸۴۲ - ۸۶۱
لامیوس : ۱۱۷۵
لانگاروس : ۱۲۲۹
لانگلوا (ویکتور) : ۲۰۷ - ۲۵۸۴ - ۲۵۹۱
۲۶۰۴
لاورژی : ۵۷
لایار انگلیسی : ۲۷۰۸
لئوتی‌خید : ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۸۳۰ - ۸۶۵ - ۸۶۶
۸۷۰ - ۸۹۵
لئوستن : ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ - ۱۹۸۱
لئون : ۷۷۰ - ۱۱۱۹
لئوناتوس : ۱۳۱۷ - ۱۶۶۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۴۸ -
۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۹۴ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۶
۱۸۲۸ - ۱۸۳۸ - ۱۸۴۵ - ۱۸۴۷ - ۱۸۵۰
۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۹
۱۸۸۴ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۷
۱۹۷۰ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲
لئون‌تیاد : ۷۸۵
لئونیداس : ۷۴ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۸۱ - ۷۸۲
۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۹۵ - ۸۰۹
۸۲۳ - ۸۵۷ - ۸۶۱ - ۸۷۷ - ۸۸۲ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۹
۱۲۰۹ - ۱۲۱۷ - ۱۲۶۹ - ۱۳۵۲ - ۱۴۱۸
لپ‌تین : ۲۱۲۷
لپسیوس : ۴۳ - ۱۰۹
لپید : ۲۱۲۸
لپیدوس : ۲۳۳۹
لروبنا : ۲۱۸۱ - ۲۱۸۲ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۰ تا
۲۶۰۲
لطفعلی (شیخ) : ۱۳م
لفتوس: ۵۲ - ۵۴ - ۵۶ - ۱۶۱۶ - ۲۷۰۰ - ۲۷۱۲
۲۷۱۵ تا ۲۷۱۸
ل کاپن : ۲۶۳۳
لمان : ۵۵۴
لمر : ۱۵۶۳
لمصو : ۱۵۸۰
لن‌پریه : ۲۶۷۳
لنین : ۱۱۳م
لوازو : ۹۴۴
لوئین: (لوکیانوس)
لوثیوس اور لیوس‌وروس: ۲۱۷۹ - ۱۱۸۰ - ۲۴۹۵
۲۴۹۷ - ۲۴۹۸ - ۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۳
۲۵۰۴ - ۲۵۸۹ - ۲۶۳۶
لوسیوس کویه‌توس : ۲۴۸۵
لوسین : ۷۳ - ۲۲۷۶
لوکاس : ۷۴۳
لوکولوس : ۱۰۸۹ - ۲۰۸۸ - ۲۱۴۱ تا ۲۱۴۴
۲۲۷۴تا ۲۲۷۷ - ۲۲۷۹ - ۲۲۸۴ - ۲۲۸۶
۲۲۹۷ - ۲۳۰۱ - ۲۳۱۴ - ۲۴۳۵ - ۲۴۵۲
۲۶۳۱
لوکیانوس : ۲۱۸۰ - ۲۶۸۶
لوئی چهاردهم : ۴۱۸
لوئی پانزدهم : ۱۱۵۹
له‌توس : ۲۵۱۲
لهراسب : ۲۵۴۴
لیاخوف : ۴۰م - ۴۷م

لیارد ، ۴۷ ـ ۵۲ ـ ۵۳
لیبریوس‌ماکسیموس ، ۲۴۶۶
لی‌پودوروس : ۱۹۷۴
لی‌خاس ، ۹۷۳ تا۹۷۵
لیدوس ، ۷۳۵
لیزاندر ، ۹۷۹ ـ ۹۸۱ ـ ۹۸۲ ـ ۹۸۴ تا ۹۸۶
۱۰۳۳ ـ ۱۵۰۴ ـ ۱۵۰۵ ـ ۱۵۲۷
لیزانیاس : ۲۳۴۶
لیزیاس : ۲۲۲۲ ـ ۲۲۲۵ ـ ۲۲۲۹
لیزی‌ماخوس(لیزی‌ماک): ۸۴۵ ـ ۱۶۴۹ـ۱۷۳۳
۱۷۸۷ ـ ۱۸۰۲ ـ ۱۸۶۹ ـ ۱۸۷۷ـ۱۹۶۷
۱۹۷۰ ـ۲۰۰۳ ـ۲۰۲۸ ـ۲۰۳۰ـ۲۰۳۳
۲۰۴۵ـ ۲۰۴۷ تا ۲۰۵۰ ـ ۲۰۵۹ تا۲۰۶۳
۲۰۹۴ ـ ۲۰۹۵ ـ ۲۱۰۹ ـ ۲۱۳۳ ـ۲۱۴۹
۲۱۶۲ ـ ۲۱۶۶
لیستمان :۵۱م
لی‌سیپ ، ۱۲۲۱ ـ ۱۲۵۷
لی‌سیداس :۸۳۵
لی‌سیک‌لس ، ۷۹۵ ـ۱۲۰۲ ـ ۱۲۰۴ـ۱۲۰۵
لی‌سی‌نیوس ، ۲۵۹۴
لی‌سیوس : ۱۰۶۴ ـ ۱۰۸۶
لیک ، ۷۴۱
لی‌کارت ، ۶۲۷
لی‌کورگ : ۷۹۷ ـ ۱۲۰۴ ـ ۱۲۳۵ ـ ۱۲۳۷ـ
۱۷۸۱
لی‌کومد ، ۸۲۶ ـ ۱۲۸۱
لیک‌مید : ۷۹۳
لیکون : ۹۵۹
لیگ‌دامیس ، ۷۴۳
لی‌لر : ۵۴
لیم‌نه : ۱۸۲۹ ـ ۱۸۳۸
لیندزی : ۲۲۰۳ ـ ۲۲۱۸ ـ ۲۴۶۲ ـ ۲۵۱۷ ـ
۲۵۷۴ ـ ۲۶۹۷

م

ما : ۲۱۲۲
ماآنو ، ۲۶۳۰ تا ۲۶۳۳ ـ ۲۶۳۶
مائودا اکس :۲۱۶
ماباسس : ۱۳۷۹
ماپن ، ۷۴۲
ماخارس : ۲۱۴۵ ـ ۲۱۴۹
ماداتس : ۱۴۱۰ ـ ۱۴۱۲
مادی‌یس : ۱۸۳
مار ، ۳۶ ـ ۳۷
مارآپاس کاتی‌نا : ۹۴ ـ ۹۵ ـ ۲۰۱ ـتا۲۰۴ ـ
۲۱۶ ـ ۲۱۷ ـ ۲۱۸۱ ـ ۲۲۷۲ ـ ۲۵۸۳ ـ
۲۵۸۴ ـ ۲۵۸۷ ـ ۲۵۹۴ ـ ۲۵۹۸ ـ۲۶۱۰
مارات (مارانوس) : ۱۳۲۳ ـ ۱۳۲۷
ماراگ‌دوس ، ۳۰۴
مارتن ، (س‌مارتن)
مارثیال ، ۲۴۶۲
مارثیوس وروس ، ۲۴۹۷ تا ۲۴۹۹
مارس ، ۳۵۸ ـ ۷۳۶ ـ ۷۵۷ ـ ۸۱۰ ـ ۱۹۲۲
۲۳۸۰
مارساگت : ۶۱۳
مارکوارت : ۷۴ ـ ۹۳ ـ ۲۴۵۹ ـ ۲۶۲۴
مارک‌اورل ، (مارکوس‌اورلیوس)
مارکف : ۲۶۷۴
مارکوس‌اورلیوس : ۸۵ ـ۲۱۷۹ ـ ۲۱۸۰ـ۲۴۶۷
۲۴۹۵ ـ ۲۴۹۷ ـ ۲۴۹۹ ـ ۲۵۰۳ـ۲۶۹۸
مارکوس تیتوس ، ۲۳۸۴
مارکوس‌کوتا : ۲۱۴۱
مارکوس ماریوس : ۲۱۴۰ ـ ۲۱۴۱
مارکوس وروس ، ۲۵۰۱
مارلینگ : ۲۵تا ۲۷م ـ ۴۱م ـ ۵۳ م
مارون : ۷۸۴
ماریا : (آرتونیس)
ماری‌یت :۴۳

ماریوس ماکسیموس ، ۲۵۱۲
مازا اور : ۲۶۳۰
مازاوس : ۱۱۶۸
مازارس : ۲۹۲ - ۲۹۳
مازاسس : ۱۳۲۹ - ۱۳۵۳
مازه : ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۸ - ۱۴۳۱ - ۱۴۳۴ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۷ - ۱۷۲۵ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۵ - ۱۹۱۹
ماساگس : ۷۳۴
ماسپرو : ۶۱۱ و رجوع به مسپرو شود
ماسیست : ۷۲۸ - ۷۵۱
ماسیس‌تس : ۸۶۹ - ۸۸۹ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷
ماسیس‌تیوس : ۲۲ - ۷۳۷ - ۸۴۱ تا ۸۴۳ - ۸۴۵
ماسکام : ۷۴۷
ماکرن : ۲۱۸۰
ماکری‌نوس : ۲۵۲۵ - ۲۵۲۷
ماکسی‌موس : ۲۴۸۵
ماگاس : ۲۱۵۴
مال‌تس : ۱۵۰۷
مال‌تی‌نوس : ۲۲۸۱
مال‌خوس : ۲۳۴۶
مالر : ۱۰۹
مامائی‌تا : ۱۵۷۵
مامی‌تیارش : ۱۷۳
مامی‌گویان : ۲۶۰۳
م آندریوس : ۵۵۷ - ۶۲۸
ماناس‌سیراس : ۲۲۷۶
مان‌تن : ۷۰ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۸ - ۸۱ - ۸۴ - ۵۰۷ - ۹۶۳ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۴ - ۱۱۴۱ - ۱۱۷۹ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۴ - ۲۶۰۴
مان‌تیاس : ۱۱۹۵
مان‌تیس : ۶۲۱
مان‌داکس : ۲۱۲ - ۲۱۵ - ۲۱۶
مان‌دان : ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۵۴ - ۲۶۱ - ۲۶۴ - ۹۲۰ - ۱۶۲۵
مان‌دان (دختر داریوش) : ۱۶۲۶
مان‌دانیس : ۱۸۷۷
ماندروکل : ۵۹۴ - ۵۹۵
مان‌نس : ۲۶۳۰
مانو : ۲۵۰۲ - ۲۶۳۴ - ۲۶۳۶
مان‌وال : ۲۳۸۶
مانیا ۱۱۰۰
مانیشتو : ۱۱۵
مانیوس آکویلیوس : ۲۱۴۷
مبارساپس : ۲۴۸۱
متروپوستس : ۹۱۷
مترون : ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۶۱
م تلوس : ۱۲۵۸
م‌تیوخ : ۶۵۶
مثر : (مهر)
مجدالدوله : ۷م
مجدالسلطان : ۳۲م
محتشم‌السلطنه : ۱۹تا ۲۲م - ۶۱م - ۱۱۶م
محسن‌خان : ۱۳۶م
محقق‌الدوله : ۱۲م
محمدتقی‌خان (کلنل) : ۶۴م - ۷۴م - ۷۵م
محمد صادق (میرزا) : ۲۱م
محمد حسن کوزه‌کنانی : ۳م- ۴م
محمد حسن‌میرزا (ولیعهد) : ۸۶م- ۸۷م - ۹۱م تا ۹۳م - ۹۹م - ۱۰۱م تا ۱۰۵م - ۱۱۰ م
محمدشاه قاجار : ۳م- ۴م
محمدعلی‌شاه : ۲م - ۶م - ۸تا۱۱م - ۲۲م ۲۳م- ۲۷ تا ۲۹م - ۳۸ تا۴۹م - ۵۵م - ۱۱۳ م - ۱۱۵م - ۱۱۷م - ۱۲۴م
محمد نایینی : ۳ م-۴ م
محمد یزدی : ۳۴م
محمود (آقا) : ۷۸ م

محمودخان (انصاری) : ۸۸م
محمود (سید) : ۹۵م
محمود غزنوی : ۱۰۴
محمود محمود : ۱۰م
محیط طباطبائی ، ۱۳۵م
مخبر السلطنه: (هدایت)
مخبر الملک ، ۲۳م
مختاری (حبیب‌الله) : ۳۵م - ۱۰۰م - ۱۱۰م
مدرس : ۳۲م - ۳۳م - ۵۷م - ۷۸م - ۸۰ تا ۸۳م - ۸۶م - ۹۰م - ۹۲م - ۱۰۴م-۱۰۵م ۱۰۹م - ۱۱۰م
مدوس : ۶۸۰
مده : ۶۶۱ - ۷۳۱ - ۱۲۱۱
مدیرالملک : (جم)
مدیکوس : (کاسیوس)
مدیوس : ۱۹۱۴ - ۱۹۲۷ - ۱۹۳۲
مرئه : ۱۶۲۵
مربال : ۷۴۲
مرتضائی (اسماعیلحان) : ۱۲۸م
مرتضی‌قلی خان ، ۲۳م - ۳۲م
مرتیله : ۴
مرتیه : ۵۴۰ - ۱۵۷۷
مردخا ، ۸۹۹ تا ۹۰۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶
مردن‌تس : ۸۶۷
مردوخ : ۴۹م
مردوک ۵۵ - ۷۶ - ۱۱۹ - ۱۸۷ تا ۱۸۹-۲۰۳- ۳۸۲ - ۳۸۵ تا۳۸۹ - ۳۹۱ - ۴۰۲-۶۹۹- ۷۰۰ - ۱۳۹۷ - ۱۵۳۲
مردوک مودمیک : ۱۶۹
مردونت : ۷۳۷
مردونیوس (مردونیه) : ۵۳۱ - ۵۳۴ - ۵۳۹ ۶۵۷ تا۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۶۸ - ۶۷۹ - ۷۰۶ ۷۰۷ - ۷۱۰ - ۷۱۳ - ۷۳۸ - ۷۴۷ - ۷۵۱ ۷۹۷ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۱۷ تا ۸۲۰ ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۹ تا ۸۳۶ - ۸۳۸ تا ۸۴۱ - ۸۴۳ - ۸۴۵ تا ۸۵۱ - ۸۵۴
تا ۸۶۴ - ۸۶۶ - ۸۷۵ - ۸۸۲ - ۸۸۶ ۸۹۵ - ۹۴۰ - ۱۴۸۴ - ۱۴۹۴ - ۱۶۲۶ ۱۶۲۷
مردیس : (بردیا)
موکور : ۲۴۵ - ۱۹۲۲
مون تخوتی : ۷۴
مروئه : ۱۷۹۱
مریامن : ۹۲۸ و رجوع به‌داریوش‌دوم‌شود .
مریس : ۱۸۴۵
مریوال : ۲۳۷۴ - ۲۴۸۳
مژیستیاس : ۷۸۱ - ۷۸۴
مسابات : ۱۰۳۶ - ۱۰۳۷
مسپرو : ۶۰-۶۱ - ۶۱۱ - ۶۸۸ - ۸۸۹
مستشارالدوله : ۴۰م - ۴۲م - ۵۰م - ۶۱م
مستوفی (حمدالله) : ۲۵۷۶ - ۲۵۷۷ - ۲۵۷۹
مستوفی (عبدالله) : ۵م - ۸م - ۱۵م - ۲۱م-۲۳م ۳۰م - ۶۱م - ۶۹م - ۷۲م
مستوفی‌الممالک : ۳۰م - ۵۰م - ۵۱م -۵۴م تا ۵۷م-۷۰م تا ۷۳م - ۸۲م تا ۸۶م- ۹۲ م- ۹۵م‌تا۹۸م - ۱۰۰م-۱۰۱م -۱۰۳م-۱۰۴م ۱۰۹م - ۱۱۰م- ۱۱۳م- ۱۲۰م
مسروپ : ۹۸
مسعودی : ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۶۲ - ۲۳۲-۴۷۸- ۴۷۹ - ۵۳۷ - ۹۰۷ - ۹۴۵ - ۹۵۳-۹۵۶- ۹۹۱ - ۱۱۶۴ - ۱۲۱۲ - ۲۵۴۲تا ۲۵۴۵ ۲۵۵۰ تا۲۵۵۳ - ۲۵۵۶ - ۲۵۶۰
مسیح : (عیسی)
مشارالسلطنه : ۳۱م - ۵۱م - ۵۹م
مشارالملک : ۷۴م
مشاورالممالک : ۱۷م -۶۷م-۶۸م
مشیرالدوله :(جعفرخان)
مشیرالدوله : (حسین‌خان)
مشیرالدوله :(محسن‌خان)
مشیرالدوله، (نصرالله خان)

مشیرالدوله : (یحیی‌خان)
مشیرالدوله پیرنیا (حسن) : در تمام صفحات مقدمه
مشیرالسلطنه : ۲۳م - ۲۵م - ۳۹م - ۴۲ تا ۴۴م
مشیرالملك : (مشیرالدوله حسن پیرنیا)
مصباح‌الملك : (نصرالله‌خان)
مصدق‌السلطنه : ۳۵م - ۵۹م - ۸۵م - ۹۳م - ۱۰۰م - ۱۰۱م - ۱۰۴م - ۱۰۹م ۱۱۰م ۱۲۸م
مظفرالدین‌شاه : ۶م تا ۹م - ۱۷م - ۱۹م - ۲۳م
معاضدالسلطنه : (پیرنیا ، ابوالحسن)
معاون‌الدوله : ۵۰م
المعتصم : ۱۰۲
معتمدالدوله : (فرهادمیرزا)
معزالدوله : ۳۰م
معیرالممالك : ۵م - ۷م - ۱۰م - ۱۴م
معین‌التجار : ۶۱م
مفخم‌الدوله : ۶۷م
المقدسی (مطهربن‌طاهر) : ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۲۵۶۷
مقروشیر : (اردشیردرازدست)
مکی (حسین) : ۵۹م - ۶۶م - ۶۸م
مکابات : ۱۱۰۷ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۷
مکاباز : ۹۳۱ - ۱۶۲۷
مکاباکوس : ۲۳۱۰ - ۲۳۱۲
مکابرن : ۲۴۰ - ۴۵۴
مکابودیسو : (مگابیز)
مکابوزس : ۸۷۴
مگابیز (بغابوخش) : ۴۶۰ - ۵۲۱ - ۵۲۶ - ۵۳۰ - ۵۳۴ تا ۵۳۶ - ۵۵۰ - ۵۵۳ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۸ تا ۶۲۲ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۳۹ - ۷۳۸ - ۷۴۲ - ۷۴۷ - ۷۵۱ - ۹۳۱ تا ۹۳۳ - ۹۵۷ - ۹۸۹ - ۱۶۲۶
مکابات : ۶۴۰
مکاپان : ۷۳۲
مکاستن : ۱۴۵۶ - ۱۷۸۱ - ۲۰۶۶
مکاسیدر : ۷۳۵
مکافرن : ۱۰۰۱
مکاکران : ۷۵۵
مل‌آگر : ۱۳۰۷ - ۱۳۸۷ - ۱۴۱۵ - ۱۷۰۵ - ۱۷۲۳ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۶ - ۱۸۳۵ - ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۵ - ۱۹۶۷
ملامنیداس : ۱۷۲۰
ملان‌تاس : ۱۰۹۶
ملان‌ثیوس : ۶۴۵
ملخ : (ملك)
ملك : ۱۴۵۵
ملکارت : ۴۴۲ - ۱۴۵۷
ملك‌زاده : ۱۹م
ملك‌ناصربن‌قلاوون : (ناصربن‌قلاوون)
ملکه‌جهان : ۱۱۰م
ملن : ۱۴۴۱
مله‌آگر : (مل‌آگر)
ممتازالدوله : ۴۰م - ۴۲م - ۶۱م
ممزن : ۲۳۲۹
ممنن : ۱۱۸۰ - ۱۱۸۷ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳ تا ۱۲۵۰ - ۱۲۵۴ - ۱۲۵۶ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۴ - ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ - ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۳ - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ - ۱۳۲۲ - ۱۳۷۵ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۴۸ - ۱۶۸۵ - ۱۶۸۶ - ۱۹۵۴ - ۲۰۱۸ - ۲۲۷۹
ممنن‌دوم : ۱۳۵۹
مموکان : ۸۹۸
مناپیس : ۱۶۴۴
مناسارس : ۲۴۷۹
ماندر : ۱۹۲۵ - ۲۲۶۰ - ۲۲۶۱
من‌تور : ۱۱۶۸ - ۱۱۷۰ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۱۷۹ تا ۱۱۸۲ - ۱۱۸۷ - ۱۲۴۲ - ۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۲۲ - ۱۴۴۸ - ۱۸۸۳
منس : ۱۷۲۰

م نستان : ۹۳۴ - ۹۵۹
من‌سی‌فیل : ۸۰۴ - ۸۰۵
مصنور (خلیفه) : ۱۰۰
منصورالسلطنه‌عدل - ۳۵م
من‌لاس : ۷۶۴ - ۲۰۴۸
من‌مون : (اردشیر با حافظه)
منن : ۹۹۹تا۱۰۰۱ - ۱۰۰۵ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۴
۱۰۳۸ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۶ - ۱۰۵۲ تا۱۰۵۶
۱۰۹۴ - ۱۴۰۳ - ۱۹۷۹
منوبازوس : (مینوباز)
منوچهر : (ماناس‌سیراس)
منوچهر : ۲۱۸
منوچهر پارسی : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷
منوز پارسی : ۲۶۲۶-۲۶۲۷
منوس‌تانس : ۱۶۲۷
منه‌داس : ۱۷۲۵ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶
منه دم : ۱۷۰۶ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۸
منه‌زس : (مونوبازس)
منیسك : ۱۳۲۴
مؤتمن‌الملك : ۱م - ۹م - ۱۲م - ۱۳م - ۱۶م -
۱۸م - ۲۰م - ۲۱م - ۲۵م - ۳۷م - ۴۰م -
۴۲م تا ۴۶م - ۵۳م تا ۵۵م - ۵۹م - ۷۳م - ۷۶م
۸۲م - ۸۴م - ۹۲ تا ۹۷م - ۱۰۳م - ۱۰۶م
۱۰۸ تا ۱۱۰م - ۱۱۳م - ۱۲۳م - ۱۲۸م -
۱۳۲م - ۱۳۶م
موثاطوس : ۱۱۴۱
موثق‌الدوله : ۵۳م
مودو : ۲۲۵۶
مورخ‌الدوله‌سپهر : ۵۰م تا ۵۳م - ۸۳م - ۱۱۵م
۱۱۹م - ۱۲۰م
موریخید : ۸۳۵
موز : ۶۷
موزا : ۲۳۷۹ - ۲۳۸۱ تا ۲۳۸۴ - ۲۳۸۶ -
۲۳۸۷ - ۲۳۹۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۰
موزول : ۱۱۳۸ - ۱۱۸۵
موسوی‌زاده : ۷۷م
موسی : ۸۱ - ۹۵۰ - ۱۱۶۰
موسی‌خورن : ۹۳ تا۹۸ - ۲۰۸ - ۲۱۶ - ۲۱۸۱
۲۱۸۲ - ۲۲۰۲ - ۲۲۳۸ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۲
۲۴۰۸ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۶ - ۲۵۳۳ - ۲۵۳۴
۲۵۸۳تا ۲۵۸۵ - ۲۵۸۷ تا ۲۵۹۱ - ۲۵۹۴
تا۲۵۹۶ - ۲۵۹۸ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۱ - ۲۶۰۳
تا۲۶۱۲ - ۲۶۳۰تا ۲۶۳۵ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۸
۲۶۸۹
موسیکانوس : ۱۸۳۴ - ۱۸۳۵
مولون : ۲۰۸۰
مولوی : ۱۰۸م
مولیکوس : ۲۰۲۸
مولی‌نوس : ۱۷۷۳
مون‌تر : ۴۴ - ۴۷
مونتنی : ۱۵۴۰
مونرو : ۶۷۵ - ۷۷۳
مونوبازوس : ۲۴۳۰ تا۲۳۴۲ - ۲۴۵۰
مونه‌زس : ۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۶۵
مونیموس : ۱۳۲۲ - ۲۰۲۵
مؤیدالسلطنه : ۴۲م - ۱۱۶م
مهر (میثر) : ۱۵۹ - ۲۲۰ - ۱۰۹۸ - ۱۵۰۵
۱۵۱۵ - ۱۵۱۸ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۷
۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ - ۱۵۴۹ - ۱۶۰۰ - ۱۶۱۱تا
۱۶۱۳ - ۲۱۸۴ - ۲۴۵۱ - ۲۶۲۶ - ۲۶۹۱
مهردادداول : ۹۴ - ۲۰۸۷ - ۲۱۱۵ - ۲۱۴۸ و
رجوع به‌اشك‌ششم شود
مهردادودوم : ۲۰۷۶ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۸
۲۱۴۸ - ۲۷۲۲ ورجوع به‌اشك‌نهم‌شود
مهردادسوم اشکانی : ۲۲۷۵ و رجوع به اشك
دوازدهم‌شود .
مهرداد سوم پنت : ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۱۴۸
۲۱۶۵
مهردادچهارم : ۲۱۳۴ - ۲۱۳۵ - ۲۱۶۵ - ۲۶۷۷
۲۶۷۸ - ۲۶۹۶

مهردادپنجم : ۲۱۳۶ ـ ۲۱۴۸ ـ ۲۱۶۷
مهردادششم: ۱۱۴۸ ـ ۱۹۴۵ ـ ۲۰۸۸ ـ ۲۱۲۸ـ
۲۱۳۶ تا۲۱۴۹ ـ ۲۱۵۷ ـ ۲۱۵۸ـ۲۱۶۹
۲۲۷۳ ـ ۲۲۷۴ ـ ۲۲۷۷ تا ۲۲۸۱ـ۲۲۸۳
تا ۲۲۸۵ـ۲۲۸۷ ـ ۲۲۹۰ ـ ۲۲۹۱ـ۲۲۹۴
۲۲۹۷ ـ ۲۳۳۱ ـ ۲۳۳۲ ـ ۲۴۷۰
مهردادخواجه : ۹۰۸ ـ ۹۰۹
مهرداد هخامنشی : ۱۰۲۲ ـ ۱۰۳۵ ـ ۱۰۳۶
۱۰۵۲ ـ ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۴
مهردادپارتی : ۲۳۶۵تا ۲۳۶۷ ـ ۲۴۰۹ـ۲۴۱۰
۲۴۶۵ تا۲۴۶۷
مهرداد داماد داریوش :۱۲۵۴ ـ ۱۲۵۵ـ۱۴۴۹
مهردادپسر آری‌برزن : ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۶ تا۱۱۴۸
۱۵۳۸ـ ۲۰۹۳ ـ ۲۱۳۲ ـ ۲۱۴۸
مهرداد پسر آریارات : ۲۱۲۵ ـ ۲۱۲۶
مهردادپسرارن‌توبات : ۲۱۳۱
مهرداد پسراودیاس‌تس : ۹۶۱ـ۹۶۲
مهردادپسرفرس‌من : ۲۴۰۶ ـ ۲۴۱۵
مهردادپسرونن : ۲۴۱۸ تا ۲۴۲۳
مهرداد برادرفرس من :۲۴۰۱ـ ۲۴۲۵تا۲۴۲۷
مهردادآذری : ۲۶۲۵
مهرداد گرجی : ۲۶۲۰
مهرداد دخترمهردادششم : ۲۱۴۶ ـ ۲۱۴۹
مهرن : (میثرن)
مه‌ن‌تس : ۱۳۹۸
مه‌نیداس : ۱۳۷۹ ـ ۱۳۹۲ ـ ۱۶۸۲
مه‌نیلوس : ۱۹۸۱
مهومان : ۸۹۸
میتای موشکی :۱۹۴
میترادات :۲۳۴ـ۱۶۲۹ و رجوع به‌مهردادشود
میترادات (دختر) : ۲۱۴۶ ـ ۲۱۴۹
میتراسن : ۱۴۴۲
میتردات : ۴۰۲ـ ۹۴۷ ورجوع به‌مهرداد شود
میترس : (مهر)
میتروبازان : ۲۱۲۶
میتروبرزن : ۱۱۳۸ ـ ۱۱۴۵ ـ ۱۱۴۷ـ۱۲۵۳
۱۲۵۵
میتروباتس : ۵۵۶ ـ ۵۵۸
میتروبه : ۱۸۸۵
میثر : ۳۹ ـ ۹۹۴ ـ۱۱۵۶ و رجوع به‌مهرشود
میثردات : ۱۵۳۶ و رجوع به‌مهرداد شود
میتری‌دات : ۹۰۴ و رجوع به‌مهردادشود .
میثرن (مهرن) : ۱۲۶۱ ـ ۱۲۶۲ ـ ۱۲۷۵ـ
۱۳۱۷ ـ ۱۳۹۸ ـ ۱۴۳۴ ـ ۱۴۴۷
میثروس‌تس: ۱۳۸۰
میداس : ۱۹۴ ـ۱۲۸۴
میدیاس : ۱۱۰۰
میرتو : ۱۰۱۸
میرخواند ؛ ۱۰۳ ـ ۲۵۷۷
میرزاآقاخان صدراعظم : ۱۳۶م
میرزاآقای‌اصفهانی :۷م
میرعبدالوهاب : ۳م
میرسوس : ۶۵۱
میرونید : ۹۴۱
می‌ریاك : ۳۵۱
می‌ریاندر :۱۰۰۶
میرباندرس : ۱۵۱۰
می‌زا : (موزا)
میس : ۸۳۰ ـ ۸۳۱
میستا : ۲۱۳۵
میشل‌پافلاگونی : ۲۶۳۳
میلاد : (مهرداد)
می‌لت‌تا : ۴۴۱ ـ ۱۵۱۸
میلتوسیت : ۱۰۴۱
میلتیاد : ۶۰۹ ـ ۶۵۶ ـ ۶۷۱ ـ ۶۷۲ـ۶۷۴
۶۷۶ ـ ۶۸۰ـ ۹۲۲ ـ ۹۲۴ ـ ۹۲۶ـ۹۳۵
می‌لن :۵۶۲
مین‌دار : ۹۷۷
می‌نرو : ۲۴۵ ـ ۷۲۳ ـ ۸۱۵ ـ ۸۵۹ ـ ۸۹۶
۹۹۳ ـ ۱۲۴۶ ـ ۱۲۵۳ـ ۱۲۵۸ ـ ۱۳۰۱
۱۳۲۱ ـ ۱۳۸۴ـ ۱۷۵۹ ـ ۱۷۷۵ـ ۱۸۲۵

می‌نرواپرنه آ : ۷۹۹ - ۸۰۰
مینوباذ (می‌نوبازوس) ، ۲۶۳۰
مینس :۵۰۹
می‌نوس : ۱۹۲۸
مینوی (مجتبی) : ۱۵۷۸
میو : ۱۹۱۵
می‌یر (ادوارد) : ۳۴ - ۳۹ - ۶۱ - ۶۳ - ۶۴-
۱۰۹ - ۱۳۲ - ۶۳۱ - ۶۷۵ - ۶۷۹ - ۱۵۷۵

ن

ناپلئون‌اول : ۴۱ - ۷۰۳ - ۸۱۶ - ۸۸۸ - ۱۳۷۸-
۱۳۸۲ - ۲۲۹۶
ناپلئون‌سوم : ۵۷
ناپیرآسو : ۱۳۵
ناحوم :۱۸۱ - ۱۸۹ - ۴۰۱ ورجوع به‌نحمیاشود
نادرشاه : ۱۱۱م - ۱۵۲
ناساتی‌یا : ۳۹ - ۱۵۹ - ۱۵۲۹
ناصربن‌قلاوون : ۱۰۶
ناصرالدین‌شاه : ۵م - ۱۳م - ۲۰م - ۲۸م-۳۰م
۳۱م - ۱۲۴م -۱۳۶م
ناصرالملک : ۶م - ۲۵م -۲۷م تا ۲۹م - ۳۴م -
۴۸م - ۴۹م - ۵۸م - ۷۱م - ۷۹م -۸۰م-
۱۰۷م - ۱۱۶م-
ناظم‌الاسلام : ۵م - ۱۲م - ۱۶م - ۱۸م - ۲۰م
۱۲۲م - ۱۲۴م
نافرطاس : ۱۱۴۱ و رجوع به‌نفریت‌شود .
ناقاطانباس : ۱۱۴۱
نانا : ۱۱۷
نانذا : ۲۰۵۷
ناهید : (المپیاس)
ناهید ،۳م- ۱۴۳-۲۵۲۹ ورجوع به‌اناهیتاشود.
نایب‌الصدرشیرازی : ۳م
نبرزن: ۱۴۰م -۱۴۱م- ۱۳۰۳ -۱۳۰۷-۱۴۳۱
۱۴۳۴ تا۱۴۴۳ - ۱۶۳۸ - ۱۶۴۲-۱۶۴۷-
۱۶۴۸
نبو : ۱۱۹ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۳۸۶ - ۳۸۷-۳۹۱
نبوپولاس‌سر :۱۸۶ تا ۱۸۹ - ۱۹۱ - ۲۱۴-۳۷۸
نبوکدنصر :۱۹۲- ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۴۰۲ - ۹۴۶
۹۸۸
نبونصر ، ۱۱۰ - ۱۲۶
نبونید : ۱۱۱ - ۱۸۶ تا ۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۸-
۲۰۰ تا ۲۰۳ - ۲۲۴ - ۲۲۹ تا ۲۳۱ -
۲۶۳ تا ۲۶۵- ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۸۶-۳۷۸
۳۸۲ تا۳۸۵ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۹۱ تا۳۹۴
۳۹۷ - ۴۷۱ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷
نپتون : ۵۱۲ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۹۶ - ۱۳۳۹
۱۸۴۶ - ۱۹۲۸
نحمیا ، (ناحوم) ۶۹۴ - ۹۰۷ - ۹۴۵ - ۹۵۰
۹۹۱-۱۱۵۹ - ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۳
نخائو : ۱۹۲ - ۵۷۱ - ۶۳۱
نخت‌باست‌اراو : ۵۰۵
ندی‌تبیر : (نی‌دین توبل)
نرام‌سین : ۱۱۱-۱۱۶
نرسه : (نرسی)
نرسی‌اشکانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲-۲۵۴۶-۲۵۴۸
۲۵۴۹ - ۲۵۵۲ تا۲۵۵۶ - ۲۵۶۷-۲۵۶۸
۲۵۷۰ تا ۲۵۷۲ - ۲۵۷۶ تا ۲۵۸۱
نرسی‌پارسی : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷
نرسی‌بن‌ایرانشاه : ۲۵۶۲ - ۲۵۶۵
نرون: ۷۹۲ - ۲۴۳۱ تا ۲۴۳۳ - ۲۴۳۸-۲۴۳۹
۲۴۴۳ تا۲۴۴۵ - ۲۴۴۷ تا ۲۴۵۵-۲۴۵۸
۲۴۵۹ - ۲۴۶۶ - ۲۴۷۴ - ۲۴۷۶-۲۴۸۷
نریس : ۴۷
نسا : ۲۰۷۲
نسا دخترمهرداد : ۲۱۴۶ - ۲۱۴۹
نصربن ناصرالدین (ابوالمظفر): ۱۰۴
نصرةالدوله : ۶۰م ورجوع به‌فرمانفرماشود

نصرالله خان‌مشیرالدوله : ۲م- ۴تا۱۳م -۱۵م -
۱۸م - ۱۹م - ۲۱ تا ۲۳م - ۲۵م - ۴۲م
۱۲۲م
نصرالملك : ۵۱م
نصیرالدوله : ۴م -۱۲۸م
نظام‌الدوله : ۱۰۵م
نظام‌السلطنه : ۷م- ۳۹م
نظام‌الملك : ۱۱۲م
نظامی : ۱۴۱م
نعمت‌الله : (شاه‌نعمت‌الله)
نفریت (نفورود ، نافرطاس)، ۹۶۳ - ۱۱۳۲ -
۱۱۴۱
نفیسی (سعید) : ۱۳۲م تا ۱۳۴م - ۱۳۸م
نکتانب‌اول :۱۱۳۳ - ۱۱۳۴ - ۱۱۳۶ -۱۱۴۰
۱۱۴۱ - ۱۲۱۴
نکتانب‌دوم : ۱۱۴۱ - ۱۱۶۸ - ۱۱۷۴-۱۱۷۷
نلدکه : ۷-۷۳ - ۱۰۱ - ۲۰۳ - ۲۰۶-۲۱۵
۲۲۱ - ۲۳۱ - ۲۸۰ - ۳۸۹ - ۳۹۱
۵۳۱ - ۵۳۲ - ۶۱۱ - ۶۵۷ - ۶۸۷-۶۹۵
۸۸۸ - ۸۸۹ - ۹۰۸ - ۹۱۱ - ۹۱۴-۹۳۷
۱۱۱۸ -۱۱۲۲ - ۱۱۵۸ - ۱۱۵۹ -۱۱۶۶
۱۱۷۱ - ۱۱۸۴ - ۱۴۲۸ - ۱۵۶۸
نلیفاتس : ۱۲۵۵
نمرود : ۵۲
نم‌زیس : ۱۲۱۷
نمویت : ۲۶۲۷
نوتس:(داریوش‌دوم)
نوتون : ۶۷۰
نوح : ۷ - ۳۰ - ۱۰۵ - ۲۲۶۸
نورون‌دابات : ۵۳۱ - ۵۳۵
نوری (شیخ‌فضل‌الله) : ۴۵م
نوذر : ۲۱۸
نوکراتیس : ۵۱۶
نه‌آرخ : ۸۶ -۱۲۱۱ - ۱۷۸۱ - ۱۸۲۰-۱۸۲۲
۱۸۲۸ - ۱۸۴۶ - ۱۸۴۷ - ۱۸۵۱-۱۸۶۱
۱۸۶۴ -۱۸۶۵ -۱۸۶۹ - ۱۸۷۸-۱۸۸۰
۱۸۸۳ -۱۸۸۴ -۱۹۰۷ - ۱۹۱۰-۱۹۲۰
۱۹۲۲- ۱۹۲۳ - ۱۹۳۰ - ۱۹۳۲-۱۹۳۳
۱۹۵۶ - ۱۹۶۸ - ۲۰۱۱
نه‌اوپ‌تولم : ۱۲۰۷ - ۱۲۱۲ - ۱۹۸۷تا۱۹۸۹
۱۹۹۱ - ۲۰۲۶ - ۲۱۳۷ - ۲۱۳۹
نه‌راید : ۷۷۴
نی‌پور : ۴۴ - ۶۳ - ۶۷۷ - ۸۸۸ -۱۸۸۶
نیت : ۵۰۲تا ۵۰۵ - ۹۲۸ - ۹۶۳ - ۲۰۹۷
نی‌ت‌تیس : ۴۸۵ - ۵۰۷ - ۱۶۲۵
نی‌توکریس : ۳۷۸ - ۳۹۲ - ۳۹۳
نی‌دین توبل : ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۵۳ - ۵۵۴ -
۱۵۷۶
نیرالدوله : ۲۲م - ۴۰م
نیرالملك : ۵۹م - ۷۶م
نیروبن سابور : ۲۵۵۱
نیسا :۲۱۳۰
نی‌سیاس : ۱۲۶۱
نی‌فرات :۱۲۴۸
نی‌کاتور : (سلکوس‌اول)
نی‌کارخید : ۱۴۲۱
نی‌کارك : ۱۰۵۲ - ۱۰۶۳
نی‌کانور : ۱۲۶۴ - ۱۳۰۷ - ۱۳۸۷ - ۱۴۴۳-
۱۶۵۲- ۱۶۵۳ - ۱۶۶۲- ۱۶۶۳ -۱۷۶۴
۱۹۶۹ - ۱۹۷۵ - ۱۹۸۳ - ۱۹۹۳-۱۹۹۹
۲۰۰۳ تا۲۰۰۵ -۲۰۳۷ - ۲۰۳۸-۲۰۴۲
۲۰۵۵ - ۲۰۷۹ - ۲۰۹۵
نی‌کایا : (نیکه)
نیکلا : ۱۱۳م
نیکلادمشقی : ۹۴۲ - ۲۲۳۹
نیکلائوس : ۷۳ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۶۴ .
نیکلسن : ۱۱۶م - ۱۱۷ م
نی‌کوژن :۹۱۴ - ۹۱۶
نی‌کوسترات ، ۱۱۷۳ تا۱۱۷۵ - ۱۷۴۶

نی‌کوماك (نیکوماخوس) : ۱۶۵۶ـ تا ۱۶۵۹ ـ
۱۶۶۱ ـ ۱۶۶۵ ـ ۱۶۷۳ ـ ۱۶۷۵ـ۲۳۱۲
نی‌کومد اول: ۲۱۵۱ ـ ۲۱۶۶ ـ ۲۲۰۰ـ ۲۲۷۴
نی‌کومد دوم : ۲۱۵۱ ـ ۲۱۶۸
نی‌کومد سوم : ۲۱۳۰ ـ ۲۱۵۱ ـ ۲۱۷۰
نیکه : ۲۵۸۲ ـ ۲۶۷۹ ـ ۲۶۹۰ ـ ۲۷۰۵
نیکه دختر آن‌تی‌پاتر : ۱۹۸۶
نیگر :(پسینیوس‌نیگر)
نی‌مه‌زیس : ۲۶۵۹
نین‌مار : ۱۱۵
نینوس : ۷۹ ـ ۷۳۰ ـ ۱۲۹۶ ـ ۱۲۹۷ـ۲۲۶۸

و

واچه : ۲۶۱۶
وارباس : ۲۱۶
وارتان : (بردان)
وارتان مامی‌گونی :۹۸
وارون : ۳۹ ـ ۱۵۹ ـ ۱۵۲۹
واسموس : ۵۱م
واگارش ، (بلاش)
واگارشك : (وال‌ارشك)
واگنر : ۲۲۵۱
والارش : ۲۶۱۳ ـ ۲۶۲۰
وال‌ارشك: ۹۴ـ ۹۵ـ ۲۲۷۱ ـ ۲۲۷۲ـ۲۵۸۴تا
۲۵۸۷ـ ۲۵۹۶ ـ ۲۵۹۷ ـ ۲۶۰۱ـ۲۶۰۸
۲۶۱۱ ـ ۲۶۱۹ ـ ۲۶۲۱ ـ ۲۶۳۷
والرین : ۲۶۰۷
والس : ۵۳۶
واله : ۶۹۳
وامبری : ۲۱۸۸
وثوق‌الدوله ، ۱۹م ـ ۵۶م تا ۶۵م ـ ۶۷م ـ ۶۹م
۷۰م ـ۱۱۸م
وثوق‌السلطنهٔ‌دادور : ۵۹م ـ۶۳م
وحید دستگردی : ۵۵م
ورتانس : ۲۶۱۶
ورثرغنا : ۱۵۹ ـ ۲۶۲۶ ورجوع به‌بهرام‌شود.
وردان : (بردان)
ورران : (ورثرغنا)
ورزدات : ۲۶۲۱
ورگون‌تینوس : ۲۳۱۷
ورمشاپوه : ۲۶۲۱
ورهام شابوه : (بهرام شاه‌پور)
وزیرافخم : ۴۲م
وسپازیان: ۸۰ ـ ۸۳ ـ۲۴۵۴تا۲۴۵۷ـ۲۴۶۰تا
۲۴۶۳ ـ ۲۵۵۱ ـ ۲۶۶۳
وستا ، (هیستیا)
وشتئی : ۸۹۸ ـ ۸۹۹ ـ ۹۰۳ ـ ۹۰۴
وشمگیر : ۲۵۶۰
ولتر : ۲۱۸۰
ولگاش، (بلاش)
ولگزس ، ۲۶۲۰ و رجوع به‌بلاش‌شود
ولیپوس : ۲۳۸۴ ـ ۲۳۸۹
ومیس : ۵۴۳
وناسب‌مرهاب : ۲۵۹۰
ون‌تس : ۲۶۱۹
ون‌تی‌دیوس : ۲۳۴۵ تا ۲۳۴۷ ـ ۲۳۵۲
ونن : ۲۳۸۳
ونن‌اول : (اشك‌هفدهم)
ونن‌دوم : (اشك‌بیست‌و یکم)
ونوس : ۱۱۵۵
وولسین : ۱۶۲۰
وولکان : ۸۱۷
وهشتیه : (وشتئی)
وهوبراز : ۲۶۲۷
وهوك : ۵۳۴ و رجوع به‌اخس‌شود
وهومنه : (اومانوس)
وهومیتر : (مینوچهر)
وهی‌یزدات ، ۵۴۵تا ۵۴۷ ـ ۱۵۷۷

وی‌تلیوس: ۲۳۹۷ ـ ۲۳۹۸ ـ ۲۴۰۱ ـ ۲۴۰۳
۲۴۰۵ تا ۲۴۰۷
ویجن ، (بیژن)
ویدرن : ۵۳۴ ـ ۵۴۲
ویرگی‌لیانوس : ۲۴۸۰
ویزی گس : ۲۳۰۰
ویس‌باخ: ۳۶ ـ ۵۳۹ ـ ۱۴۵۱ ـ ۱۴۵۳-۱۵۷۰
۱۵۷۴ ـ ۱۵۷۵
ویس‌پار ، ۵۳۴
ویشتابازونك : ۲۰۷
ویشتاسب : (گشتاسب)
ویشتاسپ ، (هیستاسپ)
ویشتاسپ‌پدر داریوش ، ۲۲۸ ـ ۲۳۰ ـ ۲۳۱ـ
۵۳۷ ـ ۵۴۵ ـ ۵۷۰ ـ ۵۷۱ ـ ۵۹۳ ـ ۷۸۲
۹۰۸تا۹۱۰ ـ ۹۲۲-۹۵۲ ـ ۱۴۵۱-۱۵۳۶
۱۵۵۰ ـ۱۵۷۰ ـ ۱۵۷۱ ـ ۱۵۷۶ ـ۱۵۹۲
۱۵۹۶ـ۱۵۹۸ تا ۱۶۰۰ ـ ۱۶۰۴-۱۶۰۹
تا ۱۶۱۳ ـ ۱۶۱۵ ـ ۱۶۲۵ ـ ۱۶۲۶
ویشتاسپ پسرداریوش : ۱۶۲۶ ـ ۱۶۳۰
ویشتاسپ از نزدیکان داریوش : ۱۶۳۷
ویشتاسپ‌پسر خشایارشا : ۹۰۴ ـ ۱۶۲۷
ویلسن (آرنولد) ، ۱۵۰۸ ـ ۱۸۸۶
ویل‌کن ۰ ۲۱۵۹
وین دفرن : ۵۳۴ ـ ۵۳۵ ـ ۵۴۸
وین‌کلر ، ۳۲ ـ ۳۹ ـ ۵۱ ـ ۶۲تا۶۴ـ ۲۲۳ ـ
۳۸۹
ویوان ، ۵۴۷

ه

هالیك ، (هایك)
هائوآن : ۱۱۹۲
هابیل : ۱۱۱م
هادریان : ۲۱۷۵ ـ ۲۴۸۷ تا ۲۴۹۳ ـ ۲۴۹۵ ـ
۲۵۰۱ ـ ۲۶۳۵
هادس ، ۱۵۲۲ ـ ۱۵۲۳
هارپات : ۱۱۵۷
هارپاگ ، ۲۰۳ ـ ۲۳۴ تا ۲۴۰ ـ ۲۶۳ ـ ۲۷۷
۲۹۳تا ۲۹۵ ـ ۳۷۴ ـ ۶۵۵
هارپالوس ، ۱۲۱۱ ـ ۱۲۴۷ ـ ۱۸۸۱ ـ ۱۸۸۲
۱۹۰۰ ـ ۱۹۷۶ ـ ۱۹۸۴
هارمودیس ، ۱۴۰۸ ـ ۱۹۲۰
هاله‌وی : ۳۴
هاماس‌تریس ، هاماشتر : (آمس‌تریس)
هامان : ۸۹۹تا ۹۰۲
هامیلکار : ۷۶۶
هانی‌بال ، ۲۱۳۶ ـ ۲۲۸۱ ـ ۲۲۸۴ ـ ۲۲۹۶
هایك(هایکا): ۲۲۶۸ـ ۲۵۸۴ـ ۲۵۸۵-۲۶۰۸
۲۶۱۰
هایك دوم ، ۲۲۶۸ تا۲۲۷۰
هخامنش ، ۲۲۸تا ۲۳۱ ـ ۷۱۰ ـ ۷۴۲-۷۸۷
۹۲۷ـ ۹۳۰ ـ ۹۳۱ ـ ۹۳۳ ـ ۱۵۵۱-۱۵۷۱
۱۵۷۶ ـ ۱۶۲۴ ـ ۱۶۲۹
هخامنش (پسرداریوش) ۱۶۲۶
هدایت (مخبرالسلطنه) : ۴م ـ ۱۰ م ـ ۱۹م ـ
۲۱م ـ ۲۳م ـ ۲۸م ـ ۵۹م ـ ۶۲ تا ۶۶م ـ
۷۰م ـ ۷۹م ـ ۸۰م ـ ۹۰م ـ ۹۲م ـ ۹۳م ـ
۱۱۸م ـ ۱۱۹م ـ ۱۲۹م
هدسه ، (استر)
هرا : ۲۷۰ ـ ۵۹۴
هراس : ۲۳۸۰
هراکل(هراکلس) :۱۴۲م ـ ۵۱۱ ـ ۵۱۲-۵۱۸
۵۸۲ ـ ۵۸۷ ـ ۷۹۸ ـ ۱۳۳۱ ـ ۱۳۳۳ ـ
۱۷۲۱ ـ ۲۶۷۹ ـ ۲۶۹۰
هراکلس پسراسکندر : ۱۹۵۴ ـ ۱۹۶۰ ـ۱۹۹۱
۲۰۱۸ ـ ۲۰۴۴ ـ ۲۰۴۵
هراکلید : ۱۰۹۸ ـ ۱۹۱۷
هراکلیوس ، ۲۵۹۴
هراکون : ۱۸۶۴
هرتسفلد : ۱۲۷م ـ ۱۵۶۶ ـ ۱۵۷۸ ـ ۱۵۹۵ ـ

۱۵۹۸ - ۱۶۲۰
هرسترات : ۱۲۶۳
هرکول :۷۷۷-۷۸۱ - ۱۰۸۸ - ۱۱۷۳-۱۲۱۳
۱۲۲۵ - ۱۳۲۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳-۱۳۵۳
۱۴۵۷ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۳-۱۷۴۵
۱۷۶۲ - ۱۷۷۳ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۸ - ۱۷۹۳
۱۷۹۴ - ۱۸۰۷ - ۱۸۱۵ - ۱۸۲۱-۱۸۳۶
۱۸۳۸ - ۱۸۴۲ - ۱۸۵۰ - ۱۹۰۱-۱۹۲۲
۱۹۳۸ - ۲۲۹۶
هرمازس : (اهورمزد - هرمز)
هرمامیتر : ۷۳۹
هرمز :۱۴۹ - ۱۲۹۶ - ۱۵۰۵ - ۲۶۰۸-۲۶۲۸
۲۶۸۷ - ۲۶۸۸ - ۲۶۹۲ و رجوع به
اهورمزدشود
هرمزاشکانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۶-۲۵۴۸
۲۵۴۹ - ۲۵۵۱ تا ۲۵۵۶ - ۲۵۶۷-۲۵۶۸
۲۵۷۰ - ۲۵۷۱ - ۲۵۷۶ - ۲۵۷۹ - ۲۵۸۰
هرمزان‌بن‌بلاش : ۲۵۶۲ - ۲۵۶۳ - ۲۵۶۵
هرمس : ۶۲۰ - ۸۶۶ - ۱۹۴۸ - ۲۲۶۱
هرموژن : ۱۱۱۵
هرموس : ۲۷۷
هرموسید : ۸۴۱
هرموکرات : ۱۲۰۹ و رجوع به‌تیموکرات شود
هرمولائوس: ۱۷۴۶ - ۱۷۴۸ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱
تا ۱۷۵۵ - ۱۷۵۷
هرمیاس : ۱۱۸۰ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۰
هرموس : ۱۷۵۵
هرو : ۱۷۵۶
هروداس : ۱۱۰۲
هرودوت : ۲۲ - ۳۶ - ۵۴ - ۶۶ تا ۷۴ - ۷۷
۷۸ - ۹۱ - ۱۴۹ - ۱۶۸ - ۱۷۱ - ۱۷۳ -
۱۷۵ تا ۱۷۷ - ۱۷۹ تا ۱۸۴ - ۱۸۶-۱۸۷
۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۵ - ۱۹۸ - ۲۰۰ تا ۲۰۳
۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۸ - ۲۱۵ تا ۲۱۷-۲۲۰
۲۲۲ - ۲۲۷ تا ۲۲۹ - ۲۳۱ تا ۲۳۳-۲۳۶
۲۳۷ - ۲۴۰ - ۲۴۲ - ۲۶۲ - ۲۶۲-۲۶۴
۲۶۵ - ۲۶۷ تا ۲۶۹ - ۲۷۱ تا ۲۷۳ - ۲۷۵
۲۷۶ - ۲۷۸ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۳ تا ۲۸۵
۲۸۸ - ۲۹۰ تا ۲۹۳ - ۲۹۵ - ۲۹۶-۳۰۳
۳۶۶ - ۳۷۲ - ۳۷۴-۳۷۷ - ۳۸۰ تا ۳۸۲
۳۸۹ - ۳۹۲ تا ۳۹۴ - ۴۰۷ - ۴۰۸-۴۲۷
۴۳۸ تا ۴۴۰ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۵۲-۴۵۴
۴۶۵ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۸
تا ۴۸۱ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۶ تا ۴۸۹ -
۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۵ تا ۴۹۸ - ۵۰۲ - ۵۰۵
تا۵۱۳ - ۸۱۶ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۳-۵۲۵
۵۲۶ - ۵۲۹ تا۵۳۲ - ۵۳۴ تا ۵۳۷-۵۴۹
۵۵۰ - ۵۵۳ تا ۵۵۵ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۲
۵۶۳ - ۵۶۵ تا۵۶۷ - ۵۶۹ - ۵۷۲ تا ۵۷۹
۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۴ - ۵۸۶ - ۵۸۷-۵۸۹
۵۹۰ - ۵۹۲ تا۵۹۴ - ۵۹۶ - ۵۹۸ - ۵۹۹
۶۰۱ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۱۱ تا ۶۱۸ - ۶۲۱
۶۲۲ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۷ تا۶۳۱ - ۶۳۳
تا۶۳۶ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۱ تا۶۴۸-۶۵۰
تا ۶۵۲ - ۶۵۴ تا۶۶۵ - ۶۶۷ تا۶۶۹ - ۶۷۱
۶۷۳ تا ۶۸۵ - ۶۸۷ - ۶۹۱ - ۶۹۲-۶۹۸
۶۹۹ - ۷۰۱ تا ۷۰۴ - ۷۱۰ - ۷۱۱-۷۱۳
تا ۷۱۶ - ۷۱۸ - ۷۲۰ - ۷۲۲ تا۷۲۴-۷۲۷
تا۷۳۵ - ۷۳۷ - ۷۳۹ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۷
تا ۷۵۰ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۵ تا۷۵۷ - ۷۶۰
تا۷۶۲ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۸ - ۷۷۰-۷۷۲
۷۷۳ - ۷۷۶ - ۷۷۸ تا۷۸۲ - ۷۸۴ - ۷۸۵
۷۸۸ - ۷۹۰ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۶ تا۸۰۴
۸۰۶ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۲ - ۸۱۶ تا۸۱۹
۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۴ - ۸۲۷ تا۸۳۰-۸۳۵
۸۳۶ - ۸۳۸ تا ۸۴۱ - ۸۴۳ تا۸۴۶ - ۸۴۸
تا ۸۵۰ - ۸۵۲ تا۸۵۸ - ۸۶۰ - ۸۶۲ تا۸۷۰
۸۷۲ تا ۸۷۷ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۶ تا۸۸۹

۸۹۱ ـ ۸۹۲ ـ ۸۹۴ ـ ۹۰۳ تا ۹۰۷ ـ ۹۱۱
۹۲۷ ـ ۹۳۰ ـ ۹۳۳ ـ ۹۳۷ ـ ۹۶۲ ـ ۹۸۸
۱۱۲۷ ـ ۱۲۴۶ ـ ۱۲۹۸ ـ ۱۳۵۲ ـ ۱۳۵۸
۱۳۸۰ ـ ۱۳۹۷ ـ ۱۴۱۸ ـ ۱۴۱۹ ـ ۱۴۵۰
۱۴۵۳ ـ ۱۴۶۰ ـ ۱۴۶۲ ـ ۱۴۶۴ ـ ۱۴۶۵
۱۴۶۸ ـ ۱۴۷۰ تا ۱۴۸۱ ـ ۱۴۸۳ تا ۱۴۸۷
۱۴۸۹ تا ۱۴۹۴ ـ ۱۴۸۷ ـ ۱۵۰۰ ـ ۱۵۰۱
۱۵۰۵ تا ۱۵۰۹ ـ ۱۵۱۳ تا ۱۵۱۵ ـ ۱۵۱۸
۱۵۱۹ ـ ۱۵۲۱ ـ ۱۵۲۵ تا ۱۵۴۷ ـ ۱۵۵۶
۱۵۵۸ ـ ۱۵۹۹ ـ ۱۶۸۳ ـ ۱۶۹۳ ـ ۱۷۰۲
۱۷۰۷ ـ ۱۹۰۱ ـ ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ ـ ۱۹۱۸
۱۹۲۱ ـ ۱۹۲۳ ـ ۱۹۴۳ ـ ۱۹۷۰ ـ ۲۰۲۰
۲۱۰۹ ـ ۲۱۷۹ ـ ۲۱۸۱ ـ ۲۱۸۵ ـ ۲۱۹۰
۲۱۹۵ ـ ۲۱۹۶ ـ ۲۲۰۵ ـ ۲۲۱۲ ـ ۲۲۲۶
۲۲۴۹ ـ ۲۲۵۶ ـ ۲۲۵۷ ـ ۲۲۶۹ ـ ۲۴۵۹
۲۵۸۵ ـ ۲۶۰۶ ـ ۲۶۱۷ ـ ۲۶۳۰ ـ ۲۶۴۲
۲۶۴۷ ـ ۲۶۷۵ ـ ۲۶۹۳
هرودآن‌تی‌پاس : ۲۴۰۶
هرودیانوس : ۲۱۸۱ ـ ۲۴۸۶ ـ ۲۵۰۵ ـ ۲۵۰۹
۲۵۱۷ ـ ۲۵۱۹ ـ ۲۵۲۰ ـ ۲۵۲۳ تا ۲۵۲۷
۲۵۳۱ ـ ۲۵۳۲ ـ ۲۵۳۵ ـ ۲۶۵۷ ـ ۲۶۶۱
۲۶۶۴ ـ ۲۶۸۶ ـ ۲۶۸۹ ـ ۲۶۹۷ ـ ۲۶۹۹
هرومه‌نس : ۱۲۷۶
هروی خراسانی : ۹۴م
هزیود : ۷۱ ـ ۵۸۶
هژزیسترات : ۸۴۶ ـ ۸۴۸ ـ ۸۶۵ ـ ۱۲۶۴
هژساندر : ۶۵۲
هژلوك : ۱۲۸۴ ـ ۱۳۴۶ ـ ۱۶۷۱ ـ ۱۶۷۲
هژیاس : ۸۴۶
هسای : ۱۶۰۱
هستانس : (استانس)
هس تیا : ۲۹۷ ـ ۴۱۰ ـ ۵۸۷
هشام کلبی : ۲۵۶۹ ـ ۲۵۷۰
هفایس‌تس : ۴۰۶ ـ ۵۰۹
هفتواد : ۲۶۷۹
هفست : (هفایس‌تس)
هفس‌تون : ۵۶۷
هفس تیون : ۷۴۹ ـ ۱۲۴۶ ـ ۱۳۱۸ ـ ۱۳۱۹
۱۳۲۷ ـ ۱۳۲۸ ـ ۱۳۴۷ ـ ۱۳۹۲ ـ ۱۴۴۹
۱۶۲۹ ـ ۱۶۶۰ ـ ۱۶۷۰ ـ ۱۶۷۵ ـ ۱۶۸۲
۱۷۰۹ ـ ۱۷۱۶ ـ ۱۷۲۳ ـ ۱۷۵۸ ـ ۱۷۶۶
۱۷۸۰ ـ ۱۷۸۳ ـ ۱۷۸۶ ـ ۱۷۹۴ ـ ۱۸۰۰
۱۸۰۳ ـ ۱۸۰۴ ـ ۱۸۱۸ ـ ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۲
۱۸۳۵ ـ ۱۸۳۶ ـ ۱۸۴۶ ـ ۱۸۵۵ ـ ۱۸۵۶
۱۸۵۸ ـ ۱۸۶۹ ـ ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ ـ ۱۸۹۹
۱۹۰۱ تا ۱۹۰۶ ـ ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ ـ ۱۹۱۶ ـ
۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۹ ـ ۱۹۳۲ ـ ۱۹۳۶ ـ ۱۹۴۴
۱۹۴۷ ـ ۱۹۶۸ ـ ۱۹۷۱ ـ ۲۰۵۴
هکاتومنس : ۱۱۲۴
هکاته : (هکاتیوس)
هکاته (دوست اسکندر) : ۱۲۲۴ ـ ۱۲۲۶ ـ ۱۶۴۹
۱۶۷۸
هکاتیوس : ۶۶ ـ ۷۷ ـ ۷۸ ـ ۸۴ ـ ۲۸۰ ـ
۶۴۱ ـ ۶۴۲ ـ ۶۵۲
هکتور : ۱۳۵۱
هکتور پسر پارمن‌یون : ۱۶۶۳
هکل : ۳
هلاکوخان : ۱۰۶
هل‌دیت : ۵۴۷
هل‌لانیس : ۱۷۳۱
هلم : ۱۳۰۶
هلن : ۶۶۰ ـ ۶۶۴
هلی‌اکل : ۲۲۲۸ ـ ۲۲۶۰
هلی‌کس : ۹۶۲
هلیودور : ۲۰۸۹
هلیوس : ۲۷۲۱
هماشتر : (آمس‌تریس)
همای : ۱۶۲ ـ ۱۶۳ ـ ۹۰۳ ـ ۹۶۵ و رجوع به

آمس‌تریس‌شود :
همدآثا (همدانا) : ۹۰۰
همر : (هومر)
هم‌مل : ۳۷ـ۳۹ ـ ۶۱ ـ ۲۲۷
هوتانه : ۱۴۶۵ ـ ۱۶۲۵ تا ۱۶۲۷ ـ ۱۶۳۰
هوتوم شنیدلر : (شنیدلر)
هوراتاس :۱۸۴۲
هوزنیك :۳۶ ورجوع به‌ازنیک شود
هوسی : ۱۴۰ ـ ۱۴۱ ـ ۶۹۶ ـ ۸۵۳ ـ ۱۵۶۷
۱۶۰۱
هرفر : ۱۶۴۳ ـ ۱۷۰۱ ـ ۱۹۱۵
هولوفرن : ۲۱۲۴ ـ ۲۱۲۵ـ ۲۱۲۷ ـ تا۲۱۲۹
هومبر : ۷۱۸
هومر : ۱۹ ـ۷۱ ـ ۵۸۶ـ ۶۶۱ ـ ۶۸۸ـ۷۲۳
۱۲۲۱ ـ ۱۵۴۶ ـ ۱۷۳۰ ـ ۱۷۵۵ ـ۱۸۱۹
۲۰۷۱ ـ ۲۱۵۵ ـ ۲۱۵۷
هون‌تینگ‌تون : ۱۴۹
هووخ شتر : ۱۷۳ ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۱ ـ ۱۸۳ تا
۱۸۹ ـ۱۹۳ ـ ۱۹۷ تا ۱۹۹ ـ ۲۰۱ـ۲۰۵
۲۰۷ـ۳۷۷ ـ ۵۴۲ ـ ۵۴۴ ـ۱۳۹۷ـ۱۵۷۶
۱۵۷۷ ـ ۲۲۴۸ ـ ۲۲۷۰ ـ ۲۴۵۹
هوورشه : (ارسس)
هی‌برانتس : ۷۸۲ ـ ۱۶۲۶
هیپ‌سید : ۱۷۱۰
هیپوسترات : ۲۰۱۹
هیپولیت : ۱۹۰۱
هیپوماك : ۸۴۷
هی‌پونیکوس : ۹۳۶
هی‌پیاس : ۶۳۷ تا ۶۳۹ ـ ۶۴۴ ـ ۶۷۰تا۶۷۲
۶۷۴ ـ ۶۷۶ ـ ۶۷۸ ـ ۹۴۰
هی‌جای : ۸۹۹
هی‌دارن (هی‌دارنس) : ۵۲۱ ـ ۷۵۴ ـ ۷۷۹ ـ
۷۸۰ ـ ۸۲۳ ـ ۱۸۸۵ و رجوع به ایدرنس
شود
هی‌داسپ : ۱۸۸۵
هیرکانیوس : ۲۲۳۸ـ۲۳۴۳ ـ ۲۳۴۶
هیرود : (ارداول)
هیروس : ۲۳۳۷
هیرون : ۱۹۲۲ ـ ۱۹۲۳
هیروپاس : ۲۷۸
هیستاسپ : ۴۵ ـ ۳۲۳ ـ ۳۳۹ ـ ۳۵۰ ـ ۳۵۷
۳۶۰ـ ۳۷۰ ـ ۳۷۱ ـ ۴۲۲ ـ ۴۲۶ـ ۴۳۳
تا ۴۳۶ ـ ۴۵۰ ـ ۴۵۱ ـ ۶۳۹ ـ ۷۳۲ ـ
۱۵۳۶ و رجوع‌به‌ویشتاسپ شود
هیستیه : ۶۰۵ ـ ۶۰۹ ـ ۶۱۰ ـ ۶۲۰ ـ ۶۲۵ـ
۶۳۸ـ ۶۳۹ ـ ۶۴۱ ـ ۶۴۷ ـ ۶۴۸ـ۶۵۲ـ
۶۵۳ ـ ۶۵۵ ـ ۷۰۹ ـ ۷۴۲ ـ۱۴۸۸
هی‌كسیوس:۸۹۷
هیکی (هی‌جای) : ۸۹۹
هی‌م اس : ۱۶۲۶
هی‌مر : ۲۲۴۴ تا ۲۲۴۷
هیمه ۶۵۰ ـ۶۵۱
هی‌نکس : ۳۲ ـ ۴۷
هی‌پرامنس : ۹۷۴ ـ ۱۶۲۷
هی‌پرون : ۹۱۳
هی‌پرونیموس : ۱۹۹۵ ـ ۲۰۴۲ ـ ۲۳۱۲

ی

یُ : ۶۶۰ ـ ۶۶۱
یائیر : ۸۹۹
یاتراگراس :۶۴۲
یازون : ۲۲۶۸ ورجوع به‌زازن شود
یاسائی : ۱۱۰م
یافث‌بن‌نوح : ۳۰ ـ ۶۱۷
یاقوت حموی : ۱۰۱ ـ ۱۰۵ ـ ۱۰۶ ـ ۱۱۸۸
۱۵۶۷
یاکلا : ۲۲۱۳
یانزو : ۱۶۹
یاواناس : ۲۰۵۷

یپرم : ۳۱م
یحیی‌بن‌زکریا: ۲۵۴۵ ـ۲۵۵۹ ـ ۲۵۶۰ ـ۲۵۶۶ـ
۲۵۶۹ ـ ۲۵۷۲ ـ ۲۵۷۷ ـ ۲۵۷۹
یحیی‌خان مشیرالدوله : ۱۳۶م
یزدگرداول : ۱۰۲ ـ ۲۵۴۲ ـ ۲۶۲۶ـ۲۶۲۷ـ
۲۶۳۸
یزدگرد دوم : ۹۸
یزدی (محمد) : ۳۴م
یشوع : ۹۴۷ تا ۹۵۰
یعقوب : ۱۸۱ ـ ۱۱۶۰ ـ ۱۵۵۵
یغمائی (حبیب) : ۱۳۷م
یوئه‌چی : ۶۱۴ ـ ۲۲۵۵ تا ۲۲۶۰ ـ ۲۲۶۳ ـ
۲۲۶۴
یوتاپا : ۲۳۷۶ـ ۲۶۲۵
یوستی (فردیناند) : ۶۱ـ ۹۰۷ـ۹۰۸ـ ۹۵۲
۹۵۳ ـ ۹۵۶ ـ ۹۶۰ ـ ۱۶۲۴ ـ ۲۱۲۹
۲۱۴۹ ـ ۲۲۷۷ ـ ۲۲۸۰ـ۲۴۱۳ـ ۲۴۱۷ـ
۲۴۲۳ ـ ۲۴۶۳ ـ۲۴۶۹ـ۲۶۱۲ـ ۲۶۲۵
۲۶۲۶
یوشیا : ۱۹۰ ـ ۱۹۲
یولاس : ۱۹۲۷ ـ ۱۹۳۱ ـ ۱۹۳۳ ـ ۲۰۰۵ ـ
یولیوس (آلکساندر) : ۲۴۸۵
یولیوس سزار : ۷۱ ـ ۴۷۴ ـ ۱۸۷۹ ـ ۱۹۲۲ ـ
۲۲۹۴ـ ۲۲۹۶ـ ۲۲۹۷ ـ ۲۲۹۹ ـ۲۳۱۰ـ
۲۳۱۵ ـ ۲۳۳۲ ـ ۲۳۳۴ـ ۲۳۷۷ تا۲۳۳۹
۲۳۴۱ تا۲۳۴۳ـ۲۳۷۷
یولیوس‌کاپی‌تولینوس : ۲۴۹۳ ـ ۲۴۹۴ـ۲۴۹۷
۲۵۰۰ ـ ۲۵۰۳
یولیوس مارثیالس : ۲۵۲۴
یو : (ی)
یون : ۷۴۱ ـ ۱۹۲۸
یویان : (ژوین)
یهودا : ۴۰۰ ـ ۴۰۱ ـ۴۴۵ ـ ۹۴۶ تا ۹۴۸ـ
۱۱۶۱ تا۱۱۶۳
یهوه : ۴۰۰ ـ ۴۰۱ ـ ۴۴۴ ـ ۴۴۵ ـ ۹۴۷
۱۱۶۰ تا ۱۱۶۲
یهوه صبابوت : ۱۸۱ ـ ۳۹۹
یهویاقیم (یهویاکین) : ۱۹۲

فهرست قبایل و خاندان‌ها

آ

آبکار : ۲۰۸۷

آتاسی‌ها : ۲۲۵۷

آتروپات ، ۱۳۷۹ - ۱۷۲۵ - ۱۸۷۰ - ۱۸۸۳
۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۴ - ۲۶۲۳-۲۶۲۵

آخه ، ۵۶۲ - ۷۵۳ - ۱۳۸۷

آدراایست : ۱۸۰۰ - ۱۸۰۳

آدیرماخید : ۵۷۲

آذربانان : ۲۶۷۹

آرابیت :۱۸۵۵ - ۱۸۵۷ - ۱۸۷۰ - ۱۹۴۱

آراساك : ۱۷۶۶

آردزرونیان : ۲۶۲۲

آرشارونی : ۲۶۲۲

آرگونوت : ۱۶۸۴

آرودی : ۶۹۲

آریماسپ : ۵۸۶ - ۶۳۶ - ۲۲۴۹

آس : (آلان)

آسپاندیان : ۱۲۷۸

آس‌پیست : ۵۷۲

آسپیان : ۱۷۶۶ تا ۱۷۶۸

آس‌کینیان : ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰ - ۱۷۹۹-۱۹۴۰
۱۹۴۴

آسیانی : ۲۲۵۶

آشوتس : ۲۶۰۸

آگاتیرس : ۵۹۹ - ۶۰۲ - ۶۰۵ - ۲۴۵۸

آگروپات : (آتروپات)

آگریان : ۱۲۲۹ - ۱۲۴۷ - ۱۷۷۴

آلاباند : ۸۳۱

آلارودیان : ۷۳۷ - ۱۴۷۴

آلازون : ۵۸۲ - ۵۸۳

آلان : ۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۳۳۹ - ۲۴۵۷ تا ۲۴۶۱
۲۴۶۴ - ۲۴۷۱ - ۲۴۹۰ - ۲۴۹۱-۲۴۹۴
۴۴۹۵ - ۲۵۸۹ - ۲۶۱۶ - ۲۶۱۸

آلبانی : ۹ - ۲۴۰۱

آل‌بویه : ۱۰۵

آل‌زیار : ۲۵۷۵

آلکمئونید : ۶۳۷ - ۶۷۴ - ۹۲۵

آلواس : ۷۵۳

آله‌آد : ۷۰۴ - ۸۹۵

آمادونی : ۲۶۰۷

آمارد : ۱۵۷- ۱۵۰۸ ورجوع به‌مردها ومارد‌ها شود .

آمازون: ۶۰۰- ۶۰۱- ۱۰۷۷ - ۱۶۴۸-۱۶۴۹
۱۷۲۲ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱

آمبر : ۱۸۴۲

آمبروسیت : ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵

آمرد : (آمارد)

آمفیکتیون : ۷۸۴

آناپاست : ۱۳۸۷

آندروفاژ ، ۵۸۳ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۲-۶۰۵

آنگلوساکسن: ۹

آنی : ۲۶۲۳

آوس‌خیس : ۵۷۲

الف

آسید : ۸۲۶ ـ ۱۲۱۲ ـ ۱۲۱۳
االیـان : ۲۸۷ تا ۲۸۹ ـ ۲۹۵ ـ ۳۴۷ ـ ۸۷۰ ـ ۱۴۷۱ ـ ۱۹۱۱
االید : ۱۲۶۲
ا انیاد : ۱۹۷۵
اورد : ۷۷۱
اپوسیل : ۱۷۲۰
اپیک‌تت : ۲۱۵۱
اپی‌گون : ۱۸۸۴ ـ ۱۸۸۵ ـ ۱۸۸۷
اتاریات : ۱۲۲۹
اتروسک : ۱۹ـ ۳۶ـ ۱۹۱۷ ـ ۲۴۵۱
اتولیان : ۱۹۷۵ ـ ۱۹۸۷ ـ ۲۱۵۵
اراتو : (اورارتو)
ارس‌تیان : ۱۳۸۷
اژین : ۸۱۵
اژینت : ۷۹۰
اسادیان : ۱۸۳۳ ـ ۱۸۴۲
است: (آلان)
اس‌خریون : ۴۹۶
اسپهبد پهلو : ۲۶۰۰ ـ ۲۶۰۱
اصحاب‌الکهف : ۲۵۴۵ ـ ۲۵۷۶ ـ ۲۵۷۹
افغان : ۶۳۴
افرسکیانیکه : ۹۸۸
اگل : ۱۴۷۳
اگی‌نت : ۷۵۹
الی‌میان : ۱۹۰۷ ـ ۲۲۲۶
انباط : (نبطی‌ها)
انت : ۶۲۰
انی‌یان : ۷۵۳ ـ ۷۷۹
اوتیان : ۷۳۳ ـ ۱۴۷۴
اودریس : ۵۹۵ ـ ۱۸۸۱
اودومانت : ۷۴۹
اورادا : ۲۲۶۹
اورارتو : ۱۹۸ ـ ۷۳۵
اورگت : ۱۷۱۹
اوریت : ۱۸۷۰ ـ ۱۸۸۰ ـ ۱۸۸۴ ـ ۱۹۴۱
اوکسیان : ۱۳۷۹ ـ ۱۹۰۷ ـ ۲۰۰۹
اومان ماند : ۱۸۷ ـ ۳۸۵
ایرونی : (آلان)
ای‌ریك : ۵۸۴
ایسوری : ۱۹۸۳

ب

باختریها : ۳۳۳
بازرنگی : ۲۵۲۹ ـ ۲۵۳۰
باسك : ۱۱
ببرین : ۲۱۵۰
بختیاری : ۲۶۰
برانخیدها : ۲۹۲ ـ ۶۴۲ ـ ۱۶۹۹ تا ۱۷۰۱ـ ۱۷۲۱ ـ ۱۹۴۰ ـ ۲۰۳۷
بروتیان : ۱۹۱۷
برهمن‌ها : ۱۸۲۳
بریگ : ۱۹۴ ـ ۶۵۸ ـ ۷۷۱
بس‌ها : ۷۴۸
بل‌هوونی : ۲۶۲۲
بنی‌دادان : ۴۴۴
بنی‌مدین : ۱۰۷
بوتی‌ین : ۷۷۱
بودین : ۱۷۵ ـ ۵۸۴ ـ ۵۹۹ ـ ۶۰۰ ـ ۶۰۲ـ ۶۰۴
بوس‌ها : ۱۷۵
به‌لیت : ۱۳۸۱
بی‌تی‌نیان : ۲۶۸ ـ ۷۳۵
بی‌دی : ۲۲۵۴ ـ ۲۲۵۵

پ

پاتسیها : ۱۱۵
پادی : ۶۳۳
پارتاکن : ۱۷۵
پاری‌کانیان : ۷۳۳ ـ ۷۳۹
پارنیان : ۲۱۹۸

پاساگاردیان : ۲۲۷ ـ ۲۳۰
پاسیل : ۲۵۸۹
پافلاگونی‌ها : ۲۴۴
پاکتیک : ۷۳۹ ـ ۱۴۷۳
پاگرادونی : ۲۵۸۸ ـ ۲۶۲۲
پانتالیان : ۲۲۷ ـ ۱۴۷۳
پاوینان : ۶۲۱ ـ ۷۴۹ ـ ۷۷۱ ـ ۱۲۵۴ ـ ۱۳۸۲
پ ایل : ۷۴۹
پختو : ۷۳۳
پداسیان : ۲۹۵
پررب : ۷۵۳
پرست : ۱۸۴۲
پرسیان : ۱۸۱۲
پروپونتیدها : ۲۱۵۱
پری‌ین‌یان : ۲۱۲۷
پسیک : ۱۴۷۳
پسیل : ۵۷۳
پلاسگ : ۶۲۶ ـ ۷۲۳ ـ ۷۴۱ ـ ۱۹۶۹
پهلوانی : (بل‌هوونی)
پی‌یرها : ۷۴۹
پی‌سوری : ۲۲۵۷
پی‌سی‌دیان : ۹۹۷ ـ ۱۰۰۰ ـ ۱۰۳۲ ـ ۱۰۴۹ ـ ۱۰۵۹ ـ ۱۰۶۱ ـ ۱۱۰۰ ـ ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۵ ـ ۱۱۵۱ ـ ۱۹۸۳

ت

تائوریها : ۲۴۵۸
تاتار : ۹ ـ ۱۰ ـ ۲۲۶۰
تازی : ۲۵۹۲ ـ ۲۵۹۶
تاورها : ۶۰۲
تپورها : ۱۵۷ ـ ۶۹۱ ـ ۱۵۰۸ ـ ۲۲۱۶
تتالیان : ۲۵۹۵ ـ ۲۵۹۷
تترانی : ۱۰۳۸ ـ ۱۰۹۹
تراوس : ۶۱۹
ترزنیان : ۷۹۰
ترکمان : ۲۱۸۸ ـ ۲۵۸۲
ترمیل : ۷۴۱
تسپیانها : ۷۸۲
تلانتیان : ۱۲۳۰
تمنید : ۱۱۹۳
توبال : ۳۷
توتون : ۲۴۶۰
تور ; ۱۵۷ ـ ۲۶۶
توکریانی : ۷۳۶
تونغوز : ۱۱ ـ ۲۲۵۳
تیان : ۲۹۴
تی‌بارنیان : ۶۹۲ ـ ۷۳۶ ـ ۱۰۹۱ ـ ۱۴۷۴
تیریان : ۱۷۶۶
تیس‌ساگت‌ها : ۵۸۴ ـ ۶۰۴

ث

ثامانیان : ۱۴۷۴ ـ ۱۵۰۵ ـ ۲۱۸۵ ـ ۲۱۹۵
ثین : ۲۲۵۵

ح

حرونی : ۱۱۶۲

خ

خالدها : ۳۶۳ ـ ۳۷۷
خالیبیان: ۷۳۶
خورها : ۱۴۱۰ ـ ۱۴۱۲ ـ ۱۸۸۹ ـ ۱۹۱۷

د

دائیها : ۲۲۷
دادی‌کس‌ها : ۷۳۳ ـ ۱۴۷۳
داردانیان : ۱۱۰۰
دارتیها : ۱۴۷۳
داس : ۹۲
داکی‌ها : ۲۴۵۸ ـ ۲۴۶۶ تا ۲۴۶۹
داهه : ۲۲۷ ـ ۴۵۴ ـ ۴۷۰ ـ ۴۷۱ ـ ۱۷۱۰ ـ ۱۷۲۲ ـ ۱۷۲۷ ـ ۱۸۱۴ ـ ۲۱۰۶ ـ ۲۱۹۲ ـ ۲۲۵۶ ـ ۲۲۵۷ ـ ۲۳۹۲ ـ ۲۴۰۳ تا ۲۴۰۵ ـ ۲۴۱۴ ـ ۲۴۲۹ ـ ۲۴۳۰

دبرها : ۷۴۹
دراگوگ : ۱۶۸۵
درانگ‌ها : (زرنگیان)
دراوید : ۱۱
دربیک : ۴۵۲ - ۴۵۴ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۲۲۵۶
درنگیان : (زرنگیان)
درویبك ها : ۲۲۷ - ۲۲۸
دروسیان : ۲۲۷
دریانی : ۲۸۷ - ۲۹۵ - ۹۴۱
دلپ‌ها : ۷۵۳ - ۷۷۱
دیادك : ۱۹۶۶
دیالمه : ۲۵۷۵

ر

رواقیون : ۷۸
روف سیان : ۲۵۸۹

ژ

ژرمن‌ها : ۱۲۲۹ - ۲۰۶۸ - ۲۳۹۵

س

سابا : (سیب‌ها)
ساپاردا : ۱۷۳
ساتر : ۷۴۸ - ۷۴۹
سارماتها : ۹۲ - ۶۰۰ تا ۶۰۴ - ۶۱۵ - ۶۱۷
۱۲۲۹ - ۱۷۰۸ - ۲۱۳۷ - ۲۲۸۲ - ۲۳۳۹
۲۴۰۱ - ۲۴۶۰ - ۲۴۷۸
ساس : (سکاها)
ساس‌پیر : ۱۸۴ - ۶۹۲ - ۷۳۷ - ۱۴۷۴
ساك‌ها : ۳۹ - ۱۷۶۱ و رجوع به‌سکاهاشود
ساکاردك : (سکاها)
ساکوراکه : ۲۲۷۷
ساکه سینیان : ۱۳۷۹
ساگارتی : ۲۲۷ - ۷۳۹ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۷ - ۱۵۹۶
۲۱۸۷
سامباست : ۱۸۴۳
ساموتراس : ۱۷۳۱
سامويد : ۸-۱۱
ساوروماث : ۵۸۴ - ۵۹۹
ساهارونی : ۹۷
ستروخات : ۱۷۵
ستریمون : ۷۳۶
ستیرن : ۷۹۰
سرها : ۹۳ - ۲۱۱۸
سکاها : ۲۹ - ۳۹ - ۴۰ - ۹۲ - ۱۳۰ - ۱۶۱ -
۱۷۳ - ۱۸۲ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۹۷ - ۱۹۸
۲۱۳ - ۲۱۷ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۴۲ - ۲۴۴
۲۶۷ - ۲۷۲ - ۳۳۰ - ۳۳۳ - ۳۳۹ - ۳۷۶
۴۲۶ - ۴۴۶ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۳ - ۴۷۴
۵۵۶ - ۵۶۱ - ۵۶۷ - ۵۶۹ - ۵۷۷ تا ۵۷۹
۵۸۱ تا ۵۹۰ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۸ تا
۶۰۷ - ۶۰۹ تا ۶۱۱ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۶
۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۲۷ - ۶۶۷ - ۶۷۱ - ۶۷۳
۶۷۶ - ۶۸۴ - ۶۸۸ - ۶۹۰ - ۷۰۶ - ۷۰۸
۷۰۹ - ۷۱۴ - ۷۲۷ - ۷۲۹ - ۷۳۲ - ۸۹۲ - ۹۲۸
۱۱۴۱ - ۱۱۹۲ - ۱۳۶۹ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶
۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۴۳۵ - ۱۴۳۷ - ۱۴۵۳
۱۴۵۴ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۱ - ۱۵۷۵
۱۵۷۶ - ۱۶۱۳ - ۱۶۳۳ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۳
۱۶۵۶ - ۱۶۸۴ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۷
تا ۱۷۱۰ - ۱۷۱۲ تا ۱۷۱۸ - ۱۷۲۲ - ۱۷۴۵
۱۷۵۸ - ۱۷۶۲ - ۱۷۸۱ - ۱۸۰۷ - ۱۸۱۴
۱۸۱۵ - ۱۸۸۹ - ۱۹۱۸ - ۱۹۴۲ - ۲۰۸۵
۲۱۳۷ - ۲۱۹۰ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۹ - ۲۲۰۵
۲۲۴۴ تا ۲۲۵۱ - ۱۲۵۶ تا ۲۲۶۷ - ۲۲۷۵
۲۲۷۷ - ۲۲۸۲ - ۲۳۰۴ - ۲۳۰۸ - ۲۳۰۹
۲۳۳۰ - ۲۳۳۸ - ۲۳۳۹ - ۲۳۷۸ - ۲۳۷۹
۲۴۰۱ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۵ - ۲۴۳۰ - ۲۴۳۱
۲۴۳۹ - ۲۴۵۷ - ۲۴۵۹ - ۲۴۶۰ - ۲۶۱۸
سك‌تیرخودا : ۴۷۱

سکلت : (سکاها)
سك‌هومه ورك : ۴۷۱
سکیث : (سکاها)
سکیریت : ۳۲۰
سلت‌ها : ۱۲۲۹ ـ ۱۹۲۲
سلگونی : ۲۶۰۷
سلن‌ها : ۲۲۵۳
سنیت : ۲۳۲۸ ـ ۲۵۰۵
سوبیان : (سیب‌ها)
سودرس : ۱۸۴۳
سورنیان : ۲۵۹۹ ـ ۲۶۶۲
سیب : ۱۸۳۶ ـ ۱۸۳۷
سی‌پیون : ۲۰۸۳
سیت : (سکاها)
سی‌تاکیان : ۱۳۸۰
سی‌گامبر : ۱۸۴۲
سی‌گین‌ها : ۶۲۰

ش

شامبات : ۲۲۶۸
شیراك : ۲۶۲۲

ط

طخاریها : ۲۲۵۸ ـ ۲۲۵۹ ـ ۲۲۶۴ ـ ۲۲۷۷

ع

عمونی‌ها : ۱۱۶۲

ف

فازیسیان : ۱۰۸۴
فتیودیت : ۷۵۳ ـ ۱۳۸۷
فلیاسیانها : ۸۵۹
فوسی‌دیان : ۸۵۸
فوط : ۴۴۴
فونیان : ۲۱۱۸ ـ ۲۲۵۹ و رجوع به هون‌شود
فین‌ها : ۸ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۲۴۶۰

ق

قارنیان : ۲۵۹۹
قبیل : ۳۱
قرقیزها : ۲۲۵۳
قمساراکان : ۲۵۹۹ ـ ۲۶۰۱ ـ ۲۶۲۲و رجوع به‌کامساراکان شود .

ك

کابالیان : ۷۳۶
کاتااونیان : ۱۳۸۱
کاتیان : ۱۸۰۰ ـ ۱۸۰۳
کادها : ۱۲۲۹
کادوسیان : ۱۵۷ ـ ۲۰۰ ـ ۲۱۲ ـ ۲۱۳ـ۲۱۷ ـ ۳۳۳ ـ ۳۳۵ ـ ۳۳۶ ـ ۳۳۹ ـ ۳۴۰ـ ۴۲۶ ـ ۴۲۹ ـ ۴۶۵ ـ ۶۹۱ـ ۱۱۲۶ تا ۱۱۲۹ ـ ۱۱۳۹ ـ ۱۱۴۱ـ ۱۱۸۹ ـ ۱۴۳۰ـ۱۴۶۸ ـ ۲۲۱۶ ـ ۲۶۲۴
کاریانها : ۷۴۱
کاسی‌ها : ۳۹ ـ ۱۰۸ ـ ۱۲۴ ـ ۱۴۸ـ ۱۵۷ ـ ۱۷۵ ـ ۱۳۱ ـ ۱۳۴ ـ ۱۶۹
کافرها : ۱۱
کالات : ۵۰۲
کالمیك : ۲۲۵۳
کاللی‌پید : ۵۸۲ ـ ۶۱۸
کامساران :۲۶۳۷ و رجوع‌به قمساریان شود
کرداس : (کرداك)
کرداك : (کردوخ)
کردوخ : (کردوك)
کردوك : ۹۸۹ ـ ۱۱۴۵ ـ ۱۵۴۴ ـ ۲۱۰۶
کرس‌ترنیان : ۶۱۹
کسانتی : ۲۲۵۷
کسپی‌ها : ۱۴۷۳
کش‌شو : (کوسی‌ها)
کفن : ۷۳۰
کلخ‌ها : ۶۹۶ ـ ۹۲۸ ـ ۱۴۷۵
کمانی : ۱۰۹۳
کوسی : ۱۳۲ ـ ۱۵۷ ـ ۶۴۳ ـ ۶۸۱ ـ ۶۸۲ـ

۷۳۱ـ ۷۳۲ ـ ۱۳۰۱ ـ ۱۳۸۹ ـ ۱۹۰۱
۱۹۰۳ـ ۱۹۰۵ ـ ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۷ـ ۱۹۲۵ـ
۱۹۴۴ ـ ۲۰۱۱ ـ ۲۰۷۸ ـ ۲۱۰۶
کوموخ : ۳۷
کیانیان : ۲۵۴۳ ـ ۲۵۵۰
کیرمیان : ۵۹۵
کیسی ، (کوسی)
کیمری : ۲۹ ـ ۳۹ ـ ۱۳۰ ـ ۱۸۲ ـ ۱۹۵ تا ۱۹۷ ـ ۳۷۶ ـ ۵۷۸ ـ ۵۸۲
کینان ، (کیانیان)

گ

گاد ، ۱۷۰۲ ـ ۱۸۶۶
گارامانت : ۵۷۳
گالات : ۱۹۱۱ و رجوع به‌گل شود
گالی : ۲۰۶۷ تا ۲۰۶۹ ـ ۲۱۳۴ ـ ۲۱۶۲
۲۲۰۰ـ ۲۲۸۱ ـ ۲۲۹۴ ـ ۲۳۱۱ـ ۲۳۳۲
۲۳۳۵ ـ ۲۳۷۷ـ ۲۴۹۲ ـ ۲۴۹۶ ـ ۲۵۸۵
گامارك ، ۲۰۱۶
گامیرا : ۱۷۱
گاندرید : ۱۸۰۳ ـ ۱۸۰۵ ـ ۱۸۱۲ـ ۱۹۷۳
گت : ۹۰ ـ۹۲ ـ ۵۹۵ ـ ۵۹۶ ـ ۶۰۲ـ۶۱۹
۱۲۲۸ ـ ۱۸۸۱ ـ ۲۶۲۲
گر : ۵۸۹
گرتوان : ۱۳۸۱
گرژیت : ۶۵۱
گرگانیها : (هیرکانیها)
گرمانیان : ۲۲۷
گگ (یأجوج)
گل : ۲۶۰۱
گوتی‌ها : ۱۱۶ ـ ۱۲۵ ـ ۳۸۵ ـ ۳۸۷ ـ ۳۹۴
گیل : ۵۶۲ ـ ۵۶۳
گیلیکام : ۵۷۲
گیندان : ۵۷۳

ل

لاراندیان : ۱۹۸۳
لاسدمونی‌ها : ۹۱۳ ـ ۱۱۳۵ ـ ۱۱۳۸
لاسونیان : ۷۳۶
لت‌ناگ : ۵۷۳
لکریان : ۷۵۳ ـ ۷۷۷ ـ ۱۳۸۷
لن‌کستیدها : ۱۱۹۳
لوکانیان (لی‌کا اوینان) : ۱۰۶۱ ـ ۱۹۱۷

م

مانیانیان : ۶۴۳ ـ ۶۹۲ ـ ۷۳۴ ـ ۱۴۷۴
مأجوج؛ ۶۱۷
مارها(مردها) ، ۲۰۰ـ۷۳۷ـ۱۴۷۴
۲۲۱۵ تا ۲۲۱۸ ـ ۲۲۲۰ ـ ۲۲۲۴ـ۲۲۳۱
۲۶۴۰ و رجوع به مردها شود
مارکومان : ۱۲۲۹
ماریاند : ۲۴۴ ـ ۲۶۸ ـ ۷۳۴ ـ ۲۱۵۱
ماسپیان : ۲۷۷
ماسا‌ژت‌ها : ۴۴۶ تا ۴۵۲ ـ ۴۷۰ ـ ۴۷۱ـ۴۷۳
۴۷۴ ـ ۵۰۱ ـ ۵۸۲ ـ ۵۸۶ ـ ۶۱۸ـ ۷۱۳
۱۵۰۶ ـ۱۷۲۲ تا ۱۷۲۴ ـ ۲۲۱۲ ـ۲۲۴۹
۲۲۵۶ تا ۲۲۵۸ ـ ۲۶۰۶ ـ ۲۶۱۵ تا ۲۶۱۸
۲۶۴۱
ماساگ : ۱۷۶۹
ماسان : ۱۸۴۲
ماسریان : ۱۸۳۱
ماك : ۵۷۳
ماکرن : ۷۳۶ ـ ۱۰۸۶ ـ ۱۰۸۷ ـ ۱۴۷۴
ماگنت‌ها : ۷۵۳ـ ۱۴۷۱
ماله : ۷ ـ ۱۰
مالین : ۱۷۵۶
مامی‌گونی : ۲۵۹۴ ـ ۲۶۱۶ ـ ۲۶۲۲
مانتاگونی : ۲۶۰۸
مان‌تی‌نیان : ۸۶۱
م ان‌یان : ۷۳۵ ـ ۷۳۶
مائی : ۱۷۳
مرا : ۴۰

مردها : ۱۵۷ ـ ۲۲۷ ـ ۲۴۰ ـ ۱۳۸۷ ـ ۱۳۸۹
۱۴۲۶ ـ ۱۶۴۵ ـ تا ۱۶۴۷ ـ ۱۷۱۹ ـ ۱۹۰۷
و رجوع به‌ماردهاشود
مرمریان : ۱۲۷۷
مرفیان : ۲۲۷
مرمنادها : ۱۹۴ ـ ۱۹۵
مزی‌نك : (موزی‌نك)
مسخ‌ها : ۶۹۲ ـ ۷۳۶ ـ ۱۴۷۴
مسک : ۲۴۳۶
مغ‌ها : ۱۷۵ ـ ۲۱۹ ـ ۲۲۰ ـ ۳۲۶ ـ ۳۶۷ ـ ۲۵۳۴
۲۵۳۵ ـ ۲۵۳۷ ـ ۲۵۷۴ ـ ۲۶۸۹
مغول : ۹ ـ ۱۱ ـ ۲۵۷۴
مگارها : ۸۵۹
ملان‌خ‌لن : ۵۸۳ ـ ۵۹۸ تا ۶۰۰ ـ ۶۰۲ ـ ۶۰۴
۶۰۵
ملس : ۱۲۱۲
ملیان : ۷۵۳
مماسن : ۱۷۰۴ ـ ۱۷۰۵ ـ ۱۹۴۰
منچو : ۹ ـ ۲۲۵۵
مندسیان : ۱۱۳۲
موزی‌نک : ۷۳۶ ـ ۱۰۸۹ تا ۱۰۹۱ ـ ۱۴۷۴
موسیکانها : ۱۸۴۳
میتانی : ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۹ ـ ۵۰
می‌سیان : ۲۶۸ ـ ۱۰۴۹ ـ ۱۰۶۱ ـ ۱۱۰۰
۱۱۰۷
می‌کیان : ۷۳۳ ـ ۱۴۷۴
میگدنیان : ۱۰۷۳
میندیان : ۱۳۰۱
مین‌نی : ۲۲۶۹

ن

ناسامن : ۵۷۲ ـ ۵۷۳
نبطی‌ها : ۲۰۳۸ تا ۲۰۴۱
نورها : ۵۸۳ ـ ۵۹۹ تا ۶۰۲ ـ ۶۰۵
نیپ‌سی : ۵۹۵

و

واندال : ۹۰ ـ ۲۶۲۲
ورکانیان : ۱۵۰۸
ونت : ۶۱۱

ه

هایک : (هیت)
هراکلی : ۱۹۴ ـ ۲۸۳
هنت : ۱۲۸۵
هوت‌تن‌تت : ۱۱
هوریت : (اوریت)
هون : ۶۱۴ ـ ۲۲۵۵ تا ۲۲۵۷ ـ ۲۲۶۳ ـ ۲۵۹۱
۲۶۱۴ تا ۲۶۱۸
هی‌پاخیان : ۷۴۰
هی‌پربری : ۵۸۶ ـ ۵۸۷
هیت : ۲۰ ـ ۳۹ ـ ۴۰ ـ ۵۰ ـ ۵۱ ـ ۱۲۰ ـ ۱۲۴
۱۲۷ ـ ۲۷۶ ـ ۳۷۶ ـ ۵۶۷ ـ ۹۴۴ ـ ۱۴۷۴
۱۵۲۹ ـ ۲۱۱۲ ـ ۲۱۲۲ ـ ۲۱۹۴ ـ ۲۲۷۰
هیرکانی : ۳۲۰ ـ ۳۲۱ ـ ۳۳۰ ـ ۲۴۵۹
هیکسوس : ۱۱۸

ی

ینیان : ۳۴۷ ـ ۶۰۷ ـ ۶۰۹ ـ ۹۲۴ ـ ۹۴۱
یوئه‌چی‌ها : ۲۰۸۸
یهود : ۸ ـ ۳۹۷ ـ ۴۰۲ ـ ۸۹۹

فهرست اسامی کتب* و مجلات

الف

آپولونیوس‌تیانا : ۲۶۵۹

آثارالباقیه : ۱۰۴ - ۲۳۲ - ۴۷۸ - ۹۰۷-۹۵۴
۱۱۴۱ - ۱۱۸۸ - ۲۵۵۳

آثار پیغمبر دزدان : ۳۸م

آرزو (کتاب) : ۱۲۱م

آنابازیس :۸۵

آوستا : (اوستا)

آینده (مجله) : ۵۷م

ابی‌گون : ۵۸۶

اخبارالطوال : ۱۰۲

ادیسه : ۱۹ - ۱۷۰۳ - ۲۰۷۱

از پرویز تا چنگیز : ۱۳۴م

استر (کتاب) : ۲۱۷ - ۸۹۷

اسکندر نامه نظامی : ۱۴۰م

اسنادمحرمانهٔ سیاسی : ۱۱۶م - ۱۱۷م

اشعار جاویدان‌پارسی : ۱۳م

اطلاعات ماهانه : ۲۵م - ۲۹م - ۳۱م - ۷۴ م

اکونومیکا : ۷۲ - ۱۴۸۲ - ۱۵۰۳

اغانی‌الکبیر : ۱۰۳

افه‌مرید : ۱۹۳۳

افی‌ژنی ، ۵۹۹

امپراطوری روم : ۲۳۷۴

انساب‌الاشراف : ۱۰۱

انقلاب‌ایران : ۷م - ۹م - ۱۰م- ۲۷م - ۴۱م

اورفه : ۲۶۵۸

اوری پید : ۱۲۱۱ - ۱۷۲۹ - ۱۷۳۱ - ۱۷۵۴
۱۹۱۸ - ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷ - ۲۶۹۶

اوستا : ۱۴۶ - ۱۵۶ - ۱۵۹ - ۱۶۱ - ۲۲۰ -
۱۵۱۶ -۱۵۱۷ - ۱۵۳۰ - ۱۵۴۸-۲۱۹۵
۲۱۹۶ - ۲۴۶۵ -۲۵۴۳ - ۲۶۴۷-۲۶۹۱
۲۷۱۹

ایران‌باستان : ۱م - ۱۲۹م -۱۳۱م تا ۱۳۵ -۱۳۸م
۱۳۹م - ۲۷۲۳

ایران باستانی : ۱۲۶م تا ۱۳۰م - ۱۳۲م

ایران در جنگ بزرگ: ۵۲م- ۵۴م -۵۵م-۶۲م
۱۱۵م - ۱۲۰م - ۱۲۱م

ایرانشهر : ۹۳ - ۲۴۵۹ - ۲۶۲۴

ایران‌قدیم : ۱م - ۱۲۹م - ۱۳۰م

ایلیاد و ادیسه : ۱۹ - ۶۶۱ - ۱۷۰۳

ایندیکا : ۲۰۶۶

ب

بازیگران عصر طلائی : ۸۴م - ۸۸م - ۹۸ م -
۱۰۰م

باستانشناسی (مجله) : ۳م- ۱۴۳ م

البدءوالتاریخ : ۱۰۴ - ۲۵۶۷

برسومه : ۲۶۰۹

بزاس : ۲۳۲۴

بستان‌السیاحه:۳م

البیان والتبیین : ۱۰۱

* نام‌کتب‌خارجی بصورت ترجمهٔ آن‌که درکتاب ضبط‌بوده آمده‌است، نه‌نام اصلی‌کتاب.

بیدپای (داستان) : ۲۳۲۴

پ

پراگماتیک : ۷۷

پرسی‌کا : ۷۳ - ۹۳۴

پریپ‌لوس : ۶۸

پنج‌کتاب کرونولوژی : ۸۸

پواتیک : ۷۰

ت

تاریخ احزاب‌سیاسی : ۲۳م - ۳۷م - ۵۶م‌تا۵۸م
۶۷م - ۷۷م - ۷۸م - ۸۳م تا۸۵م - ۹۰م

تاریخ ارمنستان : ۲۲۰۲ - ۲۲۷۱

تاریخ‌الامم والملوك : ۱۰۱ - ۲۵۲۹

تاریخ انقلاب مشروطیت : ۱۹م

تاریخ ایران : ۲۹م - ۲۲۷۶ - ۲۶۷۸

تاریخ‌بیداری ایران : ۳۵م - ۱۰۰م - ۱۱۰م

تاریخ بیداری‌ایرانیان : ۵م - ۷ م‌تا۱۰م -۱۲م
۱۴م - ۱۹م - ۲۱م - ۲۲م -۱۲۲م- ۱۲۴م

تاریخ بیست‌ساله ایران : (کودتای۱۲۹۹)

تاریخ بیضاوی : ۲۵۷۹

تاریخ بیهقی : ۱۰۸م

تاریخ پیدایش‌مشروطیت ایران : ۹۵

تاریخ‌حیوانات : ۲۲۴۰

تاریخ دارون : ۹۷

تاریخ‌الرسل‌والملوك : ۱۰۱ ورجوع‌به طبری‌شود

تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس : ۱۰م

تاریخ روم : ۸۹

تاریخ‌سری : ۹۰

تاریخ‌سنی‌ملوك‌الارض : ۱۰۲ - ۹۰۷ - ۲۵۶۵

تاریخ شریف : ۱۱م

تاریخ صنایع پرگام : ۲۱۵۰

تاریخ عمومی : (اسکار یگر در اشخاص)

تاریخ عهدقدیم : ۲۲۳۸

تاریخ کامل : رجوع‌به‌الکامل و ابن اثیر شود.

تاریخ‌کرمان : ۳م - ۱۳۶م - ۱۴۳م

تاریخ‌گزیده: ۲۵۷۶ -۲۵۷۸ و رجوع‌به‌مستوفی شود

تاریخ مردوخ : ۴۹م

تاریخ مشرق‌قدیم : ۳۸۸

تاریخ مشروطه ایران و . . . : ۴۷ م

تاریخ مشروطیت ایران : ۱۱م- ۱۹م -۲۲-۴۰م
۴۴م

تاریخ‌مغول : ۱۳۱م- ۱۳۴م

تاریخ‌نایین : ۴م - ۵م

تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان : ۱۱۹ م

تاریخ‌یهود : ۲۳۸۱

تایمز (روزنامه) : ۸۱م

تجارب‌الامم : ۱۰۵ - ۲۵۶۸

تحفة النظارفی غرائب‌الامصار : ۱۰۷

تفسیری برحقوق جزا : ۱۳۵ م

تقویم‌البلدان : ۱۰۶

التنبیه والاشراف :۱۰۳ - ۲۵۴۲ - ۲۵۵۲

تورية : ۴-۷ - ۸ - ۱۸- ۳۰ - ۳۱ - ۳۴-۳۶
۴۹ - ۵۲ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۳ - ۶۴ - ۸۱
۱۱۳ - ۱۳۱ - ۱۶۸ - ۱۷۰ تا ۱۷۳-۱۸۱
۱۸۲ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۲ تا ۱۹۴ -۲۱۷
۲۸۶ -۳۸۳- ۳۹۵ -۳۹۷ - ۳۹۸ - ۴۰۳
۴۰۸ - ۴۴۴ -۴۴۶ - ۴۷۴ - ۴۷۶-۴۷۸
۵۳۷ - ۶۱۷-۶۹۸ - ۷۳۵ - ۸۹۷ - ۸۹۹
۹۰۷ - ۹۵۶ - ۹۹۱ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۷ -
۱۴۶۵ - ۱۵۳۱ - ۱۵۵۰-۱۵۵۴-۲۰۷۰
۲۲۱۷ - ۲۲۶۸ - ۲۲۶۹

ج

جغرافیای مفصل‌ایران : ۲۱۸۴

جنگ درونی : (آپ‌پیان)

جهان‌نو : ۱۴م - ۱۳۶م

ح

حبل‌المتین : ۴۸م - ۱۰۲م - ۱۰۴م تا۱۰۷م

حبیب‌السیر : ۲۵۷۹

حقوق‌بین‌المللی : ۱۲۶م

حقیقت (روزنامه) : ۷۸ - ۷۹م

حیات‌یحیی : ۶م - ۴۰م - ۴۱م - ۴۵م - ۴۹م - ۵۲م - ۵۵م - ۵۸م - ۷۳م - ۸۰م - ۸۲م - ۸۷م - ۸۸م - ۹۱م - ۹۸م - ۱۰۱ تا ۱۰۴م - ۱۱۰م - ۱۱۳م

حیله‌های‌جنگی : ۲۱۷۹

خ

خاطرات‌و خطرات: ۴م-۹م - ۱۸م - ۲۲ م-۲۵م - ۷۸م - ۸۱م - ۹۲م - ۹۳م

خالدایکا : ۷۶

خداینامه : ۲۵۴۲ - ۲۵۴۵

خس‌توی:۸۸

خطابه‌تقی‌زاده : ۴۳م

خوشه (مجله) : ۹۳م

د

داستانهای‌ایران‌قدیم : ۱۲۷م - ۱۲۹م - ۱۳۰م

دانشکدهٔ ادبیات(مجله) : ۱۳۳م

در باب رودها (کتاب) : ۷۳

در باب‌کوهها (کتاب) : ۷۳

درر‌التیجان : ۲۲۷۶ - ۲۳۳۲ - ۲۳۴۸ - ۲۳۸۰ - ۲۵۸۱ - ۲۵۸۲

الدرة‌الیتیمه: ۱۰۰

دریانوردی بدور آسیا : ۷۳

دنیا (سالنامه) ۳۴م - ۳۵م- ۴۳م - ۵۰م- ۵۲ م ۸۳م

دیلی‌تلگراف (روزنامه) : ۵۳

دین‌کرت : ۱۵۱۶

دیوان‌عارف : ۶۴م

ذ

ذوالقرنین یاکورش‌کبیر : ۱۴۴م

ر

راسدشون : ۲۶۰۹

رستاخیزایران : ۸۱م

روضات‌الجنان : ۱۰۳

روضة‌الصفا : ۴م- ۲۵۷۷ - ۲۵۷۸

ریگ‌ودا : ۱۵۳ - ۱۵۴۸

ز

زندگانی سیاسی‌احمدشاه : ۶۰م - ۶۸م - ۷۱ م

زندگانی‌من : ۵م- ۸م - ۱۳م‌تا ۱۸م- ۲۱م-۲۳م- ۲۵م - ۳۰م - ۵۹م -۶۱م - ۶۲م - ۶۹-۷۰ ۷۲م

س

سوریه (کتاب) : ۲۲۷۱

سیاقة‌الجداول : ۲۵۵۴

سیر‌الملوك‌الفرس :۹۹

سیرو‌پدی : ۷۲ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۳۳ - ۲۶۶- ۲۹۶

ش

شاهنامه :۳م - ۱۱۸۸ - ۲۵۴۱ -۲۵۴۹- ۲۵۵۶- ۲۵۵۷ و رجوع به‌فردوسی شود

ص

صنایع ایران قدیم : ۲۷۲۰

صور‌الاقالیم : ۱۰۳

ض

ضیافت حکماء : ۲۱۷۵

ط

طرایق‌الحقایق : ۳م

طوفان (روزنامه) : ۶۵م

ع

عقدالعلی : ۹۰م - ۱۲۶م

عوبدیا : ۱۷۳

غ

غرراخبار ملوك‌الفرس : ۹۰۷ - ۲۵۵۷

ف

فاستی هله‌نی‌کس : ۲۱۵۳
فتوح‌البلدان : ۱۰۱
فکر آزادی : ۱۰م
الفهرست : ۱۰۱ ـ ۱۰۲ و رجوع به ابن‌الندیم شود
فیلیپیک : ۷۹

ق

قاموس کتاب‌مقدس : ۹۴۶
قانون‌بطلمیوس : ۹۵۱

ك

کارنامه اردشیر بابکان : ۱۲۱۲ ـ ۲۵۳۰
الکامل :۱۰۵ ـ۹۰۷ ـ ۲۵۶۸ ـ ۲۶۱۲ورجوع به‌ابن‌اثیرشود
کانتمپوری (روزنامه) : ۸۱ م
کتاب آبی : ۹م ـ ۱۱م ـ ۲۵م ـ ۲۹م
کتاب آرزو : ۲۶م
کشف‌الظنون : ۱۰۱
کلیله‌ودمنه : ۱۰۰ ـ ۲۳۲۴
کودتای ۱۲۹۹ : ۶۶ ـ ۶۷ ـ ۶۹ ـ ۷۳ ـ ۷۵ ـ ۷۷ ـ ۸۹ ـ ۹۱ ـ ۱۰۳ ـ ۱۰۷ ـ ۱۰۹
کوروپدی : (سیروپدی)
کینگ : ۶۴

گ

گاثها : ۱۵۳۰
گزارش‌ایران: ۱۰م ـ ۲۱م ـ ۶۳م ـ ۶۴م ـ ۷۰م ـ ۷۷م ـ ۸۴م ـ ۹۰م ـ ۱۰۰م
گیل‌گامش : ۵۳

م

المجست : ۱۱۰ ـ ۲۰۶۵ ـ ۲۱۷۷
مجمع آسیائی‌پادشاهی (مجله): ۵۴۹
مجموعهٔ معاهدات ایران‌بادول‌خارجه : ۱۳۶م
مختصرالدول : ۱۰۶ ـ ۲۳۲ ـ ۴۷۸ ـ ۹۰۷
المختصر فی‌اخبار البشر : ۱۰۶
مرآت‌البلدان : ۱۴۴م
مروج‌الذهب : ۱۰۱ ـ ۱۰۳ ـ ۱۵۶ ـ ۱۶۳ ـ ۲۳۲ ـ ۴۷۸ ـ ۹۰۷ ـ ۹۴۵ ـ ۱۲۱۲ ـ ۲۵۵۰ تا ۲۵۵۲
المسالک والممالک : ۱۰۲ ـ ۱۰۳
معجم‌البلدان : ۱۰۶ ـ ۱۵۶ ـ ۱۴۳
مقامات‌حمیدی : ۹۰م
مکاله سونتاکسیس : (المجست)
مهرداد (نمایشنامه) : ۲۱۴۷
می‌له‌زیاك : ۲۳۲۳

ن

نامهای ایرانی : ۹۰۷
نامه‌خسروان : ۲۵۴۲ ـ ۲۵۴۵
نثرفارسی‌معاصر : ۱۳۳م
نوبهار(روزنامه) : ۷۶م

و

ودا : ۱۵۳ ـ ۱۵۹ ـ ۱۵۴۸

ه

الهند (ماللهند): ۱۰۴
هیئت‌فینیقیه : ۵۷
هید : ۱۳۱۸
هیستوری‌کن : ۹۰ ـ ۹۱

ی

یادگار (مجله) : ۲۸م ـ ۱۱۵م ـ ۱۱۶م
یغما (مجله) : ۴ م تا ۶م ـ ۱۰م ـ ۱۳م ـ ۱۴م ـ ۳۱م ـ ۱۲۴م
یکصدوپنجاه سال سلطنت : ۵۵م

فهرست بعض اصطلاحات خاص*

الف

آارن (محل) ، ۱۶۹۳ - ۱۷۷۵ - ۱۷۸۰
آبیان (محل) : ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳
آب‌پولونی (شهر) : ۵۹۵
آپستانه : ۱۵۰۹
آپیس (گاو) ۴۹۷ تا ۴۹۹ - ۵۰۵ - ۵۰۶-۵۱۸
۵۶۶ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۳ - ۱۳۵۳
آئوری (واحد) ، ۲۶۸۲ - ۲۶۸۳
آئرپات : ۲۵۳۰ - ۲۶۲۴ - ۲۶۲۸
آئریادی : ۵۴۰ - ۵۴۵
آرارات (دولت) : ۱۲۹
آراد (شهر) : ۱۱۶۷ - ۱۱۶۸
آراق ملکو ، ۲۶۸۰
آرتمیزیوس (ماه) : ۱۲۴۹
آرتی‌می‌تا (محل) : ۱۵۱
آرژیروسپید : ۱۳۸۷ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ -
۲۰۰۵-۲۰۱۸ - ۲۰۲۰
آرگس (جزیره) : ۸۸۵ - ۸۸۷ - ۲۰۶۳
آرگیشتی : ۴۸
آریستوکرات : ۹۸۴
آزوتوس : (محل) : ۲۰۳۶
آزما ، ۱۴۱۶ - ۱۷۸۹ - ۱۸۹۰
آگی‌نانس (شمشیر) : ۷۲۸
آگاروی ، ۱۴۹۲
آگاوه (محل) : ۳۸۷

آلاباند (شهر) : ۸۳۱
آلالیا (محل) ، ۲۹۴
آلکساندروپولیس (محل) :2115
آماسیا(محل) : ۲۱۲۳
آماتونت (محل) ، ۶۴۸
آن‌تردون (حشره) : ۱۶۴۴
آن‌خیالن (محل) : ۱۲۹۱
آندراك (محل) : ۱۷۶۷
آندروس(محل) : ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۷-۱۳۲۹
آنگارین : ۸۱۷
آوگیل (محل) : ۵۷۲
آیینهٔ اسکندر ، ۱۹۱۶
اپارخی ، ۲۱۰۲
اجی‌بی (بانك) ، ۱۲۳ - ۳۹۱ - ۹۵۱
اتلیانی(دولت): ۲۰۶۹
اتوکرات : ۲۶۸۳
الحساء (محل) ، ۱۱۸
ادوك‌نیش (ماه): ۵۴۴ -۱۴۹۸
ارتبه (واحد) : ۱۶۶ - ۴۳۸ -۱۴۷۶ - ۱۴۹۸
ارخ‌من (محل) : ۷۷۷
ارناو : ۳۶-۳۷
ارخواتیش : ۳۷۵
ارسانگس : ۸۱۲
ارش (واحد) : ۱۴۹۸
اسپرسا (واحد) : ۱۴۹۷

---

* برخی اسامی نیز که در فهرست کلی از قلم افتاده بود در اینجا اضافه شد .

اسکوفور : ۳۴۹
اشک‌ناز : ۱۷۲
اکستر : ۱۷۷۷ ـ ۱۷۷۸
الارو : ۳۶
المپیاد : ۱۱۲
امِمی(گیاه) : ۱۵۲۲ ـ ۱۵۲۳
انامك (ماه) : ۵۴۰ ـ ۵۴۲ ـ ۵۴۳ ـ ۵۴۷ ـ ۵۵۴ ـ ۱۴۹۹
انگسته (واحد) : ۱۴۹۷
اور (محل) : ۳۳
اوری مدون : ۱۱۲۳
اولیگارشی : ۹۴۰
ایپ‌سوس (محل) : ۲۲۱۴
ایلوت : ۸۴۴ ـ ۸۴۵ ـ ۸۸۵ ـ ۸۹۶
ایلیون(محل) : ۲۰۹۹
ایمبروس (محل) : ۱۱۱۸
ایندوس (محل) : ۱۸۴۵
ایوبی (امراء) : ۱۰۶

ب

بازی : ۱۲۵
بازی‌لوس : ۲۶۲۸
بازی‌لوس بازی‌لئون : ۲۶۵۶
باغ‌یادیش (ماه) : ۵۳۳ ـ ۱۴۹۸ ـ ۱۴۹۹
باکانال (جشن) : ۴۶۹ ـ ۲۳۲۶
باکانت : ۱۸۶۷ ـ ۲۳۲۵
بغاای بیش : ۱۵۲۶
بور (اسب) : ۱۴۱م
بوسفال(اسب) : ۱۲۲۲ ـ ۱۶۴۶ ـ ۱۷۸۷ ـ ۱۷۹۲
بیس‌تاکس : (ویتاکسا)

پ

پاتری‌ثیان : ۲۵۲۱
پاتسی : ۱۲۶ ـ ۱۲۷ ـ ۱۳۳
پاراخواتر (محل) : ۱۹۰۸
پاسارگاد(محل) : ۴۵۳ ـ ۴۷۲ ـ ۴۷۳
پاش (سلسله) : ۱۲۵
پاکاوان (محراب) : ۲۶۰۸
پاگاس‌جیك (کشور) : ۲۶۱۷
پئوم‌بوتی (محل) : ۱۲۱۲
پت‌ریوم (محل) ۱۵۲۹
پختو (زبان) : ۲۲۶۶ و رجوع به‌پشتو شود
پتواوس (محل) : ۸۳۰
پراسیان (دولت) : ۲۰۵۷
پرتوریان : ۲۴۵۱
پرثنها (واحد) : ۱۴۹۷
پردیس : ۴۶۱
پرسه‌اید (نژاد) : ۲۴۴
پروقنسول : ۲۲۸۲
پسیت‌تالی(محل) : ۸۱۰ ـ ۸۱۶
پشتو (زبان) : ۲۲۱
پلطر (واحد) : ۱۶۶
په‌ریتاس (سگ) : ۱۷۹۳
پوم (بازی) : ۱۹۳۰
پومپه‌یوپولیس (محل) : ۲۳۹۷
پی‌تانات : ۸۵۲
پی‌نار (محل) : ۱۳۲۱

ت

تارسوس (شهر) : ۲۴۵۶
تارکودی‌مو : ۴۹
تالان : ۶۹ ـ ۲۶۶ ـ ۹۱۱ ـ ۹۳۹ ـ ۲۲۸۶
تانائیس (رود) : ۱۹۷۲
تاهی یا (دولت) : ۲۲۶۴
تئوپاتر : ۲۶۵۷
تئوس : ۲۶۵۶
تئوکراسی : ۲۴۷۲
تئوما : ۲۶۴۷
تربنت (گیاه) : ۹۹۳ ـ ۱۵۲۷
تروگ‌لود (محل) : ۲۰۷۴
تریبون : ۲۲۹۸

تری‌رم(کشتی) : ۵۶۱ - ۹۲۶ - ۹۳۰ - ۹۳۵-
۱۱۳۵
تلنار (کشتی) : ۱۰۵ م
توپارخس : ۲۶۲۸
تیکتا (جشن) : ۸۹۱
تیگران‌ثرتا (شهر) : ۲۴۲۸ - ۲۴۴۲-۲۴۴۳
ث
ثای‌گرچیش(ماه) : ۱۴۹۹
ثور واهر(ماه) : ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۶ - ۱۴۹۹
ج
جام‌هرقل : ۱۹۱۴ - ۱۹۳۲
چ
چای گرسیس (ماه) : ۵۴۳
خ
خالد (نژاد) : ۳۶
خوتك‌دس : ۲۶۹۴
خیلی‌آرك : ۱۹۹۷ - ۲۰۵۴
د
دافنه (محل) : ۵۷۱
دراخم : ۲۶۷۵ و رجوع به‌دریك‌شود
دریك (واحد) : ۳۲۸ - ۱۴۹۴ - ۲۶۰۸
دری‌فور : ۴۲۴ - ۱۲۹۶ - ۱۹۴۸
دزیوس (ماه) : ۱۲۴۹ - ۱۹۳۲
دكاسترات : ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶
دم : ۲۱۱۱
دموایت : ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶
دموتیك : ۴۲- ۱۰۹
دیو : ۱۵۷
ده‌یو : ۲۶۴۷
دیفتری بازی‌لی‌کای : ۱۴۶۶
ر
رادی‌ناكه (روغن) : ۶۸۲
رامس سی (محل) ۵۰۶
رزت (سنگ ۴۲،
رواقی(مذهب) : ۸۵ - ۸۶
رین‌تاسس (مرغ) : ۱۰۹۶
ز
زن‌تو : ۲۶۲۷
س
ساتراپ : ۴۳۸ - ۲۶۵۰
سام‌بوكا : ۲۶۹۹
سانتور : ۱۹۱۳
سانگالا (محل) : ۱۸۰۰ - ۱۸۰۲
سانسكریت (زبان) : ۱۵۴۷
سپیتام (واحد) : ۱۳۷۰
ستاتر (واحد) : ۱۶۶ - ۵۶۰
ستات‌مس (میهمانخانه) : ۱۴۹۰
ستاد(واحد) : ۱۶۶ - ۱۴۹۷
ستل‌نرم‌سین : ۵۶ - ۱۲۵
سرامیان (بازار) : ۹۹۹
سس‌ترث (واحد) : ۲۴۵۰
سلیمان (كوه) : ۱۴۴
سمر : ۵۰۳
سن‌ژولین (قلعه) : ۴۲
سیت‌تاس : ۱۹۷۳
سی‌تال : ۲۳۲۴
سی‌داریس (تاج) : ۱۲۹۸
سیرتا (محل) : ۹۳۴
سیرگبس (محل) : ۶۰۴
سیرن (موجود افسانه‌ای) : ۱۹۱۳
سیزیكوس (محل) : ۲۱۴۱
سی‌كمر (درخت) : ۳۴
سیكل (واحد) : ۱۴۹۴
ش
شاپور (شهر) : ۱۲۶۵
شاراپیس : ۷۵
شن(واحد) : ۱۶۶
شنیس (واحد) : ۱۶۶
ط
طراخنه(سلسله) : ۲۵۵۷
غ
غار (درخت) : ۲۴۵۱
ف
فالانژ : ۳۵۷ تا ۳۵۹
فروراك : ۲۱۰۲
فریت‌كارا : ۲۶۲۵ - ۲۶۲۷

فلسطین (محل): ۸۸-۸۹ - ۱۷۰
فیلارخ : ۲۶۲۸

ك

کاپریوس(رود) : ۲۴۲۹
کادوسه (عصا) : ۸۶۶ - ۸۶۷
کارانس : ۱۴۶۷
کارنی(عید) : ۷۷۸
کالیندیان (کشتی) : ۸۱۳-۸۱۴
کلازومن (محل) : ۱۱۱۸
کنکر (واحد) ، ۲۵۸۵
کوتیل (واحد) ، ۱۶۶ - ۱۵۴۶
کورول (کرسی) : ۲۴۵۱
کیداریس (تاج) : ۱۴۶۳
کیس‌لو(ماه) : ۳۸۸
کی‌یف (شهر) : ۶۱۵

گ

گاما (واحد) : ۱۴۹۸
گراتیون (خانواده) : ۲۲۶۸
گرم‌پد (ماه) : ۵۳۳-۵۴۵ - ۵۴۶- ۱۴۹۹

ل

لازید (سلسله) : ۲۱۵۳
لامائیسم (مذهب) : ۲۲۵۳
لخ : ۳۰۶ - ۳۵۱ - ۱۰۶۵
لخاز : ۱۰۶۵
لیبرا (واحد) : ۲۶۸۳
لیکتور : ۲۳۱۹ - ۲۳۲۱ - ۲۳۲۳
لیه (واحد) : ۱۳۷۸

م

مارات‌زواتردر : ۲۵۸۶
مازندر : ۲۶۰۱
ماستیگوفور : ۴۲۵
ماگوفونی(عید) : ۵۲۵ - ۵۳۱
مان : (منه)
مدیمن (واحد) ، ۱۶۶
مرا ، ۴۰
مرات : ۵۸
مرغزن (مرگ زن،ماه) : ۵۴۸ - ۱۴۹۹
مرهش‌وان (ماه) ، ۳۸۸ - ۳۹۲
مروایت : ۲۰
مکاس بازی لوس : ۲۶۲۸
ملکا : ۲۶۲۶
ملوفور : ۱۳۸۹
منه(واحد) ، ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸
مورات‌زان(سلسله) : ۲۵۸۶
موریاس (سلسله) ، ۲۰۵۷
موز (رب‌النوع) ، ۱۲۴۱
میتر (کلاه) ، ۷۳۲
میز آفتاب : ۴۹۳ - ۴۹۵
میش‌مکن (چوب) : ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷
مین (واحد) ، ۱۶۶ - ۲۲۸۶

ن

ناباتا (سلسله) : ۴۰
ناخازار : ۲۶۱۶
نافه : ۲۶۴۷
نردبام (راه) : ۲۰۱۲
نرگال(مریخ) : ۱۸۹
نمان : ۲۶۴۷
نه‌نه(مجسمه) ، ۱۳۸ - ۱۳۹
نی‌سین (سلسله) ، ۱۱۷

و

وس‌دهیو : ۱۵۸۲ - ۱۵۸۴
ویتاکسا ، ۲۶۴۶ - ۲۶۵۰
وی‌خن (ماه) : ۵۳۲ - ۵۴۵ - ۵۴۷ - ۱۴۹۹
ویس : ۲۶۴۷
ویس‌پت : ۲۶۴۷

ه

هارماماکس (گردونه) ، ۷۲۲ - ۱۴۶۵
هارمست : ۱۱۰۲ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۹
هئومه(گیاه)، ۹۹۳-۱۴۵۳ ورجوع به‌تربنت شود
هتر ، ۱۲۵۷ - ۱۷۱۶
هتر (زن‌بدعمل) : ۲۱۵۵
هکاتوم‌بیان(ماه) ، ۱۴۴۵
هوزوارش ، ۱۵۵۴
هوموتیم : ۲۹۷
هی‌پاس‌پیست : ۱۳۰۷- ۱۶۴۵ - ۱۶۵۳-۱۸۲۰
هیپ‌پوسان‌تور : ۳۲۳
هیروگلیف (خط) : ۴۱- ۴۲ - ۱۶۱۵
هی‌یاسینت (عید) : ۸۳۵ - ۸۳۸

پایان اعلام ایران باستان